



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عزیز ما صاب

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

سجده

۱۳۳

تعمیر و مرمت  
سجدههای امامزاده علی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف)

نویسنده:

آیت الله العظمی سید روح الله موسوی خمینی قدس سره

ناشر چاپی:

موسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۵	صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) جلد ۱۳
۱۵	مشخصات کتاب
۱۶	اشاره
۲۹	بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان سفرای کشورهای اسلامی (به مناسبت عیدفطر)
۳۰	مبارک آن روزی است که تمام دولت های اسلامی با ملت ها با هم باشند
۳۲	روحانیت بعضی ممالک با تکفیر ما دانسته یا ندانسته در خدمت ابرقدرت ها هستند
۳۴	بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان مجلس شورای اسلامی
۳۴	مقایسه چهره نورانی مجلس شورای اسلامی با مجالس دوران قبل از انقلاب
۳۵	موعظه به نمایندگان محترم مجلس در رعایت اصل تفاهم و حل و فصل مسالمت آمیز مشکلات
۳۸	ناتوانی قدرت مجهز به سلاح های مدرن و آتشین در مقابل ایمان و انسجام یک ملت
۴۰	پیام امام خمینی در تجلیل از شهدای پاسدار کردستان (پاوه)
۴۱	پیام امام خمینی به بنی صدر در مورد وقوع سانحه هوایی
۴۲	بیانات امام خمینی در جمع قضات شرع و دادستان های انقلاب اسلامی کشور
۴۲	قوای ثلاثه اساس یک کشور است
۴۴	حفظ نظام از واجبات الهی است
۴۵	قضاوت یکی از عبادات الهی است
۴۷	بیانات امام خمینی در جمع گروهی از مردم ارومیه
۴۷	ما هر چه داریم از خداست و برای خدا باید خرج کنیم
۴۸	فرمان امام خمینی به حجت الاسلام امام جماراتی
۴۹	فرمان امام خمینی به حجت الاسلام نظام زاده
۵۰	بیانات امام خمینی در جمع مردم شهرستان ارومیه
۵۰	امیدوارم که این نهضت منتهی به ظهور امام عصر سلام الله علیه بشود
۵۱	بیانات امام خمینی در جمع گروهی دیگر از مردم شهرستان ارومیه
۵۱	امروز کشور مال شماسست و کار در آن به نفع ملت و خودتان است

- بیانات امام خمینی در جمع اعضای جهاد سازندگی استان سیستان و بلوچستان ، جیرفتو دزک آباد یزد و اقشار مختلف مردم ..... ۵۲
- طرح های اساسی ابر قدرت ها این است که با اسماً مختلف و با صورت های متعدد بین برادرها اختلاف بیندازند ..... ۵۲
- علاوه بر جهاد سازندگی ، جهاد با نفس خودتان هم بکنید ..... ۵۴
- بیانات امام خمینی در جمع مردم شهرستان اردبیل و دشت مغان ..... ۵۷
- قیامی که برای خدا و اسلام باشد پایدار است ..... ۵۷
- امروز همه امور دست خود ملت است ..... ۵۷
- مردم برای اسلام قیام کردند و دلسرد نمی شوند ..... ۵۸
- ملتی که برای خدا قیام کند از هیچ چیز نمی ترسد ..... ۵۸
- بیانات امام خمینی در جمع بانواد اردبیلی ..... ۶۰
- ملتی که شهید در راه اسلام دارد آسیب نخواهد دید ..... ۶۰
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از مردم استان باختران (کرمانشاهان) ..... ۶۱
- اگر قیام لله شد پشتوانه اش الله است ..... ۶۱
- با اخلاق و رفتار اسلامی این نهضت را حفظ کنید ..... ۶۳
- بیانات امام خمینی در جمع بانوان کرمانشاه و اعضای بنیاد مستضعفان و بنیاد فرهنگی اما در شیراز ..... ۶۵
- پاسخ امام خمینی به تلگرام لئونید برژنف ..... ۶۶
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اعضای بسیج ملی (مستضعفین) ..... ۶۷
- همه ملت امیدشان به خدا باشد و از هیچ توطئه ای نترسند ..... ۶۷
- قوای مسلح باید مراتب را حفظ بکنند ..... ۶۸
- بیانات امام خمینی در جمع کارگران ، نویسندگان و کارمندان مؤسسه اطلاعات و شرکت ایران چاپ ..... ۶۹
- رسانه های گروهی باید حامل پیام ملت و اسلام باشد ..... ۶۹
- اگر رسانه های گروهی اصلاح بشود ، جامعه اصلاح می شود ..... ۷۰
- همه به فکر تصفیه و تهذیب باشند ..... ۷۱
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از علما و روحانیون کردستان (سنندج) ..... ۷۳
- ظلم ، اساس و پایه سلطنت طاغوت ..... ۷۳
- مسلمان برادرند و تفرقه پیدا نمی کنند ..... ۷۴
- در جمهوری اسلامی مناطق محروم بیشتر مورد توجهند ..... ۷۵
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از دانشجویان ایرانی مقیم هندوستان ..... ۷۶

- ۷۶ ..... ملت های اسلامی باید کوشش کنند که حق را در جامعه خودشان پیاده کنند
- ۷۷ ..... در مقابل کسانی که نهضت را بعکس جلوه می دهند بایستید
- ۷۸ ..... بیانات امام خمینی در جمع اعضای خانواده امام موسی صدر (رهبر شیعیان لبنان)
- ۷۸ ..... خدمت کردن و زجر کشیدن در راه هدف ، شیوه اولیاً خداست
- ۸۰ ..... بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اقشار مختلف مردم شهر قم
- ۸۰ ..... قم مرکز علم ، تقوا ، شهادت و شهامت است
- ۸۱ ..... بیانات امام خمینی در جمع گروهی از دانشجویان پاکستانی و معلمین شرکت کننده در سمینار ترکیه و بازآموزی انقلاب فرهنگی
- ۸۱ ..... تمام انبیا معلم هستند و تمام بشر دانشجو
- ۸۲ ..... راه خدا تمام ابعاد انسانی را الهی می کند ، و راه کفر به فساد رهنمون می شود
- ۸۴ ..... نامه بنی صدر به محضر امام خمینی
- ۸۴ ..... اینجانب دخالتی در امور نمی کنم ، موازین همان بود که کرارا گفته ام و سفارش من آن است که آقایان تفاهم کنند و اشخاص مؤمن به انقلاب و مدیر و مدبر و فعال انتخاب نمایند .
- ۸۵ ..... بیانات امام خمینی در جمع پرسنل ژاندارمری جمهوری اسلامی
- ۸۵ ..... رضاخان ، مهره دست نشانده اجانب و برای سرکوبی عشایر و روحانیت
- ۸۶ ..... ادارات که به فرم ادارات زمان طاغوت است باید متحول بشود
- ۸۷ ..... قوای مسلحه باید خدمتگزار مردم و سرکوب کننده توطئه گران باشد
- ۸۸ ..... با نبودن نظم و انسجام در قوای مسلحه ، مملکت حفظ نمی شود
- ۹۰ ..... فرمان امام خمینی به کلیه دادگاه های ارتش جمهوری اسلامی
- ۹۰ ..... به تمام دادگاه های ارتش اخطار می شود
- ۹۴ ..... پیام امام خمینی به مناسبت دومین سالگرد ۱۷ شهریور
- ۹۷ ..... پیام امام خمینی به مناسبت سالگرد رحلت آیت الله طالقانی
- ۹۸ ..... بیانات امام خمینی در جمع شرکت کنندگان ایرانی در کنفرانس نیمه دهه زن در کپنهاک
- ۹۸ ..... سازمان ملل در خدمت ابر قدرت ها و برای بازی دادن سایر کشورهاست
- ۹۸ ..... خانم ها باید روی آن عفت عمومی کارهای اجتماعی و سیاسی را انجام دهند
- ۱۰۱ ..... بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت دولت برادر محمد علی رجائی
- ۱۰۱ ..... حب نفس و غفلت از خدا بزرگترین خطر برای هر انسانی است
- ۱۰۲ ..... ما هر چه داریم از این ملت اسلامی است که با فریاد الله اکبر پیروز شد
- ۱۰۲ ..... ما باید ببینیم این ملتی که ما را به این مقام ها رسانده اند از ما چه می خواهند

- هر که گفت باید به من اطاعت کنید ، این شیطان است ----- ۱۰۳
- اگر برای مصالح خودمان دعوا کنیم نه برای مصالح ملت ، ما هم طاغوتیم ----- ۱۰۵
- جنگ و نزاع بین شما و غافل شدن از ملت خواست اجانب است ----- ۱۰۵
- خودتان را حاکم مردم ندانید ، خدمتگزار بدانید ----- ۱۰۶
- بدون اختلاف هم تان را صرف خدمت به ملت کنید تا پیش خدا آبرومند باشید ----- ۱۰۷
- اگر کسی قلم که دستش گرفت انتقاد کند برای انتقامجویی ، این همان شیطان است ----- ۱۰۸
- سعی کنید کارهایتان ضربتی و برای مردم باشد ----- ۱۰۸
- پیام امام خمینی به زائرین بیت الله الحرام ----- ۱۱۰
- پاسخ امام خمینی به تلگرام آیت الله العظمی گلپایگانی ----- ۱۱۵
- پاسخ امام خمینی به تلگرام آیت الله العظمی مرعشی نجفی ----- ۱۱۶
- پاسخ امام خمینی به تلگرام آیت الله العظمی شیرازی ----- ۱۱۷
- پاسخ امام خمینی به نامه حجت الاسلام مولائی سرپرست آستانه مقدسه حضرت معصومه (علیه السلام) ----- ۱۱۸
- فرمان امام خمینی به جناب آقای محمد علی رجائی ----- ۱۲۰
- بیانات امام خمینی به مناسبت آغاز تحصیلی جدید ----- ۱۲۱
- اگر چنانچه عراق تجاوز را تکرار کند ما دستور می دهیم ملت ما بسیج بشوند ----- ۱۲۱
- سفارش به ملت ایران در حفظ خونسردی و جلوگیری از شایعه سازان ----- ۱۲۲
- ارتش عراق بداند که این جنگ هواداری از کفر و برخلاف رضای خداست ----- ۱۲۳
- ملت عراق با تمام قوا کوشش کند که صدام فاسد را از بین ببرد ----- ۱۲۳
- پیام امام خمینی به ملت ایران ----- ۱۲۵
- پیام امام خمینی به ارتش و اقشار مختلف مردم عراق ----- ۱۲۶
- پیام امام خمینی در رابطه با مانور هوائی جمهوری اسلامی ----- ۱۲۷
- پاسخ امام خمینی به تلگرام روحانیون تبریز ----- ۱۲۸
- پیام امام خمینی خطاب به علمای اعلام و حجج اسلام و مشایخ اهل سنت و نمایندگان مجلس شورای اسلامی ----- ۱۲۹
- بیانات امام خمینی خطاب به ملت و ارتش جمهوری اسلامی ایران و ارتش و ملت عراق ----- ۱۳۱
- وحدت کلمه و اتکال به ذات مقدس حق تعالی رمز پیروزی ارتش اسلام ----- ۱۳۱
- تجلی نصرت و قدرت الهی در تحول روحی ملت برای مقابله با دشمن ----- ۱۳۲
- نصیحت به قوای مسلح عراق برای بازگشت به آغوش اسلام ----- ۱۳۳



- ملت عراق بپاخیزید و از اسلام و حیثیت خودتان دفاع کنید ----- ۱۳۴
- پاسخ اما خمینی به تلگرام تبریک آیت الله العظمی مرعشی نجفی ----- ۱۳۶
- بیانات امام خمینی در جمع مردم مرزنشین کشورمان ----- ۱۳۷
- در جنگ ، واقعیت فعال و متحرک انسان بروز می کند ----- ۱۳۷
- پیام امام خمینی به ملت و ارتش عراق ----- ۱۴۱
- تلگراف تسلیت امام خمینی به حجت الاسلام اشتیانی ----- ۱۴۵
- بیانات امام خمینی در دیدار با گروهی از جوانان مبارز عراقی ----- ۱۴۶
- مصاحبه امام خمینی با خبرنگاران خارجی ----- ۱۴۷
- فرمان امام خمینی در مورد هماهنگی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ----- ۱۴۸
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از طلاب و روحانیون مبارز عراق ----- ۱۴۹
- پیام امام خمینی به ملت شریف و قوای مسلح عراق ----- ۱۵۰
- پیام امام خمینی به مناسبت عید اضحی (قربان) ----- ۱۵۲
- بیانات امام خمینی در جمع سفرای کشورهای اسلامی ----- ۱۵۴
- اسلام یک دین عبادی سیاسی است ----- ۱۵۴
- بردولت های اسلامی واجب است که با دولت عراق مقاتله کنند ----- ۱۵۵
- مسلمین باید توجه به قدرت اسلام داشته باشند ----- ۱۵۷
- بیانات امام خمینی خطاب به حبیب شطی ، دبیرکل کنفرانس کشورهای اسلامی ----- ۱۵۹
- بیانات امام خمینی در جمع نخست وزیر ، اعضای هیأت دولت ، نمایندگان مجلس شورای اسلامی ، مدیران مراکز رادیویی شهرستان ها و اقشار مختلف مردم ----- ۱۶۱
- انسان یک موجود عجیبی است در جمیع مخلوقات باریتعالی ----- ۱۶۱
- وقتی که مقاصد عالی شد ، زحمت های در راه آن باید در نظر انسان نباشد ----- ۱۶۲
- معیارها را باید معیارهای الهی قرار بدهیم ----- ۱۶۳
- آنچه که انسان را مطمئن می کند ، ذکر خداست ----- ۱۶۴
- ما سر اسلام دعوا داریم ، اسلام و ضد اسلام نمی شود با هم تفاهم کنند ----- ۱۶۷
- بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان مسلمان پیرو خط امام ----- ۱۷۱
- اگر یک ملتی بخواهد پیش ببرد ، باید بت ها را بشکند ----- ۱۷۱
- ما برای شکم قیام نکردیم ، ما برای اسلام قیام کردیم ----- ۱۷۴
- ما ملتی هستیم که با وحدت کلمه و اتکال به خدا همه چیز را می توانیم پیش ببریم ----- ۱۷۵

- تا منزوی نشوید ، نمی توانید مستقل شوید ----- ۱۷۷
- با تمام قدرت بیست سال هم این جنگ اگر طول بکشد ، ما ایستاده ایم ..----- ۱۷۹
- بیانات امام خمینی در جمع وعاظ و خطبای مذهبی ..----- ۱۸۱
- اهداف شوم کارشناسان خارجی از شناسائی ذخائر فرهنگی و اقتصادی کشور ----- ۱۸۱
- در مقابله با نقشه های غارتگران هوشیار باشید ..----- ۱۸۴
- نقش مجالس روضه خوانی و عزاداری سیدالشهدا در حرکت مردم ----- ۱۸۴
- تبلیغات منحرفین و روشنفکر نمایان در جهت تضعیف شعائر و مظاهر اسلامی ..----- ۱۸۶
- لزوم طرح مسائل سیاسی - اجتماعی روز از سوی وعاظ در مجالس عزاداری ..----- ۱۸۹
- با مسائل و مشکلات کشور از راه اسلامی برخورد کنید ..----- ۱۹۰
- هشدار بر لزوم شکست حصر آبادان توسط قوای مسلحه ----- ۱۹۱
- تقویت روحیه قوای مسلحه با تقدیر و پشتیبانی ملت ..----- ۱۹۱
- دولت و ملت برای خودکفائی کشاورزی و صنعتی کوشش کنند ..----- ۱۹۲
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از حجاب پاکستانی ..----- ۱۹۴
- کعبه خانه ناس و محلی برای اجتماع و زیارت مسلمین ..----- ۱۹۴
- پیغمبر اسلام مبعوث شده است بر تمام بشر در مشارق ارض و مغارب ارض ----- ۱۹۴
- قرآن کریم میزان را تقوا قرار داده است و صدام عربیت را ----- ۱۹۵
- ما بر حسب امر خدا از اسلام و کشور خودمان دفاع کردیم ----- ۱۹۶
- چرا مسلمین بر ضد مستکبرین قیام نمی کنند؟ ..----- ۱۹۶
- من برای مسلمین و برای اسلام اعلام خطر می کنم ----- ۱۹۸
- بیانات امام خمینی در جمع فارغ التحصیلان دومین دوره دانشکده افسری ارتش جمهوری اسلامی ..----- ۱۹۹
- دشمن اصلی ابر قدرت ها ، اسلام است ----- ۱۹۹
- وقتی یک ملت در یک امر اسلامی همدست شدند ، هیچ قدرتی نمی تواند آنها را عقب بزند ..----- ۲۰۲
- اگر کسی شعارهای باطل خواست بدهد ، با قوت او را بکوبید ..----- ۲۰۴
- بیانات امام خمینی در جمع اقشار مختلف مردم قم ..----- ۲۰۶
- اسلام همه قدرتمندها را از بین برد و بیرون کرد ..----- ۲۰۶
- باید این اسلام را حفظش کنند و در زیر پرچم اسلام مجتمع بشوند ----- ۲۰۹
- انقلاب اسلامی ما ، پرثمرترین و کم ضایعه ترین انقلاب جهان ----- ۲۱۲

- بیانات امام خمینی در جمع فارغ التحصیلان آموزشگاه افسری شهربانی جمهوری اسلامی ..... ۲۱۴
- قوای مسلحه باید خدمتگزار ملت باشند ، نه حاکم ..... ۲۱۴
- استفتا رئیس کل بانک مرکزی ایران از محضر امام خمینی ..... ۲۱۷
- بیانات امام خمینی در جمع استانداران سراسر کشور ..... ۲۱۸
- آن چیزی که اسباب ضعف دولت و جدائی مردم از آن دولت است آن عبارت از کیفیت عمل همه دستگاه هاست ..... ۲۱۸
- باید لفظاً و عملاً به مردم حالی کنند که ما خدمتگزاریم ..... ۲۱۹
- باید جوری باشید که مردم مثل برادر شما را در آغوش بگیرند ، مملکتتان با این ترتیب حفظ خواهد شد ..... ۲۲۲
- کارهای انجام شده را به مردم عرضه کنید تا شیاطین نگویند کاری نشده ..... ۲۲۴
- به این بندگان خدا باید خدمت بکنیم ، چون خدا احتیاج به خدمت ما ندارد ..... ۲۲۵
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران انقلاب اسلامی عازم جبهه های جنگ ..... ۲۲۶
- لزوم وحدت و پرهیز از اختلافات یک تکلیف شرعی و الهی برای همه ..... ۲۲۶
- تضعیف روحانیت ، توطئه برای غارت و وابسته کردن ما ..... ۲۲۷
- مقصد ، شکست ابرقدرت هاست ..... ۲۲۸
- بیانات امام خمینی در دیدار با سه تن از مخترعین ..... ۲۲۹
- بیانات امام خمینی در جمع فرماندهان سپاه پاسداران و مسؤولین دایره سیاسی - ایدئولوژیک ارتش جمهوری اسلامی ..... ۲۳۰
- یکی از چیزهایی که برای ساختن انسان مفید است ، تلقین است ..... ۲۳۰
- امروز همه اقشار ملت باید پاسدار اسلام باشند ..... ۲۳۲
- الان اسلام در دست ماست و اگر آسیب ببیند همه ما مسوول هستیم ..... ۲۳۲
- منافق شما را دعوت به اسلام حقیقی می کند و خودش آن را نمی خواهد ..... ۲۳۳
- تلگرام امام خمینی به آیت الله العظمی گلپایگانی ..... ۲۳۵
- بیانات امام خمینی در جمع معلولین و پاسداران انقلاب اسلامی شهرستان تبریز ..... ۲۳۶
- شما زبان گویای اسلام و افتخار هستید ..... ۲۳۶
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای دفتر تحکیم وحدت حوزه - دانشگاه ..... ۲۳۷
- علم و تعهد به منزله دویال برای رسیدن به مراتب ترقی و تعالی هستند ..... ۲۳۷
- دانشگاه در سراسر دنیا در خدمت ابرقدرت ها هستند و ما می خواهیم نباشند ..... ۲۳۸
- این دو مرکز (فیضیه و دانشگاه ) باید با هم باشند و علم و عمل را به منزله دو بال بدانند ..... ۲۴۰
- حالا شیاطین بیشتر در فکر هستند که روحانی را از یک طرف بگویند و دانشگاهی را از یک طرف ..... ۲۴۲

- بیانات امام خمینی در جمع اعضای خانواده های شهدای اصفهان ..... ۲۴۴
- سعدت را آنها بردند که آن چیزی را که خدا به آنها داده بود تقدیم کردند ..... ۲۴۴
- تلگرام تسلیت امام خمینی به حجت الاسلام سید محمد علی انگجی ..... ۲۴۵
- فرمان امام خمینی به حجت الاسلام شیخ مهدی کروی ..... ۲۴۶
- بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه شهرستان ها ..... ۲۴۷
- تاثیر القانات شیاطین مبنی بر عدم دخالت روحانیون در امور سیاسی ..... ۲۴۷
- سیاست که عبارت است از (هدایت جامعه ) ، مختص انبیاست ..... ۲۴۸
- حیله ها در کار است که شما را از سیاست کنار بزنند ..... ۲۴۹
- همه ملت مسوولند در حفظ اسلام که امانت الهی است ..... ۲۵۰
- هوشیاری در مقابل خلافاکارهای عوامل نفوذی و جلوگیری از آنان ..... ۲۵۱
- وحدت برادران شیعه و سنی به برکت جمهوری اسلامی ..... ۲۵۳
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از معلولین انقلاب اسلامی و جوانان داوطلب اعزامه جبهه ها ..... ۲۵۴
- آنها که خون شهیدان را برای به قدرت رسیدن وسیله قرار می دهند از فطرت انسانی خارجند ..... ۲۵۴
- چه بکشید و چه کشته شوید پیروزید ..... ۲۵۵
- بیانات امام خمینی در جمع عشایر خوزستان و اعضای شوراهای اسلامی دشت آزادگان ..... ۲۵۶
- اسلام آمده است تا تمام ملل دنیا را با هم متحد کند به یک امت بزرگ ..... ۲۵۶
- حزب منفور بعث ثابت کرد که نوکر قدرت های بزرگ است ..... ۲۵۶
- در اسلام هیچ یک از قشرها بر دیگری تفوق ندارند مگر به تقوا ..... ۲۵۷
- ما امیدواریم که ملت های اسلامی بپا خیزند و دست های فاسد و خائن را قطع کنند ..... ۲۵۷
- بیانات امام خمینی در جمع مسوولان نهضت سواد آموزی سراسر کشور ..... ۲۵۹
- قلم ها اگر در دنیا برای خدا و برای خلق خدا به کار بیفتند مسلسل ها کنار می رود ..... ۲۵۹
- توجه کنید که آموزش و پرورش وقتی نافع است که به اسم رب باشد ..... ۲۶۱
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن های اسلامی و کسبه مشهد ..... ۲۶۳
- امروز حفظ وحدت و آرامش مهم ترین وظیفه برای پیشبرد انقلاب است ..... ۲۶۳
- بیانات امام خمینی در جمع اهالی خرم آباد و خانواده های شهدای دزفول ..... ۲۶۵
- عالم محضر خداست ، در محضر خدا معصیت نکنید ..... ۲۶۵
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای خانواده های شهدای نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ..... ۲۷۰

- ۲۷۰ ..... حضور شیرزنان در صحنه برای فداکاری و مجاهدت
- ۲۷۱ ..... ملت باید علاوه بر جهاد ، استقامت در جهاد داشته باشد
- ۲۷۱ ..... تلاش مفسدین شایعه ساز برای تضعیف روحیه ملت
- ۲۷۴ ..... بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان مرکز تربیت معلم تبریز و اعضای بسیج مستضعفین مشهد و تنکابن
- ۲۷۴ ..... همه انسان ها در خسارت هستند مگر مومنینی که عمل صالح داشته باشند
- ۲۷۵ ..... امروز ملت ما کشور و دولت را از خودشان می دانند
- ۲۷۷ ..... پاسخ امام خمینی به تلگرام رئیس جمهور در تبریک پیروزی سپاهیان اسلام
- ۲۷۸ ..... بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت تحریریه مجله سروش
- ۲۷۸ ..... مطبوعات باید در خدمت خواسته مردم ، یعنی اسلام باشد
- ۲۷۹ ..... انتخاب افراد در مطبوعات امر مهمی است
- ۲۸۰ ..... رسانه ها مربی یک جامعه هستند
- ۲۸۲ ..... یکی از رسالت های مطبوعات سست کردن مبانی تحلیلی دشمن است
- ۲۸۳ ..... وظیفه قلم ها سازندگی است نه غرض ورزی
- ۲۸۵ ..... بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت دولت برادر رجائی (نخست وزیر)
- ۲۸۵ ..... مقید باشید به اینکه کارهایتان را بگوئید به مردم ، اگر نگوئید موجب تضعیف می شود
- ۲۸۷ ..... به مردم بفهمانید که خدمتگزارشان هستید
- ۲۸۸ ..... این یک تحول معجزه آسایی است که شده است و امیدوارم که محفوظ باشد
- ۲۹۰ ..... ما مسلمان هستیم ، ما مسؤولیم پیش خدا
- ۲۹۱ ..... بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اعضای انجمن های اسلامی دانشجویان خارج از کشور و سفرا و کارداران دولت جمهوری اسلامی
- ۲۹۱ ..... اعمال شما در خارج باید طوری باشد که صادر کننده انقلاب باشد
- ۲۹۳ ..... با اخلاق و تبلیغات اسلامی بنیادهای طاغوتی و غربی را در هم بکوبید
- ۲۹۴ ..... انسان باید تزکیه و تربیت اسلامی را اول از خودش شروع کند
- ۲۹۵ ..... وظیفه شما در معرفی اسلام بیشتر از ماست که در داخلیم
- ۲۹۶ ..... بیانات امام خمینی در جمع گروهی از دانشجویان مراکز تربیت معلم شهرستانهای اصفهان ، شیراز ، یزد و اراک
- ۲۹۶ ..... عالم ، مدرسه است و معلمین آن ، انبیا و اولیا هستند
- ۲۹۷ ..... تربیت و تزکیه مقدم بر تعلیم است
- ۲۹۹ ..... جمهوری ما وقتی اسلامی می شود که خدای تبارک و تعالی در این ملت حاکم باشد

- آن علمی میزان و برای بشر سعادت است که تربیت در آن باشد ..... ۳۰۰
- اسلحه داشتن دلیل بر خیانت است و توطئه ..... ۳۰۱
- هر کس به من نسبت بدهد مطلبی را بر خلاف دستورات اسلامی ، دروغ گفته است ..... ۳۰۲
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از مسؤولین بنیاد شهید انقلاب اسلامی ..... ۳۰۳
- شهید نظر می کند به وجه الله ..... ۳۰۳
- خدمت در بنیاد شهید در رأس خدمت هاست ..... ۳۰۴
- بیانات امام خمینی در میان جمعی از خانواده های شهدای رودسر ، کاشان ، تبریز و اعضای واحد فرهنگی ستاد جهاد سازندگی تهران ..... ۳۰۶
- کوشش رضاخان در سرکوبی عشایر و روحانیون و منع مراسم و دستجات مذهبی ..... ۳۰۶
- ابطال نقشه های عمال اجانب با مقاومت و هماهنگی قوای انتظامی و سپاه پاسداران در برابر حمله متجاوزین ..... ۳۰۷
- ملت ما ، جریان تاریخ را عوض کرد ..... ۳۰۸
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اصناف و بازاریان تهران و جوانان خوزستانی ..... ۳۱۰
- بازار باید مظهر تام اسلام و عدالت باشد ..... ۳۱۰
- اشخاصی که در جنگ تشخیص نمی دهند ، راجع به جنگ اظهار نظر نکنند ..... ۳۱۲
- بیانات امام خمینی در جمع کارگران و کارمندان چاپخانه هفده شهریور ، ..... ۳۱۴
- باید برای استقلال ، از خواب غفلتی که اجانب در ما بوجود آورده بیدار شویم ..... ۳۱۴
- امید را که جنود الله است در خود زنده و یاس را نابود کنید ..... ۳۱۷
- نویسندگان و گویندگان باید به جای اشکالتراشی به مردم امید و اطمینان بدهند ..... ۳۱۷
- گروهگ ها می خواهند شخصیت هائی را که در رأس کارند ، از نظر مردم بیندازند ..... ۳۱۸
- اسلام پیش ما امانت است ، با قلم ها و قدم ها به آن خیانت نکنیم ..... ۳۲۰
- درباره مرکز ..... ۳۳۵

مشخصات کتاب

سرشناسه: خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، 1279 - 1368.

عنوان و نام پدیدآور: صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) / تدوین سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی (گروه انتشارات).

وضعیت ویراست: [ویراست؟].

مشخصات نشر: تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، 1370 -

مشخصات ظاهری: ج.

شابک: دوره 5-126-422-964: ؛ 36000 ریال: ج. 1، چاپ دوم 3-127-422-964: ؛ 3500 ریال (ج. 2، چاپ دوم)؛ 3500 ریال (ج. 3، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 3، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 3، شمیز)؛ 3500 ریال (ج. 4، چاپ دوم)؛ 3500 ریال (ج. 5، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 5، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 5، شمیز)؛ 3500 ریال (ج. 6)؛ 4950 ریال (ج. 8، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 9، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 9، شمیز)؛ 9500 ریال (ج. 9، چاپ دوم)؛ 36000 ریال (ج. 10، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 10، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 10، شمیز)؛ 39000 ریال (ج. 11، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 15، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 15، شمیز)

یادداشت: ج. 1 و 2 (چاپ دوم: 1370).

یادداشت: ج. 3 - 5 (چاپ دوم: تابستان 1371).

یادداشت: ج. 3، 5 و 10 (چاپ؟: بهمن 1361).

یادداشت: ج. 6 (چاپ اول: زمستان 1371).

یادداشت: ج. 8 (چاپ دوم: 1373).

یادداشت: ج. 9 و 15 (چاپ؟: بهمن 1361).

یادداشت: ج. 9 (چاپ دوم: پائیز 1374).

یادداشت: ج. 10 (چاپ دوم: بهار 1378).

یادداشت: ج. 11 (چاپ دوم: 1378).

موضوع: خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، 1279 - 1368. -- پیام ها و سخنرانی ها

موضوع: فتوا های شیعه -- قرن 14

موضوع: ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، 1357 -- اسناد و مدارک

موضوع: ایران -- تاریخ -- جمهوری اسلامی، 1358 - -- اسناد و مدارک

شناسه افزوده: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی. گروه انتشارات

شناسه افزوده: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

شناسه افزوده: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی

رده بندی کنگره: DSR1572 1370

رده بندی دیویی: 955/08308

شماره کتابشناسی ملی: م 66-73

ص: 1

**اشاره**



- ۲۰ فرمان امام خمینی به حجت‌الاسلام نظام‌زاده ۵۹/۵/۲۶
- ۲۱ بیانات امام خمینی در جمع مردم شهرستان ارومیه ۵۹/۵/۲۶
- ۲۱ - امیدوارم که این نهضت منتهی به ظهور امام عصر سلام‌الله علیه بشود
- ۲۲ بیانات امام خمینی در جمع گروهی دیگر از مردم شهرستان ارومیه ۵۹/۵/۲۶
- ۲۲ - امروز کشور مال شماسست و کار در آن به نفع ملت و خودتان است
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای جهادسازندگی استان سیستان و بلوچستان، جیرفت و دزک، آباد یزد و اقشار مختلف مردم ۵۹/۵/۲۷
- ۲۳ - طرح‌های اساسی ابرقدرت‌ها این است که با اسماء مختلف و با صورت‌های متعدد بین برادرها اختلاف بیندازند
- ۲۳ - علاوه بر جهاد سازندگی، جهاد با نفس خودتان هم بکنید
- ۲۵ بیانات امام خمینی در جمع مردم شهرستان اردبیل و دشت مغان ۵۹/۵/۲۷
- ۲۸ - قیامی که برای خدا و اسلام باشد پایدار است
- ۲۸ - امروز همه امور دست خود ملت است
- ۲۸ - مردم برای اسلام قیام کردند و دل‌سرد نمی‌شوند
- ۲۹ - ملتی که برای خدا قیام کند از هیچ چیز نمی‌ترسد
- ۳۱ بیانات امام خمینی در جمع بانوان اردبیلی ۵۹/۵/۲۷
- ۳۱ - ملتی که شهید در راه اسلام دارد آسیب نخواهد دید
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از مردم استان باختران (کرماتشاهان) ۵۹/۵/۲۸
- ۳۲ - اگر قیام شه شد پشتوانه‌اش الله است
- ۳۲ - با اخلاق و رفتار اسلامی این نهضت را حفظ کنید
- ۳۴ بیانات امام خمینی در جمع بانوان کرماتشاه و اعضای بنیاد مستضعفان و بنیاد فرهنگی امام در شیراز ۵۹/۵/۲۸
- ۳۶ - باسخ امام خمینی به تلگرام لئونید برژنف ۵۹/۶/۲
- ۳۷ بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اعضای بسیج ملی (مستضعفین) ۵۹/۶/۴
- ۳۸ - همه ملت امیدشان به خدا باشد و از هیچ توطئه‌ای نترسند
- ۳۸ - قوای مسلح باید مراتب را حفظ بکنند

- بیانات امام خمینی در جمع کارگران، نویسندگان و کارمندان مؤسسه اطلاعات و شرکت ایران چاب ۵۹/۶/۴
- ۴۰ - رسانه‌های گروهی باید حامل پیام ملت و اسلام باشد
- ۴۱ - اگر رسانه‌های گروهی اصلاح بشود، جامعه اصلاح می‌شود
- ۴۲ - همه به فکر تصفیه و تهذیب باشند
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از علما و روحانیون کردستان (سنندج) ۵۹/۶/۴
- ۴۴ - ظلم اساس و پایه سلطنت طاغوت
- ۴۵ - مسلمان‌ها برادرند و تفرقه پیدا نمی‌کنند
- ۴۶ - در جمهوری اسلامی مناطق محروم بیشتر مورد توجهند
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از دانشجویان ایرانی مقیم هندوستان ۵۹/۶/۴
- ۴۷ - ملت‌های اسلامی باید کوشش کنند که حق را در جامعه خودشان پیاده کنند
- ۴۸ - در مقابل کسانی که نهضت را بعکس جلوه می‌دهند بایستید
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای خانواده امام موسی صدر «رهبر شیعیان لبنان» ۵۹/۶/۶
- ۴۹ - خدمت کردن و زجر کشیدن در راه هدف، شیوه اولیاء خداست
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اقشار مختلف مردم شهر قم ۵۹/۶/۶
- ۵۱ - قم مرکز علم، تقوا، شهادت و شهامت است
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از دانشجویان پاکستانی و معلمان شرکت‌کننده در سمینار تزکیه و بازآموزی انقلاب فرهنگی ۵۹/۶/۸
- ۵۲ - تمام انبیا معلم هستند و تمام بشر دانشجو
- ۵۳ - راه خدا تمام ابعاد انسانی را الهی می‌کند، و راه کفر به فساد رهنمون می‌شود
- باسخ امام خمینی به نامه بنی صدر ۵۹/۶/۱۱
- ۵۵
- بیانات امام خمینی در جمع پرسنل ژاندارمری جمهوری اسلامی ۵۹/۶/۱۱
- ۵۶ - رضاخان، مهره دست‌نشانده اجانب و برای سرکوبی عشایر و روحانیت
- ۵۷ - ادارات که به فرم ادارات زمان طاغوت است باید متحول بشود
- ۵۸ - قوای مسلحه باید خدمتگزار مردم و سرکوب‌کننده توطئه‌گران باشد
- ۵۹ - با نبودن نظم و انسجام در قوای مسلحه مملکت حفظ نمی‌شود

- فرمان امام خمینی به کلیه دادگاه‌های ارتش جمهوری اسلامی ۵۹/۶/۱۶ ۶۱
- فصل دوازدهم: جنگ نابکار صدامی ۶۳
- پیام امام خمینی به مناسبت دومین سالگرد ۱۷ شهریور ۵۹/۶/۱۷ ۶۵
- پیام امام خمینی به مناسبت سالگرد رحلت آیت‌الله طالقانی ۵۹/۶/۱۸ ۶۷
- بیانات امام خمینی در جمع شرکت‌کنندگان ایرانی در کنفرانس نیمه‌دهه زن در کپنهاک ۵۹/۶/۱۹ ۶۸
- سازمان ملل در خدمت ابرقدرت‌ها و برای بازی دادن سایر کشورهاست ۶۸
- خانم‌ها باید روی آن عفت عمومی کارهای اجتماعی و سیاسی را انجام دهند ۶۸
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت دولت برادر محمدعلی رجائی ۵۹/۶/۲۰ ۷۱
- حب نفس و غفلت از خدا بزرگترین خطر برای هر انسانی است ۷۱
- ما هرچه داریم از این ملت اسلامی است که با فریاد الله اکبر پیروز شد ۷۲
- ما باید ببینیم این ملتی که ما را به این مقام‌ها رسانده‌اند از ما چه می‌خواهند ۷۲
- هر که گفت باید به من اطاعت کنید، این شیطان است ۷۳
- اگر برای مصالح خودمان دعوا کنیم نه برای مصالح ملت، ما هم طاغوتیم ۷۵
- جنگ و نزاع بین شما و غافل شدن از ملت خواست اجانب است ۷۵
- خودتان را حاکم مردم ندانید، خدمتگزار بدانید ۷۶
- بدون اختلاف هم‌تان را صرف خدمت به ملت کنید تا پیش خدا آبرومند باشید ۷۷
- اگر کسی قلم که دستش گرفت انتقاد کند برای انتقامجویی، این همان شیطان است ۷۸
- سعی کنید کارهایتان ضربتی و برای مردم باشد ۷۸
- پیام امام خمینی به زائرین بیت‌الله الحرام ۵۹/۶/۲۱ ۸۰
- باسخ امام خمینی به تلگرام آیت‌الله العظمی گلپایگانی ۵۹/۶/۲۲ ۸۵
- باسخ امام خمینی به تلگرام آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی ۵۹/۶/۲۲ ۸۶
- باسخ امام خمینی به تلگرام آیت‌الله العظمی نیرازی ۵۹/۶/۲۳ ۸۷

- باسخ امام خمینی به نامه حجت الاسلام مولانی سرپرست آستانه مقدسه حضرت معصومه (ع) ۵۹/۶/۲۵
- ۸۸
- فرمان امام خمینی به جناب آقای محمدعلی رجائی ۵۹/۶/۲۶
- ۸۹
- بیانات امام خمینی به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید ۵۹/۶/۳۱
- ۹۰
- اگر چنانچه عراق تجاوز را تکرار کند ما دستور می دهیم ملت ما بسیج بشوند
- ۹۰
- سفارش به ملت ایران در حفظ خونسردی و جلوگیری از شایه سازان
- ۹۱
- ارتش عراق بداند که این جنگ هواداری از کفر و برخلاف رضای خداست
- ۹۲
- ملت عراق با تمام قوا کوشش کند که صدام فاسد را از بین ببرد
- ۹۲
- پیام امام خمینی به ملت ایران ۵۹/۷/۱
- ۹۴
- پیام امام خمینی به ارتش و اقشار مختلف مردم عراق ۵۹/۷/۲
- ۹۵
- پیام امام خمینی در رابطه با مانور هوایی ارتش جمهوری اسلامی ۵۹/۷/۳
- ۹۶
- باسخ امام خمینی به تلگرام روحانیون تبریز ۵۹/۷/۴
- ۹۷
- پیام امام خمینی خطاب به علمای اعلام و حجج اسلام و مشایخ اهل سنت و نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۵۹/۷/۵
- ۹۸
- بیانات امام خمینی خطاب به ملت و ارتش جمهوری اسلامی ایران و ملت عراق ۵۹/۷/۵
- ۱۰۰
- وحدت کلمه و انکال به ذات مقدس حق تعالی رمز پیروزی ارتش اسلام
- ۱۰۰
- تجلی نصرت و قدرت الهی در تحول روحی ملت برای مقابله با دشمن
- ۱۰۱
- نصیحت به قوای مسلح عراق برای بازگشت به آغوش اسلام
- ۱۰۲
- ملت عراق پیاخیزید و از اسلام و حیثیت خودتان دفاع کنید
- ۱۰۳
- باسخ امام خمینی به تلگرام تبریک آیت الله العظمی مرعشی نجفی ۵۹/۷/۸
- ۱۰۵
- بیانات امام خمینی در جمع مردم مرزنشین کشورمان ۵۹/۷/۸
- ۱۰۶
- در جنگ، واقعیت فعال و متحرک انسان بروز می کند
- ۱۰۶
- پیام امام خمینی به ملت و ارتش عراق ۵۹/۷/۱۲
- ۱۱۰

- ۱۱۴ تلگراف تسلیم امام خمینی به حجت‌الاسلام آشتیانی ۵۹/۷/۱۴
- ۱۱۵ بیانات امام خمینی در دیدار با گروهی از جوانان مبارز عراقی ۵۹/۷/۱۶
- ۱۱۶ مصاحبه امام خمینی با خبرنگاران خارجی ۵۹/۷/۱۷
- ۱۱۷ فرمان امام خمینی در مورد هماهنگی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ۵۹/۷/۲۰
- ۱۱۸ بیانات امام خمینی در جمع گروهی از طلاب و روحانیون مبارز عراق ۵۹/۷/۲۱
- ۱۱۹ پیام امام خمینی به ملت شریف و قوای مسلح عراق ۵۹/۷/۲۴
- ۱۲۱ پیام امام خمینی به مناسبت عید اضحیٰ (قریان) ۵۹/۷/۲۷
- ۱۲۳ بیانات امام خمینی در جمع سفرای کشورهای اسلامی ۵۹/۷/۲۸
- ۱۲۳ - اسلام یک دین عبادی-سیاسی است
- ۱۲۴ - بر دولت‌های اسلامی واجب است که با دولت عراق مقاتله کنند
- ۱۲۶ - مسلمین باید توجه به قدرت اسلام داشته باشند
- بیانات امام خمینی خطاب به حبیب نطقی، دبیرکل کنفرانس کشورهای اسلامی ۵۹/۷/۲۸
- ۱۲۸
- بیانات امام خمینی در جمع نخست‌وزیر، اعضای هیأت دولت، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، مدیران مراکز رادیویی شهرستان‌ها و اقشار مختلف مردم ۵۹/۸/۶
- ۱۳۰
- ۱۳۰ - انسان یک موجود عجیبی است در جمیع مخلوقات باری تعالی
- ۱۳۱ - وقتی که مقاصد عالی شد، زحمتهای در راه آن باید در نظر انسان نباشد
- ۱۳۲ - معیارها را باید معیارهای الهی قرار بدهیم
- ۱۳۳ - آنچه که انسان را مطمئن می‌کند، ذکر خداست
- ۱۳۶ - ما سر اسلام دعوا داریم، اسلام و ضد اسلام نمی‌شود باهم تفاهم کنند
- بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان مسلمان پیرو خط امام ۵۹/۸/۱۲
- ۱۴۰ - اگر یک ملتی بخواهد پیش برود، باید بت‌ها را بشکند
- ۱۴۲ - ما برای شکم قیام نکردیم، ما برای اسلام قیام کردیم
- ۱۴۴ - ما ملتی هستیم که با وحدت کلمه و انکال به خدا همه چیز را می‌توانیم پیش ببریم

- ۱۴۶ - تا منزوی نشوید، نمی‌توانید مستقل شوید
- ۱۴۸ - با تمام قدرت بیست سال هم این جنگ اگر طول بکشد، ما ایستاده‌ایم
- بیانات امام خمینی در جمع واعظ و خطبای مذهبی ۵۹/۸/۱۴
- ۱۵۰ - اهداف شوم کارشناسان خارجی از شناسایی ذخائر فرهنگی و اقتصادی کشور
- ۱۵۰ - کشور
- ۱۵۲ - در مقابله با نقشه‌های غارتگران هوشیار باشید
- ۱۵۲ - نقش مجالس روضه‌خوانی و عزاداری سیدالشهدا در حرکت مردم
- ۱۵۵ - تبلیغات منحرفین و روشنفکر نمایان در جهت تضعیف شاعر و مظاهر اسلامی
- ۱۵۵ - لزوم طرح مسائل سیاسی - اجتماعی روز از سوی واعظ در مجلس عزاداری
- ۱۵۸ - با مسائل و مشکلات کشور از راه اسلامی برخورد کنید
- ۱۶۰ - هنداری بر لزوم شکست حصر آبادان از سوی قوای مسلحه
- ۱۶۰ - تقویت روحیه قوای مسلحه با تقدیر و پشتیبانی ملت
- ۱۶۱ - دولت و ملت برای خودکفائی کشاورزی و صنعتی کوشش کنند
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از حجاج پاکستانی ۵۹/۸/۱۶
- ۱۶۳ - کعبه خانه ناس و محلی برای اجتماع و زیارت مسلمین
- ۱۶۳ - پیغمبر اسلام مبعوث شده است بر تمام بشر در مشارق ارض و مغارب ارض
- ۱۶۴ - قرآن کریم میزان را تقوا قرار داده است و صدام عربیت را
- ۱۶۵ - ما بر حسب امر خدا از اسلام و کشور خودمان دفاع کردیم
- ۱۶۵ - چرا مسلمین بر ضد مستکبرین قیام نمی‌کنند؟
- ۱۶۷ - من برای مسلمین و برای اسلام اعلام خطر می‌کنم
- بیانات امام خمینی در جمع فارغ‌التحصیلان دومین دوره دانشکده افسری ارتش
- جمهوری اسلامی ۵۹/۸/۲۵
- ۱۶۸ - دشمن اصلی ابر قدرت‌ها، اسلام است
- ۱۶۸ - وقتی یک ملت در یک امر اسلامی همدست شدند، هیچ قدرتی نمی‌تواند آنها را عقب بزند
- ۱۷۱ - اگر کسی شمارهای باطل خواست بدهد، با قوت او را بکویید
- بیانات امام خمینی در جمع اقنار مختلف مردم قم ۵۹/۸/۲۷
- ۱۷۵ - اسلام همه قدرتمندها را از بین برد و بیرون کرد
- ۱۷۸ - باید این اسلام را حفظش کنند و در زیر پرچم اسلام مجتمع بشوند
- ۱۸۱ - انقلاب اسلامی ما، پرنمرترین و کم ضایعه‌ترین انقلاب جهان

- بیانات امام خمینی در جمع فارغ‌التحصیلان آموزشگاه افسری شهربانی جمهوری اسلامی ۵۹/۸/۲۸
- ۱۸۳ - قوای مسلحه باید خدمتگزار ملت باشند، نه حاکم
- ۱۸۳
- ۱۸۶ پاسخ امام خمینی به استفتای رئیس کل بانک مرکزی ۵۹/۹/۵
- ۱۸۷ بیانات امام خمینی در جمع استانداران سراسر کشور ۵۹/۹/۱۵
- ۱۸۷ - آن چیزی که اسباب ضعف دولت و جدائی مردم از آن دولت است آن عبارت از کیفیت عمل همه دستگاه‌هاست
- ۱۸۸ - باید لفظاً و عملاً به مردم حالی کنند که ما خدمتگزاریم
- ۱۸۸ - باید جواری باشید که مردم مثل برادر شما را در آغوش بگیرند، مملکتان با این ترتیب حفظ خواهد شد
- ۱۹۱ - کارهای انجام شده را به مردم عرضه کنید تا شیاطین نگویند کاری نشده
- ۱۹۳ - به این بندگان خدا باید خدمت بکنیم، چون خدا احتیاج به خدمت ما ندارد
- ۱۹۴
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران انقلاب اسلامی عازم جبهه‌های جنگ ۵۹/۹/۱۶
- ۱۹۵ - لزوم وحدت و پرهیز از اختلافات یک تکلیف شرعی و الهی برای همه
- ۱۹۵ - تضعیف روحانیت، توطئه‌ای برای غارت و وابسته کردن ما
- ۱۹۶ - مقصد، شکست ابرقدرت‌هاست
- ۱۹۷
- ۱۹۸ بیانات امام خمینی در دیدار با سه تن از مخترعین ۵۹/۹/۱۷
- بیانات امام خمینی در جمع فرماندهان سپاه پاسداران و مسؤولین دایرة سیاسی - ایدئولوژیک ارتش جمهوری اسلامی ۵۹/۹/۲۲
- ۱۹۹ - یکی از چیزهایی که برای ساختن انسان مفید است، تلقین است
- ۱۹۹ - امروز همه اقشار ملت باید پاسدار اسلام باشند
- ۲۰۱ - الان اسلام در دست ماست و اگر آسیب ببیند همه ما مسؤول هستیم
- ۲۰۱ - متناقض شما را دعوت به اسلام حقیقی می‌کند و خودش آن را نمی‌خواهد
- ۲۰۲
- ۲۰۴ تلگرام امام خمینی به آیت‌الله العظمی گلپایگانی ۵۹/۹/۲۳
- بیانات امام خمینی در جمع معلولین و پاسداران انقلاب اسلامی شهرستان تبریز ۵۹/۹/۲۶
- ۲۰۵ - شما زبان گویای اسلام و افتخار هستید
- ۲۰۵

- بیانات امام خمینی در جمع اعضای دفتر تحکیم وحدت حوزه - دانشگاه  
۵۹/۹/۲۷
- ۲۰۶ — علم و تعهد به منزله دو بال برای رسیدن به مراتب ترقی و تعالی هستند
- ۲۰۶ — دانشگاه‌ها در سراسر دنیا در خدمت ابرقدرت‌ها هستند و ما می‌خواهیم نباشند
- ۲۰۷ — این دو مرکز (فیضیه و دانشگاه) باید باهم باشند و علم و عمل را به منزله دو بال بدانند
- ۲۰۹ — حالا شیاطین بیشتر در فکر هستند که روحانی را از یک طرف بکوبند و دانشگاهی را از یک طرف
- ۲۱۱
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای خانواده‌های شهدای اصفهان ۵۹/۹/۲۷
- ۲۱۳ — سعادت را آنها بردند که آن چیزی را که خدا به آن داده بود تقدیم کردند
- ۲۱۳
- تلگرام تسلیت امام خمینی به حجت‌الاسلام سید محمد علی انگجی ۵۹/۱۰/۲
- ۲۱۴
- فرمان امام خمینی به حجت‌الاسلام شیخ مهدی کروی ۵۹/۱۰/۲
- ۲۱۵
- بیانات امام خمینی در جمع انجمن جمع‌شهرستان‌ها ۵۹/۱۰/۳
- ۲۱۶ — تأثیر القای شیاطین مبنی بر عدم دخالت روحانیون در امور سیاسی
- ۲۱۶ — سیاست که عبارت است از «هدایت جامعه»، مختص انبیاست
- ۲۱۷ — حیلها در کار است که شما را از سیاست کنار بزنند
- ۲۱۸ — همه ملت مسؤولند در حفظ اسلام که امانت الهی است
- ۲۱۹ — هوشیاری در مقابل خرافات‌های عوامل نفوذی و جلوگیری از آنان
- ۲۲۰ — وحدت برادران شیعه و سنی به برکت جمهوری اسلامی
- ۲۲۲
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از معلولین انقلاب اسلامی و جوانان داوطلب اعزام به جبهه‌ها ۵۹/۱۰/۴
- ۲۲۳ — آنها که خون شهیدان را برای به قدرت رسیدن وسیله قرار می‌دهند، از فطرت انسانی خارجند
- ۲۲۳ — چه بکشید و چه کشته شوید پیروزید
- ۲۲۴
- بیانات امام خمینی در جمع عشایر خوزستان و اعضای شوراهای اسلامی دشت آزادگان ۵۹/۱۰/۵
- ۲۲۵ — اسلام آمده است تا تمام ملل دنیا را باهم متحد کند به یک امت بزرگ
- ۲۲۵ — حزب منفور بعث نابت کرد که نوکر قدرت‌های بزرگ است
- ۲۲۶ — در اسلام هیچ یک از قشرها بر دیگری نفوذ ندارند مگر به تقوا



- ۲۲۶ - ما امیدواریم که ملت‌های اسلامی بیاخیزند و دست‌های فاسد و خائن را قطع کنند
- بیانات امام خمینی در جمع مسؤولان نهضت سوادآموزی سراسر کشور ۵۹/۱۰/۱۶ ۲۲۸
- ۲۲۸ - قلم‌ها اگر در دنیا برای خدا و برای خلق خدا به کار بسیفند سلسل‌ها کنار می‌رود
- ۲۳۰ - توجه کنید که آموزش و پرورش وقتی نافع است که به اسم ربّ باشد
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن‌های اسلامی و کسبه مشهد ۵۹/۱۰/۱۶ ۲۳۲
- ۲۳۲ - امروز حفظ وحدت و آرامش مهم‌ترین وظیفه برای پیشبرد انقلاب است
- بیانات امام خمینی در جمع اهالی خرم‌آباد و خانواده‌های شهدای دزفول ۵۹/۱۰/۱۷ ۲۳۴
- ۲۳۴ - عالم محضر خداست، در محضر خدا معصیت نکنید
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای خانواده‌های شهدای نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ۵۹/۱۰/۱۸ ۲۳۹
- ۲۳۹ - حضور شیرزنان در صحنه برای فداکاری و مجاهدت
- ۲۴۰ - ملت باید علاوه بر جهاد، استقامت در جهاد داشته باشد
- ۲۴۰ - تلاش مفسدین شایعه‌ساز برای تضعیف روحیه ملت
- بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان مرکز تربیت معلم تبریز و اعضای بسیج مستضعفین مشهد و تنکابن ۵۹/۱۰/۱۱ ۲۴۳
- ۲۴۳ - همه انسان‌ها در خسارت هستند مگر مؤمنینی که عمل صالح داشته باشند
- ۲۴۴ - امروز ملت ما کشور و دولت را از خودشان می‌دانند
- باسخ امام خمینی به تلگرام رئیس‌جمهور در تبریک پیروزی سپاهیان اسلام ۵۹/۱۰/۱۵ ۲۴۶
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت تحریریه مجله سروش ۵۹/۱۰/۱۵ ۲۴۷
- ۲۴۷ - مطبوعات باید در خدمت خواسته مردم، یعنی اسلام باشند
- ۲۴۸ - انتخاب افراد در مطبوعات امر مهمی است
- ۲۴۹ - رسانه‌ها مریی یک جامعه هستند
- ۲۵۱ - یکی از رسالت‌های مطبوعات سست کردن مبانی تحلیلی دشمن است
- ۲۵۲ - وظیفه قلم‌ها سازندگی است نه غرض‌ورزی

- بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت دولت برادر و جانی (نخست وزیر) در جمعیت دانشجویان  
 ۵۹/۱۰/۱۶ ۲۵۴
- ۲۵۴ — مقید باشید به اینکه کارهایتان را بگوئید به مردم، اگر نگوئید موجب تضعیف اسلام می شود —
- ۲۵۴ — به مردم بفهمانید که خدمتگزارشان هستید —
- ۲۵۶ — این یک تحول معجزه آسای است که شده است و امیدوارم که محفوظ باشد —
- ۲۵۷ — ما مسلمان هستیم، ما مسؤولیم پیش خدا —
- ۲۵۹ —
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اعضای انجمن های اسلامی دانشجویان خارج  
 از کشور و سفرا و کارداران دولت جمهوری اسلامی ۵۹/۱۰/۱۶ ۲۶۰
- ۲۶۰ — اعمال شما در خارج باید طوری باشد که صادرکننده انقلاب باشد —
- ۲۶۲ — با اخلاق و تبلیغات اسلامی بنیادهای طاغوتی و غربی را درهم بکوبید —
- ۲۶۳ — انسان باید تزکیه و تربیت اسلامی را اول از خودش شروع کند —
- ۲۶۴ — وظیفه شما در معرفی اسلام بیشتر از ماست که در داخلیم —
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از دانشجویان مراکز تربیت معلم شهرستان های  
 اصفهان، شیراز، یزد و اراک ۵۹/۱۰/۱۸ ۲۶۵
- ۲۶۵ — عالم، مدرسه است و معلمین آن، انبیا و اولیا هستند —
- ۲۶۶ — تربیت و تزکیه مقدم بر تعلیم است —
- جمهوری ما وقتی اسلامی می شود که خدای تبارک و تعالی در این ملت حاکم باشد —
- ۲۶۸ — آن علمی میزان و برای بشر سعادت است که تربیت در آن باشد —
- ۲۶۹ — اسلحه داشتن دلیل بر خیانت است و توطئه —
- ۲۷۰ — هر کس به من نسبت بدهد مطلبی را برخلاف دستورات اسلامی، دروغ گفته است —
- ۲۷۱
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از مسؤولین بنیاد شهید انقلاب اسلامی  
 ۵۹/۱۰/۲۰ ۲۷۲
- ۲۷۲ — شهید نظر می کند به وجهه اش —
- ۲۷۳ — خدمت در بنیاد شهید در رأس خدمت هاست —
- بیانات امام خمینی در میان جمعی از خانواده های شهدای رودسر، کاشان، تبریز و  
 اعضای واحد فرهنگی ستاد جهاد سازندگی تهران ۵۹/۱۰/۲۲ ۲۷۵
- ۲۷۵ — کوشش رضاخان در سرکوبی عشایر و روحانیون و منع مراسم و دستجات مذهبی —

۲۷۶	۲۵۲	ابطال نقشه‌های عمال اجانب با مقاومت و هماهنگی قوای انتظامی و سپاه پاسداران در برابر حمله متجاوزین
۲۷۷	۲۵۳	ملت ما، جریان تاریخ را عوض کرد
۲۷۹	۲۵۴	بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اصناف و بازاریان تهران و جوانان خوزستانی
۲۸۱	۲۵۵	۵۹/۱۰/۲۵ بازار باید مظهر تام اسلام و عدالت باشد
۲۸۲	۲۵۶	اشخاصی که در جنگ تشخیص نمی‌دهند، راجع به جنگ اظهار نظر نکنند
۲۸۳	۲۵۷	بیانات امام خمینی در جمع کارگران و کارمندان جابخانه هفده شهریور، گروهی از اعضای صنایع دفاع ملی، برستل انبارهای نیروی هوایی، پاسداران اصفهان و اعضای کمیته انقلاب اسلامی برازجان
۲۸۴	۲۵۸	باید برای استقلال، از خواب غفلتی که اجانب در ما بوجود آورده‌اند بیدار شویم
۲۸۶	۲۵۹	امید را که از جنوداغه است در خود زنده و یاس را نابود کنید
۲۸۷	۲۶۰	نویسندگان و گویندگان باید به جای اشکال‌تراشی به مردم امید و اطمینان بدهند
۲۸۸	۲۶۱	گروهک‌ها می‌خواهند شخصیت‌هایی را که در رأس کارند، از نظر مردم بیندازند
۲۸۹	۲۶۲	اسلام پیش ما امانت است، با قلم‌ها و قدم‌ها به آن خیانت نکنیم
	۲۶۳	
	۲۶۴	
	۲۶۵	
	۲۶۶	
	۲۶۷	
	۲۶۸	
	۲۶۹	
	۲۷۰	
	۲۷۱	
	۲۷۲	
	۲۷۳	
	۲۷۴	
	۲۷۵	
	۲۷۶	
	۲۷۷	
	۲۷۸	
	۲۷۹	
	۲۸۰	

عنوان و نام پدیدآور: صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی مدظله العالی/تهیه و جمع آوری مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی

مشخصات نشر: تهران: وزارت ارشاد اسلامی، 1364.

مشخصات ظاهری: ج.

وضعیت فهرست نویسی: در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

یادداشت: فهرست نویسی بر اساس جلد هفدهم 1364.

یادداشت: عنوان عطف: صحیفه نور

شماره کتابشناسی ملی: 8563402

ص: 13

## بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان سفرای کشورهای اسلامی (به مناسبت عید فطر)

## مبارک آن روزی است که تمام دولت های اسلامی با ملت ها با هم باشند

بسم الله الرحمن الرحيم

این عید سعید مبارک فطر را به همه مسلمین جهان و به شما آقایان که در اینجا حاضر هستید، تبریک عرض می کنم. و مبارک آن روزی است که تمام دولت های اسلامی با ملت ها با هم باشند و همه با هم همصدا و همه با هم، هم مقصد و اسلام را در همه جا زنده کنند و همه ممالک اسلامی متحد شوند تا اینکه دست ابر قدرت ها را از ممالک خودشان قطع کنند.

و من حالا می خواهم یک قدری از ویژگی های این انقلاب اسلامی که در ایران واقع شده است، به شما عرض کنم و ما می خواهیم که همه ممالک اسلامی این ویژگی ها را داشته باشد و این فضایی که در ایران تحقق پیدا کرده است در همه ممالک اسلامی باشد و این انقلاب صادر بشود به همه ممالک اسلامی و همه مستضعفان جهان در مقابل مستکبران بایستند و مسائل خودشان را اخذ کنند و حق خودشان را بگیرند و باید بدانند که حق گرفتاری است و الا نخواهند اعطاء کرد.

من بعضی از ویژگی های انقلاب را به شما آقایان و کسانی که می شنوند کلام من را، عرض می کنم تا ببینند که آیا این وضع بهتر است یا اوضاعی که در جاهای دیگر هست. شما به من بگوئید که در کجای ممالک اسلامی و غیر اسلامی اینطور است که رئیس جمهور از همین مردم و در دامن همین مردم باشد و هر روز و در ماه مبارک، هر شب برود توی جمعیت های متفرق و مردم را ارشاد کند بدون اینکه خوفی در دلش باشد.

ما می دیدیم که در زمان حکومت غاصب شاه مخلوع، اگر این آدم می خواست در یکی از خیابان های تهران ظاهر بشود و قبل از اینکه او بخواهد بیرون برود، مأمورهای ساواک تمام خیابان ها را و تمام خانه های اطراف خیابان ها را خالی می کردند و مأمور می گذاشتند و محافظت می کردند برای اینکه او از ملت نبود، او در مقابل ملت بود، و الان رئیس جمهور که در رأس واقع شده است در هر مجلسی که او را دعوت کنند می رود، در هر شهری که از او تقاضا کنند می رود و مردم را ارشاد می کند بدون اینکه یک ذره خوف در دل او باشد برای اینکه ملت را از خودش می داند و ملت هم او را از خودش می دانند، برادر هستند، رئیس جمهور با ادنی شخصی که در ایران زندگی می کند برادر است و مردم با هم برادرند و پشتیبانی می کنند. و همین طور در کدام مملکت شما سراغ دارید که رئیس مجلس

منبر برود و مردم را هدایت کنند، و در ماه مبارک شاید بیشتر از سی تا منبر شاید - رفته باشد و مردم را هدایت کرده باشد؟ و در کجا شما سراغ دارید که رئیس دیوان عالی کشور، یک عالمی باشد که برود مردم را هدایت کند و مردم هم از او هدایت بشوند؟ و همین طور دادستان کل کشور و همین طور وزیر کشور و همین طور سایر ارگانی که هستند با کمال اطمینان بدون اینکه از کسی خوف داشته باشند برای اینکه مبادی خوف در کار نیست، همه پشتیبان هستند، همه برادر هستند. و در کجا سراغ دارید که مجلس شورای آنجا مثل مجلس شورای اسلامی ما باشد؟ در سابق، زمان شاه مخلوع سابق و رضاخان مطرود، مجلس پر بود از دوله‌ها، ممالک‌ها، سلطنه‌ها، متملکین، اشراف، طرفدارهای شرق و غرب، نوکرهای ممالک اجنبی. و الان در مجلس شورای ما یک چهره پیدا نمی‌کنید که از این طبقه اشراف باشد، از این طبقه بالا باشد، همه از همین مردم هستند که در بین بازار راه می‌روند و از همین جمعیت هستند، عده‌ای شان از علما و فقها هستند و عده‌ای شان از چهره‌های متدین هستند و مجلس شورای اسلامی ما نظیر الان در هیچ جا نظیر ندارد، چنانچه سایر نهادهای دولتی ما اینطور است. و در کجا شما سراغ دارید که ارتشش اینطور ملی و در بین مردم باشد که وقتی در بین مردم ارتش برود یا ژاندارمری برود یا سپاه پاسداران برود گل برای او نثار کنند و تظاهر کنند برای او؟ و آنها هم از باب این است که از همین مردم هستند، از همین جمعیت هستند و تمام جاهانی را که شما ملاحظه کنید، همه چون از خود ملت هستند از این جهت با ملت اینطور روبرو می‌شوند. و در کجای دنیا شما سراغ دارید که از باطن ملت، بدون اینکه هیچ کسی دعوت کند، اینقدر کمیته، اینقدر دادگاه، اینقدر پاسدار که خون خودشان را در راه این کشور و در راه اسلام فدا می‌کنند بدون اینکه کسی آنها را دعوت کرده باشد، در سرتاسر کشور، این سپاه پاسداران این کمیته‌ها، این دادگاه‌ها همه برای همین اسلام و برای همین کشور خدمت می‌کنند. و در کجای دنیا سراغ دارید که ملت آنچنان در خدمت اسلام باشد، آنچنان در خدمت دولت اسلامی باشد که هر وقت غائله‌ای پیش بیاید خود ملت پیشقدم است و پشتیبانی می‌کند؟

ما که می‌گوئیم انقلابمان را می‌خواهیم صادر کنیم و به همه کشورهای اسلامی بلکه به همه کشورهایائی که مستکبرین بر ضد مستضعفین هستند، می‌خواهیم یک همچو وضعیتی پیش بیاوریم که دولت یک دولت زورگوی جبار آدمکش امثال ذلک نباشد. و ملت یک ملتی نباشد که دشمن با دولت است. ما می‌خواهیم بین ملت‌ها و دولت‌ها آشتی بدهیم، دولت‌ها اگر توجه بکنند و یا مطالعه کنند وضع ایران را و ببینند ملت ایران با دولت چه وضعی دارد، گمان ندارم که آن‌ها تحت تأثیر واقع نشوند. البته قلم‌های مسموم خارج، قلم‌ها و نوشته‌ها و مطبوعات خارجی، رسانه‌های گروه خارجی همه بر ضد ایران و بر ضد دولت و ملت ایران تبلیغات می‌کنند لکن شما که داخل این کشور هستید می‌دانید که تبلیغات آنها برای چه هست. برای این است که این ملت و دولت با هم شده‌اند. وقتی ملت و دولت با هم شد، قشرهای روحانی و قشرهای دانشگاه‌ها و سایر قشرها، ارتشی و اشخاصی دیگر همه با هم هستند و همه یک فکر می‌کنند، البته منافع ابرقدرت‌ها دیگر نمی‌شود تأمین بشود، یک حکومتی نمی‌آید

روی کار که برای یک ابرقدرتی یک کلمه بگوید، اگر یک وکیل، یک نخست وزیری یک کلمه راجع به منافع ممالک دیگر، منافع اجنبی ها حرف بزند، همین ملت است که در مقابلش می ایستد و نمی گذارد. ما میل داریم که همه ممالک اسلامی همه کشورهای اسلامی، همه کشورهای مستضعفین دنیا اینطور بشود که یک جمعیت باشند، در بین خود این جمعیت و در بین همین جمعیت، نخست وزیر، رئیس جمهور، مجلس، افراد دیگری که در بنگاه های دولتی هستند تعیین بشوند تا آسیب بردار نباشد.

### روحانیت بعضی ممالک با تکفیر ما دانسته یا ندانسته در خدمت ابرقدرت ها هستند

ما علاوه بر اینکه گرفتار امریکا هستیم و گرفتار شوروی هستیم، گرفتار بعضی اشخاصی که دعوی اسلامی می کنند، بعضی ها که در رأس روحانیت بعضی ممالک واقع هستند، گرفتار آنها هم هستیم، آنها هم ما را تکفیر می کنند، آنها هم کلمات ما را تعبیر می کنند و دنبالش تکفیر می کنند. اینها را اگر چنانچه واقعا خطا کار هستند، خوب است که مطالعه کنند، بفهمند دارند چه می گویند و به نفع چه کسی کار می کنند و اگر متعمد هستند و در مقابل یک کشور اسلامی، در مقابل یک کشوری که کوشش می کند که بین همه برادرها را متصل کند و همه را با هم آشتی بدهد و ما قبل از بیست سال به این طرف، دنبال این معنی بودیم که ممالک اسلامی همه با هم برادر باشند، این او را تکفیر نکند، او، او را تکفیر نکند، اینهایی که اینطور سمپاشی می کنند و مع الاسف در لباس مفتی هستند و یا مفتی اعظم هستند، اینها نمی دانند که این کارها بر ضد اسلام و بروفاق میل ابرقدرت هاست؟ اینها نمی دانند که دانسته یا ندانسته برای ابرقدرت ها دارند خدمت می کنند؟ چطور اینها در مقابل سادات و آنهمه جنایاتی که سادات کرده است اینقدرها نمی ایستند و تکفیری ما نشدیم از آنها؟ اما، ما که از امام مهدی که قوه اجرائی اسلام است صحبت می کنیم و می گوئیم که عدل در زمان او فراگیر خواهد شد و از طرف خود آنها هم همین معنا هست که: *یملأ الارض قسطاً و عدلاً بعد ما ملات ظلماً و جوراً* ما که راجع به آن می گوئیم و می گوئیم که انبیا مؤفق نشده اند اجرا کنند مقاصد خودشان را و خداوند در آخر زمان کسی را می آورد که اجرا کند مسائل انبیا را، این بیچاره ها برای خدمت به اجانب یا نفهمیده تأویل می کنند که فلان گفته است که حضرت مهدی تکمیل می کند شریعت را. این بسیار ناگوار است برای ما. ما حضرت مهدی را یکی از افرادی می دانیم که تابع اسلام است، تابع پیغمبر اسلام است لکن تابعی است که نور چشم پیغمبر اسلام است و اجرا می کند این مطالبی را که حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده است. چرا باید اینها را حجاز، در کویت، در بعضی جاهای دیگر تأویل کنند حرف ها را و بر ضد یک مملکت اسلامی که کوشش دارد همه برادرها با هم مجتمع کند و کوشش دارد دست ابرقدرت ها را از سر این ممالک اسلامی کوتاه کند، آنها در خدمت ابرقدرت ها دانسته یا ندانسته هستند و می خواهند تفرقه بین مسلمین بیندازند. اینها نمی دانند که نباید تفرقه بین مسلمین انداخت و برخلاف نص قرآن است؟ اینها مطلع نیستند یا اینکه در خدمت خدای نخواستگه، ابرقدرت ها هستند؟ ما می خواهیم که همه ممالک اسلامی اولاً در محیطی که خودشان هستند، به حسب حکم اسلام بین



حکومت و بین مردم مخالف نباشد و همه با هم باشند و همه متحد بشوند تا اینکه آسیبی برای آنها واقع نشود . شما دیدید که ما وقتی که در ایران ملتمان اتحاد پیدا کرد ، چه قدرت بزرگی را شکست داد . ما می خواهیم که یک میلیارد جمعیت دنیا اینطور از مسلمین اینطور با هم متحد بشوند . اگر متحد بشوند ، نه قضیه قدس دیگر باقی می ماند و نه قضیه افغانستان و نه قضایای دیگر و اگر چنانچه وعاظ السلاطین بگذارند و اتحاد ما را به هم نزنند ، انشاء الله پیروز خواهیم شد و دول اسلامی و ممالک اسلامی پیروز خواهند شد . من از خداوند تبارک و تعالی عظمت اسلام و مسلمین و وحدت کلمه اسلام و مسلمین را خواهان هستم و این عید سعید را باز هم به همه مسلمین و همه کشورهای اسلامی تبریک عرض می کنم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 4

## بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان مجلس شورای اسلامی

### مقایسه چهره نورانی مجلس شورای اسلامی با مجالس دوران قبل از انقلاب

بسم الله الرحمن الرحيم

انشأ الله خداوند این عید سعید را بر همه مسلمین و خصوص ملت مسلم ایران مبارک کند. این چهره مجلس اسلامی ماست و اگر چنانچه از صدر مشروطه (الا شاید دوره اول) تا قبل از این مجلس ملاحظه کنید، اینجا جای آن وکلا نبود، وکلانی که از طبقه اشراف و از طبقه ثروتمند و مرفه، و حاضر نبودند در یک مجلس چند تایشان با هم جمع بشوند و حاضر نبودند در یک مجلس اینطور مسجدی بنشینند و هر کدام در کاخ های بلند (الا بعضی ها که آنها هم از سنخ شما بودند) زندگی می کردند، امکان نداشت که یک مواجهه ای بین من طلبه با آن تیپ های اشرافی و اعیانی و دارای کذا و کذا اتفاق بیفتد فرضاً از اینکه گوش بدهند به اینکه یک طلبه به آنها چه می گوید. این از برکات نهضت است، برکات اسلام است که همه نهادهایشان اسلامی و مردمی است. مجلس مردمی این است پیشتر اسمش را گذاشته بودند مجلس ملی، ملت راه داشت بر آن مجلس؟ در آن مجلس از ملت ها، از خود ملت کسی بود که راه پیدا بکند آنجا؟ خصوصاً در این دهه های آخر یک نفر از شما در آنجا راه نداشت و جای شما در آنجا نبود اخلاقاً، که عندالله نبود، به واسطه علوشان شما و به واسطه اینکه آنها طاغوتی بودند، شما راه نداشتید بر آنجا. ما امروز مواجهیم با یک چهره های اسلامی که به غیر از اسلام و به غیر از مناقع مملکت خودشان فکر نمی کنند و من امیدوارم که این مجلس که مرکب از این طبقه انسانی ملت است، چه آنهایی که مسلم هستند و چه آنهایی که باز برادرهای ما هستند و از اقلیت ها هستند، این چهره ها، چهره هائی است که مال ملت است و امروز ملت راه پیدا کرده است به مجلس و دیروز، در گذشته، ملت هیچ خبری از مجلس نداشت و هیچ عملی نمی توانست انجام بدهد. این موجب شکر است در درگاه خدا، همه تشکر کنیم از یک همچو نعمتی که نصیب ما شده است و این تنها مجلس نیست که تحول پیدا کرده است، از طاغوت به اسلامیت و انسانیت، سایر نهادهای دولتی هم، چه قوای مسلحه و چه سایرین از قبیل وزرا و امثال اینها، آنها هم همین طور هستند. الان ملت ما می تواند ادعا کند که ما در همه امور ناظریم. من خیلی از مجالس را یاد دارم و در بعضی از مجالس هم رفتم، به عنوان تماشاجی یک دانه از امثال شما در مجلس نبود، الا- مثلاً مثل زمانی که مرحوم مدرس آنجا بود یا آن در اول که ما آنجا را دیگر ندیدیم، آن دوره های اول، دوره که بودند باز از اشخاصی که

نظیر شما بودند. آن چیزی که می خواهیم عرض کنم این است که حیف است که چهره نورانی مجلس در آن یک چیزهائی واقع بشود که مخالف زی شما آقایان است.

### موعظه به نمایندگان محترم مجلس در رعایت اصل تفاهم و حل و فصل مسالمت آمیز مشکلات

من معذرت می خواهم که چند کلمه ای موعظه کنم شما را، شما محتاج به موعظه نیستید لکن تذکر، برادرها، خودش یک امری است یکی از عذاب هائی که در جهنم اهل جهنم به آن مبتلا هستند، «خصام اهل النار» (1) است و یکی از نعمت هائی که اهل بهشت متنعمنند آن اخوانی که، اخوانا علی سرر متقابلین. آن برادری و محبت که بین اهل بهشت است یکی از نعمت های بزرگ خداست و آن خصامی که در جهنم است، یکی از عذاب هائی است که بر اهل جهنم است که دائم توی سر هم می زنند. و اهل معرفت می گویند که هر چیزی که در بهشت و در جهنم ظهور پیدا می کند سابقه ندارد، از خود آدم است. در روایت هم است اینکه زمین بهشت و جهنم قاع (2) است، هیچ چیز ندارد صاف است و در یک روایتی که سابقا من دیدم (حالا نمی دانم تمام معنایش درست چه جور است) این است که گاهی در بهشت یک اشخاصی، ملائکه الله مشغول یک بنا می شدند و گاهی می ایستادند. ظاهرا پیغمبر اکرم شاید در شب معراج این را ملاحظه فرمودند، سؤال کردند از جبرئیل این چرا گاهی می ایستند و گاهی کار می کنند. عرض کرد که اینها اعمالی که مردم می کنند، مادامی که اشتغال دارند به عمل خیر اینها مصالحشان محقق می شود و مشغول بنا می شوند، آنوقتی که آنها مشغول این کار نیستند آنها هم. در هر صورت یک مسأله ای است این در پیش اهل معرفت که تمام چیزهائی که در جهنم و بهشت هست این از خود ماست. اینطور نیست که خدای تبارک و تعالی یک آتشی تهیه کرده است که ما را بسوزاند، ما خودمان تهیه می کنیم در قرآن هم هست که اینها اعمال شماست که رد به خودتان می شود. ما می توانیم خودمان را در این عالم راجع به این محکی که از دو تا آیه شریفه استفاده می شود بشناسیم که آیا اهل نار هستیم یا اهل بهشت. اگر کارهایمان روی خصام باشد، دشمنی، یک وقت این است که انسان در یک مسأله ای صحبت می کند، مباحثه می کند خوب بین اهل علم و طلبه ها متعارف است، گاهی وقتی ها به فریاد می کشد مطلب، به داد و قال می کشد مطلب لکن وقتی که مباحثه تمام شد، برادرند. بعد از مباحثه اینطور نیست که این مباحثه اسباب دشمنی باشد، دو تا دوستند و دو تارقیقتند، سر یک مطلبی، مطالبی آن، آن طرف مطلب را می گیرد و آن، آن طرف مطلب و اتفاقا این یک ورزشی است که در بین طلبه ها هست و یک ورزش علمی است که قوی می کند آنها را. در سایر طبقات شاید نیست اینطور ورزش. اینها تاحد جنگ و دعوا با هم مقابل می شوند مرحوم آقای آسید

ص: 6

1- دشمنی اهل جهنم با یکدیگر

2- زمین صاف و هموار

احمد زنجانی رحمه الله نقل می کردند که در روزنامه ملانصر الدین که قفقاز طبع می شده، او عکسی انداخته بوده از دو تا طلبه، دو تا اهل علم، یکی این طرف، یک آن طرف نشسته و دعوا کرده اند و دندان یکی بیرون افتاده و کفش یکی هم بالای سر آن یکی است و او برای انتقاد از این طایفه این را نوشته بود، این را عکسبرداری کرده بود و او نمی دانست که در عین حالی که گاهی وقت ها به این مسائل هم می رسد لکن به مجرد اینکه مباحثه تمام می شود، با هم می شوند رفیق و با هم دوست و برادرند. ما اگر چنانچه در مسائلی که پیش می آید، در هر وضعی که باشد، البته مسائل زیاد الان در مجلس طرح می شود و شما بعدها هم مواجه هستید با مسائل زیادی که برای ملت است و هر کسی نظر دارد و هر کسی اجتهاد دارد، هر کسی باید مسائل را طرح بکند و بگوید، اما همانطوری که طلبه ها مسائل را می گویند، که منتهی به این نشود که حالا که من مخالف با شما هستم در نظر و شما مخالف من هستید در نظر، این منتهی به این بشود که نه، ما دو تا خصم و دو تا دشمن با هم هستیم. اگر اینطور باشد که واقعا خدای نخواسته روی خصام باشد باید ما خودمان را بشناسیم به اینکه ما اهل ناریم، برای اینکه خصام اینجا آن خصام را می آورد. و اگر چنانچه ایمان در کار باشد، برادری در کار باشد و با برادری و حسن نیت، رفاقت، مسائل طرح بشود همه باید نظر خودشان را بدهند و هیچ کدام هم برایشان حتی جایز نیست که یک چیزی را بفهمند و نگویند، باید وقتی می فهمند اظهار کنند، این مؤافق هر که باشد، باشد. مخالف هر کس هم باشد، باشد برای اینکه شما وکیل مردم هستید امین مردم هستید امین و وکیل باید مسائلی که طرح می شود آن مقداری که می تواند و می فهمند اظهار کنند لکن به طور خصومت، به طور تنازع و خصومت نباشد، هر چه بتوانند آرامتر لکن حالا صدا هم بلند شد، باشد، اما آن صدائی که از طلبه های توی مدرسه بلند می شود دنبالش هیچ ادا اثری از خصومت نیست، دو تا رفیق، دو تا دوست هستند که سر یک مسأله علمی می رسد کار به آنجائی که این فریاد سر او می زند، او فریاد سر او می زند، لکن به مجرد اینکه مباحثه تمام شد همان دو تا برادرند که بودند، همان دو تا دوستند که بودند، هیچ ادا دیگر دنباله ندارد که آن مطالب را او گفته، این مطلب را ما، با هم برادریم، مطالب با هم دعوا دارند، مسائل که طرح می شود آن مسائل با هم اختلاف دارند، اما آنهایی که مسائل را طرح می کنند مسائلمان باید با هم اختلاف داشته باشد نه خودشان، خودشان دوست، رفیق و برادر ولی مسائل را باید طرح بکنند و اشکال دارند بکنند و طرح بکنند مسائلی که روی مصالح اسلام است، روی مصالح کشور است و آن مقداری که می توانند بررسی بکنند و آن مقداری که قدرت دارند نظر بدهند لکن بعد از اینکه مجلس تمام شد همانطوری که بعد اینکه مباحثه طلبه ها تمام شد می نشینند با هم چای می خورند و رفیق و دوست هستند، آنها هم همین طور باشند. لازم نیست که انسان وقتی که در یک مطلبی مخالف یک کس دیگری است، دشمن او هم باشد. همه مسلمان، همه مؤمن، همه اهل این کشور و همه مصلحت این کشور را می خواهید و ما و شما هم مصلحت اسلام را می خواهیم و هم مصلحت این اشخاصی که در دارالاسلام زندگی می کنند و تحت لوای اسلام هستند، از نمایندگان که سایر اقلیت ها هستند و مصالح آنها. اسلام اقتضای این را می کند که مصالح همه در نظر گرفته بشود و علی

السوا هم در نظر گرفته بشود. همه اهل این مملکت هستند حق دارند در این مملکت و شما هم وکلای این مملکت هستید و خدمت می خواهید بکنید، هر یکی تان وکیل همه هستید و هر یکی تان باید مصالح همه مملکت را در نظر بگیرید. بنابراین بهترین مباحثه ها همین مباحثه برادرهاست با هم که کارشان، اگر اختلافی هم دارند، برادری حل می کنند، نه به طور خصمانه و البته من می دانم که بسیاری از اشخاص هستند که اینها بسیار منزه و مبرا هستند و اکثریت شما هم همین طور است و من امیدوارم که همه تان اینطور باشید. من که همه را نمی شناسم لکن من چهره ها را می بینم که همه شان از همین ملت و از همین جمعیتی که در این مملکت هستند، هستند. هیچ از آن بالاها نیامده اند اینجا تا بخواهند یک مقاصدی داشته باشند (که) غیر مقاصدی ملی و اسلامی. از این جهت من امیدوارم که این مجلس، خدمت بزرگ بکند و انشاء الله کارها را به آسانی به پیش ببرد و هماهنگی کنند با دولت، با رئیس جمهور، با سایر ارگان هائی که هستند. همه تان می خواهید یک مطلبی پیش برود، نه آقای رئیس جمهور نمی خواهند که این مملکت خدای نخواستہ آشفته باشد، رئیس یک مملکت که نمی خواهد آن مملکت آشفته باشد و نه وکلای مجلس می خواهند که این مجلس آشفته باشد، برای اینکه شما همه مملکت هستید، مملکت از خود شماست، نمی شود که یک کس برای خودش طرح خلاف بزند، و نه وزرائی که هستند و بودند و بعدها هم انشاء الله خواهند بود، اینها هم همه شان نظرشان به این است که اسلام را تقویت کنند، احکام اسلام را پیاده کنند، برای این مملکت خدمت بکنند. وقتی بنا شد همه با هم، به حسب عقاید یکی هستند، همه می خواهند خدمت بکنند، همه می خواهند که این مملکت را به پیش ببرند، همه می خواهند که این جرثومه های فاسدی که در مملکت هست قطع بکنند، همه یک راه می خواهند بروند، این دیگر تخصصی در کار نیست و نخواهد بود. اگر بله فرض کنید که یک طایفه ای بودند و آمده بودند در مجلس و می خواستند مقاصد شوم خودشان را یا مقاصدی که به تبع آن ابر قدرت ها به خدمتگزاری به آنها بود، می خواستند انجام بدهند، آنوقت دعوا می شد، آنوقت باید هم حقیقتا بشود، آنوقت مخاصمه هم صحیح بود برای اینکه مخاصمه با آن اشخاصی که توطئه گر هستند، اشخاصی که می خواهند مجلس را به هم زنند، می خواهند مملکت را به هم بزنند این لازم است و باید باشد، بعد از اینکه نمی شود اینها را با هدایت، و مایوس هستید که اینها را با هدایت می توانید که به راه صحیح وادار کنید. و اما شماها که همچو مقصدی در کار ندارید، من یقین دارم که هیچ یک از شماها بنایتان نیست که این مملکت را به هم بزنید، همه می خواهید مملکت آرامی باشد که برادرهای شما در این مملکت زندگی آرام داشته باشند، زندگی مرفه داشته باشند و همه می خواهید که دست اجانب از این مملکت کوتاه باشد و کوتاه خواهد بود انشاء الله و همه می خواهید که یه این مملکت خدمت بکنید، خودتان هم از سنخ همان جمعیت هستید، نه از آن طبقه های بالائی که هیچ خبر از پائین ندارند و هیچ اطلاعی ندارند که به این پائین دست ها چه می گذرد. شما خودتان از بین همین جمعیت ها آمده اید و می دانید که چه می گذرد به این مردمی که در این کشور هستند، به این زاغه نشینان چه می گذرد، خودتان هم زندگیتان هم همانطور هاست، با یک قدر اختلاف مختصر. بنابراین آن چیزی که لازم است برای

همه ماها و همه شماها و همه ملت و همه کسانی که اداره این مملکت را می خواهند بکنند ، این است که با هم تفاهم داشته باشند ، اگر مسأله ای را برخلاف می بینند و بخواهند و بنشینند و حل کنند و صحبت کنند . در مجلس اگر چنانچه یک مطلبی را می بینند که دارد خلاف واقع می شود ، صحبت کنند ، بنشینند مشورت کنند با رفقایشان و من امیدوارم که انشاء الله با خوشی و خوبی طلیعه این باشد که پیروزی نهائی را انشاء الله پیدا کنید .

### **ناتوانی قدرت مجهز به سلاح های مدرن و آتشین در مقابل ایمان و انسجام یک ملت**

و هیچ خوفی ما از ابر قدرت ها نداریم و در عین حالی که دستمان از همه آن سلاح های آدمکش کذا کوتاه هست لکن ایمانمان ما را وادار می کند که نترسیم و خوف نداشته باشیم و یک ملتی وقتی یک مطلبی را همه با هم خواستند ، نمی شود تحمیلشان کرد تحمیل در وقتی است که همه نخواهند ، متفرق بشوند ، اگر متفرق شدند آنوقت جای این می شود که یک دسته ای به دسته دیگر یک مطلبی را تحمیل کنند ، اما اگر چنانچه اینها با هم مجتمع باشند نه دیگر در بین خودشان تحمیلی هست برای اینکه جای تحمیل دیگر نمی ماند و نه دیگران می توانند تحمیل بکنند . قدرت ها هر چه هم بزرگ باشند ، وقتی مقابله با ملت می شوند نمی توانند کاری بکنند . من شاید یک دفعه دیگر این را گفته باشم که سفیر شوروی آمد پیش من گفت که دولت افغانستان از ما خواسته است که برویم آنجا و چه بکنیم . من متوجه نبودم که اینها کار را کرده اند حالا آمده اند دارند می گویند ، دولتی هم در کار نبوده دولت هم بعد خودشان درست کرده اند ، لکن به او گفتم که این اشتباه است از شما ، ممکن است برای شما که قدرتمند هستید ، یک کشوری را بگیرید ، این آسان است برای شما ، قوای زیاد دارید ، خوب می ریزید اما یک ملت را نمی توانید مهار کنید . شما وقتی وارد شدید در آن جا نمی توانید پیش ببرید و مزاحمت برای شما همچو ایجاد می شود که فشل می شوید . لکن کاری کرده بودند و بنا هم داشتند بکنند . نه این بود که می خواستند حالا استمزاج کنند ، از من اجازه بگیرد شوروی که مملکت اسلامی را برویم بگیریم . مطلب اینطوری است که یک ملتی وقتی که همه با هم باشند ، پشتیبان هم باشند ، برادر با هم باشند ، این قدرت های بزرگ بر فرض اینکه بیایند و با توپ و تانکشان هر کاری می خواهند بکنند لکن وقتی وارد شدند ، در ملت هم هضم می شوند ، ملت آنها را هضم می کند . و ما ابد از این توطئه ها نمی ترسیم و مضافا به اینکه به نظر من اینکه حالا می آیند و صحبت می کنند ، بعضی ها آمده اند هی گفته اند که یک توطئه خیلی بزرگتر در کار است از کجا تا کجا چه شده است و از کجا تا کجا چه شده است به نظر من درست نیست ، توطئه به این معنا نیست الان ، لکن باید با کمال دقت مراقبت بشود . باید ارتش ما ، ژاندارمری ما ، سپاه پاسداران ما باید با کمال دقت و همه ملت ، همه ملت الان سپاه اسلام هستند باید مراقبت کنند ، باید رفت و آمدهای مشکوک را تحت نظر بگیرند و به مجرد اینکه ملت دید یک رفت و آمد مشکوکی است اطلاع بدهند . در محله ها دیدند که رفت و آمدی در یک خانه ای هست و

غیر عادی است، اطلاع بدهند فوراً، آنها هم فوراً کنترل کنند این چیزها را. در عین حالی که همه اینها باید بشود لکن مطمئن باشید که نتوانند کاری بکنند و نمی توانند این مملکت را به آن آسیب برسانند. و ما بعد از اینکه همه مسائل را ما مفروض بگیریم، فرض بگیریم که اینها آمدند و همه به قول خودشان همه مالاها را کشتند و همه مومنین را از بین بردند، ما از چه میترسیم؟ ما از یک جایی که این وضع را دارد منتقل می شویم به یک جایی که بهتر از اینجا است، چرا ما بترسیم؟ من نمی گویم ما غلبه به آنها می کنیم لکن ما غلبه ایمانی داریم بر آنها، ما همان منطقی را داریم که در صدر اسلام بود که اگر آنها را بکشیم به بهشت می رویم اگر آنها ما را بکشند باز هم ما به بهشت می رویم. این منطقی اهل ایمان است. آن که ایمان به خدای تبارک و تعالی دارد، آن که قرآن را به آن ایمان دارد، منطقی این است که ما ضرر نمی کنیم، هیچ طرف قضیه ضرر نیست اگر چنانچه کشته بشویم، لباسمان را عوض کردیم لباس بهتری پوشیدیم و اگر چنانچه بکشیم یک غیر انسانی را از دنیا بیرون کردیم. بنابراین ما ترسی از چیزی نداریم ولی معذک شما مطمئن باشید که نخواهد شد. ملت اسلامی است و برای خدا دارید کار می کنید. ملت ما برای خداست که دارند کار می کنند. آنهمه جوان ها را دادند برای خدا بود هیچ برای چیز دیگری نبود، و تعقل ندارد که یک کسی جوانش را بدهد برای اینکه یک خانه پیدا کند با فرض کنید که شب یک غذای خوبی، این معقول نیست، اینها برای خدا آمدند به میدان و همین مطلب در ذهنشان بود که ما برای خدا داریم کار می کنیم و اجرمان را هم از خدا می خواهیم هیچ طلبی هم هیچ کداممان از هم نداریم همه برای خدا انشاء الله کار کرده باشیم و بکنیم و از خدای تبارک و تعالی اجرش را بخواهیم و خدای تبارک و تعالی خواهد داد یا اینجا و آنجا، یا آنجا. خداوند انشاء الله همه شما را موفق کند و من بحق خدمتگزار شما هستم و این چند لحظه ای که از عمر من باقی است من در خدمت شما هستم و خداوند انشاء الله شما را به کمال معرفت برساند و دشمن های این کشور و این اسلام را انشاء الله یا هدایت کند و یا اینکه به جز ایشان برساند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## پیام امام خمینی در تجلیل از شهدای پاسدار کردستان (پاوه)

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام بر شهدای پاسداران انقلاب اسلامی و تمامی نیروهای مسلح متعهد اسلامی، سلام بر خانواده های عزیز و قهرمان پرور آنان. درود خداوند بر خانواده های شهدائی که با صبر و شکیبائی و مقاومت و با تقدیم عزیزان خود به خدا و اسلام بزرگترین حماسه های تاریخ معاصر را ترسیم کرده و می کنند. درود بر پاسداران اسلام که با خون خود و مشیت های گره کرده خویش انقلاب اسلامی را به ثمر رساندند. درود بر تمام نیروهای مسلح و متعهد اسلامی که با گرایش به انقلاب مقدس ایران و پشتوانه ملت عزیز کاخ ستمگری را واژگون کردند. ملت شریف ایران از شما خانواده های عزیز شهدای پاسدار قدر دانی می کند و بالاتر از این تقدیری است که از بارگاه مقدس خداوند متعال نصیب شما و همه شهدای اسلام و وابستگان آنان خواهد شد. شهدای انقلاب بزرگ چون شهدائی صدر اسلام در پیشگاه مقدس ربوبی ارزشمند و مورد عنایت حق تعالی و اولیای اسلام ارزشمند خواهد بود. اینجانب به عنوان یک خدمتگزار و دعاگوی حقیر، خود و ملت را مرهون این عزیزان می دانم و از خداوند بزرگ طلب مغفرت می نمایم. تاریخ، فداکاری این جوانان غیور و متعهد را فراموش نمی کند و نام نامی ملت عظیم ایران در صفحات تاریخ ضبط و در چهره دهر ضبط است والسلام علیکم و علی عبادالله الصالحین

روح الله الموسوی الخمينی



## پیام امام خمینی به بنی صدر در مورد وقوع سانحه هوایی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای بنی صدر رئیس جمهور حفظه الله تعالى

نجات جنابعالی و همراهان محترم از سانحه ای که به حسب عادت، مصیبت وار باید باشد، که نشانه ای از الطاف الهی است برای پیشرفت انقلاب اسلامی، ما از این اموری که اثبات قدرت حق آشکارا در آن پیداست که همه در جهات حفظ این کشور و ملت است کرارا دیده ایم. انشاء الله تعالى از این پس نیز عنایات پروردگار باماست و با همه وجود در پیشگاه مقدس شکر گزاریم. ما همه از خدائیم و باید در راه خدمت به او باشیم. این عنایت معجزه آسا دلیل آن است که شما و همراهانتان در خدمت به کشور اسلامی صدیق بوده و صدیق خواهید بود. شما به شکرانه این نعمت بزرگ زندگانی ثانوی خود را بیش از پیش وقف خدمت به اسلام و کشور اسلامی نمائید و ملت بزرگ با رؤیت این عنایات پی در پی اطمینان کامل داشته باشند که مادام که در خدمت اسلام هستند، آسیب پذیر نیستند و دشمنان کوردل این کشور بدانند که با توطئه و شیطنتها نخواهند توانست کشور اسلامی را آسیب رسانند. ملت ما تا پای جان در خدمت به اسلام حاضر و در پشتیبانی از نهادهای اسلامی مصمم هستند و از خداوند تعالی عظمت اسلام و مسلمین و کشور اسلامی ایران را خواستارم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

## بیانات امام خمینی در جمع قضات شرع و دادستان های انقلاب اسلامی کشور

### قوای ثلاثه اساس یک کشور است

بسم الله الرحمن الرحيم

من باید به ملت ایران تبریک عرض کنم که بحمدالله این قوای ثلاثه که اساس یک کشور است از خودشان است و از متن جامعه است و از اشخاص طاغوتی و منحرفین نیستند و از خدای تبارک و تعالی توفیق همه را می خواهم در اینکه همه خدمتگزار به اسلام باشیم و با جدیت و کوشش همه، این نهضت اسلامی به پیش برود و حکومت عدل الهی مستقر بشود به جای حکومت طاغوتی. شما همه می دانید و ملت هم می داند که این سه قوه ای که در زمان طاغوت بود، نمی شود گفت کدام خبیث تر از کدام بودند. قوه مقننه ما به دست اشخاصی افتاده بود که به اعتراف شاه مخلوع از طرف سفارتخانه ها تعیین می شدند و ملزم بودند اینها همان ها را به کار و دارند و از این راه ماهیت قوه مقننه بر ملت ما روشن می شود که لیستی که امریکا بدهد و نوکر او اجرا کند، بهتر از این مجلسی که ما داشتیم و بهتر از سنائی که ما داشتیم، یعنی آنها داشتند، نخواهد بود. آنها در طول مدتی که متصدی بودند هیچ گاه قدمی برای خدا بر نمی داشتند، اگر اینها برای خدا می خواستند قدم بردارند، حتما نه آمریکا آنها را پیشنهاد می کرد و نه شاه مخلوع آنها را تعیین می کرد. ما از همان حرف شاه، شاه مخلوع سند اتخاذ می کنیم که این قوه مقننه چه جور اشخاصی بودند و قوه مجریه هم که همه می دانند که چه جنایت هائی در این کشور مرتکب شدند و خود آن مرد که یک مقام غیر مسؤول به حسب اصطلاح آنها داشت در رأس همه جنایتکارها بود، جنایتکارها همه الهام از او و او الهام از اجانب می گرفت. قوه قضائیه که در اسلام آنقدر در آن اهتمام شده است و حکم را یا نبی یا وصی نبی باید متصدی بشود و اگر غیر نبی و وصی نبی، سفارش شده از طرف نبی اکرم باشد، آن ثالث می شود که شقی. قوه قضائیه ما هم به دست یک اشخاصی افتاد که من گمان نمی کنم در تمام افرادی که متصدی فضا بودند، یک نفرشان صالح باشد. اگر گفته می شود که در بین اینها یک اشخاصی بودند که مثلاً یک قدری متدین بودند، لکن صالحیت برای قضا غیر از تدین است، امر مهمی است که شاید در اسلام کمتر چیزی مورد توجه بوده است مثل قوه قضائیه و نکته اش هم معلوم است برای اینکه در دست قوه قضائیه همه چیز ملت است، جان مردم است، مال مردم است، نوامیس مردم است، همه در تحت سیطره قوه قضائیه است و قاضی اگر چنانچه خدای نخواستہ نالایق باشد، ناصحیح باشد، این در اعراض و نفوس مردم سلطه پیدا

بکند، معلوم است که چه خواهد شد. از این جهت من به ملت ایران تبریک می گویم که در این زمان نه قوه مقننه یک قوه ای است که لیستش را داده باشند و تعیین کرده باشد کسی آنها را، خود آنها منتخب از طرف ملت هستند و ملت بدون اینکه کسی تحمیل به آنها بکند، اینها را تعیین کرده است و هر کدام هم که ناصالح بودند، خود مجلس کنار گذاشته است. بنابراین قوه مقننه ما قوه ای است که صالح است و اکثر افرادش، افراد متعهد هستند و همه شان از همین جمعیت ملت هستند و از آن کاخ نشین ها نیستند و قوه قضائیه هم معلوم است که یک نفر از آن اشخاصی که طاغوتی باشند در اینها نیست و اهل علم هستند که با زندگی طلبگی امرار معاش کردند و در متن جامعه بوده اند و از گرفتاری های جامعه اطلاع دارند و گرفتار بوده اند خودشان هم، اینها می توانند که به درد مستضعفین برسند و قوه مجریه هم که عبارت از رئیس جمهور و نخست وزیر و بعد هم انشاء الله وزرائی که تعیین خواهند شد، اشخاصی هستند که خود ملت تعیین کردند، کسی تحمیل به آنها نکرده است و مجلس هم که از خود ملت است، بعد کابینه را رای به آن می دهد و بلااشکال به کسی که بر خلاف موازین اسلامی رفتار کند و غیر متعهد باشد و از حال مستضعفین بی اطلاع باشد، رای تمایل نخواهند داد.

لکن باید عرض کنم که این قضاوت در اسلام بسیار اهمیت دارد و بسیار خطرناک است. اهمیت دارد که تمشیت امور مردم و رفع ظلم ها و مخالفت ها و اینها با دست اینها باید بررسی شود و مظلوم از ظالم ممتاز بشود و حق اجرا پیدا بکند، و خطرناک است برای اینکه اگر چنانچه خدای نخواستہ حکم بر خلاف ما انزل الله باشد ولو در دو و در هم (علی حد الکفر) و قاضی (علی شفیر الجهنم) بسیار خطرناک است لکن امری است که واجب کفائی است و باید تکفل کرد. هر یک از اشخاصی که متصدی هستند اگر چنانچه مجتهد عادل باشند، مستقلا می توانند و اگر چنانچه مجتهد نباشند، آنها به تعیین مجتهد در یک زمانی که ما فاقد هستیم، افرادی که تمام جهات را مجتمع باشند، با تعیین مجتهد تصدی می کنند. نباید از کاری که اهمیت دارد، شانه خالی کرد کار آن کس اهمیت دارد در نظر شارع مقدس، این را نمی توانیم ما از آن شانه خالی کنیم، واجب کفائی است، اگر چنانچه شانه از زیرش خالی کردند، مورد مواخذه خواهند بود. باید تصدی کرد حتی در زمان بعضی از امرای سابق مثل خلفای بنی عباس و بنی امیه و اینها بعضی از اشخاص در خدمت آنها به حسب ظاهر می رفتند و اشخاص بسیار صحیحی بودند برای جلوگیری از بعضی مظالم، اینطور نیست که اگر یک حکومتی هم ظالم شد، کسی بداند که می تواند رقع ظلمی از مردم بکند، می تواند یک راه صحیحی را پیش بگیرد، بتواند از آن شانه خالی کند. حالا که بحمدالله یک کشور اسلامی داریم و همه ارکانش اسلامی است نمی شود امروز گفت که دولت هست و ما زیر بار دولت نمی رویم و دولت هست و ما مستخدم دولت نمی شویم. این حرف ها مال زمان طاغوت بود. زمان رسول الله هم دولت بود، زمان امیرالمومنین هم دولت بود، می شد بگوئی که دولت است و ما استخدام در این دولت نمی شویم؟! دولت از اموری است که باید در مملکت باشد، از واجبات حسبیه ای است که واجب است برای حفظ نظم دولت باشد. اگر دولت باطل باشد، استخدام در او جایز نیست مگر اینکه برای یک احقاق حقی باشد، چنانچه در صدر اسلام

هم این مسائل بوده است و اگر دولت صحیح حقی بود، نباید اشخاص بگویند که ما در این دولتی که صحیح و حق است، رویم برای اینکه اسمش دولت است. حکومت های اسلامی، همه دولت های اسلامی بودند، همه متولی امور مردم بودند. عمده این است که دولت چه دولتی باشد، اگر دولتی مثل دولت فعلی باشد که ارکانش همه اسلامی هستند و همه در راه اسلام می خواهند خدمت بکنند، نباید کسی تحاشی کند از اینکه من نمی خواهم وارد بشوم در این دولت و استخدام بشوم. استخدام دولت حق است، زمان حضرت امیر هم اشخاصی بودند که شرطه بودند، اشخاصی بودند حکومت بودند، استاندار بودند، اشخاص مومنی بودند که کار فرما بودند در جاهائی و اینطور کلی اش را آدم بگویند که، آنوقتی که زمان طاغوت بود بگویند که ما در خدمت طاغوت واقع نمی شویم، حالا هم که زمان الله است بگویند که ما در خدمت واقع نمی شویم این کج فهمی است. اگر چنانچه قضا مثلاً، در قوه قضائیه کمبود بود و به هر کس اظهار کردند، وقتی به مقدار کفایت نباشد واجب است بر اینکه تصدی بکند و قضاوت بکند نباید بگویند که حالا که قضاوت است ما در خدمت دولت واقع نمی شویم. خدمت دولت، نیست خدمت خداست. الان دولت، دولت الهی است و خدمت به الله است، نه خدمت به طاغوت است بنابراین نباید بعضی از آقایان تحاشی کنند از اینکه ما در استخدام دولت واقع نمی شویم. این استخدام اسلام است، دولت خودش اسلامی است، نه این است که خودش مستقل است، آن هم خدمتگزار اسلام است، همه خدمتگزار اسلام هستیم.

### حفظ نظام از واجبات الهی است

و البته باید همه امور بر نظام و نظم باشد. وقتی که پایه امور بر نظم شد، باشد و حفظ نظم از واجبات الهی است باید در قوه قضائی هم این نظم محفوظ باشد یعنی اینطور نباشد که قاضی یک روز بخواهد بیاید و یک روز هم دلش بخواهد نیاید. این یک یا باید در استخدام، استخدام الله بر آید و وظیفه شرعی الهی خودش بداند که باید روی موازینی که هست، ساعاتی که تعیین شده است برای کار، کار بکند و اگر چنانچه نخواهد هم این کلمه استخدام را قبول بکند یا اصلش تصدی نکند یا ملزم بداند خودش را به الزام شرعی که اگر آمد نظام را حفظ کند، اگر بخواهد وارد بشود و بی نظم باشد، من یک هفته دلم نمی خواهد بیایم، الزامی که من ندارم، نمی خواهم یک چنین آدمی، اصلاً از اول وارد نشود، اگر چنانچه می تواند که روی موازینی که تعیین می شود و شورای قضائی تعیین می کند عمل بکند، ملتزم به این باشد که این عمل تا آخر روی موازین باشد و هر روز هم خودش را عاجز از این داشت خوب برود پیش شورا و استعفا بدهد، اما متصدی باشد و بی نظم متصدی باشد، این صحیح نیست. باید یک مملکتی همه چیزش نظام داشته باشد، همانطوری که اگر در شهربانی بخواهند اینهایی که پاسبان هستند بگویند که ما امروز می خواهیم نیایم، امروز میلمان کشیده است که منزل باشیم، این نمی شود این پاسبان نمی شود و این شهربانی هم نمی شود و در سایر ادارات هم یک اداره ای بگوید که من امروز نمی خواهم بیایم، این خواستنی نیست. کسی که یک امر را تصدی کرد باید نظامش را حفظ

بکند. آقایان هم که از همه قشرها از حیث کارهایشان بیشتر است باید این نظام را حفظ بکنند و همانطوری که در سایر جاها یک نظامی هست و بدون نظم یک امری تحقق پیدا نمی کند یعنی فاسد می شود، باید نظام را حفظ بکنند و هر چیزی را که تقبل کردند با نظم و با ترتیب، این را اجرا بکنند و عمل بکنند.

### قضاوت یکی از عبادات الهی است

و از مهمانی که باید عرض کنم دقت در امر قضاوت. وقتی که نوامیس مردم، جان های مردم، مال های مردم تحت نظر شماست، نباید که مسامحه بشود خدای نخواستہ یک غیر مجرمی مجرم شناخته بشود یا یک مجرمی که باید حد الهی برایش جاری بشود، این غیر مجرم شناخته بشود. باید در امر قضا کمال دقت را کرد و با دقت اجرا کرد، مبادا خدای نخواستہ به دست یکی، یک ظلمی واقع بشود. هر دو طرفش ظلم است، اگر چنانچه یک غیر مجرمی، مجرم شناخته بشود، ظلم به آن شخص است و اگر یک مجرمی، غیر مجرم شناخته بشود، ظلم به آنهایی است که این جرم مرتکب شده است برای آنها. باید تمامش را با کمال دقت، با کمال مواظبت و احتیاط عمل کنید که مبادا یک وقت خدای نخواستہ یک کسی به قتل برسد در صورتی که جرمش به مقدار قتل نیست، کسی یک حبس طولانی بشود در صورتی که جرمش به مقدار این حبس نیست، یا قاتلی فرار کند از زیر بار قصاص به توهم اینکه خوب، یک ترحمی باید به آن کرد. نه، قاضی باید با تمام شدت توجه بکند به مواضع قضا، قاضی باید جسارتا عرض می کنم قسی القلب باشد، تحت تاثیر واقع نشود، قاضی که نفسش جوری است که اگر مثلاً این مجرم یک قدری گریه کرد، یک قدری ناله کرد، یک قدری التماس کرد، تحت تاثیر واقع بشود، این نمی تواند قاضی واقع بشود. یا اگر حس مثلاً انتقام جوئی در قاضی باشد، آن هم نمی تواند قاضی باشد. قاضی یک نفر آدمی است که بدون اینکه هیچ نظری داشته باشد راجع به قضیه، اگر برادرش را آوردند پیشش که قضاوت کند، همانطور باشد که اگر دشمنان را آوردند، یعنی در قضا آنطور باشد، حکمی که می خواهد بکند بین برادرش و بین دشمنش، در حکم فرق نگذارد. نمی گویم در عوارض نفسانی، نخیر در حکم یعنی همانطوری که برای برادرش حکم بحق باید بکند، برای دشمنش هم همانطور، علی السواء باشد پیشش همه، شما شنیده اید که حضرت امیر با آن ظاهراً یهودی بود که در محضر قاضی واقع شدند در صورتی که حضرت امیر رئیس بود، وقتی که احضارش کرد رفت پیش قاضی، قاضی وقتی که (ابوالحسن) به ایشان گفت، اشکال کرد به او که نه، به آن هم هر چه می گویی به من هم همین طور بگو. این دستوری است برای همه ماها که باید در مسند قضا یکی که نشست، همه ملت پیشش با یک نظر باشد، تمام نظرش به اجرای عدالت باشد. عدالت، در دشمنش هم به طور عدالت، در دوستش هم به طور عدالت. نه اینجا مسامحه بکند و نه آنجا سختگیری کند. و بالا-خره این امور مهم در دست شما آقایان است و از قراری که الان آقایان که پیش من آمده اند از شورای قضائی، خیلی امیدوار بودند به این چهره های نورانی، باید در هر جا که باشید و هر مطلبی که پیش شما بیاید،

هر قضاوتی که پیش شما بیاید، به طور حق، به طور عدالت، بدون نظر به اینکه این آدم چه است و آن آدم چیست، حتی یک مجرم در چه اول وقتی که آمد، روی حق نظر بکنید، این سابقه اش چه جوری است این را نظر نگیرید، روی حق و عدالت به آن نظر بکنید و حکمی که صادر می کنید یک حکم عادلانه باشد که محضر حق تعالی که وارد می شوند مورد اشکال نباشید و روسفید باشید. و من امیدوارم که خداوند تبارک و تعالی شما را موفق بکند، هم جهات شرعی که عرض کردم، آن جهات دیگر هم شرعی است، این منتها در متن است که راجع به حکم عدالت انشاء الله موفق بشوید و هم راجع به نظم و اینکه روی یک موازین باشد و شورای قضا اگر یک چیزی را گفت، شما نگوئید که من خودم مستقلم و می خواهم چه بکنم، این غیر نظم است، این نظم نیست. هر کس در خودش اینطور می بیند که اگر بیاید گوش نمی دهد به اینکه یک نظمی باشد، برایش جایز نیست تصدی این امر، برود کنار، الزامی نیست و هر کسی که به خودش این را می بیند که وقتی آمد روی موازین عمل بکند و روی نظام عمل بکند و شورای قضائی اگر یک چیزی را گفتند بپذیرد و انشاء الله ماجور باشد پیش خدای تبارک و تعالی و این را شما یکی از عبادات حساب بکنید که قوه قضائیه هستید و قضاوت می کنید و احقاق حق می خواهید بکنید، این یکی از عبادات الهی است.

و انشاء الله موفق و موید باشید و همه ما موفق باشیم به اینکه خدمت بکنیم، مملکت ما احتیاج مبرم به خدمت دارد، احتیاج مبرم به نظام دارد، بعد از انقلاب است، انقلاب البته یک مصائبی در آن هست لکن بعد از اینکه همه ارکان تمام شد با کمک هم، همه با کمک هم انشاء الله این بار را به منزل برسانیم و اینطور نباشد که در خارج به ما بگویند که اینها هرج و مرج هست در ایران و نه، در ایران دیگر نمی شود و چه، این حرف هائی که می زنند. لا اقل بهانه ای ما دست آنها ندهیم و هر کس هر کاری را متصدی است، او را خوب انجام بدهد. شما کار نداشته باشید که یک قاضی در بلخ مثلاً فلان عمل را کرده است و یک قاضی در کجا، شما کارتان این باشد که این کاری که خود شما می کنید، این خوب باشد. اگر همه افراد یک مملکتی آن کاری که دستشان است بنا بگذارند خوب انجام بدهند، این مملکت یک مملکت الهی عالی می شود و اگر بنا باشد که این که کار خودش را می خواهد بکند، به کار دیگری هم دخالت بکند، به یک کاری که مربوط به او هم نیست دخالت بکند، این قاضی است بخواهد قوه مجریه هم خودش باشد، قوه مجریه است، بخواهد قاضی هم خودش باشد، این هرج و مرج همین هاست. این قوا که هست و اساس هستند، اینها علیحده و مستقل و متجزی از هم هستند و هر کدام باید کار خودشان را انجام بدهند. اگر بنا شد که یک قاضی بخواهد اجرا هم بکند، این از حد خودش تجاوز کرده است و کارش فاسد خواهد شد و مملکت هم فاسد خواهد شد و اگر چنانچه هر کسی کار خودش را همانطوری که هست، خوب انجام بدهد، انشاء الله تعالی موفق خواهد شد این مملکت به اینکه نظامش درست برقرار و شما هم انشاء الله ماجور پیش خدای تبارک و تعالی و در نامه اعمال شما ثبت بشود که قاضی است که برای خدا قضاوت کرده است.

والسلام علیکم ورحمة الله

## بیانات امام خمینی در جمع گروهی از مردم ارومیه

### ما هر چه داریم از خداست و برای خدا باید خرج کنیم

بسم الله الرحمن الرحيم

من با اینکه حالم الان مقتضی نیست خیلی ولی دو، سه کلمه با آقایان عرض می کنم که من از زحمات شما، اولاً از زحمت اینکه از راه دور آمدید اینجا تشکر می کنم و ثانیاً از زحماتی که شما مرزنشین ها برای اسلام و برای کشور خودتان تحمل می کنید متشکرم لکن باید بدانید که امروز کشور شما مال خود شماست. در زمان شاه مخلوع شما زحمتکش ها باید زحمت بکشید و همه چیز شما در جیب اجانب بریزد. بحمدالله با همت والای ملت و خصوصاً شما مرزنشین ها، دست اجانب را از این کشور کوتاه کردید و مملکت مال خود شماست، دولت از خود شماست. مجلس از خود شماست، رئیس جمهور از خود شماست و همه خدمتگزار به این ملت هستند و من هم که چند روزی بیشتر تا آخر عمرم نمانده است، در خدمت شما هستم. خداوند شماها را عزت و عافیت عنایت کند. آن چیزی که همه سختی ها را آسان می کند این است که کارها برای خداست. ما و شما و همه هر چه داریم از خداست و هر چه توان داریم، برای خدا باید خرج کنیم. توان همه اعطائی است که خدا کرده است بر شما و بر همه، و آن چیزی که خدا به همه داده است، باید تسلیم او بشود.

هر چه زحمت بکشید، در محضر حق تعالی ثبت می شود و امیدوارم که اجر کشورهای صدر اسلام بر شما ملت ایران و بر شما مرزنشین اعطاً بشود و خداوند تبارک و تعالی کشور شما را از شر اجانب حفظ بفرماید و مادامی که شما بانوان و مردها، جوان ها با هم هستید و اختلاف ندارید و مقاصد خودتان را صرف نظر می کنید و به مقاصد اسلام فکر می کنید، آسیبی بر شما وارد نخواهد آمد. خداوند انشاء الله شماها را حفظ کند تا سعادت این دنیا و آن دنیا را نصیب شما بکند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## فرمان امام خمینی به حجت الاسلام امام جمارانی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای حاج سید مهدی امام جمارانی دامت افاضاته از آنجا که بنا به تصویب شورای انقلاب مقرر گردیده تا شورای مرکزی اوقاف دو نفر روحانی شرکت داشته باشند که با سایر اعضا این شورا امور اوقاف را زیر نظر بگیرند لذا جنابعالی را به سمت نماینده خود و به عنوان یکی از این دو روحانی در شورای مزبور انتخاب می نمایم و امید است در این امر مهم از هیچ گونه کوششی فروگذار ننمائید و با همکاری و همگامی با سایر برادران عضو شورای مرکزی و کارمندان اوقاف ، به بهترین وجه از موقوفات نگهداری نمائید . از خدای تعالی توفیق و تایید جنابعالی را در هر چه اسلامی تر کردن اداره اوقاف مسئلت دارم و ضمناً لازم است در هر ماه اعضای مزبور و سایر کارمندان محترم گزارشی از وضع سازمان اوقاف به جنابعالی تسلیم و به اطلاع اینجانب برسانید .

روح الله الموسوی الخمينی



## فرمان امام خمینی به حجت الاسلام نظام زاده

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای شیخ محمد علی نظام زاده دامت افاضاته از آنجا که بنا به تصویب شورای انقلاب مقرر گردیده تا در شورای مرکزی اوقاف دو نفر روحانی شرکت داشته باشند که با سایر اعضا این شورا امور اوقاف را زیر نظر بگیرند ، لذا جنابعالی را به سمت نماینده خود و به عنوان یکی از دو روحانی در شورای مزبور انتخاب می نمایم و امید است در این امر مهم از هیچ گونه کوششی فروگذار ننمائید و با همکاری و همگامی با سایر برادران عضو شورای مرکزی و کارمندان اوقاف به بهترین وجه از موقوفات نگهداری نمائید . از خدای تعالی توفیق و تایید جنابعالی را در هر چه اسلامی تر کردن اداره اوقاف مسئلت دارم . ضمناً لازم است در هر ماه اعضای مزبور و سایر کارمندان محترم گزارشی از وضع سازمان اوقاف به جنابعالی تسلیم و به اطلاع اینجانب برسانید .

روح الله الموسوی الخمينی

## بیانات امام خمینی در جمع مردم شهرستان ارومیه

### امیدوارم که این نهضت منتهی به ظهور امام عصر سلام الله علیه بشود

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام بر ملت عزیز آذربایجان . سلام بر شما جوانان مرزنشین که به واسطه جدیت تان و همت بزرگتان ، از میهن دفاع می کنید و کرده اید . من از خدای تبارک و تعالی سلامت همه شما را و همه ملت ایران و عزت و سعادت همه را خواستار هستم . من از اشخاصی هستم که برای خدمت شما عزیزان حاضر و امید است که این آخر عمر در خدمت شما باشم . من شکر می کنم خدای تعالی را که به واسطه این نهضت و به واسطه این انقلاب ما را با همه ملت روپرو کرد و ما ، شما آقایان ، علمای این حدود ، مرز و جوانان عزیز ما و تمام کسانی که در اینجا هستند مواجه هستیم و شما را از نزدیک می بینیم ، در صورتی که این امر قبلا برای ما میسر نبود و دست های خائن بین اهل علم و بین ما و شما جدائی افکنده بود و خدای تبارک و تعالی خواست که ما با هم مجتمع باشیم و با هم برای اسلام خدمت کنیم و برای کشورمان عزت ایجاد کنیم .

بحمدالله موفق شدید شما و موفق شدند ملت ایران که نام نامی این کشور را در همه جای دنیا منتشر کنند و همه اهالی ممالک اسلامی و غیر اسلامی توجه به شما ، توجه به ملت عزیز ما دارند و امیدوارم که این نهضت و این انقلاب منتهی بشود به ظهور امام عصر سلام الله علیه و امیدوارم که این انقلاب ما به همه دنیا و برای همه مستضعفین ، برای نجات همه مستضعفین به همه دنیا صادر بشود و همه همان را که برای شما هست و غلبه کردید بر دشمن اسلام و دشمن ملت ، مستضعفین هم غلبه کنند بر مستکبرین . خداوند همه شما را سلامت و سعادت و عزت و عظمت عنایت کند و من متشکرم از شما که از راه دور با زحمت تشریف آورده اید و در این مکان تنگ ، با گرمی هوا ، اینجا تشریف دارید من آنچه که در طبق اخلاص دارم دعاست و آن مقداری که می توانم ، توانائی دارم ، خدمت به شماست .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## بیانات امام خمینی در جمع گروهی دیگر از مردم شهرستان ارومیه

### امروز کشور مال شماست و کار در آن به نفع ملت و خودتان است

بسم الله الرحمن الرحيم

درود بر شما اهالی محترم آذربایجان . سلام بر بانوان و آقایان مرزنشین ارومیه . برادران و خواهران! شما می دانید که امروز کشور ما چون بعدانقلاب است ، احتیاج به کمک ملت دارد . ملت بود که این نهضت را پیش برد و ملت است که باید از این به بعد نیز به پیش برد . شما مرزنشینان حق بزرگی بر همه کشور دارید و ما مرهون زحمات شما هستیم و امیدواریم که کشور شما با همت شما و همت سایر برادران و خواهران شما استقلال خودش را تا آخر حفظ کند و شما از لشگرهای امام زمان سلام الله علیه باشید و کشور خودتان را با جدیت خودتان حفظ کنید . امروز روزی نیست که شما کار بکنید و اجانب منفعتش را ببرند . امروز هر چه زحمت بکشید و کار کنید ، به نفع ملت خود شماست و به نفع شماست . امید است انشاء الله شما با سعادت و سلامت عظمت و عزت ایران را حفظ کنید انشاء الله خداوند شما را سعید قرار بدهد و کشور شما را از هر آسیبی حفظ کند و همانطوری که عنایات حق تعالی تاکنون بر این ملت بوده است ، از این به بعد هم انشاء الله عنایت خدا بر شما ملت عزیز باشد و با عنایت خدا و وحدت کلمه شما و جدیت همه قشرهای ملت ، این قشرهای فاسدی که الان در کشور ما هستند و مانع از پیشرفت ، آنها هم از بین بروند انشاء الله . و مملکت شما مال خود شماست و زحمت های شما پیش خدای تبارک و تعالی اجر داشته باشد و دارد .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## بیانات امام خمینی در جمع اعضای جهاد سازندگی استان سیستان و بلوچستان، جیرفتو دزک آباد یزد و اقشار مختلف مردم

### طرح های اساسی ابر قدرت ها این است که با اسماً مختلف و با صورت های متعدد بین برادرها اختلاف بیندازند

بسم الله الرحمن الرحيم

خدای تبارک و تعالی را شکر گزاریم که ملت ایران، همه طوائف برادران شیعی مذهب و برادران اهل سنت در کنار هم و با برادری برای پیاده کردن احکام اسلام کوشش می کنند. برادران و خواهران من! ما امروز در یک عصری واقع هستیم که تمام دنیا، تمام کشورها از اقصی نقاط عالم تا اینجا به منزله یک خانه شدند. در سابق اگر چنانچه قضیه ای واقع می شد در یک شهری، برای یک شهر دیگر هیچ مطرح نبود و شهر دیگر از آن مطلع نمی شد یا اگر مطلع می شد، برای او قضیه ای نبود لکن امروز وضع عصر ما طوری شده است که قضایائی که در یک کشور واقع می شود، در همه کشورهای دنیا، در اقصی کشورهای دنیا منعکس می شود و برای آنها مطلب است، اینطور نیست که اگر ما در اینجا با هم اختلافی بکنیم، منحصر باشد به یک شهری یا یک کشوری مثل کشور ایران، بلکه انعکاسش در تمام کشورهای دنیا هست و بازتابش در همه جا هست. امروز وضع سیاسی دنیا طوری است که تمام کشورهای عالم در تحت نظر سیاسی ابر قدرت ها هستند، همه جا را ناظر هستند و برای شکست همه طوائف و قشرهای دیگر طرح ها دارند و مهم طرح ها این است که بین برادرها اختلاف ایجاد کنند. طرح های اساسی سیاسی آنها این است که با اسماً مختلف و با صورت های متعدد بین برادرها، بین دوست ها اختلاف بیندازند.

اسلام احکام اخلاقی هم سیاسی است، همین حکمی که در قرآن هست که مومنین برادر هستند، این یک حکم اخلاقی است، یک حکم اجتماعی است، یک حکم سیاسی است. اگر مومنین، طوائف مختلفیه ای که در اسلام هستند و همه هم مؤمن به خدا و پیغمبر اسلام هستند اینها با هم برادر باشند، همانطوری که برادر با برادر نظر محبت دارد، همه قشرها با هم نظر محبت داشته باشند علاوه بر اینکه یک اخلاق بزرگ اسلامی است و نتایج بزرگ اخلاقی دارد، یک حکم بزرگ اجتماعی است و نتایج بزرگ اجتماعی دارد. شما ببینید که در همین برهه از زمان که اسلام در اینجا یک سایه ضعیفی انداخته است، این برادری که مقدار ناقصی الان در ایران ایجاد شده است چه آثار رحمتی هست در آن

و چه انعکاس رحمانیت الهی در این کشور هست. این جهاد سازندگی که همه قشرهای ملت را در تحت لوای خودش قرار داده است و جوان های ما از هر قشری در این جهاد سازندگی وارد می شوند، این اثر آن اخوت اسلامی است که دارند، اینها برادر هستند، توی یک کشور با هم برادر هستند و لهذا با نظر برادری به هم نگاه می کنند و اخوت اسلامی اقتضای این را می کند که در این جهت اجتماعی همه با هم کمک کنند و این کشوری که از خودشان هست همه آباد کنند آن را و پاکسازی کنند آن را و بسازند آن را و این یک حکم اخلاقی است که در آن حکم اجتماعی هم هست و علاوه بر این جهات سیاسی دارد. جهات سیاسی آن همین بوده، همه دیدید که ملت ایران وقتی که با هم مجتمع شدند و برادروار با هم در کنار هم بودند و همه توجه به برادری اسلامی خود داشتند، قدرت های بزرگ نتوانستند در مقابل این برادرها، در مقابل اینهایی که مجتمع با هم شدند، نتوانستند در مقابل اینها قیام کنند و تاب مقاومت بیاورند، همه راه خودشان را گرفتند و رفتند، گر چه بعضی از ریشه های فاسدشان مخفیانه در این ملت و در این کشور هست لکن این ریشه های فاسد نمی توانند این اخوت ایمانی که الان در شما هست این را به هم بزنند.

این اخوت ایمانی که خدای تبارک و تعالی امر به اخوت کرده است و عقد اخوت بین مومنین انداخته است انحصار به مومنین ایران ندارد، انحصار به مومنین یک کشور ندارد، این عقد اخوت بین تمام مومنین دنیاست، تمام ممالک اسلام باید با هم مثل برادر باشند و اگر چنانچه ممالک اسلامی مثل برادر با هم باشند و توده هایی که در هر کشوری زندگی می کنند با توده های کشور دیگر مثل برادر نظر داشته باشند، اینها بر همه قدرت های عالم مسلط خواهند شد. امروز شما گمان نکنید که اگر در یک گوشه عالم یک قضیه واقع بشود، سایر ممالک دیگر مطلع نمی شوند، امروز دنیا یک عائله شده است، دنیا یک موجود شده است که همه عالم از هم مطلع می شوند، با این رادیو و تلویزیون می بینید که مطلب که در یک گوشه دیگر عالم واقع می شود در همه جا منتشر می شود. باید این اخوت ایمانی طوری باشد که یک کشوری با کشور دیگری نظر خلاف نداشته باشند، کشورهای اسلامی با هم نظر دوستی داشته باشند و مخالفین ما کوشش می کنند که در تمام جاهائی که ممالک مستضعفین هست و ملت های مستضعف هست، چه ملت اسلامی و چه غیر اسلامی که مستضعف هستند، کوشش می کنند که با فعالیت های متعدد بین اینها جدائی بیندازند، بین اینها تفرقه بیندازند، ممالک را از هم جدا کنند، کشورهای اسلامی را از هم جدا کنند، ملت های اسلامی را از هم جدا کنند و لهذا می بینید که گویندگانشان، آنهایی که ادعای اسلام می کنند در عین حالی که با یهود موافقت کرده اند یعنی با صهیونیست موافقت می کنند لکن جدیت دارند که بین برادرهای مسلم تفرقه بیندازند و یا هر طوری شده است برادرهای مسلم را از هم جدا کنند. اینها یک نقشه های سیاسی است که کشورهای بزرگ به واسطه عمالشان می خواهند در ممالک اسلامی پیاده کنند. مسلمین باید بیدار باشند، مسلمین باید هوشیار باشند که امروز مثل دیروز نیست، این عصر ما مثل عصرهای سابق نیست که هر طایفه ای در محل خودشان منافع خودشان را به دست بیاورند، امروز منافع همه کشورهای اسلامی پیوند به هم

است، منافع کشور اسلامی ایران با منافع کشور اسلامی سایر کشورها، اینها با هم پیوند به هم است، منافع کشور اسلامی ایران با منافع کشور اسلامی سایر کشورها، اینها با هم پیوند هستند، اگر چنانچه اختلافی بین ملت ایران با ملت های دیگر بیفتد، اختلافی ما بین برادرهای اهل سنت ما با برادرهای اهل تشیع ما واقع بشود، این به ضرر همه مان هست، به ضرر همه مسلمین هست. و آنهایی که می خواهند ایجاد تفرقه بکنند اینها نه اهل سنت هستند و نه اهل تشیع هستند، آنها کسانی هستند که کارگردانان دولت های ابر قدرت هستند و در خدمت آنها هستند. آنهایی که کوشش دارند بین برادرهای اهل سنت ما با برادرهای اهل تشیع تفرقه بیندازند، اینها اشخاصی هستند که برای دشمن اسلام، برای دشمن های اسلام مشغول توطئه هستند و می خواهند دشمن های اسلام را بر مسلمین غالب کنند، آنها طرفدار آمریکا هستند، بعضی طرفدار شوروی هستند و باید مسلمین در هر جا که هستند، توجه کنند که امروز تفرقه ما بین یک مملکتی ولو در اقصی بلاد دنیا باشد با مملکت دیگری که با او در شرق و غرب با هم جدا هستند، امروز مثل سابق نیست، امروز هر مسأله ای در یک گوشه دنیا واقع بشود، مسأله دنیاست، نه مسأله همانجا. اگر چنانچه یک تفرقه ای بین شما برادرها در ایران واقع بشود، این یک مسأله ای است در همه دنیا و اگر تفرقه ای مابین برادران ایرانی و برادرهای عراقی واقع بشود، یعنی ملت عراق بشود، این یک مسأله ای در دنیا هست، نه یک مسأله ای بین اینجا و عراق هست، این را در دنیا رویش حساب می کنند و در دنیا آنهایی که می خواهند تمام منافع دنیا را به جیب خودشان بزنند و سلطه خودشان را به تمام ممالک دنیا تحمیل بکنند، آنها همین تفرقه ای که بین برادرهای شیعه ما و سنی ما فرضاً اتفاق بیفتد در ایران، آنها بهره برداری می کنند و همین طور اگر بین برادرهای ایرانی ما و برادرهایی که در پاکستان هستند یک اختلافی واقع بشود، بهره برداری می کنند آنها. ما باید بیدار باشیم و بدانیم که این حکم الهی که فرموده است (انما المومنون اخوه)، برادر هستند اینها و هیچ حیثیتی جز برادری با هم ندارند و مکلفند که مثل برادر با هم رفتار کنند، این یک حکم سیاسی است که اگر ملت های مسلم که تقریباً یک میلیارد جمعیت هستند، اینها برادر با هم باشند و به برادری با هم رفتار کنند، هیچ آسیبی بر اینها واقع نمی شود و هیچ یک از ابر قدرت ها قدرت اینکه تجاوز به آنها بکنند ندارند. برادرها! باید متوجه این معنا باشید.

### **علاوه بر جهاد سازندگی، جهاد با نفس خودتان هم بکنید**

اما قضیه جهاد سازندگی که شما آقایان از این جهاد سازندگی هستید و کار پر ارزشی شما دارید، باید توجه داشته باشید که علاوه بر اینکه جهاد سازندگی می کنید، جهاد با نفس خودتان هم بکنید.

اگر خدای نخواست در این جهاد سازندگی یک کاری بشود که بر خلاف مصلحت اسلام است، بر خلاف مصلحت انقلاب است، اسباب دلسردی مردم می شود. خدای نخواست اگر بعضی از اشخاص غافل یک وقت یک عملی بکنند بر خلاف مقررات دولت اسلامی و بخواهند یک شلوغکاری بکنند،

اینها جهاد نفس نکرده اند و جهاد سازندگی شان هم مفید نیست .

باید شما آقایانی که یک همچو عمل بسیار شریفی را متکفل هستید و ارزنده است این عمل شما پیش اسلام ، باید توجه بکنید که این اخلاق اسلامی که اخوت اسلامی است و برادری است و برابری است ، این را ملاحظه کنید و مبادا یک وقت در یک جایی بر خلاف مقررات و بر خلاف نظم عمل بکنید . این یک امری است برای همه کشور ما هست ، برای همه نهادهای کشور ما هست که باید انتظام نظم را ، مقررات جمهوری اسلامی و مقررات حکومت اسلامی را باید مو به مو دریافت کنند و مو به مو عمل کنند و برخلاف مقررات عمل نکنند . این یک مطلب اسلامی است . حکومت حالا مثل حکومت زمان شاه مخلوع نیست که اگر چنانچه تخلف بکنید ، این جزء فضائل شما می شود ، حالا اگر تخلف از احکام حکومت اسلامی بکنید ، این جزء رذائل است ، این رذیله است ، این پیش خدا صحیح نیست ، در اسلام باید نظم مقرر باشد . این را من به همه مسلمین که در همه جا هست عرض می کنم و بخصوص به ملت شریف اسلام از هر طبقه ای هستند ، اگر بنا باشد که در قوای انتظامی ، قوای مسلح ، در ارتش نظم نباشد و بخواهد هر کسی به خیال خودش عمل بکند و سلسله مراتب را ملاحظه نکند ، این یک امری است برخلاف مقرر اسلامی است ، حکمی است که اسلام کرده است که باید این نظم محفوظ باشد ، باید مراتب محفوظ باشد و اینطور نباشد که هر کس هر طوری دلش بخواهد تضعیف کند قوای انتظامی را ، ارتش را ، ژاندارمری را و سایر قوای مسلح مثل پاسداران را . همانطوری که همه ملت موظفند که این قوای انتظامی را حفظ کنند و پشتیبانی کنند و نظم را مراعات کنند و دخالت در امور نظام نکنند ، خود نظامی ها هم و خود اشخاصی که در قوای انتظامی هستند باید مقررات را حفظ بکنند و از فرماندهان خودشان فرمانبرداری کنند . هم جهاد سازندگی باید مقررات را حفظ بکنند و هم کسان دیگری که در هر جا مشغول کاری هستند ، اینطور نباشد که جهاد سازندگی دخالت در یک امر دیگری که وظیفه او نیست بکند یا مثلا پاسدارها دخالت در یک امری که در وظیفه آنها نیست بکنند یا ارتشی ها اینطور ، یا دیگران در ارتش دخالت بکنند یا دیگران در ژاندارمری دخالت بکنند ، باید هر نهادی روی همان مقرراتی که دارد عمل بکند و امروز این یک مسأله اسلامی است . شما خیال نکنید که ما حالا یک دولتی داریم که جدای از مسلمین و جدای از مقاصد اسلام است . امروز تمام افرادی که متکفل امور این مملکت هستند و متکفل اداره این مملکت هستند همه از جنود الله هستند و همه خدمت به اسلام دارند می کنند و نباید آنها را تضعیف کرد ، ملت باید پشتیبان همه این نهادها باشد و همه نهادها هم باید خودشان مقررات را به طوری که در هر نهادی مقررات هست عمل بکنند و بر خلاف مقررات ، خلاف شرع است ، نباید عمل بکنند و هیچ طایفه ای و هیچ نهاد دیگری نباید دخالت بکند . نباید کمیته ها مثلا دخالت بکنند در امر ارتش ، نباید ارتش دخالت بکند در امر کمیته ها ، نباید قوه اجرائیه دخالت در قوه قضائیه یا تقنینیه بکند و نباید آنها در قوه قضائیه دخالت بکنند ، باید به همانطوری که قانون اساسی اسلامی مقرر کرده است و ملت به آن رای داده است ، باید به همانطور عمل بشود و اسباب این نشود که

هر طایفه ای برای خودشان یک حکومتی داشته باشند و یک کارهای بر خلاف مقررات بکنند . اگر بخواهید اسلام را پیش ببرید و اگر بخواهید مملکت خودتان را از دست ابر قدرت ها و چپاولگرهای بین المللی نجات بدهید ، باید همه مقرراتی که تحت عمل هر یک هست ، آن مقررات عمل بشود و هیچ نهادی با نهاد دیگر معارضه نکند و تمام برادر باشند و با برادری با هم رفتار بکنند ، و من امیدوارم که تمام برادرهای ما در اطراف ایران ، چه برادرهای اهل سنت و چه برادرهای اهل تشیع و تمام کسانی که در این ملت هستند از اقلیت های مذهبی همه با هم مجتمع باشند و همه مثل برادر با هم رفتار کنند تا اینکه این مملکت به پیش برود و احکام اسلام در او جاری بشود و رفاه همه مسلمان ها و همه کسانی که در کشور اسلامی سکونت دارند حاصل بشود . و من امیدوارم که همه ملت های اسلامی ، گمان نکنند این ملت های اسلامی که ما در یک گوشه ای هستیم و آنها در گوشه دیگر ، قرآن همه شما را برادر خوانده است ، قرآن عقد اخوت بین همه شما ، آن کسانی که در آخرت نقطه عالم هست و مسلم است و مؤمن است ، با آن کسی که در اول نقطه عالم هست و بین مشرق و مغرب ، با آنها جدائی هست ، اینها جدائی از هم ندارند و همه با هم برادرند و باید به حکم اسلام همه با هم برادری کنند و متفرق نشوند و جدای از هم نباشند و مصالح خودشان را مصالح اسلام و مصالح همه ملت ها بدانند و هر ملتی مصلحت ملت دیگری را مصلحت خودش بدانند و مومنین در هر جا که هستند برادر باشند و به برادری رفتار کنند و اگر یک جائری به یکی از ممالک اسلامی تعدی کرد ، این تعدی را به خودشان بدانند و من امیدوارم که با نظر کردن به این حکم اسلامی که همه مردم ، همه مسلمان ها برادر هستند ، این مملکت مصالح خودش را به دست بیاورد و همه ممالک اسلامی بر ابر قدرت ها غلبه کنند و موفق به این بشوند که احکام اسلام را تا آخر اجرا بکنند .

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاته



## بیانات امام خمینی در جمع مردم شهرستان اردبیل و دشت مغان

### قیامی که برای خدا و اسلام باشد پایدار است

از خداوند تعالی عظمت اسلام و سلامت مسلمین و خصوصا برادران آذربایجانی و شما عزیزان شهرستان اردبیل و اطراف اردبیل را خواستارم. بعضی از کسانی که می خواهند این نهضت اسلامی و این انقلاب الهی به ثمر نرسد، گاهی می گویند که شور مردم کم شده است، مردم در اول انقلاب شور زیاد داشتند ولی حالا اینطور نیست و این سمپاشی است در بین ملت. مگر اول انقلاب برای خدا بود و حالا- برای خدا نیست که در اول انقلاب، شور زیاد باشد و حالا چون برای خدا نیست، کم باشد؟ از اول انقلاب تا حالا هر چه بوده است برای خدای تبارک و تعالی بوده است. یک مملکتی که می رفت به طرف جاهلیت، می رفت که احکام قرآن و اسلام فراموش بشود و می رفت به اینکه مصالح این مملکت پایمال بشود، خزائن مملکت به جیب اجانب برود، ملت قیام کرد برای خدا و برای احیای احکام الهی و با شور و شغف به میدان رفت و با دادن فدائیان بسیار و شهدای بیشمار غلبه کرد بر کفر و نفاق و دست ابر قدرت ها را از این کشور کوتاه کرد و این برای اسلام بود و برای خدا. یک کشوری که برای خدا قیام کرده است، برای خدا هم پایدار می ماند و برای خدا هم ادامه می دهند و لهذا این اشخاصی که پیش خودشان می نشینند حساب می کنند و یا بی حساب می خواهند این کشور را به خیال خودشان نگذارند به پیش برود و این انقلاب را نگذارند که گرم بماند و پرشور، اینها یک مطالبی را عنوان می کنند و منتشر می کنند. این چه شده است که شما جوانان عزیز را از راه دور به این منزل حقیر کشانده است؟

### امروز همه امور دست خود ملت است

این چه احساسی است که بانوان محترم و جوان های عزیز را از آن طرف کشور آورده است و در یک همچو جایی تا مواجه بشوند با آنها و آنها هم مواجه با ما بشوند و درد دل هائی که آنها دارند و ما داریم در میان بگذاریم؟ غیر از شور اسلامی است؟ غیر اسلام اصلا مطرح است پیش شما؟ شما برای یک تخت و تاجی اینجا آمده اید؟ برای یک استفاده مادی اینجا آمدید؟ می دانید که این حرف ها در اینجا نیست. شما برای خدا و برای رضای خدا و پیشرفت اسلام می خواهید به بدخواهان ارائه بدهید که همان شوری که در اول انقلاب بود و ما را به میدان ها کشاند و دشمنان اسلام را از ایران بیرون

راند ، حالا هم هست ، برای اینکه اسلام همان اسلام است ، انقلاب اسلامی هم همان انقلاب اسلامی است .

بحمدالله تاکنون هم با بهترین وجه این مطالب اسلامی یعنی اساس حکومت اسلامی با بهترین وجه تحقق پیدا کرده است و ملت خودش است که سرنوشت خودش را به دست دارد . اینطور نیست که ملت ما از همه چیز بی خبر باشد و سرنوشتش را در کاخ سفید برایش طرح بکنند یا در کرملین . خود ملت است که با رای خودش رئیس جمهوری تعیین می کند ، جمهوری اسلامی را رای می دهد و با رای خودش که متمرکز است در مجلس ، دولت را تعیین خواهد کرد و همه امور دست خود ملت است . امروز مثل زمان رژیم طاغوتی نیست که ملت هیچکاره باشد و همه امور دست یک نفر یا یک عده باشد . ملت همه کاره است و همه هم با رای خود ملت است و همه چیزها هم به نفع ملت است انشاء الله .

### **مردم برای اسلام قیام کردند و دلسرده نمی شوند**

اینها که تقاله آن رژیم سابق یا طرفداران آمریکا یا شوروی هستند و یک ریشه گندیده ای از آنها باقی مانده است ، کوشش می کنند که مسائل را یک جوری طرح بکنند که ملت ما را از این انقلاب دلسر بکنند . مگر این انقلاب برای این بوده است که یک خانه ای به مردم بدهد؟ یک کسب و کاری برای مردم ایجاد بکند؟ این انقلاب برای خدا بوده است و برای اسلام .

ملت ما دید که اسلام دارد به دست طوائف مختلفی که طمع دارند بر این کشور و طمع دارند بر خزاین این کشور ، دارد اسلام از بین می رود ، آنها با اهدا خون جوانان خودشان و با زیان های زیادی که دیدند ، قیام کردند برای اسلام . اگر قیام کرده بودند برای اینکه به نوائی برسند و حالا مثلاً "نرسیده اند البته دلسرده می شوند ، اما کسی که برای خدا قیام کرده است ، خدا همیشه هست و احکام اسلام همیشه هست و شما جوان ها و شما عزیزانی که در اطراف مملکت هستید ، همیشه برای اسلام هستید و آذربایجان همیشه سنگر این کشور بوده است و حالا هم سنگر است ، این سنگر تا آخر هم هست .

### **ملتی که برای خدا قیام کند از هیچ چیز نمی ترسد**

من از خدای تبارک و تعالی خواستارم که شما عزیزان را که از راه دور آمدید حفظ کند و شما را برای ما نگه دارد و شما هم توجه داشته باشید به اینکه کشور از خود شماست و هر چه زحمت بکشید در این کشور ، برای برادران خودتان و برای خودتان زحمت کشیدید . اینطور نیست که شما زحمت بکشید و دیگران چیزهایی را که شما زحمت کشیده اید به جیب خودشان بکشند . امروز بحمد الله اسلام در اینجا قوه پیدا کرده است و انشاء الله احکام اسلام هم پیاده خواهد شد و دولت اسلامی هم قدرت خودش را با پشتیبانی شما دارد و از هیچ یک از این قدرت هائی که در عالم هستند و ارباب می کنند ملت ما را ، ما نمی ترسیم برای اینکه ما برای خدا قیام کردیم ، ملت ما برای خدا قیام کرده است و ملتی

که برای خدا قیام کند از هیچ چیز نمی ترسد و آسیب نمی بیند و خدا با شماست و نگهدار شما .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 30

## بیانات امام خمینی در جمع بانواد اردبیلی

### ملتی که شهید در راه اسلام دارد آسیب نخواهد دید

بسم الله الرحمن الرحيم

شما بانوان محترم که از راه دور آمدید ، خوش آمدید و خداوند انشاء الله شما را سعادت مند فرماید . ملتی که بانوانش در صف مقدم برای پیشبرد مقاصد اسلامی هست آسیب نخواهد دید . ملتی که بانوانش در میدان های جنگ با ابر قدرت ها و با مواجه شدن با قوای شیطانی ، قبل از مردها در این میدان حاضر شده اند پیروز خواهد شد . ملتی که شهید در راه اسلام ، هم از بانوان دارد و هم از مردها و شهادت را ، هم بانوان طلب می کنند و هم مردها ، آسیب نخواهد دید . ما امیدواریم به این سیل خروشان ملت که در جلوی آنها بانوان محترم که ارزشمندترین قشرهای ملت هستند و برای پیشبرد آمال اسلامی مجاهدت می کنند ، به ملت ایران تبریک عرض می کنم و باک از هیچ قدرتی نداریم برای اینکه یک ملتی که زن و مردش برای جانفشانی حاضرند و طلب شهادت می کنند ، هیچ قدرتی با آن نمی تواند مقابله بکند . قدرت شما قدرت الهی است . شما بانوان محترم برای خدا قیام کردید و برای خدا در این قیام پایدار هستید و آسیب نخواهید دید . هر چه می دانید - می توانید این صف های خودتان را فشرده تر کنید و انقلاب را حفظ کنید و به پیش بروید . گوش به حرف های مفسدینی که می خواهند بین شماها تفرقه بیندازند یا شما را از انقلاب دلسرد کنند ندهید که اینها بلندگوهای شیطان هستند و خدای تبارک و تعالی آنها را انشاء الله سرکوب خواهد کرد . من از شما بانوان محترم قدردانی می کنم و تشکر می کنم که راه های دور به اینجا تشریف آوردید . خداوند انشاء الله شما را عزیز و عظیم و مرفه قرار دهد و شما را برای مسلمین و اسلام حفظ کند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## بیانات امام خمینی در جمع گروهی از مردم استان باختران (کرمانشاهان)

### اگر قیام لله شد پشتوانه اش الله است

بسم الله الرحمن الرحيم

(قل انما اعظکم بواحدہ ان تقوموالله مثنی و فرادی ثم تفکروا) در عالم، نهضت های زیادی واقع شده است و انقلاب های بسیار، لکن اکثر نهضتی بوده است از یک ظالمی بر ضد ظالم دیگر از یک ستمکاری برای ستمکار دیگر. نهضت ها همچو نبوده است که همه آنها نهضت های صحیح باشد بلکه غالباً نهضت هائی بوده است که یک رژیم ظالمی می آمده است و رژیم ظالم دیگر را از بین می برده است و خودش جایگزین آن می شده است و به ظلم ادامه می داده است. آن دستوری که قرآن مجید در چند کلمه فرموده اند برای نهضت که کیفیت نهضت باید چه باشد، آن این آیه شریفه است که می فرماید (انما اعظکم بواحدہ) خطاب می فرماید به رسول خدا که بگو به امت که من یک موعظه فقط دارم و آن این است که قیام بکنید برای خدا، اگر یک نفر هستیید برای خدا قیام کنید، اگر جمع هستیید برای خدا قیام کنید. قیام برای خدا در مقابل تمام قیام هائی که طاغوتی است و اگر برای خدا نشد شیطانی است. طاغوت است و الله. قیام هم یا برای خداست، یا برای غیر خدا. آن قیام، قیام طاغوتی است، غلبه ظالمی بر ظالم دیگر، غلبه چپاولگری بر چپاولگر دیگر و قیامی که خدای تبارک و تعالی دستور می فرماید، قیام لله است. باید ما توجه داشته باشیم که اگر قیام لله شد پشتوانه اش هم الله است. اگر شما برای خدا نهضت کردید برای خدا قیام کردید، برای رفع ظلم قیام کردید و برای اجرای احکام خدای تبارک و تعالی نهضت کردید، خدای تبارک و تعالی هم با شماست. شما ملاحظه کرده اید که از اول نهضت تاکنون چه علائم غیبی پیدا شده است و چه تاییدات الهی در این نهضت پیدا شده است و این دلیل بر این است که نهضت شما لله بوده است. از اول که شما نهضت کردید، هیچ کس شاید احتمال این معنا را نمی داد که یک ملتی که نه نظامی هستند و نه تدریب نظامی دارند و نه اسلحه دارند و نه ساز و برگ جنگی دارند، اینها بر یک قدرتی که دارای همه چیز بود غلبه کنند، هیچ همچو احتمالی در دنیا داده نمی شد. اشخاص زیادی می گفتند، از خود ما هم، از خود ملت ایران هم اشخاص سیاسی، متفکر می گفتند که این یک امر نشدنی است و نمی شود که با دست خالی در مقابل یک همچو قدرتی قیام کرد، جز اینکه یک کشته ای بدهیم و اثری نداشته باشد، نتیجه حاصل نمی شود.

آنها هم نظر مصلحت داشتند لکن بعضی شان که با من صحبت کردند به آنها گفتم که ما یک

تکلیفی داریم ادا می کنیم . ما به شرط غلبه قیام نمی کنیم ، ما می خواهیم یک تکلیفی ادا بکنیم اگر غالب شدیم که نتیجه هم به دست آمده و اگر چنانچه غالب نشدیم و کشته شدیم ، انبیا هم خیلی شان ، اولیا هم خیلی شان قیام می کردند و نمی توانستند به مقصد خودشان برسند . ما مکلفیم که در مقابل یک همچو ظلمی که در آستانه این است که اسلام را وارونه کند و کج فهمی ها ، اسلام را صدمه بزنند ، ما می خواهیم که در مقابل یک همچو بدعت هائی اظهار نظر بکنیم ، چه غالب بشویم و چه نشویم .

در دنیا هم متفکرین دنیا ، آنهائی که همه جهات قیام ها را در نظر داشتند آنها هم اعتقادشان همین ها بوده است که نمی شود یک همچو کاری انجام بگیرد ، لکن آنها از یک مطلب غافل بودند و آن اینکه فرق است ما بین قیام هائی که برای خدا نباشد قیام هائی که برای منفعت دنیائی باشد ، برای غلبه یک کسی بر کس دیگر باشد ، برای پیروزی یک قدرت بر قدرت دیگر باشد ، این قیام ها فرق دارد با قیامی که لله باشد . آنها این نکته را نمی دانستند که قیام لله کیفیتش ، ماهیتش با قیام هائی که غیر خدائی باشد ، هر چه باشد ، این با هم فرق دارد . قیام لله پشتوانه قدرت خداست ، پشتوانه اش تفنگ نیست ، پشتوانه اش مسلسل نیست ، پشتوانه اش قدرت خداست . وقتی قدرت خدا در بین آمد دیگر قدرتی در مقابل او نمی تواند عرض اندام کند و لهذا این ملت که سرتاسر کشور فریاد می کردند که ما اسلام را می خواهیم و همه قیام کرده بودند برای اینکه کفر و نفاق و ظلم و امثال اینها را از بین ببرند و به جای آن عدل اسلامی باشد ، جمهوری اسلامی باشد ، این قیام لله بود . شواهد بر اینکه این قیام لله بود اینکه مردم جان خودشان را در طبق اخلاص گذاشتند ، جان جوان هایشان را با گشاده رویی در طبق اخلاص گذاشتند و به میدان آمدند و شاهد دیگر اینکه ما با چی غلبه کردیم بر اینها ، ما چه داشتیم . آنها همه چیز داشتند ، آنها آمریکا داشتند ، آنها شوروی داشتند ، آنها همه ممالک اسلامی الا کمی را داشتند و قدرت نظامی شان قدرت مدرنی بود که می گویند در این طرف شرق همچو قدرتی نبوده است و ما هیچ نداشتیم ما خدا را داشتیم و شما بدانید که آنها اگر چنانچه یک تاییدات غیبی نبود ، در یک شب می توانستند ایران را خراب کنند . شاه مخلوع هم گفته بود که اگر من بنا شد بروم ، یک خرابه ای می گذارم و می روم . لکن خدای تبارک و تعالی آنچنان رعبی ، آنچنان ترسی در دل اینها انداخت که دیگر مجال اینکه یک خرابکاری بزرگی بکنند پیدا نکردند . اذهان آنها را خدا منصرف کرد از اینکه آنطور جنایت بزرگ را بکنند ، اذهان اینها را منصرف کرد از اینکه بمباران کنند ایران را ، بمباران کنند تهران را ، می توانستند لکن خدای تبارک و تعالی دل های آنها را بر گرداند به یک معانی دیگری و رعب در قلب آنها انداخت که فرار کردند . این برای این بود که یک نهضت اسلامی بود . در صدر اسلام هم این قضیه رعب و فتح به رعب ، نصر به رعب ، این مطلبی بوده است که وقتی که یک جمعیت کمی در مقابل آن جمعیت های زیاد و با سلاح هائی که در آن روز سلاح مدرن زیاد بوده است ، معذک یک خوفی گاهی در قلب آنها می افتاد که با همان خوف ، نصرت برای اسلام حاصل می شد . بعد هم دیدید که در ظرف یک سال و چند ماه تمام چیزهائی که یک حکومت لازم دارد ، ملت ما بر آن رای دادند و متحقق کردند . شما بدانید که در بعضی از ممالک که انقلاب کرده اند ، انقلاب شیطانی بعد از بیست سال ، بعد

از سی سال باز قانون اساسی ندارند. این عراق نزدیک ما که حکومت جابر دارد و یک حکومت جابر، یک حکومت جابر دیگر را از بین برده است، با اینکه با تمام قدرت دارد سرکوبی می کند ملت خودش را، نتوانسته تا حالا یک قانون اساسی برای خودش درست کند، حالا هم باز یک عده ای از خدابی خبر نشینند و حکومت می کنند، حکومت استبدادی بدتر از هر استبداد. هیچ سابقه ندارد هیچ که یک کشوری ملتش که قیام کردند و آن رژیم فاسد را از بین بردند، بعد از یک سال و نیم مثلا همه چیزهایی که باید حکومت داشته باشد اینها متحقق کردند و قانون اساسی شان را نوشتند، جمهوری اسلامی شان را رای دادند، رئیس جمهورشان را رای دادند، مجلس خبرگانشان را رای دادند، مجلس شورای اسلامی شان را رای دادند، و همین چند روز نخست وزیر، وزرای خودش را معرفی می کند و تمام و کمال آنچه که حکومت لازم دارد متحقق شود. و این سابقه ندارد در دنیا که همچو چیزی بشود.

### **با اخلاق و رفتار اسلامی این نهضت را حفظ کنید**

ممالک دیگری که نهضت هم نکرده اند لکن در بین خودشان از باب اینکه ملت با دولت مؤافق نیست، حکومت نظامی دارند. همین ترکیه نزدیک به ما، شهرهای بسیاری از ترکیه حکومت نظامی است و چندین ماه است باز هم تجدید کردند حکومت نظامی را برای اینکه ملت با دولت نیست. چرا نیست؟ برای اینکه ملت مسلمان است و دولت روی ترتیب اسلامی عمل نمی کند. همین عراق، ملت با این دولت غاصبش مؤافق نیست و لهدا نمی تواند که مملکت خودش را آرام کند، باید دائما "سرکوب کند مردم را و نمی توانند یک دولتی که همه ارکانش یک ارکان صحیحی باشد، متحقق کنند و این دولتی که ما داریم از باب اینکه دولتی است از خود مردم، یک چیزی نیست که از خارج تحمیل شده باشد. رضاخان را انگلیس ها تحمیل بر ما کردند و محمد رضا را هم انگلیسی ها و آمریکائی ها و شوروی تحمیل ما کردند، از آن اول تحمیل بود. وقتی که رضاخان فرار کرد شاید کمتر شما یادتان باشد که مردم در عین حالی که گرفتار متفقین بودند و اجانب بودند لکن شادی می کردند که لااقل آمدن اینها اسباب این شد که این رفت، محمد رضا هم که رفت خودتان دیدید که همه جا شادی و همه جا چه، وقتی هم که مرد، همه شادی کردند. اما مملکتی که حکومتش با خودش باشد، حکومتش خودش باشد، یک مملکتی است که وقتی رئیس جمهورش یک سانحه ای برایش حاصل می شود و آن سانحه هم حقیقتا "جزء اعجازها بود، برای اینکه اگر دیده باشید در تلویزیون آن تکه هائی که از آن هلیکوپتر پخش شده بود در زمین، اینها این عده ای که بودند که همه شان جزء رجال بزرگ ما بودند، رئیس جمهور بود، رئیس نیروی زمینی بود، رئیس های دیگری بودند، یکی از آنها آسیب ندید و بعد هم از سرتاسر ایران یا مجلس دعا درست کردند یا تلگراف کردند یا تظاهر کردند یا راهپیمائی کردند. کجا همچو چیزی هست؟ برای این است که آقای بنی صدر از خارج نیامده تحمیل به شما بشود، یک قدرتی نداشته است که آن قدرت را به شما تحمیل بکند. یک نفر آدم مثل همه شما بوده بدون اینکه قدرتی

داشته باشد لکن بیان کرده، صحبت کرده، مردم را متوجه کرده، مردم به او رای دادند. این از ملت است وقتی یک چیزی از ملت شد همه ملت همراهش هستند. حالا اگر چنانچه در عراق یک سانحه ای برای صدام حسین پیدا بشود یا در مصر یک سانحه ای برای سادات پیدا بشود و این سانحه مثلاً "به آنها ضرر وارد نکند مردم عزاگیرند و اگر آنها را از بین ببرد مردم شادی می کنند. این برای این است که مملکت ما جدا نیستند از هم نخست وزیرش از مردم جدا نیست، همین هائی است که در آن دولت، دولت جائر حبس رفته و زجر دیده و همه مصیبت ها را کشیده، حالا هم از خود شما هست، نه یک قدرتی آمده تحمیل کند. مجلس خودتان و رئیس جمهور خودتان را تعیین کردید و کسی تحمیل شما نکرده.

شما این حکومت اسلامی و این نهضت اسلامی را قدر بدانید و همه چیز را از خدا بدانید و خیال نکنید که من و شما ونمی دانم غلبه کرده ایم. ما چیزی نداشتیم که، یک وقت در ذهنتان وارد نشود که خیر ما ایرانی ها خودمان چه کردیم. خیر آن که پشتیبان شما بود چون قیام لله بود، نهضت لله بود آن قدرت مطلق الهی بود که طرفدار شما و موید شما بود. این را همیشه در نظر داشته باشید و همیشه شکر کنید خدای تبارک و تعالی را بر اینکه یک ملتی را متحول کرد از یک معانی ای که در سابق بود به یک حقایق اسلامی، به یک اخلاق اسلامی، به یک رفتار اسلامی. و برادرها! رفتار اسلامی تان را حفظ کنید. شما با رفتار اسلامی و با حفظ نهضت و با پیشبرد نهضت و توجه به اینکه خدای تبارک و تعالی ما را تایید می کند، با رفتار و اخلاق اسلامی این قدرتی که شما را به پیروزی رسانده است حفظ کنید. این قدرت خدایی را، این قدرت لایزال الهی را که با شما تا حالا با عنایت بزرگ خودش رفتار کرده است، با قصدهای خالصتان، با تصمیم بر اینکه برای خدا نهضت را پیش ببرید حفظ کنید و مادامی که این معنا را حفظ کردید خدا با شماست.

من از خدای تبارک و تعالی سلامت و سعادت همه شما را که در مرزها و نزدیک مرزها هستید می خواهم و از آقایان علمای کرمانشاه، حضرت آقای بزرگ، آقای اصفهانی و سایر آقایان علمائی که از آنجا آمده اند و زحمت کشیده اند تشکر می کنم و از همه شما هم که با هم برادر هستید و هستیم و همه ما با هم با برادری می خواهیم این نهضت را پیش ببریم تشکر می کنم و سلامت همه را از خدای تبارک و تعالی خواستارم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته



## بیانات امام خمینی در جمع بانوان کرمانشاه و اعضای بنیاد مستضعفان و بنیاد فرهنگی اما در شیراز

بسم الله الرحمن الرحيم

من از شما بانوان محترم که از راه دور آمدید، از نزدیک سرحدات آمدید تشکر می‌کنم و من امیدوارم که همانطور که تا حالا مصمم بودید که جمهوری اسلامی را به ثمر برسانید، از حالا به بعد هم این تصمیم را داشته باشید و با صفوف فشرده جلوی مردها در پیشبرد اهداف اسلامی اقدام کنید. خواهران من و برادران پاسدار! ما پیروز شدیم انشاء الله ولی خسارت هم زیاد دیدیم. امروز روزی است که منطبق است با روز آتش زدن سینما رکس در زمان آن شاه معدوم غدار. آنطوری که شواهد شهادت می‌دهد و در آنوقت شواهد زیاد بر این مطلب بود، سینما رکس را عمداً اعمال آن شاه معدوم مخلوع آتش زدند و شاید نظرشان به این بود که اذهان ملت را منصرف کنند از نهضت و متوجه کنند به این مصیبت، و ما زمینه جنایتکاری این رژیم را می‌فهمیم که یک عده بیگناه را محصور کنند در جایی و آتش بزنند که ذهن مردم از خود آنها منصرف بشود و متوجه به آن مصیبت بشود. او به جزای اعمال خودش رسید و الان در محضر خدای تبارک و تعالی بر او چه خواهد گذشت خدا می‌داند. من این مصیبت را به ملت ایران تعزیت عرض می‌کنم و امیدوارم که آن شهدا در محضر خدای تبارک و تعالی رو سفید باشند. ما خسارات زیاد بردیم و منجمله در کردستان که امروز باز روز شهادت عده‌ای از مسلمین در آن محل بوده است و باز هم منتظر خرابکاری هستیم و باید خرابکاران بدانند که ملت ایران مهیاست برای همه مصیبت‌ها در راه خدا. ما که برای خدا قیام کردیم و می‌خواهیم مملکت اسلامی ما احکام اسلام در آن جاری بشود باک از این مصیبت‌ها نداریم و خرابکارها و اشخاصی که در محالی انفجار ایجاد می‌کنند باید بدانند که ملت ایران از این خرابکاری‌ها، از راه خودش منصرف نمی‌شود و مملکت ایران و ملت عزیز ما مصمم است که تا آخر در مقابل ابر قدرت‌ها و در مقابل شیاطین بایستد و آنها را اجازه ندهد که دیگر در مملکت آنها وارد بشوند و ذخایر آنها را از بین ببرند و به جیب خودشان بریزند. شما بانوان حق بزرگی بر ملت ایران دارید، همانطوری که این پاسداران از بین ببرند و عزیز که در این محضر، در آن بالا حاضر هستند، آنها هم حق بزرگی بر ملت ما دارند. شما همه سربازان اسلام هستید و خدای تبارک و تعالی به همه شما که برای خدای تبارک و تعالی عمل می‌کنید اجر جزیل خواهد داد و شما را به سعادت و سلامت حفظ خواهد کرد. از خدای تبارک و تعالی عظمت اسلام و مسلمین و پیشبرد مقاصد اسلام را خواستارم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

تاریخ: 2/6/59

## پاسخ امام خمینی به تلگرام لئونید برژنف

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت لئونید برژنف صدر هیات رئیسه اتحاد جماهیر شوروی مسکو

تلگرام همدردی شما در مورد حادثه جانگداز منطقه گچساران واصل گردید. از این ابزار همدردی، بدین وسیله تشکر می‌کنم و توفیق مستضعفان جهان را در احقاق حقوق حقه خود از خدای تعالی مسئلت دارم.

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 37

## بیانات اما خمینی در جمع گروهی از اعضای بسیج ملی (مستضعفین)

### همه ملت امیدشان به خدا باشد و از هیچ توطئه ای نترسند

بسم الله الرحمن الرحيم

از قراری که گفته اند آقایان از مناطق مختلفه تشریف آورده اند و من از همه آقایان و همه مناطقی که آقایان از آنجا آمده اند، تشکر می کنم و سلامت همه را از خدای تبارک و تعالی خواهانم. من شخصا یک گرفتاری خاصی دارم و آن این است که اگر من هر روز صحبت بکنم یا روزی دو مرتبه صحبت بکنم، اطبا می آیند و به من اشکال می کنند و جمع می شوند که شما صحبت زیاد نکنید و اگر دو سه روز صحبت نکنم، رادیوهای خارجی می گویند که فلان چه شده و چه شده و حاصل، می رود همین دو سه روزه و همین چند وقت و اینها، و من یک مثلی یادم آمد و آن این است که یک بچه ای دعا می کرد که معلمش بمیرد، معلم مرد، پدر او را برد به یک مکتب خانه دیگر (به اصطلاح سابق) باز دعا کرد معلم بمیرد، مرد، باز پدر او را برد به یک جای دیگر، مکتب دیگر، به این پسر گفتند که دعا کن پدرت بمیرد و الا این معلم بمیرد یک معلم دیگر هم هست. حالا این خارجی ها و آنتهایی که تبع خارجی ها هستند باید دعا کنند که این سلاح الله اکبر از ملت ما گرفته بشود و این دعا هم مستجاب نیست و الا من نباشم باز خود ملت هست. ملت ما امروز متوفق نیست نهضتشان و پیشبردشان به اینکه من باشم یا زید باشد یا عمرو باشد، ملت ما امروز راه را پیدا کرده اند و می دانند چه بکنند و با همین راهی که پیدا کرده اند و همین ترتیبی که تاکنون پیش آمده اند به پیش می روند و اینطور نیست که اگر من نباشم چه خواهد شد. بیخود اینها در رادیوهایشان نگویند این مسائل را، برای اینکه این مسائل در ملت ما تاثیری ندارد و اینها خودشان راه را پیدا کرده اند و همان راه را خواهند رفت و به پیروزی نهائی انشاء الله خواهند رسید و همه ارگان دولتی ما تحقق پیدا کرد و به زودی تمام پیدا خواهد کرد و انشاء الله تعالی ملت ما گرفتار اینطور مسائلی که مثلا اقتصادشان چه باشد، چه شان چه باشد نیستند. آنها دنبال اسلام هستند و همانطوری که الان شعار دادید شما آقایان (و چه شعار خوبی بود) که ما الله اکبر سلاحمان است، کسی که الله اکبر سلاحش است، کسی که خدای تبارک و تعالی پشتیبان او هست، این دیگر احتیاج به این ندارد که یک نفر آدم باشد یا نباشد. بود و نبود یک نفر آدم هیچ تاثیری در این نهضت اسلامی ملت ما ندارد و من دعا می کنم که خداوند تبارک و تعالی قدرت و قوه به شما عنایت کند و به شما می گویم که از هیچ کس نترسید الا خدا و به هیچ کس امید نبندید الا خدای تبارک و تعالی و اگر چنانچه امید

خودتان را به خدای تبارک و تعالی تمام کنید ، به این معنا که تام بشود این امید شما ، اطمینان برای شما بیاورد این امید شما ، من به شما اطمینان می دهم که آسیبی ، این مملکت نبیند . توجه به همین معنا داشته باشید ، همه ملت ما ، چه دولتی هایشان و چه غیر دولتی ها ، چه نظامی ها و چه غیر نظامی ها ، همه ملت ما امیدشان را به خدای تبارک و تعالی که منبع قدرت است و منبع نور است ، امید خودشان را به او ببندند و هیچ توطئه ای را از آن ترسند .

کسی که پشتبان او خداست از این توطئه هائی که هی شایعه اندازی می کنند که توطئه است و نمی دانم کجا توطئه است ، کجا چه است ، از اینها نباید بترسند . البته قوای انتظامی ما ارتش ما ، ژاندارمری ما ، سپاه پاسداران ما ، اینها و همین طور بسیج ملی ما ، بسیج اسلامی ما اینها باید همیشه مراقب باشند ، رفت ، آمدهای مشکوک را در نظر داشته باشند و اگر دیدند ، اطلاع بدهند به مراکزی که باید اطلاع بدهند ، در عین حالی که باید تمام مراقبت ها را بکنند و تمام رفت و آمدهای مشکوک را تحت نظر بگیرند ، در عین حال قلب شان مطمئن باشد به اینکه این قلب تا متوجه به خداست آسیبی نخواهد دید .

### **قوای مسلح باید مراتب را حفظ بکنند**

من برای بار چندم است که به این قوای مسلح سفارش می کنم نظم در بین هراگرانی که هست باید برقرار باشد و وظیفه دارند که با نظم باشند . اگر نظام با نظم نباشد ، این نظام نیست ، این آشفتگی است و این می تواند هیچ کاری انجام بدهد . پاسدارها باید با نظم باشند ، پائین ترها از بالاترها اطاعت کنند ، ارتش باید با نظام باشد ، مراتب را حفظ بکند و باید همه با هم هماهنگ باشند ، برادر باشند ، هر دسته ای برای خودش علیحده نکشد به طرف خودش ، همه با هم روابط داشته باشند ، سرانشان با هم روابط داشته باشند ، بنشینند اگر مسائلی دارند با هم حل کنند و اینطور نباشد که در هر یک از اینها یک آشفتگی باشد و بین خودشان ناهماهنگی ، باید همگام باشند و همه با هم باشند برای اینکه یک مملکتی است مال همه است امروز و این مملکت که مال همه است ، همه شما باید حفظش بکنید و خصوصاً قوای مسلحه باید حفظ بکنند این مملکت را و اگر چنانچه در یک جایی از مملکت یک آشفتگی پیدا شد ، باید بروند و آن آشفتگی را رفعش بکنند و نشینند تا اینکه خودش یا مردم رفعش بکنند باید موظفند قوای مسلحه به اینکه اگر در یک جایی از کشور یک اشتباه ، کارهای خلاف واقع می شود یا فرض کنید چند تا دزد یک کاری انجام می دهند یا دور هم می نشینند و می خواهند توطئه بکنند ، بروند و آنها را از بین ببرند و حل کنند قضایا را . و من امیدوارم که خداوند تبارک و تعالی به این ملتی که سال طولانی در تحت فشار و اختناق بود از این به بعد انشاء الله تعالی همه سالم و صحیح و استقلال مملکت ما ، بکلی استقلال داشته باشد مملکت ما و هیچ ملتی ، هیچ کسانی که قبلاً به این ملت جور کرده بودند و ظلم کرده بودند آنها هم مایوس بشوند از این ملت و خداوند همه شما را قدرت و قوه عنایت کند .

والسلام علیکم ورحمة الله

## بیانات امام خمینی در جمع کارگران، نویسندگان و کارمندان مؤسسه اطلاعات و شرکت ایران چاپ

### رسانه های گروهی باید حامل پیام ملت و اسلام باشد

بسم الله الرحمن الرحيم

ما یکی از گرفتاری های بزرگمان در زمان طاغوت گرفتاری به دست مطبوعات بود. طاغوت مهره هائی که در خدمت او بودند و در خدمت اجانب، انتخاب می کرد و زبده های آنها را انتخاب می کرد برای اداره مطبوعات و برای تبلیغات به ضد اسلام و به ضد کشور، لکن با آب و رنگ اسلامی و ملی. من نمی دانم که صدمه ای که کشور ما و اسلام از مطبوعات در زمان طاغوت دید بیشتر بود یا صدماتی که از سایر ارگان های طاغوتی.

مطبوعات که حامل پیام ملت و حامل پیام اسلام باید باشد و مبلغ احکام اسلام و مجری احکام اسلام و مهذب جامعه باید باشد و اخلاق را در جامعه باید پخش بدهد، اخلاق الهی را، در زمان طاغوت درست بر عکس همه این معانی ماموریت داشتند که کشور ما را با آن تبلیغات دامنه دار این رسانه های طاغوتی، تمام مسائل اسلامی و تمام مسائل کشوری را به طرف منافع طاغوتی سوق دهند و صدمه ای که اسلام از مطبوعات و رسانه های طاغوتی خورد از کمتر دستگاه هائی خورد و آنقدر که جوان های ما را این مطبوعات فاسد و آن مجله های فاسدتر و آن رادیو و تلویزیون های فاسدتر به فساد کشیدند معلوم نیست که مراکز فساد آنقدر به فساد کشیده باشند. این مجلات بود و این مطبوعات و این رادیو و تلویزیون و تمام این رسانه های گروهی بود که جوان های ما را به جای اینکه به طرف دانشگاه بکشد، به طرف علم و ادب بکشد، به طرف فساد کشاند. جوان ها زود متاثر از امور می شوند: جوان ها یک نهال نارس هستند که این نهال نارس زود آسیب می بیند و زود هم تربیت می شود و همین جوان ها در زمان طاغوت که به هر جا می رفتند فساد را می دیدند، مجله می خریدند، پر از فساد و پر از فحشا بود، روزنامه می خریدند، پر از تبلیغات ضد انسانی و اسلامی بود، هر جای مملکت می رفتند، مراکز فساد پخش بود، نمی شد که در یک همچو مرکز فساد و در یک همچو کشوری که همه چیزش رو به فساد رفته بود، اینها یک انسان صحیح بار بیایند، آنهایی که برای چاپیدن این کشورها نقشه کشیدند، آنها استادها و متفکرینی بودند که می دانستند چطور یک کشور را می توانند به واسطه آن برنامه هائی که دارند خواب کنند و جوان ما را تهی کنند از آن انسانیت و اسلامیتی که باید داشته باشند تا راه را باز کنند برای چاپیدن و برای بردن همه ذخائر کشور ما و کردند و آن کردند که در ظرف (خصوصا در ظرف) پنجاه و

چند سال آخر نگذاشتند که تربیت، تربیت صحیح در این ملت تحقق پیدا بکند.

از دانشگاه که مرکز علم و ادب باید باشد تا مطبوعات که باید مربی جامعه باشد تا رادیو و تلویزیون که باید جامعه را تربیت بکند و تا ادارات که باید خودشان یک اشخاصی باشند و یک مراکزی باشند برای تربیت، همه جا را اینها با آن نقشه های فاسدی که داشتند به فساد کشیدند و جوان های تازه رس ما را که در یک همچو جامعه وارد می شدند، قهرا باید به عقب برانند و منحرف کنند. خداوند تبارک و تعالی به ما منت گذاشت و به این ملت عزیز منت گذاشت و ما را از آن لجنزاری که سر تا ته مملکت را گرفته بود، نجات داد و روزنامه های ما که یکی از مراکز همان فحشا و همان چیزهایی که شماها بهتر می دانید بود متبدل کرد به یک مراکزی که امید است که به واسطه این تربیت ها که در آنجا و تبلیغاتی که در آنجا می شود، مملکت ما از آن چیزهایی که در سابق بود نجات پیدا بکند.

### **اگر رسانه های گروهی اصلاح بشود، جامعه اصلاح می شود**

خواهرها و برادرهای ما باید بدانند که عهده دار چه خدمتی هستند و اگر چنانچه مطبوعات اصلاح بشود، رسانه گروهی اصلاح بشود، یک جامعه اصلاح می شود. اگر مطبوعات جوان ها را نکشاند به طرف فحشا و ببرد طرف صراط مستقیم، مراکز فحشا هم بر چیده می شود آنهمه مراکز فحشانی که (در خصوص تهران که) باید مرکز همه خوبی ها و همه فعالیت های انسانی باشد، ایجاد شده بود که شماها می دانید که چه خبر بود و چقدر مراکز فحشا بود و چقدر مراکزی بود که جوان های ما را از هستی ساقط می کرد و مغزهای جوان های ما را به طرف فساد می کشاند. اگر مطبوعات متحول بشود (و انشأ الله می شود و شده است) متحول بشود به یک مراکزی که بخواهند تقوا را در جامعه منتشر کنند، وقتی جوان ها و بچه های تازه رس ما وارد می شوند در میدان فعالیت اجتماعی، بروند دنبال روزنامه، روزنامه مربی باشد، گوش کنند به رادیو رادیو مربی باشد، نگاه کنند به تلویزیون، تلویزیون مربی باشد، نگاه کنند به مجلات، مجلات، مجلاتی باشد که تربیت بکند، این جوان وقتی که به هر جا توجه کرد، دید که گوش و چشمش پر شده از تربیت، اینطور بار می آید. اگر رها بشود، هرزه بار می آید، اگر بکشندش در طرف فساد می رود به آن طرف و اگر بکشندش در طرف سلاح، می آید این طرف. و ما در سال های طولانی همه جهاتی که در ایران بود و اسباب را فراهم کرده بودند، همه جهات برای این بود که جوان های ما را بکشند طرف فساد و نظر اصلی آنها این بود که یک جمعیتی در اینجا وجود داشته باشد که هر چه سرش می آورند توجه نداشته باشد. مملکتش به باد می رود، او عیش و عشرتش باشد اشکالی ندارد، مذهبش عقب رود چون عیش و عشرتش به کار است مانعی ندارد، اختناق در مملکت هست، اختناق در فحشا نیست، این اشکال ندارد، هر بساطی سرش در آورند بی تفاوت باشد. یک همچو مملکتی که آنها می خواستند، این بود که یک طایفه زیادی از این جوان های ما را به هروئین بکشند، یک طایفه دیگر را به مسکرات بکشند، یک طایفه دیگری را به فحشا و مراکز فساد بکشند

گوش را به هر چه بدهد، یا تعلیم فاسد است یا غنا و امثال اینها که مغز را فاسد می کند، هر اجتماعی که باشد، اجتماعی است که گوینده گوینده ای است که جوان ها را می کشد طرف فساد و مغزهای اینها را فاسد می کند. این یک مطلب اتفاقی نبود که به طور اتفاق حاصل شده باشد یک مطلبی بود که با تمام توجه و نقشه این امور شده بود و دیدید چطور بود. چه شد که یکدفعه خدای تبارک و تعالی به این ملت تفضل فرمود و یکدفعه متحول شد؟ این جوانی که بنایش بر این بود که برود در مراکز فحشا، آمد در خیابان و مشغول جنگ شد. آن جوان هائی که به حسب نقشه آنها، باید آن مفسده ها را داشته باشند و آن مغزها را داشته باشند، یکدفعه متحول شد به یک مغزهای نورانی انسانی اسلامی. اگر نشده بود نمی توانست این ملت این قدرت بزرگ را، این قدرت شیطانی را در هم بشکند. این اول تحول در خود جمعیت پیدا شد و به تدریج این تحول که در جمعیت پیدا شد، رشد پیدا کرد، آن هم نه رشدی که به حسب موازین عادی باشد، به حسب موازین عادی اگر یک جوانی آنطور تربیت شده است که از دانشگاه گرفته تا همه جا این را به فساد کشیده بودند، باید اقلایست سال طول بکشد تا بشود (آن را) از آن مغز غیر انسانی، غیر اسلامی متحول بشود به یک مغز انسانی. این چه بود که یک شب کانه آن تحول را پیش آورد و کمتر از یک سال، یک سال و نیم این مملکت را یکدفعه کرد یک موجودهای دیگری؟ از این موجوداتی که همه توجه شان به عیش و عشرت بود و همه توجه شان به مفاسد بود و همه نظرشان به تبلیغات بزرگی که کرده بودند به ضد اسلام و به ضد روحانی بود، یکدفعه برگشت و یک طور دیگری شد این با موازین عادی درست در نمی آید آن یک دست الهی بود پشت سر این ملت و این تحول باعث این شد که باید همه بروند به شمیرانات و بین تهران و شمیران و آن بساط و آن عشرتکده ها، همه ترک کردند و آمدند در میدان ها دنبال جانفشانی.

### همه به فکر تصفیه و تهذیب باشند

برادران عزیز، خواهران محترم که در این دستگاه مشغول خدمت هستید و بحمدالله آن گردانندگان کذائی که متبدل شدند به امثال آقای دعائی و دیگر اشخاص سالم و خدمتگزار! توجه کنید که راه را درست بروید و مستقیم و متعهد باشید و مصمم باشید که برای کشور خودتان خدمت کنید و نگذارید دیگر دست آنهایی که می خواهند فساد ایجاد کنند و باز کشور شما را برگردانند به حال سابق، نگذارید که آن نقشه ها، نقشه های خائنه دوباره رشد پیدا بکند. هر ریشه ای را که دیدید، با گفتار خودتان، با قلم خودتان و با قدم خودتان. با اقدام خودتان این ریشه را قطع کنید تا انشاء الله مملکت شما تصفیه بشود، یک تصفیه عمومی، نه تصفیه فقط اداری، خیر تصفیه عمومی، تصفیه در همه جهات مملکت، بازار تصفیه بشود، تصفیه های روحی، بازار از آن بازار طاغوتی در می آید به یک بازاری که مؤافق احکام اسلام است اداره بشود و ادارات و کارخانه ها و کشاورزها و همه اینها متبدل بشود به یک مراکز که در هر جا وقتی که بروید، آنجا خداست و تعلیمات خدا. اگر یک چنین مملکتی ایجاد کردید و شما که مسوولید در مثل روزنامه اطلاعات و دیگران که در سایر روزنامه های مملکت و

مطبوعات مملکت هستند توجه بکنند به این معنا که باید همه شان در این راه باشند که بخواهند کشور خودشان را همه چیزهائی که غیر انسانی است تصفیه بکنند . همه به فکر تصفیه باشند ، همه به فکر تهذیب باشند . اگر اینطور بشود و امید است که باشد ، مطمئن باشید که کشور شما دیگر آسیب نخواهد دید انشاء الله .

یک کشوری وقتی آسیب می بیند که ملتش بی تفاوت باشد راجع به آسیب ها . آنوقت که مملکت شما را ، آنها می آمدند و همه آن کارهای خلاف مصالح شمارا می کردند ، برای اینکه ملت یک ملتی بود که خوابش کرده بودند ، مخمورش کرده بودند ، تهی کرده بودند ملت را از خودش ، خودش را اصلا نمی شناخت ، هر چه می دید غرب می دید مراکزی که مراکز قدرت بود می دید ، قدرت خودش را فراموش کرده بود . حالا که شما خودتان را یافتید و قدرت خودتان را فهمیدید چی است ، قدرتی است که در مقابل قدرت های بزرگ جهان ، یکسره قدرت های عالم ، این قدرت غلبه کرد بر تمام قدرت های عالم و شما فهمیدید که خودتان قدرتمند هستید و شما متکل به خدا هستید و هر کس متکل به مرکز قدرت باشد قدرتمند است .

حفظ کنید این معنا را ، این الوهیت را حفظ کنید ، در عمل حفظ کنید و موافق با احکام خدا عمل کنید و در اخلاق حفظ کنید و مطابق اخلاق الهی حفظ کنید و در عقاید هم حفظ کنید و عقاید انسانی را یاد بگیرید و توجه کنید . اگر اینطور شد و همه جا اینطور شد انشاء الله ، شما مطمئن باشید که هیچ کس نمی تواند یک همچو کشوری را آسیب به آن برساند . نه این گروه هائی که در خود ملت گاهی پیدا می شود و با اسم های مختلف به شما می خواهند صدمه بزنند ، نه اینها دیگر قابلند ، نه آنهایی که برای ما می خواهند نقشه بکشند و توطئه ایجاد کنند و اینها ، هیچ کدام از اینها دیگر نمی توانند کاری انجام بدهند . شما خودتان را درست کنید ، کشورتان درست می شود و آسیبی هم نخواهید دید . من از خدای تبارک و تعالی سلامت همه افرادی که برای اسلام مشغول خدمت هستند و سعادت همه را خواهان هستم و از شما آقایانی که آمده اید اینجا و در این وضع گرما و فشار هستید معذرت می خواهم از شماها و امیدوارم که خدای تبارک و تعالی همه شما را سعادت مند کند و همه شما در خدمت خدا باشید .

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته



## بیانات امام خمینی در جمع گروهی از علما و روحانیون کردستان (سندج)

### ظلم، اساس و پایه سلطنت طاغوت

بسم الله الرحمن الرحيم

من با اینکه از طرف اطباء محدود هستم به اینکه صحبت زیاد نکنم و امروز هم یک دفعه برای گروه مختلفی صحبت کردم لکن نتوانستم که حرف اطباء را قبول کنم در صورتی که برادرهای ما از کردستان، از محلی که همه در زحمت بودند و خصوصاً روحانیون بزرگ کردستان اینجا تشریف آورده اند، با آنها بعضی صحبت ها را نکنم. شما می دانید که همانطور که کردستان بر آن ظلم شده بود، منتها شما که در کردستان بودید لمس می کردید ظلم زمان طاغوت را، در همه جا این ظلم بود، اختصاص به کردستان نداشت، در بلوچستان هم ظلم بود، در کرمان هم ظلم بود، در فارس هم ظلم بود، در خراسان هم ظلم بود، در همه جای این کشور ظلم بود و اساس سلطنت طاغوتی سابق بر ظلم به ملت و چاپیدن منافع کشور و ریختن در جیب مخالفین اسلام و مخالفین کشور بود، بحمدالله با همت والای همه ملت، از کردستان گرفته تا همه جای مملکت، با همت آنها دست آن ظلم و ظالم قطع شد. و امروز اگر ظالمی باشد، از ریشه های همان ظلم است و در بعضی مناطق هم هست و خصوصاً در مناطق شما برادران کردستانی. ما از بعضی دسیسه هائی که الان هم در شرف تکوین هست بی اطلاع نیستیم و من به آن اشخاصی که ادعای اسلام می کنند و مشغول توطئه هستند بر ضد اسلام، به آنها می گویم که شمایی که به مردم، پیش کردها، پیش کردستانی ها ادعای اسلام می کنید و معذک مشغول توطئه هستید بر ضد همین ملت محروم کردستان و غیر کردستان، چطور ادعای اسلام می کنید؟ این اسلامی که شما ادعا می کنید که نتیجه این باشد که توطئه بکنید با دشمنان اسلام و بر ضد اسلام و ضد مسلمان ها و ضد ملت اسلام اقدام بخواهید بکنید، این اسلام، اسلام پیغمبر اکرم نیست، اسلامی که قرآن به او نازل شده است و برای او آمده است، پیغمبر اسلامی که قرآن را آورده است و قرآن و سنت او اساس اسلام است، اساس او بر اخوت و برادری است. مؤمن باید برادر مؤمن باشد، این حکمی است که در قرآن است یعنی آنچه را که شما برای برادران از خیر و صلاح می خواهید، برای تمام ملت تان باید بخواهید. همه مؤمن ها در همه اقطار عالم برادر هستند، همانطوری که اگر یک خطری برای برادر یک کسی پیش بیاید او نمی نشیند تماشا کند و خطر واقع بشود بر برادرش، اگر در یک گوشه دنیا یک خطری برای یک برادری پیش بیاید، برادر ایمانی پیش بیاید، نباید یک برادر دیگری

که در آن طرف دنیا هست بی تفاوت باشد، می تواند، باید قیام کند، نمی تواند؛ باید زمینه فراهم کند که یک وقتی رفع ظلم کند. چطور یک کسی که ادعای اسلام می کند و می گوید که من مسلم هستم و ادعای این را می کند که من با ملت خوب هستم، آنوقت در یک مرکزی بشیند و اشخاصی را دور خودش جمع بکند از این اشخاص منحرف، از اینهایی که هیچ اعتقاد به اسلام ندارند، با آنها رفت و آمد کند، با آنها بست و بند کند که اجنبی را وارد کند در ایران و مسلط کند بر همین مسلمان هائی که هستند، چه کردستانی و چه غیر کردستانی.

### مسلمان برادرند و تفرقه پیدا نمی کنند

اینهایی که در صدد این معانی هستند بدانند که اگر همه قدرت های خودشان را هم جمع بکنند نمی توانند به یک ملتی که همه با هم فریاد الله اکبر می زنند، نمی توانند اینها با آنها مقاومت کنند، بیخود در صدد تفرقه اندازی هستند، مسلمان برادرند و تفرقه پیدا نمی کنند با تبلیغات سوء بعضی عناصر فاسده. اصل این مسأله که شیعه و سنی، شیعه یک طرف و سنی یک طرف، این از روی جهالت و از روی تبلیغاتی که اجانب کرده اند پیش آمده است چنانکه بین خود شیعه هم اشخاص مختلفی را با هم به مبارزه و می دارند و بین خود برادرهای سنی هم یک طایفه ای را به طایفه دیگر، در مقابل هم قرار می دهند.

امروز روزی است که تمام طوائف مسلمین مقابل هستند با قدرت های شیطانی که اساس اسلام را می خواهند از بین ببرند. این قدرت هائی که دریافته اند که آن چیزی که خطر برای آنها دارد اسلام است، آن چیزی که خطر برای آن دارد وحدت ملت های اسلامی است، امروز روزی است که تمام مسلمین تمام بلاد عالم با هم مجتمع بشوند. امروز روزی نیست که یک دسته ای در یک جا بگویند ما خودمان، یک دسته ای دیگر در جای دیگر بگویند ما خودمان. امروز روزی است که همه به دستور اسلام، به دستور قرآن کریم با هم متحد باشند، تنازع نکنند. اگر تنازع با هم بکنند، به هر شیوه ای باشد، به حسب قرآن کریم ممنوع است این تنازع و اگر تنازع بکنند فشل می آورد و رنگ و بوی انسان را و ملت را از بین می برد. این دستور خدای کریم است. اینهایی که دارند کوشش می کنند تفرقه بیندازند و تنازع ایجاد کنند و معذک ادعای اسلام می کنند، اینها آن اسلامی را که قرآن کتاب اوست، آن اسلامی را که کعبه قبله اوست، آن اسلام را نیافته اند و ایمان به آن اسلام نیاورده اند. آنهایی ایمان به اسلام آورده اند که قرآن را، و محتوای قرآن را قبول دارند، محتوای قرآنی که می فرماید که "مومنون اخوه" هستند، برادر هستند با هم. برادری هر چه اقتضا می کند باید اینها انجام بدهند. برادری اقتضا می کند که اگر به شما صدمه ای وارد شد همه برادرهائی که در هر جا هستند متأثر باشند. اگر شما خوشحال باشید همه خوشحال باشند. برادرها! متوجه باشید که با اسم های مختلف، با چیزهائی که پخش کنند و تبلیغ می کنند، می خواهند بین برادرها را جدائی بیندازند که اثر این جدائی افکندن بین برادرها، سلطه اجانب است بر همه و برگشتن همان اوضاع سابق است که به همه شما، به همه ما از مرکز گرفته تا

هر جا بروید ظلم شده است و همه را آزار داده اند . باید بیدار باشید شما برادرها ، روحانیون محترم کردستان باید متوجه باشند ، در مساجد خودشان ، در جمعه خودشان ، در جماعت خودشان ، مردم محل خودشان را بیدار کنند که گول نخورند از این اجانب پرست ها ، از اینهایی که می خواهند تفرقه بیندازند و بعد از اینکه تفرقه انداختند باز ما را برگردانند به آن حال اول و سلطه اجانب مستقر بشود . باید این توجه را همه بکنید .

### در جمهوری اسلامی مناطق محروم بیشتر مورد توجهند

و شما می دانید که این گرفتاری هایی که الان برای کشور ماهست و برای دولت ما هست و بسیاری از این گرفتاری ها را همان اشخاصی که در طرف کردستان بودند و بلوچستان بودند یا در طرف های دیگر بودند فراهم کرده اند ، اینها مانع شدند از اینکه دولت فرصت پیدا بکند که به تمام معنا برسد به حال همه کشور . شما مطمئن باشید که امروز در کشور ما ، در حکومت اسلامی ، در مجلس اسلامی هیچ طرح این نیست که یک گروهی با گروه دیگر فرق داشته باشد ، همانطوری که قرآن فرموده است مومنین با هم برادر هستند . حکومت اسلامی ما الان ، جمهوری اسلامی ما الان ، مجلس اسلامی ما همین معنا را دنبال می کند و گمان نکنید یک جائی را ترجیح به جای دیگر بدهد . بله جاهائی که مستمندترین زودتر به حال آنها می رسند . تمام این مطالبی را که این آقای محترم گفتند ، تمام این مطلب پذیرفته است و ما هم می دانیم که آنطوری که باید ، تا حالا نشده است که رفع این مشکلات بشود لکن مجال ندادند که رفع مشکلات بشود . رفع مشکلات محتاج به این است که یک محلی درست امن بشود ، بعد از اینکه امن شد مشغول بشوند ، اینها مجال ندادند که باز یک درست امن بشود . الان هم می بینید که با اینکه بحمد الله کردستان باز آرام است فی الجمله لکن اشخاص و گروه ها و مفسده جوها باز هم مشغول به فعالیت و آدمکشی هستند . شما بدانید که اولاً نظر به این است که امنیت در همه کشور تحقق پیدا بکند خصوصاً در سرحدات که باید امنیت بیشتر پیدا بشود و خصوصاً در مناطقی که مفسده جوها بیشتر هستند ، بیشتر مورد توجه واقع بشود . امنیت انشاء الله حاصل می شود و پس از امنیت تمام این مطالبی که این آقا فرمودند تمام مطالب در نظر است و انشاء الله تحقق پیدا می کند و از کشور اسلامی و از قانون اسلام همین متوقع است که ما بین طایفه ای با طایفه دیگر اصلاً فرق نداشته باشد . همه با هم برادرند و همه با هم شریکند ، هم در غم با هم شریکند هم در شادی با هم شریکند . من امیدوارم که آقایان علماء اعلام آن بلاد ، از سنندج تا تمام کردستان و سایر برادرهای ما که علمای اعلام سایر بلاد ، مردم را متوجه کنند به این معنا که ما پیرویمان با وحدت کلمه و اتکاً به اسلام بود . الله اکبر ما را پیروز کرد حالا- هم سلاح ما همان الله اکبر است و وحدت کلمه ما را پیروز کرد ، حالا هم سلاح ما همان وحدت کلمه است . من خدمتگذار به همه شما هستم و دعاگو . و امیدوارم که خدای تبارک و تعالی سعادت برای همه شما و همه مستضعفین جهان مقدر فرماید .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## بیانات امام خمینی در جمع گروهی از دانشجویان ایرانی مقیم هندوستان

### ملت های اسلامی باید کوشش کنند که حق را در جامعه خودشان پیاده کنند

بسم الله الرحمن الرحيم

من با اینکه بنا نداشتم صحبت کنم و مخالفت با اطبا، معذک چون آقایان از هند آمده اند و مسائلی که مربوط به خارج کشور است توجه دادند، یک چند کلمه ای عرض می کنم. شما متوقع نباشید که قدرت های بزرگ جهانی که منافع خودشان را در ایران از دست داده و در سایر کشورها هم خوف این را دارند که از دست بدهند، آنها آرام بنشینند و تماشاگر باشند. آنها در کمین هستند و با همه قوا که دارند کوشش می کنند که این نهضت اسلامی ایران را در خارج از کشور وارونه جلوه بدهند و این یک مسأله ای است که برای آنها حیاتی است. کشورهای که همه جهان را می خواهند ببلعند و قدرت خودشان را گسترش در همه کشورهای جهان بدهند نباید ما متوقع باشیم که حالا که آنها در معرض خطر می بینند منافع خودشان را در ایران از دستشان رفت و در کشورهای دیگر هم ملت ها به تدریج دارند بیدار می شوند و به تدریج می خواهند متصل بشوند به این نهضت اسلامی ایران، آنها البته باید دست و پا بزنند. همانطوری که آیه شریفه را شما خواندید که (جأ الحق و ذوق الباطل ان الباطل کان ذهوفا) باطل الان خودش را در مقابل حق زبون می بیند و برای او باطل خیلی ارزشمند است. باطل آنها بود که همه کشورهای اسلامی جهان را عقب نگه داشته است. باطل های آنها بود که از مرکز دانشگاه ها تا همه جای کشور نفوذ کرده بودند و باطل خودشان را به پیش می بردند و حالا می بینند که در معرض ذهوق است. نباید ما گمان کنیم که اینها دیگر دست برداشته اند از ایران دست برداشته اند و از سایر کشورهایی هم که احتمال این را می دهند در معرض این است که باطل در آنجا ذاهق بشود، اینها مقابله با حق نکنند

ما باید کوشش کنیم که مفاد این آیه شریفه را متحقق کنیم و همه ملت های اسلامی باید کوشش کنند که حق را در جامعه خودشان پیاده کنند که مصداق (جأ الحق) متحقق بشود و اگر چنانچه حق آمد، باطل خود به خود ذاهق خواهد شد. ما باید کوشش کنیم که از خودمان گرفته تا برادرهای اسلامی و برادرهای دینی خودمان در همه کشورهای اسلامی، به حق توجه کنیم و حق را پیاده کنیم. مجرد حرف نباشد که ما فقط یک شعاری بدهیم که حق آمد و باطل رفت. آمدن حق شعار نیست، آمدن حق عمل است. آمدن حق نشان دادن به حسب اعتقادات و اخلاق و اعمال است، پیاده کردن همه احکام

الهی است و اگر چنانکه احکام الهی در یک ملت پیاده بشود باطل از آن ملت کوچ می کند و اگر در همه ملت های اسلامی، احکام الهی، اخلاقی که سفارش شده است، اخلاق انسانی، عقاید ایمانی پیاده بشود خود به خود باطل ذاهق می شود. شما برادرانی که در هند هستید و حالا تشریف آورده اید اینجا و سایر برادرهایی که در ممالک دیگر هستند، چه ایرانی و چه غیر ایرانی که همه برادر هستند، باید توجه داشته باشند که مفاد این آیه شریفه (جأ الحق) را متحقق کنند تا باطل خود به خود از بین برود.

### در مقابل کسانی که نهضت را بعکس جلوه می دهند بایستید

البته یک دستجاتی که عامل آنهاست، همانطوری که شما تذکر دادید، در سایر بلاد اسلامی یا غیر اسلامی در صدد این هستند که این نهضت اسلامی ایران را در خارج بد جلوه بدهند که اگر آنطوری که هست جلوه کند، قدم های مومنین در دنیا محکم می شود و عزمشان راسخ می شود و تمام منافعی که این قدرت های باطل دارند و با آن قدرت های باطل همه حق ها را زیر پا گذاشته اند، اگر ما بیدار بشویم و نگذاریم اینهایی که در خارج هستند آن برنامه هائی که دیکته شده است و به آنها داده است پیاده بشود و اگر چند نفر آدم منحرف در فرض کنید هند، در پاکستان، در سایر بلاد اسلامی بخواهند یک کاری بکنند که این نهضت اسلامی ایران را مشوه نشان بدهند به اهالی آن مملکت، شما برادرهای اسلامی که در آن ممالک هستید، در مقابل آنها ایستادگی کنید، حق پیروز می شود، آنها باطلند و ذهوق پیدا می کنند. شما حق خودتان را بگوئید، منتشر کنید و در مقابل آنهائی که بعکس جلوه می دهند این نهضت اسلامی ایران را، شما در مقابل آنها بایستید و حق خودتان را به آنطوری که هست ترویج کنید تا انشأ الله حق در همه بلاد اسلام پیاده بشود و باطل خود به خود از همه ممالک اسلام، بلکه انشأ الله از همه ممالک دنیا از بین برود و ذاهق بشود.

لکن شرط عمده، پایداری درباره حق است. باید پایدار باشیم در حق خودمان، اینطور نباشد که باطل در باطل خودش مجتمع باشد و ما در حق خودمان متفرق. ما که مدعی این هستیم که اهل حق هستیم، مسلمان ها که اهل حق هستند، قرآن کتاب آنهاست، کعبه قبله آنهاست، کسانی که به اسلام ایمان آورده اند و به حق ایمان آورده اند، باید در این حق خودشان مجتمع باشند و نگذارند این باطل ها که در باطل خودشان می خواهند مجتمع بشوند، آنها پیروز بشوند. ما تکلیف همه مان این است که در حق خودمان با هم تقاهم داشته باشیم، چه اهالی یک کشور و چه اهالی همه کشورهای اسلامی. و من امید آن را دارم که ملت ها به سرعت رو به حق بروند و به سرعت رو به اجتماع و اتحاد بروند تا باطل ها را با سرعت عقب بنشانند. خداوند شما و ما را در راه حق مصمم کند و همه مسلمین و همه مستضعفین جهان پیروز باشند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## بیانات امام خمینی در جمع اعضای خانواده امام موسی صدر (رهبر شیعیان لبنان)

### خدمت کردن و زجر کشیدن در راه هدف، شیوه اولیاً خداست

بسم الله الرحمن الرحيم

آن چیزی که همه مطالب را آسان می کند این است که ما و ملت ما و آقای صدر سلمه الله تعالی به دنبال مکتب، یک گرفتاری پیدا کردیم بوده است وقتی که مسأله، مسأله وظیفه است، وظیفه ما این است که برای اسلام خدمت بکنیم و در این وظیفه اگر هر مقداری که موفق به اجرای آن اموری که در نظر داریم بشویم، این یک خیری است فوق اصل خیر و اگر موفق نشویم، اصل خیرش که عبارت از این است که ما در راه خدمت به اسلام و مکتب هستیم، آن جایی نمی رود. آقای صدر را که من سال های طولانی دیده ام بلکه باید بگویم من بزرگ کرده ام ایشان را، من فضائلشان را می دانم و خدمت های هم که بعد از آنکه به لبنان رفته اند کرده اند، آن را هم می دانم و آنچه که لبنان احتیاج به ایشان دارد، باز آن را هم می دانم و من امیدوارم که انشاء الله ایشان برگردند به محل خودشان و مسلمین آنجا از ایشان استفاده کنند. همین حالا هم که ایشان می گوئید که شواهد داریم که در لیبی هستند، همین امر، در راه خدمت به مکتب و خدمت به اسلام است، این هم برای ایشان عبادت نوشته می شود و برای ماها هم این اموری که واقع می شود، باید سهل باشد از باب اینکه در راه اسلام است و ما مطلعیم که اولیاً اسلام که در رأس آنها رسول خداست، آنقدر زحمت کشیدند، تمام مدت عمرش را پیغمبر در زحمت و تعب بوده است و بعد از او هم ائمه ما همین طور بوده اند که یک روز خوش به اصطلاح مادیین نداشتند، گرچه همه خوش بودند به یک راه به اصطلاح عرفا و اسلام شناس ها. در هر صورت، این یک شیوه ای بوده است که از اول اولیاً اسلام داشتند و در راه هدف خودشان حبس رفته اند و کشته شدند و زجر کشیدند و آقای صدر حالا دو سال است که در حبس هستند، لکن جد ایشان هفت سال می گویند، مسلم بوده، احتمال چهارده سال هم هست. این یک راهی بوده است که همه اولیاً خدا نه فقط آنهایی که در زمان اسلام بودند، قبل از اسلام هم انبیا و اولیائی که بودند راهشان همین بوده اینطور نبوده است که آنها در رفاه مادی باشند و در - عرض کنم - کارهای چه. وقتی که تاریخ انبیا را ملاحظه کنید می بینید که سرتاسر تاریخ انبیا مجاهده و زحمت و تعب بوده است لکن آنها خوش بودند به اینکه در خدمت آن هدفی که دارند بودند و این مایه هم افتخار شما هست و خانواده آقای صدر که یک فرد لایقی که خدمت می کرد، در راه خدمت گرفتاری پیدا کرده است و من امیدوارم که این گرفتاری عملش زود

سر بیاید و من دعای به ایشان می کنم و خواهم کرد و امیدوارم که زودتر انشاء الله ایشان خلاص بشوند . و برگردند .

و قضیه لبنان و ایران و اینها شما می دانید که اینها قضایای مختلفی نیستند ، مسلمان ها هر جا هستند ، باید با هم باشند و آن چیزی که رنج است برای یک طایفه ای ، برای طایفه دیگر هم همان مسأله رنج باشد ، مسائلشان جدا نباید باشد . اینکه ما ایرانی هستیم و آنها لبنانی هستند یا جای دیگری هستند . در اسلام مطرح نیست . اسلام همه افرادی که ایمان به خدا آورده اند همه آنها را برادر می داند و حساب جداگانه ندارد که حسابی برای عرب باز کرده باشد ، یک حسابی برای عجم باز کرده باشد ، یک حسابی برای ایران باز کرده باشد و یک حسابی برای کجا . این حساب هائی که پیش مردم مادی که مطرح است که ما ایرانی هستیم و برای ایران باید چه بکنیم یا اینکه بگویند ما عراقی هستیم و برای چه . این حساب ها در اسلام نیست . اسلام می خواهد که همه دنیا یک عائله باشد و یک حکومت در همه دنیا آن هم حکومت عدل برقرار باشد و همه افراد ، افراد همان عائله باشند و لهذا ما مکرر این معنا را گفته ایم که این قضیه ای که شاید صحبتش در همه جا هست که ملت ایران مثلاً جدا ، ملت عراق جدا ، هر کدام یک عصیته برای او داشته باشند و حتی به اسلام کار نداشته باشند و به ملت و ملیت کار داشته باشند ، این یک امر بی اساس است در اسلام بلکه مضاد با اسلام است .

اسلام در عین حالی که وطن را ، آنجایی که زادگاه است احترام می گذارد ، لکن مقابل اسلام قرار نمی دهد . اساس ، اسلام است ، اینها دیگر بقیه اش فرع هستند و اساس آنهایی که مکتبی هستند خدمت به اسلام است ؛ این خدمت اگر در لبنان باشد خدمت است ، اگر در ایران باشد خدمت است ، اگر در هر جا ، اگر در حبس هم باشد خدمت است ، اگر بیرون هم باشد خدمت است . ایشان الان هم در خدمت است ، برای اینکه وقتی در راه اسلام یک کسی این مصائب را دید (که نباید اسمش را مصائب گذاشت ) وقتی در راه اسلام باشد همه چیز آسان می شود ، همین می شود . شما می بینید که حتی این جوان هایی که الان در اینجا و در لبنان و اینها مشغول خدمت هستند چه روحیه هایی دارند . همین دیروز یک جوانی آمده بود اینجا می خواست یک زنی را عقد کند . بعد از اینکه صحبت از مهر شد ، آن زن گفت که مهر من را این قرار بدهد که به مکه من را ببرد . این جوان می گفت که من زنده نیستم تا تو را به مکه ببرم من شهید می شوم . بالاخره با مدتی صحبت ما راضیش کردیم به اینکه نه ، انشاء الله شما هستید و خدمت می کنید . این یک روحیه خیلی خوبی است که در جوان ها پیدا شده است و امیدوارم که در همه ما این روحیه ها پیدا بشود و آن روحیه مکتبی توجه به مکتب ، نه توجه به امور دیگر . من از خدای تبارک و تعالی مسئلت میکنم که ما را و شما را دلخوش کند به اینکه ایشان برگردند پیش ما و به خدمت خودشان ادامه بدهند . انشاء الله خداوند به همه عائله ایشان در این فراق صبر بدهد و چشم همه را به وجود ایشان انشاء الله روشن کند تا ایشان برگردند و به خدمت به مکتب موفق بشوند و شیعه های لبنان هم از وجود ایشان استفاده نکنند بلکه همه مسلمان ها ، انشاء الله .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اقشار مختلف مردم شهر قم

### قم مرکز علم، تقوا، شهادت و شهامت است

بسم الله الرحمن الرحيم

قم حرم اهل بیت است، قم مرکز علم است، قم مرکز تقواست، قم مرکز شهادت و شهامت است. قم علم به همه جهان صادر شده است و می شود و از قم شهادت به همه جا صادر می شود. قم شهری است که آن ایمان و علم و تقوا پرورش یافته. از آنوقتی که قم بوده است، قم از زمان ائمه اطهار مورد توجه اسلام بوده است و از قم تقوا، شجاعت، شهامت و همه فضائل به همه جا صادر می شود و صادر خواهد شد. علمائی که در قم من ادراک کرده ام کسانی بودند که در دنیا نمونه بودند، در علم و تقوا و من امیدوارم که ادامه پیدا کند این علم و تقوا در شهر شما تا زمان ظهور امام زمان سلام الله علیه. من هر جا باشم قمی هستم و به قم افتخار می کنم. دل من پیش قم است و قمی و دل من پیش همه اهل تقواست و همه کسانی که به اسلام خدمت می کنند. من گر چه از قم مع الاسف تا یک مقداری دور هستم لکن به حسب قلب نزدیکم. از شما جوان های عزیز تشکر می کنم که آمده اید و در این جای تنگ و تاریک و پر زحمت نشسته اید و من هم بیش از این نمی توانم تصدیق بدهم و از شما ملتمس دعا هستم چنانچه خودم دعاگوی همه هستم و سلامت و سعادت همه مسلمین جهان را و شما برادران عزیز را از خدای تبارک و تعالی خواستارم. سلام من را به اهل قم برسانید و از همه شما امیدوارم که این نهضت را به آخر برسانید و انشاء الله اسلام را به همه معنا در همه جا پیاده کنید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته



## بیانات امام خمینی در جمع گروهی از دانشجویان پاکستانی و معلمین شرکت کننده در سمینار تزکیه و بازآموزی انقلاب فرهنگی

### تمام انبیا معلم هستند و تمام بشر دانشجو

بسم الله الرحمن الرحيم

با اینکه بنا نبود که آقایان دیگر تشریف بیاورند و زحمت بکشند و آنطوری که اطبا هم احتیاط می کنند خیلی اجازه نداده اند که من صحبت کنم ، لکن امروز از پاکستان دانشجویان محترم و بعضی آقایان دیگر و از ایران معلم ها تشریف آورده اند . پس این محفل ، محفل معلم و دانشجوست . دو گروهی که اگر اصلاح بشوند یک مملکت را اصلاح می کنند و اگر خدای نخواستہ در غیر این معنا باشند ، کشورها به تباهی کشیده می شوند . مقام معلم و مقام دانشجو که باید مغز متفکر یک ملت را تشکیل بدهد ، از اموری است که باید به آن توجه زیاد بشود و وظیفه معلم و دانشجو مشخص باشد تا انشاء الله بر آن طریقی که اسلام می خواهد و مقام انسانیت اقتضا می کند ، از همان طریق راه بروند و طی مقامات را بکنند و به آنجائی برسند که انسان شوند .

تمام زحمتی که انبیا کشیده و تمام رنج هائی که اولیاً خدا از بد و خلقت تاکنون کشیده اند و بعدها هم تا آخر خواهند کشید مقدمه این بوده است که این موجودی که در خارج می گویند انسان ، انسان بشود . تمام کتب آسمانی که بر انبیا نازل شده است برای این بوده است که این موجودی که اگر سر خود باشد ، خطرناکترین موجودات عالم است ، تحت تربیت و تعلیم الهی واقع بشود و بهترین موجودات و افضل تمام خلایق بشود . نهضت های اسلامی ، نهضت های توحیدی ، تمام برای همین معنی بوده است . در اسلام همه امور مقدمه انسان سازی است . اگر رها کنند این موجود دو پا را ، تمام عالم را به تباهی می کشد . برای جلوگیری از این فسادهای بزرگ و این جنگ های ویران کن و این کارهای بسیار ناروا که در کشور هست انبیا آمده اند تا بشر را هدایت کنند به راهی که همه در آن راه سیر کنند و همه انسان صحیح و کامل بشوند . اگر این موجود دو پا تربیت شد تمام حوائج دنیا و آخرت بشر تحقق پیدا می کند و اگر این موجود دو پا سر خود شد یا به خلاف مسیر طبیعی خودش حرکت کرد تمام عالم به تباهی کشیده می شود.

از این جهت تمام انبیا معلم ها هستند و تمام بشر دانشجو انبیا مکتبی دارند که در آن مکتب می خواهند این موجود دوپائی که بدترین موجودات است و اگر رها بشود خطرناکترین موجودات عالم است ، این را به راه مستقیم ، به صراط مستقیم هدایت کنند و اجرای این امر را هم خودشان متکفلند .

از این جهت معلم و دانشجو محصور به معلم های دانشگاه ها یا دبیرستان ها یا سایر جاها نیست و دانشجو هم محصور نیست به همان هائی که دانشگاه می روند . عالم یک دانشگاهی است و انبیا و اولیا و تربیت شده های آنها معلم هستند و سایر بشر دانشجو و باید دانشجو باشند . عالم باید ، تمام دنیا باید دو طبقه داشته باشد: یک طبقه معلم و استاد و یک طبقه دانشجو و متعلم وظیفه معلم هدایت جامعه است به سوی الله و وظیفه دانشجو تعلم .

### **راه خدا تمام ابعاد انسانی را الهی می کند ، و راه کفر به فساد رهنمون می شود**

همین معناست که یک جامعه ای پیدا بشود که همه متوجه به خدای تبارک و تعالی باشند و همه در راه او . اگر همه در راه او شد اقتصاد هم الهی می شود ، فرهنگ هم الهی می شود ، ارتش هم الهی می شود ، ژاندارمری هم الهی می شود ، دانشجو و معلم هم الهی می شوند . خداست و طاغوت ، همین دو ، غیر از این نیست . یا راه خداست و یا راه طاغوت . راه خدا راهی است که انسان را در تمام ابعادی که دارد ، در بعد عقلانی ، در بعد متوسط که بعد خیالی است و در بعد تنزل که بعد عمل است ، این ابعاد را هدایت بکنند به آن راهی که باید باشد . اگر اینها از همان راه مستقیم رفتند ، اینها الهی هستند . راه ، راه خداست و هر کس از این راه برود الهی است ، تا آنوقتی که همه چیز انسان ، همه اعمال انسان ، همه حرکات انسان ، همه تخیلات انسان ، همه تعقلات انسان ، الهی بشود . یا این راه است یا راه چپ و راست که برخلاف راه مستقیم است که هر یک از اینها انحراف است و به سوی طاغوت است . (الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور) ظلمات تمام عالم که توجه به خدا ندارد و نور ، نور مطلق حق تعالی که باید همه عالم متوجه به او باشد . (والذین کفروا اولیاً هم الطاغوت) همین دو راه است یا ایمان است و اسلام است و توجه به مکتب الهی این امر خداست و خدا مومنین را اگر در این راه افتاده هدایت می کند و تمام ابعاد انسانی را الهی می کند و یا کفر است و برخلاف توحید است ، چه در طرف راست و چه در طرف چپ ، طاغوت است و منتهی الیه آن جهنم . و در دنیا هم همه فسادها و همه جنگ هائی که در عالم تحقق پیدا می کند به دست ابرقدرت ها ، همه جنگ شیطانی و طاغوتی است . در جنگ ها هم جنگ طاغوتی هست و جنگ توحیدی . جنگ هائی که پیغمبرها می کردند ، اولیا می کردند ، مومنین می کردند برای این بود که اشخاص سرکش را از آن سرکشی ها برگردانند و تعدیل کنند . این جنگ ، جنگ الهی است و آن جنگ هائی که برای احراز مقام است ، برای به دست آوردن قدرت است ، برای تحمیل بر جامعه هاست ، برای جنایتکاری این ابرقدرت هاست یا هر قدرتی ، این جنگ ها جنگ های ابلیسی است و جنگ های طاغوت است . عالم از این دو حال خارج نیست و هر حرکتی که از انسان صادر بشود ، چه حرکت های قلبی و چه حرکت های روحی و چه حرکت های جوارحی از این دو حد خارج نیست ، یا به طرف صراط مستقیم و الله است و یا طاغوتی است ، منحرف یا به طرف چپ یا به طرف راست . (اهدانا الصراط المستقیم) صراط مستقیم یک سرش اینجاست و یک سرش به آن طرف عالم ، به مبدا نور . (صراط الذین انعمت علیهم) به آمدن تعلیمات انبیا ، انعام کرده

خدا بر ما که ما را هدایت کند به این راهی که راه الله است و موجب این می شود که تمام عالم به سعادت برسند و با آرامش و با تربیت صحیح در این عالم زندگی کنند و تمام جهاتی که در این عالم هست بر گردانند به همان جهت توحیدی الهی و سایر حرکت ها چه حرکت های قلبی باشد و چه حرکت های خیالی باشد و چه حرکت های جوارحی باشد، بر خلاف این مسیر که باشد همه طاغوتی است. همین دورا بیشتر نیست، یا طاغوت و یا الله و شما معلمین و شما دانشجویان از همین راهی که انبیا تعیین کرده اند راه را طی کنید. همین راه خداست، همین راهی که انبیا و اولیاً خدا پیش پای بشر گذاشته است این راه خداست و ما همه باید از همین راه حرکت کنیم. کسانی که دعوت بر غیر این راه بکنند، طاغوتند و کسانی که مردم را بر خلاف مسیر طبیعی خودشان و مسیری که فطرت آنها متوجه به اوست راهنمایی کنند، ضلالت است و من امیدوارم که معلمین هم در هر جا هستند، خواهران و برادران معلم، خواهران و برادران دانشجو، خواهران و برادران عالم، خودشان را دانشجو بدانند و معلم. معلم آنها را به راه راست هدایت انبیا دعوت کند و آنها هم به راه راست هدایت انبیا سفر کنند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 54

تاریخ: 10/6/59

### نامه بنی صدر به محضر امام خمینی

بنی صدر طی ارسال نامه ای به محضر امام امت، گزارشی از دیدار خود با شهید رجائی را در مورد تعیین وزراً کابینه ارائه می دهد در این گزارش بنی صدر در باره (لایتنیر) بودن شهید رجائی و هیات وزیران در برابر سیاست های خود حرف می زند و در پایان از امام نظر خواهی می کند تا طبقه نظر ایشان رفتار نماید.

پاسخ امام خمینی

تاریخ: 11/6/59

بسمه تعالی

**اینجانب دخالتی در امور نمی کنم، موازین همان بود که کرارا گفته ام و سفارش من آن است که آقایان تفاهم کنند و اشخاص مؤمن به انقلاب و مدیر و مدبر و فعال انتخاب نمایند.**

والسلام علیکم

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 55

## بیانات امام خمینی در جمع پرسنل ژاندارمری جمهوری اسلامی

### رضاخان، مهره دست نشانده اجانب و برای سرکوبی عشایر و روحانیت

بسم الله الرحمن الرحيم

رضاخان هجوم کرد به تهران و با دستگیری انگلستان حکومت ایران را به دست گرفت و بعد از چندی احمد شاه را از صحنه بیرون کرد و خودش به جای احمد شاه نشست و به تدریج ماموریت خودش را شروع کرد به انجام دادن. ماموریت های زیادی داشت. قدرت های بزرگ هر چه را که بر خلاف میل خودش و برخلاف منافع خودش می دیدند باید به دست این آدم نابود بشوند یا سرکوب. اول شروع کرد به سالوسی کردن و ریا کاری و در همین تهران آنطوری که آنوقت می گفتند در همه تکیه هائی که در ماه محرم برای عزا بر پا بود می گفتند با پای برهنه شمع هم دستش می گیرد و می رود. این یک چهره بود که از رضاخان در ایران نمایش پیدا کرد و بعد به اسم اینکه امنیت را می خواهد به ایران برگرداند شروع کرد به مبارزه با عشایر ایران و عشایر که یکی از پایگاه های مهم ایران بودند، گر چه نواقصی داشتند، ولی خدمت هائی هم می کردند، عشایر را یکی پس از دیگری سرکوب کرد و از محال خودش بعضی از آنها را کوچ داد به جاهای دیگر و آنها را تقریباً از بین برد و بعد ماموریت هائی (در خلال همه اینها همه را گاهی با هم می شد) شروع کرد مخالفت با روحانیون به اسم اینکه می خواهم تصفیه بکنم و این سنگر بزرگ اسلامی را که یک خدمتگزارانی به ایران بودند و به اسلام بودند، بدون اینکه بر بودجه دولت یک شاهی تحمیل بشوند لکن خدمت هاشان، یکی از بزرگترین خدمت های آنها این بود که تربیت می کردند مردم را و شما اگر چنانچه در پرونده هائی که در دادگستری و غیر دادگستری هست و بوده، می بینید که از آنهایی که تحت تربیت روحانیون بودند پرونده جنایتی نمی بینید. برای آرامش کشور اینها یک عامل موثر بودند و برای هدایت مردم به راه صحیح و اخلاق و اعمال صحیح یک راهنماهای مهمی بودند، من آنچه که در بسیاری از صحبت هایم از روحانیون بحث می کنم نه این است که من هر که معمم است از او پشتیبانی می کنم (ای بسا خرقه که مستوجب آتش باشد) لکن وقتی که ما در سابق دیدیم که جزء برنامه انگلیس ها که رضاخان را آورده بودند (شاید در رأس برنامه هم بود) این بود که باید این طایفه از بین بروند. با تمام قوا، از تبلیغات مجلات و روز نامه ها و گویندگان و اینها گرفته تا هر جا که روشنفکری و روشن، - عرض بکنم که - روشن نمافکری بودند، بر ضد روحانیت بسیج شدند. کم کم آن صورت

دومش را نشان داد، آن وجهه دومش را کم کم نشان داد. در زمان این شخص نالایق که مملکت ما را به تباهی کشاند به پیغمبر اکرم در روزنامه سب کردند، در روزنامه به پیغمبر سب کردند و به مرئی و منظر این دولت بود و آن دولتمردان. مجلس درست کردند و در آنجا از پیروزی اسلام به کفر انتقاد کردند و این روشنفکرها دستمال ها را در آوردند و گریه کردند که اسلام بر شاه ایران، شاه آنوقت ایران غلبه کرده است. شعر، ایشان شعر گفتند، نویسندگانشان نوشتند، گویندگانشان گفتند. ما از اینکه انگلستان اینقدر اصرار داشت بر اینکه این طایفه را از بین ببرد می فهمیم که از این طایفه اینها رنج می بردند و باید اینها سرکوب بشوند.

### **ادارات که به فرم ادارات زمان طاغوت است باید متحول بشود**

ومع الاسف در آنوقت یک ارتشی درست کردند و یک ژاندارمری درست کردند و یک شهربانی درست کردند که تلخی اعمال آنها در ذائقه ملت ما بود و برای شما که الان خدمتگزار هستید زحمت ایجاد کرده شما برادرهای عزیز که الان خدمت می کنید به این کشور مواجه هستید با یک اسمی که در زمان رضاخان و در زمان بعد از او خصوصا در زمان رضاخان مردم ذائقه تلخی از همه این قوای مسلحه داشتند و دارند و این اشکالی است که برای شما پیش آورده اند که تا آمدید شماها این ذائقه تلخ را شیرین کنید خیلی زحمت دارد، خیلی باید جانفشانی کنید، خیلی باید با مردم رفتار خوب بکنید. پادگان های شما باید پایگاه اسلامی باشد و مستضعفین را همراهی کند و مستکبران را اعتنا نکند. مدتی شما زحمت بکشید تا آن ذائقه تلخی که در ملت از این جمعیت شما که آنوقت نبودید، گمان ندارم یکی از شما هم آنوقت بودید لکن این اسم به طوری شد در آنوقت که وقتی گفته می شد، تلخ بود در ذائقه مردم. آنوقت خود همین مرد، خود همین رضاخان در یک روزی که وارد شده بود در یک پادگان ژاندارمری دست هایش را در جیبش گذاشته بود و معرفی کرده بود اینها را به اینکه اینها دزدند. در عین حال که سرکرده همه دزدها خودش بود منتها دزدها یواشکی یک کتی، یک شلواری، یک کاسه مسی از مردم می بردند و این علنی مازنדרان را با آن طول و عرض از همه اشخاصی که دارای یک ملکی بودند گرفت و به اسم خودش ثبت کرد.

اینطور معرفی می کرد از یک جمعیتی، که اینها اینطور هستند، یا می خواست تعلیمشان بدهد که تکلیف این هست. در هر صورت شما آقایان که از پرسنل ژاندارمری هستید و اینجا آمده اید مدت ها باید زحمت بکشید تا اینکه اثبات بکنید که ژاندارمری اینجور نبود. ژاندارمری وقتی که در خدمت طاغوت بود و می دید خود آن آدمی که در رأس واقع شده سر کرده دزدهاست، قهرا این اشخاص هم تبعیت می کردند و به خیال خودشان (الناس علی دین ملوکهم) بودند. نه شما تنها، این شهربانی و پاسبان ها که با مردم تمامی شان در شهرها زیاد بود؛ اینها طوری معرفی شده بودند پیش مردم که اگر اسم اینها را می بردند یا شخص آنها را می دیدند چندش به آنها رخ می داد. اینطور با آنها مخالف بودند. شهربانی هم باید مدت ها زحمت بکشد تا اینکه این مطلبی که در ذهن مردم منعکس بود بیرون کند و

سایر قوای انتظامی هم اینطور. اینها هم شرارت هائی کردند در این مملکت و سرکوبی هائی از خدمتگزاران این مملکت کردند که اسم آنها هم وقتی که می آمد مردم از آنها متنفر بودند. بنابراین شما آقایان که حالا در خدمت اسلام هستید، چه شما و چه قوای مسلح دیگر مثل ارتش و مثل شهربانی، مدت زحمت بکشید و خوشرفتاری بکنید و خدمت صادقانه بکنید تا اینکه از دل مردم این مطلب بیرون برود. با اینکه ما می دانیم که شما هیچ کدام آنجا نبودید آنوقت، هیچ یک از شما نبودید. من یادم است، از اولی که رضاخان آمد به ایران، آمد به تهران تا حالا من شاهد همه قضایا بودم. این بنا داشت به اینکه این مملکت را با هر طوری که می تواند طوری بار بیاورد و بعد هم پسر خلفش آن هم طوری بار بیاورد این مملکت را که همه چیزهائی که اینها از ما می برند، هر چه که از ذخائی ما آنوقت انگلستان و حالا هم بعدا هم آمریکا ببرند هیچ کس نباشد که کلمه ای در مقابل آنها بگوید و اگر می گفت سرکوبی می کردند و اگر مخالفت می شد می کوبیدند اینها را. مخالفت از طرف روحانیون چند مرتبه شد لکن هم با حيله و هم با قدرت آنها را کوبیدند. بعد هم که شما ملاحظه کردید که دانشگاه ما را به چه صورت در آوردند، دبیرستان های ما را به چه صورت در آوردند و از همان دبستان شروع کردند آدم غربی درست کردند، آدم معتقد به غرب و مخالف با اسلام درست کردند. از همان بچه کوچولو شروع شد و همین طور تا اینکه یک قشر زیادی مخالف با همه چیز، با همه مآثر اسلام، با همه مآثر کشور، اینها تربیت می کردند. یک همچو مملکتی را اینها درست کردند با امر انگلستان در زمان رضاخان و با فرمان آمریکا در زمان محمد رضا که حالا که اینها رفتند شما می بینید که همه چیز باید متحول بشود. البته متحول هم خیلی شد. حالا در هر جا که شما بروید محتاج به این است که از سر درست بشود. ادارات یک اداراتی است که به فرم همان ادارات زمان طاغوت است و باید تصفیه بشوند و متحول بشوند به یک اداره که به درد مردم بخورد.

### **قوای مسلحه باید خدمتگزار مردم و سرکوب کننده توطئه گران باشد**

قوای انتظامیه، قوای مسلحه باید خودشان را در خدمت مردم قرار قوای انتظامیه، قوای مسلحه باید خودشان را در خدمت مردم قرار بدهند، آنطوری که عناوین خودشان اقتضا می کند. ژاندارمری، پاسبان و امثال ذلک، ارتش، اینها باید این مملکت را حفظ بکنند، اینها برای حفاظت ملت و مملکت آمده اند و برای پاسبانی از مملکت خودشان متشکل شده اند. باید اینها توجه به این معنی داشته باشند که همه این قوای مسلحه باید در خدمت مردم باشند. اینها از بودجه ای که اینها را اداره می کند از جیب مردم است نباید از جیب مردم بدهند بودجه اش اداره بشود و به سر مردم هم تحمیل بکنند و - عرض کنم که - اذیت و آزار بکنند، چنانچه در عصر این دو غیر انسان بود.

شما باید توجه به این معنا داشته باشید که باید خدمت به این کشور بکنید و خدمت به این ملت بکنید و اگر چنانچه خدای نخواست در یک پادگانی یک نفر آدمی پیدا شد که خلاف رویه اسلامی و انسانی کرد، باید رؤسا توجه کنند، جلوییشان را بگیرند. مبدا یک وقتی باز همان مسائل سابق در

پادگان های ژاندارمری یا در مراکزی که سایر قوای مسلحه هستند ، یک همچو مسائلی که در سابق بود باز تکرار بشود . باید با کمال دقت کسانی که در رأس هستند اشخاص ناظر بفرستند همه جا را تحت نظر بگیرند ، برای اینکه اگر خدای نخواستہ از چهار نفر یک امر خلاف قاعده ای ، یک امری که در زمان سابق اتفاق می افتاد ، بست و بند با خان ها و کوبیدن مردم اتفاق می افتاد ، اگر حالا در چهار جا اتفاق بیفتد همه تان بدنام می شوید . برای اینکه مردم ذائقه شان تلخ است و اگر ببینند که در چهار جا یک فساد ایجاد شده است و یکی از کارهای سابق انجام گرفته است ، همه شما را مردم محکوم می کنند . بنابراین همه شما موظفید که از آن چیزهایی که برخلاف واقع است هم خودتان را حفظ کنید و هم دیگران را ، اگر کاری کردند به سران ژاندارمری اطلاع بدهید که آنها جلوگیری بکنند ، تا این ذائقه تغییر نکند . البته بسیار تغییر کرده است ، یعنی بسیار جلو رفته است این تغییر و لهذا شما الان وقتی که در جمعیت ها می روید مردم برای شما شعار می دهند . کی یک همچو مسائلی در سابق بود؟ مردم پشت به آنها می کردند . اگر بازور هم می آوردندشان یک جایی که یک فرض کنید که اشخاصی بودند ، آنها بازور بودند ، جمع همراه نبودند . در هر صورت الان ما و شما و همه ملت خدمتگزار به اسلام و خدمتگزار به کشور هستیم و باید همه مجتمعا با دست واحد ، همه یکدست خدمت به این کشور بکنیم تا اینکه انشاء الله این کشور به قدرت کامله الهی به پیش برود و شما سرافراز باشید و کشور ما سرافراز باشد .

### **با نبودن نظم و انسجام در قوای مسلحه ، مملکت حفظ نمی شود**

و نکته ای که می خواهم عرض بکنم و این اختصاص به شما ندارد این یک امر عامی است نسبت به همه قوای مسلحه اینکه اینطور تو هم نشود که حالا ما آزاد هستیم و ما آزاد شدیم و آن زد و خوردهائی که پیشتر بود نیست و آن کتک ها و حبس ها نیست و آن اعدام ها نیست ، حالا باید انضباط هم نداشته باشیم . اگر چنانچه یک قوای مسلحه ای بی انضباط باشد یعنی اگر چنانچه فرمانده حکم کرد ، اجرا نکند ، اگر چنانچه آن طبقه بالائی که صاحب منصبند یک امری را گفتند ، اینها اجرا نکنند ، اگر اینطور باشد انسجام از بین می رود . آنوقت خدای نخواستہ اگر یک امری پیش بیاید نمی توانید شما مقابله کنید . شما قوای مسلحه ، از ژاندارمری گرفته تا ارتش تا شهربانی تا پاسدارها ، همه اگر چنانچه منظم نباشید و سلسله مراتب ملاحظه نشود این اسباب این می شود که افرادی باشند یک یک . ژاندارمری وقتی می تواند خدمت بکند ، ارتش وقتی می تواند خدمت بکند که اجتماع توی کار باشد یک یک افراد که کار از شان نمی آید ، این یک یک ها وقتی متصل به هم شدند و یک نظمی داشت می توانند کار انجام بدهند ، اما اگر یک یک ، یکی هائی باشند که با هم منسجم نیستند یا نظم ندارند ، اینها علاوه بر اینکه کاری از شان نمی آید اخلاص هم می کنند .

باید توجه داشته باشید که امروز شما خدمتگزار اسلام هستید و باید برای خدا کار بکنید و امر خداست که باید این مسائل را با دقت ملاحظه کنید و نظم را حفظ کنید و سلسله مراتب را حفظ بکنید



و این یک مطلبی است که مربوط به شما تنها نیست و مربوط به همه قوای مسلحه است ، چنانچه توجه به اینکه مبدا یکی خلاف بکند آن هم اختصاص به شما ندارد همه قوای مسلحه باید در این معنا باشند . امر به معروف و نهی از منکر بر همه ملت واجب است . اگر یک خلاف یکی کرد باید او را نهی بکنید ، باید باز دارید او را از این کار و اگر چنانچه یک آدمی در یک پادگانی یک عملی کرد که بر خلاف وظیفه بود باید اطلاع بدهید تا اینکه این را جلوی او را بگیرند . و باز این مطلب را باید به ملت عرض بکنم که سرباز بودن برای ملت امروز جزء وظایف است ، نگذارد ملت که این پادگان ها در ارتش تهی بشود . سرباز حالا سرباز وظیفه است ، در زمان سابق سرباز اجباری بود . به اجبار بردند ، اسمش را وظیفه می گذاشتند و اما الان این اجبار در کار نیست ، الان یک امر الهی است . دفاع از مملکت اسلامی ، دفاع از نوامیس مسلمین از واجبات شرعی الهیه ای است که بر همه ما واجب است و این موقوف بر این است که نظامی ها ، هم منظم و منسجم باشند و هم مراتب را حفظ بکنند و هم اشخاصی که می توانند در نظام وارد بشوند خودشان را معرفی کنند و این پادگان ها را پر کنند از جمعیت ها ، و از قراری که بعضی از رؤسای ارتش گفته اند ، گفتند که الان پادگان های ما پر نیست برای اینکه نظام وظیفه را خیلی به آن عمل نمی کنند . لازم نیست که نظام وظیفه را با الزام بیابند شما را ببرند . شما می خواهید یک مملکتی را حفظ بکنید ، ملت می خواهد که در مقابل این قدرت هائی که همه با هم منسجم شدند و اطراف کشور ما هستند ، ملت می خواهد که جلوی اینها را بگیرد این تا اینکه نظام ، نظام صحیح نباشد و منسجم نباشد و پادگان ها پر از جمعیت نباشد و مملکت یک نظام بزرگ نداشته باشد و انشاء الله یک نظام بیست میلیونی شما داشته باشید تا بتوانید از این توطئه ها که الان برای مملکت ما در کار است جلوگیری بکنید . خداوند انشاء الله تعالی حامی شما باشد و حامی این مملکت و انشاء الله شما پیروز باشید و با پیروزی اسلام را به پیروزی برسانید .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## فرمان امام خمینی به کلیه دادگاه های ارتش جمهوری اسلامی

### به تمام دادگاه های ارتش اخطار می شود

بسم الله الرحمن الرحيم

- 1- تعقیب افراد ارتش باید با اطلاع فرمانده شخص متهم باشد و دادگاه های ارتش خود مستقلا نباید در بازداشت ارتشی ها اقدام نمایند و چنانچه مورد اتهام، یکی از فرماندهان ارتش باشد باید به وسیله فرمانده کل قوا احضار شود.
- 2- فرمانده شخص متهم مؤظف است در مهلتی که دادگاه های ارتش معین می نمایند متهم را به دادگاه تسلیم نماید.
- 3- در صورتی که شخص متهم در مدت مقرر در دادگاه حاضر نشد دادگاه خود مستقیما اقدام می نماید.
- 4- برای خدشه دار نشدن حیثیت افراد متهم، قبل از اثبات جرم اقدام دادگاه باید به صورت غیر علنی باشد و نشر و پخش آن از طرف دادگاه و غیره ممنوع اعلام می گردد.
- 5- دادگاه های غیر ارتشی عموما و افراد غیر مسول به هیچ وجه حق دخالت در این امور را ندارند و دخالت کنندگان تعقیب خواهند شد.

روح الله الموسوی الخمينی



این فصل از صحیفه نور با مقطع 59/3/15 الی 59/8/13، ظلمات سنگینی از توطئه های ستمبارگی استعمارگران شرق و غرب بویژه شیطان بزرگ و ایادی او را آماج تیرهای الهی روح الهی قرار می دهد.

دشمنان اسلام و ایران در این 5 ماهه هر چه در چننه ی جور و فریب داشته اند بیرون ریخته اند:

کودتای نوژه با دخالت مستقیم آمریکا و با مهره های شاهنشاهی تا آستانه ی اقدام ننگین خویش، پیش می رود.

مظلوم نمایی جاسوسخانه ی مدرسه استعماری اندیشه، خبر داغ محافل برون مرزی است.

زنان آنچنانی جهت برپایی راهپیمایی بی حجابی، بر انگیزته می شوند.

دموکرات و کومله و منافقین و روزنامه های کذایی هر یک در این عرصه ای در تنور داغ ننگ و توطئه به نرخ روز نان می بزند. و چون استعمار از اینهمه طرفی نمی بندد، سرانجام آمریکای مشؤوم آخرین تیر زهراگین جهانخوارگی را از ترکش دروغ و پلیدی با داستان عروسکی صدام - کثیف ترین بی چهره ی خاورمیانه - رها می کند.

و این زاده نامشروع صهیونیزم چون پشه ای که باد نمرودی در دماغ افکنده ناگهان در آخرین روز تابستان 59 از زمین و هوا و دریا بی خطاری از پیش از جنوب و غرب وطن اسلامی به خاک مقدس لاله برور ما سکتازی می کند کارگزاران استعمار چونان همیشه احمق ترین مهره را بر می گزینند و این دن کیشوت مسخره ی قرن را سوار بر اسب خیالی سرداری، قادیسیه به کام مرگ، قطعی به بیشه ی شیران م میفرستند روح الله استوارتر از همیشه با پرچم برافراشته ی رهبری در دست بر بلندترین چکاد اراده و عزم در برابر این تجاوز می ایستد و به امت خشمگین و شجاع مژده می دهد که:

این جنگ از الطاف خفیه الهی است...

و چون همیشه، چنان است که آن نستوه سترک تاریخ با کلام کلیم - الهی می گوید و همانگونه است که آن بینای بزرگ قرون، بـا دیـده الهی می بیند... زیرا:

از یک سو، ارتش و قوای مسلح ایران اسلامی از در غلتیدن به دامچاله ی رخوت و سستی می رهد؛

و از سویی، امت چهره های منافق را و مهره های برگزیده ی دشمنان را به تدریج باز می شناسد:

و از سوی دیگر، انسجام و وحدت امت، بیش از پیش استحکام می گیرد؛ آمادگی و هشیاری عمومی برانگیخته تر می شود...

و محک جنگ، عیار بالهای زرین ایثار را بالا می برد... و سره از ناسره باز شناخته می شود....

و در فصول دیگر، و در کلام رهبر به عیان خواهیم دید که چنانکه او فرموده: آمریکا این بار نیز و هربار و هزاران هزار بار، هیچ غلطی

نمی تواند بکند...

و شغالان تاریخ بر زبونی صدام، مویه خواهند کرد.

تاریخ، تفاله صدام را تف کرده است.

**پیام امام خمینی به مناسبت دومین سالگرد 17 شهریور**

بسم الله الرحمن الرحيم

17 شهریور 57 از ایام الله است که ملت شریف ایران یاد آن را زنده نگه می دارد. ملت بزرگ ایران، روزهایی چون هفده شهریور در نهضت خود داشت و بحمدالله با تمام مشکلات و تقدیم شهدای ارجمند به اسلام عزیز و کشور و با فداکاری های طاقت فرسا از میدان جهاد سرافراز و پیروزمند بیرون آمد و آن کار، جهانیان را به خود جلب نمود. دشمنان ما گمان میکردند با توطئه های فرسایشی می توانند نهضت اسلامی و انقلاب شکوهمند این ملت شهید پرور را به سردی و سستی سوق دهند، غافل از آنکه قیامی که برای خداست و نهضتی که بر اساس معنویت و عقیده است، عقب نشینی نخواهد کرد. ملت ما اکنون به شهادت و فداکاری خوگرفته است و از هیچ دشمنی و هیچ قدرتی و هیچ توطئه ای هراس ندارد. هراس آن دارد که شهادت، مکتب او نیست.

ملتی که تازه عروس و تازه دامادش برای شهادت داوطلبند و خود را برای هر پیشامدی در راه خدا مهیا کرده اند از چه می ترسند؟ ملتی که شهادت برای او سعادت است پیروز است. ملتی که خود و همه چیز خود را برای اسلام می خواهد، پیروزمند است. ما در کشته شدن و کشتن پیروزمیم. دشمنان ملت های مستضعف و پیروان قدرتمندان ستمگر که برای ایجاد تفرقه مسلمین، شیاطین خود را فرا خوانده اند، وقتی به خطای خود واقف می شوند که توده های میلیونی مسلمین بر اساس تعالیم عالیه اسلام آنان را مفتضحانه سرکوب کنند و دست آنان را از توطئه های خائنانه قطع نمایند. بگذار این تقاله های تاریخ به اسم اسلام بر ضد اسلام قیام کنند و به اسم قرآن کریم به قرآن خیانت نمایند و این تازگی ندارد.

اسلام عزیز از این قماش خیانتکاران بسیار دیده و همگان را به مستقر شیاطین فرستاده است. ملت عزیز ما آن روز که جز مشت خالی و خون پاک هیچ نداشت، بر قدرت های عظیم شیطانی با فریاد الله اکبر غلبه کرد و امروز بحمد الله تعالی جوانانی رزمنده خواهران و برادران دارد که با تعلیمات نظامی در سرتاسر کشور قدرت تفکر را از دشمنان ایران و اسلام سلب و با اعتماد به قدرت الهی و فداکاری در راه اسلام بر همه مشکلات و همه قدرت های شیطانی غلبه خواهد کرد. ملتی که 15 خرداد روز خون و 17 شهریور روز نوید پیروزی خون، جمعه سیاه روزی رژیم را با افتخار و پیروزی پشت سر گذاشته است، از این محاصرات اقتصادی و نظامی باک ندارد. آنان باک دارند که اقتصاد را

زیر بنا و شکم را قبله گاه و دنیا را مقصد و مقصود می دانند .

هان ای ملت سلحشور! برای مقابله با قدرت های نظامی ابرقدرتان آماده باشید! و ای قوای مسلح که سربازان اسلام و پیشمرگان هدف و نگهبانان کشورید مجهز باشید هم به صلاح و هم به سلاح ، و هراس و خوف به خود راه ندهید که خداوند تعالی پشتیبان و ملت بزرگ ، هوادار شماست . شما نصرت کنید از دین خدا و کشور توحید تا خداوند قادر نصرت دهد شما را . از خداوند متعال عظمت برای اسلام و ملت مجاهد و رحمت برای شهدای انقلاب و خصوص شهدای 17 شهریور و صبر و برکت برای بازماندگان شهدای انقلاب و خصوص شهدای 17 شهریور و خذلان و تباهی برای دشمنان اسلام و خصوص تفرقه اندازان بین صفوف مسلمین را خواستارم .

والسلام علی عبادالله الصالحین ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمینی

عکس

بسم الله الرحمن الرحيم

ای سال از صحت شخصی ارجحه و عزیز از ریشه کشته ای که از قدیم بود که نیست که میریزد با تشدد بیهوشی  
و بیخفتی این است که بسلام قدمها از زمین ارنه او میریزد با رن و گستاخ و حساب نارام که در حساب گزاف  
و تفرقه میزند آنرا میخشد بهار بزرگوار و عالم بسیار از دشمنان جوان تا آخرین لحظات زندگانی در دست بسلام  
و گزاف از بدی تمکین با جسمها و فساد را بود بپسند که در این رحمت و هدایت برده گنده کفر نکرد و خوش  
بود در راه حرف و تشدد ادا داد مردم بجا و ستمده بجا و فایده اش طاعت از عزیز خود را ابر داد عالی قدرش  
شافت و با تیر نبش به حال همان راه را خواهم وقت است عزیز باید در این دگر که قدرت در جهان  
دیگر با بسلام و نور با بیج شده اند و بیانی در بار یکدیگر فهمیدیم جهانی و قدرتها شیطان در تفرقه و کلنی  
بین مسلمانان یا خاصه اند با اطلاق بدست بی بیانی حق قایل و در شیطان در قدرت خود را ملاحظه کنند  
و با شور و هیولان به پیش روید و در تمام متضعف و بیرونی کتب بسلام از این شیطان بصورت پس از گول نخورند  
و خود بسلام عزیز را با قدرت کلمه و قدرت به بر از دست قدرتها شیطان نجات دهند و از این خود بسلام  
نمانند که خداوند قایل با است ما و یکدیگر با بار رضا او نصیب را به پیش بریم از خداوند قایل رحمت  
باز ما چه قسم و صبر بر بار خدای قسم بسلام خدای است و میسر است علم ایران قهر را از  
ذلت گوزان بسلام است و روز مسلم را در حرام نماند و بسلام با عباد الله اکبر روح بر سر



## پیام امام خمینی به مناسبت سالگرد رحلت آیت الله طالقانی

بسم الله الرحمن الرحيم

یک سال از رحلت شخصیتی ارجمند و عزیزی ارزشمند گذشت . یک سال از فقدان مردی گذشت که می توانست به انقلاب اسلامی و پیشرفت اهداف مقدس اسلام خدمت های ارزنده ای کند . او توانست با رفتار و گفتارش به اعصاب ناآرام که موجب نگرانی ها و تفرق ها می شود آرامش بخشد . مجاهد بزرگوار و عالم هشیاری که از عنفوان جوانی تا آخرین لحظات زندگانی در خدمت به اسلام و کشورهای اسلامی متحمل رنج ها و حبس ها و فشارها بود و هیچ از این زحمت ارجمند و خدمت سودمند کناره گیری نکرد و به کوشش خود در راه هدف و انقلاب ادامه داد . مرحوم مجاهد متعهد و مبارز عظیم الشان طالقانی به جوار اجداد عالیقدرش شتافت و ما نیز انشاء الله تعالی همان راه را خواهیم رفت . ملت عزیز باید در این وقتی که قدرت های جهانی در پیکار با اسلام و کشور ما بسیج شده اند و مفتیان درباری به کمک صهیونیسم جهانی و قدرت های شیطانی در تفرقه افکنی بین مسلمانان بپا خاسته اند ، با اتکال به قدرت بی پایان حق تعالی و هوشیاری ، و حدت خود را حفظ کنند و با شور انقلابی به پیش روند و ملت مستضعف و پیروان مکتب اسلام از این شیاطین به صورت انسان ، گول نخورند و خود و اسلام عزیز را با وحدت کلمه و قدرت الله اکبر ، از دست قدرت های شیطانی نجات دهند و از این جنود ابلیس نهراسند که خداوند تعالی با ماست ما دامی که ما برای رضای او نهضت را به پیش بریم . از خداوند تعالی رحمت برای مجاهد محترم و صبر برای خاندان محترم ایشان خواستار است و امید است ملت عظیم ایران قدردانی از خدمتگزاران به اسلام و ملت ، و سالروز معظم له را احترام نماید .

والسلام علی عبادالله الصالحین

روح الله الموسوی الخمينی

## بیانات امام خمینی در جمع شرکت کنندگان ایرانی در کنفرانس نیمه دهه زن در کینهاک

### سازمان ملل در خدمت ابر قدرت ها و برای بازی دادن سایر کشورهاست

بسم الله الرحمن الرحيم

اساسا هر تشکیلاتی که این ابر قدرت های بزرگ در آن دست دارند، این تشکیلات، تشکیلاتی است که باید به نفع آنها تمام شود. همین سازمان ملل، همین جلساتی که در خارج هست، شورای امنیت، همه اینها در خدمت ابر قدرت ها هستند و برای بازی دادن سایر کشورهاست و لهذا برای خودشان و توقرار می دهند و هر مطلبی مخالف با رای خودشان است کنار می گذارند و اصلا خود آنها هم اساسا در خدمت ابر قدرت ها هستند. سازمان هائی هم که به هر اسمی اینها درست می کنند، می خواهند بکشند همه رابه طرف منافع خودشان. و ما به ابر قدرت ها آنقدر سوء ظن داریم که اگر یک مطلب راستی هم بگویند، ما اعتقادمان طوری می شود که برای این مصلحتی گفتند که مردم را اغفال کنند.

### خانم ها باید روی آن عفت عمومی کارهای اجتماعی و سیاسی را انجام دهند

این کاری که شما کردید بسیار ارزنده است و انشاء الله که بسیار شما موفق باشید. و می دانید که همه، انقلاب ما را در خارج بر خلاف آنچه که هست منعکس کرده اند. به تدریج باید ما انقلاب خودمان را به خارج به نحوی که هست صادر کنیم، به آن نحوی که هست منعکس کنیم. قضیه تنها زن ها نیستند که در ایران الان وضعشان به طور آزادی بوده است و شدند زن، یک موجود متعهد، شاید بهتر از مردان تعهد داشته باشند، لکن در خارج اینها را منعکس کرده اند که یک دسته مردم، چطور گفته اند یک دسته، از زمان رضا شاه این مسائل مطرح شد، قضیه کشف حجاب یک مطلبی نبود که اینها می خواستند زنهارا، مثلاً ده میلیون زن را بیاورند در جامعه وارد کنند. اینها یک دستوراتی بود که اینها می گرفتند از خارج و برای اسارت ما اجرا می کردند.

قضیه ها شاید شما هیچ کدامتان یادتان نباشد اگر آن وقت چی کردید، کوچک بودید، اما من تلخی این کشف حجابی که اینها کردند و اسمشان را بعدا آزاد زنان و آزاد مردان، پسر رضاخان گذاشت من تلخی اش باز در ذائقه ام هست. شما نمی دانید چه کردند با این زن های محترمه و چه کردند با همه قشرها. الزام می کردند هم تجار را، هم کسبه جزء را، هم روحانیت را، هر جا زورشان می رسید به اینکه

مجلس بگیرد و زن هاتان را بیاورد در مجلس ، بیاورد در مجلس عمومی ، آنوقت اگر اینها تخلف می کردند ، کتک دنبالش بود ، حرف دنبالش بود ، همه چیزها و حرف ها بود و اینها می خواستند زن را وسیله قرار بدهند از برای اینکه سرگرمی حاصل شود برای جوان ها و در کارهای اساسی اصلا وارد نشود . طریق مختلفی اینها داشتند برای اینکه این جوان های ما را ، این دانشگاهی های ما را ، همه این قشرها را نگذارند به فکر خودشان بیفتند و به فکر مملکتشان بیفتند . از آن طرف همین مسأله کشف حجاب با آن فضاحتی که اینها کردند و با آن رفتاری که بازن های محترمه کردند و با آن رفتاری که با روحانیون کردند در این مسائل که حتی به مرحوم آقای کاشانی آمدند تکلیف کردند که شما باید وارد بشوید در این مجلس ، فرمودند که شما باید مجلس بگیرید ، ایشان گفته بودند . . . را که فرمودند: گفته بودند آن مامورها ، که از بالاها گفته اند . گفته بودند من هم همان را می گویم حتی به اینها هم آمده بودند پیشنهاد کرده بودند . دیگر در شهرستان در دهات و همه جا حتی در قم ، یک فضاحتی در قم در آوردند که قابل ذکر نیست و این هم برای این بود که این جوان ها را ، جوان غافل ، زن و مرد را وارد کنند در میدان و سرگرمشان کنند به هم و از اساس مسائل اینها غافل باشند . همچو مراکز فحشائی که اینها درست کردند که از تهران تا آخر تجریش صدها مراکزی بود که مال عشرتکده و امثال ذلک بود ، همه اینها دیدید که زنانه بود لهدا ، جوان های ما ، ملت ما اصلا دیگر توجه به مسائل اساسی که باید بکنند نداشت . نه مردش ، نه زنش ، نه مردها آزاد بودند و نه زن ها آزاد بودند ، اسمش را گذاشته بودند آزاد مردان و آزاد زنان . این اساسی بود که از اول رضاخان که انگلیس ها خدا لعنتشان کند ، اول انگلیس ها او را آوردند به ایران و او را وادار کردند به این مسائل و بعدش هم دنبالش شعرایشان و نمی دانم نویسندگانشان و رسانه های گروهی شان را ، همه اینها در خدمت این بود که این ملت را نهی کنند از آن چیزی که خودش دارد ، آن را توجهش را به همین عشرت ها و به همین بساط لهو و لعب بکنند . اینها را آزاد قرار دادند ، این مراکز لهو و لعب را ، اما در تمام تهران شاید یک مرکزی که بتواند تعلیمات دینی . . . نه از نظر مردان و نه از نظر زنان که آزاد باشند در تعلیماتشان ، معلوم نبود که باشد . در هر صورت اینها مسائلی است که ابرقدرت ها با نقشه های بسیار دقیق که کارشناسانشان کردند ، هم مجالس درست می کنند از این چیزها و ما باید بیدار باشیم همه مان ، همه ملت ایران بیدار باشند که به دام اینها نیفتند و هر جا فرض کنید در این مجالس رفتند ، همان حیثیت خودشان را حفظ کنند ، تحت تاثیر آنهایی که در آنجا هستند و زن هائی که در آنجا هستند یا مردهائی که در آنجا هستند و تحت تاثیر اینها واقع نشوند . همانطوری که شما گفتید که انجام دادید ، همین طور باشد که اگر رفتند و شرکت کردند آنطور نباشد که شرکتشان یک وقت به نفع آنها تمام بشود ، غالبا غافلند ، اینطور می شود . بنابراین این کارهائی که شما گفتید کردید ، کارهای ارزشمندی بوده است و باز اگر چنانچه مجالسی باشد ، مردها هم بروند اما با تعهد ، نه آنهایی که می روند و بر خلاف مصالح خود مملکت مان عمل می کنند . انشأ الله امیدوارم که همه تان موفق و موید باشید و امروز غیر روزهای سابق ، امروز غیر زمان های سابق است . امروز باید خانم وظائف اجتماعی خودشان را و وظائف دینی خودشان را باید

عمل بکنند و عفت عمومی را حفظ بکنند و روی آن عفت عمومی کارهای اجتماعی و سیاسی را انجام بدهند، نه مثل سابق که فرض کنید اینها یک زنی را هم وارد می کردند در مجلس اما چه زنی بود و چکار می خواست بکند. حالا هم وارد شدند بعضی خانم ها در مجلس این ورود غیر آن ورود است. آن یک ورودی بود، این هم یک ورود آنها مجالس داشتند. روز زن داشتند، روزی که برای کشف حجاب بود، می خواستند، همین در سال های آخر من در قم بودم شاید همان سال آخری بود که 15 خرداد بعدش پیش آمد من شنیدم که زن ها می خواهند بروند سر قبر رضا شاه و راجع به همین قضیه کشف حجاب نظاهرات بکنند. من رؤسای، رؤسای اداراتی که در قم بود، پیش من آمدند، گفتم که شما هر کدام به وزارتخانه خودتان اطلاع بدهید که اگر این کار را بکنید من به ملت می گویم که عزا بگیرند برای روزی که قتل عام کردید در مسجد گوهرشاد. اینها اطلاع دادند و از این منصرف شدند. در هر صورت آن وضعی که آنها درست کرده بودند درست بر خلاف موازینی بود که ملت ما باید انجام بدهد و زن های ما باید انجام بدهند و حالا بحمد الله آن مسائل گذشته است و باید همه زن ها و هم مردها در مسائل اجتماعی مسائل سیاسی وارد باشند و ناظر باشند، هم به مجلس ناظر باشند، هم به کارهای دولت ناظر باشند، اظهار نظر بکنند.

ملت باید الان همه ناظر امور باشند، اظهار نظر بکنند در مسائل سیاسی، در مسائل اجتماعی، در مسائلی که عمل می کند دولت، استفاده بکنند، اگر یک کار خلاف دیدند. و من امیدوارم که انشاء الله این نهضت به پیروزی منتهی باشد و شما انشاء الله همه تان موفق باشید و موید و مجالس خود را باز هر چه شکوهمندتر در همه جا توسعه بدهید که زن ها بیدار بشوند و آن مسائل سابق را، آن ملعب هائی که بود و آن آرایش هائی که بود آن مسائلی که شما می دانید چقدر به اقتصاد ما صدمه وارد می کرد و چقدر به عفت عمومی ضرر می رساند. زن ها امروز باید همانطوری که مردها وارد، یعنی مردهای درست، نه مردهائی که... دیدند، در مسائل واردند، آنها در مسائل وارد باشند و تعلیم و تعلم صحیح داشته باشند و دخالت صحیح در امور بکنند و انشاء الله موفق و موید باشند.

## بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت دولت برادر محمد علی رجائی

### حب نفس و غفلت از خدا بزرگترین خطر برای هر انسانی است

بسم الله الرحمن الرحيم

من اول دعا می کنم که خدای تبارک و تعالی شما آقایان را از عنایت خودش محروم نکند و شما را به راهی که رضای اوست هدایت بفرماید و شما به مقصدی که مقصد اسلام است و آرزوی ملت است برسید. آنچه که خطر برای هر انسانی و هر متصدی امری هست حب نفس است. رأس همه خطاهائی که انسان می کند، حب نفس است. هر بلائی سر انسان خودش می آید یا جامعه از دست قدرتمندان می بیند این در اثر هوای نفس و خود خواهی است. در روایات ائمه ما فرموده اند: (رأس كل خطيئه، حب النفس) یعنی همه خطاهائی که از انسان صادر می شود در اثر همین خود خواهی و غفلت از خداست. انسان باید کوشش کند که این حب نفس را اگر نمی تواند تمام کند کم کند، البته مسأله بسیار مشکلی است و محتاج به ریاضت است، لکن مسأله نشدنی نیست، مشکل است، لکن نشدنی نیست. اگر انسان در هر امری که وارد می شود در آن امر خود خواهی را کنار بگذارد و مصلحت را ملاحظه بکند و خدا را ملاحظه بکند، هم موفق می شود و هم از خطراتی که بر این خود خواهی است در امان می ماند. شما که الان از وزرای محترم هستید و مملکت اسلامی به شما سپرده می شود و پست های شما پست هائی است که باید در آن اعمال بسیار شایسته انجام بگیرد، کوشش کنید که اولاً گمان نکنید که ریاست، از ریاست درجه اول تا آخر، یک چیزی باشد، یک امر اعتباری است، یک دسته ای جمع می شوند یکی را می گویند تو کارها را انجام بده. در نظر داشته باشید که حضرت امیر سلام الله علیه در حالی که به حسب فهم جامعه، ریاست یک کشور بسیار بزرگی را داشت از حجاز تا مصر، عراق، ایران، همه را داشت، آنوقت چه جور بود وضعش، چه جور بود سلوکش با مردم و چه بود سفارش هایی که به عمالش یا به حکومت هائی که از طرف او بودند، چه سفارش های ارزشمندی فرموده است. البته ما نمی توانیم خود او باشیم، لکن می توانیم که شیعه او باشیم، پیر او باشیم، تا آن حدودی که بتوانیم باید پیروی از او بکنیم. او تمام مقصدش خدا بود، اصلش این دنیا و این ریاست دنیا و اینها در نظر او چیزی نبود مگر اینکه بتواند یک عدلی را در یک دنیا برقرار کند، والا پیش آنها مطرح نبود که یک ریاستی داشته باشند یا خلافتی داشته باشند، مگر اینکه بتوانند یک عدلی را اقامه کنند و یک حدی را جاری کنند. ما باید از آنها درس بگیریم و پند بگیریم و به شیوه آنها تا آن اندازه ای که می توانیم عمل

کنیم و از آن چیزهایی که دام شیطان است که بزرگترین دام همان خودخواهی انسان است ، از این دام رهائی پیدا بکنیم و به صراط مستقیم الهی راه برویم تا بتوانیم هم خودمان را اصلاح کنیم و هم جامعه مان را .

### **ما هر چه داریم از این ملت اسلامی است که با فریاد الله اکبر پیروز شد**

شما ببینید که چه حکومتی در دست شما آمده و از چه راهی آمده است و کی به شما این حکومت را محول کرده . اگر چنانچه پنج سال پیش از این ، ده سال پیش از این را شما در نظر بیاورید ، وضع آنوقت را در نظر بیاورید ، حکومت آنوقت را در نظر بیاورید ، ملت را نسبت به حکومت و حکومت را نسبت به ملت در نظر بیاورید و حبس ها و زجرها و تبعیدها و قتل ها را که در آن حکومت واقع می شد به نظر بیاورید و از خودتان سؤال کنید که چه شد که این شد؟ چه شد که یک روز آنطور جنایتکاری ها واقع می شد و اختناق ها و آن مسائل و مصائب برای کشور ما بود و حالا چه شده است که ما آزادانه اینجا باهم نشستیم و شما آزادانه مسائلتان را با مردم مطرح می کنید و مردم هم آزادانه یا انتقاد می کنند یا تعریف می کنند از شما ، این آزادی را کی به ما داد؟ و این استقلالی که الان ما داریم و کسی نمی تواند دخالت کند در کشور ما ، این را کی به ما داد؟ و این استقلالی که الان ما داریم و کسی نمی تواند دخالت کند در کشور ما ، این را کی به ما داد؟ جز این بود که این پابرهنه ها و این زاغه نشین ها و این دانشگاهی های محروم و این مردم کوچه و بازار با هم جمع شدند و برای خدا قیام کردند و نهضت کردند و ما را به این آزادی رساندند و آن سدهای بزرگی که در تصور کسی نمی آمد که شکسته بشود ، شکستند و ما را به آنجا رساندند که وزیر بشویم و رئیس جمهور بشویم و وکیل بشویم و همه اینها را داشته باشیم و همه از این ملت است . ما هر چه داریم از این ملت است ، البته ملت اسلامی که با فریاد الله اکبر این کار را انجام دادند .

### **ما باید ببینیم این ملتی که ما را به این مقام ها رسانده اند از ما چه می خواهند**

ما باید ببینیم که این ملتی که ماها را به این مقام رسانده اند ، از ما چه می خواهند و ماباید برای آنها چه بکنیم از ما می خواهند که تمام این ارگان هائی که هستند ، تمام این رؤسای که هستند از رئیس جمهور گرفته و نخست وزیر و وزرا را تا وکلای عرض می کنم که وزارتخانه ها و هرچه در آنها هست ، اینها می خواهند که اینها همه در راه اسلام که خواست ملت بود و همه کوشش شان برای اسلام بود و اسلام آنها را موفق کرد ، اینها هم در همان طریق اسلامی راه بروند . طریق اسلامی این است که مستضعفین را حمایت کنند ، بیشتر توجه شان به آنها باشد . در طول تاریخ ، حمایت حکومت ها از قلدرها بوده است . شما هر حکومتی را که در این 2500 سال دوران ظلمت در نظر بگیرید ، هر حکومتی ، هر چه عادل بوده ، هر چه جنت مکان بوده در نظر بگیرید ، آنوقت بروید سراغ وزرای او که از چه طایفه ای بوده اند ، آنهایی که بهره بر می داشتند از این ملت های ضعیف ، چه اشخاصی بودند ، پیدا نمی کنید یک حکومتی که برای مستضعفان باشد ، برای این کوچه و بازاری ها باشد ، برای همین پابرهنه ها باشد . هر

چه بودند، برای ملک دارها بودند و برای قدرت دارها و برای سرمایه دارها و برای رؤسا و خان ها و هر چه بود برای آنها بود. یک وقت در بعضی از حکومتها تیول می کردند، خراسان را می دادند دست یک عده تیول، او چقدر می داد برای این، فرض کنید که در پول آنوقت پنججاه هزار تومان، پول پنججاه هزار تومان آنوقت، پنججاه میلیون هم بیشتر بود و به او خراسان را می دادند، برو سراغ خراسان، یعنی دیگر هم ما هر چه صدا از خراسان بلند بشود و هر چه از ظلم تو گفته بشود ما اعتنا نمی کنیم، تو برو، آنجا مال تو. آنجا هم مردمش و عرض بکنم - ناحیه اش و در آمدش مال این بود، این باید این پنججاه هزار تومانی که اینجا به نخست وزیرش داده است یا به صدر اعظم داده است، باید این پنججاه هزار تومان را در آورد و چندین پنججاه هزار تومان هم برای خودش در آورد، برای اینکه یک تجارتی بود، فروخته بودند اینجا را، این پول او را باید بدهد، باید به نفع هم ببرد. این با مردم چه می کرد، با کدخداهای ده یا بست و بند می کرد و ده را می چاپید یا اگر کدخدایی بود که یک تخلفی می کرد، آنطور می کرد که شاه مخلوع به مردم. این وضع حکومت جبار است. حکومت اسلام که الان شما مدعی هستید که نخست وزیر اسلام هستید، دولت اسلامی هستید و آقایان، وزرای اسلام هستند و آقای رئیس جمهور، رئیس جمهور یک کشور اسلامی هستند و وکلا، وکلای کشور اسلامی هستند باید از آنچه که در سابق گذشته نسیان کنند او را، دفن کنند آنها را، از دیکتاتوری ها، از چپاولگری ها، از خودخواهی ها و خود پسندی ها، همه اینها را باید دفن کنند و وارد بشوند در یک مملکت تازه ای که از صدر اسلام که بگذریم دیگر یک همچو چیزی نبوده است. در صدر اسلام هم برای ایران نبود اینها حتی آنوقت هم که ایران را فتح کردند باز سپردند به دست همان هایی که اداره می کردند و جنایات هم همان جنایات بود، نتوانستند این کار را بکنند.

### هر که گفت باید به من اطاعت کنید، این شیطان است

شما امروز باید فکر این را بکنید که از یک چاه عمیقی این مردم شما را نجات دادند. شما حبس ها را دیدید و زجرها را چشیدید و الان هم آزادی را و شهد آزادی را دارید می چشید. برای شکر این نعمت، شماها خدمتگزار باشید. برای شکر این نعمت همه باهم در یک راه باشید. این را من کرارا گفتم اگر همه انبیا جمع بشوند در تهران و بخواهند کار بکنند، بخواهند دخالت در امور بکنند، هیچ با هم اختلاف پیدا نمی کنند، امکان ندارد، برای چه؟ برای اینکه آنها نفس خودشان را کشته بودند و مبدأ خلاف، نفس انسان است. مبدأ همه خلاف هایی که پیدا می شود، انسان خیال می کند که نه، من برای مصلحت این کار را می کنم، عمر خودش را انسان نمی فهمد، وضع خودش را انسان نمی فهمد. شما اگر بخواهید مقایسه کنید، شمایی که می گوئید که من برای مصلحت مسلمین فلان کار را می کنم، شما فکر این را در خلوت بکنید که اگر کسی دیگر به جای شما بود و بهتر هم مصالح مسلمین را انجام می داد، شما باز همانطور بودید؟ خواستید خودتان نباشید و او باشد؟ یا نه می خواهید که این مصلحت مسلمین به اصطلاحتان به دست شما انجام بگیرد؟ منم که این مصلحت را دارم ایجاد می کنم،

این همان شیطان است، همان شیطانی که اغوا می کند آدم را، اکثر اغوائتاش این است که انسان را بازی می دهد و سوسه می کند در انسان، و سوسه های دامنه دار از همه طرف، و سوسه می کند که تو حالا صاحب قدرت هستی، تو حالا صاحب کذا هستی، دیگران چکاره اند؟ شما حالا وزیر هستید دیگران باید اطاعت بکنند، چشم بسته باید اطاعت بکنند، شما وکیل هستید دیگران باید از شما اطاعت بکنند و چشم بسته هم باشند. این، همه برای این است که انسان خودش را نساخته، اگر انسان خودش را ساخته بود، هیچ بدش نمی آمد که یک رعیتی هم به او انتقاد کند، اصلا بدش نمی آمد، از انتقاد بدش نمی آمد این چرا انسان اگر انتقاد دو انسان را فرض کنید یکی خودتان یکی دیگری، هر دو دارای یک صفت متوازی هستید، اگر یک کسی از آن رفیقان تکذیب کند برای خاطر آن صفتش، شما خوشتان می آید برای اینکه آن را مقابل خودتان می دانید، از این جهت همان صفتی که در شما هست در دیگری اگر باشد و انتقاد بکنند، شما خوشتان می آید، او بدش می آید، او هم وقتی ببیند همان را در شما هست در دیگری اگر باشد و انتقاد بکنند، شما خوشتان می آید او بدش می آید، او هم وقتی ببیند همان را در شما عیبجوئی می کند خوشش می آید و اگر خودش، از خودش عیبجوئی کند، بدش می آید. اینها همه از حيله های شیطان است که شیطان، بزرگتر از همه شیطان حتی از این شیطان بزرگ معروف، این شیطان نفس اماره خود آدم است. ما که الان یک مملکت اسلامی به ما سپرده شده است یعنی این مردم با فریادهایشان سدها را شکستند و رای به همه شماها دادند و به وکلا و به عرض می کنم که به رئیس جمهور و بعد هم وکلای آنها به شما و اینها، این مردمی که با این زحمت رای به شما دادند و شما را برسر مسند نشانند، حالا شما بخواهید سر مسند با هم اختلاف کنید، ببینید پیش خدا چه هست. یک دسته زحمت کشیدند و جوان هایشان را دادند و الان هم شما کردستان را می دانید چه جور هست و این پاسدارها در کردستان و این ارتشی ها در آنجا هر روز دارند جان می دهند، هر روز دارند خون می دهند، مردم آنجا دارند بمباران می شوند، دشمن های ما مشغول فعالیت زیاد هستند، در این حالی که همه جوانب بر ضد ما هست، همه قدرت های بزرگ و کوچک بر ضد ما هست و این ملتی که با این زحمت به دست شما این مملکت را داده است شما حالا بنشینید سر اینکه من چطور، شما چطور و همه اش هم از شیطان است. هیچ شکی در این نکنید که هر که گفت من، این من، شیطان است. هر که گفت که باید به من اطاعت کنید، این شیطان است. ما بنشینیم سر این معنا که شما بگویید که من، آن هم بگوید من، آن هم بگوید من، این سرسفره شیطان بنشینیم و با هم تسابق بکنیم به اینکه آن طعمه شیطان را که خودخواهی است هی تقویت کنیم. شما ببینید که در بارگاه خدا این چه جور، چه صورتی دارد و در پیش ملت که بشنود یک همچو چیزهائی هست، ببیند یک همچو مسائلی طرح است، خوب، این ملت بر فرض اینکه حالا صحبت هم نکند اما این زن داغدار که بچه اش را برای این جمهوری داده و برای اسلام داده، حالا در ذهنش چه می آید، چه ناراحتی در این زن های داغدار و در این پدرهای جوان مرده، چه وضعیتی در قلب آنها پیدا می شود ولو حرفی نزنند، ولو هیچ صحبت نکنند، برای خدا آنها صحبت نکنند، برای آنها، آنها قیام بر ضد نکنند اما ببینید چطور داغدارها چه حالی پیدا می کنند که ببینند که جوان هایشان را برای جمهوری اسلامی دادند و حالا در جمهوری اسلامی داد و قال است



سر اینکه من جلو باشم یا شما جلو باشید . این روزنامه هائی که من امروز دیدم و بعضی شان را هم دیروز دیدم ، این روزنامه ها ببینید که در آن چه مسائلی هست که مردم وقتی این روزنامه ها را بخوانند چه خواهند گفت . یک قدری توجه داشته باشند همه کسانی که متصدی امرند .

### **اگر برای مصالح خودمان دعوا کنیم نه برای مصالح ملت ، ما هم طاغوتیم**

اینها خیال نکنند که ما حکومت هستیم و ماراُس هستیم و ما وزیر هستیم و ما نخست وزیر هستیم و ما رئیس جمهور هستیم و ما باید هر کاری دلمان بخواهد بکنیم . نه ، مملکت اسلامی است ، نه طاغوتی . مملکت اسلامی را به طاغوت نکشید . من خوف این را دارم که خدای نخواستہ اگر چنانچه این امور زیاد انباشته بشود ، یک وقت همان مسائلی پیش بیاید که مردم با طاغوت عمل کردند . طاغوت برای خاطر اینکه پسر کی بود و نوه کی بود که نبود ، برای اعمالش بود . اگر اعمال ما هم یک اعمال طاغوتی باشد ، برای خود باشد ، نه برای ملت ، دعوا بکنیم سر خودمان ، نه برای مصالح ملت ، این همان طاغوت است منتها به یک صورت دیگری درآمده اما طاغوت است ، طاغوت هم مراتب دارد ، یک طاغوت مثل رضاخان و محمدرضا خانمان و یک طاغوت هم مثل کارتر و امثال آنهاست ، یک طاغوت هم مثل ماهاست . همه از جند ابلیس می شویم شما فکر این ملت ، فکر این زاغه نشین ها ، فکر این مردمی که همه چیزشان را دادند و شما را به مسند نشاندند ، فکر آنها را بکنید . شب وقتی خلوت می کنید فکر بکنید که من امروز که کار کردم برای خودم کردم یا برای مردم ، امروز که صحبت می کنم برای خودم صحبت می کنم یا برای مصالح کشور .

### **جنگ و نزاع بین شما و غافل شدن از ملت خواست اجانب است**

اگر اینها را فکر بکنید ، توجه بکنید و خطراتی که در کشور ما الان در موجود است فعلا و در . . . موجودیت است ، خطراتی که از خارج و از داخل برای ما دارد پیش می آید ، اگر اینها را ما توجه به آن بکنیم و یک ملتی که یک مملکت را به شما سپرده است برای اینکه حفظش را بکنید و مصالحش را ایجاد بکنید و متحقق بکنید ، اگر بنا باشد که شما با هم شروع کنید به جنگ و نزاع و آن هم نه برای خاطر اینکه یکی مصلحت را این می داند یکی نمی داند ، اینها شعر است ، همه خودمان را خواهیم ، اگر من یک دفعه گفتم به اینکه بیائید فلان کار را بکنید برای مصلحت و انتقاد از شما کردم برای اینکه شما چنین می کنید ، این از نفس اماره است که بروز می کند و لهذا مقایسه اش همین است که اگر آن دیگری همین کار را بکند ، این آقای که مثلا حالا اعتراض کرده او ، دیگری همین کار او را بکند ، اگر او همین اعتراض را بکند ، اشکال می کنند به او . این حيله های نفسانی ، حيله های شیطانی بسیار دقیق است و بسیار مشکل است شناختش که ما بتوانیم بفهمیم ، لکن خوب ، حالا این چیزهای واضح ترش که انسان می تواند بفهمد . خوب ، شما انصاف می دهید که یک مملکتی که خودش را داده و شما را به مسند نشاندہ ، سر مسند جنگ بکنید ، دعوا بکنید ، هر روز صحبت بکنید ، هر روز انتقاد بکنید ،

روزنامه ها هر روز انتقاد بکنند ، هم را بکوبند ، به هم تهمت بزنند ، به هم افترا بزنند ، آخر این انصاف است پیش خدا چه می خواهد شد این ؟ پیش ملت چه انعکاسی دارد خارجی ها چه استفاده از آن می کنند؟ آنها همه دلشان می خواهد که شما سر و کله هم بزنند و از مصالح مملکت غافل باشید و آنها یک وقتی کار خودشان را ، ضربه خودشان را بزنند . آنها در طول تاریخ و خصوصا در این پنجاه سال کوشش کردند که جوان های ما و ملت ما را غافل کنند و احيانا به جان هم بریزند و خدا خواست که آن خدعه آنها تا این حد باشد و از بین بروند و رفتند . اگر حالا همان مسائل را ما تکرار کنیم ، یعنی مسائلی که امریکا برای ما پیش می آورد که ما را از مسائل اصلی غافل کند ، به مسائل دیگر متوجه کند ، به هروئین متوجه کند ، به فحشا متوجه کند ، برای اینکه از آن راهی که باید برود منحرف بشود ، برود دنبال عشرتخانه ها ، امریکا دریا ابر قدرت های دیگر ، آنهایی که می خواستند ما را غارت کنند ، در طول تاریخ و در طول این پنجاه و چند سال کوشش کردند که جوان های ما را بی تفاوت بار بیاورند . آن روز آنها می کردند ، حالا دست شما افتاد . اگر حالا هم شما کارهایی بکنید که توجه مردم را از مصالح و توجه خودتان را از مصالح به چیز دیگر متوجه بشود ، عوض اینکه فکر حل مشکل کردستان را بکنید بنشینید و با هم دعوا بکنید ، عوض اینکه برای این پابرهنه ها ، برای این ضعفا ، برای اینهایی که زحمت کشیدند و شما را به اینجا رساندند و حالا هم توقع از شما خیلی ندارند برای اینکه یک آب و نانی ، یک آبی ، یک نانی ، یک برقی ، آن چیزهای اولیه را به اینها برسانید ، از این غفلت کنید و بروید سراغ جنگ - نمی دانم اعصاب و بساط ، خوب ، این همان است که آنوقت امریکا می کرد ، حالا شما می کنید ، آنوقت آن طاغوت می کرد ، حالا شما می کنید . شما هم طاغوتید ، آنها هم طاغوتند ، فرقی نمی کند ، یکی شیطان است ، یکی شیطان کوچکتر . اگر بنا باشد که شما به جای اینکه اقتصاد مردم را درست کنید ، به جای اینکه این کشور را بررسی کنید ببینید کجاهاست که مخروبه است و مردم از همه چیز ساقط هستند ، به جای این اگر چنانچه بنشینید سر مسند و با حرف و با فحاشی به هم مسائل را غفلت از آن بکنید ، این همان است که قدرت های بزرگ می خواهند تا این مملکت خرابه بماند و صدای مردم در آید ، این همان است . شما هم عمال امریکائید منتها ملتفت نیستید . یک عاملی داریم که مستقیما از سفارت امریکا دستور می گیرد ، یک عاملی داریم که برای او کار کند و خودش نمی فهمد ، خود آدم نمی فهمد که برای کی دارد کار می کند . اگر شما به مردم کار نداشته باشید ، به مصالح مردم ، به مصالح کشور کار نداشته باشید ، فقط مشغول این باشید که من چطور ، شما چطور ، من چطورم ، شما چطورید ، مردم با من هستند ، مردم با شما هستند ، اگر فکر این باشید ، این همان است که امریکا می خواهد و شما از عمال امریکا هستید و در عذاب با آنهاست که از عمال امریکا بودند با توجه ، مشترک هستید با کم و زیادش .

### **خودتان را حاکم مردم ندانید ، خدمتگزار بدانید**

ملتفت باشید که شمایی که الان به حکومت رسیدید ، حکومت نیست ، خدمتگزار هستید . اسلام

حکومت به آن معنا ندارد، اسلام خدمتگزار دارد، منتها قوای انتظامی هم دارد برای سرکوبی آنهایی که می خواهند خیانت بکنند والا نه این است که اگر خیانتکار نباشد دیگر چیزی نمی خواهند، آنها نمی خواهند که حکومت کنند به مردم و خود فروشی کنند به مردم و مردم را از خودشان بترسانند. شما خیال می کنید آنطور که محمد رضا در خیابان ها می آمد، حضرت امیر هم با اینکه ده مقابل او سعه مملکتش بود، در خیابان ها آنطوری، در کوچه و بازار آنطور، خوب، در کوچه و بازار مثل یک آدمی می آمد که نمی شناختندش بعضی ها. مالک اشتر که یکی از سردارهای بزرگ اسلام بود، خیال می کنید که مثل یکی از درجه دارهای زمان طاغوت بود؟ نه، این توی مردم می آمد نمی شناختندش. آن روز یک کسی نشناخت و به او فحش داد و بعد هم ببینید کرامت او را، رفت مسجد به او دعا کرد. این اخلاق را، این تاریخ اسلام را باید مطالعه کرد و خصوصا حکومت هائی که در اسلام بوده است مطالعه کرد و از آن پند گرفت. شما خودتان را حاکم مردم ندانید، شما خودتان را خدمتگزار مردم بدانید. این پیش خدا ثوابش بیشتر از این است که خودتان را حکومت بدانید. حکومت هم همان خدمتگزار است، ارتش هم باید خدمتگزار مردم باشد. اگر همه شماها خدمتگزار، خودتان را حساب بکنید، نخواهید که هی به شما مدح بگویند و ثنا کنند و نمی دانم فریاد بکشند و با هم دعوا بکنید، اگر این چیزها را کنار بگذارید و خودتان باهم تفاهم کنید و دوستی داشته باشید، این برای ملت چه لذتی دارد. آن که دیده است بچه هایش از بین رفته، حالا این حکومتی پیش آمده است که همه شان باهم برادرند و همه کوشش می کنند که برای مردم یک کاری بکنند، تا توان دارند برای مردم می خواهند کار بکنند، اگر به جای این ببینند که حالا که اینها رسیدند به یک چیزی و آمدند سر یک سفره ای نشستند، اینها باهم سر اینکه بیشتر این طعام سفره را ببرد یا آن یکی بیشتر ببرد دارند جنگ می کنند، خوب، ببینید چه تلخ است در ذائقه این ملت و در ذائقه اسلام و پیش خدای تبارک و تعالی، به ما چه می گوید.

### **بدون اختلاف هم تان را صرف خدمت به ملت کنید تا پیش خدا آبرومند باشید**

این عنایت خدا بود که همه رابه این آزادی و به این عرض کنم - استقلال و به این مقام رسانده است. حالا ما عوض اینکه شکر نعمت خدا را بجا بیاوریم و برای خاطر خدا قیام کنیم و برای ملت کار بکنیم تمام هم مان را صرف کنیم که این بیچاره هائی که توی این زاغه ها باز هم نشسته اند اینها را از اینجا بیرون بیاوریم، جائی برایشان درست بکنیم، آب و برق این مملکت را درست بکنیم و الان شما می دانید که در بعضی از جاها هیچ ندارند، هیچ. بعضی از جاهائی که، دیروز یکی از آقایان که آمده بود از طرف بختیاری و آنجاها، می گفت مردم همه اخلاص دارند اما هیچ ندارند. بعضی جاها هیچ ندارند، برای این هیچ ندارها یک فکری بکنید، هی نشینید دعوا بکنید، هی هم دنبال این نروید که همانطوری که در طاغوت می کرد شهرها را خیلی مزین کنید و شهرها را خیلی بزرگ بکنید و همه هم دولت و همه بودجه مملکت خرج شهرها بشود و خرج شمال شهر بشود که باز همان طاغوتی ها از آن استفاده بکنند. برای این پایین شهری ها، برای این بیچاره ها اسلام است، حکومت اسلام است، برای

اینها فکر نکنید، هم تان را صرف این نکنید، نه صرف اینکه دعوا کنید. وقت، وقتی بنا شد که به دعوا بگذرد، دیگر نمی رسد انسان، مجال ندارد دیگر بنشینند یک کاری بکنند، یک طرحی بریزد برای این ملت، برای این بیچاره ها. من تقاضا می کنم از همه آقایانی که متصدی یک امری از امور هستند، چه آنهایی که در وزارتخانه ها و در طبقه پایین تر مشغول کارند و چه خود وزرا و چه نخست وزیر و چه رئیس جمهور و چه همه کسانی که در امور هستند، در شورای انقلاب بودند و حالا هستند، در عرض می کنم که جاهای دیگر بودند من از همه شان تقاضا دارم که از این چیزی که برخلاف رضای خداست و برخلاف رضای اولیای اسلام است و برخلاف رضای ملت است اجتناب کنید این دنیا چند روزش آمده پیش شما، این را خدمت کنید تا آبرومند باشید پیش خدا، این را با دعوا نگذرانید، با صلح بروید سراغ مردم. اگر بروید سراغ مردم، دیگر دعوا پیش نمی آید برای اینکه وقت دعوا نمی ماند. اما افسوس این است که شما مشغول دعوا هستید و از مردم غافل، نه اقتصاد را توانستید درست کنید و نه امنیت را توانستید درست کنید و نه هیچی، همه اش دعوا و همه اش با هم دعوا، همه توی تهران نشستند دعوا می کنند این صحیح نیست، این خلاف اسلام است، خلاف اخلاق اسلامی.

### **اگر کسی قلم که دستش گرفت انتقاد کند برای انتقامجوئی، این همان شیطان است**

به همه آقایان من می گویم با هم جنگ نکنید، روزنامه هارا پر نکنید دوباره از بدگویی از هم و از انتقاد از هم. انتقاد غیر انتقامجوئی است. انتقاد، انتقاد صحیح باید بشود. هر کس از هر کس می تواند انتقاد صحیح بکند اما اگر قلم که دستش گرفت انتقاد کند برای انتقام جوئی، این همان قلم شیطان است. اگر روی مصالح عامه یک کسی به کسی اشکال می کند و همچون است که اگر خودش را بردارد یک کسی دیگر را اینجا بنشانند و همین حرف ها را بزند خودش ناراحت نشود، این میزان دستش باشد که قلم دست شیطان است می نویسد یا دست رحمان است، زبان، زبان شیطان است یا زبان رحمان است.

### **سعی کنید کارهایتان ضربتی و برای مردم باشد**

این را باید انسان توجه بکند به اینکه این چند روز می گذرد، این ریاست ها می گذرد، شما هر چه هم بخواهید چیز بکنید از محمد رضا توانید بالاتر بروید، هر چه هم دست و پا بکنید، آنها را پیدا نمی کنید و انشاء الله نخواهید پیدا کرد و نخواهید که بخواهید. او رفت تمام شد، حالا پیش خداست. چه خواهد شد، خدا می داند. ما هم این روز را داریم، ما هم فردا یکی مثل من دیرتر و زودتر و آن هم که معلوم نیست که کی زودتر ولی خوب، ما آخر است و باید برویم، شما که الان جوان هستید، به فکر این باشید که اصلاح کنید خودتان را، به فکر این باشید که برای این مملکت کار بکنید، نشینید باز تو وزارتخانه ها و هی همان حرف های سابق باشد و همان کاغذبازی ها و یک بودجه ای که برای یک جائی می خواهند، اینقدر، این طرف و آن طرف برود که منسی بشود. اینها را به طور ضربتی کار بکنید.

برای مردم کار بکنید . این غائله کردستان را هم جمع بشوید با هم طرح بدهید کار بکنید تا این غائله رفع بشود نه اینکه وقتی در کردستان فرض کنید که یک جوان هایی می خواهند فداکاری کنند ، یک هلیکوپتر هم به آنها ندهند که این کار را بکنند . امروز نظارت می خواهد ، باید این کار بشود ، اینها باید نظارت بشود ، باید تویخ بشوند ، باید محاکمه بشوند آنهایی که نمی گذارند کارها انجام بگیرد . در هر صورت من از همه شما خواهان این برادری ای که سفارش خدای تبارک و تعالی است و خدا شما را ، مومنین را برادر قرار داده و با هم برادر باشید ، برابر باشید و با هم برای این مملکت کار بکنید و در رأس برنامه تان برای این بیچاره ها و این مستضعفینی که هستند برای اینها کار بکنید ، امنیت کشور را ایجاد بکنید .

خداوند انشأ الله همه شما را موفق کند و همه شما را سلامت و رفاه بدهد که برای ملت کار بکنید و پیش خدای تبارک و تعالی آبرومند بروید .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 79

## پیام امام خمینی به زائرین بیت الله الحرام

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام بر زائرین بیت الله الحرام، سلام بر زائرینی که در مرکز وحی الهی و محل هبوط ملائکه الله اجتماع نمودند، سلام بر مومنینی که از خانه خود به سوی خانه خدا هجرت نمودند.

سلام بر همه مسلمین جهان که پیامبر عظیم الشان و خاتم نبیین (صلی الله علیه و آله و سلم)، پیامبر آنان و قرآن کریم کتاب آنان و کعبه معظمه قبله آنان است. سلام بر آنان که از همه اقسام شرک رو بر گرداندند و به سوی مرکز توحید رو آوردند و از قید عبودیت و اطاعت همه بت های جهان مراکز استکبار و استعمار و قدرت شیطانی رها و به قدرت مطلقه الهی و حبل المتین توحید پیوستند و سلام بر آنان که رمز دعوت حق تعالی را در وفود(1) به سوی خانه خدا دریافتند و لبیک گفتند.

اکنون به شما مسلمانان وارسته که در محل وحی برای ادا این فریضه عبادی سیاسی اجتماع نمودید لازم است تذکراتی داده شود تا بدانید در کشورهای اسلامی چه می گذرد و برای استعمار و استثمار مسلمین و تحت سلطه قرار دادن آنان چه نقشه ها در کار و چه دست های خبیثی آتش افروزان آند:

1- در آستانه به هم نزدیک شدن جمیع مسلمانان جهان و تفاهم همه مذاهب اسلامی برای رها شدن کشورهایشان از چنگال پلید ابرقدرت ها و در آستانه قطع ایادی ستمگران غرب و شرق از ایران با رمز وحدت کلمه و اتکال به خدای بزرگ و اجتماع در زیر پرچم اسلام و توحید، شیطان بزرگ جوجه خود را فرا خوانده است تا با هر حيله متصور، بین مسلمین تفرقه افکند و امت توحیدی و برادران ایمانی را به اختلاف و دشمنی کشاند و راه سلطه گری و چپاول را برای خویش هرچه بیشتر باز کند. شیطان بزرگ که خوف آن دارد که انقلاب اسلامی ایران به سایر کشورهای اسلامی و غیر اسلامی صادر شود و دست پلید او را از کشورهای تحت سلطه قطع کند. در حالی که از حصر اقتصادی و حمله نظامی طرفی نسبت به حيله دیگری دست زده است تا انقلاب اسلامی ما را در پیشگاه مسلمانان جهان خدشه دار کند و مسلمانان را به جان هم اندازد و خود به ستمگری ها و چپاول هایش در کشورهای اسلامی ادامه دهد و آن اینکه درست در آستانه کوشش بی امان ایران برای وحدت کلمه و

ص: 80

تشبث به اسلام بزرگ و توحید بین جمیع مسلمین جهان، به یکی از مهره های خبیث امریکا و از دوستان شاه مخلوع معدوم، دستور دهند تا از فقها و مفتیان اهل سنت، فتوا بر کفر ایرانیان عزیز بگیرد و بعضی از این مهره ها گفته اند: (اسلامی که ایرانیان می گویند، غیر از اسلامی است که ما می گوئیم). آری اسلام ایران غیر از اسلام آنان است که از مهره های امریکا چون سادات و بگین پشتیبانی می کنند و در مقابل فرمان خدای متعال با دشمنان اسلام دست دوستی می دهند و برای تفرقه بین مسلمین، از هیچ افترا و کوششی دریغ نمی کنند. مسلمانان جهان باید این تفرقه افکن ها را بشناسند و توطئه پلید آنان را خنثی کنند.

2- در آستانه هجوم ابرقدرت ها به کشورهای اسلامی، همچون افغانستان و کشتار بیرحمانه و وحشیانه مسلمانان افغانی (که نمی خواهند اجنبی در مقدرات آنان دخالت کند و یا امریکا که در هر فساد دست دارد) و همزمان با هجوم همه جانبه اسرائیل جانی به مسلمین در فلسطین و لبنان عزیز، و همزمان با طرح جنایتکارانه اسرائیل برای انتقال پایتخت خود به بیت المقدس و گسترش جنایات و کشتار وحشیانه مسلمانان آواره از وطن خویش و در وقتی که مسلمانان بیشتر از هر زمان احتیاج به وحدت کلمه دارند، سادات، این نوکر خیانتکار امریکا و دوست و برادر بگین و شاه مخلوع معدوم، و صدام، آن خادم سرسپرده امریکا، دست به تفرقه افکنی مسلمانان زده اند، از هیچ جنایتی در این راه که ارباب جنایتکارشان امر نموده است، فروگذار نمی کنند. امریکا با حمله های پیاپی به ایران و فرستادن جاسوسان برای شکست دادن انقلاب اسلامی ما و توطئه با سادات برای ایجاد اختلاف و تبلیغات سوء و پخش اکاذیب و افترا به متصدیان حکومت اسلامی از طریق عراق، از آن قماش است. مسلمین باید به خیانت این سر سپردگان امریکا به اسلام و مسلمین توجه داشته باشند.

3- از مسائلی که طراحان برای ایجاد اختلاف بین مسلمین طرح و عمال استعمارگران در تبلیغ آن پیا خاسته اند، قومیت و ملیت است که دولت عراق سال هاست بدان دامن می زند و بعضی از طوایف هم همان راه را پیش گرفته اند و مسلمانان را در مقابل هم قرار داده اند و حتی به دشمنی کشیده اند، غافل از آنکه حب وطن، حب اهل وطن و حفظ و حدود کشور مسأله ای است که در آن حرفی نیست و ملی گرایی در مقابل ملت های مسلمان دیگر، مسأله دیگری است که اسلام و قرآن کریم و دستور نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بر خلاف آن است و آن ملی گرایی که به دشمنی بین مسلمین و شکاف در صفوف مومنین منجر می شود بر خلاف اسلام و مصلحت مسلمین و از حيله های اجانب است که از اسلام و گسترش آن رنج می برند.

4- از ملی گرایی خطرناکتر و غم انگیز تر، ایجاد خلاف بین اهل سنت و جماعت با شیعیان است و القاء تبلیغات فتنه انگیز و دشمنی ساز بین برادران اسلامی است و بحمد الله تعالی در انقلاب اسلامی ایران هیچ اختلافی بین این دو طایفه وجود ندارد و همه با دوستی و اخوت در کنار هم زندگی می کنند و اهل سنت که در ایران جمعیتش بیشمارند و در اطراف و اکناف کشور زیست می کنند و دارای علما و مشایخ بسیار هستند، با ما برادر و ما با آنها برادر و برابریم و آنان با نغمه های

نفاق افکنانه ای که بعضی جنایتکاران و وابستگان به صهیونیسم و آمریکا، ساز نموده اند مخالفند. برادران اهل سنت در کشورهای اسلامی بدانند که عمال وابسته به قدرت های شیطانی بزرگ، خیر خواه مسلمین و اسلام نیستند و لازم است مسلمانان از آن تبری کنند و به تبلیغات نفاق افکنانه آنان گوش فرادهند. من دست برادری به تمام مسلمانان متعهد جهان می دهم و از آنان می خواهم که به شیعیان با چشم برادری عزیز نگاه کنند و با این عملشان همانند همیشه نقشه های اجانب را خنثی کنند.

5- از تبلیغات دامنه دار که به ظاهر ضدایران و در حقیقت بر ضد اسلام است آن است که انقلاب ایران نمی تواند کشور ما را اداره کند و یا دولت ایران در حال سقوط است چون نه اقتصاد سالم و نه فرهنگ صحیح و نه ارتش منسجم و نه قوای مسلح آماده دارد و این تبلیغات از همه رسانه گروهی آمریکا و وابستگان به آن پخش می شود و مایه دلخوشی دشمنان ایران و اسلام است و در حقیقت این تبلیغات علیه اسلام است و می خواهند وانمود کنند که اسلام در این زمان قدرت اداره کشورها را ندارد. اکنون مسلمانان باید با دقت مسائل را بررسی کنند و انقلابات غیر اسلامی را به انقلاب اسلامی ایران مقایسه کنند. انقلاب اسلامی، در عین حال که وارث یک کشور صد در صد وابسته و مخروبه و عقب رانده شده در تمام جهات بود و رژیم دست نشانده پهلوی در مدت بیش از پنجاه سال این کشور را از هر جهت به سقوط کشانده بود و ذخائر سرشار آن را به جیب اجانب خصوصا انگلیس و آمریکا ریخته و باقیمانده آن را به نفع خود و وابستگان و سرسپردگان خود برداشت کرده و ما را با مشکلات بسیار روبرو کرده بود، ما به برکت اسلام و ملت مسلمان در ظرف کمتر از 2 سال تمام آنچه را که مدخلیت در اداره کشور داشت تصویب و اجرا کردیم و با همه مشکلاتی که آمریکا و اعمار او از جهت حصر اقتصادی و دخالت نظامی و تهیه وسیع کودتا فراهم آورده بود، ملت رزمنده ما ارزاق را نزدیک به خود کفائی رسانده اند و سایر ما یحتاج کشور نیز تهیه شده است و به زودی فرهنگ استعمار زمان رژیم سابق را به فرهنگ مستقل اسلامی تبدیل می کنیم و قوای مسلح ارتش و سپاه پاسداران و ژاندارمری و شهربانی آماده برای دفاع و نظم و همه در راه اسلام جان بر کف مهیای جهادند. علاوه بر این ارتش بیست میلیونی و بسیج عمومی که با سازماندهی خود ملت مجهز می شوند، آماده فداکاری در راه اسلام و کشور است و دشمنان ما باید بدانند که هیچ انقلابی در جهان همانند انقلاب اسلامی ما، باضایعه ای کم و ره آوردی عظیم، همراه نبوده است و این نیست جز به برکت اسلام. این بدخواهان چه می گویند؟ اسلامی که چندین قرن بر نیمی از معموره دنیا حکومت کرده بود و کمتر از نیم قرن بر حکومت های کفر ستم چیره شد، اکنون چطور از اداره کشورها عاجز است؟ امروز ملت ما در کمک به اداره کشور و سازماندهی آن مهیا و فعالند. دشمنان اسلام از قدرت اسلام در هدم اساس ظلم و بر پا داشتن اساس اداره کشور بر عدالت غافلند و یا تغافل می کنند. دشمنان اسلام و بلکه بسیاری از دوستان اسلام هم از قدرت اداره و احکام سیاسی و اجتماعی اسلام بی اطلاعند. در حقیقت اسلام در طول تاریخ پس از صدر اسلام مهجور و محجوب بوده است و اکنون



باید با کمک همه مسلمانان و دانشمندان و متفکران و اسلام شناسان معرفی شود تا چهره تابناک آن چون خورشید جهانتاب جلوه کند .

ای مسلمانان جهان که به حقیقت اسلام ایمان دارید! بپا خیزید و در زیر پرچم توحید و در سایه تعلیمات اسلام ، مجتمع شوید و دست خیانت ابرقدرتان را از ممالک خود و خزائن سرشار آن کوتاه کنید و مجد اسلام را اعاده کنید و دست از اختلافات و هواهای نفسانی بردارید که شما دارای همه چیز هستید . بر فرهنگ اسلام تکیه کنید و با غرب و غربزدگی مبارزه نمایید و روی پای خودتان بایستید و بر روشنفکران غربزده و شرقزده بتازید و هویت خویش را دریابید که روشنفکران اجیر شده بلائی بر سر ملت و مملکتشان آورده اند که تا متحد نشوید و دقیقا به اسلام راستین تکیه ننمائید ، بر شما آن خواهد گذشت که تاکنون گذشته است . امروز زمانی است که ملت ها چراغ راه روشنفکرانشان شوند و آن را از خود باختگی و زبونی در مقابل شرق و غرب نجات دهند که امروز روز حرکت ملت هاست و آنان هادی هدایت کنندگان تاکنونند . بدانید که قدرت معنوی شما بر همه قدرت چیره و قریب یک میلیارد جمعیت شما با خزائن بی پایان می تواند تمام قدرت ها را در هم شکنند . نصرت کنید خدا را تا نصرت دهد شما را اقیانوس بزرگ مسلمانان ! خروش بر آورید و دشمنان انسانیت را در هم شکنید که اگر به خدای بزرگ رو آورید و تعلیمات آسمانی را وجهه خود قرار دهید ، خدای تعالی و جنود عظیم او با شماست .

6- مهمترین و درد آورترین مسأله ای که ملت های اسلامی و غیر اسلامی کشورهای تحت سلطه با آن مواجه است موضوع امریکا است . دولت امریکا به عنوان قدرتمندترین کشورهای جهان برای بیشتر بلعیدن ذخایر مادی کشورهای تحت سلطه ، از هیچ کوششی فروگذار نمی کند .

امریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است . امریکا برای سیطره سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و نظامی خویش بر جهان زیر سلطه ، از هیچ جنایتی خودداری نمی نماید . او مردم مظلوم جهان را با تبلیغات وسیعش که به وسیله صهیونیسم بین الملل سازماندهی می گردد ، استثمار می نماید . او با ایادی مرموز و خیانتکارش ، چنان خون مردم بی پناه را می مکد که گویی در جهان هیچ کس جز او و اقمارش حق حیات ندارند . ایران که خواسته است از هر جهت با این شیطان بزرگ قطع رابطه کند ، امروز گرفتار این جنگ هائی تحمیلی است . امریکا عراق را وادار نموده است خون جوانان ما را بریزد . او سایر کشورهای تحت نفوذش را وادار نموده است تا ما را با حصر اقتصادی از پای در آورد ، مع الاسف اکثر کشورهای آسیائی هم با ما سر ستیز برداشته ملت های مسلمان باید بدانند که ایران کشوری است که رسما با امریکا می جنگد و شهدای ما ، این جوانان و دلاوران ارتش و سپاه از ایران و اسلام عزیز در مقابل امریکا دفاع می کنند . پس ذکر این مسأله ضروری است که درگیرهای غرب کشور عزیز ما درگیری هائی است از جانب امریکا که گروه های از خدا بی خبر وابسته ، هر روز ما را با آن مواجه کرده اند و این به محتوای انقلاب اسلامی ما مربوط می شود که بر پایه استقلال واقعی بنا گشته است . چه اگر ما با آمریکا و یا سایر ابرقدرت ها و قدرت ها کنار آمده بودیم ، گرفتار این

مصائب نبودیم، ولی مردم ما دیگر به هیچ وجه حاضر نیستند تن به خواری و ذلت دهند و مرگ سرخ را به زندگی ننگین ترجیح می دهند. ما برای کشته شدن حاضریم و با خدای خویش عهد نموده ایم که دنباله روی امام خود سیدالشهدا (علیه السلام) باشیم. ای مسلمانانی که در کنار خانه خدا به دعا نشسته اید! به استادگان در مقابل آمریکا و سایر ابر قدرت ها دعا کنید و بدانید که ما با عراق جنگی نداریم و مردم عراق پشتیبان انقلاب اسلامی ما هستند، ما با آمریکا در ستیزیم و امروز دست آمریکا از آستین دولت عراق بیرون آمده است و به امید خدا این ستیز تا استقلال واقعی ادامه دارد که بارها گفته ام ما مرد جنگیم و تسلیم برای مسلمان معنا ندارد. این کشورهای بی طرف! شما را به شهادت طلبیم که امریکا قصد نابودی ما را دارد، کمی به خود آید و ما در هدفمان کمک کنید، ما به شرق و غرب و به شوروی و امریکا پشت کرده ایم تا خود، کشور خود را اداره کنیم، آیا حق است تا اینچنین مورد هجوم شرق و غرب واقع شویم؟ با اوضاع فعلی جهان این یک استثنای تاریخی است که با مرگ و شهادت و شکست ما، مطمئنا هدف ما شکست نمی خورد. بارها گفته ام که گروگانگیری توسط دانشجویان مسلمان و مبارز و متعهد ما عکس العمل طبیعی صدماتی است که ملت ما از آمریکا خورده است و اینان فعلا با باز پس دادن اموال شاه معدوم و لغو تمام ادعاهای آمریکا علیه ایران و ضمانت به عدم دخالت سیاسی و نظامی آمریکا در ایران و آزاد گذاشتن تمامی سرمایه های ما آزاد می گردند که البته این امر را محول به مجلس اسلامی نموده ام تا آنان به هر نحو که صلاح می دانند عمل نمایند. با اینان در ایران به بهترین وجه رفتار شده است ولی تبلیغات آمریکا و اقرارش از هیچ دروغ و افترا و تهمتی در این مورد فروگذار نکردند، در حالی که آمریکا و انگلیس به فرزندان عزیز ما بدترین اهانت ها و شکنجه های روحی و جسمی را نمودند و هیچ مقام رسمی ای در مجامع بین المللی از این دوستان عزیز ما دفاع نمود و هیچ کس آمریکا و انگلیس را در مقابل این رفتار وحشیانه، محکوم نکرد. از خداوند متعال آزادی و استقلال و جمهوری اسلامی را برای تمام ملت های در بند آرزومندم.

والسلام علی عباد الله الصالحین

روح الله الموسوی الخمینی

## پاسخ امام خمینی به تلگرام آیت الله العظمی گلپایگانی

حضرت آیت الله آقای گلپایگانی دامت برکاته - قم

بسم الله الرحمن الرحيم

تلگرام شریف مبنی بر نگرانی اوضاع و اصل گردید . انشاء الله تعالى ارشادات حضرتتعالی و سایر مراجع و علماً اعلام موجب آرامش و عمل به موازین اخوت اسلامی گردد . معلوم است اختلافات ریشه داری در کار نیست و همه بحمدالله تعالى وفادار به جمهوری اسلامی و پیرو احکام آن هستند و گله های لفظی انشاء الله تعالى حل و موجب تفاهم خواهد شد . آقایان متذکر هستند که با مشکلات فراوان کشور و خطرهای متوقع برای اسلام و مسلمین ، این برخوردها که به نفع دشمنان است ، با موازین عقلی و شرعی وفق نمی دهد . از خداوند تعالی اصلاح امور و عظمت اسلام و مسلمین را خواستارم . سلامت و سعادت جنابعالی را از خداوند تعالی خواهانم

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

## پاسخ امام خمینی به تلگرام آیت الله العظمی مرعشی نجفی

حضرت آیت الله آقای نجفی مرعشی دامت برکاته - قم

به دنبال مذاکرات و مصاحبات چند روزه که اظهار تأسف و ناراحتی کرده بودید و وسیله مخابره تلگرام اعلام آن را نموده بودید ، باید عرض کنم گرچه قشرهای مختلف نیز ناراحت شده اند لیکن آقایان متوجه هستند که در این وضع فعلی باید به این اختلافات جزئی پایان دهند و ملت را از نگرانی در آورند . امید است به دعای جنابعالی و سایر آقایان ، مسائل به خوبی حل شود .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمینی

## پاسخ امام خمینی به تلگرام آیت الله العظمی شیرازی

حضرت آیت الله آقای شیرازی دامت برکاته - مشهد مقدس

بسم الله الرحمن الرحيم

تلگرام شریف پیرو بعضی مصاحبات و برخوردهای لفظی بین متصدیان امور واصل ، امید است با خواست خداوند تعالی و ارشاد علماً اعلام مسائلی که پایه های اساسی ندارد ، حل شود و واضح است که این نحو برخوردها گر چه کوچک و بی ریشه است ، مخالف مصالح اسلام و کشور اسلامی است . از جنابعالی امید دعای خیر دارم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 87

تاریخ : 25/6/59

## پاسخ امام خمینی به نامه حجت الاسلام مولائی سرپرست آستانه مقدسه حضرت معصومه (علیه السلام)

بسمه تعالی

آستانه مقدسه قم و موقوفات مربوط به آن از اوقاف جداست و مستقلا تحت نظر فقیه باید اداره شود .

روح الله الموسوی الخمینی

عکس

۸۹/۶/۵۶ بسم اربع اربعه خیابان ریحانه تخت وزیر ایران

چون وضع بنام مستضعفین موجب لایق اینجاست و ما را آن بیده است لازم است  
خیابان اموری را در دست گرفته دست نظر نامه رسیدن نمود کاروان از بفتح مستضعفین  
اداره نمایند چنانچه لازم را می توانید از اینجاست که اینجاست همین مردم بدست آورند  
است در قالی موفق در خدمت با سلام و صلوات بر پیغمبر و آل او  
در ۱۳۳۱

## فرمان امام خمینی به جناب آقای محمد علی رجائی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای رجائی نخست وزیر ایده الله تعالی

چون وضع بنیاد مستضعفین موجب نگرانی اینجانب است و مسائل آن پیچیده است ، لازم است جنابعالی امور بنیاد را در دست گرفته و تحت نظر اشخاصی متدین متعهد کاردان ، آن را به نفع مستضعفین اداره نمائید . اطلاعات لازم را می توانید از هیاتی که اینجانب معین نمودم به دست آورید . انشاء الله تعالی موفق در خدمت به اسلام و مسلمین و خصوص مستضعفین باشید .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 89



## بیانات امام خمینی به مناسبت آغاز تحصیلی جدید

### اگر چنانچه عراق تجاوز را تکرار کند ما دستور می دهیم ملت ما بسیج بشوند

بسم الله الرحمن الرحيم

در این موقع که مدارس ایران باید باز بشود و امیدوارم که جوانان ما و اطفال ما با تعهد به اسلام و جمهوری اسلامی، به مدارس بروند و کار خودشان را شروع کنند، باید به این جمعیت هایی که می خواهند نگذارند مدرسه های ما باز بشود، توجه داد که شما در یک همچو موقعی که ایران در این وضع واقع است و عراق رسماً اعلام جنگ کرده است به ایران، اگر راست می گوئید که شما با ملت هستید و نسبت به خلق وفادار هستید، باید شما خودتان در این امر با دولت ایران همراهی کنید. و اگر ما دیدیم که شما در مدارس ایجاد یک اغتشاش کردید، ماهیت شما با اینکه مقداریش معلوم است، بیشتر معلوم می شود پیش ملت ایران. در یک همچو وقتی که ایران در حال جنگ است با آمریکا و این آلت دست آمریکا تجاوز کرده است به ایران، شما اگر چنانچه برای باز شدن مدارس اغتشاش بپا کنید یا شایعه سازی کنید، معلوم می شود که شما عمال آمریکا و همدست صدام حسین خبیث هستید. بنابراین ملت ما باید با آگاهی و با خونسردی به این مسائل توجه کند.

بعض نکات باید گفته بشود. یکی اینکه گمان نکنند ملت ما که دولت ایران و ارتش ایران عاجز از این است که جواب به اینها بدهد. هر وقتی که مقتضی بشود من پیامی به ملت خواهیم داد و به صدام حسین و امثال او خواهیم ثابت کرد که اینها، این اذنان آمریکا قابل ذکر نیستند و ما همیشه بنا داریم که در این برخوردها طوری برخورد بشود که، جواب برخورد آنها داده بشود که به ملت عراق خدای نخواستہ صدمه ای وارد نشود، لکن ما عازم بر این هستیم، مصمم بر این هستیم که اگر چنانچه عراق حد خودش را نداند و تجاوز را تکرار بکند ما دستور بدهیم و ملت ما بسیج بشوند و آن وقت برای ملت عراق معلوم باشد که ما با آنها هیچ کار نداریم بلکه این صدام حسین است که به واسطه تحریک آمریکا به ما تجاوز کرده است و ما اگر جوابی به او بدهیم، هرگز به ملت عراق که برادر ما هستند مربوط نیست. امروز من صدای منحوس این آدم را شنیدم، یعنی بیانیه اش را شنیدم، ایشان معلوم می شود که تازه مسلمان شده است برای اینکه به حضرت امیر، علی بن ابیطالب و امام حسین سلام الله علیه و اینها تشبث کرده و مردم را می خواهد گول بزند. ایشان نمی داند که مردم عراق ایشان را می شناسند و از اولی که این حکومت اشتراکی روی کار آمد و مرحوم آقای حکیم تحریم کرد و آنها را تکفیر کرد، مردم

عراق اینها را شناخته اند و بعد هم از اعمالی که انجام داده اند اینها شناسایی شده اند. اینها علمای بزرگ عراق را اعدام کردند، اینکه الان به شعب عراق متوسل می شود اینها شعب عراق را سرکوب کرده اند. این صدام حسین من از اول وقتی که روی کار آمد تنبه دادم که این دیوانه است، این عقلش درست کار کند و لهدا با دیوانگی دارد عمل می کند و خودش را به هلاکت رساند.

### **سفارش به ملت ایران در حفظ خونسردی و جلوگیری از شایعه سازان**

من از ملت ایران یک صحبت دارم برای ملت ایران و برای ملت عراق و ارتش عراق هم یک صحبت. برای ملت ایران این صحبت را دارم که گمان نکنند ملت ایران که ارتش ایران نمی تواند جلوی اینها را بگیرد. خیر، ارتش ایران و قوای مسلح ما، پاسدارهای عزیز ما قادر بر این معنا هستند، لکن تا مسأله جدی نشود آنها جدا عمل نمی کنند. آن روزی که مسأله جدی شد تمام اینها به طور جدامر می کنم که عمل بکنند و عراق را سر جای خودشان بنشانند. ملت ایران نباید خیال بکنند که جنگی شروع شده است و حالا فرض کنید که دست و پای خودمان را گم کنیم. نه این حرف ها نیست یک چیزی آوردند و یک بمبی اینجا انداختند و فرار کردند، رفتند، الان هم دولت ایران جواب آنها را مشغولند که جواب آنها را بدهند و می دهند جواب آنها را. قوای بحریه شان بکلی از بین رفته است و قوای بریه شان هم از بین خواهد رفت. شما خیال نکنید که یک چیزی است. ما این جنگ های متعددی که واقع شده است یک مقدارش هم نصیب ایران شده است که من هر دو جنگ را یادم هست. هیچ، ابدا مسأله ای نیست و شایعات یا چیزهایی را که اگر دشمن های ما، این احزاب مختلفه ای که الان در ایران هستند، این گروه ها و گروهک هایی که در ایران هستند، حالا اگر فرصت می خواهند به دست بیاورند و شایعه سازی کنند و هی تلفن کنند به این طرف و آن طرف که چه شده است، چه شده کودتا شده - نمی دانم این حرف ها در کار نیست. این یک دزدی آمده است یک سنگی انداخته و فرار کرده، رفته است سر جایش، دیگر قدرت اینکه تکرار بکنند انشاء الله ندارد. من به ملت ایران سفارش می کنم که چند جهت را ملاحظه کنند. یک جهت اینکه خونسردی خودشان را حفظ کنند و ابدا توجه به این معنا که یک قضیه ای واقع شده است (و واقعا واقع نشده قضیه ای) توجه نکنند به این معنا، یک وقت اغتشاشی از این راه بار نیاید. یک جهت هم اینکه ممکن است که این اشخاصی که با اسلام مخالفند و با جمهوری اسلامی از اول مخالف بودند حالا شایع کنند که خود لشکر ایران و ارتش ایران و ژاندارمری ایران دارند خرابکاری می کنند تا شما را وادار کنند که با آنها مقابله کنید. خیر، اینطور نیست. ارتش ایران، ژاندارمری ایران وفا دارند به ما و مشغولند آنها به کوبیدن عراق. شما گمان نکنید که یک وقت بیایند به شما بگویند که تحریک کنند شماها را به اینکه بروید سراغ مثلا پادگان ها. یک همچو کاری جایز نیست و از معاصی بزرگ اسلام است و مخالف رضای خداست و ابدا به اینها اعتنا نکنید و اگر از این افراد کسی پیدا شد که یک همچو تحریکی کرد، بگیرید او را تحویل بدهید به کمیته هایی که هستند، به آنها تحویلشان بدهید تا آنها را به جزای خودشان برسانند. این حرفی است که

ما با ملت ایران داریم که اینها با آرامش، بدون اینکه اصلاً خوفی از چیزی داشته باشند، خوفی در کار نیست اصلاً، چیزی نیست اینکه خوف داشته باشد. یک حرف با ملت ایران است که هم خونسردی خودشان را حفظ کنند و هم این شایعه سازها را جلوییشان را بگیرند و هیچ اعتنا به شایعه ها نکنند. من خودم تماس دارم و همه مطالب پیش من می آید و من امروز هم آقای رئیس جمهور و آقای نخست وزیر آمدند اینجا و گزارش دادند اینجا و من هر روزی که محتاج به این بشود که بسیجی بکنم خواهم کرد و انشأ الله نیاید آن روز که یک همچو امری واقع بشود.

### **ارتش عراق بداند که این جنگ هواداری از کفر و برخلاف رضای خداست**

و یک حرفی که با ارتش عراق دارم این است که ارتش عراق با کی جنگ می خواهد بکند؟ طرفدار کی هست و مخالف کی؟ طرفدار صدام است که اشتراکی است و کافر است؟! بر ضد کی؟ بر ضد اسلام؟! ارتش عراق باید بداند که این آدم که حالا آمده است اسم علی بن ابیطالب سلام الله علیه را می آورد و اسم حسین بن علی سلام الله علیه را می آورد این دشمن اینهاست، این شخص با اینها دشمن است با اسلام اصلاً دشمن است این، ارتش عراق باید بداند که این جنگ با اسلام است به هواداری کفر. و یک همچو جنگی بر خلاف رضای خداست و خدای تبارک و تعالی نخواهد بخشید بر آن کسانی که بر ضد اسلام قیام کنند بر ضد اسلام به واسطه همراهی با کفر، که هم خود صدام حسین به حسب حکم شرعی کافر است و هم این طرفدار کفار است، طرفدار کارتر است و به واسطه طرفداری از کارتر و گرفتن قوا از او، دارد به ایران حمله می کند و کارتر این نوکرهای خودش را مثل صدام حسین و مثل سادات و امثال اینها را وادار کرده است که به ایران حمله بکنند یا به ایران صدمه بزنند و ملت عراق و ملت مصر باید بدانند این معنا را که اگر خدای نخواسته با ایران طرف بشوند و ارتش عراق با ایران طرف بشود، صرف شدن با اسلام است و ضرر زدن به اسلام و ضرر زدن به پیغمبر اسلام است به طرفداری از کفر، به طرفداری از صدام، به طرفداری از کارتر.

### **ملت عراق با تمام قوا کوشش کند که صدام فاسد را از بین ببرد**

و ملت عراق باید بدانند که این جرثومه فساد همانطوری که دارد با شما عمل می کند که محمد رضا با ایران عمل می کرد و ما محمدرضا را بیرون کردیم و شما هم باید این شخص را بیرون بکنید از عراق. تا قیام نکنید و تا مقابله نکنید با این جرثومه فساد، این می خواهد اسلام را از بین ببرد و می خواهد عربیت را به خیال خودش آن هم نه اینکه واقعا عقیده دارد به او - می خواهد او را جانشین کند و همچو خیالی هم ندارد. می خواهد امریکا را دستش را باز کند در این ممالک اسلامی و ما جرمان این است که با آمریکا مخالف هستیم. این جرمی که پیش صدام حسین بخشودنی نیست، این است که ما برخلاف آمریکا هستیم و لهذا ما را هر چه می خواهد می گوید، ما را مجوس می گوید هستند ما که داریم در مملکتمان قرآن را ترویج می کنیم، در مملکتمان احکام اسلام را داریم ترویج

می‌کنیم و پیاده می‌کنیم به جای آن احکامی که در سابق بوده است، این آقا ما را مجوس می‌داند و خودشان که بر ضد اسلام و بر ضد مسلمین هستند خودشان را طرفدار علی بن ابیطالب سلام الله علیه و اصحاب رسول الله می‌دانند. باید ملت عراق بدانند که این آدم، آدم خطرناکی است برای ملت عراق و خطرش بر ملت عراق زیاد است والا به ملت ما او که نمی‌تواند صدمه ای بزند، او او به ملت عراق خطرناک است. و ملت عراق باید با تمام قوا کوشش کنند که این شخص فاسد را از بین ببرند و این جمعیتی که برخلاف اسلام و بر خلاف مصالح اسلام و قرآن دارند عمل می‌کنند، آنها را از بین ببرند. و سربازهای ارتش عراق و صاحب منصب های ارتش عراق باید بدانند که جنگ با ایران جنگ با اسلام است، جنگ با قرآن است، جنگ با رسول الله است و این از اعظم محرماتی است که خدای تبارک و تعالی نمی‌گذرد از او. شما هم همان کار را بکنید که ارتش ایران نسبت به شاه سابق کردند. همانطوری که آنها رها کردند او را و متصل شدند به ملت و سربازها فرار کردند از پادگان ها و متصل شدند به ملت شما هم فرار کنید و قوای خودتان را صرف این کنید که این جرثومه فساد را از بین ببرید. خدا به شما تأیید می‌کند اگر چنانچه قیام کنید و این شخص را از بین ببرید و یکی را خودتان به جای او بگذارید. ما هم کمک شما هستیم در اینکه خود شما، از ملت شما یک نفر اداره کند حکومت عراق را. و این آدمی که برخلاف اسلام و برخلاف مصالح اسلام مشغول مفسده شده است این فاسد را از بین ببرید، با ملت همراه بشوید. ملت عراق هرگز با صدام حسین مؤفق نیست، یک روز هم موافقت ندارد، ملت عراق با اسلام مؤفق است، کسی که کتاب او قرآن است، کسی که کعبه قبله اوست نمی‌شود با یک آدم کافری که در پناه کفار دارد زندگی می‌کند و در پناه کارتر و امثال کارتر دارد به حیات خودش ادامه می‌دهد، نمی‌شود با این همراهی بکنید. من به آنها سفارش می‌کنم، به ارتش عراق که اگر می‌توانند قیام کنند بر ضد این آدم و این آدم را از بین ببرند و خودشان جانشین او بشوند ما هم تأییدتان می‌کنیم و اگر چنانچه این برایشان میسر نیست فرار کنند و جنگ با اسلام نکنند و با ملت عراق هم عرض می‌کنم که با همه قوا قیام کنید بر ضد این آدمی که الان قیام بر ضد اسلام کرده است. قیام این نسبت به ایران، قیام کافر بر مسلم است و قیام لشکر کفر بر لشکر اسلام است. باید با همه قوا با این شخص مقابله کنید و مقاتله کنید و من، اگر چنانچه خدای نخواستہ دامنه پیدا کرد این کارهای صدام حسین و ارباب های صدام حسین، تکلیف ملت ایران را تعیین خواهم کرد و امیدوارم به آنجا نرسد و اگر برسد دیگر بغدادی باقی نخواهد ماند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## پیام امام خمینی به ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

مطالب زیر ابلاغ می گردد:

- 1- باید اطاعت از شورای فرماندهی بدون کوچکترین تخلف انجام گیرد و متخلفین با سرعت و قاطعیت باید تعیین و مجازات شوند .
- 2- باید اشخاص و مقامات غیر مسؤول از دخالت در امر فرماندهی خودداری کنند و فرمانده کل قوا به نمایندگی اینجانب و شورای فرماندهی ، مسؤول امور جنگی هستند .
- 3- در شرایط فعلی اقدام دادگاه های ارتش در اموری که شورای فرماندهی صلاح نمی داند ، بدون اطلاع اینجانب ممنوع اعلام می گردد .
- 4- رادیو و تلویزیون موظفند اخباری را نقل کنند که صد در صد صحت آن ثابت می باشد و برای عدم اضطراب و تشویش اذهان ، اخبار را از غیر موثق نقل نمایند .
- 5- نیروهای انتظامی موظف هستند کسانی را که دست به شایعه سازی می زنند از هر قشر و گروهی که باشند ، فوراً دستگیر و به دادگاه های انقلاب تسلیم و دادگاه های مذکور آنان را در حد ضد انقلابیون مجازات نمایند . مردم مبارز ایران موظف هستند شایعه سازان را به دادگاه های انقلاب معرفی و با نیروهای انتظامی همکاری نمایند .
- 6- روزنامه ها در وضع فعلی موظفند از نشر مقالات و اخباری که قوای مسلح را تضعیف می نماید جدا خودداری نمایند که امروز تضعیف این قوا عقلاً و شرعاً حرام و کمک به ضد انقلاب است . من کرارا از نیروهای مسلح عزیز پشتیبانی نموده ام و امروز که آنان در جبهه جنگ با صدام کافر هستند ، تشکر می کنم و از زحمات آنان قدردانی نمایم و از خداوند متعال توفیق و پیروزی برای آنان طلب نمایم .
- 7- اکیدا همه قشرهای ملت و ارگان های دولتی موظف شرعی هستند که دست از مخالفت های جزئی که دارند ، بردارند و با مخالفت خود کمک به دشمنان اسلام نمایند .

والسلام

روح الله الموسوی الخمينی

## پیام امام خمینی به ارتش و افسار مختلف مردم عراق

بسم الله الرحمن الرحيم

ملت شریف و مبارز و مسلمان عراق! ارتشیان رزمنده! افسران، درجه داران و سربازان مسلمان عراق! کارگران و کارمندان مسلمان عراق شما همه از نزدیک جنایت ها و خیانت های حزب کافر بعث رادیده و می بینید، شما تلخی حکومت کافر بعثی را چشیده اید، شما می دانید که صدام حسین و رفقای کافر او تابع میشل عفلق ملحد و نوکر چشم بسته صهیونیسم و امپریالیسم به امر اربابان جهانخوار خود به ایران و ملت ایران که با الله اکبر و پشتوانه اسلام عزیز کفار را از میهن خود راندند، حمله نموده و بیرحمانه برادران ایمانی شما را به قتل می رسانند. شما می دانید که این جنگ بین ایران و بعثی های عراق، جنگ بین اسلام و کفر و قرآن کریم و الحاد است، از این جهت بر همه شما و ما و مسلمانان جهان است از اسلام عزیز و قرآن کریم دفاع کنیم و این خیانتکاران را به جهنم بفرستیم. اکنون تکلیف شرعی، الهی انسانی شماست که در هر محلی هستید به ضدیت و کارشکنی بر آید. ارتش عراق به ارتش ایران ملحق شود و امروز نزدیک به صد نفر از درجه داران و افسران و رزمندگان عراق به ایران آمده و در آغوش اسلام قرار گرفته اند و باید ارتش عراق بدانند که ایران با آغوش باز برادران ایمانی ارتش عراق خود را پذیرائی و پشتیبانی می کند. باید به حسب تکلیف شرعی کارگران از هر طبقه که هستند و کارمندان در هر اداره که می باشند با اعتصاب ها و مخالفت ها خدمت خود را به اسلام عزیز و قرآن کریم نشان دهند. ملت عراق از دادن مالیات و پول آب و برق به دولت خودداری کند، که کمک به دولت غیر قانونی کافر است، کمک به مخالفین اسلام است که در حال جنگ با اسلام می باشند و با راهپیمائی های میلیونی عمل جنایتکاران عراقی را محکوم نمایند. شما برادران عراقی باید بدانید که برادران ایرانی شما اکنون در حال آماده باش هستند و هر وقت که لازم باشد با بسیج عمومی مخالفین با اسلام را سرکوب می کنند. شما برادران ارتشی و غیر ارتشی و همه قوای مسلح از عمل ملت ایران که با دست خالی قدرت شیطانی ابرقدرت ها را در هم شکست، عبرت بگیرید و از شیطان های بزرگ کوچک نهراسید و برای دفاع از اسلام و کشورهای اسلامی بپا خیزید، خداوند با شماست. (ان تنصروا الله ینصرکم و یثبت اقدامکم).

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

**پیام امام خمینی در رابطه با مانور هوایی جمهوری اسلامی**

بسم الله الرحمن الرحيم

در دو سه ساعت قبل یک صدائی در بالای آسمان پیدا شد و از جاهای مختلف از قراری که گفتند اظهار نگرانی کردند . در صورتی که مسأله نبود که نگرانی داشته باشد ما قوی هستیم و قدرتمند هستیم و ما بر آنها غلبه خواهیم کرد . ملت ایران باید از اینطور مسائل هیچ نترسد ، در صورتی که مسأله ای نبوده است و فقط آنطوری که به ما اطلاع دادند یک مانور هوایی بوده است برای امتحان و هیچ خوفی نیست در کار و همه ما سالم و سلامت هستیم و در اینجا هم هیچ قضیه ای واقع نشده و من از ملت بزرگ ایران خواهانم که در هر مسأله ای که پیش می آید قوای باشند ، قدرتمند باشند ، متکی به خدای تبارک و تعالی باشند و از هیچ چیز باکی نداشته باشند . ما از آن قدرت های بزرگ نترسیدیم ، این که قدرتی ندارد ، عراق که چیزی نیست . در صورتی که در خود عراق و در بغداد از قراری که اطلاع دادند الان در بغداد مشغول به تفنگ اندازی و انفجارات است و اینها در حال انفجار هستند ، در حال احتضار هستند و انشاء الله با دست قوی ملت و با تأیید خدای تبارک و تعالی این ریشه های فساد قطع خواهد شد و اسلام گسترش پیدا خواهد کرد در همه جا و ما متکی به خدا هستیم و با اتکا به خدا از هیچ چیز ترسی نداریم و شما ملت عزیز مجتمع باشید ، مصمم باشید و از هیچ چیز هراس نداشته باشید که هراسی هم نیست .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## پاسخ امام خمینی به تلگرام روحانیون تبریز

بسم الله الرحمن الرحيم

به وسیله حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا حسن آقای انگجی دامت برکاته خدمت حضرات حجج اسلام و علمای اعلام تبریز دامت برکاته تلگرام شریف مبنی بر پشتیبانی از دولت و ارتش و سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران موجب کمال تشکر گردید .

آذربایجان همیشه سنگر پایدار و محکم اسلام و کشور بوده و انشاء الله خواهد بود . علماً عظیم الشان تبریز و سایر نقاط آذربایجان چون مردم دلیر و غیور در صف مقدم دفاع از کیان اسلام بزرگ و کشور اسلامی بوده اند و در مقابل رژیم منحط سابق به مجاهدت برخاسته و زحماتی جانفرسا متحمل گردیده اند . جنابعالی و سایر حجج اسلام اخلاف صالحه اسلام عظیم می باشید و واضح است که در این جنگ بین ایران عزیز و اسلام مقدس با آمریکای ستمگر و نوکران سرسپرده آن ، اهالی معظم آذربایجان و در رأس آن ، حضرات حجج اسلام و علما ، در طلیعه هستند و در موقع لزوم در صف مقدم رزمندگان اسلامی ، برای سرکوبی دولت کافر بعث خواهند جنگید چنانچه قشربهای عظیم ملت اسلامی چون صفوف ملائکه الله هم‌رزم و هم‌صدا خواهند بود .

در خاتمه در صورتی که علماً آن منطقه با اینجانب کاری دارند می توانند به وسیله جنابعالی و یا سایر برادران با اینجانب تماس برقرار نمایند . امیدوارم در خدمت به آقایان کوتاهی نشود .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی



## پیام امام خمینی خطاب به علمای اعلام و حجج اسلام و مشایخ اهل سنت و نمایندگان مجلس شورای اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت حضرات آقایان علمای اعلام و حجج اسلام و مشایخ بزرگ اهل سنت و نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی

تلگرافات حضرات آقایان محترم و اصل گردید. اظهار آمادگی و پشتیبانی هیای بی دریغی که از سوی تمام اقشار مختلف و بخصوص آقایان علمای اعلام دامت برکاتهم می شود، پشتوانه عظیمی برای سربازان و مجاهدان عزیز است که در سنگرهای جنگ، عرصه را بر دشمنان اسلام تنگ کرده اند و با رشادت های اعجاب انگیز خود، تاریخ سربازان از جان گذشته صدر اسلام را مجسم ساخته اند و پیروزی کامل را در تمام جبهه های جنگ، بر ضد دشمنان و ابر قدرت های شرق و غرب نوید می دهند. انسجامی که امروز بین ملت دلیر و ارتش و سپاه شجاع دیده می شود، در تاریخ ایران و جهان بی سابقه است. حضرات آقایان! در هر نقطه که هستید مردم را برای جنگ و درگیری با آمریکا و اذتاب خونخوارش چون عراق آماده کنید که جنگ، جنگ است و عزت و شرف میهن و دین ما در گرو همین مبارزات است و میهن از جان عزیزتر ما، امروز منتظر است تا یکایک فرزندان خود را برای نبرد با باطل مهیا سازد. ما برای میهن عزیزمان تا شهادت یکایک سلحشوران ایران زمین مبارزه می کنیم و پیروزی ما حتمی است.

امروز، روزی است که تمام مردم باید از شهرهای خود دفاع کنند و به شهرهای جنگزده کمک نمایند. امروز، روزی است که بر تمام ملت واجب است با سربازان و پاسداران اسلام و ایران همکاری لازم و نزدیک داشته باشند. امروز، روزی است که عشایر عزیز و غیور ما از مرزهای کشورشان باید دفاع نمایند. امروز، روزی است که ملت ما باید دست در دست سپاه و ارتش نجیب و دلیر گذاشته و به دشمنان بفهمانند که بر فرض محال اگر وارد شهری شدند، تازه با مردمی مسلح و جنگجو مواجه خواهند شد که از وجب به وجب شهرشان دفاع می نمایند. امروز، روزی است که روحانیون ما در شهرها باید روح شهامت و شجاعت و شهادت را در کالبد مردم ما بدمند که بحمدالله دمیده شده است. امروز، روز اتحاد و یگانگی است و این هم از الطاف بزرگ و تأییدات الهی است که درست برخلاف تصور و خواست فتنه انگیزان و جنگ افروزان، همه توطئه ها و جنگ ها، به اتحاد و یکپارچگی ملت بیدار و زنده ما در برابر ابر قدرت ها می انجامد و انشأ الله تعالی برای همیشه فکر تجاوز و سرکوبی

انقلاب عظیم اسلامی را از سر این کوته فکran و خیره سران بیرون خواهد برد . اینجانب ضمن تشکر و سپاسگزاری از همه آقایان محترم ، از اینکه به واسطه کثرت تلگرافات و کمی فرصت نمی توانم به یکایک تلگرافات جداگانه پاسخ بدهم معذرت خواسته و موفقیت همگان را از درگاه خداوند تعالی مسئلت دارم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 99

## بیانات امام خمینی خطاب به ملت و ارتش جمهوری اسلامی ایران و ارتش و ملت عراق

### وحدت کلمه و اتکال به ذات مقدس حق تعالی رمز پیروزی ارتش اسلام

بسم الله الرحمن الرحيم

من یک کلمه با ارتش خودمان صحبت دارم و یک کلمه با ملت و یک کلمه با ارتش عراق و یک کلمه با ملت عراق. جوانمردی ارتش و سایر قوای مسلحه مثل سپاه پاسداران و دیگران ما را به یاد جوانمردی های صدر اسلام انداخت. در صدر اسلام با اینکه قوای دشمن با قوای اسلام قابل مقایسه نبودید، در جنگ روم، هفتصد یا هشتصد هزار آنها بودند و سی هزار هم لشکر اسلام و آن طلیعه لشکر که پیشروها هستند، شصت هزار نفر بودند، دو مقابل تمام لشکر اسلام، خالد بن ولید که یکی از سردارهای اسلام بود گفت: ما باید یک ضربه ای به اینها بزنیم تا اینکه روحیه شان را از دست بدهند حالا به این تعبیر که من گویم و ما سی نفر می رویم با این طلیعه که شصت هزار نفرند، سی نفرمان رویم با آنها جنگ می کنیم. بالاخره عده ای قبول نمی کردند چه بالاخره بنا شد شصت نفرشان بروند و جنگ کنند، شیبخون بزنند. شصت نفر رفتند و شب شیبخون زدند و آن شصت هزار نفر را تار کردند تارو مار کردند، از بین بردند. ما در تمام طول مدتی که در این قضایای ایران بودیم همیشه به حسب قوا و به حسب آن چیزهایی که در جنگ مثلا باید به کار برد، ما در مقابل ارتشی که آنوقت شاه مخلوع داشت یک چیز ناچیزی بودیم و دنبالش بگذارید که او قوای بزرگ دنیا ابرقدرت ها را همراه داشت و ما از این اسباب طبیعی کسی را نداشتیم که همراه باشد، آخر هم که سی میلیون جمعیت ایران بود باز در مقابل چند صد میلیون جمعیتی که با ما مخالف بودند. این چیزی که مطرح است در جنگ عدد نیست، آن چیزی که مطرح هست آن قدرت فکری انسان هست، همان قدرتی که با اتکال به خدا در صدر اسلام یک عده کمشان لشکرهای زیاد را به هم می زد و اوضاعشان را به هم می زد. بحمدالله در مملکت ما هم با اینکه عدد کم است و آنها، دشمن های ابرقدرت زیاد، لکن امتحان داد ملت ما به اینکه با این وحدت کلمه و با این اتکال به ذات مقدس حق تعالی می تواند که آن لشکرهای زیاد را و آن جمعیت های زیاد را شکست بدهد. پس آنکه مطرح هست، آن قدرتی است که برای اشخاص از غیب پیدا می شود و آن قدرت بحمدالله الان هست و آنطوری که برای ما ذکر می کنند الان در بسیج، ارتش و در سپاه پاسداران و در سایر قوای انتظامی نظامی ما آن قدرت هست، همچو هست که اگر چنانچه دم مرگ هم باشند، معذک فریادشان به الله اکبر بلند است و حمله می کنند. چند

نفر معدود در یک پایگاهی هستند و بودند آنوقت و از آن طرف آن جمعیت زیادی که در کردستان بود و حمله می کرد، اینها با جمعیت کمی جواب آنها را می دادند برای اینکه اینها اتکال به خدا داشتند و آنها اتکال بر خدا نداشتند پس ارتش ما نباید بگوئیم که یک ارتشی است که مثل ارتش های دیگر است، ژاندار مری ما هم مثل ژاندار مری دیگر هست، سپاه پاسداران ما هم مثل قوای مسلح دیگران هست. این صحیح نیست، برای اینکه سپاه دیگران، ارتش دیگری برای چی جنگ می کند؟ ارتش عراق برای صدام حسین. کدام عاقل است که برای صدام حسین جان خودش را بدهد؟ که چه بشود؟ ارتش ما حجت دارد، می گویند که ما اگر بمیریم پیش خدا رویم. این روحیه است که مقدم می دارد. این روحیه ای که عقیده ایمانیش این است که من اگر کشته بشوم، یک توفیقی است برای من و من می روم در جوار رحمت الهی. این روحیه است که ما را پیروز کرده و ارتش ما هم این روحیه را بحمدالله دارند و سایر قوای مسلحه ما هم از قبیل پاسدارها و ژاندار مری و شهربانی و همین هائی که در حال نظم و انتظام هستند. پیام من به ارتش این است که اولاً تقدیر می کنم از شماها، از همه قوای مسلحه تقدیر می کنم به اینکه شماها مردانه و مثل سربازهای صدر اسلام الان دارید عمل می کنید و به آنها بشارت می دهم که شما اگر بکشید آنها را، شما به بهشت می روید و اگر آنها هم شما را بکشند، شما به بهشت می روید. این هم بشارت است. پس این قدرت، یک قدرت الهی است و قوای انتظامی نظامی و سپاه پاسداران ما مجهز به قوه الهی هستند، سلاحشان الله اکبر است و هیچ سلاحی در عالم مقابل همچو سلاحی نیست و ملت ما هم همین طور است

### **تجلی نصرت و قدرت الهی در تحول روحی ملت برای مقابله با دشمن**

این تحولی که پیدا شد در ملت، یک تحولی بود که الهی بود، امکان نداشت کسی تصور این را بکند که سی میلیون جمعیت یا بیشتر که اکثراً کار نداشتند به این کارها، زمان طاغوت مردم کارشکنی می کردند یا اکثرشان کاری هم نداشتند، هر کاری می کردند، کرده بودند و همچو خوف در آنها پیدا شده بود که یک پاسبان اگر می رفت در بازار و هر حکمی می کرد، تخلف کردند. یک وقت یک دست غیبی پیدا شد که این دست غیبی متحول کرد این مردمی که ضعیف بودند، به یک اشخاص پولادین و با عده ای که البته زیاد بودند لکن مجهز نبودند، همه سلاح ها دست آنها بود، بدون خوف از اینکه این چیزی که دارد می آید تانک است، این چیزی که دارد می آید مسلسل است، بدون خوف این وارد می شدند، بعضی شان رفتند روی آن چیزهائی که می آوردند، آن آلاتی را که می آوردند، روی آن سوار می شدند، و می رفتند. این یک قدرت الهی بود که ملت ما داشت و الان هم بحمد الله دارد. و این تو هم است که انسان خیال کند که حالا دیگر کاری ندارند، حالا دیگر چه. اینها دلخوشی است که بعضی طایفه ها و بعضی گروه ها به خودشان می دهند که حالا دیگر مثلاً آنطور نیست. ولی ما می بینیم که در مشکلات یکدفعه همه اینها دارند قیام کنند. الان در خرمشهر و در جاهای دیگری که هست، آبادان و اهواز و اینها سنگر بندی کردند و آقای رئیس جمهور الان آنجا بودند، گفتند ما رفتیم دیدیم

سنگربندی کردند و مجهز هستند و این مطالبی که برای ما و برای ملت ما از خارج نقل می شود اینها شایعات هست ، شایعه کردند که خرمشهر را آنها گرفتند ، اصلا نزدیک ، خوب آقای بنی صدر رفته در خرمشهر ، در آبادان ، در جاهای دیگر رفته ، خودش رفته . این شایعات را درست می کنند برای دلخوشی خودشان . شنیدم که امروز هم یک شایعه مرگ فلانی شده است و عراق دلخوش کرده خودش را به اینکه فلانی مرد . من بمیرم که ، شما باید دعا کنید خدا بمیرد! خدا هست من کی هستم . ملت ما خدا دارد . ملت ما از اول تا حالا همیشه ملت پشتیبانش خدای تبارک و تعالی بوده ، منتها گاهی ملموس بوده است و گاهی غیر ملموس . حالا الان ملموس است که کارها بر خلاف آن چیزی که آنها خیال می کنند انجام می گیرد . پس ملت ما یک ملتی است که از ضعف به قدرت متحول شده است و آرزوی شهادت می کند . یک همچو ملتی که آرزوی شهادت می کند ، این ملت دیگر خوف ندارد ، خوب پیروز است انشاءالله .

### نصیحت به قوای مسلح عراق برای بازگشت به آغوش اسلام

و آنکه می خواهم به ارتش عراق بگویم ، من متأسفم که ارتش عراق که مسلم هستند حالا آنهایی که از اسرائیل آوردند من اطلاعی ندارم و ما با آنها کاری نداریم ارتش عراق که مسلمان هستند ، کعبه قبله آنهاست و قرآن کتاب آنهاست و پیغمبر اکرم رسول آنهاست ، آنها برای چه جنگ می کنند؟ با کی جنگ می کنند روی چه انگیزه ای جنگ می کنند؟ مقابل آنها مسلمان ها هستند . البته صدام حسین منطقی در اسلام غیر ماهاست او البته ما را می گوید محوسند اینها ، اهل مجوسی هستند . این یک چیزی که کهنه شده است و سابقا یک کسی می گفت یک چیزی . این ارتش عراق برای چی دارند خون خودشان را می دهند؟ اینها نمی دانند که اگر به جنگ ایران بیایند اینطور کشته می شوند؟ الان نفهمیدند که در جنگ ایران نمی توانند هیچ اعمال قدرتی بکنند؟ اینها برای چی خون خودشان را می دهند؟ روی چه انگیزه ای خونشان را می دهند؟ اینها می توانند بگویند ما برای خدا داریم کار می کنیم؟! صدام حسین به خدا چکار دارد؟ میشل علفق به خدا چکار دارد؟ حزب بعث ، حزبی است که به خدا کاری ندارد ، مانوس به خدا نیست این . پس شما دارید در غیر راه خدا خون خودتان را می دهید . انگیزه شما چی است ؟ انگیزه قدرت هائی که ما داریم ، انگیزه این است که ما برای خدا جنگ می کنیم ، خدا به ما همه چیز داده ، ما از او هستیم و به او هم تحویل می دهیم . این انگیزه لشگر اسلام است ، در صد راسلام هم همین انگیزه بوده ، الان هم همین انگیزه است . شما انگیزه تان چیست ؟ شما برای خدا با اسلام مخالفت می کنید؟! برای خدا با قرآن مخالفت می کنید یا برای صدام حسین؟! اگر برای خداست که راهی ندارید شما ، راهی ندارید که بگوئید برای خداست . پس برای صدام حسین است . انگیزه تان هم این است که اسلام قدرت پیدا بکند؟! خوب اینجا اسلام است قدرت هم دارد . عراق ، خود ملت عراق که با صدام حسین موافق نیست ، او مخالف است ، تمام توده های اسلامی مخالفند برای اینکه صدام حسین ، هم مسلکش الحادی است و هم خودش ملحد است . پس انگیزه ، آن انگیزه ای که در ارتش و در قوای مسلحه ما و پاسدارها و همه نیروهائی که هست ، نیروی دریائی ، نیروی زمینی ،

نیروی هوایی و سایر نیروهائی که در ایران هستند انگیزه آنها یکی است و اینکه ما برای خدا داریم کار کنیم . مملکت ، مملکت اسلامی است . طاغوت را از بین بردند و اسلام به جای طاغوت نشسته است و ما برای اینکه اسلام را پیاده کنیم و طاغوت را هم همه ریشه هایش را بکنیم ، برای این انگیزه داریم جنگ می کنیم اما شما ، ارتش عراق برای چه انگیزه ای خون خودشان را می دهند؟ خون خودشان را هم که دادند چه تحویلشان می دهند آنها ، آنها چه دهند به شما وقتی خون خودتان را دادید؟ اینجا می گویند که ما وقتی خون خودمان را دادیم خدا در بهشت ما را مقامات عالیه از اینجا بهتر دهد . شما برای چی ؟ برگردید به اسلام ای ارتش عراق ، این قوای مسلح عراق برگردید به اسلام تا وقت نگذشته ، آن روزی که وقت گذشت دیگر نمی توانید برگردید ، الان که وقت باقی است توبه کنید ، همانطوری که از برادران شما بسیاری توبه کردند و آمدند اینجا و جزء لشکر اسلام شدند ، شما هم برگردید و ملحق بشوید به کشور اسلامی و به لشکر اسلامی ، هم برای دنیا و هم برای آخرتتان ، این صلاحتان هست . دنبال یک کافر ، یک ملحد که هم مسلکش الحادی است و هم خودش ملحد است ، دنبال این نروید ، دنبال یک مسلکی بروید که می گوید من اسلام مسلکم است . دنبال رسول خدا شما باشید ، نه دنبال صدام ، رها کنید اینها را . اگر شما رها کنید اینها را ، اگر شما رها کنید اینها را ، آنها دیگر چیزی نیستند . شما رها کنید اینها را ، اگر می توانید بکشید اینها را ، سلاح ها را در مقابلشان قرار بدهید و بکشید اینها را و اگر دستتان هم نمی رسد به اینها رها کنید ، اعراض کنید ازشان ، بیائید در ایران ، جای شما در ایران باز است و کشور ایران خانه خود شماست ، بیائید در اینجا ما از شما هم پذیرائی می کنیم هم خدمت به شما می کنیم .

### **ملت عراق بپاخیزید و از اسلام و حیثیت خودتان دفاع کنید**

ملت عراق هم با اینکه من سابقا این معنا را به نظرم بود که این عشایری که در عراق هستند مسلمند و ملت عراق هم یک ملت زنده ای است ، حالا هم همین طور است لکن نمی دانم چه ، چه شده است الان که آنطوری که باید حرکت کنند و نهضت بکنند ، آنطور نیست . من می دانم که همه دل خون دارند از این حکومت و هیچ مسلمی نمی تواند موافق باشد با او لکن حالا که سرگرم جنگ با ایران هستند و قبل از اینکه ما آنها را اعدام کنیم ، از بین ببریم ، ملت قیام کند و نهضت کند مثل قیامی که ملت ایران کرد ملت ایران قیام کرد و یک قدرت صد چندانی قدرت صدام حسین را از بین برد ، شماها هم قیام کنید . الان این آدم مشغول است به ایران ، شما از پشت خنجر به او بزنید ، قیام کنید ، اعتصاب کنید ، راهپیمائی کنید بر خلافش ، مگر می تواند قتل عام بکند وقتی همه شهرهای عراق راهپیمائی کردند بر ضد او و منطقشان هم این بود که تو داری بااسلام مخالفت می کنی . برای خدا ، برای اسلام راهپیمائی کنید اقتصادش را فلج کنید ، ندهید مالیات به او ، حرام است دادن مالیات به این ، از گناهان کبیره است برای اینکه اعانت بر یک کسی است که بر خلاف اسلام است . و پول آب و برق را ندهید ، چیزهای دیگر را که می خواهند ، ندهید ، زیر بار نروید و تظاهرات بکنید و راهپیمائی بکنید ، محکوم کنید او را ،

نمی تواند با یک ملت طرف بشود او . حالا هی در رادیویشان گویند که ملت عراق چطور ، ملت عراق چطور . این را شما می دانید ملت عراق می دانند که این با ملت عراق دارد چه می کند و چه کرده است تا حالا و اگر این دستش برسد ، اگر این خبیث دستش برسد ، تمام آثار اسلام را در عراق از بین خواهد برد ، تمام مساجدتان را از بین خواهد برد . الان این فرصت نیست برایش اگر فرصت پیدا بشود برایش تمام آثار اسلام را به آنطوری که رای اینها اینطور است ، مسلک اینطور است ، تمام آثار اسلام را اینها خواهند از بین برد . قبل از اینکه اینها فارغ بشوند از جنگ با ایران ، شما از پشت مشغول بشوید ، راهپیمائی کنید ، منفجر کنید جاهائی را که مال دولت است ، آنطوری که در ایران عمل می کردند و حالا هم عمل می کنند . پس شما باید در مقابل جمعیتی که بر ضد اسلام است ، قیام کرده است بر ضد اسلام باید دفاع از اسلام بکنید . دفاع از اسلام یک چیز واجبی است ، چیز لازمی است ، بعلاوه این دفاع از حیثیت خودتان است . این آدم با تشبثات مختلف که همه اش دروغ است ، تشبث به اینکه ما عربی هستیم ، دروغ می گوید ، خیر شما امریکائی هستید ، شما عرب نیستید ، عرب مسلم است ، شما عرب نیستید ، شما امریکائی هستید ، آمدی و حالا در اینجا ادعای اسلام کنید . این مطلب را باید ملت عراق بدانند که امروز جنگ بین اسلام و کفر است و بر همه مسلمین واجب است که دفاع کنند از اسلام . اگر این آدم به فرض محال غلبه پیدا کند بر ایران و جمهوری اسلامی را از بین ببرد ، این عکس العملش در همه کشورهای اسلامی می شود . اینها مایلند که اصلاً کشور اسلامی نباشد ، اینها تابع میشل عفلق هستند . میشل عفلق به اسلام کار دارد؟! میشل عفلق اسلام را منافی با مقاصد خودش داند . این حزب بعث ، اسلام را منافی می دانند با مقاصدی که دارند . ملت عراق باید بیدار بشوند ، باید قیام کنند ، باید نهضت کنند ، باید انقلاب کنند . انقلاب کنید تا این را از بین ببرید و بدانید این را که اگر برای خدا انقلاب کنید ، شما پیروز خواهید بود چنانچه ما برای خدا ، ملت ما برای خدا قیام کرد و پیروز شد حالا هم پیروز خواهد شد و انشأ الله این مرد را از بین هم شما و ما با هم دست به هم بدهیم و این حزب را منحلش کنیم و اشخاص حزبی که بر نگردند به اسلام اعدامشان بکنیم تا اینکه این مملکت از شر اینها و از شر میشل عفلق و صدام حسین ها و سادات ها ، از شر اینها فارغ بشود و دیانت خودشان را پیاده کنند و بشود یک مملکت اسلامی . همه جا حکومت خودش سر جای خودش ، حکومت اسلامی سر جای خودش ، ایران حکومت خاص دارد ، عراق حکومت خاص دارد ، مصر حکومت خاص دارد ، اینها سر جای خودشان لکن همه باهم اسلام ، در تحت لوای اسلام و همه با هم در تحت لوای اسلام باشید و انشأ الله اینها را از بین ببریم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## پاسخ اما خمینی به تلگرام تبریک آیت الله العظمی مرعشی نجفی

بسمه تعالی

حضرت آیت الله آقای حاج سید شهاب الدین مرعشی دامت برکاته - قم

تلگراف شریف در مورد پشتیبانی مبارزات قهرمانانه نیروهای مسلح عزیز و مردم مبارز و تبریک پیروزی های ارزشمند آنان واصل گردید این پیروزی ها در گرو ایمان به خدای تعالی و فداکاری های بی دریغ آنان و پشتیبانی های صمیمانه تمام اقشار محترم ملت از این رزمندگان جان بر کف می باشد و امید است تا پیروزی کامل بر همه ابر قدرت های اشغالگر جهان و دشمنان اسلام ادامه داشته و این همبستگی و وحدت همچنان استمرار یابد . از خدای تعالی سلامت و توفیق جنابعالی را مسئلت دارم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمینی



## بیانات امام خمینی در جمع مردم مرزنشین کشورمان

### در جنگ، واقعیت فعال و متحرک انسان بروز می کند

بسم الله الرحمن الرحيم

بعضی قضایاست که انسان گمان می کند که این شر است، لکن به حسب واقع خیر است. در این قضایای اخیر که دولت جابر عراق تحمیل کرد بر ایران باید بگویم (الخیر فی ما وقع برای اینکه چند مطلب را ثابت کرد. یکی اینکه ضد انقلاب در ایران شایع می کردند که ارتش ایران ارتشی است که از بین رفته است و دیگر نمی تواند در مقابل دشمن ها مقاومت کند و شایعه افکنی می کردند بلکه ابتدائاً می گفتند که اصلاً ارتش لازم نیست، ارتش باید به هم بخورد و بعد از سر یک مسائلی شروع بشود. در این جنگ تحمیلی ثابت شد که ارتش نیرومند است و ارتش با سایر قوای مسلحه با هم هستند، تفاهم دارند، با هم می جنگند و همه کسانی که در ارتش هستند، در رأس ارتش هستند، وفا دارند و این خود یک خیری بود که جلوی این شایعات را گرفت. و یک جهت دیگر اینکه این اشخاصی که ادعا می کنند و ادعا می کردند که ما طرفدار مظلومین هستیم، طرفدار خلق هستیم، فدائی خلق هستیم مجاهده برای مردم می کنیم، ثابت شد به اینکه همه این حرف ها صحبت های خلاف واقع بوده است و الان که کشور ایران با حزب بعث منحط در جنگ هستند الان از آنها هیچ خبری نیست و آنها باز به فسادهایی که اندیشه می کردند ادامه دارند می دهند، لکن بر آنها هم ثابت شد که اگر یک روزی دولت ایران بخواهد شر آنها را بکند با یک یورش همه آنها را از بین می برد. این هم یکی از خیراتی بود که برای ما در این جنگ، در این جنگ تحمیلی حاصل شد.

یکی دیگر اینکه منتشر می کردند و دائماً می گفتند که انقلاب در اول یک چیزی داشت مردم با هم بودند و حالا دیگر نیستند با هم، با هم مختلف هستند. و از این حرف های نامربوط که هی دائماً می گفتند. باز در این جنگ ثابت شد که سرتاسر کشور با هم هستند و مردم به همان روح انقلابی باز باقی هستند و الان از همه جاهائی که جوان های ما هستند، از همه اقطار کشور پیشنهاد می کنند که به جنگ بروند، لکن احتیاجی نیست الان به جنگ آنها و اگر خدای نخواستہ یک وقت احتیاج شد آنوقت معلوم می شود که چه خواهد شد. اینها از اموری بود که خیر بود برای ما، و علاوه اصل جنگ که واقع می شود و لو تحمیلی است این جنگ، لکن جنگ وقتی که واقع می شود انسان از آن خستگی و از آن چیزهایی که سست می کند انسان را، از آن سستی ها و خستگی ها بیرون می آید و فعالیت می کند و

جوهره انسان که باید همیشه متحرک و فعال باشد بروز می کند و در استراحت و در راحت و در این امور انسان همیشه کسل می شود ، همیشه خمود می شود ، قوای انسان خمود می شود و خصوصا آنهایی که به عیاشی عادت دارند یا به رفاه عادت دارند آنها دیگر بدتر خواهند شد لکن وقتی که جنگی در کار می آید و حماسه وجود پیدا می کند و تاریک می شود شب و روشن می شود روز و توپ انداخته می شود و اینها ، انسان را از آن حال خمودی و از آن حال سستی بیرون می کند و انسان آن واقع خودش را که فعال است و متحرک آن واقع را بروز می دهد . و یکی از امور که با زخیر بود برای ما اینکه دولت عراق فهمید که با کی طرف است . اینها دائما هی پیش خودشان گفتند که ما اگر همچو خیالات می یافتند که اگر ما حمله به ایران بکنیم ، در همان حمله اول دیگر کار تمام است و ما می رویم برای مرکز ایران و همه جا . حالا- فهمیدند که نه ، مسأله اینطور نیست . در عین حالی که ما باز به مردم اجازه ندادیم و آن بسیج عمومی را اجازه ندادیم ، الان معذک فهمیدند اینها که خیر ، کاری از آنها بر نمی آید و اگر چنانچه دولت ایران بخواهد ، آنها را انشأ اللہ بزودی از بین می برد . عمده حرف این است که فرق است ما بین قوای مسلح ایران با قوای مسلح عراق ، فرق است ما بین فرماندهان قوای مسلح ایران با فرماندهان قوای مسلح عراق ، و آن این است که اینها به اسلام فکر می کنند و روی قواعد اسلام می خواهند عمل بکنند و لهدا به شهرهایی که دفاع ندارند ، به مردم بازار و به مردم و فقرای جاهای دیگر کاری ندارند و فقط اگر چنانچه الزام پیدا کردند که یک مثلا توپی بیندازند ، یک بمبی بیندازند ، به همان مراکزی که مراکز قدرت شیطانی است اینها هجوم می کنند ، لکن فرماندهان عراق از خدا بی خبرند ، اعتقادی به این مسائل ندارند و لهدا توی شهرها می اندازند بمب هایشان را ، در خرمشهر ، در اهواز ، در این جاها شهرها را چیز قرار می دادند هدف قرار می دهند و ما دستمان بسته است از این جهت که نمی خواهیم مردم عادی و مردم بی گناه تلف بشوند و آنها دستشان باز است از باب اینکه اعتقاد به آن چیزهایی که در اسلام مطرح است ، آن چیزهایی که انسان (بما انه انسان می فهمد ، آن چیزهایی که شرف انسان اقتضا می کند ، آنها این مسائل پیش شان مطرح نیست ، آنها همان پیش بردن و رفتن و زدن و اینطور چیزها لکن اینطور نیست که مملکت ایران نتواند اینها را از بین ببرد لکن می خواهد قدم به قدم پیش برود که مبادا بی گناه ها خدای ناخواسته زیر پا بروند . پس ما باید روی قواعد اسلامی عمل بکنیم . قدم قدم پیش رفتیم ، تکه تکه جلو رفتیم و آنها خیال کردند قدرتی در کار نیست ، حالا فهمیدند آنها که نه ، قدرت هست لکن قدرتمندان اینجا روی یک قواعد عمل می کنند و قدرتمندان اشرار روی یک قواعد دیگر عمل می کنند و لهدا آنها مراکز جمعیت را هر جا پر جمعیت است آنها به توپ می بندند یا نارنجک می اندازند ، اینها می خواهند همان هدف هائی که مربوط به قوای مسلحه آنهاست چیز بکنند . بنابراین در این جنگ یک ، خیلی از امور ، که بعضی دیگرش هم هست البته خیلی از امور معلوم شد و باز خوب شد که صدام حسین را به ظواهر اسلام کشاندند ، برای اینکه این روزها گویند نماز هم می خواند ، توی مسجد هم می رود . این همان کارهایی بود که محمد رضا می کرد ، عینا همان اینها از یک آخور ارتزاق می کنند . آن هم یک وقتی که پیش می آمد

بدترین فحش ها را به علمای اسلام می داد و به اسلام هیچ کار نداشت ، ضربه می زد ، یک وقت که ضعیف و بیچاره می شد می رفت نماز خواند و در حرم حضرت رضا می رفت و نماز می خواند و از این بساط در آورد . حالا ایشان هم که همه ملت عراق می شناسند او را کی هست ، نمی دانند که ایشان که حالا هم می خواهد نماز بخواند و در مسجد برود کی را خواهد بازی بدهد ، ملت عراق را می خواهد بازی بدهد که ملت عراق ایشان را ماهیتش را می شناسد ، ماها را هم می خواهد بازی بدهد ، ماها هم ماهیتش را می شناسیم . کسانی که آن طرف دنیا هستند ، در آمریکا و اروپا هستند ، اگر بعضی اشخاص پیدا بشوند شناسند این را ، ممکن است اما آنجائیهایی که ایشان هستند مثل بغداد و عرض بکنم که عراق ، مردم ایشان را می شناسند . مردم سال های دراز با این حزب بعث زندگی کردند و از این حزب بعث اینها صدمه ها دیدند . این آدمی که حالا دارد می گوید من مسلمان هستم و ما در مقابل کفار داریم جنگ می کنیم ، این آدم همان آدمی است که برای اربعین وقتی که زوار حضرت سیدالشهدا حرکت کردند ، آنها را به توپ و تفنگ بستند و آنقدر جنایت کردند . دیگر ملت عراق با اینکه این جنایات را از شما دیده باور می کند که شما یک آدم دینی باشید؟ در هر صورت جنگ خیلی خوب است از یک جهت و آن این است که انسان را ، شجاعتی که در باطن انسان است بروز می دهد و تحرک برای انسان حاصل می شود ، انسان از آن خمودی بیرون می آید و ملت ایران باید توجه داشته باشد که برای اسلام دارند خدمت می کنند . فرق ما بین ما و آنها این است که ما انگیزه مان اسلام است و ما اشخاصی که در اسلام خدمت کردند و جنگ کردند و فداکاری کردند از صدر اسلام تا حالا تاریخشان محفوظ است . پیغمبر اکرم از همه این گرفتاری هائی که ما داشتیم بیشتر گرفتاری داشت ، چندین ماه یا چند سال در حبس بود ایشان ، در شعب ابوطالب محصور بود و معذک مقاومت کرد و باید مقاومت کند و ملت ایران مقاومت می کند و باید مقاومت کند و ارتش ایران و پاسدارها و سایر قوای مسلحه باید قدرتمندی خودشان را نشان بدهند و باید اینها سرکوب کنند این قدرت پوشالی امثال صدام حسین و اینها . و باز معلوم شد به اینکه این عروسک چه عروسکی است که هر جوری که خواهند حرکتش می دهند ، هر روزی حرکتش می دهند ، به یک جور حرکت دهند ، این هم باز معلوم شد و بسیاری از چیزهای دیگر در این جنگ معلوم شد . حالا آنچه من به ملت خودمان می خواهم بگویم این است که ملت ما باید متوجه باشد که اسلام است و قضایای اسلام در کار است و ما تبع اسلام داریم جنگ می کنیم ، دفاع می کنیم و به واسطه اسلام داریم دفاع می کنیم . ملت ما باید مجهز باشند ، جوان های ما باید تدریب کنند ، مجهز باشند ، برای اینکه ما ممکن است در آتیه یک جنگ های طولانی تری داشته باشیم و برای اسلام باید جنگ بکنیم ، برای اسلام باید فداکاری بکنیم . ما باز هم در این مواردی که کشته دادیم به قدری که در صدر اسلام کشته دادند ما باز کشته ندادیم . ما باید فداکاری بکنیم ، ما باید همه عزیزانمان را فدای اسلام بکنیم و باید این کار انجام بگیرد و بلااشکال باید همه افرادی که قدرتمند هستند ، چه آنهایی که در سرحدات هستند ، آنهایی که در مثل خرمشهر و مثل اهواز و مثل آبادان و اینها هستند پافشاری کنند ، نگذارند از شهر خودشان بیرون بروند . این ضعف است ، اسلام گفته است شما

باید پایداری بکنید . در هر صورت من به آنها هم سفارش می کنم که با قدرتمندی و با شجاعت و با عزت نفس داشته باشند پایداری کنند و هیچ گاه از مسائلی که گفته می شود و آن ضد انقلابی ها منتشر می کنند ، نترسند . ما پیروز هستیم . صدام حسین دستش را دراز کرده برای اینکه با ما مصالحه کند ، ما با او مصالحه نداریم . یک آدمی است که کافر است ، یک آدمی است که فاسد است ، مفسد است و مفسد را ما نمی توانیم با او مصالحه کنیم ، ما تا آخر با آنها جنگ خواهیم کرد و انشاء الله تعالی پیروز خواهیم شد و هر یک از دول هم که با او همراهی بکند ، ما هیچ ابداعتائی نداریم به این ، برای اینکه ما هدفمان این است که تکلیف مان را عمل بکنیم ، تکلیف ما این است که از اسلام صیانت کنیم و حفظ کنیم اسلام را . کشته بشویم تکلیف را عمل کردیم ، بکشیم هم تکلیف را عمل کردیم . این همان منطقی است که در اول هم که با این رژیم فاسد پهلوی مخالفت می کردیم منطقی بود همین بود منطقی این نبود که ما حتما باید پیش ببریم ، منطقی این بود که برای اسلام مشکلات پیدا شده است ، احکام اسلام دارد از بین می رود ، مظاهر اسلام دارد از بین می رود و ما مکلفیم که به واسطه قدرتی که هر چه قدرت داریم مکلفیم که با آنها مقابله کنیم ، کشته هم بشویم اهمیتی ندارد ، بکشیم هم که انشاء الله موفق خواهیم شد به جنت و به بهشت انشاء الله . شما هیچ وقت از هیچ چیز هراس نداشته باشید . شما برای حفظ اسلام دارید جنگ می کنید و او برای نابودی اسلام . الان اسلام به تمامه در مقابل کفر واقع شده است و شما باید از اسلام پایداری کنید و حمایت کنید و دفاع کنید . دفاع یک امر واجبی است بر همه کس ، بر هر کس که هر مقدار قدرت دارد باید دفاع بکند از اسلام ، و الان اینها هجوم کردند بر اسلام و ما باید دفاع بکنیم و ابداء قضیه صلح و قضیه سازش در کار نیست و ما اصلا مذاکرات کنیم با اینها ، اینها برای اینکه فاسد و مفسد هستند و ما با این اشخاص مذاکره نمی کنیم . بله اگر اینها بروند کنار و از همه جا بروند و بیرون بروند از همه جا و تسلیم بشوند ، ما آنوقت ممکن است به واسطه اینکه بین مسلمین خیلی چیز نشود ما هم یک سکوتی بکنیم والا و مادامی که اینها دست شان ، اسلحه دست شان است ما هم اسلحه مان ایمان است سلاحمان اسلام است و ما با آن سلاح ایمان و اسلام پیش می بریم و خواهیم پیش برد و همه اینها را سرکوب خواهیم کرد چنانچه تاکنون ما با همان اسلحه ابرقدرت ها را از بین بردیم و دست شان را از این مملکت قطع کردیم و حالا آنها می خواهند باز با اینطور مسائل دست باز یک دست درازی به کشور اسلامی بکنند و ما مکلفیم که جلوی آنها را بگیریم . چه پیروز بشویم و چه نشویم دفاع باید بکنیم و باید حتما دفاع بکنیم و همه ملت در وقتی که اجازه داده شد ، همه باید بروند و دفاع بکنند . انشاء الله امیدوارم که با آنها نرسد و مسائل آنقدر ریشه دار نباشد و اینها بفهمند که با چه مملکتی و با چه ملتی طرف هستند و دست از شیطنت و فضولی های خود بردارند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

**پیام امام خمینی به ملت و ارتش عراق**

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام بر ملت مظلوم و شریف عراق که سال های طولانی در تحت سلطه رژیم سفاک بعث متحمل انواع خیانت ها و جنایت های این حزب کافر فاجر بوده و هستید و شاهد ستمگری ها و فشارهای جانفرسا نسبت به بزرگان و مراجع و مجاهدین کشورتان بوده اید . شما و ما شاهد بودیم که این حزب فاسد با مرحوم آیت الله حکیم و آفازاده های معظم ایشان چه ها کردند و آن سید بزرگوار مظلوم در آخر عمر با چه خون دل به اجداد بزرگوارش ملحق شد و شاهد حبس و زجر و فشار به فرزندان محترم ایشان بودید و شما و ما شاهد بودیم که با سید مجاهد بزرگوار آقای صدر و خواهر مظلومش چه کردند و با چه شکنجه ها آنان را به شهادت رساندند و شما و ما شاهد بودیم که با حوزه علمیه نجف و سایر مشاهد مشرفه چه ستم ها و چه وحشیگری ها کردند و گروه گروه علما و طلاب را به حبس و شکنجه کشیدند و شما و ما شاهد بودیم که این سفاکان جنایتکار چه اهانت ها به بقاع مطهر ائمه اسلام نمودند و دیدید و دیدیم که دژخیمان رژیم در صحن مطهر مولا امیر المومنین علیه الصلوه و السلام ریخته و مردم مظلوم را با چه وضعی مضروب نمودند و بقعه شریفه را به مسلسل بستند و شما و ما شاهد بودیم که در اربعین حسینی چه جنایت ها نسبت به زوار عزیز آن مظلوم کردند و شما و ما شاهد بودیم که مردم مظلوم بی گناه را گروه گروه از وطن خودشان آواره کردند ، که اکنون این آوارگان ، در کشور اسلامی ایران با سلامت و عزت بسر برند .

ای ملت شریف ! وای ارتش گرفتار تحت سلطه کفر! اکنون بیش از ده روز است که رژیم بعث و فاسد به امر قدرت های کافر ، به کشور اسلام و همسایه شما هجوم و حشیانه نموده و شهرهای بی پناه و برادران مسلمان مظلوم شما را مورد تجاوز و ستم قرار داده و منازل و پناهگاه های آنان و احزاب و اطفال و زنان مظلوم را قتل عام نموده اند که جرم آنان هیچ نیست جز آنکه می خواهند در کشورتان جمهوری اسلامی باشد و احکام قرآن مجید جاری شود و می خواهند مستقل و آزاد باشند و زیر سلطه و ستم ابرقدرتان نباشند و مخازن کشورتان از خودشان و مستمندان میهن شان باشد ، و چه جرمی در نظر چپاولگران و نوکران و جیره خوران آنان بالاتر از این جرم ها .

برادران ارتش عراق ! تا کی می خواهید اسیر کفار باشید و به امر آنان با کشور برادر و همسایه و اسلامی خود در جنگ باشید؟ تا کی می خواهید به نفع کفار ، به اسلام و قرآن مجید و کشور اسلامی

هجوم نموده و برادران خود را شهید کنید؟ بپاخیزید و دست این جنایتکاران را از کشور اسلامی خود قطع کنید. تا کی خواهید خود و عزیزان خود را برای خدمت به کفر به هلاکت کشید؟ شما دانید که این جنگ به کشور ایران تحمیل شده و ما از کشور خود دفاع می کنیم ، دفاعی که عقلا و شرعا واجب است و با کمال تأسف و تأثر مشاهده کنیم که کفار و نوکران خبیث آنان دو طایفه از مسلمانان را به جان هم ریخته و خودشان در کناری نشسته و می خواهند از این موضوع استفاده کنند. ای افسران و درجه داران و سربازان عراق آیا می دانید چه می کنید و خود را برای چه انگیزه ای به هلاکت می کشید؟ آیا می دانید که برای استفاده دیگران خود را با چه ارتش و با چه نیروی عظیم انسانی و با چه ملت مشتاق جهاد در راه خدا طرف نموده و به کام مرگ می کشانید؟ آیا می دانید خداوند متعال و پیامبر اسلام از کسانی که به روی برادران اسلامی خود اسلحه بکشند بیزار است و عاقبت این امر، جهنم و غضب خدای جبار می باشد؟ دست بردارید از این برادرکشی و به کشور اسلامی ایران با سلاح خود پناه آورید که ما شما را با آغوش باز پذیرا هستیم. و ای عشایر غیور دجله و فرات! و ای رزمندگان و سلحشوران! بپاخیزید و از اسلام دفاع کنید و قرآن و احکام آن را حفظ کنید که بر تمام مسلمین چه زن و چه مرد، دفاع از اسلام و قرآن کریم واجب است. وای ملت عراق که جنایات این مزدوران را چشیده و چشید! همچون ملت رزمنده ایران بپاخیزید و انقلاب کنید و از این حزب کافر هراسی نکنید و بدانید اگر به اینان مهلت دهید و فرصت پیدا کنند اسلام را محو و آثار آن را از بین می برند. اینان با اسلام دشمن هستند. آمریکا و بستگان و نوکران آن از اسلام سیلی خورده و با اسلام به دشمنی برخاسته اند. شما از عفلق ها و صدام ها و سادات ها توقع نداشته باشید که دست از دشمنی با اسلام بردارند. و هان ای علمای اعلام و مشایخ اهل سنت و خطاب عظام و روشنفکران مسلمان عراق مردم را بیدار کنید و برای اسلام و حفظ کشورهای اسلامی قیام کنید که خداوند معین شماست. شما و ما دیدید که ملت رزمنده ایران، با ایمان به خدا و وحدت کلمه بر قدرت شیطانی عظیم که همه قدرت پشتیبان آن بودند غالب شد و دست همه ابرقدرت ها را از کشور خود قطع کرد. و شما ای ملت عزیز و ارتش عراق! بدانید که قوای مسلح ما، ارتشیان دلاور و پاسداران قدرتمند و شهربانی و ژاندارمری شجاع و پیشمرگان فداکار همراه با قشرهای رزمنده ملت و سپاه، بسیج سلحشور، قدرت عظیمی است، منسجم و چون سد آهنین در مقابل همه قدرتمندان ایستاده است و چون خدای متعال و اسلام و قرآن کریم انگیزه نبردشان و شهادت وصول به حق آرمانشان است، پیروزی با آنان است و ملت شریف ما در عین حال که بر اساس تعلیمات اسلام، صلح جو و عدالتخواه است با اسرای خود آنچنان مردانه و اسلامی رفتار کند که با جوانان ملت خود، ولی با مخالفان اسلام و مهاجمان به کشور اسلامی خود کوبنده و شدید القوا و افتخار آفرین می باشد. و ما و شما دیدیم که در این جنگ تحمیلی که مخالف با میل آنان بود چطور به خصم خیره سر فهماندند که در میدان نبرد، رزمندگان شیردلی هستند که بر نیروهای شیطانی. آنان چون عقاب حمله آوردند و جوانان آنان از هیچ قدرتی هراس ندارند و آنچنان بر دشمن ضربه زدند که هر چه داشت گذاشت و فرار را اختیار کرد. و نیاید روزی که محتاج به بسیج

عمومی شویم، که دنیا خواهد دید قدرت اسلام چیست و نیروی ایمان بر همه قوا پیروز است. و شما و ما دیدیم که صدام پس از آنهمه شرارت و خونریزی و حمله به شهرهای بی پناه و مسلمین بی گناه، اکنون تقاضای آتش بس کرده. البته هر جنایتکار و غارتگر، پس از جنایت مایل است حریف ساکت باشد تا او با کمک گیری از اشرار و دیگران همچنان خود و تجدید قوا، به شرارت و خونریزی خود ادامه دهد. لکن ملت و قوای مسلح ما تا پیروزی نهائی و انتقام جنایت حزب خونخوار بعث از پای نخواهد نشست و به نبرد خود دلاورانه ادامه خواهند داد و به بازیگری های دزدان بین المللی اعتنا نخواهند کرد.

شما شنیده و ما هم شنیده ایم که بعضی شیخ نشین های خلیج و بعضی دولت های کشورهای اسلامی در جنگ بین اسلام و کفر، طرف کفر را اختیار و کمک های نظامی و تبلیغاتی از دولت غاصب بعث و جنایتکار می کنند و جای تأسف و شگفت است که کسانی خود را مسلمان بدانند و حکام کشورهای اسلامی، و بر ضد اسلام و قرآن کریم قیام کنند و آتش به روی مسلمانان بی گناه گشایند. اینان 0 باید بدانند اگر ثابت شود که بر خلاف مصالح اسلام عملی انجام داده اند و براءت خود را ثابت نکنند، دولت و ملت اسلام با آنان به وظیفه شرعی عمل می نمایند. اینجانب آنان را موعظه می کنم که دست از مخالفت با اسلام و طرفداری از کفر بردارند و به وظیفه انسانی و اسلامی خود عمل کنند و با سرنوشت خود بازی نکنند اینجانب در حالی که به حسب اخبار موثق می دانم ملت و قوای مسلح ما با آوارگان به طور اسلامی و انسانی رفتار می کنند، از همه آنان می خواهم که با اسرا، خصوصاً مجروحین و مصدومین آنان هر چه بیشتر محبت و خدمت کنند و از نیروی مسلح می خواهم که چون گذشته مواضع دشمن را بمباران نمایند، گر چه قوای دشمن حتی بیمارستان ها را مورد حمله قرار داده اند و همین فرق بین حق و باطل است. و شما و ما می دانیم که دستگاه های تبلیغاتی غرب و گروه های خبری آنان با پخش اکاذیب، به دشمن اسلامی ایران کمک های فراوان می کنند و مع الاسف در دستگاه های تبلیغاتی بعضی کشورهای اسلامی نیز این معنا دیده شده است. به کشورهای اسلامی اخطار می کنم که جلو این تبلیغات باطل را بگیرند و با اسلام عزیز مخالفت نکنند. و اخیراً از جمیع ملت ها و دولت اسلامی و غیر اسلامی و جمیع گروه های مسلمان و غیر مسلمان که جنایات ابر قدرت ها و نوکرهای چشم بسته آنان را محکوم و به کشورهای اسلامی و جمهوری اسلامی ایران کمک می کنند تشکر فراوان می کنم و به آنان دعای خیر می نمایم، چنانچه از گروه های دانشجو و غیر دانشجو که در کشورهای اروپائی و غیر اروپائی، صدام جنایتکار و اربابانش را محکوم نموده و می نمایند جدا متشکرم و سلامت و سعادت همگان را از خداوند متعال خواستارم. و از ملت شریف مبارز ایران و قوای مسلحه و نظامی و انتظامی و برادران پاسدار و پیشمرگان اسلام و سپاه، بسیج و روحانیون و غیر روحانیون عزیزی که در جبهه نبرد رفته و فداکاری می کنند شکر گزارم و از عزیزانی که در سطح کشور با کمک های شایان، تقدیر مادی و معنوی به برادران مجاهد خود می نمایند تقدیر و تشکر می کنم و از خداوند تعالی نصرت اسلام و مسلمین را خواستارم و انتظار نصرت و فرج نهائی را دارم.

انه على نصرت لقتدير سلام و درود فراوان بر ملت شريف عراق كه قلبشان با ماست و اميدوارم در بقاع متبركه ، پيروزي اسلام و قلع و قمع  
كفار را بخواهند .

والسلام عليكم وعبادالله الصالحين ورحمة الله وبركاته

روح الله الموسوي الخميني

ص: 113



## تلگراف تسلیت امام خمینی به حجت الاسلام آشتیانی

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج میرزا محمد باقر آشتیانی دامت برکاته

خبر ضایعه تأسف انگیز رحلت مرحوم آیت الله آقای حاج میرزا محمود آشتیانی رضوان الله علیه ، موجب تأسف و تأثر گردید . زحمات آن مرحوم در خدمت به فقه اسلام و تألیفات ارزنده معظم له خدمتی بزرگ و جاودانی به حوزه های علمیه است . از خداوند تعالی رحمت برای آن بزرگوار عظیم الشان و صبر و شکیبائی برای فامیل معظم و خصوص جنابعالی خواستار است .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 114

تاریخ: 16/7/59

## بیانات امام خمینی در دیدار با گروهی از جوانان مبارز عراقی

بسم الله الرحمن الرحيم

و قاتلوا المشركين كافة

انشأ الله خداوند تبارک و تعالی به شما قدرت بدهد و این شخص کثیف را از مملکت خودتان دور کنید . خداوند با شماست و شما پیروز هستید و این حکومت رفتنی است ، انشأ الله .

ص: 115

## مصاحبه امام خمینی با خبرنگاران خارجی

سؤال: شما راجع به جنگ چه فکر می کنید و نظرتان درباره این جنگ و آینده آن چیست؟

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم - اولاً ما به تبع اسلام با جنگ همیشه مخالفیم و میل داریم که بین همه کشورها آرامش و صلح باشد لکن اگر جنگ را بر ما تحمیل کنند، ما تمام ملتمان جنگجو است و با تمام قوا مقابله می کنیم ولو اینکه همه ابرقدرت ها هم دنبال او باشد، برای اینکه ما شهادت را یک فوز عظیم می دانیم و ملت ما هم شهادت را به جان و دل قبول می کند و از جنگ نخواهیم هراسید و مرد جنگ هستیم لکن مایل نیستیم به اینکه جنگ واقع بشود. الان دولت دست نشانده و جنایتکار عراق به شهرهای ما و مردم عادی حمله کرده و دیشب نیز در دزفول حمله کردند و با موشک های خودشان بسیاری از مردم را کشتند ولی ما مواضع نظامی آنها را خواهیم زد و آتیه جنگ با ماست. برای اینکه ما تمام ملت همراهان است و صدام ملت خودش بر ضد خودش است و حتی ارتش خودش هم متزلزل است و خواهند در این جنگ باخت و بعضی ها انشاءالله از عراق خواهند رفت و یک دولت اسلامی در آنجا خواهد آمد و ما با کمال قدرت دفاع از خودمان خواهیم کرد و کشور عراق را نجات خواهیم داد از دست این جنایتکارانی که نوکر ابرقدرت ها هستند و ما باکی از اینکه ابرقدرت ها به آنها پشتیبانی می کنند نداریم و امیدواریم که همانطور که شاه مخلوع را با دست خالی از بین بردیم و دست ابرقدرت ها را از کشورمان قطع کردیم این شخص هم که جنایتکارتر از شاه معدوم است از بین ببریم، کشور و ملت عراق را که برادر ما هستند آزاد کنیم تا خود کشور عراق و ملت بر سرنوشت خودش حکومت کند و حکومت را خودش تعیین کند. و ما برنده جنگ هستیم و هیچ تردیدی در این نیست و به فرض اینکه ما هم کشته بشویم و ملت ما در حال جنگ هستند و شهادت را با دل و جان می پذیرند و من امیدوارم که با خدای تبارک و تعالی باشیم و خدای تبارک و تعالی با ماست انشاء الله.

امام تأکید فرمودند: اخبار را همانطور که هست به ممالک و کشورهای خودتان گزارش بدهید. ما نمی خواهیم هیچ طرف ما باشید، همین طور که الان مملکت را می بینید آنطور گزارش بدهید.

## فرمان امام خمینی در مورد هماهنگی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

نظر به موقعیت استثنائی دفاع از کشور اسلامی و حساسیت فوق العاده آن، تا موقعی که جنگ افزوزان به کار تجاوزگرانه خود ادامه می دهند، مراتب زیر اخطار و مقرر می شود:

1- کلیه امور مربوط به جنگ، در تحت نظر شورای عالی دفاع به اضافه یک نفر از نمایندگان از قبل مجلس شورای اسلامی باید اداره شود و این شورا مؤظف است تمام قوای مسلح را هماهنگ نماید و هیچ گروه یا شخصی، تخلف از او امر شورای مذکور نباید بکند و در غیاب آقای خامنه ای و آقای چمران، دو نفر از نمایندگان که یکی از آنها رئیس مجلس شورای اسلامی است، باید در شورا شرکت نمایند.

2- در اداره مناطق جنگی کلیه نیروها باید از شورای مذکور تبعیت نمایند و تصمیمات در این باره با شورای مذکور است.

3- تبلیغات مطلقاً چه به وسیله رادیو و تلویزیون یا مطبوعات در تحت نظر شورای مذکور باید اجرا شود و رسانه های گروهی و مطبوعات، حق پخش مصاحبات یا نطق ها و نوشته ها را بدون مراجعه و دستور از شورای مذکور ندارند.

4- سیاست خارجی مربوط به دفاع، با شورای مذکور است و کسان دیگر بدون اجازه حق دخالت ندارند.

5- کلیه بیانیه ها و نوشته ها و تبلیغات و پخش اعلامیه ها بدون اجازه مستقیم از شورای مذکور جدا ممنوع است.

6- دولت مأمور جلب متخلفین و تحویل به دادگاه های انقلاب است. 7- دادگاه ها به جرائم، حسب وضع دفاعی و انقلابی می کنند.

8- شورا مؤظف است در مناطق جنگی نمایندگانی تعیین نماید که بوسیله آنها امور انجام گیرد و موجب تأخیر نشود.

روح الله الموسوی الخمينی

## بیانات امام خمینی در جمع گروهی از طلاب و روحانیون مبارز عراق

بسم الله الرحمن الرحيم

این مسائل که برای اسلام و مسلمین پیش می آید و آمده است، اینها سابقه دار است، اینطور نیست که حالا برای ما پیش آمده باشد. شما دانید که تاریخ اسلام مشحون بوده است از این مجاهدت و شهادت ها، از این خون دادن ها و از این خرابکاری ها به دست فجار. ائمه ما علیهم السلام هم مبتلا بودند به همین طور لیکن استقامت و خودداری و صبر باید کرد که خدا با صابران است و ما با دست خالی بر این قدرت فوق العاده شیطانی که همه قدرت ها دنبال او بودند، غلبه کردیم و این نبود جز اینکه ملت ما همراه باهم بودند و صبور بودند و بر مشکلات صبر می کردند و مشکلات را با صبر و با اتکال به خدای تبارک و تعالی حل کردند. این مشکلی که حالا هست مشکل خیلی مهمی نیست و این حل می شود انشاء الله، چنانچه مشکل عراق هم حل می شود. همان نمونه هائی که در زمان محمدرضا در ایران بود الان در عراق است و همان کارهائی که مبدأ شد از برای اینکه این حیثیت خودش را از دست داد و تاج و تخت غصبی را از دست بدهد، همین معنا الان در عراق است. اینها گمان می کنند که با سرنیزه می شود حکومت کرد و این یک اشتباهی است که از برای این قلدرها سرنیزه نمی تواند یک ملتی را خاضع کند، می تواند یک مدتی باشد، لیکن نمی تواند همیشه بر یک ملتی حکومت کند. ملت ها وقتی با هم شدند، هیچ حکومتی و هیچ قدرتی بر آنها نمی تواند غلبه کند و الان بحمدالله هم ملت ایران و هم ملت عراق قیام کرده اند و نهضت کرده اند. امیدوارم انشاء الله موفق و مؤید باشید.

## پیام امام خمینی به ملت شریف و قوای مسلح عراق

بسم الله الرحمن الرحيم

اینجانب بر حسب وظیفه شرعی و عقلیه ناچارم مطالبی را به قوای مسلح و به ملت شریف و مظلوم و مسلم عراق تذکر دهم، شاید خداوند تبارک و تعالی آنان را متذکر نماید و ملت اسلام و قرآن کریم را از شر دشمنان شهرت طلب و اربابان سود جوی آنان نجات دهد. (انه علی کل شیء قدير. شما ای قوای مسلح عراق! بهتر می دانید که این جنگ که به ایران به وسیله قدرت های بزرگ تحمیل شده است، تاکنون چه خسارت های جانی و مالی و حیثیتی به شما وارد نموده است. من بسیار متأسفم که برای شهوت و شهرت طلبی، یک یا چند نفر از خدای بی خبر جوانان برومند عراق را با اغفال و اکراه و جبر به میدان نبرد با برادران مسلم خود فرستاده اند و تاکنون چند هزار نفر از جوانانی که باید در خدمت اسلام، با کفار به جنگ برخیزند، در خدمت دشمنان اسلام به هلاکت کشانده و فدای اغراض شیطانی خود نموده اند. شما ای ارتش عراق! از ما بهتر می دانید که چه جوانانی را که پشتوانه ملت شما بوده از دست داده اید و در پیشگاه خداوند قادر عظیم و ملت های مسلمان جهان و ملت شریف خودتان هیچ عذری ندارید. آیا تاکنون از خود پرسیده اید که با چه انگیزه، دوستان و عزیزانتان را از دست می دهید؟ آیا می دانید با خودتان و کشور اسلامی خودتان چه می کنید؟ و شما از ما بهتر می دانید که در این جنگ خانمانسوز چه خسارت های عظیم مالی به کشورتان وارد شده است. آیا می دانید که میلیاردها دینار خسارت به مخازن و ساز و برگ جنگی شما وارد شده است و اینهمه به نفع ابرقدرت ها و ضرر ملت شماست؟ آیا می دانید برای جبران ساز و برگ جنگی میلیاردها دینار ملت ستمدیده شما و کشورتان باید به ابرقدرت ها بپردازند؟ و آیا می دانید که آبرو و حیثیت شما در جهان و حتی نزد ملت خودتان ریخته و به باد فنا داده شده است؟ و می دانید که انگیزه این خسارات چه بوده؟ اگر نمی دانید ما می دانیم، قدرت های بزرگ که دستشان از مخازن بزرگ ایران کوتاه شده و سلطه و قدرتشان با همت ملت ایران و قوای مسلح آن قطع گردیده، اکنون به دست و پا افتاده اند تا با جنگ افروزی بین برادران، سلطه خود را اعاده دهند و چپاولگری خود را از سر گیرند. و شما ای ارتش عراق! آلت دست نوکران سرسپرده ابرقدرت ها و دشمنان ملت های ضعیف شده اید و شما از ما بهتر این حزب کافر بعث را می شناسید، صدام را از نزدیک دیده و جنایات او را مشاهده کرده اید و می دانید که شماها نیز از شر این شخص در امان نیستید. شما دیده اید که این شخص با شبهه و احتمال، حتی

دوستان نزدیک خود را با بدترین وجه اعدام نموده . تا کی اسارت و ننگ را تحمل می کنید؟ تا کی شاهد کشته شدن جوانانتان و به باد رفتن مخازنتان و از دست رفتن حیثیت تان هستید؟ برخیزید ای غیرتمندان و این حزب جنایتکار را در هم کوبید و صدام و رفقای فاجر او را به جهنم فرستید و حکومتی اسلامی انسانی با همراهی ملت به دست آورید و تا دیر نشده است فرصت را از دست ندهید که اگر برای خداوند تعالی قیام کنید خدا با شماست ، همانطور که دیدید خداوند قادر با ملت ایران که برای رضای او نهضت کردند بود و اکنون نیز پشتیبان آنان است . و شما ای ملت شریف و مظلوم عراق که هر روز شاهد جنایت های این حزب و سران آن بوده و هستید! بدانید که این اشخاص شهرت طلب و سر سپرده به اجانب اگر فرصت یابند ، دیری نخواهد گذشت که اسلام و همه مظاهر آن را از بین خواهند برد و کشور اسلامی شما را به سوی کفر خواهند کشاند و مخازن شما را به اربابان خود هدیه خواهند کرد و اگر فرصت به این حزب کافر دهید ، دیری نباید که قبور ائمه اسلام و مشایخ و امامان تشیع و تسنن را از بین خواهند برد . دشمن اصلی اینان اسلام و قرآن است . اینان اسلام را مخالف مرام و هواهای نفسانی خود دانند . عفلق و اتباع او به هیچ دینی و مذهبی عقیده ندارند . بهوش باشید و از سالوس و فریبکاری صدام بازی نخورید که نماز او در حرم سیدالشهدا علیه السلام همچون نماز محمدرضا در حرم حضرت رضا علیه السلام است این جنگ به شما ملت غیور فرصت می دهد که سکوت را شکسته و با فریاد الله اکبر بپاخیزید و دشمنان اسلام و قرآن را به سزای خودشان برسانید . این جوانان دانشگاهی ! ای دانشجویان عزیز! به فریاد کشور و اسلام و ملت خودتان برسید و قهرمانانه قیام کنید که فرج شما نزدیک است و حزب خدا بر حزب شیطان غلبه می کند . و ای عشایر دلیر دجله و فرات ! فرصت را از دست ندهید و دشمن اسلام و میهن عزیز خودتان را با قیام قهرمانانه از پای در آورید و دین خودتان به اسلام و قرآن مجید را ادا کنید که با از دست دادن فرصت بدبختی ها به شما روی خواهد آورد . و باید همه قشرهای ملت از قوای مسلح و دستگاه های دولتی تا دانشگاهیان و کارگران و کارمندان و بازاریان و کشاورزان بدانند که اعانت و کمک به این دولت غیر قانونی غاصب کافر از گناهان کبیره و مخالفت با خدای تبارک و تعالی است و کارشکنی و مخالفت عملی و قولی ، در حد امکان ، از واجبات الهیه است . به خدای تعالی اتکال کنید و با وحدت کلمه نهضت کنید که خدا با شماست . و من به همه دولت هائی که در این جنگ تحمیلی و یورش غیر انسانی به ایران ، با دولت کافر بعث همکاری می کنند ، چه همکاری تبلیغاتی و چه نظامی به هر نحود که باشد ، جدا اخطار می کنم که علاوه بر خذلان الهی و ننگ ابدی ، از جزای عاجل به دست ملت های خود و ارتش نیرومند کشور اسلامی ما غافل نباشید و خود را به هلاکت نکشید ، که هنگام عقوبت الهی و انتقام منتقم حقیقی ، هیچ یک از ابر قدرت ها به فریاد شما نخواهند رسید . تا عذاب الهی نازل نشده و راه برگشت به اسلام باز است ، به خود آید و از مخالفت با اسلام عزیز و قرآن مجید دست بردارید . از خداوند تبارک و تعالی عظمت اسلام و مسلمین جهان را خواستار و قطع ایادی دشمنان بشریت را از سر ملت مستضعف جهان خواستار است

والسلام علی من التبع الهدی

روح الله الموسوی الخمینی

**پیام امام خمینی به مناسبت عید اضحی (قربان)**

بسم الله الرحمن الرحيم

مبارک باید عید سعید قربان بر جمیع مسلمانان جهان و بر امت پیامبر عظیم الشان . مبارک باد این عید بزرگ اسلامی بر مستضعفین جهان که در مقابل مستکبرین و اولیاً طاغوت قیام نمودند . مبارک باد بر ملت عظیم اسلامی ایران که صادقانه و دلاورانه در مقابل اولیاً شیطان پیا خاستند و مبارک باد بر قوای مسلح جمهوری اسلامی و بر دلیران رزمنده غرب و جنوب که با تعهد اسلامی و فداکاری در راه خداوند تعالی به جهاد مقدس و دفاع از کشور اسلامی چون سدی آهنین ایستاده و خون آشامان حزب کثیف بعث عراق و سر سپردگان به دشمنان اسلام و بشریت را از کشور خود رانده و خواهند راند .

آن روز مبارک است برای اسلام و ملت های اسلامی که دست ستمگران و خون آشامان از کشورهای اسلامی کوتاه شود و آن روز مبارک است برای ملت شریف ما که جمهوری اسلامی به تمام معنا در کشور اسلامی پیاده شود و احکام مترقی اسلام به جای احکام ضد انسانی برقرار گردد . اکنون ، شما این ملت اسلامی ایران ! بر سر دوراهی می باشید ، راه سعادت و افتخار ابدی در سایه پر افتخار جهاد برای خدا و دفاع از کشور اسلام و راه ذلت و ننگ ابدی ، اگر خدای نخواستہ در این جهاد مقدس سستی و سردی از خود نشان دهید و من امید واثق دارم که ملت ما تن به ننگ نداده و نخواهند داد و تا سقوط رژیم منحط بعث عراق از پای ننشینند و تا ملت شریف عراق را از اختناق و جنایاتی که بر آن سایه شوم افکنده نجات ندهند ، دست از جهاد مقدس بر ندارند . و شما ای جوانان برومند خوزستان و منطقه غرب و دیگر جبهه ها! در این میدان شرف پایدار باشید و از وطن اسلامی خود با تمام کوشش و فداکاری دفاع کنید و به خواست خداوند متعال پیروز خواهید شد و جنود ابلیس را با فصاحت تمام به عقب خواهید راند . و شما ای قوای مسلح که در خوزستان و مرزهای جنگزده در مقابل کفار ایستاده اید! بهوش باشید و هماهنگ باشید و به دستورات شورای دفاع عمل کنید و از اختلاف و تفرقه بر حذر باشید که نصرت خدا را انشاء الله در آغوش گرفته و سر بلند و مفتخر از میدان بیرون آید . و اینجانب اولاً به ملت ایران هشدار می دهم که خود را مهیا کنند و اسلحه های خود را آماده کنند و به حال آماده باش باشند که اگر خدای نخواستہ محتاج بسیج عمومی شد و امر به جهاد مقدس عمومی داده شد ، فوراً به میدان رفته و از دین خدا و کشور اسلامی دفاع نمایند . و ثانیاً به قوای نظامی



اخطار می‌کنم که با کمال جدیت و بدون فوت وقت، ساز و برگ جنگی را که بحمدالله در حد کافی در اختیار دارید در اختیار رزمندگان، چه قوای مسلح و چه سایر جوانان فداکار گذاشته و کوچکترین مسامحه را جایز ندانید. و از شورای دفاع خواهیم که هر روز اینجانب را از وضع جبهه‌ها مستحضر کنند و چنانچه احتیاج به نیرو دارند تذکر دهند که جوانان پر شور در سطح کشور آماده جهاد هستند و باید فرماندهان نظامی داوطلبانی را که در جبهه می‌توانند بی‌درنگ مجهز کنند به جبهه بفرستند و نیروی زمینی را با اقسام سلاح‌ها و آتشبارها و توپ‌ها تقویت کنند و بدانند که مسامحه در این امر نزد خداوند و ملت گناهی نابخشودنی است و از عواقب آن بر حذر باشند.

من از خداوند تعالی رحمت برای شهدای عزیز در این جنگ تحمیلی خواستارم. اینان برای اسلام فدا شدند و در نزد خدای تعالی و در جوار رحمت واسعه او به سعادت ابدی و افتخار دائمی رسیدند و به بازماندگان آنان تبریک و تسلیت عرض می‌کنم. شما مسلمانان متعهد دین خود را به اسلام بزرگ و خداوند متعال ادا کردید و راه وفاداری و فداکاری را به ما آموختید. خداوند تعالی ما را به شما ملحق کند و از این فیض عظیم محروم نفرماید و اخیراً تأکید می‌کنم که پایداری در این امر حیاتی و شدت عمل موجب افتخار جوانان ماست.

از خداوند تعالی عظمت اسلام و مسلمین و پیروزی مجاهدین در راه خدا را خواستار است.

والسلام علی من التبع الهدی

روح الله الموسوی الخمينی

## بیانات امام خمینی در جمع سفرای کشورهای اسلامی

### اسلام یک دین عبادی سیاسی است

بسم الله الرحمن الرحيم

ما در روزی مجتمع هستیم در این محل حقیر که انبوه مسلمین از سراسر کشورهای اسلامی در مکه معظمه مجتمع هستند این اجتماع دینی سیاسی . اسلام یک دین عبادی سیاسی است که در امور سیاسی اش عبادت منضم است و در امور عبادی اش سیاست . این جمعیتی که اسلام برای مسلمین به طور سهولت تهیه فرموده است ، در سال یک دفعه فریضه فرموده است بر کسانی که استطاعت دارند که مجتمع بشوند در مکه معظمه و در مواقف شریفه و برای همه مسلمین مستحب است که مستطیع هم که نباشند این عبادت الهی را بجا بیاورند و نکته مهم این اجتماعات این است که مسلمین با هم در یک محیط دور از تشریفات ، یک محیطی که همه آن جهات شخصیات ها را ریخته و با یک کفن و با دو ثوبه مختصر در این مواقف حاضر شوند و مهم این است که آن چیزهایی که در بلاد مسلمین در طول سال گذشته است به اطلاع هم برسانند و برای رفع اشکالات مسلمین فکر بکنند و اجتماع بزرگ میلیونی اسلامی در حجاز برای همین نکته است در عین حالی که عبادت است . و مع الاسف ما مسلمان ها که از اسلام دور افتاده ایم و از حقایق اسلامی منزوی شده ایم در این فکر ابدان نیستیم که اولاً کسانی که می توانند بروند ، بروند مشرف شوند در خانه خدا و کسانی که اصحاب تفکر هستند ، نویسنده هستند ، روشنفکر هستند و عالم هستند ، در آن محیط مجتمع بشوند و مشکلات مسلمین را در تمام جهان بررسی کنند و آنچه که می توانند حل کنند . ما الان از تشریف مکه و حج بیت الله جز اینکه یک دسته اشخاص عامی مردم ، عامه مردم در آنجا مجتمع بشوند و اشخاص مؤثری که می توانند ، از بزرگان قوم در آنجا می توانند مجتمع بشوند و مسائل اسلام را و مسائل مسلمین را و مسائل سیاسی و اجتماعی مسلمین را بررسی کنند ، مع الاسف این امر مغفول عنه است و در عین حال که باید در آنجا بررسی مشکلات را بکنند بر مشکلات افزوده می شود . مشکلات مسلمین زیاد است ، لکن مشکل بزرگ مسلمین این است که قرآن کریم را کنار گذاشته اند و تحت لوای دیگران در آمده اند . قرآن کریم که می فرماید که واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا ما اگر همین یک آیه را ، مسلمین اگر همین یک آیه را عمل به آن بکنند تمام اشکالات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و همه چیزشان بدون تشبث به غیر رفع می شود . اسلام برای مردم در هر ناحیه یک امور سیاسی عبادی قرار داده

است. این اجتماعات در تمام کشورهای مسلمین و در هر شهر و ده و روستا، اینها یک امور اجتماعی - سیاسی است که اهل بلد در مساجد مجتمع بشوند و مشکلات خودشان را نسبت به آن بلد حل بکنند و نماز جمعه یک عبادت سیاسی و اجتماعی است که در هر هفته مردم اجتماعات زیاد بکنند و مسائلشان را حل بکنند در آنجا و اجتماع کعبه بزرگترین اجتماعی است که هیچ دولتی نمی تواند خودش این اجتماع را ایجاد کند و خدای تبارک و تعالی همچو کرده است که مسلمین بدون یک مزاحمت ها و زحمت هائی و بدون یک خرج هائی که بر دولت باشد، مجتمع می شوند در آنجا و مع الاسف استفاده از آن نمی شود.

### **بردولت های اسلامی واجب است که با دولت عراق مقاتله کنند**

ما الان در یک روزی مجتمع هستیم که دولت صدام، دولت غاصب صدام بدون یک عذر موجهی در بین تمام دول عالم، بدون اطلاع و بدون سابقه با دریا و هوا وزمین هجوم کرد بر ایران و به خیال خودش خواست که کشورگیری کند و خلافت مسلمین را یک آدمی که به اسلام اعتقاد ندارد، ریاست مسلمین را به دست بگیرد. و مع الاسف در عین حالی که در قرآن کریم است که اگر دو طایفه ای از مسلمین با هم اختلاف کردند شما مصالحه بدهید بین آنها را و اگر چنانچه یکی از آنها باغی باشند و طاغی باشند، با او قتال کنید تا اینکه سر نهد به احکام خدا. کدام یک از کشورهای اسلامی بررسی کردند در اینکه طاغی و باغی کیست و آن کسی که هجوم کرده است کیست تا اینکه همه به امر خدا با او مقاتله کنند؟ بر کدام مملکت اسلامی پوشیده است این معنا که صدام به مابغی کرده است و طغیان کرده است و ظلم کرده است و هجوم کرده است چرا ممالک اسلامی به آیه شریفه ای که می فرماید که فقاتلوا التی تبغی حتی تقی الی امر اللّٰه چرا عمل نمی کنند؟ مع الاسف بعضی از ممالک اسلامی یعنی ممالکی که دولت هایشان به اسم اسلام بر آنها حکومت می کنند در عین حالی که می بینند که او طغیان کرده است و هجوم کرده است بر یک مملکت اسلامی بدون جهت، بدون یک حجت، با او اعلام موافقت می کنند یا بعضی پشتیبانی می کنند. ما باید مشکلات اسلامی را در کدام نقطه عالم طرح کنیم و حل کنیم؟ مسلمین عالم باید مشکلاتشان را در چه محفلی حل بکنند؟ در محافل بین المللی که دستاورد دولت های بزرگ است؟ در آن محافلی که به اسم اسلام است لکن اثری از اسلام در آن نیست؟ باید مملکت ایران شکوای خودش را به چه مقامی عرضه کند؟ ملتی که مورد هجوم واقع شده است بدون جهت، بدون عذر، باید با کی طرح کند این مطالب را؟ با کدام یک از دولت ها این مسأله را طرح کند؟ بر همه دولت اسلامی به نص قرآن واجب است که مقابله کنند با دولت عراق تا بر گردد به ذکر خدا و امر خدا.

بله صدام گمان می کرد که با یک مملکت آشفته که منزوی شده است و همه دولت ها پشت به او کرده اند یا او را در فشار اقتصادی گذاشته اند طرف شده است و ما نه قوای نظامی داریم و نه انتظامی داریم و نه ساز و برگ جهاد و جنگ. او همچو گمان کرد و گمان می کرد با چند ساعت تهران را هم فتح خواهد کرد. او غافل از خدا بود، او فکر نکرده بود که ما یک ملتی داریم که منسجم با هم است و

همه ایمان دارند و ایمان است که آنها را بر مسائل و بر مشکلات غلبه می دهد. آنها تفکر نکردند که، تأمل نکردند که شاه خائن سابق که دارای همه قوا بود و همه قدرت ها با او بودند و پشتیبانی می کردند، همین ملت غیور ایران با قدرت ایمانی او را به جهنم فرستادند. او تصور این را نکرد که ملت ایران همه قدرت هائی که پشتیبان محمد رضای مخلوع بودند کنار زد و دست همه را از منابع خودش و سلطه همه را قطع کرد. او از این معانی غفلت کرد از باب اینکه اعصابش ضعیف است من از اولی که این شخص روی کار آمد گفتم به اشخاص که آدم خطرناکی است برای اینکه این در حال جنون است، اعصاب این آدم کار نمی کند و حالا ثابت شد این معنا.

مع الاسف گمان می کنند بعضی که ما منزوی شده ایم به واسطه مخالفت با آمریکا. خیر، آمریکا منزوی شد. میزان ملت هاست. شما سرنیزه را از روی ملت بردارید و مردم را آزاد بگذارید ببینید کی منزوی است. الان هم که سرنیزه ها هست در داخل عراق، ملت عراق با ما هستند و عنقریب انشاء الله انفجاری در عراق پیدا خواهد شد نظیر انفجاری که در ایران بود ما منزوی نیستیم، آنهائی که ظالم هستند و به ما ظلم کرده اند منزوی هستند برای اینکه میزان ملت ها هستند. ما قبل از این انقلاب منزوی بودیم برای اینکه ملت ها با ما توجهی نداشتند، بعد از انقلاب، هم ملت ما منسجم شد و یک شد، یدوا واحده علی من سواهم شد و هم همه ملت های ضعیف حتی ملت های غیر اسلامی که جزء مستضعفین شدند با ما هستند، چطور ما منزوی هستیم؟ بله دولت هائی که هستند، دولت هائی که ملت هایشان هم با آنها مؤافق نیستند، آنها با ما مخالفند و ما با کی نداریم از این معنا. ما این انزوا را با آغوش باز استقبال می کنیم برای اینکه ما تا منزوی نشویم و تا دست مان از پیش ابرقدرت های دیگر کوتاه نشود، خودمان نمی توانیم کار خودمان را انجام بدهیم و سر پای خودمان بایستیم. ما باید منزوی بشویم تا مستقل بشویم، باید منزوی بشویم تا آزاد بشویم انزوا برای ما هیچ طرح نیست و ما از انزوی اقتصادی و سیاسی و اجتماعی ابداً باک نداریم، برای اینکه میزان ملت ها هستند و ملت ها با ما هستند. شما اگر رادیوها را ملاحظه کنید، در سطح جهان، تمام جهان با ما اظهار موافقت کردند و با ما خواسته اند که در جبهه جنگ حاضر بشوند و ما را از این غائله به اصطلاح خودشان نجات بدهند و ما احتیاج به این نداریم. ما همچو سیلی خواهیم زد به صدام و حزب بعث عراق که دیگر بلند نشود از جای خودش. ما باید این اشتباه را رفع کنیم هم از دولت غاصب عراق و هم از سایر دولت های اسلامی که گمان می کنند اگر چنانچه هجومی به ایران بشود ایران صدمه به آن وارد می شود. ایران یک موجود، یک موجود الهی است که هیچ چیز او را صدمه نخواهد زد. ایران واحد است و با دست واحد، 35 میلیون جمعیت با صدای واحد در مقابل قدرت ها ایستاده است و هیچ قدرتی نمی تواند یک ملت را منزوی کند و هیچ ملتی نمی تواند بر یک ملتی که بپاخاسته اند حکومت کند. شما ملاحظه کنید افغانستان را، افغانستان در عین حال که احزاب چپی دارد که قدرتمندند و حکومتش هم با ملت مخالف است و ملت هم با حکومت، و آن قوای ابرقدرت هم وارد در آنجا شده است آنچنان صدمه سیاسی به شوروی وارد شد در این کار که پیش همه ممالک مفتضح شد، آنچنان سیلی زدند چریک های قدرتمند

افغانستان به روی شوروی که باید سرش را بلند نکند و ایران از افغانستان قویتر است برای اینکه ایران دستجات مختلف ندارد. اگر چهار تا فرض کنید که ساواکی یا کمونیست در اینجا هست، اینها چیزی نیستند و در قبال ملت ما ناچیزند و در قبال ملت ما ناچیزند اما ملت ما با دولت، ملت، دولت، قوای انتظامی همه با هم هستند و بحمد الله، هم قوای انتظامی ما الان قوی است و هم ساز و برگ ما قوی است و این ساز و برگی است که دشمن ما برای ما تهیه کرد. این ساز و برگ بسیار زیادی است که آمریکا برای ما تهیه کرد. او تهیه کرد که در مقابل شوروی بایستد و به دست ما افتاد و ما در مقابل خودش و هر دولت دیگری ایستادگی داریم. قدرت ما را اینها نمی دانند، آن قدرت معنوی که در ایران هست، آن قدرت اسلامی که در ایران هست باز ادراک نکرده اند.

### مسلمین باید توجه به قدرت اسلام داشته باشند

مسلمین باید توجه به قدرت اسلام داشته باشند. این قدرت اسلام بود که با دست خالی یک ملتی را بر یک دولت غاصب بزرگ و ابرقدرت های بزرگ عالم غلبه داد، این قدرت اسلام بود. چرا مسلمین از این قدرت غافلند؟ چرا دولت های اسلامی از این قدرت اسلام غافل هستند؟ چرا باید در طول سال های متمادی دولت های عربی سیلی بخورند از صهیونیسم؟ چرا باید در تحت سلطه قدرت های خارجی باشند؟ چرا خودشان با هم مجتمع نمی شوند؟ چرا به آیات شریفه قرآن عمل نمی کنند؟ چرا با هم مجتمع نیستند؟ چرا به احادیث نبی اکرم اعتنا نمی کنند که فرموده است مسلمین ید واحده علی من سواهم؟ مع الاسف بین خودشان اختلافات است. مشکل مسلمین همین است که اختلاف انداخته اند بین شان و بعد از جنگ عمومی این نقشه کشیده شد و قدرت اسلام را دیدند و نقشه کشیده شد و دولت اسلامی را از هم جدا کردند و مسلمین را با هم مخالف کردند و دولت اسلامی با هم دشمن شدند. این مشکلی است که حل باید بشود. این مشکلی است که در روز عید و در روز عرفه در پناه خانه خدا باید حل بشود. این مشکلی است که سران قوم مجتمع بشوند در مکه معظمه امر خدای تبارک و تعالی را اطاعت کنند و با هم در آنجا اجتماع کنند و با هم مشکلات خودشان را در میان بگذارند و غلبه کنند بر مشکلات خودشان. اگر یک همچو امری واقع بشود احدی از قدرت ها نمی تواند با شما مقابله کند. شما مسلمین همه چیز دارید، شما مسلمین قدرت اسلام دارید که بالاترین از چیزها است، بالاترین سلاح هاست و شما مسلمین صحراها و دریاها و وسیع و کشورهای بسیار وسیع دارید و غنی هستید. در عین حالی که شما از حیث همه چیز غنی هستید معذالک بیشتر مستمندان شما به حال فقر دارند زندگی می کنند این برای این است که شما به اسلام عمل نمی کنید. شما اموال مسلمین را، آن چیزهایی که باید به نفع مسلمین باشد به غیر مسلمین می دهید آن هم به یک ثمن بخس، همان ثمن هم در زمان شاه مخلوع همان ثمن بخس هم دوباره برمی گشت به جیب خود آمریکا و بعد هم سلاح ها را درست می کردند برای خودشان که مقابله کنند با شوروی و بحمد الله این سلاح ها را خدا خواست که به دست ما بیفتد و امروز در مقابل همه کشورهایائی که بخواهند به ما تعدی

کنند قیام خواهیم کرد و ملت ما با قدرت اسلامی با قوای نظامی و انتظامی با مجاهدین اسلام و با همه قدرت های مسلح و غیر مسلح با هم هستند و کسی نمی تواند به این مملکت تعدی کند و ما نمی دانیم که چرا مسلمین (یعنی ممالک اسلامی ، والا خود مسلمین با ما هستند) چرا ممالک اسلامی پا میان نمی گذارند و این آدم را به پای میز محاکمه نمی کشانند از چه می ترسند صدام باید محاکمه بشود همانطوری که کارتر باید محاکمه بشود . او برای نفع خودش عمل می کرد و این ملعون برای نفع آمریکا عمل کند . او برای اینکه چند کیلومتر زمین خشک ، برای این لشکر کشی نمی کند و اینهمه جمعیت اسلام را چه از آن طرف و چه از این طرف به قتال وادارد و به کشتن بدهد و آنهمه میلیاردها دینار عراقی و تومان ایرانی را به این دو تا کشور ضرر بزند و آن سلاح هائی که باید ما در مقابل دشمن و در مقابل صهیونیسم و امپریالیسم باید به کار بیندازیم به روی هم بکشیم و این یک جنایتی است که صدام کرده . ما مدافع هستیم از منافع خودمان ، ما مدافع از اسلام هستیم ، ما می شناسیم این آدم را ، من در عراق هم شناختم این آدم را که این آدم اگر چنانچه خدای نخواست دستش باز بشود از عفلق بدتر است و عفلق اسلام را مخالف همه چیز خودش داند .

ما مدافع اسلام هستیم و مدافع اسلام با جان و مال و عزیزان خودش دفاع می کند و هرگز نخواهد نشست . ما چه پیروز بشویم در عالم ماده و چه غلبه بکنیم ، غلبه با ماست . پیغمبر اسلام هم در بعضی از جنگ ها شکست خورد لکن غلبه با او بود . اولیاً اسلام هم در بعضی از جنگ ها دشمنان بر آنها غلبه کردند ، لکن غلبه با آنها بود . غلبه با حق است ، باطل زهوق است (ان الباطل کان زهوقاً ما در این روز به همه مسلمین دعا می کنیم و دست تضرع پیش خدای تبارک و تعالی بلند می کنیم که مسلمین بیدار بشوند ، حکومت های اسلامی بیدار بشوند ، حکومت اسلامی توجه کنند به اینکه مشکلاتشان را رفع کنند ، این وابستگی خودشان را به ابرقدرت ها بردارند از میان ، مستقل بشوند ، خودشان باشند ، خودشان اداره کنند ممالک خودشان را . ما اینکه گوئیم باید انقلاب ما به همه جا صادر بشود ، این معنی غلط را از او برداشت نکنند که ما می خواهیم کشور گشائی کنیم . ما همه کشورهای مسلمین را از خودمان می دانیم . همه کشورها باید در محل خودشان باشند . ما می خواهیم این چیزی که در ایران واقع شد و این بیداری که در ایران واقع شد و خودشان را از ابر قدرت ها فاصله گرفتند و دادند و دست آنها را از مخازن خودشان کوتاه کردند ، این در همه ملت ها و در همه دولت ها بشود . آرزوی ما این است . معنی صدور انقلاب ما این است که همه ملت ها بیدار بشوند و همه دولت ها بیدار بشوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند و از این تحت سلطه بودنی که هستند و از اینکه همه مخازن آنها دارد به باد می رود و خودشان به نحو فقر زندگی می کنند نجات بدهد .

خدای تبارک و تعالی این عید را بر همه مسلمین مبارک کند و این عید مبارک است بر ملت ایران که در جنگ است و مبارک است بر آنهایی که شهید شدند و مبارک است بر آنهایی که شهید دادند . خدای تبارک و تعالی به ما هم این فرصت را بدهد که در راه او شهید بشویم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## بیانات امام خمینی خطاب به حبیب شطی، دبیرکل کنفرانس کشورهای اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

الان جنگ در ایران است و این خود دلیل بر تهاجم آنها بر ماست و اگر ما مهاجم بودیم در عراق بودیم .

بدون هیچ سابقه و بدون هیچ دلیلی با پایمال کردن تمام مواضع بین المللی، صدام اقدام کرد بر هجوم به ایران، آن هم با اسلحه هائی که آنطوری که اشخاص مطلع به من توضیح داده اند از اسلحه هائی است که تاکنون اسرائیل استفاده نکرده است و ایشان استفاده کرده است و بسیاری از پیرمردها و جوان ها و کودکان ما را کشته و بسیاری از مخازن ما را خراب کرده است . البته هر کس اینچنین جنایاتی بکند و شهر و روستاهای ما را بگیرد، آرزو می کند آتش بس قرار شود . او خورده است و برده است و ظلم کرده است و ما خسارات را بدون جهت دیده ایم و این امری است که اینطور امکان ندارد . دولت اگر چنانچه می خواهند عملی بکنند و صلح و صفا باشد، باید با آن کسی که مهاجم بوده است و بغی کرده است و هجوم کرده است به یک مملکت اسلامی، فرضا اگر دولت عراق مسلم باشد، باید با او قتال کنند تا اینکه برگردد به امر خدا و برگشتن به امر خدا، مجرد این نیست که از کشور ما بیرون برود، بلکه خسارات ایران را، خسارات مالی ایران را جبران کند، خسارات جانی که قابل جبران نیست و قوای خودش را بیرون بکشد و دستش را از مملکت عراق کوتاه کند و حکومت غاصب خودش را کنار بگذارد و ملت عراق را آزاد بگذارد که سرنوشت خودشان را به دست بگیرند . مسأله نزاع بین حکومت و حکومت نیست، مسأله هجوم یک بعث عراقی غیر مسلم است بر یک حکومت اسلامی و این قیام کفر علیه اسلام است و بر همه مسلمین، قتال با او واجب است . اگر مسلمین تکلیف خودشان را عمل کنند، ما هرگز بنا نداریم در مملکت دیگری دخالت کنیم . هجوم از طرف آنهاست و بر خلاف میل ملت عراق است . شما حکومت های اسلامی بیائید و این ملت عراق را آزاد کنید و تضمین کنند آزادی ملت عراق را و ببینند که آیا ملت عراق این حکومت را می خواهد یا نه . صدام اخیرا انتخاباتی در عراق انجام داد، در مجلس قانونی گذراند که هر کس مخالفت کند محکوم به اعدام است . حتی از علمائی که ضد او بودند، با فشار از آنها رأی گرفتند . صدام آنهمه ظلم که مرتکب شده است و آن مقداری که رجال دینی و اسلامی را قتل عام کرده است به مملکت ما تجاوز نکرده است . تجاوز او بر ملت خودش بیشتر از تجاوزی است که بر ما کرده است . بر ما و شما و همه مسلمین

واجب است که او را بر سر جایش بنشانید و خساراتی که بر عراق و ایران وارد شده از او مطالبه کنید . ما دعوا با کسی نداریم لکن خسارات عراق و ایران را مطالبه می کنیم . ما می خواهیم اسلام را حفظ کنیم و با بودن این حزب در عراق ، اسلام در خطر است آن هم در خطر کفر . و شما در این امر می توانید با دولت و مجلس و رئیس جمهوری ایران مذاکره کنید که آنها هم همین را خواهند گفت . و ما از خداوند تبارک و تعالی می خواهیم که بین مسلمین اتفاق و وحدت حاکم باشد تا اینکه دیگران ما را نچاپند و مستقل باشیم و خودمان کشورمان را اداره کنیم .

در پایان این دیدار و گفتگو آقای حبیب شطی از امام پرسید: آیا اجازه می دهند که عده ای از رؤسای دولت های اسلامی در رأس هیاتی جهت بررسی به ایران بیایند و با شما دیدار کنند . امام در پاسخ وی فرمودند : برای رسیدگی به جنایات صدام ، آمدن به ایران مانعی ندارد .



## بیانات امام خمینی در جمع نخست وزیر ، اعضای هیأت دولت ، نمایندگان مجلس شورای اسلامی ، مدیران مراکز رادیوئی شهرستان ها و اقشار مختلف مردم

### انسان یک موجود عجیبی است در جمیع مخلوقات باری تعالی

بسم الله الرحمن الرحيم

مبارک باشد این عید سعید بزرگ بر ملت های مستضعف جهان و بر توده زیر بار استکبار و بر ملت شریف رزمنده اسلامی ایران .

انسان یک موجود عجیبی است ، در جمیع طبقات موجودات و مخلوقات باری تعالی ، هیچ موجودی مثل انسان نیست ، اعجوبه ای است که از او یک موجود الهی ملکوتی ساخته می شود و یک موجود جهنمی شیطانی هم ساخته می شود . موجودات دیگر اینطور نیستند ، اینطور نیست که این فاصله باشد بین فرد کامل و ما بین فرد جهنمی ناقص . این از مختصات انسان است که حق تعالی او را با جمیع اوصاف و صفات مقدس خودش ایجاد کرده است و همه چیز در او هست . از این موجود ، پیغمبر اکرم و سایر پیغمبرها محقق شده است و ابوجهل و سایر ابوجهل ها هم هست و واسطه مابین این دو تا هم الی مالا یعلم هست و کارهایی که از این انسان صادر می شود حسن و قبح و صلاح و فسادش بستگی دارد به آن جهات روحی انسان . اعمال به حسب صورت با هم خیلی فرق ندارند ، آن چیزی که فارق بین اعمال است ، آن نیت است (انما الا اعمال بالنیات ) ملاحظه می کنید که شمشیر دست دو نفر باشد و مثل هم فرود بیاید و مثل هم دو نفر را هلاک کند ، یکی از آنها مثل عبادت ثقلین باشد ارزشش و یکی از آنها طوری باشد که در فساد و در تباهی قابل ذکر نباشد ، اما عمل یک عمل است دست بالا می رود و فرود می آید و یک نفر را می کشد . این اختلاف ، مال اختلاف خود انسان است ، اختلاف روحیات انسان است و اختلاف قصدهایی است که روی آن قصدها و اغراضی که روی آن اغراض ، اعمال موجود می شوند انگیزه اعمال به غایات است . آن چیزی که اعمال را با هم مختلف می کند ، آن غایاتی است که انسان را وادار می کند به اینکه عملی را انجام بدهد و مراتب حسن و قبح و مراتب فضیلت و رذیلت هم روی همین معناست و انگیزه هائی هم که در اعمال بشری است اختلافش روی همین معنویات است و اراده و تصمیم و غایات . یک فعلی می بینید که غایتش الهی است و غیر غایت الهی هیچ چیز در آن دخالت ندارد . آن عملی که الهی باشد و انگیزه ای جز الوهیت نداشته باشد ، مثل اعمالی که انبیا علیهم السلام در تبلیغات خودشان انجام می دادند ، این اعمال طوری است که هیچ انگیزه ای ندارد الا خدای تبارک و تعالی و لهذا انبیا بزرگ در عین حالی که در این تبلیغ شان و در

این ارشادشان آنقدر زحمات را متحمل می شدند، هیچ یک از این زحمات آنها را از آن عملی که داشتند سست نمی کرد و باید گفت که هیچ یک از آن زحماتی که ما و به حسب انگیزه های بشری به نظر می آید که زحمت است، برای آنها اینطور نبود برای اینکه روی آن مقصدی که آنها حرکت می کردند و عمل می کردند، آن مقصد به قدری بزرگ بود و به قدری عالی بود که تمام زحماتی که برای آن مقصد متحمل می شدند، به نظرشان زحمت نبود. مقصد نظر بود و لهذا می بینید که تمام عمرشان را انبیا صرف می کردند در همان مقصدی که داشتند و یک قدم عقب نمی گذاشتند و هیچ تزلزلی در روح آنها حاصل نمی شد.

### **وقتی که مقاصد عالی شد، زحمت های در راه آن باید در نظر انسان نباشد**

من گمان ندارم که هیچ کس به قدر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در آن سیزده سالی که مکه تشریف داشتند و در آن ده سالی که در مدینه، اگر کسی درست توجه بکند به زندگی حضرت مولا رسول الله، می بیند که شاید آدم بتواند بگوید یک روز ایشان، یک حالی که به حسب نظر ما استراحت است، ایشان نداشته اند. آنوقتی که در مکه بودند، آنقدر فشار داشتند و آنقدر اذیت به ایشان می کردند و آنقدر ایشان را در تنگنای همه طور و همه جانبه می گذاشتند که بالاخره مجبور شدند که بروند در یک غاری و در آنجا هم تحت نظر اینها بودند و زندگی ایشان آنطور گذشت. یک روز برای ایشان استراحت نبود و بعد از اینکه دیدند نمی شود در مکه ماند و تبلیغاتشان در مکه آنقدر تاثیر ندارد و یک عده معدودی، چند نفری به ایشان ایمان آوردند، ایشان هجرت کردند و اگر چنانچه وضع ایشان را در مدینه هم ببینیم، می بینیم که در این ده سال مدینه، جز زحمت و اشتغال به جنگ هایی که بیش آمد و غزوه هایی که پیش آمد، نداشتند و در آن غزوات هم سنگینی اش به دوش خود ایشان بود، لکن مقصد یک مقصدی بود که اینها پیش او هیچ نبودند. در مکه وقتی که به ایشان پیام دادند که تو بیا دست از این دعوت بردار و تو هر چه می خواهی ما در اختیارات مثلا می گذاریم، ایشان فرمودند که اگر همه عالم (تعبیرشان تقریباً این است که) همه زمین و آسمان را به من بدهید، من این دعوت را دست از آن بر نمی دارم برای اینکه این دعوت الهی است، این ماموریت الهی است. ماموریت الهی را برای اینکه یک منصبی، یک مقامی، یک مالیتی، یک چیزی پیدا کنم معنا ندارد. مقاصد وقتی که عالی شد، زحمت های در راه آن مقصد باید در نظر انسان نباشد. از آن طرف آن افرادی که از فطرت انسانی خارج شدند و حیوانی هستند به صورت انسان، سبعی هستند به صورت انسان، شیطانی هستند به صورت انسان، آنها هم در راه مقصد خودشان کوشش می کنند، مقصدی که دارند آنها هم کوشش می کنند، لکن فرق ما بین این دو راه و این دو مقصد این است که آنها کوشش می کنند برای به دست آوردن یک مارب حیوانی، شیطانی و اینها کوشش می کنند برای یک مقصد الهی، اینها می خواهند که جامعه را، تمام جامعه را انسان کنند. انبیا مامورند از جانب خدای تبارک و تعالی که بیایند و جامعه ها را که در سر دوراهی واقع شدند، یک راه، راه انسانیت است و یک راه، راه شیطانی و طاغوتی و

غیر انسانی و خود مردم نمی توانند درست تشخیص بدهند راه را، انبیا موظفند که ملت ها را و گروه ها و جمعیت ها را با دعوت های خودشان، با تعلیمات و ارشادات خودشان انسان کنند. از اول خلقت تا آخر، همین معنا طرح است که این جمعیت ها انسان بشوند

## معیارها را باید معیارهای الهی قرار بدهیم

همه زحمت های انبیا و همه کتب آسمانی و همه دعوت های اولیا و انبیا برای این بوده است که این موجودی که اگر به خودش واگذاشته بشود، از تمام حیوانات بدتر است و از تمام شیاطین شیطانتر است، این را هدایت کنند و به صراط مستقیم دعوت کنند و الهی کنند، انسانی الهی کنند. البته توفیق نبوده است که همه را انسان کنند، سرکش ها زیاد بودند، کسانی که از فطرت انسانی خارج بودند، زیاد بودند و زیاد هستند، لکن آنها کوشش خودشان را کردند و آن مقدار از برکاتی که در دنیا هست، همه از برکات انبیا بزرگ الهی است و اولیا. ما نباید معیارها را معیارهای مادی قرار بدهیم و پیروزی و شکست را هم روی معیارهای طبیعی و مادی مطالعه کنیم. ما معیارها را باید معیارهای الهی قرار بدهیم و پیروزی و شکست هم در همان میدان الهی تشخیص بدهیم. ما اگر در آن میدان الهی و در آن صراط مستقیم انسانی پیروز باشیم، اگر تمام عالم هم به ضد ما قیام کنند و ما را هم نابود کنند، ما پیروزیم برای اینکه معیار، معیار طبیعی نبود. عالم هم همین عالم طبیعی نیست. این عالم طبیعی، اخیره موجودات است، تقاله موجودات است. عوالمی که الی ما شأ الله هست و ما از آنجا آمده و به آنجا خواهیم رفت. میزان، آن میدان است و میزان، آن راه است. انسان به ماهو، انسان شکست و پیروزی، معیارش آن راه است، نه طبیعت. اگر ما در آن راهی که داریم، همان راهی که انبیا داشتند ما هم موفق بشویم که همان راه را برویم همانطور که انبیا علیهم السلام پیروز بودند، در آن راهی که راه مستقیم انسانیت است پیروز بودند، ولو اینکه کشته شده اند، ولو اینکه آتش زدند بعضی شان را، ولو اینکه به زحمت انداختند آنها را، لکن در آن راهی که راه انسان بود همه آنها پیروز بودند در مقابل آنهایی که طاغوت بودند. فرعون ها و امثال آنها در این راه شکست خوردند، در راهی که راه انسان است، آنها شکست خوردند، اصلش در این راه نیامدند. دشمن های انسانیت و اسلام اصلش شمش این معنا را نکردند که یک چیز دیگر غیر از این حیوانیت و غیر از این طبیعت هم هست. آنهایی که فهمیدند که مقصد، مقصد الهی باید باشد و ما از خدائیم و به او رجوع می کنیم (انالله و انا الیه راجعون) ما از خدائیم، ما کاری انجام می دهیم، ما همان چیزهایی که خدا به ما داده است در راه خودش، اگر چنانچه مثل انبیا هم فرض کنید، یا در طریق انبیا هم باشیم، این کوردلی است که انسان خیال کند من یک کاری کردم. تو غرق نعمت های خدا هستی، چشمت از خداست، گوشت از خداست، قدرتت از خداست، دستت از خداست، پایت از خداست، همه از اوست. من نمی توانم اسمش را هم امانت بگذارم، باز یک نفسانیتی هست در کار، وقتی همه از او هست، در راه او اگر دادید کاری نیست این، چیزی که از خود اوست در راه خود او. اگر بنا باشد که ما این ارزش انسانی را ادراک بکنیم و این ارزش الهی را ادراک بکنیم،

نباید متاثر بشویم از اینکه ما را در تنگنای اقتصادی قرار دادند. تنگنای اقتصادی، هر کاری بکنند راجع به دنیاست، راجع به طبیعت است. ما را در هجوم نظامی قرار بدهند، یک وقت خودشان مستقیماً، یک وقت با ابادیشان، ما نباید از این معنا آزرده بشویم، چرا آزرده بشویم؟ ما مامور خدا هستیم و خدای تبارک و تعالی همه نعمت‌ها را به ما عطا فرموده است و آن چیزهایی که عطا کرده، در راه او باید صرف بکنیم.

### آنچه که انسان را مطمئن می‌کند، ذکر خداست

اگر موفق شدیم که صرف کردیم آن چیزهایی که خدا به ما داده در راه او، ما پیروز هستیم. یک مسلمان و مومنی که به آن وظیفه شرعی‌ای که دارد، به آن وظیفه فطری که دارد، اگر عمل بکند، آن پیروز است ولو در جامعه حیوانی انسان‌ها هم مفروز باشد و مطرود باشد. و آن صورت انسانی که بر خلاف آن مسیر انسانی رفتار می‌کند، هر چه هم که پیش برود، هی حیوانیتش زیاد می‌شود، سبعتش زیاد می‌شود. انسان یک اعجوبه‌ای است که از هر دو طرف غیر متناهی است، از طرف سعادت غیر متناهی و از طرف شقاوت غیر متناهی. ما باید میزان فصل ما بین انسان و حیوان را انسان و شیطان را به دست بیاوریم تا بتوانیم بفهمیم کی پیروز است و کی شکست خورده. این ابر قدرت‌ها که ما اسمش را ابر قدرت می‌گذاریم، اینها تمام قدرتشان صرف حیوانیت می‌شود، تمام قدرتشان را روی هم می‌گذارند و صرف آمال حیوانی و شیطانی می‌کنند و به آن هم درست نمی‌رسند. اگر بنا بود که به آن چیزی که می‌خواهند برسند که باید وقوف کنند. اینکه می‌بینید که این قدرت‌ها هی جلو می‌روند و هر چه داشته باشند باز یک قدم جلوتر می‌روند و اگر تمام این عالم را هم داشته باشند باز کافی برایشان نیست، این برای این است که در طرف آن طرف هم غیر متناهی هست انسان. آن چیزی که انسان را مطمئن می‌کند آن خداست. آن ذکر خداست (بذکر الله تطمئن القلوب) آن موجودات الهی از باب اینکه پناهگاهشان خدای تبارک و تعالی است، آنها اطمینان دارند. این موحودهای دیگری که طاغوتی هستند، پناهی ندارند. اینها هر چه دستشان بیاید و هر چه ظلم بکنند و هر چه کشور گشایی کنند، یک کشور دیگری هم می‌خواهند باز بگشایند و گمان نکنید که به این سنخ افراد اگر همه این کره ارض را بدهند، این سیر بشود. تمام این سیاره را اگر به یک نفر بدهند، این سیر نمی‌شود، دنبال این می‌رود که خوب، ما برویم در این سیارات دیگر، ببینیم آنجا چه خبر است، برویم آنجا هم بیرق خودمان را بزنیم، چنانکه رفتند در کره ماه هم بیرق زدند. این برای این است که در طرف آمال حیوانی هم انسان غیر از سایر حیوانات است. حیوانات وقتی که آن کار خودشان را، مثلاً خوردند، سیر شدند، دیگر می‌نشینند و کاری ندارد تا وقتی گرسنه بشود، انسان اینطور نیست. کاری بکنیم که این راه را، راه مستقیم را انتخاب کنیم، تا مطمئن بشویم، تا خوف از ما زدایه بشود، از بین برود. انبیا هر کس به آنها هم جسارت کرد هیچ ابدا چیزی به نظرشان نبود، چون که مقصد یک مقصد دیگری بود، مطلب یک مطلب دیگری بود، نه مایوس می‌شدند و نه دل‌سرد می‌شدند و نه گلایه مند می‌شدند. بله، انبیا دنبال این

بودند که چرا باید این بشری که فطرتا باید فطرت سالم داشته باشد، چرا باید اینطور باشد. رسول اکرم برای این غصه می خورد در وحی هم به او گفته است که مثل اینکه تو خودت را داری به کشتن می دهی که اینها ایمان نمی آورند. این نظر این بود که اینها را آدم کند. هر کس که آدم می شد، یک بشارتی برای رسول اکرم یا انبیا بود و اما اینکه بخواهند یک کشوری را بگشایند و بخواهند یک فرض کنید که بلوکی داشته باشند و این حرف های نامربوطی که بین اصحاب طاغوت هست، اینها در بین انبیا مطرح اصلا نبوده، اصلا مطرح نیست. عالم طبیعت پیش انبیا مطرح نیست. آمدند این طبیعی ها را، این موجودات طبیعی را از اینجا بکشندشان ببرندشان طرف یک ممالک دیگر، یک عالم دیگر و آنچه درو هم من و شما نمی آید.

این تحولی که در جامعه ما پیدا شده است، این تحول معجزه آسا، این تحولی که راه صد ساله را در یک شب کانه پیمودند، این را چه کسی کرده است؟ این تحول، یک تحولی است که اگر یک استادی، عارفی، یک شخص الهی بخواهد با موعظه و نصیحت و اینها بکند، بعد از سی سال، چهل سال زحمت، ده تا پانزده تا را تربیت می کند. یک کشور سی و چند میلیونی یکدفعه از آن ظلمت هائی که (بعضیها فوق بعض)، یکدفعه جهش کرد و در نور واقع شد، نورهای غیر متناهی. این تحولی که الان در کشور ما هست، همه روی این مقصد است که از اول فریادشان بلند بود که ما اسلام را می خواهیم، طاغوت را نمی خواهیم. این عنایت خدا را به اینها جلب کرد. خدای تبارک و تعالی که مشاهده می فرماید که یک ملتی از کوچک و بزرگشان می گویند ما اسلام را می خواهیم، عنایتش را به اینها متوجه کرد. این عنایت الهی است که جوان کذایی که باید در (به حسب طبع خودش) باید در فرض کنید که کجا باشد، این را کشاند به جنگ های بین اسلام و غیر اسلام و با چه روی گشاده، مثل سربازهای دیگران نیست که باید با فشار و زور و وعده و وعید آنها را وادار کرده اند، اینها همچو به طبع خودشان. من وقتی که در تلویزیون می بینم که یک گروه هائی، زن یک بلدی (خوب، همه بلاد اینطورند) نشستند و دارند برای این جوان هائی که در جبهه ها مشغول هستند با کمال جدیت دارند بسته بندی می کنند، دارند نان می پزند، دارند بسته ها را درست می کنند، من خجالت می کشم که ما چرا، ما چه هستیم و اینها چه هستند. یک ملت اینطوری شده است. یک ملت، ملتی شده است که برای اسلام و برای وطن اسلامی خودش تمام قشرها قیام کردند، هر که هر چه می تواند. خوب، دیدید که بعضی این پیر مردها، یکی از آنها هم آمده بود اینجا، از این پیر مردها می روند التماس می کنند که ما جبهه جنگ برویم. با اینکه نمی تواند برود می گوید نه، من قدرتش را هم دارم بفرستید مرا، می توانم. بچه های کوچک هم همین فکر را دارند همین کار را که بزرگ می کنند، بچه ها هم همان کارها را انجام می دهند و تعلیمات نظامی کانه می خواهند بگیرند. یک مملکتی اینطوری شده است، این عنایت خداست که به ما توجه پیدا کرده است. ما تا این عنایت را داریم شکست نداریم. تا این سایه عنایت حق تعالی به سر ملت ماست خوف از هیچ چیز نداریم. اگر ما یک موجود مادی بودیم، یک موجودی بودیم که نمی دیدیم، چشم هایمان را از آن عالم بسته بودیم و هر چه می دیدیم اینجا را

می دیدیم، باید اگر یک نفر از ما کشته می شود بنشینیم عزایش را بگیریم، لکن وقتی یک موجود، موجود اسلامی و برای مقصد اسلامی دارد کوشش می کند، تمام کوشش ها را می کند و در عین حال در خودش اصلاً شکست نمی بیند. میدان های جنگی که شما الان ملاحظه می کنید و همه رفتند و اشخاصی رفتند و ملاحظه کردند، این جوان هائی که در آن میدان دارند جنگ می روند و برادرهایشان می بینند کشته شد و افتاد، هیچ فترت و فتوری در آنها دست نمی دهد، به همانطوری که از اینجا با شوق رفتند، با همانطور در جنگ هم با اشتیاق و با دلاوری و با جرات، با آغوش باز شهادت را استقبال می کنند. این یک مسأله ای است، ایران یک وضعی پیدا کرده است که ما نمی توانیم این وضع را تعبیری از آن بکنیم جز اینکه بگوئیم یک مملکت الهی است، یک مملکتی است که فهمیدند افرادش و اشخاصش که برای اسلام باید جانفشانی کرد. شما مقایسه ای بکنید بین ملت ما و سایر ملت ها (نه، ملت ها همه خوبند، آنها باز یک قدری به واسطه آن فشارهائی که بر آنها می آید نمی توانند درست قیام کند و انشأ اللّٰه می کنند) یک مقایسه ای بکنید بین سردمدارهای ممالک دیگر با رؤسای این مملکت. آقای کارتر در کدام جنگ ها رفته است توی جبهه جنگ؟ ایشان در همان کاخ سفید و آن کاخ بیلاقی اش نشسته و وا می دارد اشخاص را جنگ بکنند، کشته هم بشوند به جهنم، شما برای من کار بکن، بمیر و بدم. و آقای صدام در کدام جبهه ها آمده است و سرکشی کرده؟ این از سربازهای خودش هم می ترسد، از ملت خودش هم می ترسد. در کجا شما سراغ دارید که رئیس جمهورش در جبهه دائماً در جبهه از این شهر به آن شهر باشد؟ و رؤسای دیگرش، این آقای رئیس مجلسش هم جبهه برود؟ کجا این مسائل هست؟ امام جمعه ها را در کجا شما دیدید که مثل جندی ها لباس بپوشند و در جبهه بروند؟ کجا هست اینها؟ در کجا شما دیدید که سربازهایش و ارتشی هایش و رؤسای ارتشش اینطور فداکاری بکنند از آنها کشته می شود، باز جلو بروند. در کجا هست این مسائل؟ یک مسائلی است که جز در راه صراط مستقیم انسانی حل نمی شود. برای این است که ملت ما با دولتش، با ارتشش، با این چیزهایش دو تا نیستند، همه از هم هستند، از هم نمی ترسند. کی ما الان گرفتاری این را داریم که تهران مان یا اصفهان مان یا شیراز مان یا کجا حکومت نظامی بشود؟ کی ما همچو نگرانی داریم که نبادا فلان قشر، فلان عشیره، فلان - عرض کنم که - جمعیت در اطراف ایران به ضد ما قیام کنند؟ ما همچو نگرانی نداریم. یک چهار نفر بچه و جوان گول خورده ای که هستند، اینها هم حالا دیگر فهمیدند نباید این کارها را بکنند، انشأ اللّٰه درست بفهمند. این یک مملکت نمونه است الان و ما دلمان می خواهد که این مملکت نمونه آن نمونه عالی بشود و الگو بشود برای همه مملکت ها. این یک مملکت، شما در تاریخ نگاه کنید از صدر تاریخ تا آخر اگر پیدا کردید یک جایی را که زن ها و زن های جوانی که حالا باید فرض کنید که بروند سراغ جوانی شان، و پیرزنش، و پیرمردش، پیرزنش اینطور کوشش کند در اینکه پشتیبانی از ارتشش بکند، پشتیبانی از پاسدارهایش بکند. شما کجا، اگر دارید سراغ بگوئید ما هم بفهمیم. کجا شما همچو چیزی دارید که دوش مردها و پاسدارها و ژاندارمری و ارتش و همه قوای مسلح، دوش به دوش اینها زن ها هم همراهی بکنند؟ هر که هر قدری می تواند. عراق اینطوری است؟ همه مردم

عراق؟! خیلی مضحک است این مطلب ، ایشان گفته بودند که ، آقای صدام ، که فرق ما بین اینهائی که داوطلب شدند برای ما که چهار صد هزار نفرند با آنهائی که در ایران هستند ، اینها به ما احترام می گذارند و به ما توجه دارند ، آنها اصلا پشتشان را کردند به پاسدارها و نظامی ها . خوب ، انسان دهنش باز است ، هر چه دلش بخواهد می گوید . اما خوب وقتی مطالعه کنید ، وقتی ، ایشان خیال می کند که عراق را توی محفظه ای گذاشتند هیچ کس نمی بیندش یک محفظه ای هست که جمعیت عراق توی آن محفظه است فقط ، هر چه به آنها نسبت بدهند هم چیزی خوب ، اگر اینطوری هست ، که این حکومت نظامی ها چیست ؟ اگر مطلب این است که همه همراه شما هستند ، خوب ، شما یک وقتی صاف و پاک برو تو این جمعیت ها ببین می توانی قبل از این ، همانطوری که زمان محمد رضا بود ، شما دیدید که اینها اگر یک ، اگر محمدرضا می خواست از یک خیابانی عبور کند ، در عین حالی که اتومبیلی که نشسته بود ، مسلح به همه جور چیزی بود و شیشه هایش هم ضد گلوله و همه بساط بود ، معذک از یک هفته قبل می رفتند همه خانه ها را تخلیه می کردند و جایش نظامی ها و ساواکی ها را می نشانند تا ایشان بیایند از اینجا عبور کنند بروند آن طرف . حالا ما می بینیم که همه این اشخاص ، این نخست وزیر ما می رود توی جمعیت با آنها صحبت می کند ، رئیس جمهور ما هم همین طور می رود آنجا و همه ارکان ما . این ، اگر ایشان درست می گوید ، خوب ، برو توی جمعیت ها ، چرا خودش را قنداق کرده آن کنار؟

### ما سر اسلام دعوا داریم ، اسلام و ضد اسلام نمی شود با هم تفاهم کنند

خوب ، چه داعی داشت ایشان که بی مطالعه ، بدون اینکه بفهمد قصه چه است ، بدون اینکه ملت ها را در حساب بیاورد ، همین که بعضی از شیاطین مثل خودش ، به گوشش خواندند که الان وقت این است که حمله بکنیم و ایران را ، یک شخصیتی برای خودمان درست کنیم (اینها راهش انداختند برای همچو جنایتی ) چه داعی داشت این کار را بکند که حالا افتاده به این طرف و آن طرف که بیاید ما را صلح بدهید؟ چه جوری صلح بکنیم ما؟ با کی صلح بکنیم ؟ این همانی است که یک کسی بگوید که فرض کنید که پیغمبر اسلام با ابوجهل صلح بکنند ، آخر این قابل صلح نیست . توئی که اینهمه جنایات وارد کردی به کشور خودت و کشور ما ، توئی که اینهمه مسلمان ها را به کشتن دادی ، توئی که این جنایات را که گمان ندارم در تاریخ نظیرش زیاد باشد ، اینهمه جنایات را کردی ، توئی که در دزفول آنطور جنایات را کردی ، حالا ما فرض کنید رئیس جمهور ما و مجلس ما و نخست وزیر ما بنشینند در یک جلسه ای با شما جلسه کنند و دست بدهند و احوالپرسی کنند و بگویند بیاید ، بسم الله ! شط العرب مال شما ، دیگر ما را رها کنید مسأله این است؟! ما جواب ملت عراق را چه بدهیم ؟ حالا ملت خودمان هیچ ، جواب ملت عراق را چه بدهیم که یک رژیم که چندین سال بر او حکومت کرده است غاصبانه و آنقدر از جوان های آنها را کشته و آنقدر از جوان های آن را معیوب کرده و آنقدر از علمای آنجا را شهید کرده و حالا ما بنشینیم ، ما که ادعا می کنیم مسلمانیم ، بنشینیم سر یک میز و با ایشان صحبت کنیم که بیاید با هم مصالحه کنیم ؟ جواب ما ، حالا جواب خدا هیچ که جواب باید بدهیم ، جواب انبیا هیچ که

جواب باید بدهیم ، جواب ملائکه الله هیچ که جواب باید بدهیم ، جواب مستضعفین جهان هیچ که باید جواب بدهیم ، جواب این ملت عراق را ما چه بدهیم اگر از کربلا یک طوماری برای ما برسد که شما چرا با یک آدمی که علمای ما را شهید کرده ، روشنفکرهای ما را در حبس کرده (حبس هایشان الان جانی نمی شود ، یک جاهایی را تخلیه کردند برای حبس از برای اینکه ، از طوری که نقل کردند برای ما) شما نشستید با اینها صلح می کنید؟! چه صلحی ما داریم ؟ ما با این شهدائی که داریم چه جواب بدهیم ؟ ما اینقدر شهید دادیم حالا بنشینیم سر یک میز و با ایشان صحبت کنیم؟! مسأله ما ، مسأله مکتبی است ، مسأله دلخواهی نیست ، ما سر اسلام دعوا داریم ، ما می گوئیم که یک نفر آدمی که اسلام را اصلش مخالف با حزب خودش می داند ، اسلامش اسلام علفی است که از اسلام کارتری هم بدتر است ، یک نفر آدم و حزبی که اسلام را مخالف همه چیز خودش می داند و با تمام قوا اگر دستش برسد می کوبد اسلام را ، ما با او می توانیم مصالحه کنیم ؟ یعنی اسلام را ما فدا کنیم ؟ مگر اسلام زمین است ؟ مگر اسلام آسمان است ؟ همانطوری که در زمان شاه مخلوع اگر به ما گفتند بیاید با هم مصالحه (گفتند هم) ، با ما بیاید مصالحه بکنید ، خوب ، ما حق داشتیم مصالحه کنیم ، یک کسی که با اسلام مخالف است؟! باز مخالفت او کمتر از این است ، منتها همان حقه بازی هایی که آن مردک می کرد و در ایران او می رفت به چیز حضرت رضا می آمدند عکسش هم می انداختند ، همان کارها را این می کند ، حالا می رود ، در رادیو بود ، کجا بود ، نوشته بود که بی رکوع نماز خوانده ، حال این اشکال به او نیست ، ما با اینها هیچ راه مصالحه ای نداریم برای اینکه مقصد ما یک مقصدی است و آن اسلام است ، همه ملت ما اسلام را می خواهند ، مقصد آنها هم یک مقصد ضد اسلامی است ، و آن اسلام است ، همه ملت ما اسلام را می خواهند ، مقصد آنها هم یک مقصد ضد اسلامی است ، اسلام و ضد اسلام نمی شود با هم تفاهم کنند . بله ، اسلام اجازه داده به اینکه یک کسی اگر مسلمان شد و به آداب اسلامی اش رفتار کرد و فهمیدید که مسلمان است و اینها ، او را قبول کنید . ایشان خودش را دست بردارد از این کارها و از مملکت عراق هم دست بردارد و بشود یک نفر مثل افراد عادی و توبه کند و بگوید من مسلمان شدم حالا (الاسلام یجب ما قبل) و اما خدا همچو قلب های اینها را در آن مهر زده است و سیاه کرده است به واسطه اعمال خودشان که اینها دیگر قابل اصلاح نیستند ، هیچ قابل نیستند ، اینها دیگر نمی توانند اصلا توبه کنند ، اینها کارهای خودشان را ، اینها آدمکشی را ، آنطور جنایت را به اینها تبریک گفته ، به اینهایی که جنایت ها را کردند ، این اصلا قابل اصلاح نیست و ما هم حق نداریم اصلاح کنیم ، فرضا من بخواهم ، فرض کنید شهوت نفسانیم اقتضا کند ، اما تکلیف الهی را چه بکنیم ؟ ما مکلف هستیم ، ما همانطوری که با محمد رضا نمی توانستیم اصلاح بکنیم ، جواب نداشتیم از اینهایی که شصت هزار جمعیت از آنها مرده است و کشته شده و شهید شده ، اگر آن پیر مرد ، من بعضی وقت ها با کسانی که خیر خواهی می کردند ، می گفتم خوب ، من جواب این پیرزنی که جوانش را از دست داده ، چه بگویم ؟ ما بیائیم آقای محمدرضا را با او مصالحه کنیم به اینکه او حکومت نکند ، سلطنت بکند!! معنی سلطنت این است که ایشان آن بالاها بنشینند و ما اعلیحضرت آریامهرش را بگوئیم و عرض می کنم همه تشریفات و همه تجلیلات را از او بکنیم ، منتها او دیگر تو سر ما نزنند .

من می گفتم من جواب این



پیرزنی که آمده می پرسد از من که تو چکاره بودی که جوان من از دستم رفت تو او را اعلیحضرت همایونی می خوانی؟ الان هم همان حرف است، ماها چکاره هستیم که برویم بنشینیم با اینها صلح کنیم. این دنیایی که هی فریاد می زند به اینکه بیائید با هم مصالحه کنید و به اسلام برگردید، اینها اسلام را مثل اینکه نشناختند، بعضی از این آخوندهای درباری که ما را نصیحت می کنند که بیائید به اسلام برگردید، اینها اسلام را نمی دانند چه است، اینها اسلام را جز خوردن چیزی نمی دانند، همان مسائل حیوانی اگر اینها اسلام را می دانستند، اینها که می دانند که این مردک، این حزب عفلقی مسلمان نیست و هجوم کرده به یک مملکت اسلامی، تکلیف آن کسی که هجوم می کند به مملکت اسلامی، تکلیف همه مسلمین است که به او هجوم کنند، تازه آن آخوند درباری می گوید که بیائید با هم به اسلام برگردید!! آخر تو بیا به اسلام برگرد، تو بیا بفهم اسلام چه است. اگر اسلام خلاصه می شد در اکل و شرب و مارب حیوانی، آنوقت بله باید بیائیم با هم بنشینیم به آن اسلامی که شما می گوئید برگردیم، اما اسلام آن است که آن شهدا را داده است، اسلام آن است که برای رسیدن به مقصد آنهمه زحمت را نبی اکرمش و اولیائش متحمل شدند، حالا ما برای اینکه چند نفر جوان از دستمان رفته است (با اینکه خیلی عزیزند) از اسلام دست برداریم و برویم بنشینیم مصالحه کنیم؟ ما و ملت ما همانی است که در این خیابان های تهران و در شهرستان های دیگر آنهمه جوان ها را از دست داد و مصالحه نکرد، در صورتی که همه قدرتها دست آن شخص خبیث بود و دنبال کرد مقصد خودش را تا به مقصد رسید. جوان های ما، مردم ما، زن و مرد ما اینها هستند که دنبال مقصد و مکتب شان هستند و مصالحه نخواهند کرد با هیچ قدرتی و با هیچ ابر قدرتی. فرق ارتش ما و ارتش آنها این است که ارتش ما دستش بسته است، ارتش ما اسلام برایش تکلیف معین کرده، ارتش آنها دستشان باز است، توپ، موشک زمین به زمین به اصطلاح خودشان می اندازند، نه متری، ده متری، یک شهر هم همه اش را خراب کنند، آنوقت تبریک می شنوند. ارتش ما نمی کند این کار را، نمی تواند این کار را بکند و نخواهد کرد، ارتش ما فقط موارد جنگی آنها و اشخاصی که مخالف اسلام و قیام بر ضد اسلام کردند، می کوبد و خواهد کوبید. من باید یک تسلیت به سرتاسر ایران و تبریک عرض کنم و خصوصا به خوزستان و اخص، بالاخص به دزفول تبریک عرض کنم برای اینکه آنطور روح مقاومت دارند و آنطور مردانه قیام کردند و مشغول به مقابله با دشمن هستند و تسلیت به کسانی که جوان هایشان را از دست دادند و ما همه هستیم، همه شریک هستیم، جوان ها مال همان تنها پدر و مادرها نبود، جوان ها مال اسلام بود. پیغمبر اسلام تسلیت به شما می گوید، مصیبت بر اسلام وارد شده به آنها از آنها تشکر کنم به اینکه برای اسلام خوب قیام کردید و اجر شما با اسلام است، با خدای اسلام است و تشکر کنم از همه قوای مسلحه ای که در این جنگ بین اسلام و کفر، قیام به وظیفه کردند و خوب هم قیام کردند، شهید دادند و خرابی برای مملکت مان وارد شد، اینها هم شهید دادند و کوشش کردند و مردانه قیام کردند، از آنها هم همه و از همه رده های بالائی که (بالا و پائین ما نداریم انشاء الله) برادرهایی که در این مسائل وکیل بودند رفتند آنجا، نخست وزیر است نمی دانم رئیس جمهور است، امام

جمعه

است، همه اینها که مشغولند به این خدمت و صادقانه هم مشغولند، از آنها تشکر کنم و ملت ما باید قدردانی بکنند از آنها. اینها برادرهای شما و ما هستند که در جبهه ها رفتند و شهید می دهند و جدیت می کنند و انشأ اللّٰه پیروز می شوند، کسانی که بر ضد اسلام هستند، به جای خودشان می نشانند. و از مملکت عراق و از ملت عراق تشکر کنم که در این وقت آنها هم به آنقدری که میسورشان هست پشتیبانی می کنند از مملکت ایران که پشتیبانی از اسلام است، از آنها هم تشکر کنم و از همه جوان هایی که، و غیر جوان هایی که از همه بلاد عالم، از اقصی بلاد، از آمریکا، از اروپا و از پاکستان، از هندوستان، از همه جا پشتیبانی کردند از ما، اظهار پشتیبانی کردند، مهیا بودن خودشان را برای دفاع از اسلام اعلام کردند، از همه آنها هم تشکر کنم و از خدای تبارک و تعالی توفیق سعادت برای همه بخواهم و انشأ اللّٰه به آنجا نمی رسد که محتاج بشود که همه جوان ها از همه اطراف و همه مردم دنیا و متعهدین از همه جا هجوم کنند و یک همچو آدمی را از بین ببرند، ما جوان های خودمان و ارتش خودمان کافی است برای این امر و عمده این است که خدای تبارک و تعالی با ماست و ما اتکال به خدای تبارک و تعالی داریم و امیدواریم که این اتکال را تا آخر داشته باشیم تا عنایات حق تعالی را حفظ کنیم. از خداوند تعالی سلامت و سعادت همه ملت ها را، مستضعفین را خواستارم.

والسلام علیکم ورحمة اللّٰه وبرکاته

## بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

### اگر یک ملتی بخواهد پیش ببرد، باید بت ها را بشکند

بسم الله الرحمن الرحيم

از جمله چیزهایی که دولت های بزرگ، ابر قدرت ها و به تبع آنها دولت های کوچک عمل می کنند و از چیزهایی که آنها برای پیشرفت مقاصد خودشان اجرا می کنند این است که ایجاد خوف بکنند در ملت ها، دولت های کوچک در بین ملت خودشان ایجاد خوف بکنند. شما دیدید که در این مدتی که محمد رضا غصب کرده بود حکومت ایران را، ساواک آنطور تبلیغات می کرد که هر خانواده ای شاید گمان می کرد که اگر یک کلمه راجع به دولت یا راجع به شاه مخلوع بگوید این کلمه را آنها می شنوند و این را به جزا می رسانند. در همه قشر ملت، این خوف را اینها ایجاد کرده بودند با تبلیغات دامنه دار خودشان که ساواک همچو هست که در هر چند نفر آدم یکی از آنها ساواکی است و حرف ها را اگر در داخل خانه ها هم بر ضد رژیم گفته بشود به ساواک می رسانند و ساواک هم خواهد چه کرد و چه کرد. اینها در خود کشور خودشان، هر کشوری که زیر دست آن کشورها بود، در کشور خودشان این معنا را دامن می زدند به طوری که در زمان شاه مخلوع آنطور در بین مردم خوف بود که شاید برادر از برادرش می ترسید، پدر از پسر، پسر از پدر، هر دو از زن می ترسیدند که مبادا یک وقت ما یک حرفی بزنیم و موجب گرفتاری و آزار و اذیت بشود و اعدام و حبس و کذا. دولت های بزرگتر که شیاطینی هستند معلم این شیطان ها، آنها از باب اینکه دایره سلطه شان زیاد بود به همه کشورها، اینطور مسائل را با حکومت های آنها و با ملت های دیگر باز تبلیغ می کردند و ایجاد خوف و رعب می کردند در همه کشورها و اینطور وانمود می کردند که اگر یک کشوری یک کلمه بر خلاف این قدرت بزرگ، آن قدرت بزرگ، بر خلاف آمریکا، بر خلاف شوروی و قبلا بر خلاف انگلستان یک کلمه اگر بگوید، دولت را چه خواهند کرد و مملکت را خواهند گرفت و خواهند چه و چه کرد. این یک حيله ای بود که از سال های طولانی اینها برای پیشرفت مقاصد خودشان این حيله را به کار برده بودند و ملت ها هم باورشان آمده بود و دولت های کوچک هم نسبت به آن بزرگ ها باورشان آمده بود که اگر یک کلمه بر خلاف فلان دولت بگویند اینها ساقط خواهند شد و از بین خواهند رفت و آنها هجوم خواهند کرد و لهذا در بعضی از اوقات که در چندین سال پیش از این یک اولتیماتومی آنها می دادند به ایران مثلا، با همان لفظی که آنها، تشری که آنها می زدند هر امری را که می خواستند، به مجلس تحمیل می کردند و به

دولت تحمیل می کردند، اینها هم نسبت به ملت خودشان همین طور بود. همچو که صحبت حکومت نظامی می شد دیگر مردم بکلی به واسطه خوفی که از اینها داشتند، بکلی خودشان را می باختند. این معنا را ما از اول به نظرمان آمد که باید این خوف را شکست، این یک رعبی است و ارعابی است که واقعیت ندارد زیاد، آنقدر که واقعیتش است صد چندان تبلیغات است و دامن می زنند به آن و همه مردم را یا همه دولت ها را می ترسانند. به نظر می رسید که باید اگر بخواهد یک ملتی پیش ببرد یا مقابله بکند با دولت یا مقابله بکند با دولت های بزرگ، به نظر می رسید که اگر ما بخواهیم یک عملی انجام بدهیم باید این بت ها را شکست و او به این است که باید خود آنها را که در رأس واقع شدند، هدف قرار داد و ابتدا با صحبت، با حرف اینها را همچو کرد که از دل مردم این مسأله خارج بشود که نمی شود بر خلاف فلان قدرت حرف زد. کم کم مردم این معنا را حس کردند که نه، آنطورها نیست که تصور می شد که اگر یک کلمه راجع به آن درجه اولی ها صحبت بشود عالم به هم می خورد و لهذا دیدید که وقتی که صحبت از خود آن مردک هم شد هیچ اشکالی پیش نیامد. اگر هم اشکالی پیش آمد اشکالی بود که رفع می شد و دیدید که وقتی که اعلام حکومت نظامی در روز هم کردند مردم ریختند بیرون و شکستند حکومت نظامی را و هیچ چیز نشد.

عمده این است که این خوف هائی که اینها ایجاد کردند در دل ملت ها، این شکسته بشود. از جمله چیزهائی که خیلی به آن دامن زده بودند و می ترسانند همه را این معنا بود که این دو تا قدرت بزرگی که الان در عالم هست، از این دو قدرت نمی شود اصلا کسی احتمال بدهد که کنار برود و خودش مستقل باشد، حتما یا باید در بلوک شرق باشد یا در بلوک غرب، از این دو حال هیچ نمی شود خارج شد. اگر یک وقتی کسی بخواهد خیال این معنا را بکند که خودش هم یک آدمی است، خودش هم مستقل است، این یک خیال غلطی است که همان تصورات است واقعیت نمی تواند داشته باشد. لکن وقتی که کم کم ملت ها به خود آمدند و فهمیدند که نه، آنطورها نیست، ما دیدیم که مداخله نظامی شوروی در افغانستان که یک ملت ضعیفی ولی زنده ای هست و با قدرت ایمان مقابله کرد، در عین حالی که حکومت افغانستان، حکومت غاصب افغانستان با شوروی و حزب ها، بعضی از حزب چپی همه با هم هستند معذک جوان های برومند افغانستان در مقابل آنها ایستادند و الان مدت های زیادی است که از برای شوروی ایجاد اشکالات کردند به طوری که باید بگوییم شوروی را شکست سیاسی دادند. این برای این بود که فهمیده شد که اینطور نیست که اگر شوروی به یک جانی حمله بکند، دیگر می شود حرفی زد، این صد در صد باید تسلیم شد، یا اگر آمریکا یک وقت دست به آن زده بشود، دیگر مملکت مثلا ایران بکلی منهدم می شود و از بین خواهد رفت. کم کم این مسأله، این رعب شکسته شد نسبت به رژیم منحوس پهلوی که همه دیدید که با همان فریادهای شما جوان ها، مردها و قیام ملت نتوانستند آنها دیگر نگه دارند او را. با همه قوائی که داشتند بالفعل و دنبال او هم بودند، معذک فریادهای شما و وحدت کلمه شما آنها را شکست داد.

پس این معنا که اگر ما بر خلاف این دستگاه یک کلمه ای بگوییم نابود خواهیم شد، معلوم شد نه، مسأله

درست نبوده. اینها به واسطه تبلیغاتشان ایجاد خوف کرده بودند که با همین خوف کارهای خودشان را انجام می دادند. بیشتر مردم به واسطه این خوف کنار می گرفتند و بی تفاوت می شدند و می ترسیدند، آنها هم با اینکه قدرتشان به آن بزرگی نبود که یک ملت را از بین ببرند، استفاده می کردند لکن ملت ایران این مطلب را شکست در هم و این رژیم را از بین برد. نسبت به قدرت های بزرگ هم همین طور است قضیه و همین طور بود قضیه که اربابش بیشتر از واقعیتش بود. اگر یک مطلبی فرض کنید در یک دولت کوچکی واقع می شد بر خلاف میل شوروی مثلا یا بر خلاف میل آمریکا، کافی بود که آمریکا یا شوروی یک تشر بزنند، با همان یک تشر مسأله ختم می شد، یا مثلا در آنوقتی که انگلستان قدرتش زیادتربود از دیگران، یک کشتی را بیاورند در این آب های نزدیک ایران، یک کشتی را که آوردند اینجا، دیگر نه مجلسش می توانست حرفی بزند و نه دولتش و هر چه آنها می خواستند، تحمیل می کردند. این مطلب هم در ایران شکسته شد، این معنا که یکی برود در سفارت آمریکا و یک تعرضی بکند به سفارت آمریکا، در سابق و در زمان رژیم سابق، جزء تخیلات و شعرها به نظر می آمد، چطور امکان دارد که ملتی که هیچی ندارد، جوان هائی که دستشان چیزی نیست بروند و سفارت آمریکا را یک تعرضی به آن بکنند، یک سنگی حتی بیندازند، اگر یک همچو چیزی بشود اصلا ملت و دولت ایران به باد فنا خواهد رفت. اینها چیزهائی بود که با شیطنت و تبلیغات تو مغز مردم کرده بودند و مردم را از آن قدرت ملی و انسانی و اسلامی که داشتند غافل کرده بودند. ما دیدیم که جوان ما به واسطه آنها ناراحتی هائی که ملت ما از این قدرت فاسد کشیده بود عکس العمل نشان دادند و رفتند و ریختند و آن اعضای آنجا را گرفتند و اینها و هیچ آسمان به زمین نیامد. ویژگی این عمل، این بود که این قدرت آمریکا و این اربابی که کرده بودند اینها که اگر چنانچه یک تعرضی بشود، به دیوار سفارت آمریکا کسی یک خطی بکشد چه ها خواهد شد این از بین رفت. شما جوان ها که رفتید و آنجا را گرفتید و بعد هم به همه معلوم شد که اینها اصلش یک افرادی نبودند که راجع به یک سفارتخانه متعارف باشند، اینها مرکز یک توطئه ای بودند که در همه شوون کشور ما بلکه منطقه دخالت می کردند و دولت های سابق دانسته یا ندانسته از آنها باید تبعیت بکنند و هر کاری که می خواهد انجام بدهد باید با مشورت اینها باشد چنانچه خود محمد رضا گفت که ما لیست وکلا از سفارت می آمد و ما باید این لیست را همانطوری که آنها نوشتند عمل بکنیم. این خدمتی که این جوان ها کردند و رفتند و شکستند و گرفتند آنجا را و آن افراد فاسد را نگه داشتند، این یک مطلبی بود که آن وا همه هائی که در ذهن مردم بود، در ذهن ملت ها بود، در ذهن دولت ها بود و آن هیولائی که نشان داده بودند آنها از قدرت های بزرگ، آن را شکستند. این یک مطلبی است که اگر چنانچه ملت ما هم دنبال او هر جور زحمتی به خودش راه بدهد، هر جور گرفتاری و تنگنائی که برایش پیش بیاید ارزش دارد. ارزش این عمل به این نیست که ما شکم مان یک وقتی گرسنه می ماند یا مثلا راه وقتی بخوایم برویم با اتومبیل می توانیم برویم از باب اینکه نداریم چیزی ارزش این به اینها نیست. ارزش این در عالم به این است که شما یک بتی که درست کرده بودند اینها که، بت بزرگی که همه ممالک را گرفته بود، شکستید، و این یک

جنبه سیاسی داشت که، و یک ارزش سیاسی داشت که همه ارزش ها پیش او کوچکنند. اینهایی که خیال می کنند که به واسطه اعمال اینها ما در تنگنا واقع شدیم، اشتباه می کنند، در عین حالی که سوء نیت ندارند، البته یک دسته هائی هستند که شما را هم آمریکائی می دانند، پاسدارهای ما را هم می گویند مرتجعند، آمریکائی اند. اینها، این دسته ها بیچاره اند، بدبختند اینها. و اما بعضی از اشخاصی که خوب، دلسوز هم هستند برای کشور ما و برای کشور خودشان و مخالف هم هستند با هم ارگان های خارجی و اجانب، لکن آنها هم تحت تاثیر همان تبلیغات واقع شده اند و گمان می کردند که اگر چنانچه به زودی و فوراً ما تقدیم نکنیم این جاسوس ها را به آمریکا و یک عذر خواهی هم نکنیم، چه ها و چه ها خواهد شد. ارزش این عمل این است که این اشتباهات را رفع کرد. شما الان یک سال است که این جاسوس ها را، این توطئه گرها را، این مجرم ها را در آنجا حبس کردید و خبری هم نشد، نه بازارمان خواهید و نه اقتصادمان به هم خورد، و اینها، بعد هم هر کاری آنها خواستند می کردند و می ترساندند و می عمل مذبحانه کردند و ما دیدیم که یک سال از این امر گذشت و نه، هم بازارهای ما سر جای خودش هست و هم کشاورزی ما سر جای خودش هست و هم چیزهای دیگرمان، هیچ چیز نخواهید، هیچ مطلبی نشد. ارزش این است، ارزش این عمل این است که شکسته شد آن بت بزرگی که برای ملت ها تراشیده بودند. ارزش این چریک های افغانی این است که شکستند آن بت های بزرگی را که تراشیده بودند که اگر چنانچه کسی با شوروی یک کلمه بگوید، باید به فنا برسد. اینها شکستند این را. آنها هم چندین ماه است که الان با همه قوائی که آن قدرت بزرگ پیش آورده برای آنها و حکومت خودشان هم با آنها مخالف است، باملتش مخالف است، چریک های افغانستانی شکستند آن هیولا و چیزی که برای ملت ها پیش آورده بودند. این عمل شما در اینجا و آن عمل آنها در آنجا ارزشش یک ارزشی نیست که ما بتوانیم به میزان در آوریم. اینها ارزش دارد به اینکه، مانصف ملت مان هم اگر کشته می شد ارزش داشت این، برای اینکه قضیه، قضیه شکم نیست تا ما عزا بگیریم که مبادا یک وقت گندم ما نداشته باشیم. مادر پنجاه و شصت سال پیش از این که من یادم هست، با اسب و الاغ از این راه به آن راه می رفتیم و با عرض می کنم که نه برقی بود و نه بساطی بود و آنطور همه مردم زندگی شان را می کردند.

### **ما برای شکم قیام نکردیم، ما برای اسلام قیام کردیم**

آن چیزی که برای ما ارزش دارد اولاً اسلام است که در آن همه چیز هست. ما برای شکم مان قیام نکردیم که اگر شکم مان را یک فرد جلوی ما بگیرند ما بنشینیم سر جایمان. ما برای اسلام قیام کردیم، همانطوری که در صدر اسلام پیغمبر اکرم برای اسلام قیام کرد و آنقدری که او در زحمت و رنج واقع شد، ما نشدیم. ما الان بازارهایمان سر جای خودش هست و امسال که می گویند میوه ها هم بیشتر از همیشه هست، ارزاقمان هم سر جای خودش هست و گرفتاری این چیزها ابدا نداریم.

عمده این است که ما یک ملتی داریم که این ملت همه بیدار شدند، آن خوف را شکستند، آن

خوفی که اگر یک پاسبان می آمد یک بازار را می بست هیچ کس حرف نمی زد او را شکستند ، فریاد زدند ، با فریاد خودشان قدرتی را که در اینجا بود شکستند و قدرتها را شکستند . ما وقتی یک ملت داریم که سی و چند میلیون است و بیست میلیون جوان داریم که آرزوی شهادت بسیاریشان می کنند ، دیروز یک پیرمرد نزدیک به هشتاد ، تقریباً بین هفتاد و هشتاد بود ، طوری که چیز بود ، آمد با من مصافحه کرد و رفت آن کنار و دوباره من دیدم ایستاد و دوباره دارد می آید ، دفعه دوم که آمد اینجا گریه می کرد اشکهایش را من دیدم که آنجا جاری بود می گفت من می خواهم بروم جنگ بکنم . من گفتم به او که من و تو باید دعا بکنیم ، جوان ها باید جنگ بکنند . الحمدلله ما که جوان هایمان ، پیرهایمان ، زن ها ، دخترها ، همه ، بچه ها همه مان یک تحولی در ما پیدا شده است که نمی خواهیم دیگر زیر بار ابرقدرت ها برویم ، باید البته ملتی که اینطور باشد خودش را مهیا کند برای همه چیز . قدرت های بزرگ عالم هست ، شما هم ایستادید در مقابل قدرتهای بزرگ عالم ، از ارباب هایشان ترسید خیلی ، اما مهیا بشوید برای این شلوغ کاری ها ، برای این کارهایی که دارد انجام می گیرد باید ما مهیا بشویم . یک کار ارزشمندی شما کردید ، یک کار بزرگی کردید که تمام دنیا به صورت اعجاب دارند به شما نگاه می کنند . کسی که یک همچو کار بزرگی را به عهده گرفته است نباید خیال کند که امروز که ما این را بیرونش کردیم فردا کس دیگر می آید ، نخواهد آمد ، خیر ، شما و ما مهیا هستیم و مهیا باید باشیم که آنقدری که ارزش دارد عملمان ، باید برایش فداکاری بکنیم . ما باز با آن تنگنای اقتصادی که پیغمبر اکرم در آن چند سال که در آن غار بود واقع شده بود ، واقع نشدیم . آنها نان خوردن هم نداشتند ، آنها با زحمت برای خودشان به طور قاچاق یک چیزی می آوردند می خوردند ، زندگی می کردند ، لکن ارزش عمل یک ارزشی بود که می ارزید به اینها ، تحمل می کرد ایشان اینها را . ما الان چیزی برایمان واقع نشده ، خوب ، یک گوشه کشور ما یک جنگی واقع شده و آن هم دارند سرکوبشان می کنند . ما باید مهیا باشیم که فردا اگر از یک گوشه دیگری هم یک شیطان دیگری سر در آورد ، آن هم سرکوبش بکنیم . ما می خواهیم زنده باشیم و ما می خواهیم شرافت خودمان را حفظ کنیم و ما می خواهیم اسلام عزیز را که همه چیز درش هست ، استقلال درش هست ، آزادی درش هست ، شرافت درش هست ، می خواهیم این را حفظش بکنیم و قرآن کریم را حفظ بکنیم و این ارزش دارد به اینکه ما همه مان هم از بین برویم ، رفتیم . مگر ما از پیغمبر بالاتریم ، مگر ما از حسین بن علی بالاتر هستیم . آنها هم همه چیزشان را دادند در راه هدفشان ، لکن ما قدرت داریم الان ، آنها آنوقت نداشتند همچو قدرتی . حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در آن غاری که پناه برده بودند کسی را نداشتند ، یک چند نفری آنجا بودند و همه در خوف زندگی می کردند ما به آنجا نرسیده است حالا . زمانی هم که در مدینه تشریف آوردند ، آنقدر رنج ایشان کشیدند ، اینقدر زحمت کشیدند که هیچ یک از آنها را تا حالا ما نکشیدیم .

### **ما ملتی هستیم که با وحدت کلمه و اتکال به خدا همه چیز را می توانیم پیش ببریم**

ما از جنگ نباید بترسیم . پیغمبر اکرم جنگ کرده است برای اسلام حضرت امیر جنگ کرده

است برای اسلام. صدر اسلام در یک چند سال چندین جنگ، هشتاد تا، چقدر جنگ واقع شد. ما باید مهیا باشیم برای جنگ‌ها و ما قدرت داریم، ما جوان‌ها را داریم. یک ملتی هستیم که با وحدت کلمه و با اتکال به خدای تبارک و تعالی همه چیز را ما می‌توانیم پیش ببریم، هیچ خوف از این مسائل نداریم. اینها که ایجاد خوف می‌خواهند بکنند در شما، همان هائی هستند که در زمان شاه مخلوع هم ایجاد خوف کرده بودند و آن به واسطه همان ایجاد خوف سرجای خودش نشسته بود و به خیال خودش سلطنت می‌کرد. وقتی این خوف شکسته شد دیدیم که تو خالی، بود واقعیت آنطوری که می‌گفتند نداشت. قدرت‌های دیگر هم همین طور است، خیال نکنید که اینها شاخ و دم خیلی بزرگی دارند، اینها هم همین طورهاست. مهم این است که ما با هم منسجم باشیم، مهم این است که قوای مسلح ما که خداوند انشاء الله نصرت به آنها بدهد منسجم باشند با هم. سپاه پاسداران و قوای انتظامی دیگری خودشان را یک بدانند. همه تان برای یک مقصد دارید عمل می‌کنید و آن مقصد این است که کشور خودتان را آزاد نگه دارید و مستقل، نوکر نباشید، شرافت خودتان را حفظ بکنید. همه قوای مسلحه، هر کس هست، از ملت هم هر کس متصل شد به آن جبهه، همه همدم باشید و هماهنگ. اگر هماهنگ باشید و همه روی یک رویه کار بکنید و یک فرماندار از برای فرمانده برای شما باشد که روی نقشه عمل بکند مطمئن باشید که پیروز هستید و هیچ قدرتی هم نمی‌تواند با شما مقابله کند برای اینکه قدرت، قدرت ملت است. ارتش وقتی اتکالش به این دیوار بزرگ شد، به این سد عظیم ملت شد قدرتی پیدا می‌کند که هیچ چیز نمی‌تواند مقابل او بایستد. ارتش ما و قوای مسلح ما و پاسدارهای ما و همه اینها پشتوانه‌شان همه ملت هست. الان شما ببینید سرتاسر مملکت ما در حال جنگند، دخترهای توی خانه‌هایشان هم در حال جنگند، برای جنگی‌ها دارند کار می‌کنند یک همچو مملکتی که ارتشش با ملتش یک است، رؤسایش با دیگران برادرند، اینها همه خدمتگزار هستند نسبت به ملت‌شان، ملت‌شان از آنها پشتیبانی می‌کند، یک همچو ملتی از چی می‌ترسد، و شما مطمئن باشید. چند وقت است که الان ما را حصر اقتصادی کردند، چه شد مثلاً؟ ما کجایمان گیر کرده است که حصر اقتصادی، حصر اقتصادی خیال می‌کنند اشخاص که ما اگر چنانچه از آمریکا مثلاً فرض کنید که فلان چیز را نخریم، خیر، دیگر نمی‌توانیم. نخیر ما داریم زیاد، آمریکا اینجا برایمان ذخیره کرده اینها را. بدانید کارهای خدائی است اینها، کارهای خدائی است که پنجاه سال آن یا کمتر یک قدری، این مرد بیست و چند سال، این دومی زحمت کشید و آمریکا هم به خیال اینکه خوب، مملکت خودش است دیگر، هر چه هست مال خودش است، نفت‌های ما را البته گرفتند و خوردند و بردند و اسلحه‌های زیاد آوردند برای ما. این کوه هائی که در ایران هست بسیارش زیرش اسلحه و مهمات هست و اینها همان هائی بود که دشمن ما، دشمن فعلی و همیشگی ما برای خودش تهیه کرده بود و حالا مال ماست. عمده این است که ما خودمان، خودمان را بشناسیم و قوای مسلح ما و ملت ما یکپارچه بشود. اگر اینها همه با هم یکپارچه باشند، پشت به پشت هم بدهند، هیچ قدرتی نمی‌تواند اینها را بشکند. این قدرت‌های بزرگ آنقدر گرفتاری دارند که به این مسائل خیلی نمی‌توانند برسند،

هر



کدامشان مقابل هم ایستادند. این گرگ ها را می گویند که وقتی شب هم میخوابند بخوابند دور هم، همه رویشان را به هم می کنند از خوف اینکه اگر یکی شان غفلت کند باقی شان او را می خورد. حالا اینطور است که شما خیال نکنید که آمریکا اگر بخواند یک چیزی بکند، آمریکا مقابلش یک گرگ دیگری ایستاده درست دارد نگاهش می کند، آن هم همین طور مقابلش یک گرگ دیگری ایستاده مقابلش (اللهم اشغل الظالمین بالظالمین) مسائل اینطور نیست که به گوش ما می خوانند که ای، اگر آمریکا چه بشود، چه. خوب، یک سال تمام است که این جوان های عزیز ما رفتند و البته رنج کشیدند، زحمت کشیدند و ماجورند در این امر پیش خدای تبارک و تعالی. من نباید تشکر کنم از آنها، عمل آنها پیش خدا ارزش دارد. یک سال است که اینها رفتند و آنجا را گرفتند. آنها جز، هی حرف آنها زدند، آن ور ایستادند و حرف زدند و چه کردند، خوب، حصر اقتصادی کردند و چه کردند، لکن ملت سر جای خودش ایستاده و هیچ نقصی در خودش نمی بیند. ده سال دیگر هم که بشود همین است. عمده ارزش این عمل ها این است که از ذهن توده های ضعیف مردم در سرتاسر دنیا، مستضعفین جهان در سرتاسر دنیا، از ذهن اینها این رعب ها را خارج می کند به خود می آیند، الان هم آمده اند. هی می گویند که ماها در انزوا هستیم، آنوقت که در انزوا نبودیم چه بودیم؟ یک ملت زیر دست ضعیف بیچاره، یک پاسبان در بازار بزرگ تهران حکومت می کرد بر بازار. این آنوقت بود که ما منزوی نبودیم، منزوی نبودیم یعنی روابطمان با آمریکا و با شوروی و با کذا و کذا سر جایش بود.

### تا منزوی نشوید، نمی توانید مستقل شوید

حالا- که منزوی هستیم چه هستیم؟ حالا- که منزوی هستیم جوان های ما ایستاده اند و سفارت آمریکا را گرفتند و پنجاه و چند نفر جاسوس ها را گرفتند و نگه داشتند البته انسانی هم با آنها رفتار کردند. آنطوری که به من دائما رسیده این است که خیلی خوب با اینها رفتار کردند و اخلاق اسلامی هم همین است.

حالا که منزوی هستیم اینکه بازارمان سر جایش هست با عزت و احترام، هیچ کس به ما نمی تواند ظلم کند، هیچ کس نمی تواند بگوید بازارتان را ببندید، یا با الزام بازار را ببندند، هیچ کس نمی تواند بیاید بگوید چهارم آبان است بیرق ها را همه جا بزنید و باید همچو بشوید، هیچ. حالا که منزوی نیستیم خود مانیم، مستقیم. انزوا اگر پیدا شد، انسان خودش را بهتر پیدا می کند. دیروز چند تا، دو سه تا جوان آمدند و یک تفنگی را که من خوب نمی شناسم تفنگ چه هست آوردند نشان دادند، گفتند این را ما خودمان درست کردیم، وقتی هم به ارتش نشان دادیم گفتند صحیح است و خوب است و وسائل را فراهم می کنیم. این برای این است اگر چنانچه ما منزوی نبودیم هیچ وقت به فکر این کار نمی افتادند. شما که حالا به خیال اینها منزوی هستید شما الان در فکر این هستید که خودتان کارهای خودتان را انجام بدهید. منزوی بودن یعنی متکل بودن به غیر، یعنی اسیر بودن منزوی هستیم یعنی ارتباطمان با دیگران قطع است و ما نوکر دیگران نیستیم. آنها هی می آیند به ما می گویند که بیا

روابطمان را درست کنیم، ما همه جور حاضریم، چطور. و ما می دانیم شیطنت است این. البته اگر چنانچه همه احترام به همه بگذارند، همه دنیا با هم باید برادر باشند اما مسأله این نیست ما از این انزوا نمی ترسیم، ما استقبال می کنیم یک همچو انزوائی را که ما را وادار می کند که خودمان به فکر خودمان بیفتیم. وقتی این انزوا نباشد ما متکل به غیریم، هر چی می خواهیم دستمان پیش غیر دراز هست. گندم هم می خواهیم از آنها بگیریم و ارزاقمان را از آنها بگیریم و صنایع مان را آنها برایمان بیایند درست بکنند، همه چیزمان دست آنها باشد. ملت تا اینطور باشد می تواند خودش دارای یک چیزی باشد، در اقتصاد مستقل باشد، در جنگ مستقل باشد، در اجتماع مستقل باشد وقتی شما منزوی باشید می توانید این کارها را بکنید. شما منزوی می توانید که فکر بکنید که باید کشاورزی مان را خودمان اداره کنیم محتاج نشویم به دیگران، برای اینکه منزوی هستیم دیگران نمی دهند به ما. وقتی یک ملتی احساس کرد که ارزاقش را دیگران نمی دهند به او، خودش به فکر می افتد که برای خودش درست کند. مادامی که در نظرش این است که نه، ما می آورند برایمان، می دهند به ما، نمی تواند کار بکند. اینهایی که وقتی در اطرافشان ده تا پانزده تا نوکر هست، می افتند و تبیل می شوند و هیچ کار از آنها نمی آید، وقتی می بریشان حبس، خودش تو حبس کارهای خودش را می کند برای اینکه منزوی شده. ملتی که منزوی بشود می تواند ترقی کند، متری می شود. ملتی که منزوی نیست نمی تواند به ترقی راه خودش را برود. ملت غیر منزوی یعنی ملتی که اتکالش به دیگران هست، خوراکش را از دیگران می گیرد، اتومبیلش هم از دیگران می گیرد، برقش هم از دیگران می گیرد. این ملت تا آخر باید اسیر باشد. تا منزوی نشوید نمی توانید مستقل بشوید. از انزوا ما چه ترسی داریم، ما آن روزی که منزوی نبودیم همه گرفتاری ها را داشتیم، حالائی که منزوی هستیم مستقل هم هستیم. الان هر کسی آقای خودش هست، هی زیر بار دیگری نیست. الان می تواند یک سفارتخانه ای (هر سفارتخانه ای خواهد باشد) می تواند که به حکومت ما، به دولت ما یک چیز را تحمیل کند؟ پس ما منزوی نیستیم شما خیال می کنید منزوی هستیم. منزوی به آن معنائی که شما می خواهید نباشیم، این معنائش این است که ما وابسته باشیم و تا آخر غلام حلقه بگوش باشیم. خدا می داند آن روزی که من عکس این محمد رضا را دیدم در روز نامه های اینجا، در مجله ای بود، چیزی که در آمریکا مقابل یکی از ریاست جمهوری های آنها ایستاده بود مثل یک بچه ای و او عینکش را برداشته بود و به روی او نگاه هم نمی کرد، اینطور نگاه می کرد و اینطوری ایستاده بود، خدا می داند تلخی این در ذائقه من شاید حالا هم باشد که ما اینطور هستیم که یک نفر آدمی که می گوید من همه کاره هستم و کشورم را می خواهم برسانم به کذا و از ژاپن باید جلو بیفتیم و فلان، یک همچو آدم ضعیف زبونی است که می رود در آمریکا بعد از همه تشریفات که اجازه بدهند و چه بکنند و برود آنجا، می ایستد آنجا پهلوی آن جانسون (ظاهرا بود) ایستاده آنجا و آن مردک تو صورتش نگاه نمی کند، عینکش را برداشته و آنطور نگاه نمی کند و این اینطوری ایستاده. خدا می داند که این غیر انزوا برای یک ملتی از هر انزوائی بدتر است. بله، او منزوی نبود، آقایان می خواهند ما هم اینطور بشویم. ما انزوائی را که این آقایان خیال

می کنند، با آغوش باز این انزوا را می پذیریم. تا انزوا نباشد افکار شما به راه نمی افتد. مغزهای شما از مغز آمریکائی کوچکتر نیست لکن شما را از انزوا بیرون آوردند و مرتبط کردند، تا آخر قیامت شما باید منزوی آنوقت باشید، وابسته، افکارتان اصلا به راه نیفتد، مغزهایتان بخشکد آنجا و هیچ راه عمل نکنید. اگر مغزهای ما عمل می کرد، حالا وضع کشور ما غیر از این بود، لکن نگذاشتند مغزهای ما عمل بکند. همه چیز را آوردند، اموال زیرزمینی ما را دادند و همه چیز را آوردند، فراهم کردند که مبادا شما به فکر این بیفتید یک صنعتی ایجاد کنید تا ارتباطتان را از دنیا قطع نکنید، این ارتباطی که شما را به انزوای حقیقی می کشد، نمی توانید خودتان اهل صنعت بشوید و نمی توانید مملکتتان صنعتی بشود، نمی توانید مستقل باشید و نمی توانید آزاد باشید. این انزوا از نعمت های بزرگ خداست. شما مقایسه کنید بین کشور خودتان امروز که منزوی هستید با کشور خودتان در ده سال پیش از این که نبودید، مقایسه کنید، فکر کنید. هی فکر اینکه ای ما چیزی نداریم، ای ما چیز. ما انسان داریم، ما آدم داریم، ما جوان داریم، ما جوان هائی داریم که با همه قوا- دارند در مقابل همه قدرت ها ایستاده اند. چی هیچ چیز نداریم. ما همه چیز داریم. ما این زمین های وسیع داریم، ما آنقدر چیزهای زیرزمینی داریم، چطور ما نداریم. ما همه چیز داریم، فقط این انزوا نبودن، منزوی نبودن، ما را به این حال رسانده است که ما برای هر چیز باید دستمان را پیش دیگری دراز کنیم. یک چند سال باید سختی را تحمل کنیم (سختی هم خیلی نیست تحمل کنیم تا بتوانیم خودمان سر پای خودمان بایستیم و آدم باشیم.

### **با تمام قدرت بیست سال هم این جنگ اگر طول بکشد، ما ایستاده ایم**

این قدرت ها دیگر شکسته شدند و علامتش هم همین است که یک سال است این جوان های ما این کار را کردند و ارزش کارشان هم بسیار زیاد است و هیچ عالم به هم نخورد. حالا فرض کنید که این نوکر بدبخت، این صدام بدبخت که ملت خودش را به تباهی دارد می کشد و آنقدر به ملت خودش دارد تحمیل می کند، این هم یک حمله مذبحخانه کرده است، ما هم صبر داریم و حوصله داریم. ملت ما پنجاه شصت سال، جوان های ما تا چشم شان را باز کردند زیر یوغ این مسائل و این مصائب بودند. عادت داریم ما به زحمت کشیدن، جوان های ما عادت دارند به این زحمت ها. حالا که خودشان را یافتند و مستقل می دانند، با تمام قدرت بیست سال هم این جنگ طول بکشد ما ایستاده ایم، در صورتی که این پوسیده است دیگر. شما خیال نکنید که این یک کاریست. اینکه می بینند موشک می اندازند، این برای این است که نمی تواند بیاید با اینها مقابله کند، از دور ایستاده است و موشک می اندازد. اینکه این جنایات را می کند و می خواهد ملت ما را بترساند به خیال خودش، این برای این است که قدرت آنکه مقابله کند با این جوان ما را ندارد، در همه جا هم دارد هی کشته می دهد و هی دارد ضایعات می دهد ولی آن خوی غلطش و آن تخیل باطلش و اینکه اعصابش بکلی خرد شده است و حالا خردتر، نمی گذارد که به خودش بیاید و بفهمد باید چه بکند. این در آنجا، در خود عراق هم پوسیده

شده است و در همه ممالک دنیا هم آبرویش را از دست داده است . البته رادیوی بغداد و نمی دانم روزنامه های بغداد هی هیاهو می کنند ، هیاهو زیاد است ، اما در دنیا ببینید چه جوری است وضع . در همه کشورهای دنیا اینها حیثیت سیاسی اگر داشتند هم از دست رفت و در خود عراق هم ملت با او مخالفند و کم کم صدایشان در می آید و پیدا هم شد آثارش . و فرق ما بین دولت ما و بین قوای انتظامی ما با آنها این است که اینها از ملتند و با ملتند و ملت هم با آنهاست ، دلش هم همین است که آن دسته دارند جنگ می کنند ، خداوند همه را حفظ کند و سرتاسر ایران دارند کمک می کنند . اگر پیدا کردید یک دهی در عراق اینجوری کمک کرده باشد به اینها ، اینها به زور البته می گیرند ، غارت می کنند ، به زور می گیرند ، اما اگر پیدا کردید یک ده را در تمام کشور عراق که جوان هایش ، زن هایش دارند آنها نان بپزند و نمی دانم دسته بندی کنند ، ندارند اینها . یک همچو ملتی از کی می ترسد ، چرا باید بترسد . ما خدا را داریم ، ما اسلام را داریم ، ما برای خدا داریم عمل می کنیم . کسی که برای خدا عمل می کند چرا بترسد ، از کی بترسد . آنها باید بترسند که اگر از اینجا رفتند ، جهنم هست آمالشان . جوان های مائی که برای خدا دارند جنگ می کنند اجرشان با خداست . امکان دارد که یک کسی برای خدا کار بکند و خدای تبارک و تعالی به او عنایت نداشته باشد شهیدشان با همان شهدای صدر اسلام انشأ الله محشورند و قدرتمند هستند . خداوند همه تان را حفظ بکند و همانطوری که این آقا گفتند ، اولاً من تشکر می کنم از زحمات شما و من نباید تشکر بکنم ، برای اینکه کشور خودتان هست و خودتان برای خودتان عمل کردید و ارزش عمل شما بسیار زیاد است و حالا که بنا دارید که مجلس کار خودش را انجام داده است و محول می خواهید بکنید به دولت ، امر صحیحی است و انشأ الله شما هر جا باشید ، در جبهه ها هم که می روید سلامت باشید و امیدوارم که با قدرتمندی غلبه کنید بر همه شیطان ها .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## بیانات امام خمینی در جمع وعاظ و خطبای مذهبی

## اهداف شوم کارشناسان خارجی از شناسائی ذخائر فرهنگی و اقتصادی کشور

بسم الله الرحمن الرحيم

از آقایان که تشریف آورده اند در این هوای سرد و در این محل حقیر تشکر می کنم . سلامت و سعادت همه را از خدای تبارک و تعالی خواستارم . من یک نکته ای باید عرضی کنم . ما باید از این کارشناس های قدرت های بزرگ بعضی مطالب را یاد بگیریم ، اینها از طول مدتی که شاید قریب بیش از سیصد سال است در این ممالک راه پیدا کردند ، همه چیز این ممالک را ، خصوصا آنهائی که مورد اهمیت است خیلی برای آنها مثل ایران ، مطالعه کردند ، هر چه ما داریم از دارائی های زیر زمینی و از دارائی های روی زمینی و از چیزهائی که در رفاه یک کشور دخالت دارد مثل فرهنگ ، اقتصاد ، امثال ذلک ، اینها مطالعه کردند و مطالعاتشان بیشتر از ماست . اینها در آنوقتی که این وسایل نقلیه فعلی نبوده است می آمدند در ایران و با کاروان ها راه می افتادند ، سوار شتر می شدند و گردش می کردند اطراف ایران و تمام بیابان هائی که در ایران بود مطالعه می کردند و جاهائی که احتمال ذخائر بود ، عکسبرداری می کردند ، کشف می کردند و همه این چیزهائی که ما در زیر زمین داریم آنها از ما بهتر مطلعند و در مسائل فرهنگی و سیاسی هم آنها مطالعات فراوان دارند . از ایلات و عشایر اطراف ایران ، همه جا آنقدری که آنها مطالعه کردند در روحیات عشایر و مسائلی به دست آوردند ، ماها آنقدر مطالعه نکردیم و در مطالعاتی که اینها از شهرهای ما و دهات ما و فرهنگ ما و عقائد ما و گرایش های ما ، آنها مطالعه کردند بسیار است . ما باید ببینیم که اینها بعد از مطالعات زیادی که کردند که می خواهند برای خودشان ، می خواستند و می خواهند بهره برداری کنند ، آنها چه چیز را مؤافق با مصلحت خودشان و بهره برداری خودشان می دانستند و چه چیز را و چه گروه را مخالف می دانستند آنها کدام دستجات را مخالف سلطه خودشان بر شرق و خصوصا ایران که یک ویژگی خاصی دارد ، کدام گروه را مخالف با این سلطه می دانستند و کدام گروه یا گروه ها را مخالف نمی دانستند یا مؤافق می دانستند . ما از وقتی که رضاخان کودتا کرد و آمد ایران که من یادم هست ، مطالعه کنیم این مسائلی که در ایران واقع شد و انگلیس اول او را آوردند و به قدرت رساندند تا وقتی که محمد رضا به جای او آمد و نمی توانیم بگوئیم کدام خبیث تر بودند ، لکن خباث دومی اثراتش برای ما زیادتر بود که دومی را متفقین تحمیل کردند و خود محمد رضا هم در کتابش نوشت ، حالا شاید نباشد در آن کتاب ، اگر کسی آن چاپ اولش

را داشته باشد، نوشت که اینها صلاح دیدند که ما باشیم، من باشم در اینجا حکومت کنم. ما مطالعه کنیم از آنوقت تا زمانی که این آدم رفت ببینیم که اینها با چه گروه هائی مبارزه کردند و با چه گروه هائی مصالحه و سازش. رضاخان اول که آمد ما شک نداریم که یک آدم عامی بود و آنها فهمیده بودند که یک آدم قدرتمندی است و جسوری است و کار از او می آید. آنها این را آوردند این هم در رادیو دهلی اگر شماها که یادتان نیست، شاید آنهایی که سن شان بلا باشد، یادشان هست که در رادیو دهلی گفتند (که رادیو دهلی از چیز انگلیس ها بود آنوقت) که رضاخان را ما آوردیم روی کار و بعد از اینکه مخالفت کرد و با آلمان ها مثلا یک رفت و آمدی داشت ما او را بیرون بردیم. این یک آدمی بود که با مطالعات آنها، ادراک کردند که یک آدم قلدری است و شعور سیاسی هم ندارد آنقدرها، این را خوب می شود آلت دست قرار داد، آوردند و کودتا کردند و آنوقت اشخاص زیادی را از همه طوایف گرفتند و ابتدای امر و وجب به وجب به نظر می رسد که روی یک نقشه ای که آنها برایش می دادند عمل می کرد، ابتدائاً شروع کرد به ریاکاری و مجالس روضه می رفت و خودشان مجلس روضه پیا می کردند و از قراری که آنوقت می گفتند در همه تکیه های تهران هم آنوقت می گفتند پا برهنه می رود، همه جارفت و با مردم خوش و بش می کرد و این کارها را می کرد تا آنوقتی که قدرت دستش آمد و محکم شد پایش. ببینیم که در آنوقتی که قدرت دستش آمد با کی و با چه گروهی مخالفتش زیاد بود و با چه طرح هائی مخالفتش زیاد. این را بسیاری البته یادشان است که شروع کرد مخالفت با روحانیون با اسم اینکه می خواهیم اصلاح بکنیم، چه بکنیم، مجلسی در جاهای دیگر و در مدرسه فیضیه که ما شاهدش بودیم مجلس امتحان درست کردند و اشخاصی که مال خودشان بود می آمد آنجا برای امتحان و اینها به خیال اینکه به، تبلیغاتشان این بود که ما می خواهیم این اشخاصی که صحیح اند و اهل علم صحیح هستند، از آنهایی که نه، لیاقت این لباس را ندارند، می خواهیم تمیز بدهیم. حتی بعضی از آقایان محترم قم هم این معنا را باور کرده بودند. خدا رحمت کند مرحوم آقای فیض را، به من فرمودند که، در مدرسه فیضیه، که خوب، این که بدکاری نیست که اینها بیایند خوب ها را از بدها جدا کنند. من به ایشان عرض کردم که بله، اینها می خواهند خوب ها را از بدها جدا کنند که خوب ها را از بین ببرند، نه بدها را. و همین طور هم شد. ابتدا برای این معنا آمدند و چه تلخی ها بر ماها گذشت از این امتحان و از این بساط، بعد هم با یک بهانه دیگر شروع کردند به اینکه باید ملت لباس واحد داشته باشد و عمامه ها را از سرها برداشتند و آنقدر خرابکاری که کردند که روی تاریخ را سیاه کردند. و البته اینها یک مسائل طولانی است که شاید در تاریخ، حالا که می توانند بنویسند اشخاصی که اطلاع دارند، بعد هم یا در همان وقت ها هم مجالس روضه را با کمال جدیت منع کردند که شاید در شهرها یک مجلس علنی که مثل مجالس متعارف، آنوقت ها پیا نبود.

من در قم یادم هست که یکی از آقایان، بین الطلوعین (قبل از طلوع فجر) یک مجلس چند نفری داشت و قبل از طلوع آفتاب هم متفرق می شدند و گمانم این است که همین مجلس را هم آمدند جلویش را گرفتند. این دو جناح جناح که هر دوش از جناح روحانی است، جناح روحانیت و جناح خطبا،

این دو جهت وجه نظر آنها بود و به هر دو حمله کردند، عمامه ها را از سر آنها برداشتند. یکی از کسانی که در قم مشغول این خرابکاری بود یک روز گفت که در تمام ایران شش نفر باید عمامه ای باشد و حال آنکه آن هم دروغ می گفت، اگر می توانستند یک نفر هم نمی گذاشتند باشد. این حمله ای که اینها کردند به روحانیت و حمله ای که کردند به مجالس تعزیه، ما از آن می فهمیم که این دو جناح در نظر آنها، مخالفشان با ابر قدرت ها و این معنا که اینها مانع از آن مقاصدی که آنها دارند، بیشتر هستند اینها، این دو جناح بیشتر بوده و لهذا بیشتر مورد آزار واقع شدند. بعد هم که قضیه کشف حجاب به آن فصاحت و به آن رسوائی را درست کردند، آن هم روی همین بود که اینهایی که علاقه به اسلام داشتند و علاقه به دیانت و احکام دیانت داشتند، اینها را سرکوب کنند و خدا می داند که در کشف حجاب چه جنایت هائی اینها کردند. حتی به علمای بزرگ هم پیشنهاد می کردند که شما مجلس بگیرید با خانم هایتان، با زن هایتان بیایید در مجلس برای اینکه فرمودند. نقل کردند که یکی رفته بود پیش مرحوم آقای کاشانی گفته بود که فرمودند که شما باید در آن مجلسی که چیز است شرکت کنید. ایشان فرموده بودند فلان خوردند. او گفته بود که آن بالائی ها گفتند. گفته بود من هم همان بالائی ها را می گویم. بله، اینها می خواستند با ارباب و هو و جنجال کار را انجام بدهند، لهذا به ایشان هیچ تعرضی نکردند و پیش علمای شهرها می رفتند می گفتند، هر کدام ضعیف بودند و ضعیف القلب بودند، شرکت می کردند و هر کدام قوی بودند، نمی کردند.

ما باید از اینها عبرت بگیریم از این مسائل، با تبلیغات مختلف، نه همان بازور، با تبلیغات مختلف، این مسائلی که داشتند و آن مطالبی را که خودشان مطالعه کرده بودند و موانع را پیدا کرده بودند با تبلیغات دامنه دار از هر نحو، قلم ها و نطق ها و روز نامه ها و همه چیز به کار افتاد برای اینکه این مسائل را به ثمر برسانند و موفق هم ابتدا شدند به طوری که این را من کرارا گفتم، مرحوم آقای آشیخ عباس تهرانی رحمة الله گفتند که من اراک بودم و می خواستم بیایم به قم یا به تهران می خواستم بروم، از اراک می خواستم بیایم، خواستم اتومبیل بگیرم، آن شوfer اتومبیل گفت که ما عهد کردیم، قرار دادیم با خودمان که دو طایفه را سوار اتومبیل نکنیم یکی فواحش را، یکی هم آخوندها را. در اثر تبلیغاتی که کرده بودند، شعرهای شاعرشان را که لابد بعضی شنیدند که تا آخوند و قجر در این مملکت است، این ننگ را کشور دارا به کجا ببرد، این را آن خبیث خدا نشناس در شعرش گفت، شعرا هم شعر گفتند، مجالس درست کردند، محافل درست کردند، تبلیغات کردند، هر طور توانستند با هر شیوه این روحانیون را و این متدینین را کوبیدند و مقصود اصلی این بود که اسلام را از بین ببرند. آنها می فهمیدند که تا اسلام قدرت دارد در یک کشوری نمی توانند آنها آنطور که می خواهند سلطه پیدا کنند، باید اسلام را و مظاهر اسلام را و احکام اسلام را اینها از بین ببرند و موفق بشوند به آن مقاصدی که دارند و لهذا مطالعه می کردند چه چیز برای اسلام بیشتر می تواند خدمت بکند، قدرت اسلام را بهتر می تواند حفظ بکند آن را بیشتر می کوبیدند و کدام احکام اسلام بیشتر پیش مردم مثلا رایج است و بیشتر علاقه به آن دارند آن را بیشتر می خواستند از بین ببرند.

ما باید توجه به این معنا داشته باشیم، ما باید گمان نکنیم که مسائل ایران ختم شده است، تمام شده است، هم مسائل فرهنگی اش تمام نشده است و هم سایر مسائل. شما هیچ وقت خوف از این نداشته باشید که مثلا دولت غاصب عراق حمله کرده است و دارد مثلا کارهای خلاف می کند، از اینها هیچ وقت خوف نداشته باشید، اینها نمی توانند کاری انجام بدهند، شما از این خوف داشته باشید که همان نقشه هایی که قبل از انقلاب اینها داشتند، در زمان رضاخان و محمد رضاخان داشتند، حالا بیشتر داشته باشند. آنها قبلا از باب اینکه به طور ذهنی و علمی یافته بودند که اسلام اگر چنانچه رواج داشته باشد و مظاهر اسلام رواج داشته باشد، نمی گذارند که ما استفاده هایمان را بکنیم، حالا که عینا سیلی را خوردند و مشاهده کردند قدرت اسلام را در یک ملت سی و چند میلیونی و اسلامی که دارای یک میلیارد جمعیت است، اینها ملا-حظه می کنند که بعد از اینکه سی و چند میلیونشان به ما اینطور کردند، پس وقتی که یک میلیارد جمعیت دنیا که قریب به یک میلیارد مسلم دارد اگر اینها همه مثل ایران بشوند، ما چه خواهیم کرد؟ امروز نقشه دقیقتر از آن وقت است، امروز طرح هائی که اینها می خواهند پیاده کنند از آن وقت شدیدتر است و ما باید بیشتر چشم و گوشمان را باز کنیم. شما امروز هم می بینید که چهار نفر، ده نفر روحانی که با کمال صداقت دارد خدمت به این انقلاب می کند، از هر گوشه صدا می شود که حکومت آخوندی، این زمزمه تازه کم کم همان نقشه های سابق است، آنوقت هم یکدفعه نشد، ابتدا کم کم، یکی یکی، دو تا دو تا اهل علم بلاد را، اهل منبر بلاد را انتقاد کردند، گفتند، گفتند، روزنامه ها بعد شروع کردند و نطق ها و مجالس و اینها درست کردند و بعد هم کار خودشان را انجام دادند، حالا هم این نقشه هست در کار.

### نقش مجالس روضه خوانی و عزاداری سیدالشهدا در حرکت مردم

در آنوقت یکی از حرف ها که هی رایج بود می گفتند: ملت گریه، برای اینکه مجالس روضه را از دستشان بگیرند. اینکه همه مجالس روضه را آنوقت تعطیل کردند، آن هم به دست کسی که خودش در مجالس روضه می رفت و آن بازی ها را در می آورد، قضیه مجلس روضه بود یا از مجلس روضه آنها یک چیز دیگر می فهمیدند و آن را می خواستند از بین ببرند؟ قضیه عمامه و کلاه بود یا از عمامه یک چیز دیگری آنها می فهمیدند و روی آن میزان عمامه را با آن مخالفت می کردند آنها فهمیده بودند که از این عمامه یک کاری می آید که نمی گذارد اینها آئی را که می خواهند عمل کنند و از این مجالس عزاداری یک کاری می آید که نمی گذارد اینها کارهایشان را انجام بدهند. وقتی یک ملتی در ماه محرم، سرتاسر یک مملکت، یک مطلب را می گویند، شما انگیزه این گریه و این اجتماع در مجالس روضه را خیال نکنید که فقط این است که ما گریه کنیم برای سیدالشهدا، نه سیدالشهدا احتیاج به این گریه ها دارد و نه این گریه خودش فی نفسه یک کاری از آن می آید، لکن این مجلس ها مردم را همچو مجتمع می کنند و یک وجهه می دهند، سی میلیون، سی و پنج میلیون جمعیت در دو ماه محرم و خصوصا دهه عاشورا یک



وجهه ، طرف یک راه می روند ، اینها را در این ماه محرم ، خطبا و علما در سرتاسر کشور می تواند بسیج کند برای یک مسأله . این جنبه سیاسی این مجالس بالاتر از همه جنبه دیگری است که هست ، بیخود بعضی از ائمه ما نمی فرمایند که برای من در منابر روضه بخوانند ، بیخود نمی گویند ائمه ما به اینکه هر کس که بگرید ، بگریاند یا صورت گریه ، گریه کردن به خودش بگیرد اجرش فلان و فلان است . مسأله ، مسأله گریه نیست ، مسأله ، مسأله تباهی نیست ، مسأله ، مسأله سیاسی است که ائمه ما با همان دید الهی که داشتند ، می خواستند که این ملت ها را با هم بسیج کنند و یکپارچه کنند ، از راه های مختلف ، اینها را یکپارچه کنند تا آسیب پذیر نباشند . مسائل اسلام ، مسائل سیاسی است و سیاستش غلبه دارد بر چیزهای دیگرش . اجتماعاتی که اسلام بعضی اش را فرض کرده است ، واجب کرده است و بعضی اش را به طور استحباب و مبالغه در استحبابش کرده است اینها یک مسائل سیاسی است . قضیه مکه یک مسأله ، اجتماع در مکه در این محافل مختلف با این یکپارچگی مردم که از همه بلاد مسلمین واجب شده است که بیایند در آنجا ، بروند چه بکنند ، خدا که احتیاج به عبادت من و تو ندارد . خدای تبارک و تعالی می خواهد که مردم را مجتمع کند ، واجب کرده است که اینها را ، جمع بشوند در آنجا و مسائل اسلام را طرح کنند و حل کنند .

مع الاسف در اثر بی اطلاعی ماها ، در مکه مجتمع می شوند لکن به مسائل خودشان درست رسند . حالا اخیرا یک قدری بهتر شده است ، لکن اگر مسلمین در یک همچو مجلس بزرگی که از تمام دنیا مجتمع شده است و هیچ قدرتی نمی تواند اینطور مجلس را درست بکند ، دولت ها هر چه زحمت بکشند یک عده ای از مملکت خودشان را می توانند یک جایی جمع کنند یا از چند تا مملکت . خدای تبارک و تعالی مردم را ، موثرها را برایشان فرض کرده است که مجتمع بشوند در آن مجالسی که در مکه هست و همه با هم آنجا جمع بشوند و نکته سیاسی این اجتماع این است که اولاً خودشان مطلع بشوند از حالات هم ، تفاهم کنند با هم ، برادر باشند با هم برادری کنند با هم و مسائل بلاد خودشان ، ممالک خودشان را طرح کنند در آنجا و چاره جویی کنند برای مسائل خودشان . ما اگر همین حج را به آن معنایی که روح حج اقتضا می کند عمل می کردیم ، این گرفتاری های زیادی که برای مسلمان ها پیش آمده است ، پیش نمی آمد . اگر دولت های اسلامی واقعا به خود می آمدند ، توجه می کردند که یک همچو محفل بزرگی که خدای تبارک و تعالی بر ما لازم کرده است ، بر عددی از ما الزام کرده است و بر همه مستحب کرده است که آنجا برویم ، این دولت ها ، وسائش را فراهم می کردند و ملت هائی که می رفتند آنجا با دست باز با هم ملاقات می کردند ، با هم دردهای بلاد خودشان را میان می گذاشتند ، گرفتاری هائی که از قدرت بزرگ برای آنها پیش می آمد و پیش می آید ، طرح می کردند ، گفتگو می کردند و بر می گشتند به محال خودشان و تبلیغ می کردند مسائل را ، اگر دولت ها ، دولت هائی بودند که توجه داشتند به این مسائل و نمی خواستند که زیر بار قدرت های بزرگ باشند و می فهمیدند لذت اینکه یک حکومت بر یک جامعه بیدار بشود از یک حکومت بر یک جامعه ای که هیچ خبر از هیچ چیز ندارد ، بهتر است . از زیر بار بیرون آمدن از ابر قدرت ها ولو هر جور مصیبت هم برای ملت های ما

داشته باشد بهتر است از اینکه ما در کاخ های بزرگ و در خانه های چه و کذا و اتومبیل های کذا باشیم و نوکر باشیم اگر اینها را می فهمیدند، دست از این کارها بر می داشتند و با ملت ها همصدا می شدند و وسائل را فراهم می کردند و این محفل بزرگ حج را نه اینطوری که حالا هست، درست بجا می آوردند و خودشان هم می آمدند در آن محافل و می نشستند و مسائلشان را حل می کردند، آنوقت اسلام یک قدرتی می شد که هیچ قدرتی مقابل او نبود. این یک راه هست که مردم را، همه مردم را سالی یک دفعه همه بلاد را دعوت کردند و (لله على الناس حج البيت) هر کس بتواند باید برود. یک راه دیگر این نماز عید و اجتماعات در عید است در سالی دو مرتبه، این هم یک مسأله ای است که در بلاد باید مجتمع می شدند، می شوند و باز مسائل، مسائل سیاسی است. نماز جمعه در هر هفته یک دفعه آن اجتماعات بزرگ بشود و بررسی بشود در هر جا راجع به مسائل روز، که بحمدالله این مسأله در این سال ها شده است و امید است که بیشتر بشود و آقایان هم باید تبلیغ کنند که این مجالس بهتر بشود و مجالس جماعت است که مردم در هر روز مجتمع بشوند در مساجد، نه همان مجتمع بشوند بگذارند این پیر مردها و از کار افتاده ها بروند، نه، مساجد باید مجتمع بشود از جوان ها، اگر ما بفهمیم که این اجتماعات چه فوایدی دارد و اگر بفهمیم که اجتماعاتی که اسلام برای ما دستور داده و فراهم کرده است، چه مسائل سیاسی را حل می کند، چه گرفتاری ها را حل می کند، اینطور بیحال نبودیم که مساجدمان مرکز بشود برای چند نفر پیرزن و پیر مرد. وقتی جماعت برود و اشخاص موثر بروند، مردم بروند، همه بروند آنجا مجتمع بشوند و در آنجا خطیب برایشان مسائل روز را بگوید و مسائلی که، مشکلاتی که دارند بگوید، این حل می کند مطالب را. همین ماه محرم و ماه رمضان، محرم و صفر و ماه رمضان آنقدر برکاتی که بر این سه ماه مرتب است نمی شود انسان احصا کند. این اجتماع عاشورا و این برگزاری عزای شهید، بزرگتر شهید عالم، این آنقدر برکات دارد. همان وقتی هم که این مسائل سیاسی در آن مطرح نمی شد آنقدر برکات داشت برای ملت ها که قابل احصا نبود.

### **تبلیغات منحرفین و روشنفکر نمایان در جهت تضعیف شعائر و مظاهر اسلامی**

الان بیشتر ما احتیاج داریم به این مجالس، تو گوش شما نخوانند به اینکه این مجالس ما بگذاریم حالا و مجالس روضه را، خرج هائی که می کنیم حالا نکنیم و خرج مثلا این جنگزده ها بکنیم، نه، مسأله اینطور نیست، خرج جنگزده ها را باید بکنیم، ملت ما باید کسانی که در جنگ آنطور لطمه ها را دیدند، جوان هائی که در جنگ، آنطور فداکاری می کنند، قدردانی کنیم و کسانی که از منزل خودشان دور شدند، باید پذیرائی از آنها بکنیم، یک وظیفه انسانی، وظیفه الهی است نه به معنای اینکه ما حالا کارهای دیگرمان را رها کنیم به این کار فقط بچسبیم، همه را باید ما بگیریم. امروز ما به مجالس تعزیه و روضه بیشتر احتیاج داریم از سابق. این اجتماع سرتاسری کشور، این دستجات سرتاسری کشور، امروز دیگر یک رنگ سیاسی پیدا کرده است و حق هم همین است. اگر ما سی و چند میلیون جمعیت در این دهه محرم که وسیله شان را خدا برای ما فراهم کرده است و آنقدر ائمه

اطهار راجع به اینطور امور سفارش فرموده اند و آنطور ثواب ها را خدای تبارک و تعالی برایش مرتب فرموده است ، اگر سی و پنج میلیون جمعیت در این ماه محرم ، در این دهه محرم اجتماعات داشته باشند ، خطبا هم بروند مسائل روز را برایشان بگویند و تعزیه بگویند و گریه کنند برای سیدالشهدا ، این یک شعاری است ، یک شعار الهی است . امروز دیگر ما انقلاب کردیم ، روضه دیگر لازم نیست ، از غلظتهائی است که تودهن ها انداختند ، مثل این است که بگوئیم امروز ما انقلاب کردیم ، دیگر لازم نیست که نماز بخوانیم ، انقلاب برای این است ، انقلاب کردیم که شعائر اسلام را زنده کنیم ، نه انقلاب کردیم که شعائر اسلام را بمیرانیم . زنده نگه داشتن عاشورا یک مسأله بسیار مهم سیاسی عبادی است . عزاداری کردن برای شهیدی که همه چیز را در راه اسلام داد ، یک مسأله سیاسی است ، یک مسأله ای است که در پیشبرد انقلاب اثر بسزا دارد ، ما از این اجتماعات استفاده می کنیم ، ما از آن الله اکبرها ، ملت ما از آن الله اکبرها استفاده کرد ، آن الله اکبرها را باید حفظ بکنیم . این مظاهر و مشائر و اموری که در اسلام در آن سفارش شده باید فکر کنید که اینها یک مسأله سطحی نبوده است که می خواستند جمع بشوند و گریه کنند ، خیر ، ما ملت گریه سیاسی هستیم ، ما ملتی هستیم که با همین اشک ها سیل جریان می دهیم و خرد می کنیم سدهائی را که در مقابل اسلام ایستاده است . چطور شد که اینها در زمان رضاخان یک محفلی جمع شدند و برای شکست ایران از اسلام گریه کردند؟ اگر گریه اشکال داشت ، چطور اینها گریه کردند؟ اینها می خواستند که مجوس را و آن ملت و ملیتی که خودشان در نظر است احیا کنند ، لهذا ، در آن محفل حرف ها زده شد و گریه ها شد برای اینکه چرا مجوس از اسلام شکست خورده است . آن افکار پوسیده الان هم در مغزهای بعضی ها هست . اینها نمی خواهند که شما برای یک شهید اسلام گریه کنید . اگر چنانچه برای شکست اسلام گریه کنید آنها می گویند نه ، گریه چیز خوبی است ، اینها نمی خواهند که شما برای کسی که همه چیزش را برای اسلام داد ، اینها نمی خواهند شما زنده نگه دارید یک واقعه ای را که قدرت های بزرگ را آن واقعه کوبید و در اثر او ، شما هم اگر بشوید می کوبید ، اینها نمی خواهند این مسائل واقع بشود ، مع الاسف تبلیغ می کنند این منحرفین ، اینهائی که مامورند که اینجور تبلیغات را بکنند و جوان ما بعضی شان باورشان می آید . باید جوان های ما بدانند که هر نحو تبلیغی که بر ضد یکی از مظاهر اسلامی واقع شد این تبلیغی است که از جانب بزرگترها و چپاولگرها به دست عمالشان واقع می شود برای اینکه اسلام را بکوبد . این جوان های ما که بحمدالله مسلمند و فعال ، باید توجه بکنند به اینکه هر یک از این شعائر اسلامی چه چیزی دارد که اینها با آن مخالفند ، چی زیر سر عمامه است که اینها مخالفند و چی زیر سر مجالس عزاست که اینها با آن مخالفند ، از این چه ، چه چیزی می آید ، از مجالس عزای هماهنگ کردن همه ملت همه ملت در یک روزی از منزل ها بیرون می ریزند و فریاد می زنند و اگر یک وقتی اینها فکر این را بدهند که در این روز اینها را منسجم بر ضد یک قدرتی بکنند ، چه خواهد شد؟ اینها از این می ترسند با گریه شما ما می بنشینید گریه کنید اما نفت را به ما بدهید ، ما اشکال نداریم . می مجلس بگیرید ،

با ما مخالفت نکنید، اشکال ندارد. اینها از این مجالس از آن جنبه سیاسی اش می ترسند. امروز هم مجالس ما تحول در آن پیدا شده است، مثل سابق نیست، متحول شده است، همه افراد ملت ما، مجالس ما متحول شده است. لکن گمان نکنند آنهایی که جنبه های سیاسی به نظرشان دارند و مثلاً روشنفکر هستند به نظرشان که مجالس گریه دیگر چیزی نیست. همین گریه هاست که کارها را پیش برده است، همین اجتماعات است که مردم را بیدار می کند. ما از این مخالفت هائی که شد در زمان رضاخان و شک نداریم که به دستور بوده، خود او خیلی معلوم نبود که اگر دستور ندهند، این حرف ها را بزند، از این مخالفت هائی که شد باید عبرت بگیریم، ببینیم با مجالس روضه مخالف بودند، معلوم می شود که مجالس روضه با آنها مخالف است. با روحانیت مخالف بودند، ببینیم که روحانیت برای آنها مضر است. با دانشگاه مخالف بودند ببینیم که دانشگاه با آنها مخالف است. بودن یک دانشگاه صحیح با آنها مخالف است، بله، آنها دانشگاهی که به دست خودشان درست بشود و همه چیزش را هم خودشان درست بکنند و جوان هائی که از دانشگاه بیرون بیاید همه برای خودشان عمل بکنند، با آن مخالف نیستند، اما امروز با دانشگاه مخالفند. در انقلاب اسلامی با دانشگاهش مخالفند، با مجالس روضه اش مخالفند، با روحانی اش مخالفند، با جوان متدین بازاریش مخالفند، با همه مخالفند.

امروز مخالف همه جانبه ابر قدرت هاست با این ملت در همه مظاهر اسلامی اش و ما باید بیدار باشیم و توجه داشته باشیم. تبلیغات اینها برای ما ضررش بیشتر از جنگ هاست، ساده نباید برخورد کرد به این تبلیغات. ما از جنگ چه ترسی داریم؟ یک ملتی که حاضر است برای شهادت و شهادت را فوز عظیم می داند، چه باکی از این مسائل دارد؟ از این، از اینکه باکی نیست، تازه وقتی که یک جنگی شروع می شود، ملت ما بیدار می شود، بیشتر متحرک می شود. شما ببینید که در این جنگی که به ایران تحمیل کردند و اشخاص خائن به اسلام، مخالف سر سخت با اسلام، این جنگ را پیا کردند، ایران چه جور باز زنده شد، یکپارچه ایران دوباره انقلاب کرد و توجه کرد به یک مقصد، سرتاسر ایران کدام کار ممکن بود که اینطور مردم را بسیج کند؟ این جنگ بود که بسیج کرد. پس جنگ چیزهائی است که ما خیال می کنیم بد است، بعد خوب از کار در می آید. البته جوان هائی ما از دست دادیم این اسلام از این جوان ها خیلی از دست داده و ما در این جنگ بیشتر از جنگ صفین تا حالا از دست ندادیم، خیلی هم کمتر از اوست، لکن برای اسلام است، وقتی برای اسلام است ما چه باکی داریم. جنگ برای ما، ما را بیدار کرد، آن رخوه و سستی اگر پیدا می شد، دوباره برگشت به یک قرصی و محکمی، آنی که انسان را می ترساند این تبلیغاتی است که بیخ گوش اینها، یکی، یکی گفته می شود و بعد یک جمعیتی می شوند و بعد زیادتر. از این شیطنتها باید یک قدری ترسید و توجه به آن کرد، از اینکه مجالس اسلامی را، مجالس عزا را در نظر شما سست می کنند و می روند تو دهات، این ور آن ور می افتند که فلانی گفته است که مجالس عزا لازم نیست و شما خدمت کنید به اینها، فلانی چطور همچو حرفی می زند؟ کسی که می داند که مجالس عزا چه جهت سیاسی دارد، چه جهت اسلامی دارد، البته باید آنها را هم بررسی کرد و تکلیف است برای دولت و برای ملت، برای همه، از خود ما هستند آنها، برادرهای

ما هستند، آنها را خانه هایشان را خراب کردند و عده شان، زیادی را کشتند و از بین بردند و اینها هم بی خانمان شدند آمدند، هر جا آمدند باید مهمانداری کرد از آنها.

### لزوم طرح مسائل سیاسی - اجتماعی روز از سوی وعاظ در مجالس عزاداری

لکن این به این معنا نیست که ما در آن مسأله ای که همه با هم باید مجتمع بشویم برای کوبیدن ابرقدرت ها، از آن مسأله دست برداریم و برویم این کار را بکنیم، نخیر، هر دورا باید بکنیم، مجالس سر جای خودش باید باشد و مجالس عزا باید باشد و اهل منبر باید این شهادت امام حسین سلام الله علیه را زنده نگه دارند و ملت باید با هم قدرت این شعائر اسلامی را، خصوصا این را زنده نگه دارند، با زنده نگه داشتن او، اسلام زنده می شود (انا من حسین) که روایت شده است که پیغمبر فرموده است، این معنایش، معنا این است که حسین مال من است و من هم از او زنده می شوم، از او شده است. اینهمه برکات از شهادت ایشان است، با اینکه دشمن می خواست آثار را از بین ببرد، آنها در صدد بودند که اصل بنی هاشمی در کار نباشد (لعبت هاشم بالکذا) این حرف بود، آنها می خواستند اصل اسلام را ببرند و یک مملکت عربی درست کنند و این کارشان اسباب این شد که عرب و عجم و همه، همه مسلمین توجه پیدا کردند که نه، قضیه، قضیه عربیت و عجمیت و فارسیت و اینها نیست، قضیه خدا و اسلام است. این مجالس را حفظ کنید، همه مجالسی که اجتماعات دینی هست، اجتماعات اسلامی هست، اینها اسلام را در قلوب ما زنده نگه می دارد. جماعات را حفظ کنید، جمعه را حفظ کنید، اعیاد اسلامی را، شعائری که در آن هست حفظ کنید و مجالس عزازا با همان شکوهی که بیشتر انجام می گرفت و بیشتر از او حفظ کنید و اهل منبر ایدهم الله تعالی کوشش کنند در اینکه مردم را سوق بدهند به مسائل اسلامی و مسائل سیاسی اسلامی، مسائل اجتماعی اسلامی و روضه را دست از آن برندارید که ما با روضه زنده هستیم. خوب، بعضی از امور هست که باید به وسیله آقایان، آقایانی که خطبا هستند و اهل منبر هستند، در سرتاسر کشور تذکر داده بشود به مردم. یکی همین که گفتیم که انشأ الله تذکر داده می شود و انشأ الله مسلمین هم توجه می کنند به آن، یکی اینکه از جنگ خسته نشوند مردم، جنگ یک چیز خوبی است، البته ما پیشقدم نیستیم، برای جنگ ما پیشقدم نیستیم لکن حالائی که به ما تحمیل شده است این یک آثار بزرگی دارد برای نهضت ما. یکی از آثارش این است که دشمن ما را روسیاه کرد در دنیا، این می خواست که برای خودش یک حیثیتی پیدا بکند و اینکه دشمن اسلام بود و قبل از این هم که هجوم کند به ایران، با عراق آنطور معامله کرد و با علمای عراق آنطور معاملات کرد و با ملت عراق آنطور و با دستجات برای عاشورا آنطور و با زائرین کربلا که برای اربعین می رفتند آنطور جنایتکارانه عمل کرد، این در دنیا رسوا شد و حالا هم هر چه می خواهد سالوسی کند و نماز بخواند و اظهار اسلامیت بکند و امثال ذلک، دیگر فایده ندارد، این دیگر نمی تواند با سالوسی خودش را جا بیندازد، نمی توانست لکن شاید بعضی ها آنهایی که خارج بودند از عراق باورشان می آمد که این یک آدمی است که می خواهد خدمتی

بکند و کذا و این حرف ها ، حالا معلوم شد که نه ، همه فهمیدند که این آدم اینطوری است ، وضعش اینطوری است و معلوم شد که یک آدمی است که برای عرب می خواهد کار بکند ، این خوزستان عرب ها را غالباً کشتند . اگر ایشان با عرب مؤفق است ، چطور عرب کشی می کند؟ برای این هم نبوده است که چند کیلومتر از مملکت ایران را او ادعا دارد چقدر ضرر کرده در این ، ملت عراق بیچاره چقدر ضرر کرد در این جنگ و ملت اسلام چقدر ضرر برد ، ضرر جانی ، ضرر مالی ، ضرر حیثیتی او برد . یکی از مسائلی که باز مرتب شد بر این ، اینکه شیاطین فهمیدند قدرت اسلام در ایران چیست و قدرت ارتش ما و پاسدارهای ما که خداوند همه را حفظ کند ، آنطور نیست که آنها خیال می کردند . خلیجی ها هم فهمیدند که نه ، مسائل آنطورها نیست و اگر خدای نخواستہ یک وقت شیطنت کنند ، ممکن است عکس العمل داشته باشد ، دیگران هم فهمیدند که نه ، قدرت اسلام بیش از این مسائل است که اینها خیال می کنند ، قدرت اسلام است که یک مملکت را یکپارچه بر ضد آنها به راه می اندازند ، بسیج می کند ، این قدرت اسلام است . این هم یکی از برکاتی بود که از این جنگ تحمیلی برای آنها ننگ بار آورد و برای ملت ما سلحشوری و قدرتمندی و بیداری این جنگی که حالا به ما تحمیل شده است برای ما البته یک ضررهایی هم داشته است و برادرهای ما در آنجا و اشخاصی که در آنجا تلف شدند و در خرمشهر و در آبادان و در دزفول و اینها تلف شدند ، خساراتی برایشان بار آمده و عده ای از زن و بچه هایشان هم که سرپرست های خودشان را از دست مثلاً دادند ، آنها هم کوچ کردند برای بلاد دیگر . باید آقایان به مردم سفارش کنند که اینها برادر ما هستند ، اینها در راه اسلام و جنگ در اسلام اینطور آواره شدند ، اینها را باید مثل خودتان و مثل اولاد خودتان بدانید ، اگر بچه های بی سرپرستی هستند و می توانید سرپرستی یکی از اینها را برای خودش نگه دارد و حفظ کند ، حفظ کند . دولت باید اینها را با یک ترتیبی ، مرتبی ، منظمی ، محترمانه برای اینها جا تهیه کند برای اینها غذا تهیه کند ، اینها آواره شدند . نباید فکر این باشیم که ما خودمان هر چه می خواهیم داشته باشیم ، دیگران هیچی نخیر ، باید کمک کنند به اینها ، ثروتمندها کمک کنند به اینها برادرهای مؤمن ، خواهرها به اینها کمک کنند و اینهایی که در جنگ آسیب دیده اند اینقدر نگذارند مصیبت بیشتر برایشان بشود و آنها را مثل مهمان عزیز مهمانداری کنند و دولت هم باید جاهایی را برای اینها معین کند و آنها را حفاظت کند .

### **با مسائل و مشکلات کشور از راه اسلامی برخورد کنید**

یکی هم اینکه باید دولت ما ، ملت ما توجه به این معنا داشته باشد که در یک مملکتی که جنگ در آن هست ممکن است که یک چیزهایی هم کمبود توی آن باشد ، در ایران الحمدلله کم است این اما اینطور نباشد که خودشان کمک کنند ، مردمی کمک کنند بر اینکه کمبودی حاصل بشود ، هجوم کنند مثلاً به خرید یک چیزی و نگهداری بخواهند بکنند ، گمان نکنند که با این جنگی که آنجا واقع شده است ، ایران در مضیقه واقع می شود ، نه ، ایران در مضیقه واقع نمی شود . شما توجه کنید که مسائل را از راه اسلامی با آن برخورد کنید ، از راه انسانی با آن برخورد کنید ، اگر مسائل را از راه اسلامی اش ما با

آن برخورد کنیم، نمی‌رسد به اینکه ما بخواهیم یک چیزی را احتکار کنیم یا مثلاً گرانفروشی کنیم یا زیاد در رفتار خلاف انسانی بکنیم. وقتی یک جنگی پیش آمد باید مردم بیشتر به فکر این باشند که ایران را آرام نگه دارند، الحمدلله آرام هم هست. اینهایی که جمع بشوند در یک جایی برای خرید یک چیزی که نمی‌دانم حالا هم هست یانه، که می‌شدند قبلاً اینها یک اشخاصی هستند مفسده جو و می‌خواهند تضعیف کنند روحیه شما را. ما هیچ واقعه‌ای برایمان واقع نشده یک دسته‌ای آمدند در یک گوشه مملکت ما خرابکاری می‌کنند، از این دزدها در ایران همیشه بوده، این دزدها خیلی بوده، زمان‌های سابق زیاد بود که یک شهری را شلوغ می‌کردند، یک جایی را می‌بردند، یک، از بین می‌بردند. نباید با اینکه یک شلوغکاری در یک جایی شده است که الان هم انشاء الله از بین می‌رود.

### **هشدار بر لزوم شکست حصر آبادان توسط قوای مسلحه**

و من منتظرم که این حصر آبادان از بین برود و هشیار می‌دهم به پاسداران، قوای انتظامی و فرماندهان قوای انتظامی که باید این حصر شکسته بشود، مسامحه نشود در آن، حتماً باید شکسته بشود و فکر این نباشند که ما اگر اینها هم آمدند، بیرونشان می‌کنیم، اگر اینها آمدند خسارات بر ما وارد می‌کنند، نگذارند اینها بیایند در آبادان وارد بشوند، از خرمشهر اینها را بیرون بکنند، حال تهاجمی بگیرند.

### **تقویت روحیه قوای مسلحه با تقدیر و پشتیبانی ملت**

و باز توجه داشته باشند به اینکه اینهایی که از فرماندهان و از پاسداران و از سربازان و از ژاندارمری و همه اینها در آنجا مشغول هستند، اینها دارند جانفشانی و فداکاری کنند، اینها همچو نیست که توی خانه‌ای نشسته باشند و راحت باشند، اینها هر کدام که رفتند در این جبهه‌ها فداکاری دارند می‌کنند در هر حال به نظرشان ممکن است که یک وقت مثلاً یک موشک فلان بیاید و اینها را از بین ببرد، باید از اینها قدردانی کنند تقویت کنند روحیه اینها را، ملت باید تقویت کند روحیه اینها را، اینها مشغولند، مشغول بررسی هستند، مشغول برنامه ریزی هستند، از یک طرف مسامحه نباید بشود، از یک طرف هم مشغول به کار هستند اینها، کسانی که اطلاع نظامی ندارند نباید دخالت کنند در کار نظامی. این مثل این است که ما بگوئیم که فلان سرهنگ یک وقت بیاید به ما بخواهد بگوید که فقه اسلام اینطوری است، همین طوری که می‌بینید بعضی‌ها از قرآن یک آیه‌ای را بردارند می‌خوانند و دنبال او یک مسائلی را می‌گویند در صورتی که از قرآن هیچ اطلاعی ندارند و از اسلام هم هیچ اطلاعی ندارند. مائی که از نظام اطلاع نداریم و از جنگ اطلاع نداریم نباید اظهار نظر بکنیم که خوب است اینجوری بکنند، آخر شما چه می‌دانید که خوب است اینجوری بکنند، من و شما اطلاع از این نداریم. هی برنامه ندهد کسی که ندارد یک چیز را، نمی‌فهمد یک چیزی را، تضعیف نکنند روحیه سربازهای ما را که با تمام قدرت، همه جناح‌هایشان دارند جانفشانی می‌کنند و ضربت‌های زیاد به آنها

زدند شما کنار نشستید و می گوئید خوب است اینجوری بکنند . آدمی که کنار گود نشسته خیلی حرف ها می تواند بزند ، بگذارید که آنها روی نقشه هائی که دارند روی طوری که می توانند عمل بکنند و بحمدالله می توانند وانشأ الله عمل می کنند و ما هم صبر داریم ، اینقدرها بی صبری نکنید . جنگ صفین هیجده ماه طول کشید با آن زحمات ، هیجده ماه طول کشید با آنهمه رنج هائی که بردند و با آنهمه تلفاتی که دادند ، ما تازه دو ماه است که کمتر از دو ماه است الان که یک همچو چیزی هست شمائی که با همه ابر قدرت ها می گوئید ما ایستادیم و مقابله می کنیم و مشتتان را گره می کنید که ما آمریکا و شوروی و کذا را ، شما باید همچو قدرتمند باشید که اگر پشت این خانه هایتان هم خدای نخواستہ سرباز اجانب آمد باز هم همان مشت گره کرده بروید و با هم در بیفتید و جنگ تن به تن بکنید . شما که یک همچو کار بزرگی را کردید و حالا انگور را خوردید نمی خواهید تبش را بکنید؟ یک همچو کار بزرگی که اعجاب دنیا را برای شما جلب کرده است ، زحمت دارد ، حفظ اسلام زحمت دارد . شما برای اسلام از اول قیام کردید و فریاد زدید ما جمهوری اسلامی می خواهیم ، آنها هم همه شان مخالف با جمهوری اسلامی اند ، همه قدرت ها مخالف با جمهوری اسلامی اند ، کسی که با همه قدرت ها در افتاده است و بحمدالله پیش بده تا حالا ، حالا نباید به واسطه اینکه یک چیزی واقع می شود ، یک شلوغی در یک جایی واقع می شود این خیال کند که نه ، به هم خورد وضع . شما در جنگی که جنگی داخلی که با محمدرضا و ساواکش داشتید ، چقدر شهید دادید ، از پانزده خرداد به این ور شاید صد هزار شهید ما داده باشیم یا بیشتر ، چقدر هم معلول داریم . حالا ما همه این بساطی که تا حالا واقع شده است اینقدرها نیست خیلی چیز کمی است و آنقدری که به آنها ضایعه واقع کردیم ، لشکر ما ضایعه واقع کردند ، چندین برابر است . محکم باشید آقا ، جوان های ما محکم بایستید (یکی از حضار: ما همه سرباز توایم خمینی ، گوش به فرمان توایم خمینی ) ما همه سرباز خدا هستیم انشاء الله ، نه تو سرباز منی ، نه من سرباز تو . همه ما با هم قیام کردیم که اسلام را در اینجا زنده کنیم و انشاء الله به سایر جاها هم صادر کنیم . و ما همه برادر با هم هستیم ، دوست با هم هستیم و امیدوارم که همه ما دوش به دوش هم ، هر کس هر مقدار که می تواند ، منی که یک پیرمرد هستم ، صحبت بکنم برای شما ، آقای فلسفی که پیرمرد قوی انشاء الله ایشان هم برای شما صحبت بکنند ، آقایان اهل منبر هم برای مردم صحبت بکنند ، این یک خدمتی است که از ماها برمی آید ، ما انشاء الله انجام بدهیم و امیدوارم که برای خدا باشد . شما هم هر کدام هر کاری ازتان بر می آید انجام بدهید .

### **دولت و ملت برای خودکفائی کشاورزی و صنعتی کوشش کنند**

جهاد کشاورزها این است که کشاورزی شان را تقویت کنند . امسال شنیدم بعضی ها سستی کنند و این برخلاف مسیر اسلام است . شما پارسال با آن گرفتاری ها زیاد کردید کشت تان را ، و امسال الحمدلله آن گرفتاری ها کم است و به شما کمک هائی هم از طرف دولت می شود و باید خودتان به فکر باشید که اگر ابرقدرت ها فردا منع کردند همه کشورها را که به ما گندم ندهند ، خودمان داشته



باشیم . خوب ، کشاورزها باید به این فکر باشند و کشاورزی خودشان را تقویت کنند و بیشتر کنند و کارها را جوری کنند که ما دیگر محتاج نباشیم در خوردنمان هم به مردم . و من امیدوارم که اشخاصی که تفکر دارند ، مغز صنعتی دارند اینها هم کارها را راه بیندازند و صنعت درست کنند خودشان . شما بدانید که اگر خودتان به فکر بیفتید که برای خودتان انجام بدهید ، کارهای خودتان را می توانید انجام بدهید ، گمان نکنید که ما حتما باید همه چیزمان را از دیگران بگیریم ، نه ، شما به فکر این باشید که همه چیزتان را خودتان درست کنید . این ژاپن بود که در سال های قبل محتاج بود و خودش به فکر افتاد و خودش کارهای خودش را درست کرد و الان صادر می کند به آمریکا هم . و آن هندوستان بود که در آن زمان آنقدر احتیاج داشت ، حالا الان دارد خودش احتیاجات خودش را رفع می کند . مغزهای شما کوچکتر از مغزهای دیگران نیست شما خودتان به فکر باشید ، توجه کنید که کار خودتان را خودتان انجام بدهید و الان مهم این است که کشاورزی باید چندین برابر سابق باشد ، دولت باید کمک بکند و مردم باید جدیت بکنند و من امیدوارم که در این سالی که می آید به کوشش شماها ، به کوشش جوان های ما ، کشاورزی های ما ، کارهای کشاورزی ما همچو بشود که ما محتاج نباشیم به دیگران در خوراکیمان و همین طور کارخانه ها کارها را انجام بدهند ، خودشان راه بیندازند کارخانه را ، شما خودتان باید انجام بدهید کار خودتان ، هی منتظر این نباشید که یکی دیگر بیاید شما را اداره کند ، خودتان اداره کنید خودتان را و من امیدوارم که همه این کارها به دست خودتان بشود و هیچ به خودتان خوفی راه ندهید ، ما آن قدرت های بزرگ را هل دادیم و بیرونشان کردیم و کسی نمی تواند شما را انشاء الله دیگر هل بدهد از مملکت خودتان .

## بیانات امام خمینی در جمع گروهی از حجاب پاکستانی

### کعبه خانه ناس و محلی برای اجتماع و زیارت مسلمین

بسم الله الرحمن الرحيم

با تشکر از حضور آقایان در اینجا و امیدواری به اینکه خداوند زیارت آقایان را و سایر حجاج محترم را قبول کند، عرض می‌کنم که شما مؤفق شدید به زیارت خانه ای که خداوند برای ناس قرار داده است و اول بیتی است که خداوند برای همه مردم قرار داده است و فرموده است که اول بیت وضع للناس للذی بیکه این دلیل بر این است که، یکی از ادله این است که خدای تبارک و تعالی همه عالم را دعوت فرموده است به اسلام و این خانه را برای تمام عالم از زمان بعثت تا آخر برای همه قرار داده است.

این خانه ناس است. شخصی یا اشخاصی یا گروهی یا طوایف خاصی اینطور نیست که اولی باشند به خانه خدا از دیگر ناس، همه مردم، آنهایی که در سرتاسر دنیا هستند، در مشارق ارض و مغارب ارض، مکلف هستند که مسلم بشوند و در این خانه که قرار داده شده است از برای ناس، مجتمع بشوند و زیارت کنند آن بیت مقدس را. عقلا و علمای اسلام از صدر اسلام تاکنون کوشش کردند برای اینکه مسلمین همه با هم مجتمع باشند و همه ید واحد باشند بر غیر مسلمین. در هر جا که مسلمی پیدا بشود باید با سایر مسلمین تفاهم کنند و این یک مطلبی است که خدای تبارک و تعالی در قرآن کریم سفارش کرده است و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سفارش فرموده است و ائمه مسلمین سفارش فرموده اند و علمای بیدار اسلام دنبال این امر را گرفته و کوشش کرده اند به اینکه مسلمین را در تحت لوای اسلام به وحدت و یگانگی دعوت کنند

### پیغمبر اسلام مبعوث شده است بر تمام بشر در مشارق ارض و مغارب ارض

مع الاسف بعضی از عناصر منحرف، از عناصری که به اسلام اعتقاد هم ندارند با ادعای خالی از حقیقت اسلام کوشش دارند به اینکه اسلام را در عربیت خالص کنند. گزارشی که در یکی دو روز پیش از خبرگزاری‌ها رسید به ما، این بود که صدام حسین در مجلس غیر قانونی خودشان صحبت‌های متفرقه ای کرده است و اراجیفی بافته است از آنجمله اینکه فارس مسلم نیست به دلیل اینکه قرآن عربی است، پیغمبر عرب بوده است و اسلام مال عرب است. به منطق این آدم منحرف که از اسلام

بی اطلاع است و از آنجمله اعرابی است که خدای تبارک و تعالی فرموده است (اشدکفرا و نفاقا واجدر الا یعلموا حدود ما انزل الله این ، سزاوارترند اینطور اشخاص از اینکه حدود خدا را و احکام خدا را نشناسند . به منطق این آدمی که اعتقاد به اسلام هم ندارند شما آقایان که به مکه مشرف شدید مسلم نبودید و تمام مسلمین دنیا که در شرق و غرب زمین هستند مسلمان نیستند . فارس مسلمان نیست ، ترک مسلمان نیست ، بلوچ مسلمان نیست ، پاکستانی مسلمان نیست ، مسلمانان هندوستان مسلمان نیستند ، اندونزی مسلمان نیستند ، مسلمانانی فقط منحصر به عرب است ! نظیر عفلق ، نظیر صدام و نظیر حزب بعث عراق ! این منطق یک آدمی است که از اسلام بی اطلاع است ، از قرآن بی اطلاع است . ضرورت مسلمین است که پیغمبر اسلام آخر نبیین است و مبعوث شده است بر تمام بشر در مشارق ارض و مغارب ارض . قرآن کریم حکایت می کند که اسلام مال تمام طوایف است ، هر کس به او رسید باید ایمان بیاورد و روایات از رسول اکرم این است که اسلام برای همه است . و این آدم اگر تا حالا هم فرض کنیم (به فرض غلط) که مسلم است ، برای این کلمه از اسلام بیرون رفته است برای اینکه خلاف ضرورت مسلمین و خلاف قرآن کریم و خلاف رسول اکرم گفته است .

### قرآن کریم میزان را تقوا قرار داده است و صدام عربیت را

ما سال های طولانی است که دنبال این هستیم که مسلمین را با هم همقدم و هم کلام و مجتمع کنیم برای اینکه تمام گرفتاری هائی که مسلمین دارند و به دست قدرت های اجنبی ، آنهائی که می خواهند از بلاد مسلمین بهره گیری کنند ، آنهائی که می خواهند ذخائر مسلمین را ببرند ، آنهائی که می خواهند دولت های اسلامی را در زیر یوغ سلطنت خودشان قرار بدهند اینها کوشش کرده اند خودشان و عمالشان به اینکه تفرقه بین مسلمین ایجاد کنند . این کلام خبیث همان کلامی است که آنها می خواهند که عرب را یک طرف قرار بدهند و همه مسلمین را در طرف دیگر . فقط عرب مسلم است ، پاکستانی مسلم نیست ، ایرانی مسلم نیست ، عرب مسلم واقعی است !! اینها همه باید (به حسب قولی که او باز در یک کلامش گفته است ) اینها باید آقائی عرب را بپذیرند!! این برخلاف اسلام است ، برخلاف دستورات قرآن است . قرآن کریم میزان را تقوا قرار داده است و فرموده است ان اکرمکم عندالله اتقیکم و صدام میزان را عربیت قرار داده است ، عربیت ، چه عربیتی باشد که مثل عفلق و امثال صدام باشد و چه سایرین . این برخلاف موازین اسلام و برخلاف ضرورت مسلمین است . این همان معنائی است که ابرقدرت ها می خواهند که قشرها را از هم جدا کنند ، عرب را از غیر عرب جدا کنند ، عرب را در یک طرف قرار بدهند و عجم را در یک طرف دیگر . در بین خود عرب هم می خواهند که طوایف مختلف را از هم جدا کنند و در بین عجم هم که سایر مسلمین هستند می خواهند که اینها را از هم جدا کنند اینها مأمور این هستند ، محمدرضا مأمور این معنا بود که اینها را از هم جدا کند . کسانی که این معنا را می گویند و این معنا را تعقیب می کنند اینها همان مأمورینی هستند که مقاصد پلید اجنبی ها را که مسلمین را می خواهند از هم مفترق کنند اجرا می کنند .

## ما بر حسب امر خدا از اسلام و کشور خودمان دفاع کردیم

مسلمین باید ید واحده بر ما سوایشان باشند (ولاتنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم قرآن شریف دستور داده است که اگر یک طایفه ای از مسلمین بر طایفه دیگر بغی کردند و تعدی کردند، بر همه مسلمین واجب است که بر ضد او قیام کنند. فرضاً از اینکه غیر مسلم بغی کند بر مسلم، اگر یک طایفه ای از کفار هجوم بیاورند به مملکت اسلامی، تکلیف همه مسلمین است که به او هجوم بیاورند و او را از صفحه روزگار نابود کنند. چه شده است که مسلمین در این امری که همه می دانند، تمام کسانی که اطلاع دارند از منطقه می دانند که دولت جابر صدام و بعث ناگهان بدون هیچ مقدمه حمله کرده است به ایران از طرف دریا و از طرف هوا، از طرف زمین و بدون اینکه دولت متوجه بشود بعضی از بلاد ایران را غصب کرده است و بعضی از سرزمین ها. آن روزی که مطلع شد ایران، جلوییش را گرفت و بحمدالله به قدری صدمه بر او وارد کرده است و بر جنود او وارد کرده است که بر گرداندن به اصل اول محتاج به سال های طولانی است و این هجوم ناجوانمردانه، کشور عراق را به تباهی کشاند و می کشاند و سرمایه هایی که باید صرف بشود در راه ترویج اسلام، اینها را صرف کرده اند در راه جنگ. ما بادی به جنگ نبودیم و نیستیم، لکن اگر کسی تعدی بکند دهان او را خرد می کنیم. ابتدا از آنها بوده است و آنها لهذا در مملکت ما این واقعه واقع شده است. اگر ما بادی بودیم، خوب بود اول ما رفته باشیم یکی از دهات آنجا را گرفته باشیم و آنها آمده باشند و ما را عقب زده باشند. ادعای اینکه ما مدتهاست، صدام در این نطق خبیثش گفته است که: ما مدتها با دولت ایران صحبت ها کرده ایم، رفت، آمد کردیم و خواستیم تفاهم کنیم و دولت ایران قبول نکرده است و ما ملزم شده ایم که به دولت ایران، و آنها، دولت ایران، پاسگاه های ما را در مرز خراب کرده اند و چقدر از پاسگاه های ما را خراب کرده اند و از قبیل این اراجیف. دولت ایران قبل از حمله عراق حتی یک وجب در ملک آنها، در مملکت آنها نرفته است و بنا هم نیست که برود و یک پاسگاه از آنها خراب نکرده است، لکن بعد از آنکه آنها حمله کردند و مردم ایران را، مردم عادی ایران را با توپ های دورزن و با موشک زمین به زمین خانه ها را خراب کرده اند، زن و بچه های مردم را کشتند و همه شرارت ها را کردند، البته دفاع بر هر مسلمی، بر هر انسانی دفاع واجب است و ما به حسب امر خدا دفاع کردیم از خودمان و دفاع از اسلام، نه دفاع از کشور خودمان فقط.

## چرا مسلمین بر ضد مستکبرین قیام نمی کنند؟

صدام کسی است که تابع عفلق هاست و آنها حزبشان اسلام را منافی می دانند با وضعیت خودشان، دشمن اسلام هستند آنها این که می گوید حسین ابن علی سلام الله علیه چه، این همان آدمی است که زوار حسین بن علی را دستجمعی اعدام کرده است و به حبس کشانده است. این همان آدمی است که مرقد مطهر حضرت امیر را به امر او گلوله بستند، که گلوله هائی که خراب کرده بود یک جائی از، سوراخ کرده بود، یک جائی از دیوار را به من نشان دادند اینها همان ها هستند که علمای

بزرگ اسلام را چه از طایفه سنی و چه از طایفه شیعه گرفتار کردند و حبس کردند و شهید کردند، اینها از اسلام بوئی نبردند و حالا دعوی اسلامیت می کند و می گوید من مسلم هستم ایشان از همان اعرابی است که خدای تبارک و تعالی فرموده است اینها از اسلام و حدود اسلام بی اطلاع هستند. چه شده است که مسلمین توجه ندارند به این معنا؟ چرا این مسائلی که در ایران واقع شده است و این مسائلی که به مملکت ما وارد شده است و آنطور بچه و کوچک ها و زن ها و مردها را اینها قتل عام کرده اند، بر خلاف موازین بین المللی و بر خلاف موازین جنگ به جاهای مسکونی حمله کردند، چرا مسلمین در این مطلب هیچ توجهی ندارند؟ چرا ساکت هستند؟ خدای تبارک و تعالی امر فرموده است که باید جنگ کنند با این، حالا جنگ نمی کنند لاقبل تبلیغ کنند، ساکت نباشند. چرا رادیوهای بلاد مسلمین ساکتند در این موضوع؟ چرا مسلمین ساکتند و توجه ندارند که اگر چنانچه جمهوری اسلام در ایران خدای نخواستہ شکست خورده است چرا توجه ندارند که ابرقدرت ها از اسلام می ترسند و مخالفشان با ایران به واسطه این است که می ترسند اسلام در سایر بلاد رشد کند و همین معنائی که در ایران شده است در جاهای دیگر بشود؟

مسلمین را چه شده است که در این مسائل که مربوط به اسلام است و مربوط به حیثیت مسلمین است ساکت نشسته اند، تماشاچی شده اند؟ ما احتیاج به کمک های جندی و کمک های ارتشی نداریم و ما خودمان حساب اینها را پاک خواهیم کرد، لکن تأسف دارد که مسلمین بی توجه هستند به این مسائل اسلامی، بی توجه هستند به قرآن کریم، عمل کنند به صریح قرآن کریم که فرموده است که: اگر یک طایفه ای ولو مسلم باشند اگر چنانچه حمله کرد بر طایفه دیگر از مسلمین، بر مسلمین لازم است که از آن طایفه مظلوم دفاع کنند. چرا خبرگزاری های خودشان را فرستند و ببینند مسائلی که در ایران واقع شده است، مصائبی که در ایران واقع شده است؟ و چرا اگر خبرگزاری هائی باشد و اطلاع بدهد به آنها، در رادیوهای آنها منعکس نمی شود؟ این سکوت مرگبار چیست که در مسلمین است؟ شما گمان می کنید که مطرح عراق و ایران است و صدام است و مملکت ایران؟ قضیه این نیست. مطرح اسلام است، نه مطرح یک کشور. مطرح تمام کشورهای اسلامی است، مطرح مستضعفین جهانند. آن چیزی که آنها می خواهند این است که مسلمین متفرق باشند و آنها حکومت کنند به این مسلمین. آنها تمام جوان های ما را به تباهی بکشند، دانشگاه های ما را دانشگاه های استعماری قرار بدهند، اقتصاد ما را وابسته کنند، ارتش ما را وابسته کنند. آنها به ایران فقط نظر ندارند، آنها به همه بلاد مسلمین، به همه بلادی که تحت سلطه اسلام باید باشد آنها نظر دارند. لکن می بینند که اگر یک میلیارد مسلم با هم مجتمع بشود، آن معنائی که در سی و پنج میلیون جمعیت ایران تحقق پیدا کرد و ضربه زد به آنها، آنچنان ضربه ای که تا آخر سر خودشان را نمی توانند بلند بکنند، اگر یک میلیارد جمعیت مسلم اینطور بشوند چه خواهد شد؟ آنها برای جلوگیری از این معناست که این جنگ ها را پیاپی می کنند. چرا باید دولت های اسلامی اینطور از هم منفصل باشند و جدا باشند چرا باید دولت های اسلامی توجه به مسائل اجتماعی و سیاسی اسلام نداشته باشند؟ چرا باید ممالک اسلامی

توجه نداشته باشند که نقطه نظر آنها اسلام است نه ایران؟ ملت‌ها همه توجه دارند، چرا دولت‌ها توجه ندارند؟ تاکی باید ما و دولت‌های ما تحت سلطه اجانب باشیم؟ تاکی باید مستشاران آمریکا و شوروی به ما حکومت کنند؟ تاکی باید یک گروه‌بان شوروی، یک گروه‌بان انگلیسی، یک گروه‌بان آمریکائی بیاید و به ارتش ما حکومت کند؟ ما آنها را بیرون کردیم شما هم بیرون کنید. سایر ممالک اسلامی هم بیرون کنند. ما آنهائی که تشتت ایجاد کنند در ایران به جای خودشان نشانده ایم و می‌نشانیم. سایر ممالک اسلامی هم مکلفند به اینکه آنهائی که بر خلاف اسلام، بر خلاف دستور قرآن، بر خلاف دستورات نبی اسلام ایجاد تشتت کنند، آنها را بگیرند و بیرون کنند و از بین ببرند. چرا نشستیم ما؟ چرا مسلمین نشسته‌اند؟ چرا نهضت نمی‌کنند؟ چرا قیام نمی‌کنند مسلمین بر ضد مستکبرین؟ چرا مستضعفین جهان قیام نمی‌کنند بر ضد مستکبرین سیاه‌های آمریکا ما را تأیید کردند لکن دولت‌های اسلامی اکثراً تأیید نکردند. ملت‌ها در هر جا بودند ما را تأیید کردند، مسلمین ملت‌هاشان در هر جا بود ما را تأیید کردند و این دولت غاصب بعث را، بعث عراق را محکوم کردند، لکن دولت‌ها این کار را نکردند. چه شده است دولت‌ها؟ چرا باید تا آخر اینها تحت فشار ظلم ابرقدرت‌ها تسلیم بشوند؟ چرا باید افغانستان را آنطور کنند و مسلمین نشسته باشند؟ چرا باید ایران را اینطور کنند و مسلمین ساکت باشند؟ نشسته‌اند که یکی یکی آنها را از بین ببرند، نوبت بعدی بشود؟

### من برای مسلمین و برای اسلام اعلام خطر می‌کنم

این خطری است برای مسلمین. من اعلام خطر می‌کنم برای مسلمین و برای اسلام با این وضعی که دولت‌ها دارند. آنها کنار نشسته‌اند و شماها را به هم می‌ریزند. دولت‌ها را با هم به جنگ وامی‌دارند و استفاده را خودشان می‌کنند. چرا مطالعه نمی‌کنید در امر اسلام و در امر سرنوشت‌های مسلمین؟ تاکی ما باید زیر سلطه اجانب باشیم و تاکی ممالک ما باید در تحت تاخت و تازہ آنها باشد چرا از خواب بیدار نمی‌شوید مسلمان‌ها؟ مشکل مهم دولت‌های اسلامی هستند. باید دولت‌ها بیدار بشوند. اگر دولت‌های بیدار بشوند مشکلات مسلمین رفع می‌شود با هم تفاهم می‌کنند، لکن دست‌هایی در کار است که نمی‌گذارد، مأمورینی آنها دارند که نمی‌گذارند این کار بشود. من از خدای تبارک و تعالی می‌خواهیم که همه مسلمین را بیدار کند و همه را در تحت لوای اسلام قرار بدهد و همه را با هم مجتمع کند و مسائل اسلامی را در دست مطالعه کنند و مسائل اسلامی را بین خودشان حل کنند.

والسلام علیکم ورحمة اللہ

## بیانات امام خمینی در جمع فارغ التحصیلان دومین دوره دانشکده افسری ارتش جمهوری اسلامی

### دشمن اصلی ابر قدرت ها ، اسلام است

بسم الله الرحمن الرحيم

از شما برادران و عزیزان رزمنده تشکر می کنم که در اینجا آمدید و از نزدیک با هم ملاقات کنیم و بعضی مسائل را در میان بگذاریم . من از ارتش و از سایر قوای انتظامی و نظامی و از قوای مسلح دیگر ، پاسداران ، داوطلبان و همه قشربانی که در جبهه مشغول فداکاری برای اسلام هستند ، کمال تشکر را می کنم و همانطور که خود شماها مطلعید چون این یک لشکر اسلامی است و یک قوای مسلح اسلامی است ، تمام ملت ایران پشتیبانی از این قوا دارند و از زن و مردشان مشغول جهاد هستند ، هر کدام به آن مقداری که می توانند کمک می کنند ، همراهی می کنند . پشتوانه همه شما اسلام است ، قرآن کریم است و ملت های اسلامی در هر جا که هستند چنانچه ملاحظه می کنید که از ملت ها پشتیبانی های زیاد ، اظهار همراهی با این ملت ستمدیده ایران و با ارتش ایران اعلام می کنند که ما هم می خواهیم بیاییم در جبهه ها با بازیخورده های رژیم بعث کافر عراق جنگ کنیم و البته احتیاج به این نیست که آنها بیایند ولی تشکر از آنها می کنم و قوای مسلحه خود ما بحمدالله کافی است برای جلوگیری از این شرارت اشرار و انشاء الله به زودی غلبه اسلام بر کفر ظاهر می شود . و انشاء الله ملت مظلوم عراق را از زیر ستم این ستمکاران نجات خواهیم داد .

من هیچ خوفی از جنگ ندارم و شما هم ندارید و ملت ما هم ندارند ، لکن آن خوفی که هست که من برای شما که می خواهید افسر باشید و در جبهه ها بروید و با کفار جنگ کنید ، باید تذکر بدهم که نقشه های حساب شده در کار است برای شکستن اسلام ، مقصد اصیل این است که اینها چون از اسلام سیلی خورده اند و با قدرت الله اکبر آنها را از ایران بیرون کردند و دست چپاولگرها را کوتاه کردند و لهذا دشمن اصلی ، اسلام است ، نه ارتش است ، نه روحانیت است و نه جمهوری اسلام و نه حکومت اسلامی و نه آنهایی که در راه اسلام دارند فداکاری می کنند ، دشمن اصلی اینها نیستند ، دشمن اصلی اسلام است منتها با یک نقشه حساب شده دارند پیشروی می کنند . نمی دانم این مثل را شما شنیدید - مثل هایی که در بین مردم هست آموزنده است این مثل را که من شنیدم و لابد بسیاری از شما هم شنیدید ، می گویند که ، یک آخوند و یک سید و یک نفر هم از اشخاص متعارف رفته اند در یک باغی برای دزدی ، صاحب باغ وقتی که آمد دید خوب ، اینها سه نفرند و نمی تواند با سه نفر ، این مقابله کند ،

رو کرد به دونفرشان گفت که خوب، این به آنها رو کرد گفت که این سید اولاد پیغمبر است، حق دارد، ما باید احترام از او بکنیم از این جهت قدمش روی چشم مثلا- هر کاری کرده مال خودش بوده این آقای شیخ هم خوب، عالم است، جلیل القدر است، اسلام به او احترام گذاشته است، ما باید به او احترام کنیم، خوب، این آدم عامی چه میگوید، آن دو نفر را با خودش مؤافق کرد، آن آدم عامی را گرفتند و بستندش، زدندش، بعد رو کرد به آن دو نفر گفت که این آقا اولاد پیغمبر است، اولاد پیغمبر، عزیز است پیش ما، چطور تویی که صورت روحانی داری، آخر روحانی که دزدی نمی کند چرا تو آمدی در اینجا، خودش با سید دست به هم دادند و آن روحانی نما را زدند و بستند و انداختند آنجا، بعد رو کرد به سید گفت که سید اولاد پیغمبر! جدت به تو گفته است دزدی بکنی؟ برای چه آمدی تو باغ مردم، گرفت خودش دیگر زورش به او می رسید، آن هم گرفت و انداخت، این یک مثل است که شاید واقعیت هم هم ندارد اما مثل است، مثل خوبی است. الان وضع ایران اینطوری شده است، یک وقت صحبت می کردند که این ارتش طاغوتی است و مال رژیم سابق است و اینها قابل اینکه لشکر اسلام باشند، قابل این نیستند و اینها باید اصلش منحل بشود، خوب، در مقابلش صحبت شد که نه، نباید منحل بشود، اینها نمی خواستند ارتش را منحل کنند اینها می خواستند که یک قوه بزرگی که می تواند کار انجام بدهد او را از دست بگیرند و کنارش بگذارند، بعدش بیایند سراغ روحانی که روحانی نباید اصلا دخالت بکنند در امور سیاسی، اینها باید بروند تو مسجدها و دعا بخوانند و از این کارها، نماز و دعا بخوانند، آنها را هم کنار بگذارند، بعد بیایند سراغ دولت و مردم و اینها که آن قوا را از آنها گرفتند و این قوه روحانی را هم از آنها گرفتند و مردم را جدا کردند از ارتش و مردم را جدا کردند از روحانیت، به حساب آنها برسند، دولت را از بین ببرند و رئیس جمهور را از بین ببرند و عرض می کنم که قدرت های دیگری که هستند از بین ببرند، چون می بینند اگر اینها با هم مجتمع باشند، یک قدرت بزرگی است که نمی شود این را از بین برد. خوب، دیدند که اینها وقتی که با هم اتصال پیدا کردند، وقتی مردم قیام کردند، ارتش هم به آنها متصل شد، بازار هم به آنها متصل شد دانشگاه هم به آنها متصل شد، همه متصل شدند، یک قدرت بزرگی بود که این قدرت بزرگ نمی شود مقابلش ایستاد، هیچ حکومتی هم نمی تواند دیدند که محمدرضا را با همه قدرتی که داشت بیرون کردند و آنهایی هم که تبع او بودند و در ردیف های بالا بودند که خیانتکار بودند، آنها را هم همین ملت و همین ارتش و همین قوای مسلحه و نظامی و انتظامی از بین بردند، از این جهت باز دنبال این نقشه هستند، اینطور نیست که یک دسته ای که در تهران راهپیمایی می کند و در قم راهپیمایی می کنند، اینها با اشخاص مخالف باشند، اینها، آنهایی که کارگردان ها هستند، نه آنهایی که بازیخورده هستند، آنها دنبال این هستند که اسلام را از بین ببرند چون از او بد دیدند از این جهت یک شعارهایی درست می کنند که این شعارها به ذهن مردم زننده نباشد و همراه با هم پیدا بکنند و لهذا می بینید که همین هایی که یک وقتی می گفتند ارتش را باید کنار گذاشت، حالا دارند می گویند که روحانی باید کنار برود، برود سراغ ارشادش در قم، بعد از این که این عده بازیخورده از آنهایی که اساس کار را دارند راهنمایی می کنند،



این عده بازیخورده جمع می شوند و در قم که مرکز روحانیت است، مرکز اسلام است، قطعنامه صادر می کنند و در آن قطعنامه هست که روحانیون نباید اصلاً دخالت بکنند در این چیزها، آزادی مطلق باید باشد، آزادی مطلق باید باشد که آنها می گویند، این است که چریک های فدائی و فلان دسته منافق و فلان دسته کافر و فلان دسته ای که هیچ اعتقاد به اسلام ندارند اینها آزاد باشند و بیایند و هر چه دلشان می خواهد بگویند و هر کاری می خواهند بکنند و ولو فرض کنید که به ضد اسلام حرف بزنند آزادند و ولو به ضد قرآن حرف بزنند آزادند و ولو به ضد جمهوری اسلامی حرف بزنند و این هم آزادند و یک دسته نفهم هم می گویند نخیر باید این چیزها باشد. اینها مقصودشان این نیست که آزاد باشیم، اینها مقصودشان آن نقشه ای است که طرح شده است برایشان و مرتب خواهند پیاده کنند آن را. آزاد باشیم که به هر چیزی از اشعار اسلامی که هست بتازیم، آزاد باشیم که در دانشگاهها آن شعارهایی که همه اش به ضد قرآن است بنویسیم، آزاد باشیم که با همه شاعران اسلامی مخالفت کنیم، آزاد باشیم که هر چه دلمان می خواهد به ضد ارتش، به ضد روحانی، به ضد مؤمنین، متدینین بگوئیم، بعد اجتماعی درست بکنند و جدا کنند یکی یکی طوائف را از هم، امروز طرزشان این است که روحانیین باید بروند و دعا بکنند و عرض می کنم که اینها، این همان طریزی است که امریکا نقشه اش را دارد و انگلستان هم از سابق داشته است و الان هم همه دولت هایی که، ابرقدرت هایی که می خواهند ایران را بچاپند و شرق را بچاپند و از اسلام می ترسند و از مظاهر اسلامی ترسند. این همان طرح است و من متأسفم که این طرح در قم دارد انجام می گیرد، اگر بازاری قم، بازاری تهران با این حرف مؤافق است مصیبت بسیار زیاد است برای اینکه طرحشان پیاده شد و اگر بازاری تهران و قم با این مؤافق نیستند، چطور صحبتی نکردند، این همان طرحی است که انگلستان از دوست سال پیش از این یا بیشتر طرح ریزی کردند که جدا کنند روحانیت را از سیاست، جدا کنند روحانیین را از مردمی که می خواهند فعالانه کار بکنند برای اسلام، اینها بروند همان توی مسجدها بنشینند و دعا بکنند، آنها هم هر کاری دلشان می خواست بکنند و هر چپاولگری و هر سلطه جویی که خواستند بکنند. در عرض پنجاه سال که روحانیین را عقب زده بودند و هر چه هم جدیت می کردند نمی توانستند که کاری انجام بدهند از باب اینکه مردم را از روحانیون کنار زده بودند، در عرض پنجاه سال همه حیثیت شما را به باد فنا دادند و اسلام را به آنجا رساندند که برای اینکه اسلام پیروز شده است بر ایران، گریه کردند و حرف زدند و در شعرهایشان فحش دادند و همه الواطی را کردند و همه دارائی های شما را به چپاول برده اند برای اینکه یک کسی نبود بگوید چرا؟ این روشنفکرهایی که الان دارند می گویند و مع الاسف بین شان بعضی متدینین هم هست که بازیخورده اند و غریزه اند، می گویند که روحانیون باید بروند سراغ کار خودشان و ملت را بگذارند، سیاست را بگذارند برای ما، شما سیاست را پنجاه سال داشتید و هیچ غلطی نکردید، شما کجا یک کار مثبتی توانستید انجام بدهید هر کدامتان که ملی بودید یا فرض کنید متدین بودید، تا صدایتان در می آمد توی سرتان می زدند، چه بود که این ملت را غلبه داد بر همه؟ آن چه گروهی بودند که نقش بزرگتر از همه را در این جنبش داشتند؟ شما با همه این جنبش ها آنوقت ها مخالف می کردید،

شما را من می شناسم نمی خواهم اسمتان را هی ببرم ، سر جایتان بنشینید ، آدم بشوید

## وقتی یک ملت در یک امر اسلامی همدست شدند ، هیچ قدرتی نمی تواند آنها را عقب بزند

در این راهپیمائی که روز تاسوعا و عاشورا می شود باید توجه بکنید ، دو نکته را من بگویم : یکی اینکه راهپیمائی ، عزاداری را از شما نگیرد ، عزاداری کنید و با عزاداری راه بروید ، همه با هم مجتمع بشوید به عزاداری . وقتی کلمه راهپیمائی پیش می آید خیال نکنید که معنایش این است که عزاداری نمی خواهیم ، ما از همین اسلام و مظاهر اسلام و شهدای اسلام می توانیم کارهایمان را انجام بدهیم والا نه توپ ما و نه تانک ما مقابله با تانک و توپ آمریکا ندارد ، شوروی ندارد . ما یک ملتی می خواهیم که برای اسلام همدست بشوند و مطمئن باشید که وقتی یک ملت در یک امر اسلامی همدست شدند که چنانچه می بینید شدند ، هیچ قدرتی نمی تواند شما را عقب بزند ، آنها هم این معنا را فهمیده اند و می بینند که خوب ، یکی از اشخاص ، یکی از گروه هایی که نقشی دارد در این امر و نقش بزرگی دارد ، روحانی است . از اولی که این انقلاب پیدا شد تا حالا یک دستجات روشنفکر و قلمداری ، آنهایی که قلم هایشان و نطق هایشان و گفتار هایشان بر ضد اسلام است و یا خودشان نمی دانند و یا دانسته این کار را می کنند ، از اول این مسأله را می گفتند که روحانیون بروند یک کار دیگری بکنند ، ماها هم می رویم سراغ چیز ، همین ماهایی که ، مملکت اسلام را دو دستی می خواهند تقدیم کنند به آنهایی که ارباب هایشان هستند یا آنهایی که به خیال خودشان برای ما مفید هستند . آقا مملکت اسلام از اول 15 خرداد تا حالا بیشتر از صد هزار جمعیت از آن کشته شده است و بیشتر از صد هزار معلول ما الان داریم ، اینها برای چه معلول شده اند؟ برای چه کشته شده اند؟ برای نفت بوده است ؟ آدم برای نفت خودش را می کشد؟ برای خانه بوده است ؟ برای ارزانی بوده است ؟ خوب ، ما از تظاهرات مردم باید اینها را بفهمیم ، همه می گفتند ما اسلام را می خواهیم . اگر اسلام نبود ، نه نفت می توانست هیچ کاری بکند و نه سایر چیزها ، مگر مردم می شود جوان هایشان را بدهد برای نفت ؟ می شود جوانشان را بدهند برای خانه ؟ الان که شما در جبهه های جنگ هستید و ارتشی های ما که خداوند نصرتشان بدهند در مراکز فعال هستند ، الان کی هست که دارد از آنها پشتیبانی می کند؟ آن زن هایی که برای شما نان پزد و آن مردمی که برای شما پول می دهد و آن مردمی که برای شما ذخیره می دهد و آنقدر چیزها را می فرستد ، همین مردم مسلمانند ، شما ببینید در تلویزیونتان که یک زنی که ده تا تخم مرغ آورده ، دارد می آورد دهد همین را ، یک بچه ای که ده تومان دارد این را میدهد ، اینها برای چه اینها را می دهند اینها برای اسلام است ، برای کشور اسلامی است ، چطور شماها هیچ کاری نمی کنید ، اینهایی که هی نق می زنند چه می کنند؟ چه غلطی می کنند؟ کدام از اینها رفته است در جبهه ؟ این نقشه است ، شمایی که الان انشأ اللہ وارد می شوید در ارتش و در جهات بالای ارتش ، این نقشه را توجه بکنید ، شما که افسر هستید ، این نکته ها را باید توجه بکنید که می خواهند شما را از مردم جدا کنند ، روحانیون را هم از

مردم جدا کنند، مردم وقتی که نه قدرت روحانی دارند و نه قدرت عرض بکنم که اسلحه ای دارند یک کاری بکنند، یک کودتایی بکنند، تمام کنند قضیه را، مسأله این است.

این روزنامه ها نمی فهمند یا فهمیده عمل می کنند، چرا باید این روزنامه ها دامن بزنند به اینطور اختلافات، اختلافی که اشخاصی چیز می کنند طرح ریزی اش را می کنند که اگر این اشخاص پیش ببرند، نه تو روزنامه نگار را و نه آن رئیس روزنامه را نخواهند گذاشت، تمامتان را از بین خواهند برد، آقا نقشه است، شما را به بازی گرفته اند، روزنامه ها را به بازی گرفته اند، جبهه ها را به بازی گرفته اند، نقشه است که شماها را از هم جدا کنند، دولت را از ملت، ملت را از دولت، رئیس جمهور را از مردم، مردم را از او، حالا- به تدریج. آن روزی که دست شان برسد، اول کسی که در دولتی ها کشته می شود همین رئیس جمهور است، چشم هایتان را باز کنید، همین رؤسای ارتش است، همان رؤسای روحانی است و بعد هم می آیند حساب احزاب را، آنهایی که با آنها موافقتند نه، آنها که اهلا و سهلا و آنهایی که با آنها مخالف هستند حساب آنها را هم می کشند، بازار هم دستش اسلحه از دستش افتاد کاری دیگر از او نمی آید، نه روحانی است که همه را مجتمع کند و نه ارتشی است که بتواند جلوگیری کند. بیدار بشوید! چرا اینقدر خواهید! ای سران! چرا اینقدر خواهید؟ چرا چشم هایتان را باز نمی کنید؟ هر که، هر جا صحبت می کند، به ضد هم صحبت می کند. هر جا می نویسد به ضد هم می نویسد. باید بیدار بشویم ما، اگر خدای نخواسته جدا کردند روحانی را از ملت، جدا کردند ارتشی را از ملت و هر کدام را علیحده کردند و آنطورها که می خواهند انجام بدهند کردند، ارتش را منحلش بکنند به واسطه یک تبلیغاتی، روحانی را کنار بزنند و منزوی کنند به واسطه یک تبلیغاتی، اگر یک همچو کاری بکنند، دیگر نه بازاری او کاری می آید که انجام بدهد و نه دانشگاهی، تا شما با هم مجتمع هستید، تا با هم هستید می توانید کار بکنید. یکی از مثل های دیگری که در بین مردم هست باید عرض بکنم، یک کسی که خواست، یک پدری که می خواست بمیرد، چند تا پسر داشت، هفت، هشت تا پسر داشت، خواست شان، یک چوب هایی هم تهیه کرده بود، یکی از این چوب ها را داد گفت این را بشکن، شکستش، دو تا را گذاشت پهلو هم گفت اینها را هم بشکن، شکستش، بعد آن 7، 8 تایی که به عدد بچه هایش بود پهلو هم گذاشت گفت اینها را بشکن، هر چه زور زد نشکست، گفت شما عددتان به عدد این چوب هاست، اگر یکی یکی باشید، شکسته می شوید اگر دو تایتان یک طرف و چهار تایتان یک طرف باشد، شکسته می شوید اگر همه تان با هم باشید مثل این چوب ها که همه با هم باشند، هیچ کس نمی تواند بشکند شما را. اگر روحانی تنها باشد، می شکنندش، اگر ارتشی تنها باشد، می شکنندش، اگر مردم تنها باشند، می شکنند آنها را، آئی که آسیب بردار نیست آئی است که همه قوا با هم باشند، حرفش را می زنند و عملش بر خلافش است، هر کدام صحبت می کنند، از اتحاد صحبت می کنند، لکن در عمل، این عمل را انجام نمی دهند، چه شده شما را؟ پیروز شدید؟ شمایی که الان لشگر کفر بر شما حمله کرده، شمایی که الان در سوسنگرد آن بساط را دارید، در آبادان آن بساط را دارید، در اهواز آن بساط را دارید، نباید به خودتان بیایید که دیگر توی روزنامه تان این غلطها را نکنند؟ روزنامه ها می خواهند

که من یک وقت صدایم در بیاید؟ یک روزنامه به طرفداری آن طرف ، یک روزنامه به طرفداری آن جمله . آخر شما مسلمانید ، مسلمان باید با هم باشد ، اعتقاد به خدا دارید ، اعتقاد به اسلام دارید ، اعتقاد به معاد دارید ، چرا جلوی روزنامه ها را نمی گیرید؟ مکرر من گفته ام به آنها ، چرا نمی گیرند جلوی روزنامه ها را؟ من بگیرم جلوی آنها را؟ چرا جلوی دهن هایشان را نمی گیرند؟ چرا جلوی قلم هایشان را گیرند؟ در یک همچو مشکلی که ما الان داریم ، شما هم باید به جان هم بیفتید؟

من امید این را دارم که شما جوان ها و جوان های ایران و همه قشرهای ملت الا یک دسته ای که امیدی دیگر از آنها نیست اینها با هم مجتمع بشوند و همین طوری که الان اکثر مردم بلکه درصد نود مردم یا بیشتر الان وفادار هستند به جمهوری اسلامی و به اسلام و من امید این را دارم که اشخاصی که از این کارهای خیلی ناجور و خیلی پست دست بردارند و همه مشغول بشوند برای اسلام کار بکنند ، اگر همه با هم مجتمع باشید ، اگر سران همه با هم مجتمع باشند ، ایراد نگیرند به هم ، آن به او اشکال کند ، او به او اشکال کند در یک همچو موردی ، در یک همچو موقعی که ما داریم ، کارها هم همه اصلاح می شود ، و امیدوارم که خداوند هدایت کند همه ما را و همه شما را و همه ملت ما را و انشاءالله تعالی پیروز باشید . و شما همه برای خدا انشاءالله عمل کنید ، همه تان با هم باشید ، پشت و پناه هم باشید ، ملت خوب است ، ملت یک ملت روشنی است ، یک ملت خوبی است ، شماها هم همه با هم مجتمع بشوید ،

دولت و ملت ، ارکان دولت ، رئیس جمهورش ، نخست وزیرش مجلسش ، همه اینها با هم مجتمع بشوند و در یک همچو موقع خطیری که همه گرفتار پیروز بشوند ، نه نخست وزیری باقی می ماند و نه رئیس جمهوری باقی می ماند و نه مجلسی باقی می ماند و نه روحانی باقی ماند و نه بازاری ، باید با هم باشید تا اینکه کار را پیش ببرید ، اگر هر کدام علیحده ، علیحده و هر کس دلش می خواهد یک جایی یک اجتماعی بکند و یک تظاهری بکند و یک حرف مفتی بزند به اسمی که خودش برای همان آدمی که تظاهر می کند ، اول او را می کشند . آنهایی که تظاهرات می کنند ، آنهایی که الان در این موقعی که جنگ هست در ایران و همه نوامیس مسلمین در خطر است و همه حیثیات مسلمین در خطر است امروز شلوغکاری می کنند و اجتماع می کنند و نطق می کنند و حرف مفت می زنند اگر آنها غلبه بکنند ، پدر خود شما را اول در آورند ، یک قدری بیدار بشوید ، یک قدری توجه کنید به مسائل ، اینقدر تو سر هم نزنید ، اینقدر به هم نپرید .

### **اگر کسی شعارهای باطل خواست بدهد ، با قوت او را بگوید**

انشاءالله روز عاشورا که جمعیت بیرون بیاید ، مراسم تعزیه حسین سلام الله علیه باید با قوت خودش باشد و در راهپیمایی ها همه اش مراسم امام حسین (علیه السلام) باشد و اگر کسی شعارهای باطل خواست بدهد ، با قوت او را بگوید و نگذارد یک شعارهای باطل بدهند ، خود مردم مأمورند ، تکلیف اسلامی شان این است که اگر یک کسی شعار علیه کسی ، علیه کسی ، برای کسی ، برای تفرقه انداختن بیاید ، خود مردم مأمورند که آن را بگیرند و تحویل به مراکز ، که باید بدهند ، بدهند . من از خدای تبارک

و تعالی خواهانم که خداوند همه ما را بیدار کند . اینهایی که هر کدامشان دیگری را متهم کنند و غلط دارند رفتار می کنند ، بیدار کند اینها را اینهایی که سران اسلام را دارند می شکنند خدا بیدارشان کند . اینهایی که می خواهند تفرقه بیندازند بین صفوف مسلمین ، خداوند بیدارشان کند . خداوند انشأ الله به همه شما نصرت بدهد و شما برادران عزیزی که الان از دانشکده بیرون آمدید و می خواهید بروید به محل کارتان ، خداوند به شما نصرت عنایت کند . شما عزیزان ملت هستید شما پاسدارهای ملت هستید و ملت باشماست ، امروز از هیچ ترسید برای اینکه سابق ملت و شما جدای از هم بودید و الان بحمدالله همه با هم هستید و همه در یک جبهه هستید و من وقتی که نگاه می کنم به تلویزیون که نشان می دهند آنهایی که برای همین ارتش و برای همین سپاه پاسداران و برای همه اینهایی که در جبهه هستند زحمت می کشند ، زن ها ، مردها ، بچه ها ، پیرمردها ، من این را به فال نیک می گیرم که اجتماع است با هم و شما پیروز هستید انشأ الله . اسلام انشأ الله پیروز است . خداوند همه شما را حفظ کند و با سلامت و صحت وارد بشوید به این جنگی که بین اسلام و کفر است و امیدوارم که آن کسانی هم که در جبهه ها هستند با قدرت و با قوت و با قدرت اسلامی به جبهه ها بروند و امیدوارم که آن لشگر بازیخورده عراق هم که آمده اند و برای غیر مسلمین ، به ضد مسلمین دارند عمل می کنند ، آنها هم بیدار بشوند و دست از این کاری که بر خلاف قرآن ، اسلام است و بر خلاف اسلام است و بر خلاف مصالح اسلام است ، بر خلاف پیغمبر اسلام است ، دست بردارند و خداوند همه شما را پیروز و موفق کند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

**بیانات امام خمینی در جمع اقشار مختلف مردم قم****اسلام همه قدرتمندها را از بین برد و بیرون کرد**

بسم الله الرحمن الرحيم

من مسائلی را در آن مطالعه کردم که برای خاطر آن مسائل، گاهی یک صحبتی می‌کنم. ما اگر چنانچه در تاریخ این صد ساله، صد ساله اخیر مطالعه کنیم خواهیم دید که برای چه است که گروه‌ها از خارج و داخل، توطئه‌کن‌ها از خارج و داخل، به ضد روحانیت قلم دست می‌گیرند و به ضد روحانیت صحبت می‌کنند و در روزنامه‌هایشان می‌نویسند، این منشاش چی هست. در قریب صد سال سابق دیدند که یک پیرمردی در یکی از دهات عراق سامره وقتی که دید ایران در معرض فشار خارجی‌ها هست و آن قرارداد ننگین را در آن زمان بسته بودند، این پیرمرد که در کنج یک ده بود یک سطر نوشت و همه قوای خارج و داخل نتوانستند در مقابل این یک سطر استقامت کنند. آن، مرحوم میرزای بزرگ بود رحمة الله که در سامره تحریم کرد تنباکو را، برای اینکه تقریباً ایران را در اسارت گرفته بودند به واسطه قرارداد تنباکو و ایشان یک سطر نوشت که تنباکو حرام است. و حتی بستگان خود آن جائر هم و حرمسرای خود آن جائر هم ترتیب اثر دادند به آن فتوا و قلیان‌ها را شکستند و در بعضی جاها تنباکوهائی که قیمت زیاد داشت در میدان آوردند و آتش زدند و شکست دادند بر آن قرار داد، و لغو شد قرار داد و یک همچو چیزی را اینها دیدند که یک روحانی پیرمرد در کنج یک دهی از دهات عراق یک کلمه می‌نویسد و یک ملت قیام می‌کند و قراردادی که ما بین شاه جائر و انگلیس‌ها بوده است به هم می‌زند و یک قدرت اینطوری دارد روحانیت باز ملاحظه کردند که در وقتی که انگلیس‌ها هجوم آورده بودند به عراق و عراق را در معرض استعمار قرار داده بودند، یک پیرمرد به مردم امر کرد و حکم دفاع داد و قیام کردند مردم و ملت عراق را نجات دادند. این یک قدرتی بود از یک پیرمرد و آن میرزای شیرازی دوم، مرحوم آقامیرزا محمد تقی رضوان الله علیه است و در مشروطه دیدند که یک ملا یا چند ملا در نجف و چند معمم و ملا در تهران اساس استبداد و حکومت خودکامه‌ای که در آنوقت بود آن را به هم زدند و مشروطه را مستقر کردند. و در این مسائل آنهایی که مخالف هم بودند از پاننشستند، آنها هم فعالیت خودشان را می‌کردند که حالا بخواهیم همه را بگوئیم طولانی است، لکن راجع به همین مشروطه و اینکه مرحوم شیخ فضل الله رحمة الله ایستاد که: مشروطه باید مشروعه باشد، باید قوانین مؤفق اسلام باشد. در همان وقت که ایشان این امر را فرمود و متمم قانون اساسی هم از کوشش

ایشان بود، مخالفین، خارجی ها که یک همچو قدرتی را در روحانیت می دیدند کاری کردند در ایران که شیخ فضل الله مجاهد مجتهد دارای مقامات عالیه را، یک دادگاه درست کردند و یک نفر منحرف، روحانی نما، او را محاکمه کرد و در میدان توپخانه شیخ فضل الله را در حضور جمعیت به دار کشیدند. این شاید گاهی شما یا مردم خیال بکنند که من اگر چنانچه از روحانیت طرفداری می کنم برای این است که من هم یک معمم هستم و این گروه گرائی است و من کرارا گفتم که من با هر که معمم است و اسم خودش را روحانی گذاشته است موافق نیستم، و من کرارا گفتم که روحانی که برخلاف مسلک روحانیت و اسلام عمل بکند و توطئه گر باشد این از ساواکی بدتر است، برای اینکه ساواکی ساواکی است و این ساواکی به صورت معمم و - به صورت لباس روحانیت پوشیده است. قضیه این نیست که من بگویم هر که عمامه سرش است، این مورد تأیید است. خیر، من از بسیاریشان متنفرم و بسیاریشان هم اعتقاد به آنها ندارم و کرارا هم گفتم که اینجائهایی که دادگاه هست، آنجائهایی که مثلاً کمیته ها هستند باید مواظب باشند که اگر یک روحانی بر خلاف کرد، خودش را شکایت کنند و همان روحانی را هم بیاورند محاکمه کنند، لکن مسأله این نیست که با روحانی بد، اینها بدند، مسأله این است که با آن روحانی که جلوی انگلستان را در زمان میرزای شیرازی گرفته و جلوی استبداد را در زمان مشروطه گرفته است و جلوی انگلستان را در زمان مرحوم آقا میرزا محمد تقی گرفته است و جلوی ابرقدرت ها را گرفته است، با این مخالفند.

توطئه برای این است که اینها در کار نباشند. اینها می گویند که روحانی ها بروند در مسجدها و همان جا نماز جماعت بخوانند. بسیار خوب، شما می گذارید روحانی ها در مسجد نماز جماعت بخوانند شما توی همان مسجد هم می روید یک عده ای را از اشرار می برید، یک نفر آدمی که از اسلام هیچ اطلاعی ندارد، جلو او می دارید، صورت نماز درست می کنید برای اینکه مسجد را هم از اینها بگیریید. قضیه این نیست که اگر چنانچه روحانین دست برداشتند از کارهای ارزنده ای که دارند می کنند و رفتند تو مسجدها، رهایشان کنند، می خواهند مسجدها هم از روحانی پاک کنند به اصطلاح خودشان، می خواهند مسجدها را از مسلمان ها بگیرند. شما دیدید در زمان محمدرضا برای هر مسجدی در مساجد تهران، که مسلم جاهای دیگر هم شاید بوده نمی دانم یک نفر سرهنگ باز نشسته منحرف ساواکی را گذاشتند آنجا برای مراقبت کردن اوضاع. اگر اینها دست بردارند از این کاری که انجام دادند و به وسیله آنها انجام گرفته است، از اینها دست برمی دارند اینها؟ یا خیر، مسجد هم نباید داشته باشند؟ آن روز می گفتند عمامه هم نباید داشته باشند، حالا هم به آن خواهد رسید اگر شما مسلمان ها سست بگیرید. اینها به روحانی هم کاری ندارند، اینها به اسلام کار دارند. آن که روحانی را تقویت می کند که یک کلمه اش را همه می پذیرند، آن اسلام است، اساس اسلام است. آنها با آن اساس مخالفند. آنها، آنهایی هستند که دوستانشان قرآن کریم را دست گرفت و گفت: تا این (با کلمه فحش قرآن را دستش گرفت) تا این بین مسلمین است انگلستان نمی تواند سیادت کند. اینها مقلدین آنها هستند. مع الاسف بچه ها را، ساده دل را می روند در مدارس پیدا می کنند یک صورتی به آن می دهند

اینها هم بیچاره ها خیال می کنند که نه حق همین است . لکن عقلا باید فکر کنند ببینند که اینها اساسشان چی هست ، چه می خواهند بگویند . البته من هم ، آنطوری که می گفتند ، بسیار متعجب شدم که من قم را می شناسم ، من که ، تو قم بزرگ شدم من ، من قبل از اینکه همه شما تقریباً متولد بشوید آمدم قم و همان جا هم بودم و هستم ، حالا هم هر وقتی که حالم مساعد بشود باز می آیم پیش شما . من می دانم که شما قمی ها به این زودی از اسلام دست بر نمی دارید و به هیچ وجه هم دست بر نمی دارید . من این را یک کلمه ای است که می گویم برای زمان های بعد که شما بعد از من هم توجه به این معنا داشته باشید . هر روزی که دیدید شخصی یا گروهی یا جبهه ای یا حزبی ، هر کس ، بر خلاف روحانیت چیزی گفت یک وقت یک نفر است به خلاف یک کسی با یک کسی دعوا دارد به خلاف او می گوید ، صحبت نیست به خلاف روحانیت یک چیزی گفت ، یا به خلاف کسی که منشأ اثر است در روحانیت ، از حالا تا هر وقت که شما بودید و بعد نسل آینده هم آمدند ، هر وقت کسی برخلاف اصل روحانیت که گفت روحانیت باید برود منزوی بشود این معنای اینکه برود در مساجد با اینکه که گفتم نمی گذارند این را ، لکن برود در مسجد همان مشغول نماز بشود یا به شخصی که در روحانیت مؤثر است ، مورد توجه مردم است و مؤثر است در روحانیت ، اگر قلمی یا بیانی این را خواست بشکند این نظرش به این شخص نیست ، نظرش به آن گروه هم نیست ، این نظرش به این است که این قشر که مخالف با اساسی است که آنها دارند ، مخالف با این است که مملکت اسلامی تحت سلطه غیر باشد . قرآن امر فرموده است که نباید باشد ، و این کلام قرآن را منتشر می کند . اینهایی که با اصل روحانیت ولو به صورت اینکه : نه ، ما می خواهیم احترام اینها محفوظ باشد ، اگر اینها وارد در سیاست بشوند احترامشان از بین رود پیش مردم ، و ما میل داریم احترامشان محفوظ باشد با این دوزو کلک ها می خواهند روحانیت را از صحنه بیرون کنند و کشور شما را تسلیم کنند یا به طرف شرق ، یا به طرف غرب ، اساس این است ، والا با چهار ذرع چلواری کسی مخالفت نمی کند . روحانی هم از خود اینهاست ، پیش همین هاست . چطور وقتی رضاخان می آید ، مطمح نظرش روحانین هست ؟ آن که تعلیم به او می داد چطور این را ، اینها را مطمح نظر قرار دادند؟ چطور حالا وقتی که آقایان می خواهند دلسوزی کنند می گویند روحانین بروند کنار؟ خوب بروند کنار ، رفتند کنار ، شما می گذارید اینها تو مسجدها باشند؟ یا اینکه تو مسجد هم وقتی که آمده است یک آقائی دارد نماز می خواند ، یک دسته ای پا می شونند می آیند و می ایستند نماز می خوانند برای شکستن این نماز ، برای بیرون کردن این روحانی از مسجد ، می خواهند این سنگر را از شما بگیرند مسجد یک سنگر اسلامی است و محراب محل جنگ است ، حرب است این را می خواهند از دست شما بگیرند ، میزان هم همین نیست که این بگیرند ، اینها مقدمه است ، والا هی بروید نماز بخوانید . اما اینها از مسجد بد دیدند ، خصوصاً در این دو سه سال اخیر ، در این دو سه سال اخیر مسجد یک محلی بود که مردم را به نهضت و به قیام بر ضد ظلم تهییج می کرد ، اینها می خواهند این سنگر را بگیرند . خوب ، این را گرفتند ، رها می کنند؟ دانشگاه هم از باب اینکه در دنیا مثلاً دانشگاه اگر نباشد خوب نیست ، یک دانشگاهی می خواهند درست کنند مثل



دانشگاه زمان آریامهر که آنهایی که از آن بیرون می آیند همان هائی باشند که در خدمت غرب باشند . اکثرا اینطور است یا در خدمت شرق باشند ، دانشگاه هم خواهند در خدمت آنها باشد و حکومتی هم که روی کار می آید و مجلس شورائی هم که روی کار می آید ، آن هم در خدمت آنها باشد . وقتی این مصادر در خدمت آنها واقع شد ، مردم این ملت کارگر ، کشاورز ، بازاری ، همه چیزهائی که اینها به دست می آورند ، در خدمت آنهاست . اینها اساس را می خواهند بگیرند و هر چیز را می خواهند یک کاری کنند که غربی بشود ، استعماری بشود . اینها می خواهند این کار را بکنند . مطلب این نیست که اینها با آخوند بد هستند برای اینکه با اسلام بد هستند . می بیند آخوند برای اسلام دارد چه می کند ، چهار تا آخوند هم بد است ، جهنم ، اما نمی گویند چهار تا آخوند ، میگویند روحانین ، وضع اینطوری است این یک نقشه ای نیست که حالا کشیده باشند ، این نقشه این است که بعد از آنکه دیدند که در این صد سال ، صد سال آخر دیدند که یک همچو قدرت هائی موجود است ، خوب ، باید این قدرت را بشکنند تا راه آنها باز بشود . تا یک چنین قدرتی هست ، تا وقتی که روحانی با دانشگاهی همراه هست ، تا وقتی که بازاری با روحانی ، با دانشگاهی همراه هستند ، تا وقتی که ملت همه گروه هایشان با دولت ، با همه ارگان های دولتی موافق هستند ، خوب نمی توانند آنها کاری بکنند ، نمی توانند آنها آسیب برسانند به یک کشوری که همه قشرهایش با هم مجتمعند . دنیا اجازه نمی دهند به آنها باید چه بکنند؟ باید خرده خرده جلو بیایند ، یک قدم جلو بیایند و سنگگیری کنند ، مثل همین هائی که حالا در مرز این کار را می کنند . یک قدم می آیند جلو سنگگیرند ، بعد می روند سراغ یکی دیگر . حالا یک روحانی ، دور روحانی را بکوبند دیروز کسی به من گفت پریروز یا دیروز که یک کسی می گوید که اینکه در رادیو می بینید که مردم چیز جمع می کنند ، مردم جمع می کنند می دهند ، مردم جمع می کنند می دهند ، اینها را این آخوندها می خورند اصلا نمی فرستند به آنها . اینها می خواهند یک قدم یک قدم پیش ببرند ، حالا فرض کنید روحانی را ، فردا دانشگاهی ، پس فردا دولت را در تظاهراتشان ، به دولت هم تعرض بوده ، ناشیگری کردند ، اینها می خواهند که آنهایی که برای اسلام دارند خدمت می کنند اینها را یکی یکی خلع سلاح کنند ، بعد بماند یک اشخاصی که هیچ کاری به این کارها ندارند و دخالتی در امور ندارند و اگر عالم را آب ببرد آنها را خواب می برد . اینها نقشه صحیح پیش خودشان درست کرده اند از زمان سابق برای حالا ، و حالا بدتر دیدند . حالا از اسلام به حسب خارج دیدند چه جوری شد؛ دیدند که اسلام همه قدرتمندها را از بین برد و بیرون کرد ، وقتی دیدند اسلام یک همچو کاره ای است ، با اسلام اینجا مخالفت می خواهند بکنند .

### **باید این اسلام را حفظش کنند و در زیر پرچم اسلام مجتمع بشوند**

من این نصیحتی که می کنم ، برای شماست و برای نسل های آینده که بدانند این را که هر وقت یک قلم فاسدی خواست مطلق روحانیت را از بین ببرد یا به یک صورتی منزوی کند ، یا روحانی که در بین ملت مؤثر است ، او را خواست که منعزل کند این روی آن نقشه دارد عمل می کند . روی نقشه ای که

داشتند و دارند و خواهند داشت و همه ما باید بیدار باشیم ، توجه داشته باشیم که اینطور نشود که یک وقت ما را متشتت کنند باز؛ و ماها را رو به هم قرار بدهند و یک دسته ای از آن طرف و یک دسته ای از این طرف و یک دسته ای از آن طرف فریاد کنند و یک دسته از این طرف فریاد کنند ، ماها را مقابل هم قرار بدهند و نتیجه را آنها بگیرند . من به همه ملت این سفارش را کنم ، همه ملت هائی که در دنیا هستند سفارش می کنم ، به همه ملت هائی که در آتیه خواهند آمد سفارش می کنم که اساس این است که اسلام مخالف با مقاصدشان است و اسلام باید یا نباشد یا اگر چنانچه یک صورتی باشد به دست اشخاصی باشد که از اسلام هیچ اطلاعی ندارند ، یک آیه از قرآن می گیرند ، یک جمله از نهج البلاغه را می گیرند و به دیگرهایش هیچ کاری ندارند و با آن یک جمله می خواهند نهج البلاغه و قرآن کریم و اسلام را از بین ببرند . این جملاتی که از دهان بعضی از این منحرفین در می آید ، در دیوارهای عراق این جملات هست همین حزب بعث کافر این جملاتی که این اشخاص منحرف در اینجا ذکر کنند ، در دیوارهای نجف هم ، در دیوارهای سایر بلاد هم ، در کربلا هم بعضی هایشان را من خودم دیدم . این جملات نه این است که اینها به اسلام عقیده دارند ، حزب بعث ، اسلام را مخالف خودش می داند نه اینکه اینها با اسلام آشنا هستند ، اینها می خواهند با شمشیر اسلام خواهند اسلام را از بین ببرند همین ها که در این جا هستند و سینه می زنند برای اسلام ، بعضی شان با شمشیر اسلام می خواهند اسلام را از بین ببرند والا مسأله اگر یک مسأله ای بود و مثلاً فرض کنید که با روحانی ها مخالف بودند ، روحانی ها هم فرض کنید بد بودند کی حرف می زد؟ اگر مسأله این بود ، اما مسأله این نیست ، مسأله این است که قرآن را به بازی می گیرند ، اینکه یک کلمه از قرآن را می گیرد و به باقیش گوید من کار ندارم . حالا یادم آمد از یک نفری که من در جوانی می خواستم مشرف شوم حضرت عبدالعظیم ، یک نفر واعظ خیلی مقتدر ، خیلی واعظ اما به اسلام خیلی کار نداشت ، وقتی دید من معمم هستم ، به من گفت بیا اینجا بنشین پهلوی من ، ما با اتوبوس می خواستیم تا حضرت عبدالعظیم برویم . وقتی که حرف هائی زد و چیزهائی گفت و من هم گوش کردم ، تا نزدیک شد به حضرت عبدالعظیم به شوهر گفت زود برو نماز مغرب قضا می شود ، با اینکه اول مغرب بود من به او گفتم که نماز مغرب که حالا قضا نمی شود . گفت یک روایتی دارد که اگر تأخیر بیندازند چه می شود . گفتم خوب ، آخر روایات دیگری هم هست . گفت من به آنها کاری ندارم ، مسأله این است . می گوید از نهج البلاغه این کلمه اش را قبول دارم باقیش را قبول ندارم ، از قرآن هم این را نمی گوید ، این را ندارد . از قرآن یک کلمه اش را ، یک جمله را می گیرد اما نمی داند که این جمله مفسر دارد ، در خود قرآن تفسیر دارد ، در روایات دارد از چیزهائی که در این زمان واقع شده . این هم برای شکستن اسلام و روحانیت است . همین چیزهائی است که همه این اشخاص منحرف ادعا می کنند که ما اسلام را می خواهیم بگوئیم اسلام غیر آن اسلام سنتی . یکی از مصیبت ها این است که یک آدمی که از اسلام نمی داند اسلام با سین است یا با صاد ، از اسلام بی اطلاع است ، از مدارک اسلام بی اطلاع است ، این یک کلمه را برمی دارد و می رود پیش جوانان خواهند و داد می زنند و فریاد می زنند و جوان ها را وادار به یک کاری می کند . یک نفر فقیهی

که 60 سال عمرش را صرف کرده در فقه و در مدارک فقه، حالا هم وقتی که می رسد به یک حکمی و می بیند که روی مدارک نمی تواند به طوری جذب بشود باز با احتیاط از کنارش رد می شود. لکن این آدمی که یک روز نشسته در فقه نظر بکند و نمی تواند بنشیند نظر بکند، یک همچو آدم هائی خیال می کنند که حالائی که مثلاً انقلاب شده، باید در اسلام هم انقلاب بشود، اسلام هم باید اینجوری بشود. اینها نمی فهمند یا بسیاریشان هم فهمیده هستند، لکن می خواهند اساس را از بین ببرند، احکام اسلام را یکی یکی می خواهند از بین ببرند. توجه داشته باشید شما برادرها! من می دانم که شما قمی ها که خدا حفظتان کند و همه بازاری های ایران، تهران، یزد، همه اینها علاقه مندند به اسلام. اینها زحمت کشیدند، خون دادند، جوان دادند برای اسلام. اینهایی که همه چیزشان را برای اسلام دادند و حالا هم دارند می دهند، اینهایی که جوان هایشان را می فرستادند به سرحد و می بینند در معرض خطر است، در معرض کشته شدن است و بعضاً اگر کشته بشود تبریک گویند، یک همچو ملت می که برای اسلام اینطور فداکاری کرده است، نخواهد کسی توانست که به این زودی ها منحرفش کند، باز دو سال نگذشته اینها را منحرف کند و برگرداند از اسلام. اینکه نخواهد شد، لکن شیاطین نقشه می کشند برای صد سال بعد از این. آنها حوصله شان زیاد است، از حالا نقشه می کشند. خوب، وقتی که این نقشه عمل بشود ولو پنجاه سال، صد سال دیگر اینها نقشه هایش را می کشند، از حالا شروع کنند یکی یکی مسجد را خالی اش کنند، آن مسجد را خالی کنند، آن را عوضش یک نفر آدمی که از اسلام اطلاع ندارد و نمی داند نماز هم چند رکعت است، می رود نماز می خواند برایشان. بعد این، یکی یکی، وقتی اینها چیز شد بعد می روند سراغ یکی دیگر. ما باید در این زمان و نسل های آتیه باید در زمان های خودشان توجه به این داشته باشند که شیاطین در کمینند، شیاطین دنبال این هستند که این اسلام را بشکنند، شیاطین آنچه که از اسلام دیدند از هیچی ندیدند. در عین حالی که روحانیت مسیح مثل روحانیت اسلام نیست، آنها روحانیتی است که فقط در کلیساست. اینها معذک همان روحانیت آنجا را هم در آنوقت شکستند، همان مقدار از روحانیت کمی که در آنجا بود، باز آن را شکستند و گفتند باید شما بروید در کلیسا و مشغول عبادت بشوید و سیاست را به امپراطور واگذار کنید. همین حرفی است که پرروز در قم گفتند، این همانی است که انگلیس ها سابقاً و امریکا هم حالا دارد گوید و دیگران هم می گویند.

ما باید، نسل های آتیه باید متوجه باشند که این اسلام را حفظش کنند، در زیر پرچم اسلام مجتمع بشوند. و اسلام همه چیز دارد، اسلام هم دنیا دارد، هم آخرت دارد، اسلام همه بعدها را نظر به آن دارد. حکومت اسلامی مثل حکومت های دیگر نیست که فقط به یک بعد نظر داشته باشند، حکومت اسلامی حکومتی است که همه اگر انشاء الله پیاده بشود، انشاء الله اگر چنانچه موفق شود این ملت و اسلام به آنطوری که هست، به آنطوری که بر پیغمبر اکرم نازل شده است قرآن کریم، احادیث ائمه، احادیث اسلام، به آنطور اگر بشود، سعادت دنیا و آخرت ملت ها را ضمانت کرده است و می کند.

## انقلاب اسلامی ما ، پرثمرترین و کم ضایعه ترین انقلاب جهان

البته یک انقلاب وقتی که واقع می شود ، هیچ کس نباید توقع داشته باشد که فردای آن انقلاب ، همه کارها درست بشود . این امر غیر معقولی است . انقلاب شوروی که به شصت و چهارمین سالش وارد شد ، باز هم نتوانستند درست اداره اش کنند ، و انقلاب های دیگر که بیست سال ، ده سال از آن می گذرد ، باز نتوانستند که مهارش کنند . این انقلاب برای اینکه انقلابی نبوده است که یک حزبی این انقلاب را درست کرده باشد ، یک گروهی این انقلاب را درست کرده باشد ، انقلابی بوده است که از متن خود ملت بوده است و برای اسلام بوده است . وقتی انقلابی برای اسلام شد و از متن خود جامعه شد ، این آن انقلاب ها و آن اثراتی که بعد از انقلاب در جاهای دیگر هست کمتر دارد ، اما نمی شود که هیچی نداشته باشد . در یک انقلاب اسلامی یک عده کثیری هستند ، کثیر فی الجمله ای هستند که اینها محروم می شوند از آن دزدی ها و از آن کلاهبرداری ها ، اینها مخالفند . خارجی ها هم که محروم شدند از آن چپاولگریشان ، آنها هم دست بردار نیستند ، آنها هم عمال دارند در اینجا و دار و دسته دارند . این دار و دسته ها که وقتی جمع شدند و به هم پیوستند ، خوب ، یک جمعیتی هستند ، اما نه این است که در مقابل این سیل خروشان ملت چیزی باشند .

تا امروز شما هیچ انقلابی را پیدا نخواهید کرد که مثل انقلاب ایران پر ثمر و کم ضایعه ، انقلاب ها که شده است یک میلیون جمعیت را یک وقت می گذاشتند جلو مسلسل کشتند ، تمام مطبوعات از بین می رفت ، تمام حزب ها را تعطیل می کردند و سرانشان را حبس می کردند . در یک نوشته ای که چند وقت پیش از این پیش من آورد ، که حالا درست هم همه اش را یادم نیست نوشته بود که یک میلیون کشته و یک میلیون و نیم هم حبسی ، تمام روزنامه ها تعطیل ، یک روزنامه دو روزنامه دولتی هست . تمام درها را در اول انقلاب می بندند به روی خودشان و مشغول می شوند به جنایت . شما در تمام دنیا انقلاباتی را که ملاحظه کنید ، هیچ انقلابی مثل ایران نبود که به اتکای اینکه مردم مسلمان و مردم خودشان انقلاب کردند ، درها باز بود بر همه جمعیت ها ، مطبوعات تا چند ماه باز بود ، هر کس هر چه می خواست می نوشت ، حالا هم بعضی ها که منحرفند ، دارند نویسنده و در عرض دو سال که بر این مملکت گذشته است و انقلاب گذشته است ، تمام چیزهایش که باید بشود ، مجلس و نمی دانم چه و رئیس جمهوریش ، همه چیزش درست شده و همه را هم مردم رأی داده اند ، در این ، بعد از اینکه مدت ها حکومت عراق نه قانون داشت ، نه مجلس داشت ، نه چیز دیگر ، فقط یک مجلس انقلاب بود و با همه خشونت ها کارها را انجام می دادند ، بعد که می خواستند مجلس درست بکنند و رأی بگیرند اعلام کردند که هر کس رأی ندهد یا در مجلس شان از قراری یکی از علما گفت این را که آمده بود از آنجا ، در مجلس شان گذراندند که هر کس مخالف ، به هر جور مخالفتی بکند ، حکمش اعدام است ، اعدام است . یعنی اگر به شما بگویند که امروز شما بروید آنجا ، شما نروید ، حکمتان اعدام است ، نه مخالف دولت ، مخالف با این مثلا سازمان امنیت یک چیزی بگویند ، بگویند شما نماز نرو ، چنانچه اینطور شد یکی از علمای آنجا به او گفتند نماز نرو ، نماز رفت ، او را با یک عده ای گرفتند خودش را کشتند ،

آن عده را هم حبس کردند اینها یک همچو اعلام می کردند که هر کس مخالفت کند با امر حاکم، حکمش اعدام است، و بعد اعلام کردند که هر کس رأی ندهد، حکمش اعدام است. رأی داد نشان اینجوری بود، رأی آزاد یعنی آزادی که یارای بدهی یا کشته بشوی. ایران از 35 میلیون جمعیت 22 میلیون رأی داد بر جمهوری اسلامی سابقه در دنیا ندارد، سابقه ندارد 35 میلیون جمعیت 22 میلیون رأی دادند بر جمهوری اسلامی. این معنایش این است که اتفاق آرا بوده است، لکن آن عده دیگر همچو هست و مریض هست و غیره، یک همچو وضعی است. کجا ما یک همچو چیزی داریم؟ حفظ کنید یک همچو وحدتی را، نگهش دارید این را. اینهایی که نق می زنند برای نام چه و چه، اینها متوجه نیستند که این صف ها، الان در شوروی به یک کسی که اینجا بود خودش گفت نوشته، گفت پسر من آنجاست و به من نوشته، نوشته این صف ها در آنجا هست، در شوروی که شصت و چند سال است انقلاب کرده است و به خیال خودش انقلاب این چیزها را دارد.

شما اسلام را می خواهید، اسلام که می خواهید زنده کنید اسلام را البته فداکاری می خواهد، بدون فداکاری که نمی شود آدم یک اسلامی را زنده کند. همین فداکاری بود که در صدر اسلام خود پیغمبر اسلام و اولیای اسلام کردند. حالا نوبت شماست، نوبت ماست. انشأ الله خداوند همه شما را تأیید کند، مؤفق باشید، مؤید باشید. و این را هم باز تأکید کنم که انشأ الله فردا و پس فردا که راهپیمائی هائی هست، عزاداری ها باید باشد، منتها عزاداری یک وقت در یک جایی است و یک وقت همه در خیابان ها عزاداری می کنند. انشأ الله همه مؤید و موفق باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## بیانات امام خمینی در جمع فارغ التحصیلان آموزشگاه افسری شهربانی جمهوری اسلامی

### قوای مسلحه باید خدمتگزار ملت باشند ، نه حاکم

بسم الله الرحمن الرحيم

من اولاً معذرت می خواهم که طولانی نباید صحبت کنم و اطباءً از اصل صحبت بلکه ممنوع کردند لکن گاهی یک قدری اش را اجازه داده اند و از شما آقایان تشکر کنم که در اینجا آمدید و یک بعضی مسائل را با هم صحبت کنیم . شما اکثراً وضع پلیس و سایر قوای مسلحه را ، نظامی و انتظامی را در زمان سابق مطلعید . مطلعید که این قوای نظامی و انتظامی از ملت به طوری جدا بود که هیچ کدام از طبقات چشم دیدن طبقه دیگر را نداشتند و این نکته اش این بود که سران پلیس ، سران ارتش و سران شهربانی و سایر قوای مسلحه اشخاصی بودند که با کارهایی که کردند و کارهایی که تحمیل می کردند به زیردستان خودشان ، وسایل نفرت ملت را از مطلق قوای مسلحه فراهم می کردند . شما می دانید که وقتی که یک پلیس ، یک پاسبان وارد بازار می شد ، هم این می خواست به مردم یک تحمیلاتی بکند و هم مردم می خواستند که از گیر او فرار کنند و نفرت داشتند از او . در عین حالی که پلیس و همین طور ژاندارمری و همین طور ارتش ، اینها به حسب وضع اولی که وجود آمده است ، این است که اینها برای کشور و برای ملت خدمتگزار باشند ، نه حاکم . اصل دولت هم همین است حتی مثل دولت حقه حضرت امیر سلام الله علیه که ولی امر بر همه چیز بود معذک آن حکومتی که در صدر اسلام بود ، در خدمت مردم بود ، اینطور نبود که حکومت بخواهد حکومت کند و مردم همین طور بی خود اطاعت کنند . اینطور نبود که حکومت بخواهد به وسیله قدرتی که دارد اجحاف کند به مردم و ظلم کند که مردم به واسطه آن ظلم از او متنفر باشند و الان هم که وضع تغییر کرده است و انشاء الله امیدوارم که دیگر این وضع برنگردد به آن اوضاعی که در سابق بود ، وظیفه همه ما و همه شما و همه کسانی که دست اندر کار امور مردم هستند ، از دولت و از همه ، این وضع را پیدا بکنند که خودشان را خدمتگزار بدانند . از آن نقطه اولی که آقای بنی صدر هستند تا آن مراتبی که هستش ، حکومت ها باید خدمتگزار مردم باشند . مردم احساس کنند که اینها به نفع آنها عمل می کنند . اگر مردم احساس این را بکنند که پلیس برای حفظ مصالح آنهاست ، پلیس نمی خواهد که به آنها تحمیلی بکند ، مردم با آغوش باز پلیس را در بر می گیرند و از پلیس پشتیبانی کنند سابق که ملاحظه کردید همچو مجلسی که پلیس و مردم دیگر و زن ها و مردها و ملت ، اینها در یک جا مجتمع نمی شدند ، اینها همه از هم دوری می جستند و لهذا اگر

یک مشکلی پیدا می شد برای دولت علاوه بر اینکه مردم همراهی نمی کردند ، هر چه می توانستند کار شکنی می کردند برای اینکه پلیس را در نظر آنها آنطور جلوه داده بودند که مثل گرگی است که در گله می خواهد بیفتد و شکار کند . این تلخی الان در ذائقه مردم هست و لهذا به واسطه این معنا که این تلخی هست شما آقایان خیلی باید توجه بکنید که این تلخی را از ذائقه مردم بیرون کنید . شما باید توجه بکنید به اینکه در طول پنجاه سال اخیر و خصوصا این سال های اخیر ، مردم از این قوای نظامی ، انتظامی که باید برای نظام باشد ، برای انتظام باشد ، چقدر زحمت دیده اند و چقدر بدی از اینها دیده اند و سران اینها چقدر با مردم بد رفتار کرده اند و سازمانی که به اسم سازمان امنیت است چقدر امنیت را از بین این مردم جدا کرده بود و مردم همیشه توجه به این داشتند که مبادا یک وقت بی خودی بیایند و ما را گرفتار کنند این ذائقه تلخ الان هست باز هم ، تتمه اش هست و لهذا شماها یک تکلیف بزرگی گردتان است که باید این ذائقه تلخ را برگردانید به یک ذائقه شیرینی و آن با عمل شماست ، با عمل ژاندارمری است با عمل ارتش است . با عملتان می توانید که شما کاری بکنید که مردم از یاد ببرند آن سختی ها و آن زورگوئی های سابق را و این ذائقه های تلخ را شما شیرین کنید ، با عمل خودتان ، با رفتار خودتان ، با محبت خودتان . همه شماها برادر هستید ، یک مملکتی اسلامی همه شان با هم برادر هستند . وقتی ما احساس این را بکنیم که ما همه با هم برادر هستیم ، با هم رفتارمان خوب است ، و اگر این احساس پیش بیاید که من آن بالا هستم و دیگران باید اطاعت از من بکنند ، من رئیس شهربانی هستم و دیگران باید از من اطاعت بکنند و یک تکلیفی است و بخواهید با تکلیف و تکلف به مردم حکومت کنید ، این باز برمی گردد به آن حالات سابقه و مردم از شما جدا می شوند و مردم وحشت از شما می کنند ، ترس در دلشان پیدا می شود وقتی شماها را می بینند . در زمان سابق من خیلی قصه ها یادم هست که آن قصه ها اگر یک کسی توانست بنویسد طولانی بود . شما نمی دانید که وقتی یک پاسبان را از دور دیدند ، خصوصا معممین یک پاسبان را از دور می دیدند چه حالی به آنها دست می داد ، می توانستند یک جا فرار کنند فرار می کردند . این نبود جز اینکه بالائی ها اینطور دستور می دادند ، خود پائینی ها هم اینطور تربیت شده بودند . تربیت اسلامی اصلش در کار نبود . یک تربیت های غربی ، یک تربیت هائی که از آنجا گرفته شده بود . بدعایش را اینجا آورده بودند پیاده کرده بودند . شما گمان نکنید که از غرب برای ما یک تحفه ای آورند . شما گمان نکنید که از غرب برای ما چیزی می آورند که ما را متریقی کنند ، ترقی به ما بدهند . غرب تا ما را در سطح پائین نگه ندارد ، نمی تواند از ما استفاده کند . کوشش آنها این است که ماها ، این ممالک اسلامی ، این ممالک مستضعف در یک سطح پائینی از همه امور باشیم . هر امری را که آنها برای ما بیاورند ، یک امر استعماری است یعنی اگر طب را برای ما بیاورند طب استعماری است اگر دارو برای ما صادر کنند آن هم استعماری است ، اگر دانشگاه برای ما بخواهند درست کنند آن هم دانشگاه استعماری است . همه چیز را آنها می خواهند به طوری درست کنند که برای خودشان نافع باشد و ما چشم و گوش بسته تسلیم آنها باشیم و الان که به خواست خدای تبارک و تعالی و به برکت اسلام ما از این قید و بندها خارج شدیم ، باید خیلی متوجه باشیم به

اینکه نبادا ما را دوباره در این قید و بندها قرار بدهند . باید ما عبرت بگیریم از آن پلیس زمان محمدرضا و از آن ارتش زمان محمدرضا و از آن ژاندارمری زمان او و ببینیم که مردم با آنها چه جور بودند و آنها با مردم چه جور بودند و نتیجه اش چه شده . مردم با آنها مخالف بودند ، آنها هم با مردم مخالف ، مثل دو تا دشمن با هم برخورد می کردند . شما نمی دانید ، شماها که اکثرا یادتان نیست آن زمان سابق را که وضع کلانتری ها چه جور بود . یک کسی که می خواست توی کلانتری برود برای احتیاجی ، چقدر قلبش می طپید که حالا می رود در اینجا چه خواهد شد . این وضع در زمان رضاخان خیلی شدید بود ، در زمان دومی هم شدید بود . انسان وقتی کاری داشت وقتی احتیاجی داشت که باید برود آنجا ، عزا می گرفت که حالا چه بکنم من ، در اینجا با من چه خواهند کرد ، در حالی که کلانتری ها باید مرکز احتیاجات مردم و برآوردن احتیاج مردم باشد . آنطور کردند و آنطور شدند و ما باید از این مسائل تاریخی عبرت بگیریم و ما آنطور نباشیم ، تا آنطور نشویم . برادرها! همه مردم با شما ، با بالاتری ها یک جورند . اگر با مردم خوب رفتار بکنید ، برای خودتان هست و اگر با مردم خدای نخواستہ بد رفتار کنید ، به ضرر خود شماست . آنقدر که ظالم ضرر می برد از ظلمش ، مظلوم از ظلم ظالم آنقدر ضرر نمی برد . ما و شما یک روزی در بارگاه الهی ، پیشگاه الهی خواهیم رفت و آن روز از ما سؤال خواهد شد و از شمائی که پلیس هستید ، از شغل شما و از عمل شما و از رفتار شما سؤال خواهد شد . غفلت نکنید از خدا ، غفلت نکنید از آن روزی که همه محتاج هستید . با برادراتان خوب رفتار کنید ، با ملت تان خوب رفتار کنید و خدای تبارک و تعالی با شما رحمت خواهد کرد و انشاء الله همه مؤفق باشید و مؤید و پیروز باشید و از اینکه شماها با اینکه باید در شهرها باشید لکن در موقعی که کشورتان مبتلا هست به جنگ ، رفتید آنجا و وظیفه خودتان می دانید و وظیفه همه است که در آنجا بروند و همکاری کنند با سایر برادرها و انشاء الله به زودی این اشرار را از مملکت تان بیرون کنید . من دعا می کنم به شما و خداوند توفیق به همه شما عنایت کند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته



## استفتا رئیس کل بانک مرکزی ایران از محضر امام خمینی

بسمه تعالی

محضر رهبر عالیقدر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت الله العظمی امام خمینی دامت برکاته

عده ای از طاغوتیان و فراریان رژیم گذشته که اموالشان اینک در اختیار بنیاد مستضعفان و سایر نهادهای انقلابی می باشد به شبکه بانکی کشور مقروض می باشند. تقاضا می شود دستور فرمائید شبکه بانکی کشور بتواند مطالبات خود را از محل این دارائی ها که اینک در اختیار نهادهای فوق الذکر می باشد تأمین و اخذ نماید.

ایام عمر و عزت مستدام باد

با تقدیم احترام - علیرضانبوری

پاسخ امام:

بسمه تعالی

موافقت می شود. لازم است نمایندگان از طرف بنیاد برای رسیدگی به این امر تعیین شود و نمایندگان بانک مدارک را ارائه دهند و پس از ثبوت، بدهکاری به بانک ادا شود و مازاد به نفع مستضعفین برداشت شود.

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 186

## بیانات امام خمینی در جمع استانداران سراسر کشور

### آن چیزی که اسباب ضعف دولت و جدائی مردم از آن دولت است آن عبارت از کیفیت عمل همه دستگاه هاست

بسم الله الرحمن الرحيم

من یک مطلب راجع به آقایان استاندارها که تشریف دارند و عموم استاندارها و عموم ادارات دولتی و عموم کسانی که در جمهوری اسلامی دست اندر کار هستند چه لشگری، چه کشوری. من از زمان احمد شاه تا حالا این رژیم زمان احمد شاه را دیده ام، اواخر آن رژیم را از زمان رضاشاه و پسرش را تماشای آن تا منتهی شده به حالا. آن چیزی که اسباب ضعف دولت و جدائی مردم از آن دولت هستند آن عبارت از کیفیت مسلمان هاست، کیفیت عمل همه دستگاه هاست، یعنی یک حکومتی که در یک جایی می رود، در مرکز کارهایش را درست کرده بود و رشوه هایش را به آنهایی که باید بدهد، داده بود، آنها هم اجازه اینکه هر کاری می خواهد بکند داده بودند و هر کاری در آنجا می کرد یا کسی جرات نمی کرد صحبت کند یا اگر می کرد اثر نداشت. این منحصر به آن رده بالا نداشت همه رده ها تا آخر وضع اینطوری بود. در بعضی از اوقات، در بعضی از جاها یک حکومتی که آنوقت می خواست برود، که حالا استاندار بوده، از فرض کنید خراسان می خواست یک کسی برود به حسب اختلاف در آمد در آنجا برای استاندار و برای حکومت، او اجازه می کرد آنجا را، تیول بود خراسان، تیول مثلا فلان شاهزاده بود و چقدر به شاه یا به دستگاه داد و آنجا را تیول می کرد و بعد هم آنجا هر کاری می خواست می کرد. باید آن چیزی را که داده است در آورد و مضاعف بر او، زیاد برای خودش و دوستانش ذخیره کند. و همین طور نظامی ها، ژاندارمری مثلا فرض کنید که کلاتری ها یا، همه باب این باب بوده است. اگر کسی آن مسائل آنوقت را درست بررسی بکند و بنویسد، یک کتاب قطوری خواهد شد که چه می کردند اینها با مردم و از صدر تا ذیل وضع همین طور بود. زمان رضا شاه از باب اینکه همه دزدی ها منحصر به خودش بود، انحصار دست خودش بود، حکومت ها به این قدرت نبودند، زمان احمد شاه اینطور نبود که خود آنها بتوانند همه برداشت ها را برای خودشان بکنند، این بود که دار و دسته هائی که می فرستادند این بساط را درست کردند. زمان رضاشاه همه دزدی ها از گردنه ها رفته بود تهران، همه زلی ها از همه جا متمرکز شده بود در خود دستگاه دولتی و از همه بالاتر خود رضاشاه و امثال اینها و این اسباب این شده بود که مردم با دستگاه های دولتی مطلقا

حرف بزنند، بعضی وقت ها هم می کردند جرأت. من یادم است بچه بودم که حکومت خمین یک نفر از خان ها را گرفته بود بعد از دو سه شب، سه چهار شب ریختند خان ها و حکومت را گرفتند و حبسی خودشان را بیرون آوردند و حکومت را به اسیری بردند، واحدی از مردم هیچ، همچو نبود که چرا بگویند، خوشحال هم بودند، شاید بعضی شان هم منزل حکومت را آمدند تته را غارت کردند. من شاهد قضیه بودم که آن خانه ای که حکومت را از آن بردند، من بچه بودم پشت یک دری ایستاده بودم و نگاه می کردم به وضع آنها که آنها حمله کرده بودند و حکومت هم مرد قلدری بود، او هم باز آنوقت ده تیری داشت او، او هم حمله می کرد و یک نفر را هم ظاهرا از آنها کشته بود لکن بعد اسیر شد. این وضع حکومت بود در آنجا که شرح طولانی دارد و زمان رضاشاه را هر که یادش باشد می داند چه قضایا واقع شد و زمان محمدرضا هم که همه یادتان هست. این اسباب این شد که دولت مقابل ملت، ارتش مقابل ملت، همه هم مقابل ملت بودند، یعنی هر چه می توانستند این کلانتری ها و این ارتش و این ژاندارمری و اینها هر چه می توانستند از مردم اخاذی می کردند به زور، به ارباب شاید یادتان باشد، که این را گفتم، نمی دانم، در مطبوعات لابد نبوده، رضاخان یک وقتی که وارد شده بود در ژاندارمری، دست هایش را در جیبش گذاشته بود، وقتی که وارد شده بود. گفته بود می ترسم از جیبم بدزدند. این ممکن است که اولاً راه نشان دادن به آنها باشد که باید دزدید ولو از من، و ممکن است معرفی آنها باشد به اینکه وضع اینطوری است، همه ملت هم دستشان در جیبشان باید باشد که خود اعلی حضرت ندزدند، مسأله این است.

### **باید لفظاً و عملاً به مردم حالی کنند که ما خدمتگزاریم**

دولت و همه ارگان های دولتی که شما آقایان هم در هر استانی در رأس هستید، باید فکر این مسائل را، این تاریخ آخر این زمان ها را یک قدری مطالعه کنید. نه آن تاریخی که برای شاه نوشتند آنها تاریخ نیستند، آنها دروغ هستند، مشاهده کنید و کارهای اینها را ببینید و ببینید که چرا ملت از اینها جدا بود چرا کارشکنی می کرد ملت؟ من یادم است این را، شاید خیلی شما یادتان است اینها هم خیلی هایتان یادتان است که وقتی این متفقین از اطراف ریختند به ایران و زمان رضاخان ریختند به ایران و آن مردم آنقدر خوف داشتند از اینها که آیا چه خواهند کرد لکن خوشحال بودند از اینکه رضاخان را بردند، یکی از برکات این هجوم را با اینکه همه اشکالات را مردم در نظرشان این بود که چه خواهد شد و چه خواهند کرد، لکن این معنا مثل اینکه یک هدیه ای بود آسمانی برای اینها رسیده بود که رضاخان رفت و مع الاسف آنوقت اشخاصی که خود ملت یک رأسی که بتواند آنها را جمع بکند، نبود که پسر رضاخان را آنها گذاشتند اینجا و در صورتی که اگر آنوقت در دو سه تا شهر تظاهر می شد به ضد، نمی گذاشتند او را، لکن هیچ کس حرف نزد تا اینکه آن خوف سابق بود و ریخته نشده بود آن خوف، از این جهت مردم جرأت نمی کردند، کسی هم نبود که آنها را وادار کند به یک همچو مسائلی، شاید اگر مرحوم مدرس در آنوقت بود، آن کار را می کرد لکن کسی نبود که این کارها را بکند.

این قصه ها که من برای شما می گویم خیلی هم خودتان می دانید ، این راهی است برای همه شماها و همه کسانی که دست اندر کار هستند و امور مملکت را می گردانند به هر جوری که هست که بفهمند که حکومت ها از بالا گرفته ، رئیس جمهور گرفته تا آنجائیه که در ده ، یک نفری ، فرض کنید بخشدار است اینها باید در خدمت ملت باشند . اگر اینها در خدمت ملت نباشند باز کم همان خواهد شد که در زمان آنها شد . حالا بدتر از آنوقت است ، برای اینکه حالا مردم دیگر آن خوف را ندارند از هیچ کس . اینها تا آمدند خوف ایجاد کنند ، یکی دو نسل بعدش شاید ثمر برسد ، خیال نکنند که مثلا اگر بخواهند یک نفر یا چند نفر دیکتاتوری بکنند در این نسل ، می شود ، نه نمی شود . این یک مطلبی است که اگر حالا پایه اش ریخته شد ، در دو نسل دیگر آنوقت نتیجه گرفته می شود یعنی اینها کارش را می کنند ، آنها نتیجه اش را می گیرند . از این جهت ما باید درست همه ملت و همه استاندارها و همه کسانی که دست اندر کار هستند اینها ، مواجهه با ملت اینطور نباشد که در آنوقت بود که یک بیچاره ای اگر خواست استاندار را ببیند نتواند تا آخر ، یک کسی که به او ظلم شده است اگر می خواست حکومت یک شهری را ببیند ، فرض است که استاندار یک فرض کنید ناحیه باشد اصلا قدرت این را نداشت که ، همچو جرأتی به خودش نمی داد که من بینم ایشان را . جرأت نبود یک همچو چیزی ، نمی شد یک همچو چیزها ، از این جهت عقده ها در دل مردم همین طور انباشته شد تا یک وقتی که آن عقده ها باز شد و آن کار را انجام دادند . ماها باید متوجه این مسائل باشیم که حالا اینکه دست شما آقایان آمده است حکومت و دست بالاتری آمده است حکومت خوی مثلا ، توجه به این معنا باشد که باید اینها در خدمت مردم باشند و به مردم حالی کنند که ما خدمتگزاریم ، حالی کنند لفظا ، حالی کنند عملا . در عمل اینطور باشد که مردم ببینند که این استانداری که آمده است در اینجا ، آمده است خدمت کند به مردم ، مشغول خدمت به مردم است و وقتی مردم ببینند که کسی مشغول به خدمت است دیگر دعوا ندارند با او ، دعوا آنجا پیدا می شود که ببینند آمده است که مردم را داغ کند ، آمده که با هر وسیله ای اخاذی بکند ، آمده است قدرت خودش را تثبیت کند . وقتی مردم ببینند که یک نفری می خواهد قدرت خودش را تثبیت کند ، مردم با او مخالف می شوند و حالا هم می گویند مردم ، مثل آنوقت نیست که عقده بشود ، حالا دیگر عقده ها شکافته شده است ، حالا دیگر اجازه نمی دهند به کسی که بخواهد این کارها را بکند ، این جز آبروریزی خود آنها چیز دیگری بار نمی آورد . آدم عاقل فرضا اگر یک نفری باشد که در باطنش یک دیکتاتوری باشد ، خوب ، در شرق تقریبا این جوری هست ، خیلی ، غرب هم هست ، همه جا هست ، انسان اینجوری است . بر فرض اینکه باشد لکن باید اگر عقل دارد این را حالا ذخیره کند برای یک وقتی که اگر وقت باشد ، نه برای هم (حالا) عجله نکند در کار ، این عجله اسباب این است که انسان را از بین ببرد . در هر صورت من عرضم به آقایان این است که منحصر به شما هم نیست ، به هر کس هست این است که توجه کنید به اینکه هم صلاح خود شماست و هم صلاح کشور شماست و هم صلاح ملت است که شما با مردم دوست باشید ، مردم احساس کنند که اینها دوست های آنها هستند که آمده اند برای اینکه مثلا فرض کنید که ژاندارمری مثل آنوقت نباشد که مردم از ترس او

نمی توانستند عبور کنند نه از دست دزدها، مثل عرض می کنم که شهربانی نباشد که مردم از ترس آنها نمی توانستند اظهار بکنند که یک کسی به ما چه کرده است. شاید شما آنوقت در شهربانی نرفته باشید یا رفته باشید شاید هم، در این کلاتری ها که مردم کار داشتند عزا می گرفتند. اگر می خواستند بروند توی کلاتری، آیا چه خواهد شد؟ یک مظلومی می خواهد برود آن چیزی که به او شده است آن ظلمی که شده است به اینها بگویند، عزا می گرفتند چطور ما برویم توی اینجا، این مثل از حبس بدتر بودند اینها، اینها یک چیز عجیبی بود، یک ارباب عجیبی کرده بودند، بنابراین بود که ایجاد خوف بکنند در مردم، ارباب کنند مردم را که کسی در ذهنش هم نیاید که مخالفت کند. این بساط بنابراین بوده است، حالا یا تعلیم بالاترها بوده است یا خودشان، شیطنت خودشان. در هر صورت ما برای خاطر حفظ یک کشوری، برای خاطر استقلال یک کشوری که باز یک قدرت هائی نیابند دوباره در کشور ما و بخواهند چه بکنند، باید مردم را نگه دارید. هر کدام در هر جا که هستید مردم را همراه خودتان نگه دارید و مردم را با هم جوش بدهید یعنی صحبت هائی که می کنید، در مجالسی که مردم دارند، بروید صحبت کنید برای مردم و مردم را آگاه کنید که این بساطی که فرض کنید که بعضی از روشنفکرها خواهند درست بکنند، این بساط، بساطی است که اگر اشتباه کرده اند خوب، اشتباه است یا اگر یک نقشه ای در کار هست که یک همچو کارهایی بشود، نقشه اش را به هم بزنند، مردم با هم باشند. آقا مردم تا حالا در این چند سال آخر که چقدر اینها زحمت کشیده اند، مردم خیلی خوبند، مردم ما واقعا خوبند شاید نظیر ملت ایران در هیچ جا نباشد، ماها بدیم، آنها خیلی خوبند. من گاهی در ذهنم این معنا می آید که اگر چنانچه در آخرت من خودم را می گویم من جهنم بروم آن کسی که برای من یک کاری کرده، به خیال اینکه من آدم هستم برای من یک کاری کرده است در بهشت باشد، می گویند بهشت مشرف به جهنم است، می بینند آنها را، خوب من چه جواب بدهم به او، اینها به من بگویند که ما برای تو مثلاً الله اکبر گفتیم تظاهر کردیم تو جووری بودی که رفتی جهنم و ما برای خاطر تو بهشت رفتیم تو خودت ملعون بودی، رفتی جهنم. این مردم خوبند، این خوب ها را نگه دارید، این مردم خوب را با خودتان همراه کنید. وقتی تمام استان ها، اشخاصی که در استانداری هستند، تمام استاندارها بنا را بر این بگذارند که کارهای خودشان را خوب انجام بدهند، در خدمت مردم باشند، حالی کنند به مردم که حکومت اسلامی، حکومت خدمت است، پیغمبر اکرم خدمتگزار مردم بود با آنکه مقامش آن بود ولی خدمتگزار بود، خدمت می کرد. آن قصه مالک اشتر را من کرارا گفته ام: عبور می کرد از یک جائی سردار اول اسلام بود، از یک جایی عبور می کرد یک کسی شناخت و یک فحشی داد، یک چیزی گفت، وقتی رد شد آن کسی که آنجا نشسته بود گفت: تو او را شناختی؟ گفت نه. گفت: مالک اشتر بود، دوید مردک، دید رفته مسجد، رفته مسجد نماز می خواند، رفت عذرخواهی کرد. گفت: من نیامدم مسجد الا اینکه برای تو طلب مغفرت بکنم، این یک کلمه ببینید چه می کند با قلب آن آدم.

## باید جویری باشید که مردم مثل برادر شما را در آغوش بگیرند ، مملکتان با این ترتیب حفظ خواهد شد

این قلب های صاف پاک مردم را نگه دارید ، این کشاورزها و نمی دانم کارگرها و اینها بودند که شما را به استانداری رساندند والا شما را استاندار نمی کردند . زمان رضاشاه هیچ کدامتان استاندار بوده اید؟! راه نمی دادند شما را ، این مردم بودند که این دولت را بوجود آوردند و این رئیس جمهور را ، رئیس جمهور کردند و عرض می کنم این مملکت را برگرداندند از آن حالی که یک حاکمی که وارد یک جایی می شد هزار جور فساد می کرد حالا آنجور نباشد . ما باید درست توجه داشته باشیم به این مسائل و خدا را حاضر بینیم همه جا ، در قلوب ما حاضر است ، در هر مجلس حضراست ، ما در محضر خدا هستیم ، وقتی ما در محضر خدا هستیم ، بندگان خدا که عزیز خدا هستند در محضر خدا ما به آنها اذیت بکنیم این جرم بخشودنی نیست . باید نگه دارید این مردم را . اگر بخواهید کشور شما دوباره اسیر نشود و همه چیز را از شما نگیرند و این پنجاه سال اختناقی که بعضی از شماها یادتان هست و ده ، پانزده سال که بعضی یادتان هست ، همه یادتان هست ، آن اختناق دوباره بوجود نیاید و آن ذلتی که برای همه بود ، برای بزرگان بیشتر بود منتها نمی فهمیدند ، اینها اینقدر قلبشان ظلمانی شده بود که نمی توانستند ادراک کنند . من خدا می دانم این مطلب هیچ از یادم رود که وقتی دیدم یک کسی که خودش را شاه یک کشوری می داند ، ما التبه هیچ وقت او را نپذیرفته بودیم به اینکه این شاه است ، این یک دزدی بود آمده بود اینجا به زور ، اما یک کسی که به عنوان شاهی ، مردم ممالک دیگر شناخته بودند او را ، در مقابل نیکسون بود ، نیکسون گمان می کنم بود ، جانسون بود ، او آنجا ایستاده بود و او اینجا ایستاده بود ، او اصلا توی صورت او نگاه نمی کرد ، از خودش ، عینکش را برداشته بود ، چشمش را از آن طرف دوخته بود ، این هم مثل یک بچه مکتبی که مقابل آن معلم های سابق بود نه حالا ، معلم های سابق ، اینطور ایستاده بود . من خجالت می کشیدم از اینکه ، خوب ، ما در مملکتمان یک نفر مقامی که عالم او را شناخته اند به اینکه او مثلا شاه ایران است ، او در مقابل یک رئیس جمهور آنطور ذلیل هست ، چرا باید باشد؟ برای اینکه می خواهد از آنجا اجازه حکومت بگیرد و اینجا بچاید ، همان کاری که خود آن سلاطین سابق هم کردند و نخست وزیرهای آنوقت و نمی دانم فرمانفرماهای آنوقت می کردند که به تیول می دادند کشور چیز را ، حکومت های تکه تکه را ، همین کار را می خواهد او بکند که آنها اجازه غارت بدهند ، بیاید هر کاری بکند آنها هم نگذارند کسی صدایش در بیاید . خوب ، اگر بخواهید که برنگردد این اوضاع ، من چند روز دیگر بیشتر نیستم اما مملکت ، مملکت شماست ، مملکت ، مملکت ایران است ، اگر ایرانی ها از آن صدر تا آن ذیل بخواهند که این مملکت شان اینطوری که حالا پیش خودشان هست و انشأ الله ها هم ختم می شود ، به خیر ختم می شود انشأ الله ، اگر بخواهید مملکت تان مال خودتان باشد و مال خود این ملت باشد ، باید این ملت را به همان گرمی ای که هست نگه دارید و تخیل اینکه ما یا به شرق متمایل باشیم یا به غرب متمایل باشیم این در ذهنتان اصلا دیگر وارد نشود و نگذارید در ذهن کسان دیگری که با شما تماس دارند یا ملت وارد بشود ، اینها را

همین طور منسجم نگه دارید. یک ملت اصلاً نظیر ندارد این، اگر زمان محمدرضا یک جنگی واقع می‌شد، آن در مثلاً فرض کنید در اهواز واقع می‌شد، در خراسان برایش زن‌ها نان می‌پختند؟! دعا می‌کردند که انشاء الله شکست بخورد، حالا وضع اینطوری است. در کجای دنیا شما سراغ دارید یک همچو مطلبی یک همچو پشتیبانی مردم از حکومت، از ارتش، سراغ نداریم ما جایی در این، نظیر نداشته است این، در تاریخ هم نمی‌توانید پیدا بکنید، از بچه‌های کوچکی که ده تومان دارند می‌دهند به، برای ارتشی که آنجا، قوای مسلحه‌ای که آنجا کار می‌کنند با آن پیرزن هشتاد ساله‌ای که چند تا تخم مرغ دارد، این ارزش دارد، ارزش اینها زیاد است اما باید حفظ کنیم این ارزش را. پیروزی مملکت ما برای همین ارزش هاست، این پیروزی قلوب، بالاتر از پیروزی کشور است. از قلوب اینطور، اینطور فتح قلوب بالاتر از فتح کشور هاست، این را حفظش بکنید و دائماً در نظرتان باشد که ما یک بنده خدایی هستیم که این مردم ما را به این محل رساندند و ما برای آنها باید خدمت بکنیم. رئیس جمهور باید فکر بکند که این مردم کوچه و بازار من را از پاریس آوردند اینجا و رئیس جمهور کردند، من باید خدمت بکنم به مردم. نخست وزیر باید فکر همین معنا باشد که این مردم بودند که من را از حبس‌ها و زجرهای آنجا بیرون آوردند و نخست وزیر کردند، من باید خدمت به آنها بکنم. شما آقایان هم همین طور، هر کدام که در آنوقت زجر کشیدید و حبس رفتید همین ملت شما را نجات داده است، هر کدام هم که نبودید، اصلش مملکت یک حبسی بود، تمام کشور یک زندانی بود برای همه، بنابراین آن چیزی که اساس است در این مملکت، هم سیاست اقتضا می‌کند، هم دیانت اقتضا می‌کند، هم انصاف و وجدان اقتضا می‌کند، این است که این خدمتگزارهایی که مجانی برای شما دارند خدمت می‌کنند و برای حکومت دارند خدمت می‌کنند، اینها را ارجشان را بدانید و بدانید که اگر خدای نخواستہ این پیوند سست بشود و گسسته بشود، خدای نخواستہ کار همان است که اول بود، حالا نشود چند وقت دیگر، چند وقت دیگر. از حالا باید این بنیان محکم باشد، این بنیان باید همیشه دنبال استحکامش باشید و این استحکام را هر کدام شما در محل تان عهده‌دارش هستید، یعنی یک تکلیف شرعی، وجدانی است که شما نگذارید در هر جایی که هستید آن کسانی که در زیر نظر شما وزیر عرض کنم حکومت شما هست به مردم بد سلوکی کنند، مردم را بپذیرید برای خودتان، بروید توی مردم، جدا نشوید از مردم. آنوقت اینطور بود که مردم را نمی‌پذیرفتند، جدا بودند از مردم. اگر محمدرضا می‌خواست از یک راهی برود، چند روز از قبلش باید همه آنجا را، خانه‌ها را کنترل کنند تا بتواند از آنجا عبور کند، این سلطنت نیست که، این ذلت است، اسمش را سلطنت گذارند. باید جوری باشید که مردم مثل برادر شما را در آغوش بگیرند، الان اینجورند مردم، این را حفظش کنید، مملکتتان با این ترتیب حفظ خواهد شد، هر روزی برای مملکت مشکل پیدا می‌شود، حلالش خود مردم. الان این مشکلی برای کشور ما پیدا شده است خوب مردم دارند کمک می‌کنند. حلالش خود این مردم هستند، این پشتیبانی عظیمی که مردم می‌کنند و آن حضوری که خودشان دارند و خودشان هست، از خودشان می‌دانند همه چیز را، ارتش را از خودشان می‌دانند، همه چیز را از خودشان

می دانند، این باید حفظ بشود تا حفظ بشویم، تا کشورتان حفظ بشود و اگر خدای نخواستہ این از دست ما برود، ما برمی گردیم به آنطوری که اول بودیم.

### کارهای انجام شده را به مردم عرضه کنید تا شیاطین نگویند کاری نشده

و من خوف این را دارم که ما نعمت خدا که به ما داده است و همه آنها از جانب خدای تبارک و تعالی بوده است ما کفران این نعمت را بکنیم و عنایت خدا از ما منحرف بشود، ما خودمان اسباب این بشویم و ما بدتر از آنکه بودیم بشویم.

اما مشکلاتی که شما گفتید و آقایان گفتند من نه اینکه نشنیده بودم من گزارش زیاد برایم می رسد، اینها انشاءالله کم کم باید رفع بشود و رفع می شود و در صدد هم هستند و من هم تعقیب خواهم کرد و شاید همین دو روز هم بیایند اینجا، من تعقیب خواهم کرد این را و من برای همین جهت هستم. یک مملکتی که دو سال است با آن زحمت ها و با آن رنج ها فتح شده است و یک مملکتی گذاشته اند که آنهمه عیب دارد، آنهمه عیب را گذاشته اند و فرار کردند اصلا مال مردم را، مال ملت را برداشتند، غارت کردند و رفتند، اینهایی که از زمین هایشان و نمی دانم چه شان مصادره شده، بیشتر از این را بدهکار هستند اینجا. غارت کردند این مملکت را رفتند، محمدرضا گفته بود که من مملکت را خراب می کنم می روم، درست گفت، خراب کردند و رفتند منتها ما خیال می کردیم که خرابی به این است که مثلا بمباران کنند و بروند، آنها خراب بدتر کردند برای اینکه بمباران یک دفعه می شود و تمام، اما اینها ریشه اقتصاد ما را از بین بردند که حالا سال های طولانی باید زحمت بکشند مردم تا این خرابی ها را جبران کنند و این کارهایی که شماها انجام می دهید، من این را از زمانی که آقای مهندس بازرگان نخست وزیر بودند، به ایشان کرارا گفتم با یک مثلی و حالا به شما عرض می کنم. من عرض کردم به ایشان که یک مرغ یک تخم می کند، ببینید چقدر هیاهو می زند، چه اعلام هائی می دهد، فریادهایی می زند یک تخم کرده، شما کار می کنید و سکوت، خیال نکنید که ما برای خدا سکوت می کنیم، خیر برای خدا بگوئید، برای اینکه این مملکت را این شیاطین دنبال این هستند که بگویند هیچ کاری نشد، جمهوری اسلامی آمد و هیچی، مثل اول. این بی انصاف ها که حالا خودشان افسار گسیخته هستند و توی خیابان ها و همه جا با افسار گسیختگی دارند هر شرارتی می خواهند بکنند و آنوقت نفسشان نمی توانست در بیاید حالا می گویند چیزی نشده است، جمهوری اسلامی آمده و آن هم هیچ کاری نکرد، در صورتی که آنطوری که به من گزارش می شود این مقداری که جمهوری اسلامی به مردم، با همه گرفتارهایی که داشته در ظرف این دو سال، یک سال و نیم انجام داده، بیشتر از آن مقداری است که در طول سلطنت اینها، کاری نکردند آنها، بیشتر از آن مقداری است که یک حکومت عادلانه در آنوقت می کرد لکن گفته نمی شود، مردم را، شما عرضه نمی دارید.

در هر صورت این هم جزء نقص است، ما باید هر کاری می کنیم شماها آقایان هر کاری که می کنید عرضه کنید به مطبوعات، در رادیو تلویزیون، در رادیو، در مطبوعات عرضه کنید. گاهی مثلا



یک چیزی در تلویزیون فیلم مختصری می آید خیال می کنند مردم همین بود در صورتی که پریروز آقای با هنر اینجا بودند و قضیه مدارس که ساخته شده است ایشان می گفت : مدارس ، پانزده هزار مدرسه است که تا چند روز دیگر ، چند وقت دیگر پانزده هزار تمام شوند ، ده هزار تمام شده و در طول تاریخ اینها ، در طول تاریخ ، سه مقابل این در تمام تاریخ ایران بود و این پانزده هزار به قدر ثلث تمام آن کارهایی است که از اول تا حالا کردند ، اینها عرضه باید بشود ، گفته باید بشود ، مردم بفهمند که چقدر خانه ساخته شده است ، چقدر مسجد ساخته شده است ، چقدر حمام ساخته شده است ، چقدر زمین احیا شده است ، چقدر آسفالت شده است ، کار زیاد شده است ، باید این کارها را به مردم گفت که خیال نکنند ، شیاطین هی نیایند بگویند که کاری نشد ، کاری نشد ، خوب این کارها شده است منتها یک مملکتی است که باید بشود . بعد هم انشاء الله می شود و حالا هم همت باید بکنید ، همه آقایان همت بکنند که این کارها پیش برود .

### **به این بندگان خدا باید خدمت بکنیم ، چون خدا احتیاج به خدمت ما ندارد**

و من امیدوارم که انشاء الله موفق باشید و همه مان موفق باشیم و همه مان عازم خدمت به مردم . اینها بندگان خدا هستند ما به خدا بخواهیم خدمت کنیم ، به این بندگان خدا باید خدمت بکنیم و خدا احتیاج به خدمت ما ندارد . اینها عیال مردمند و شماها پرستار آن عیال . باید حفظ بکنید آنها را و خودتان تا حفظ بشوید خودتان .

انشاء الله خداوند همه شما را تأیید کند و توفیق بدهد ، موفق و مؤید باشید و برای مملکت خودتان خدمت بکنید و در ذهنتان همیشه این باشد که این شرق و غرب دشمن ماست و هر چیزی که او به ما بدهد دشمنی است که برای هلاک ما به ما می دهد و ما باید کاری بکنیم که دشمنان پیش دشمن مان دراز نباشد .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران انقلاب اسلامی عازم جبهه های جنگ

### لزوم وحدت و پرهیز از اختلافات یک تکلیف شرعی و الهی برای همه

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ اسلام جز یک برهه از صدر اسلام، جوانانی مثل جوان های ایران ما سراغ ندارد و ملتی مثل ملت ایران در تاریخ ثبت نشده است. شما در کجای تاریخ، جز یک برهه در صدر اسلام آن هم نه به طور وسیع بلکه به طور محدود سراغ دارید که جوانان یک کشور اینطور عاشق جنگ باشند؟ اینطور عاشق دفاع از کشور خودشان باشند؟ و اینطور ملت همه با هم یکصدا دنبال پیروزی ارتش و سپاه پاسداران و سایر قوای مسلحه باشند؟ کجا دیدید که عاشقانه دنبال شهادت باشند؟ من از این چهره های نورانی و بشاش شما و از این گریه های شوق شما حسرت می برم. من احساس حقارت می کنم وقتی من وقتی با این چهره ها مواجه شوم و این قلب هائی که به واسطه توجه به خدای تبارک و تعالی اینطور در چهره ها اثر گذاشته است، احساس حقارت می کنم. من غیر از دعا که بدرقه شما کنم چیزی ندارم که به شما، من چطور به این احساسات خداگونه و به این توجهاتی که شما به خدای تبارک و تعالی دارید و به این عزم راسخ شما و این شجاعت بی نظیر شما، چطور من می توانم از شما ستایش کنم؟

عزیزان من! شما در بارگاه حق تعالی منزلت دارید. شما و ملت ما در یک برهه حساسی از زمان واقع شده اید که باید همان کلامی را که در صدر اسلام گفته شده است که تمام اسلام با تمام کفر مواجه هستند، برای شما گفته بشود. شما امروز پاسداران اسلام هستید. ای دوستان من! ای عزیزان من! توجه بکنید که این سفرها که می کنید، این مجاهدات که می کنید خالص باشد، برای خدا باشد. اختلافات را، اختلافات شخصی، اختلافات گروهی در ذهن خودتان نیاورید. همه شماها، چه ارتش، چه ژاندارمری و چه سپاه پاسداران و سایر داوطلبانی که برای دفاع از اسلام و دفاع از شرافت اسلامی خودشان به جبهه ها می روند همه شماها لشکرهای اسلامی هستید، همه شما ارتش امام زمان سلام الله علیه هستید. توجه کنید که آن آداب اسلامی را حفظ کنید، با هم اختلافات نکنید. دشمن می خواهد که بین این گروه های مجهز برای جهاد، اختلاف بیندازد، ارتش را از سپاه پاسداران جدا کند، سپاه پاسداران را از آنها جدا کند. شما همه اهل یک ملت هستید، اهل یک اسلام هستید، همه در پناه قرآن هستید، زیر پرچم اسلام هستید، با هم هماهنگ باشید. اگر خدای نخواستہ اختلاف پیدا بشود در شما، اختلاف پیدا

بشود در سران شما ، اختلاف بشود در گروه هایی از شما ، خدای نخواستہ یک کشور اسلامی به دست کفر می افتد و اسلام تا زمان های بسیار طولانی باز به انزوا کشیده می شود . این تکلیفی است برای همه جوانان ایران و همه ملت که در یک همچو وقت حساس اختلاف نکنند و اختلاف ایجاد نکنند . خدای نخواستہ با اختلاف ، تمام این کشور از دست می رود و تمام جوان های ما باز به آن حالی که در سابق بودند خدای نخواستہ مبتلا می شوند . کوشش کنید در اینکه با هم همه برادر باشید . امروز هم ارتش ایران و هم ژاندارمری ایران و هم سایر قوای مسلحه و هم شما برادران همه تان در زیر بیرق اسلام هستید و برادر باید باشید . اگر برادر باشید و با هم و با یک توجه الهی ، با یک وحدت ، به دشمن حمله کنید شما پیروز هستید و خدای نخواستہ در بین شما خلائی پیدا بشود که آرزوی دشمن ماست ، دشمن شماست ، ممکن است طور دیگر پیش بیاید . این یک تکلیف الهی است برای همه ، برای همه گویندگان ، برای همه نویسندگان ، برای همه شماها که در جبهه ها جوانمردانه در جبهه ها به پیش می روید و فداکاری می کنید ، یک تکلیف الهی است برای همه که دعوت به وحدت بکنند ، دعوت به اجتماع بکنند . این جوان های ما از هر طایفه ای و از هر گروهی که هستند و در جبهه ها برای اسلام جنگ می کنند ، اینها نور چشم های اسلام هستند اینها کسانی هستند که اسلام و مسلمین به اینها باید ارج بگذارد ، به اینها باید افتخار کند . کسانی که اهل قلم هستند ، اهل بیان هستند کوشش کنند که مردم را دعوت به وحدت بکنند ، مردم را دعوت به جهاد بکنند . اگر خدای نخواستہ از قلمی ، از زبانی چیزی بیرون بیاید که موجب تشمت بشود ، جرمی است نابخشودنی پیش خدای تبارک و تعالی . همه اهل این کشور هستید و می خواهید کشورتان را حفظ کنید . اختلاف نباشد بین تان ، گوش به اشخاصی که ایجاد اختلاف می کنند ندهید و همه همصدا با هم توجه کنید به خدای تبارک و تعالی . قدرت های بزرگ که مأموس شدند از اینکه با جنگ و با حمله نظامی بتوانند کاری بکنند ، دست به شیطنت زده اند و می خواهند شماها را از هم جدا کنند و اختلاف بین شما بیندازند .

### **تضعیف روحانیت ، توطنه برای غارت و وابسته کردن ما**

بیدار باشید ، ملت ما بیدار باشد ، توجه داشته باشد که هر گوینده ای که بخواهد ایجاد اختلاف بکند ، هر گوینده ای که بخواهد روحانیون را تضعیف بکند ، نظر به روحانیون تنها نیست . آنها را تضعیف می کند ، دنبالش شما هستید . آنها می خواهند که هجوم به این مملکت بکنند و همه چیز این مملکت را ببرند و کسی نباشد یک تعرضی بکند ، یک مقابله ای بکند . شما هر کدامتان که یادتان باشد ، از اولی که این کودتای رضاخان تحقق پیدا کرد تا حالا در هر قضیه ای که بوده است روحانیون درصاف مقدم مخالفت کرده اند و زجرها کشیدند و حبس ها رفتند و تبعیدها رفتند و مردم مسلمان دنبال آنها هستند و اگر چنانچه آنها از مردم گرفته بشوند و مردم از آنها گرفته بشوند ، آن روزی است که ابرقدرت ها جشن می گیرند . روشنفکرهایی که عامل ابرقدرت ها نیستند لکن اعمالی می کنند ، صحبت هائی کنند که در نتیجه ، همان نتیجه اعمال آنها را می دهد ، بیدار بشوند ، توجه بکنند به اینکه

یک مملکت اسلامی است ، یک مملکتی است که مال خودتان شده است ، مستقل است ، وابسته به هیچ جا نیست ، کاری نکنید که این وابستگی که گسسته شده است دوباره پیوسته بشود . دعوت به اسلام بکنید ، دعوت به صلاح بکنید ، دعوت به تجهیزات سلاحی بکنید ، دعوت به فرهنگ اسلامی بکنید . این فرهنگ های غربی را بیش از پنجاه سال است که شما دیدید و هر چه به سر این ملت آمد از این فرهنگ غربی آمد ، هر انحرافی که برای جوان های عزیز ما پیدا شد به واسطه این فرهنگ غربی بود . روشنفکرها توجه کنند به اینکه مهلت بدهند یک چندسالی هم فرهنگ اسلامی باشد ، تجربه کنند ببینند که با فرهنگ اسلام چه خواهد شد .

### **مقصد ، شکست ابرقدرت هاست**

من دعاگوی همه شماها هستم و باز تأکید می کنم که در جبهه ها که انشاء الله با سلامت بروید و با سلامت برگردید و پیروز باشید با پیروزی برگردید ، پیروزی شما در گرو وحدت شماست و در گرو ایمان شماست . ایمان داشته باشید ، قوی کنید ایمان خودتان را و با همه قوای مسلحه همراه باشید ، مقصد یک مقصد است و آن شکست ابرقدرت هاست و من امیدوارم که شما با سلامت و سعادت باشید و این راهی که راه خداست طی کنید و با پیروزی برگردید و اینجا من شما را پیروزمندانه باز ملاقات کنم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

**بیانات امام خمینی در دیدار با سه تن از مخترعین**

بسم الله الرحمن الرحيم

مهم این است که ایرانی ها بفهمند که خودشان می توانند کار بکنند . در این طول زمان این معنا را همچو کرده بودند که ایرانی ها چیزی نیستند و باید همه ، همه چیز را بروند از خارج بیاورند ، از اروپا بیاورند ، از آمریکا بیاورند ، این شد که اسباب این شد که مغزهای ایرانی به کار نیفتاد و نگذاشتند به کار بیفتد . ایران افرادش ، مردمش از سایر افراد کمتر نیستند بلکه از بسیاری بالاترند لکن نگذاشتند که این استعدادها به کار بیفتد . باید استعدادها را به کار بیندازند و دولت و ملت تأیید کنند از این کسانی که اختراع و ابداع کنند تا انشاءالله ایران خودش همه چیز را بسازد و مستقل بشود . می گویم انشاءالله که به دولت تذکر بدهند که همراهی کنند و ملت هم البته مؤظف است که با شما همراهی کند تا انشاءالله کارها را راه بیندازید و ایران انشاءالله مستقل بشود و استقلال وقتی است که شما دیگر احتیاج به اینکه دستتان را دراز نکنید به خارج چیزی بگیری نداشته باشید . مادامی که ما محتاجیم از دیگران چیز بگیریم مستقل نیستیم ، مادامی که ما زراعتمان به اندازه ای نشود که دستمان پیش دیگران دراز نباشد وابسته هستیم ، تا ما نتوانیم صنعت خودمان را برسانیم به آنجائی که دیگر محتاج به دیگران نباشیم وابسته ایم ، باید همه کوشش کنیم ، آنهائی که مخترع هستند ، آنهائی که متفکر هستند ، زارعین ، کارخانه دارها ، همه کوشش کنند که خودشان کار خودشان را انجام بدهند . من دعا می کنم انشاءالله موفق و مؤید باشید و می گویم سفارش هم کنند که همراهی کنند با شما و کمک کنند تا انشاءالله کارها را به خوبی انجام بدهید . موفق و مؤید باشید ، انشاءالله .

## بیانات امام خمینی در جمع فرماندهان سپاه پاسداران و مسؤولین دایره سیاسی - ایدئولوژیک ارتش جمهوری اسلامی

### یکی از چیزهایی که برای ساختن انسان مفید است، تلقین است

بسم الله الرحمن الرحيم

من اول باید از همه توده های ملت تشکر کنم که در این برهه از زمان اینطور که شایسته حکومت اسلامی است که تمام با هم پشتیبان هم باشند، بپاخاستند و همه قشرها به وظایف انسانی اسلامی خود عمل می کنند، و از تمام قوای مسلحه، چه ارتش و چه سپاه پاسداران و چه ژاندارمری و چه شهربانی و چه بسیج و همه تشکر کنم که در این موقع حساس همه آنها با هم مشغول فداکاری هستند و برای اسلام خدمتگزار هستند و من امید این را دارم که همه اینها از جنود اسلام و امام زمان سلام الله علیه باشند. بعضی از مسائل است که اهمیتش اینقدر زیاد است که باید آن مسائل را تکرار کرد. کتاب هائی که برای انسان سازی آمده است مثل قرآن کریم و کتاب هائی که در اخلاق نوشته می شود و مقصود ساختن یک انسان است و ساختن یک جامعه است، به حسب اهمیت، هر موضوعی در آنها تکرار شده است. تکرار در قرآن مجید زیاد است و بعضی ها خیال می کنند که این تکرار چرا؟ و حال اینکه لازم است یکی از چیزهائی که برای ساختن انسان مفید است تلقین است. انسان خودش هم اگر بخواهد ساخته بشود، باید آن مسائلی که مربوط به ساختن خودش است تلقین کند به خودش، تکرار کند. یک مطلبی که تأثیر در نفس انسان باید بکند، با تلقینات و تکرارها بیشتر در نفس انسان نقش پیدا می کند. نکته تکرار ادعیه و تکرار نماز در هر روز چندین دفعه و همیشه این است که انسان با گفتن و شنیدن، خود انسان قرائت می کند و می شنود این آیاتی که سازنده است مثل سوره مبارکه حمد که یک درس سازنده است، انسان باید اینها را تکرار کند و تلقین کند و نفس را حاضر کند برای شنیدن. انسان خودش که یک مطلبی می گوید، سامع یک دفعه می شنود و در قلبش هم وارد می شود لکن گوینده اول در قلبش نقش می بندد، بعد او را می گوید و بعد می شنود و بعد باز در قلبش وارد می شود. تلقین از اموری است که لازم است. اینکه من در بعضی از مسائل برای دوستان دایما یک مطلب را تلقین می کنم و اظهار کنم برای این است که مطلب مهم است، ساختن یک جامعه است، ساختن یک ملت است و تا ساخته نشود یک ملت و یک جامعه، نمی تواند به آن مقاصد عالیه ای که دارد برسد و لهذا مسائل مهم را باید تکرار بکنند، گویندگان تکرار بکنند و شنوندگان هم خودشان به خودشان تلقین بکنند تا انشاء الله تأثیر بکند در نفس.

گاهی وقت ها گوینده در عین حالی که خوب می گوید ، در عین حالی که خوب می نویسد ، کتاب توحید هم می نویسد ، کتاب اخلاق هم می نویسد لکن همان نوشتن است و گفتن است و عرضه داشتن است خودش از آن بی خبر است . بسیار مسائل است که گویندگان هر جا باید باشند گویند ، مسائل را طرح می کنند و خیلی هم خوب طرح می کنند و خیلی هم خوب عرضه می کنند و دعوت خوب می کنند و موعظه خوب می کنند لکن از باب اینکه خودشان ساخته نشده اند می گویند و خودشان بی خبرند . چه بسا اشخاصی که کتاب اخلاق می نویسند و بسیار هم خوب می نویسند و خودشان متصف به اخلاق حسنه نیستند و چه بسا اشخاصی که توحید را خوب تدریس می کنند و خوب القا می کنند و خودشان بی خبرند . گوینده اگر خودش بی خبر شد ، تاثیر در کلامش هم کم خواهد شد . گاهی یک انسانی در گفتار بسیار خوب است و بسیار جلیل صحبت می کند ، در نوشتن هم بسیار خوب چیز می نویسد و خوب القا می کند لکن خود نویسنده و خود گوینده و خود موعظه کننده را وقتی انسان می بیند ، می بیند عملش آنطور نیست . گر چه گفته شده است که : (انظر الی ما قال و لاینظر الی من قال ) نگاه کن به آن چیزی که گفته می شود ، نه به آن شخصی که آن چیز را می گوید ، و حکمت را باید اخذ کرد و لوازم یک مشرک ، لکن در عین حال که این مطلب صحیح است ، این مطلب هم باید مورد توجه واقع بشود که وقتی (مقال ) را ، آن چیزی که گفته می شود ، شنیدیم ، یک نظری هم به (من قال ) بکنیم ببینیم که خودش چکاره است .

دعوت به وحدت از اهم اموری است که امروز در جامعه ما لازم است و تاقشرهای این ملت وحدت نداشته باشند ، همفکر نباشند ، هم عقیده نباشند و باهم آن راهی که صراط مستقیم است اتخاذ نکنند با هم آن راه را ، به مقصد نخواهند رسید . شما دیدید که این ملت در یک برهه از زمان که با هم وحدت داشتند و مقاصد دیگری که داشتند کنار گذاشته بودند و یک مطلب را دنبال می کردند و آن مطلب اینکه رژیم باید برود ، آنوقت همه با هم این مطلب را دنبال می کردند و عمل هم می کردند ، همچو نبود که بگویند باید برود لکن عمل نکنند . من که ملت می گویم ، ملت همین جمعیت کوچه و بازار و خیابان هاست و همین جنوب شهری ها . آنها آنوقت مستهلک بودند ، در عین حالی که از رفتن رژیم متاثر بودند لکن جمعیت بوده که در مقابل این سیل خروشان ملت و آن دریای خروشان ملت چیزی نبودند و لهذا حرفی نمی زدند ، نمی توانستند اظهار کنند و شما دیدید که با آن وحدتی که ملت ما پیدا کرد و همه از یک راه می رفتند و یک مقصد داشتند ، همه قدرت هائی که دنبال این قدرت شیطانی شاه بود ، شکستند و شاه حتی از سربازهای خودش هم ، آنهایی که جز با ملت و جزء توده ها بودند ، منزوی شد و نتوانست بماند و رفت به جایی که باید برود این وحدت و توجه به خدا و الله اکبر بود که شما را بر آن قدرت ها پیروز کرد و تا امروز هم در قله پیروزی هستید . بنابراین من آن توصیه را که می کنم بر همه ملت اولاً" و بر قوای مسلح ثانياً این است که توجه بکنند که آن وحدت از دست نرود . و آن توجه به خدا ، توجه به قدرت مطلق از دست شما انشأ الله نرود . شما گمان نکنید که ما الان تمام مقاصد ما حاصل است و دیگر احتیاج به این مسائل نداریم و برویم سراغ زندگیمان ، یک زندگی

پست حیوانی . ما الان در بین راه هستیم و بحمدالله پیروزمندانه تا اینجا راه را طی کردیم و این ریشه های فاسدی که در ایران بود ، یکی بعد از دیگری از بین رفته و خواهد رفت و شما انشاء الله پیروزمندانه احکام اسلام را در این مملکت اجرا خواهید کرد ، لکن مسائلی که باید طرح بشود در یک جمعیتی که از ارتش و از افسرهای عزیز و از پاسداران و رؤسای پاسدار در اینجا مجتمعند ، مسائلی که اینجا باید گفته بشود ، یک قسم راجع به این است که خودشان را بسازند . گمان نکنند که حالا که ما آن قدرت بزرگ را از بین بردیم و رسیدیم به یک قدرت و پیروز شدیم بر آن قدرت ، حالا ما باید همانطوری که آن قدرت شیطانی در راه شیطان عرضه می شد و عمل می کرد ، خدای نخواستہ شماها و ما هم اینطور باشیم .

### **امروز همه اقشار ملت باید پاسدار اسلام باشند**

اشخاص بسیار با شماها دشمن هستند از باب اینکه شماهایی که پاسدار اسلام هستید و کسانی که در ارتش و ژاندارمری و همه جا ، دنبال این است که اسلام را تحقق بدهد در این محیط و در این مملکت و انشاء الله بعدها هم در جاهای دیگر ، ناچار شیاطین دشمن شما هستند و آن شیاطینی که دشمن شما هستند بیکار ننشسته اند ، دائما مشغول نقشه هستند . نقشه های نظامی آنقدرها تاثیر ندارد ، آن که تاثیر دارد نقشه هائی است که با آن نقشه ها شما را از باطن و از داخل پوسیده کنند و شما را پیش ملت ، از چشم ملت بیندازند و پشتیبانی ملت را از شما بردارند . نقشه این است که اولاً- "بین خود ارتش تا می توانند اختلاف ایجاد کنند ، تا می توانند بین سران ارتش ، اگر توانستند بین سران و پایین ترها ، تا آخر هر جا توانستند اختلاف ایجاد کنند و بین ارتش و سپاه پاسداران اختلاف ایجاد کنند ، هر یک را پیش چشم دیگری از چشم دیگری بیندازند ، این طایفه را بگویند که اینها تعهد به اسلام ندارند ، آن طایفه را بگویند که آنها اطلاعاتی ندارند ، سر خود هستند ، نظم ندارند ، تمام این مسائل برای اینکه شما را فقط از بین ببرند نیست ، اساس اسلام است ، آن چیزی که آنها فهمیده اند و امروز احساس کرده اند این است که اسلام است که آنها را عقب نشانده ، اسلام است که این قشرهای مختلف را با هم مجتمع کرده است ، اسلام است که قطره ها را به صورت یک سیل خروشان در آورده . آنها اساس مطلبشان این است که به اسلام صدمه وارد کنند و امروز همه ملت از نظامی و قوای مسلح گرفته تا بازاری و دانشگاهی و همه جا ، زارع و کارگر و کارمند و همه قشرهای ملت ، اینها امروز باید پاسدار اسلام باشند . اسلام عزیز امروز به ما سپرده شده است و شما باید این اسلام را نگه دارید و به نسل های آتیه بسپارید .

### **الان اسلام در دست ماست و اگر آسیب ببیند همه ما مسوول هستیم**

اگر امروز اسلام خدای نخواستہ لطمه ببیند ، آسیب ببیند ، این گناہش به گردن همه ماست ، یک قشر خاصی مسوول نیستند . (کلکم راع و کلکم مسوول) همه مسوول هستید ، همه ملت مسوول هستند



همه ملت باید مراعات بکنند آن احکام اسلام را . اسلام حق دارد به همه ما و به همه انسان ها . الان اسلام در دست ماست و ما پاسدار او هستیم و اگر آسیب ببیند همه ما مسوول هستیم ، در بارگاه خدا همه مسوول هستیم . اگر خدای نخواستہ در بین پاسداران یک اختلافی باشد یا یک کارهائی در بین آنها واقع بشود که بر خلاف مصلحت اسلام است ، بر خلاف مصلحت ملت است ، بر خلاف مصلحت کشور اسلامی است ، این مسوولیت دارد . گمان نکنید که خوب من یک نفرم و یک عمل می کنم این چه ربط دارد به دیگران ، امروز اینطور نیست ، قبلاً" هم اینطور نبوده . عمل یک شخص در یک جامعه اثر دارد ، جامعه عبارت از این اشخاصند ، یک چیز دیگری نیست . عمل هر یک از شما تاثیر دارد ، وقتی شما یک عمل زشتی کردید ، دیگران هم که می بینند در آنها تاثیر می کند ، وقتی شما یک عمل صالحی انجام دادید ، دیگران هم وقتی که می بینند در آنها تاثیر می کند ، اگر خدای نخواستہ شما یک کاری بکنید که برای اسلام ضرر داشته باشد ، یک ظلمی بکنید ، یک خلافی بکنید شماها مسوول هستید و همه ملت مسوول هستند . همه باید جلوگیری کنند . همه رعیت هستند ، همه راعی هستند و همه مسوول . مبدا اینطور بشود که اسلحه را از ظالم گرفتید و خودتان ظلم کنید . رژیم سابق برای کارهایش شد آن رژیم منفور و ملعون ، برای خرابکاری شد او ، نه برای شخص که شخصش کی بود و پسر کی ، عمل اسباب این شد که مردم را از او منحرف کرد و با انحراف مردم نتوانست دوام بیاورد .

### **منافی شما را دعوت به اسلام حقیقی می کند و خودش آن را نمی خواهد**

اینطور نباشد که ما بگوئیم و نکنیم ، اینطور نباشد که ما دعوت به اتحاد بکنیم و عملمان برخلاف باشد ، اینطور نباشد که ما در روزنامه هایمان دعوت به اتحاد بکنیم و عملمان غیر از او باشد معنی منافی همین است که چیزی را می گوید و خودش عمل نمی کند ، شما را دعوت به خیر و صلاح می کند و خودش خیر و صلاح ندارد ، شما را دعوت به اسلام حقیقی می کند و خودش آن را نمی خواهد ، شما را دعوت به اتحاد می کند و خودش دنبال این نیست که اتحاد را ایجاد کند ، شما را از نفاق پرهیز می دهد و خودش آنطور نیست . ما باید با توجه به خدای تبارک و تعالی قشرهای خودمان را با هم فشرده کنیم . شما آقایان افسران که انشاء الله موفق باشید ، توجه داشته باشید ، توجه داشته باشید که ارتش سابق که مورد آنهمه طعن و لعن مردم بود ، برای کارهائی بود که کرده بود و برای خلاف هائی بود که تحمیل به او شده بود و بعد از آنکه آن قشرهای فاسد آن از بین رفت و آن قشرهائی که فاسد نداشتند ملحق به ملت شده اند ، می بینید که پیش ملت چه ارزشی شما دارید . آن روز وقتی که شما تنها یا جمعا از بین مردم عبور می کردید ، مردم اگر به شما هم نگاه می کردند از ترس بود و الا قلب های آنها با شما نبود و به شما پشت کرده بودند . امروز دل های ملت همه با شماست ، دل ملت با قوای مسلحه است . شما از ملت هستید ، جدا نیستید ، اگر حساب خودتان را همانطوری که در سابق بود از ملت جدا بکنید ، ملت به شما پشت خواهد کرد و برای شما دوام نخواهد بود . همه قوای مسلحه اینطور هستند ، همه ارگان های دولتی اینطور هستند . اگر یک دولتی ، یک قوای مسلحه ای ، یک کارمندی بخواهد به مردم تحمیل

بکند ، این از اسلام نیست ، قوای مسلحه در خدمت ملت هستند نه تحمیل به ملت ، نه زور گویی به ملت . دولت و اتباع دولت خدمتگزار به ملت هستند نه آقای ملت ، خدمتگزارند اینها . اگر بخواهید بر همه قدرت ها مسلط بشوید و نتواند هیچ قدرتی شما را برگرداند به آن حال اول ، که حال ذلت ، حال مسکنت ، حال غارت زدگی بود ، باید همه با هم باشید ، خیال نکنید پاسدارها علیحده هستند و ژاندارمری علیحده و ارتش علیحده و هر کدام یک بساط علیحده . همه خودتان را برادر بدانید و همه مقصدتان یکی است ، مقصدتان این است که اسلام را انشأ الله تقویت کنید و اسلام را پیاده کنید ، آن چیزی که سعادت همه ملت ها بر پیروی از اوست ، همه زیر پرچم توحید هستید ، زیر پرچم اسلام هستید ، و با این وضع که زیر پرچم اسلام هستید ، آسیب پذیر نخواهید بود . و من اینکه مکرر این مطلب را عرض می کنم برای اهمیت مطلب است که باید هی تلقین کنیم ما به هم . هر کس موعظه می کند همین را بگوید ، هر کس سخنرانی می کند همین مطلب را بگوید ، خیال نکنند این را گفته اند ، باید همیشه گفت ، باید همیشه به گوش مردم و به گوش ملت و به گوش همه ارگان های دولتی می خواند به اینکه آقا فراموش نکنید وحدت را ، هی نگوئید وحدت و دنبالش نباشید ، عملاً" با هم وحدت داشته باشید شما برادرهای هم هستید . خدای تبارک و تعالی در قرآن کریم شما را به عنوان برادری شناخته است . اگر چنانچه خدای نخواستہ اختلافات سر هواهای نفسانیہ در کار باشد ، به قوت ایمانی از بین می رود و آن کسی که اختلاف ایجاد می کند از فرقه اسلام خارج می شود به حسب واقع ، ولو در صورت هم بین مسلمین باشد . من از خدای تبارک و تعالی خواستار هستم که همه شما را و همه ملت ما را و همه قوای مسلح را با هم منسجم کند که همه آنها قدرت واحده باشند در مقابل ابر قدرت ها .

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ

تاریخ : 23/9/59

## تلگرام امام خمینی به آیت الله العظمی گلپایگانی

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آیت الله آقای گلپایگانی دامت برکاته

مصیبت وارده را به جنابعالی و فامیل محترم تسلیت ، سلامت وجود محترم را از خداوند تعالی خواستار است .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 204

## بیانات امام خمینی در جمع معلولین و پاسداران انقلاب اسلامی شهرستان تبریز

### شما زبان گویای اسلام و افتخار هستید

بسم الله الرحمن الرحيم

من نمی دانم از کجا شروع کنم و نمی دانم با مواجهه با اشخاصی که در راه اسلام، در راه خدای تبارک و تعالی معلول شده اند و در اینجا حاضرند و چهره هایی که عازم به سفر برای دفاع از اسلام هستند، چطور ستایش کنم. من از شما جوان ها، از شما که در راه اسلام و در راه ایمان خودتان رنج دیدید و معلول شده اید و شما جوان ها که عازم به جبهه هستید، چطور تشکر کنم. من وقتی این صحنه های تأسف آور و افتخار آمیز را می بینم عاجزم از اینکه در مقابل آنها مطلبی بگویم. شما خودتان زبان گویای افتخار هستید، زبان گویای اسلام هستید. شماها افتخار برای این ملت آفریدید و شماها بودید که دست قدرت های بزرگ را، چپاولگر را، معاند با اسلام را، طاغوت را از این مملکت کوتاه کردید و شما هستید که برای اسلام باز کوشش می کنید و جانفشانی می کنید و هیچ چیز در مقابل این خدمت ها جز خدای تبارک و تعالی، نمی تواند به شما اجری بدهد. زحمت های شما را خدای تبارک و تعالی اجر خواهد داد. شما اگر چنانچه معلول هستید که خداوند شفا بدهد همه شما را و برای خدمت به اسلام معلول شده اید و شمایی که عازم جبهه ها هستید، برای خدمت به اسلام هستید، اسلام برای شما بسیار ارج قائل است و تشکر از شما می کند و همه ملت از شما متشکر هستند. الان می بینید که سراسر کشور ما در حال جهاد هستند، هر کدام به یک قسمی. شما جهاد خودتان را کردید و خداوند به شما اجر بدهد و شما هم برای جهاد می روید و خداوند به شما پیروزی بدهد و ملت هم پشتیبان شما هست، آنها هم در حال جهاد می روید و خداوند به شما پیروزی بدهد و ملت هم پشتیبان شما هست، آنها هم در حال جهاد هستند، زن و مردشان، کوچک و بزرگشان، لکن آنچه که هست این است که ما هر چه داریم از خدای تبارک و تعالی داریم و باید این امانت را به او بسپریم. شما موفق شدید که در جبهه ها رفتید و در میدان ها رفتید و معلول شدید، موفق شدید و شما هم انشاء الله موفق خواهید شد به پیروزی. من باید از همه شما و از همه ملت ایران که اینطور برای کشور خودشان، برای اسلام عزیز و برای نجات مستضعفین کوشا هستند، تشکر صمیمانه کنم. خداوند همه شما را به عنایت خودش غریق رحمت های واسعه خودش و غریق تشکرهایی که دنبال او همه برکات هست، بفرماید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## بیانات امام خمینی در جمع اعضای دفتر تحکیم وحدت حوزه - دانشگاه

### علم و تعهد به منزله دوبرال برای رسیدن به مراتب ترقی و تعالی هستند

بسم الله الرحمن الرحيم

چه مجلس شورانگیزی است و چه اجتماع مبارکی، یک روز بود که دانشگاه و حوزه های علمیه نه آنکه از هم جدا بودند، جوی بوجود آورده بودند که با هم شاید دشمن بودند، نه دانشگاهی تحمل روحانی را داشت و نه روحانی تحمل دانشگاهی. اساس هم این بود که این دو قشری که با اتحادشان تمام ملت متحد می شوند، از هم جدا نگه دارند و باهم مخالفشان کنند تا ملت اتحاد پیدا نکند. بحمدالله در این نهضت اسلامی، این انقلاب اسلامی، این تحول بزرگ حاصل شد که هیچ یک از این دو طایفه خودشان را از دیگری انشاء الله جدا نمی دانند. آن وحشی که دانشگاهی ها از معمم داشتند و آن وحشی که معممین از دانشگاهی ها داشته اند، به اذن خدای تبارک و تعالی مرتفع شد و حالا شما برادران دانشگاهی و برادران روحانی در کنار هم برای رفع مشکلات و برای به پیروزی رساندن انقلاب مجتمع هستید.

دانشگاه و حوزه های علمیه روحانیون می توانند دو مرکز باشند برای تمام ترقیات و تمام پیشرفت های کشور و می توانند دو مرکز باشند برای تمام انحرافات و تمام انحطاطات. از دانشگاه هست که اشخاص متفکر متعهد بیرون می آید. اگر دانشگاه، دانشگاه باشد، اگر دانشگاه واقعا دانشگاه باشد و دانشگاه اسلامی باشد یعنی در کنار تحصیلات متحقق در آنجا تهذیب هم باید، تعهد هم باشد، یک کشوری را اینها می توانند به سعادت برسانند. و اگر حوزه های علمیه مهذب باشند و متعهد باشند، یک کشور را می توانند نجات بدهند. علم تنها اگر ضرر نداشته باشد، فایده ندارد. تمام این، وقتی ما به یک نظر وسیعی به همه دنیا و به همه دانشگاهانی که در دنیا هست بیندازیم، تمام این مصیبت ها که برای بشر پیش آمده است ریشه اش از دانشگاه بوده، ریشه اش از این تخصص های دانشگاهی بوده. اینهمه ابزار فنای انسان و اینهمه پیشرفت هایی که به خیال خودشان در ابزار جنگی دارند، اساسش از دانشمندانی بوده که از دانشگاه بیرون آمده اند. دانشگاهی که در کنار او اخلاق نبوده است، در کنار او تهذیب نبوده است و تمام فسادهایی که در یک ملتی یا ملت پیدا شده از حوزه های علمیه ای بوده که متعهد به دستورات اسلامی نبوده اند. تمام این ادیانی که ساخته شده است از دانشمندان و علما سرچشمه گرفته است؛ علمی که پهلوی او اخلاق و تعهد اسلامی نبوده است، تهذیب نبوده است. دنیا را

دانشگاه به فساد کشانده است و دنیا را دانشگاه می تواند به صلاح بکشد. دانشگاه سرتاسر جهان اگر چنانچه موازین انسانی را، اخلاق انسانی را، آنچه که در فطرت انسان است، در کنار تعلیم و تعلم قرار بدهند، یک عالم، عالم نور می شود. و اگر چنانچه تخصص ها و علم ها منفصل باشد از اخلاق، منفصل باشد از تهذیب، منفصل باشد از انسان آگاه، انسان متعهد، اینهمه مصیبت هائی که در دنیا پیدا شده است از همان متفکرین و متخصصین دانشگاه ها بوده. این دو مرکز که مرکز علم است هم می تواند مرکز تمام گرفتاری های بشر باشد و هم می تواند مرکز تمام ترقیات معنوی و مادی بشر باشد. علم و عمل، عمل و تعهد به منزله دو بال هستند که با هم می توانند به مراتب ترقی و تعالی برسند.

### **دانشگاه در سراسر دنیا در خدمت ابر قدرت ها هستند و ما می خواهیم نباشند**

شما 50 سال دیدید که در این حکومت جائر دانشگاه بود، اساتید دانشگاه بودند و کشور ما را همان اساتید دانشگاه و همان دانشگاه ها کشاندند به دامن ابر قدرت ها. این فاجعه بوده است برای این ملت که ابزار علمش دست کسانی باشد که متعهد نیستند و به فکر کشور خودشان نیستند. این فاجعه است که ابزار علم در دست اشخاصی باشد که متعهد نیستند و اخلاق اسلامی ندارند. فرق، بین دانشگاه و حوزه های علمیه نیست در اینکه اگر همراه با علم، تعهد باشد، تزکیه باشد، با این دو بال علم و اخلاق و عمل مملکت خودشان را، کشور خودشان را نجات می دهند و از حلقوم آنهایی که می خواهند همه چیز ما را ببرند نجات می دهند و اگر علم تنها باشد، فقط در دانشگاه ها تحصیل علم باشد، در مدارس تحصیل علم باشد، این علم انسان را به فنا می کشد منشأ همه گرفتاریهای یک کشور از دانشگاه و حوزه های علمی و منشأ همه سعادت ها، مادی و معنوی. از دانشگاه است و حوزه های علمی. اینکه نقشه های بزرگ برای نفوذ کردن در دانشگاه ها و تربیت کردن جوان ما را به یک تربیت هائی که بر خلاف مصالح کشورشان است، این برای این است که اگر دانشگاه فاسد بشود، یک کشور فاسد می شود. اگر دانشگاه فقط نظرش به این باشد که تحصیل علم بکند، ما فرض این را می گیریم که خیر، خوب هم تحصیل می کرد (در صورتی که اینطور نبود)، اگر ما فرض بکنیم که در دانشگاه تمام علوم و فنون به وجه اعلا پیاده می شود و به جوان های ما تعلیم می شود، لکن در پهلوی او تبلیغاتی است که همین علم را آلت قرار می دهند از برای انحطاط یک کشور. اینهایی که از دانشگاه ها بیرون آمده بودند و به مقام های وزارت و کذا رسیده بودند و به مقامات دیگر، همین ها بودند که ما را به دامن شرق و غرب کشاندند و ما را وابسته کردند به آنها. ما که می گوئیم که باید دانشگاه و فرهنگ اصلاح بشود، ما نمی خواهیم که دانشگاه نباشد، ما می خواهیم دانشگاهی باشد که برای ملت باشد، برای خودمان باشد. دانشگاهی که در خدمت آمریکا باشد، نبوده بهتر است. اینقدر اشخاص از تعطیل دانشگاه ناراحتند، دانشگاهی که به حسب آنچه که به من یکی از مطلعین گفت همین چند روز پیش از این، دانشگاهی که اتاق جنگ بوده برای کردستان یعنی در دانشگاه اتافی بوده است که جنگ کردستان را، جنگ دموکرات را و سایر اشرار را اینها اداره می کرده اند، شماها یک همچو دانشگاهی

شما که فریادتان بلند شده است که چرا دانشگاه تعطیل است، می خواهید یک همچو دانشگاهی باز بشود؟ اتاق جنگ باز بشود برای هدایت دموکرات و امثال این که ایران را به باد فنا بدهند این دانشگاه را شما می خواهید؟ تاسفتان برای این دانشگاه است آیا این دانشگاه اگر بسته باشد بهتر نیست که باز باشد؟ البته باید برای این اشخاصی که مامورند که انقلاب فرهنگی دانشگاه را درست بکنند تعجیل بکنند که در اول مرتبه، فرصت عمل حاصل شده باشد و دانشگاه، دانشگاه اسلامی و دانشگاه برای خود ملت باشد. والا همین ما در دانشگاه را باز کنیم و هر که می رود برود، شما مگر ندیده اید که آنوقت که دانشگاه باز بود چه فسادهایی بود، دانشگاه سنگر بود از برای کمونیست ها و اتاق جنگ بود برای کمونیست ها و شما تأسف می خورید که این دانشگاه نیست؟ می فهمید چه می گوئید؟ از روی فهم می گوئید؟ اگر از روی فهم می گوئید، باید تکلیفتان معین بشود و اگر از روی نادانی می گوئید، چطور شما این دانشگاهی را که در چندین ماه پیش، در یک سال، چقدر پیش، مرکز همه فسادها قرارش داده بودند و در چنگال کمونیست ها و چریک ها و سایر ارگان های منافق بود حالا می خواهید باز بشود، می خواهید باز آنها بیایند؟ تأسف شما بر این است که چرا منافقین نباشند در دانشگاه تأسف شما بر این است که چرا اسلام باید باشد در دانشگاه دانشگاهی که مرکز یک همچو کارهایی باشد، این دانش هم حتی ندارد، برای اینکه تحصیل و دانش وقت می خواهد، وقت آرام می خواهد، محیط آرام می خواهد، محیطی که هر روز به جان هم بیفتند و به هم بکوبند هم را، این محیط نمی تواند محیط حتی علم باشد. شمایی که دانشگاه را می خواهید با همان وضعیت باز بشود، شما می خواهید ما را به همان وابستگی هایی که داشتیم ما را برسانید و ما بر گردانید به حال وابستگی. نه دانشگاهی دیگر حاضر است به این کار و نه ملت حاضر است. شماها که اینقدر دلسوزی برای دانشگاه می کنید و تعطیل، خوب بیاید وارد بشوید در کار، دانشگاه را یک دانشگاه اسلامی اش کنید، کمک کنید، نه اینکه بنشینید بنویسید که چرا دانشگاه تعطیل است آن دانشگاه را شما می خواهید؟ دانشگاه زمان رضاخان و زمان محمدرضا را می خواهید شما؟ می خواهید از دانشگاه امثال شریف امامی بیرون بیاید؟ اصلاح کنید خودتان را آقا، توجه شما ندارید به مسائل، خدا نکند که توجه داشته باشید، لکن حمل به صحت این است که توجه شما ندارید به مسائل، شم سیاسی شماها ندارید. دانشگاه در سرتاسر دنیا در خدمت ابر قدرت ها هستند و بوده اند و ما می خواهیم نباشد این. در دانشگاه های ما هم اصلاً "علمش هم اینقدرها نبود، یک عده ای، البته هم متعهد بودند و هم چه، اما در اقلیت واقع شده بودند که مشت محکم کمونیست ها نمی گذاشت اینها کاری انجام بدهند. حالا هم اگر دانشگاه باز بشود، اساتید متعهد داشته باشیم، نمی گذارند اینها که دانشگاه، دانشگاه باشد، حتی دانشگاه، دانشش هم در آن نبود، اگر دانش در آن بود، چرا الان بعد از اینهمه سال و میلیاردها خرج و بودجه این ملت صرف شد و حالا وقتی که می خواهند یک مریضی را که یک قدری مرض آن مشکل است معالجه کنیم، می گوئید باید برود به خارج؟ این وابستگی نیست؟ شما یک همچو

دانشگاهی

می خواهید که بعد از پنجاه سال مریضش باید برود در انگلستان خودش را معالجه کند؟ اگر دانشگاه به همان حال باشد، هر روزی که بر دانشگاه بگذرد بر فساد این مملکت اضافه می شود، ما را خواهی نخواهی دانشگاه می کشد به دامن آمریکا یا شوروی. این نمی شود غیر از این، برای اینکه اساس از دانشگاه شروع می شود، مردم بازار نمی توانند ما را بکشند به دامن شوروی یا آمریکا، مردمی که دهقان هستند نمی توانند ما را بکشند به دامن این و آن، مردمی که در کارخانه ها هستند نمی توانند این کار را بکنند معممین هم نمی توانند این کار را بکنند ولو اینکه در آنها آدم فاسد باشد. آن که می تواند ما را وابسته کند و در دامن آمریکا یا شوروی بکشد، دانشگاه است برای اینکه همه چیز ما در دانشگاه است. همت کنید با هم دانشگاه را اصلاح کنید. هی ننویسید که چر دانشگاه باز نمی شود. آن دانشگاه نباید باز بشود. دانشگاهی که امثال شریف امامی را تربیت می کند نباید هم باز بشود. دانشگاه باید علم و تخصص را به آن مرتبه عالی برساند و تعهد و اخلاق و اسلامیت را هم به آن مرتبه عالی. باید مهذب بشود، هم دانشگاه هم حوزه های علمیه.

### **این دو مرکز (فیضیه و دانشگاه) باید با هم باشند و علم و عمل را به منزله دو بال بدانند**

باید از حوزه های علمیه یک عالمی به تمام معنا متعهد بیرون بیاید و مرکز ساخت انسان باشد و دانشگاه هم مرکز ساخت انسان. ما انسان دانشگاهی می خواهیم، نه معلم و دانشجو. دانشگاه باید انسان ایجاد کند و انسان بیرون بدهد از خودش، اگر انسان بیرون داد از خودش، انسان حاضر نمی شود که کشور خودش را تسلیم کند به غیر، انسان حاضر نمی شود که تحت ذلت برود و اسارت، آنها هم از انسان می ترسند. سابق رضاخان از مدرس می ترسید برای اینکه انسان بود. آنوقت هم مدرس از قراری که از او نقل کرده اند گفته بود که: (در مجلس ما یک مسلمان هست، آن هم ارباب کیخسرو). رضاخان رقیب خودش را مدرس می دانست، به دیگران اعتنایی نداشت. رقیب خودش را مدرس می دانست که وقتی که می ایستاد و صحبت می کرد، متزلزل می کرد همه را. یک انسان بود، وضع زندگیش آن بود که شما شنیدید که من دیدم. وقتی که وکیل شد یعنی از اول به عنوان فقیهی که باید در مجلس باشد تعیین شد، آنطور که نقل کرده اند یک گاری با یکی اسبی در اصفهان خریده بود و سوار شده بود و خودش آورده بود تا تهران، آنجا آن را هم فروخته بود و منزلش یک منزل محقر از حیث ساختمان، یک قدری بزرگ بود ولی محقر از حیث ساختمان و زندگی یک زندگی مادون عادی که در آنوقت لباس کرباس ایشان زیانزد بود، کرباسی که باید از خود ایران باشد می پوشید. این وطنخواه ها کدام لباسشان مال ایران است؟ باید همه اشخاصی که علاقه دارند به این کشور، علاقه دارند به اسلام، علاقه دارند به این ملت توانشان را روی هم بگذارند برای اصلاح دانشگاه، خطر دانشگاه از بمب خوشه ای بالاتر است، چنانچه خطر حوزه های علمیه هم از خطر دانشگاه بالاتر است. باید تهذیب بشوند اینها، باید اشخاص متعهد چه در حوزه های علمیه و چه در دانشگاه کمر خودشان را

محکم



بیندند برای اصلاح . حالا شما آقایان یک قدم را برداشتید و این قدم پربرکتی است و او اینکه آن دیوار بزرگی که بین شما کشیده بودند آن سد عظیمی را که ما بین به اصطلاح فیضیه و دانشگاه کشیده بودند ، آن سد را شما شکستید . این قدم اول است که شما برداشتید و قدم های بعد کوشش در اینکه از همه جهات مستقل باشید و وابسته نباشید . من این عرضی را که می کنم ، خوب دیگر نمی توانم بعد بینم شما را که به آن مرتبه رسیده اید ، من دیگر اواخر کار است برای من اما من می گویم که دیگران و نسل های آتیه ای که انشاء الله می آیند متوجه باشند که این دو مرکز باید با هم باشند و این دو مرکز باید علم و عمل ، علم و تهذیب را به منزله دو بالی بدانند که با یکی از آنها نمی شود پرید ، قدم های بعد تهذیب است . مهم این است که دانشگاه یک کسی که از آن بیرون بیاید بفهمد که من با بودجه این مملکت تحصیل کرده ام ، متخصص شده ام ، به مقامات عالیه علم رسیده ام و باید برای این مملکت خدمت بکنم و برای استقلال این کشور باید خدمتگزار باشم . باید این اساتید دانشگاه آن چیزهایی که در سال های طولانی و خصوصا در این تقریبا 50 سال آخر در مغز این جوان ها انباشته کرده اند و به آنها همچو باورانده بودند که ما خودمان چیزی نیستیم و باید همه چیزمان از آنجا باشد ، که این موجب این شد که مغزهای اینها به کار نیفتاد برای اینکه خودشان یک چیزی را ایجاد کنند ، باید آنهایی که به این کشور علاقه دارند ، آنهایی که به این ملت علاقه دارند ، آنهایی که خودشان وابسته نیستند و خدمتگزار ابرقدرت ها نیستند ، آنها همت کنند به اینکه دانشگاه را یک مرکزی درست کنند که مرکز علم و تهذیب باشد ، که همه تخصص ها در خدمت خود کشور باشد نه اینکه متخصص بشود و با آن تخصصش ما را به دامن آمریکا بکشد ، متخصص بشود و با آن تخصصش به کشور ما ضربه وارد کند ، هر چه متخصص تر بدتر . آن کسی که مهذب نشده است و آن کسی که برای کشور خودش احساس نکرده که من برای این کشور هستم و از این کشور من استفاده کرده ام و استفاده علمی ام را باید به این کشور تحویل بدهم ، اگر چنانچه این احساس نباشد و این باور نباشد ، دانشگاه بدترین مرکزی است برای اینکه ما را به تباهی بکشد و اگر این احساس پیدا شد و این اساتید دانشگاه ، آنهایی که متعهدند ، آنهایی که توجه دارند ، آنهایی که در زمان سابق برای این مملکت غصه می خوردند باید خودشان را مجهز کنند که این فرزندان ایران ، متعهد و در خدمت خود ایران باشند . اگر اینطور بشود ، دانشگاه بالاترین مقامی است که کشور ما را به سعادت می رساند . دانشگاه دو راه دارد: راه جهنم و راه سعادت ، راه ذلت و مسکنت و نوکر مایی و امثال اینها و راه عظمت و عزت و بزرگ منشی . دانشگاه ، همین دانشگاه را تا دانشگاه ما داریم فایده ندارد ، ما دانشگاه 50 سال است داریم و از دانشگاه هر چه فساد توی این مملکت پیدا شد از این اشخاصی بود که در دانشگاه تحصیل کرده بودند ، تخصص هم شاید داشتند . آن احمدی زمان رضاخان که بسیاری از رجال این مملکت را او با آمپولش کشت ، آن هم از دانشگاه ها ، تخصص هم داشت ولی تخصص را به این راه که آنهایی را که امر می شد به او که باید کشته بشوند ، با یک آمپول می زد و می کشت . شما یک همچو دانشگاهی می خواهید و یک همچو اساتیدی و یک همچو تخصصی از آن طرف هم دانشگاه ، از آن اشخاص شریف بیرون می آید و ما می خواهیم همه شان شریف باشند . و

فیضیه، اگر تهذیب در کار نباشد، علم توحید هم به درد نمی خورد. (العلم هو الحجاب الاکبر) هر چه انباشته تر بشود علم، حتی توحید که بالاترین علم است انباشته بشود در مغز انسان و قلب انسان، انسان را اگر مهذب نباشد، از خدای تبارک و تعالی دورتر می کند. باید کوشش بشود در این حوزه علمیه، چه حال و چه بعدها کوشش بشود که اینها را مهذب کنند. در کنار علم فقه و فلسفه و امثال اینها، حوزه های اخلاقی، حوزه های تهذیب باشد و حوزه های سلوک (الی الله تعالی). شما میدانید که مرحوم شیخ فضل الله نوری را کی محاکمه کرد؟ یک معمم زنجانی، یک ملای زنجانی محاکمه کرد و حکم قتل را او صادر کرد. وقتی معمم ملا، مهذب نباشد، فسادش از همه کس بیشتر است. در بعضی روایات هست که در جهنم، بعضی ها، اهل جهنم از تعفن بعضی روحانین در عذاب هستند و دنیا هم از تعفن بعضی از اینها در عذاب است. تا اصلاح نکنید نفوس خودتان را، از خودتان شروع نکنید و خودتان را تهذیب نکنید، شما نمی توانید دیگران را تهذیب کنید. آدمی که خودش آدم صحیحی نیست نمی تواند دیگران را تصحیح کند، هر چه هم بگوید فایده ندارد. کوشش کنند علمائی که الان در حوزه ها هستند، در هر حوزه ای از حوزه های اسلامی که این جوان ها که با یک فطرت سالم می آیند، بعد از ده، بیست سال با یک فطرت فاسد بیرون نروند. تهذیب لازم است، هم در شما و هم در شما، البته همه، همه ملت و همه انسان ها باید مهذب بشوند، لکن تاجر اگر مهذب نشد، کارش یک کار گرانفروشی و نمی دانم اینهاست که وقتی همه اش را روی هم بگذارند فسادش زیاد است اما یک نفر اینقدرها فساد ندارد، اما عالم اگر فاسد بشود یک شهر را، یک مملکت را به فساد می کشد، چه عالم دانشگاه باشد و چه عالم فیضیه فرقی نمی کند. انشاء الله خداوند تبارک و تعالی این قدمی را که شما عزیزان برداشتید و آن وحدت بین شما و دانشگاه و شما و روحانیون، این قدم را مبارک کند و توجه به این داشته باشید که حالا که شما نزدیک به هم دارید می شوید نقشه هائی که برای جدا کردن شما از هم است بیشتر به کار می افتد.

### **حالا شیاطین بیشتر در فکر هستند که روحانی را از یک طرف بکوبند و دانشگاهی را از یک طرف**

آنوقت جدا کرده بودند شما را از هم، یک دیواری کشیده بودند، شما آنطرف و آنها هم آن طرف، هر دو هم به هم بدبین و آنها هم استفاده اش را می کردند. حالا که می بینند که یک تحولی پیدا شده است، دانشگاهی متمایل شده است به روحانی، روحانی متمایل شده است به دانشگاهی، با هم هستند و می خواهند با هم کشور خودشان را به پیش ببرند، حالا شیاطین بیشتر در فکر هستند که روحانی را از یک طرف بکوبند و دانشگاهی را از یک طرف و فساد کنند بین این دو تا، به آنها بگویند که اینها چطورند، به اینها بگویند آنها چطورند. چشم هایتان را باید خیلی باز کنید در این زمان چشم و گوش ها باید خیلی باز باشد که یک وقت می بینید از داخل خود دانشگاه و از داخل خود فیضیه شما را به فساد می کشانند، شما را به تفرقه می کشانند. اینها نمی توانند ببینند، اینهایی که نمی خواهند این

کشور یک کشور صحیح و سالم باشد و ارباب های آنها که از اول هم نمی خواستند می توانند ببینند که شما با هم مجتمع شده اید و می خواهید با هم کار کنید . آنها عواقب این امر را برای خودشان می دانند که اگر حقیقتاً دانشگاهی و حوزه های علمی و همه دانشگاه ها در هر جا که هستند اینها با هم بشوند و با هم نقشه داشته باشند برای پیروز کردن انقلاب ، این برای آنها چه عواقبی دارد . آنها این مطالب را مطالعه کرده اند ، می فهمند و در صدد این هستند که نگذارند شماها با هم باشید . چشم و گوشتان را ، چه دانشگاهی ها و چه طلاب علوم روحانی چشم و گوشتان را باز کنید و هر که به شما یک مطلبی بود گفت که در آن مسیر باشد ، توجه کنید که این یک غرضی در آن هست . هر وقت آمدند گفتند روحانی چه جوری است و هر وقت آمدند گفتند دانشگاهی چه جوری است ، بدانید که این کاری که شما کردید ، برای آنها سنگین دارد تمام می شود و باید انشأ اللّٰه به پیش بروید و اشخاصی هم که هر کس در هر جا هست و می تواند خدمت بکند به این اجتماع و خدمت بکند به این دانشگاه و خدمت بکند به این فیضیه ، باید خدمت بکند که آنها را ، هم مهذب کند و هم عالم ، متخصص و هم متحد . من امیدوارم به اینکه شماها این قدم را برداشتید ، این قدم ها یک قدم های بلندتری در دنبال داشته باشد و با فضل خدای تبارک و تعالی شما این مملکت خودتان را نجات بدهید از این انگل هائی که حالا دارند فساد می کنند و از انگل هائی که بعدها هم خواهند آمد .

والسلام علیکم ورحمة اللّٰه وبرکاته

## بیانات امام خمینی در جمع اعضای خانواده های شهدای اصفهان

### سعادت را آنها بردند که آن چیزی را که خدا به آنها داده بود تقدیم کردند

بسم الله الرحمن الرحيم

ما هر روز مواجهم با صحنه هائی که در عین حال که دلخراش است غرور آفرین است . دیروز جمع کثیری از معلولین آمدند و امروز هم معلولین از اصفهان آمده اند با عکس های زیادی که از شهدا آورده اند . من این تحول عظیمی که در ایران پیدا شده است که در عین حالی که پدرها با عکس جوان خودشان آمده اند و مادرها چند نفر از فرزندانشان را از دست داده اند ، لکن روحیه آنها روحیه بسیار بلندی است و این تحول مبارک است بر ملت ایران . من در این مجمعی که این جوانان را و این عکس جوانان را می بینم باید تأثرات خودم را به بازماندگان اینها تسلیت خودم را به پدرها و مادرهای اینها تقدیم کنم و برای آنها هم طلب مغفرت . خداوند به شماها اجر عنایت کند و صبر عنایت کند و آن جوان های غرور آفرین ما را به رحمت و اسعه خود غریق کند . این مسائل در طول تاریخ بوده است ، در صدر اسلام اینطور مصائب برای اولیاء خدا و برای مسلمین صدر اسلام بسیار بوده است و شاید از آنوقت تاکنون اینطور وضعیتی که در ایران هست و این تحولی که برای ملت ما از زن و مرد ، بزرگ و کوچک حاصل شده است ، سابقه نداشته باشد . خداوند تبارک و تعالی به ما هر چه داریم ، داده است و ما هر چه داریم از اوست و باید تقدیم او کنیم . سعادت را آنها بردند که آن چیزی را که خدا به آنها داده بود تقدیم کردند و ما عقب مانده آنها هستیم . من به شما همه برادران و عزیزان که فرزندان خودتان را از دست داده تسلیت و تبریک عرض می کنم . تبریک برای اینکه شما خانواده هائی بودید که در دامن شما این جوان های برومند تربیت شده اند که فداکاری کردند برای اسلام . اسلام به ما حق بزرگ دارد ، حق حیات دارد و ما هر چه در راه اسلام بدهیم آن حقی که اسلام به ما دارد ادا نکردیم . من خدای تبارک و تعالی سلامت و سعادت همه شما را و رحمت برای این جوان هائی که فداکاری کرده اند ، طلب می کنم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## تلگرام تسلیت امام خمینی به حجت الاسلام سید محمد علی انگجی

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت حجت الاسلام آقای حاج سید محمد علی انگجی دامت افاضاته خبر ضایعه رحلت حضرت حجت الاسلام و المسلمین آقای انگجی رحمة الله علیه موجب تأثر گردید . ضایعه بزرگ وارد بر مسلمین را به جنابعالی و خانواده محترم ایشان و حضرات حجج اسلام و اهالی محترم آذربایجان تسلیت عرض و از خداوند تعالی رحمت برای ایشان و عظمت برای اسلام و مسلمین و اهالی غیور تبریز و آذربایجان مسئلت می نمایم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 214

## فرمان امام خمینی به حجت الاسلام شیخ مهدی کروی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ مهدی کروی دامت افاضاته

پیرو ماموریتی که جنابعالی در مورد رسیدگی به وضع بازماندگان شهدای انقلاب اسلامی از طرف اینجانب دارید چون اخیراً گاهی دیده شده است که برای سرپرستی فرزندان شهدا بین اولیاء آنان اختلافاتی صورت گرفته لذا جنابعالی موظفید از طرف اینجانب به این موضوع رسیدگی نموده و حتی المقدور آنان را به صورتی راضی کنید و اگر میسر نشد ، به هر نحو مصلحت دیدید رفع مشکل کنید و از اولیاء فرزندان شهدا نیز می خواهیم که با در نظر گرفتن سعادت فرزندان شهدا و آینده آنان این کار را به نحو آبرومندی فراهم کرده و روح شهدای عزیز را شاد نمایند و امید است مسوولین محترم اداری و مردم نیز همکاری های لازم را با جنابعالی در انجام وظایف محوله داشته باشند . از خدای تبارک و تعالی موفقیت شما را مسئلت دارم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 215

## بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه شهرستان ها

### تأثیر القائنات شیاطین مبنی بر عدم دخالت روحانیون در امور سیاسی

بسم الله الرحمن الرحيم

من اول باید از علمای اعلام بلاد، برادران ائمه جمعه از اهل سنت و از اهل تشیع تشکر کنم که زحمت کشیدند و اینجا تشریف آوردند و همین طور از سایر برادرانی که در اینجا تشریف دارند و با ناراحتی نشسته اند یا ایستاده اند تشکر کنم و بعضی مطالبی که تنبیهش لازم است ولو خود شما می دانید. یک مطلبی که همه می دانید و می دانیم این است که شیاطین بزرگ و کوچک و آنهایی که می خواستند و می خواهند تمام قدرت ها را در هر جا قبضه کنند و تمام منافع ملت ها را چپاول کنند، از سال طولانی نقشه های عجیب و غریبی داشته اند و مع الاسف قشرهای زیادی غافل بودند، از جمله این مطلب که روحانیون در امور سیاسی نباید دخالت کنند، آنها باید مردم را در این نماز و روزه و امثال اینها هدایت کنند و جای آنها و شغل آنها مسجد است و منزل، مسجد بیایند نماز بخوانند، منزل بروند استراحت کنند و به طوری این تبلیغ شده بود که همه باورشان آمده بود تقریباً و دخالت در سیاست یک فحشی بود برای اهل علم. اگر می گفتند فلان آخوند سیاسی است، این به منزله یک فحش تلقی می شد و خود مردم و بلکه خود روحانیون هم بسیاریشان این مسأله را باورشان آمده بود. اگر راجع به یک امر اجتماعی، یک امری که راجع به ملت است گفته می شد، بعضی ها می گفتند که ما در امور سیاسی دخالت نمی کنیم، و اگر یک ملائی در امر سیاست ملت و مصالح کشور صحبت می کرد، می گفتند که این سیاسی است و بر خلاف موازین است. این مسأله ای بود که اینقدر رویش تبلیغات کرده بودند در داخل و خارج، که به این زودی نمی شد از ذهن مردم بیرون کرد. آنها می خواستند که یک قشر بزرگی از جامعه که جامعه هم تبع آنها هست منزوی کنند و خودشان به جای آنها بنشینند، حکومت مال ما، نماز جماعت خشکی که در آن اصلاً "صحبت اجتماعی و سیاسی نباشد هم مال شما. من یک قصه ای از مرحوم حاج آقا روح الله خرم آبادی شنیدم و یک قصه هم خودم دارم. مرحوم آقای کاشانی رحمة الله را که تبعید کرده بودند به خرم آباد و محبوس کرده بودند در قلعه فلک الافلاک یا کجا، آقای حاج آقا روح الله می فرمودند که من از آن کسی که رئیس ارتش آنجا و آقای کاشانی هم تحت نظر او بود و محبوس بود (من حالا وقتی می گویم محبوس در زمان رضاخان شما خیال می کنید مثل حبس های عادی زمان های دیگر بود، البته پسرش هم مثل پدر بود لکن آن کسی که گرفتار می شد اگر از اشخاص

عادی بود همچو مرعوب می شد که در حبس یک کلمه ای که بر خلاف مثلا "دولت یا آن کسی که در آنجا هست بزنند ، امکان نداشت برایشان ) مرحوم حاج آقا روح الله گفتند که من از این رئیس ارتش که در آنجا بود خواهش کردم که من را ببرد خدمت مرحوم آقای کاشانی ، قبول کرد و ما را بردند پیش ایشان . آن رئیس ، آنجا بود و من هم بودم و آقای کاشانی . آن شخص شروع کرد صحبت کردن و رو کرد به آقای کاشانی که آقا شما چرا خودتان را (قریب به این معانی) به زحمت انداختید؟ آخر شما چرا در سیاست دخالت می کنید؟ سیاست شان شما نیست ، چرا شما دخالت می کنید؟ از این حرف ها شروع کرد گفتن . آقای کاشانی فرمودند: (خیلی خری ) ، شما نمی دانید که این کلمه در آنوقت مساوی با قتل بود ، ایشان گفتند: (تو خیلی خری ، اگر من دخالت در سیاست نکنم کی دخالت بکنند؟) یک قصه هم من خودم دارم . وقتی که ما در حبس بودیم و بنا بود که حالا دیگر از حبس بیرون بیائیم و برویم قیصریه و در حصر باشیم آن رئیس امنیت آن وقت در آنجا حاضر بود که ما بنابود از آن مجلس برویم ، ما را بردند پیش او ، او ضمن صحبت هایش گفت که آقا سیاست عبارت از دروغگویی است ، عبارت از خدعه است ، عبارت از فریب است ، عبارت از پدر سوختگی است ، این را بگذارید برای ما من به او گفتم این سیاست مال شماست . البته بعدش آمد دروغی گفت که بنا می گذاشتند که در سیاست دخالت نکنند و ما هم جوابش را دادیم . مسأله این است . البته سیاست به آن معنایی که اینها می گویند که دروغگوئی ، با دروغگوئی ، چپاول مردم و با حيله و تزوير و ساير چيزها ، تسلط بر اموال و نفوس مردم ، این سیاست هیچ ربطی به سیاست اسلامی ندارد ، این سیاست شیطانی است و اما سیاست به معنای اینکه جامعه را راه ببرد و هدایت کند به آنجائی که صلاح جامعه و صلاح افراد هست ، این در روایات ما برای نبی اکرم با لفظ سیاست ثابت شده است و در دعای ، در زیارت جامعه ظاهرا هست که ساسه العباد هم هست ، در آن روایت هم هست که پیغمبر اکرم مبعوث شد که سیاست امت را متکفل باشد .

### سیاست که عبارت است از (هدایت جامعه) ، مختص انبیاست

باید عرض کنم که سیاست برای روحانیون و برای انبیا و برای اولیای خدا حقی است ، لکن سیاستی که آنها دارند ، دامنه اش با سیاستی که اینها دارند فرق دارد . ما اگر فرض کنیم که یک فردی هم پیدا بشود که سیاست صحیح اجرا کند ، نه به آن معنای شیطانی فاسدش ، یک حکومتی ، یک رئیس جمهوری ، یک دولتی سیاست صحیح را هم اجرا کند و به خیر و صلاح ملت باشد ، این سیاست یک بعد از سیاستی است که برای انبیا بوده است و برای اولیا و حالا برای علمای اسلام . انسان یک بعد ندارد ، جامعه هم یک بعد ندارد ، انسان فقط یک حیوانی نیست که خوردن و خوراک همه شوون او باشد . سیاست شیطانی و سیاست های صحیح اگر هم باشد امت را در یک بعد هدایت می کند و راه می برد و آن بعد حیوانی است بعد اجتماع مادی است و این سیاست یک جزء ناقصی از سیاستی است که در اسلام برای انبیا و برای اولیا ثابت است ، آنها می خواهند ملت را ، ملت ها را ، اجتماع را ، افراد را هدایت کنند ، راه ببرند در همه مصالحی که از برای انسان متصور است ، از برای جامعه متصور است ،



همانی که در قرآن صراط مستقیم گفته می شود و (اهدانا الصراط المستقیم) ما در نماز می گوئیم، ملت را اجتماع را، اشخاص را راه ببرد به یک صراط مستقیمی که از اینجا شروع می شود و به آخرت ختم می شود، الی الله است. سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد، تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد و اینها را هدایت کند به طرف آن چیزی که صلاحشان هست، صلاح ملت هست، صلاح افراد هست و این مختص به انبیاست. دیگران این سیاست را نمی توانند اداره کنند، این مختص به انبیا و اولیاست و به تبع آنها به علمای بیدار اسلام، و هر ملتی علمای بیدارش در زمانی که آن ملت نبی شان بوده است. اینکه می گویند شما دخالت در سیاست نکنید و بگذارید برای ما، شماها سیاست تان سیاست صحیح تان هم یک سیاست حیوانی است، آنهایی که فاسدند سیاست شان سیاست شیطانی است، آنهایی که صحیح راه می برند باز سیاستی است که راجع به مرتبه حیوانیت انسان، راجع به رفاه این عالم، راجع به حیثیتی که در این عالم هست راه می برند لکن انبیا هم این عالم و هم آن عالم را (و اینجا راه است برای آنجا) اینها هدایت می کنند مردم را به این راه و آنچه که صلاح ملت است، صلاح جامعه است، اینها آنها را به آن صلاح دعوت می کنند و صلاح مادی و معنوی از مرتبه اول تا آخری که انسان مراتب کمال دارد، سیاستمداران اسلامی، سیاستمداران روحانی، انبیا علیهم السلام، شغلشان سیاست است. دیانت همان سیاستی است که مردم را از اینجا حرکت می دهد و تمام چیزهایی که به صلاح ملت است و به صلاح مردم است، آنها را از آن راه می برد که صلاح مردم است که همان صراط مستقیم است.

### **حیله ها در کار است که شما را از سیاست کنار بزنند**

شما آقایان و همه ملت باید توجه کنید که سابقا ما را آنطور تربیت کرده بودند و به واسطه تبلیغاتی که قدرت های چپاولگر درست کرده بودند که ما را از سیاست جدا کنند و ما دخالت در هیچ امر اجتماعی مردم، در هیچ امر سیاسی مردم نکنیم و آنهایی که می خواهند انجام بدهند وظیفه شان را برای ابر قدرت ها، به دست بگیرند سیاست را و حکومت را و همه چیزها را، و بکشاند مردم را به طرف آن مرتبه ای، آن چیزی که خودشان می خواهند و قدرت های بزرگ می خواهند، یعنی ما را بکشاند یا به دامن شرق و یا به دامن غرب و این سیاست، سیاست شیطانی است و بر فرض اینکه اینها سیاست انسانی هم داشته باشند، بیش از یک بعدش را ندارند، تمام ابعادش را انبیا داشته اند و از آنها ارث رسیده است به علمای متعهد. ما نباید، خیال نکنید که این قدرت های بزرگ از ما دست برداشته اند، الان همه حیله ها در کار است که شما را از سیاست کنار بزنند، شما را نگذارند در امور اجتماعی دخالت بکنید، شما را نگذارند که در حکومت هیچ دخالتی بکنید، بله، ما یک وقتی که در نجف بودیم این کلمه را گفته ام من که علما مرتبه شان بالاتر از این است که داخل بشوند در امور اجرایی، لکن در وقتی که افرادی باشد که آن افراد، متعهد به اسلام باشند و بتوانند کارها را روی موازین اسلامی اجرا کنند نه اینکه اگر هیچ کس هم نباشد و اشخاصی باشند که نتوانند روی مجاری اسلامی عمل کنند یا

نخواهند روی مجاری اسلامی عمل کنند، باز هم آقایان بروند کنار بنشینند و تماشاچی باشند که آنها ما را بکشاند به آنجائی که خودشان می خواهند. مسأله این نیست، مسأله این است که اگر سیاستمدارانی باشند که همان معنائی را که مسلمین می خواهند ولو در همین یک بعدش، ولو در همین بعد دنیائی اش، آنها طوری سیاست را انجام بدهند که ما استقلالمان و آزادیمان محفوظ بماند و ما به طرف شرق یا به طرف غرب کشیده نشویم، البته آنها بکنند، هیچ مانعی ندارد و علما هم می روند وقتی دیدند که اینها هستند، می روند مشغول کارهای خودشان می شوند که آن هم سیاست است منتها سیاست روحانی. اما وقتی که ما ببینیم که اینطور نیست که تمام این پست ها را و تمام این قدرت ها را اینها اگر دستشان بیاید صرف می کنند در اینکه جامعه مارا به جامعه مستقل و آزاد بکشند، ناچاریم ما که اشخاصی که متعهد هستند و ما را نمی کشانند به این طرف و آن طرف، دخالت بدهیم در امور، نظارت بدهیم در امور و همه ما و همه شما و همه نسل های آتیه، آنها باید چشم و گوششان را باز کنند که دوباره هی شیطان ها نیاند تزریق کنند که آقا، علما را چه به سیاست، علما را چه به دخالت در امور مملکتی. این یک نقشه شیطانی است که الان هم مشغول پیاده کردن آن هستند و مشغول تبلیغاتش هستند. بنائاً علیه بر شما ائمه جمعه و جماعت و بر همه ائمه جمعه ها و جماعت ها در همه قطرهای اسلامی، در همه ممالک اسلامی این مطلب لازم است بلکه فرض است که مردم را بیدار کنید و به مردم بفهمانید این معنا را که این نغمه ای که در همه ممالک اسلامی بلند است که علما نباید دخالت در سیاست بکنند، این یک نقشه ای است مال ابر قدرت ها، مجریش اینها هستند که در داخل کشورها هستند. به حرف اینها گوش ندهید و بخوانید به گوش ملت که ملت بفهمد این معنا را که این نغمه، نغمه است که می خواهند علما را از سیاست کنار بزنند و آن بکنند که در زمان های سابق بر ما گذشته است. بیدار باشیم و همه توجه به این معنا داشته باشیم و نسل های آینده هم توجه به این معنا داشته باشند که راهشان را یک وقت، این راهی که الان مسلمین خودشان این راه را پیدا کرده اند، این راه را گم نکنند آنها.

### **همه ملت مسوولند در حفظ اسلام که امانت الهی است**

مطلب دیگری که باز دنباله همین مسائل است، این است که روحانیون در هر جا که هستند، چه ائمه جمعه و چه ائمه جماعات و چه کسان دیگری که مشغول شغل روحانی هستند، اسلام امروز به ملت ما و به شما که شاخص هستید و اولی هستید سپرده شده است، ما امروز همه پاسدار اسلام هستیم، تمام ملت از دولتی ها گرفته و قوای نظمی و انتظامی گرفته و نظامی و انتظامی گرفته و تا همه قوای مسلحه، همه بازارها، همه اداره جات، تمام ملت بی استثنا مسوول هستیم در مقابل خدای تبارک و تعالی برای این امانت. این اسلام که امانت است و دست ماست، اگر ما به این امانت خدای نخواستیم خیانت بکنیم، این یک گناهی است که معلوم نیست که آمرزیده بشود، فرق دارد با گناه دیگری حتی با کبائر گناه های دیگر، برای اینکه بسیاری از گناه ها هست که به خود انسان بر می گردد، به جامعه بر نمی گردد، لکن خیانت به این امانت، خیانت به اسلام و خیانت به ملت های مسلم است.

باید توجه کنید که اگر

اشخاصی در تمام این ارگان‌هایی که الان بعد انقلاب بوجود آمده، چه آنهایی که خود رو پیدا شده اند و خود ملت آنها را ایجاد کرده اند و چه آنهایی که مثلاً "مقامات ایجاد کرده اند، باید توجه به این معنا بکنید که اگر چنانچه اینها یک قدم بردارند بر خلاف اسلام، بر خلاف مصالح مسلمین، مسوول هستند، مسوولیتی که بالاتر از آن مسوولیتی است که انسان نسبت به کارهای خودش دارد، شخصی خودش دارد.

### هوشیاری در مقابل خلافاکارهای عوامل نفوذی و جلوگیری از آنان

و این را باید توجه بکنند آقایان که در بین این ارگان‌هایی که هست مثل، سپاه پاسداران، مثل ارتش، مثل کمیته‌ها، مثل دادگاه‌ها و همه این جاهایی که بعد از انقلاب به عنوان یک گروهی پیدا شده است شیاطین ننشسته اند که اینها خالص باشند، در بین شان افرادی نفوذ کرده اند و به واسطه آن نفوذ، کارهایی در آنجا می دهند، برای اینکه روحانین را و همین طور پاسدارها را و همین طور کسان دیگر را یا به جان هم بریزند و یا منزوی کنند. الان روزی شاید بیشتر از 100 تا گاهی 300 تا گاهی 200 تا نامه برای من می رسد، با اینکه من کاره ای نیستم و در آن شکایت می کنند، شکایات از همه این ارگان‌هایی که هست من نمی خواهم بگویم شکایات همه صحیح است، بسیاری هم نامربوط زیاد در آن هست، لکن باید این مطلب که یک توطئه هست برای شکایت درست کردن، این توطئه از شوفرهای تاکسی‌ها و اتومبیل‌های دیگر، اتوبوس و اینها شروع می شود تا هر جایی که یک جمعیتی با هم مجتمع هستند، در بین اینها افرادی هستند که اینها مامورند برای اینکه شایعه درست کنند و پراکنده کنند. می گویند در تاکسی‌ها تا می نشینیم یک کسی شروع می کند یک حرفی از، مثلاً "از یک عالم یا علما یا از یک کمیسیون یا از مجلس شورا یا از کذا. الان همه اینهایی که اشتغال به یک کاری دارند، چه دادگاه‌هایی که به قضاوت و به رسیدگی به امور قضائی مشغول هستند و چه این هیات‌هایی که برای اینکه زمین‌ها را مثلاً، آن زمین‌هایی که مشروع است تقسیم کنند و چه جهاد سازندگی و جهاد دیگر و گروه‌هایی که هستند، اینها در بین شان یک افرادی نفوذ کرده است که این افراد یک کاری انجام می دهند و دستجاتی که مربوط به همین افراد هستند آن را دامن می زنند و بزرگش می کنند و شما یک وقت چشمتان راباز می کنید که همه این ارگان‌های دولتی و اسلامی از مجلس گرفته تا دادگاه‌ها و تا همه جا به واسطه تبلیغات اینها مشوه می شود روحشان، یعنی جمهوری اسلامی که عبارت از این چیزهایی است که حکومت است و مجلس است و سایر ارگان‌ها، این را می خواهند مشوهش کنند و به دنیا بفهمانند که این هم همان رژیم شاهنشاهی است، این هم مثل همان رژیم است، همه چیزش مثل همان رژیم است. می آیند می گویند که زمین‌های مردم و باغات مردم را غصب می کنند و هیچ جا هیچ کس هم دخالت در این امر نمی کند، می گویند این گروه‌های هفت نفری که گفته شده به آنها، اعلام کردند بر آنها، دولت هم اعلام کرده است که باید در آن چیزهایی که غیر مشروع است دخالت نکنند آنها دخالت می کنند و هیچ اعتنا به این مسائل نمی کنند. می گویند مصادره

اموال مردم، بیجا مصادره می شود اموال مردم بدون اینکه جهت شرعی داشته باشد. شما باید توجه داشته باشید و من از ائمه جمعه در همه بلاد می خواهم و علمائی که هم در آن بلاد هستند همراهی کنند و گروه هائی را تعیین کنند برای رسیدگی به این امور، رسیدگی به حال این افرادی که می خواهند آشوب درست کنند، رسیدگی به حال دادگاه ها و احکامی که از دادگاه ها صادر می شود. چه بسا اشخاصی هستند که اطلاع قضائی ندارند و خودشان را به طور قاچاق وارد کردند در قضا. قضا شرط دارد و باید نصب بشود از طرف علمایی که بزرگ هستند، اینطور نیست که هر کس هر جا برود قضا را متکفل بشود و حکم بدهد و حکم قتل بدهد و حکم چه بدهد. اینها باید شما آقایانی که در بلاد هستید، خودتان رسیدگی کنید افرادی که از این جناح های منحرف وارد شدند در این ارگان ها، در قضا، در تقسیم اراضی، در جهاد سازندگی، در همه اینها، افرادی را متعهد، مطلع، بیطرف، این افراد را تعیین کنید تا اینکه اینها بروند رسیدگی بکنند و به شما گزارش بدهند و در صدد تصحیحش بر آید. اگر ما بنشینیم اینجا، هر چه می شود در هر جا، هر کس هر کاری می خواهد بکند ما اعتنا به آن نکنیم، این فاجعه به بار می آورد بعدها. باید شما خودتان بنشینید این کار را بکنید. این یک چیزی است که می خواهند تمام آن چیزهائی که فاسد است به گردن روحانیون و به گردن دولت اسلامی بیندازند و روحانیون و دولت و مجلس و همه اینها را از نظر مردم بیندازند و مشوه کنند. شما باید بیدار باشید، جلوگیری کنید از این معنا. اگر من، من که یک پیر مردی هستم از من نمی آید این کارها، شما آقایان الحمدلله هم جوان هستید و هم توجه دارید به مسائل، خودتان یک گروه هائی را درست کنید در همه جای مملکت، یک گروه هائی درست کنید بررسی کند این امور را، اگر چنانچه بر خلاف شرع عمل می شود، جلوی او را بگیرید، اگر چنانچه امر خلافی دارد و واقف می شود، اشخاصی که لایق نیستند برای این مسائل اگر اینها وارد هستند در دادگاه ها یا در سایر جاها، در جهاد سازندگی، در هیات هفت نفری نمی دانم اینها، ما نمی خواهیم که یک مملکتی باشد که هرج و مرج یا یک مملکتی باشد که نظر کمونیست ها را در این مملکت انجام بدهد یا نظر غربی ها را انجام بدهد. باید همه این کارها را قبل از اینکه فرصت از دستتان رفته است و قبل از اینکه این خیانتکارهائی که می خواهند این مملکت را باز برگردانند به حال اول، پیروزی پیدا کنند و مجال پیدا بکنند، خود شماها باید این کارها را انجام بدهید و افرادی را صالح، مطلع، بیطرف تعیین کنید بروند در اینجاهائی که این کارها می شود، به شکایات مردم رسیدگی کنند. یک دفتری برای شکایات باز کنید، تعقیب کنید شکایت را، ببینید این که شکایت کرده از کجا پیدا شده، صحیح می گوید یا غیر صحیح؟ غیر صحیح می گوید، چه کسی القأ به او کرده؟ اینها را باید تعقیب کرد و فهماند به مردم که یک همچو بساطی در کار هست که می خواهند خرابکاری کنند و افرادی هم که واقعا خرابکاری می کنند. معرفی باید بشوند به جمعیت هائی که خود آقایان تعیین کنند تا تکلیف آنها را معین کنند. ما اگر چنانچه بنشینیم و الان در مملکتمان خلاف شرع های زیادی خدای نخواستہ انجام بگیرد معنایش این است که ما خودمان با دست خودمان جمهوری اسلامی را جمهوری غیر اسلامی اش کردیم. ما می خواهیم جمهوری اسلامی، یعنی احکام، احکام اسلام باشد نه اینکه

هر جایش که آدم دست بگذارد شکایات باشد که اینها خلاف دارند می کنند ، شکایت باشد که فلان قاضی حکم خلاف دارد ، فلان فرض کنید که کسی که می خواهد تقسیم زمین را بکند زمین های مردم را می رود تقسیم می کند ، باغات را می رود نمی داند درخت هایش را می اندازد ، اینها رسیدگی می خواهد . شما نشستید که یکدفعه صدای ملت بلند بشود که این دولت و این مجلس و این دادگاه ها و این کمیسیون ها و اینهمه اینهایی که هستند ، هیچ یک آنها اسلامی نیستند و به ضد شما قیام بکنند ، آنوقت هم من موافقت با آنها بکنم

### وحدت برادران شیعه و سنی به برکت جمهوری اسلامی

انشأ الله خداوند شما را توفیق بدهد و جماعتتان را هر چه زیادت و هر چه باشکوهتر . این جماعات بسیار موثر است ، بسیار خوب است . اگر برکت جمهوری اسلامی جز این نبود ، این یک برکت بزرگی است که ما را و همه برادرهای اهل تشیع و تسنن را یک جا جمع کرده و همه مان برای اسلام می خواهیم کوشش کنیم و باید همه ما توجه داشته باشیم که نبادا یک وقت تبلیغی بشود که در طول تاریخ تقریباً شده است که ما را ، برادرها را از هم جدا کردند ، اهل سنت را با ما جدا کردند ، ما را از آنها جدا کردند باید اینها را توجه بکنیم ، باید ما با هم برادر باشیم ، نگذاریم دیگران بیایند همه چیزمان را ببرند و ما بنشینیم دعوا کنیم سر یک چیزی که نباید دعوا بکنیم . در هر صورت جماعات باید این جمعه ها باید هر چه بیشتر و هر چه بزرگتر و ملت باید هر چه بیشتر به این جماعات حاضر بشود و جمعه را بزرگ بشمارد و خطبا هم در خطبه های خودشان مردم را بیدار کنند ، مردم را دعوت کنند به صلاح ، دعوت کنند به اینکه این توطئه هائی که در اطراف هست الان این توطئه ها برای محو اسلام است ، بیدار کنند مردم را تا انشاء الله توفیق حاصل بشود و ملت ما الان که بیدار است و متوجه است برسد به آنجائی که همه احکام اسلام در این مملکت پیاده بشود و این الگویی بشود از برای همه ممالک اسلامی و من از این جلسه ای که آقایان درست کردند و اجتماع کردند و برادرهای اهل سنت و اهل تشیع همه جمع شدند و مسائل را طرح کردند بسیار کار خوبی است و من متشکرم از همه که انشاء الله باز هم اجتماعاتشان را بکنند و رسیدگی به حال ملت بکنند . شما باید به حال این ملت رسیدگی بکنید ، از توطئه ها خبر بشوید و جلوگیری کنید و مردم را بیدار بکنید و امیدوارم که این اجتماعات در بلاد دیگر از مسلمین هم این اجتماعات باشد و همه گرفتاری هائی که ملت دارند ، حلالش خود شماها باشید . خداوند همه شما را عمر و عزت و عظمت عنایت کند و ملت ما را و ملت های اسلامی را از تحت قدرت شیطانی نجات بدهد .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## بیانات امام خمینی در جمع گروهی از معلولین انقلاب اسلامی و جوانان داوطلب اعزامه جبهه ها

### آنها که خون شهیدان را برای به قدرت رسیدن وسیله قرار می دهند از فطرت انسانی خارجند

بسم الله الرحمن الرحيم

ما این منظره ها را که می بینیم و این عزم راسخ و تصمیم های جزم که در شما جوانان می بینم، از وضع شما هم ابتهاج دارم و هم متأثرم. ابتهاج به اینکه یک ملتی آنطور متحول شده است که در راه خدا همه چیز خودش را نثار می کند و با آغوش باز دنبال مرگ می رود. این در طول تاریخ اگر نمونه ای داشته باشد در صدر اسلام است، بعد از آن نمونه ای ندارد، مثل شما جوان ها نمونه ای نیست. و تأثر برای اینکه این جوان های عزیز ما که باید برای ملت ما خدمت کنند و برای اسلام خدمت کنند، به دست اشرار یا شهید شدند و یا معلول، این موجب تأثر بسیار است. و تأثر دیگر اینکه این گروه های منحرف و این اشخاصی که طرفدار ابرقدرت ها هستند و می خواهند همان وضع سابق را پیش بیاورند یا در صدد قدرت طلبی هستند، چطور می خواهند با خون این شهیدان ما و با این معلولان ما، اینها را ندیده بگیرند و برای قدرت خودشان یا برای ابر قدرت ها خدمت کنند و از روی خون این جوان های ما بگذرند و خدمت به آمریکا یا شوروی بکنند. چطور انسان متأثر نباشد از اشخاصی که قدرتمندی خودشان را در خون شهیدان ما می بینند؟ آنهایی که برای خودشان و برای قدرت خودشان خون شما جوان ها را و شما معلول ها را وسیله قرار می دهند، از فطرت انسانی خارجند، اینها حیواناتی هستند به صورت انسان. آنهایی که در این موقعی که جنگ برقرار است و ارتش ما و سپاه ما و همه ملت دنبال فکر جنگ هستند، فکر این باشند که گروه خودشان قدرت به دست بیاورد، اینها جزء انسان ها نیستند، اینها حیواناتی هستند به صورت انسان. شما می بینید که الان باز در هر گوشه ای از مملکت ما این گروه های منحرف وارد شدند و مشغول توطئه هستند و مشغول شرارت، البته نه شرارت آنها و نه توطئه آنها در مقابل ملت ما و در مقابل قوای مسلح ما کاری از آنها نمی آید، لکن موجب تأثر است که چه انسان های به صورت و چه سبع های به حسب واقع هستند که خون شهیدان ما را وسیله برای رسیدن خودشان به قدرت قرار می دهند، از روی کشته های ما می خواهند عبور کنند و به قدرت برسند. تأثر این است که چرا انسان باید اینقدر نادان باشد، اینقدر شقاوت داشته باشد. جوان های ما دارند در مرزها و در اطراف مملکت برای نگهداری جمهوری اسلامی جانفشانی می کنند و آنها که نه

به اسلام اعتقاد دارند و نه به جمهوری اسلامی، دنبال این هستند که با خون اینها برای خودشان قدرت درست کنند.

### چه بکشید و چه کشته شوید پیروزید

لکن من به شما عزیزان، به شما ارتشیان، به شما سپاه پاسداران، به شما ژاندارمری ها، به شما ملت، سرتاسر، نوید می دهم که پیروزی با شماست، پیروزی با حق است. من کرارا این را گفته ام که ما چه کشته بشویم و چه بکشیم پیروزیم. شما که در میدان جنگ رفتید و معلول شدید و الان در منظره من هستید و من متاثرم برای شما، شما پیروزید. شما در نظر اسلام پیروز هستید. شما در نظر خدای تبارک و تعالی لشکرهای پیروزمندی هستید. خداوند انشأ الله شماها را از لشکریان امام زمان سلام الله علیه قرار دهد و اجر آن سپاهیان در رکاب رسول الله را به شما عنایت بفرماید، آنها هم هر کمالی داشتند، برای خدمت به اسلام و رسول خدا بود و شما هم همین خدمت را دارید انجام می دهید. شما با آنها فرقی ندارید و شما هم مثل اشخاصی هستید که در غزوات رسول الله جنگیدند و شهید شدند یا معلول. شما هم در راه خدا و در راه رسول خدا و در راه اسلام فداکاری کردید، معلول شدید، شهید شدند دوستان شما و شما پیروز هستید. و کشوری که تمام قشرهایش اینطور مهبای برای فداکاری هستند این کشور پیروز است. و خداوند به شما سلامت و اجر عنایت کند و به ما هم بیداری بدهد که به دنبال شما بیائیم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## بیانات امام خمینی در جمع عشایر خوزستان و اعضای شوراهای اسلامی دشت آزادگان

### اسلام آمده است تا تمام ملل دنیا را با هم متحد کند به یک امت بزرگ

بسم الله الرحمن الرحيم

شما دوستان عزیز و برادران محترم که از صفحات جنگ آمده اید خوش آمدید. خداوند انشاء الله شما را موفق کند و دست ظالم ها را از مملکت ما کوتاه بفرماید. نقشه های قدرت های بزرگ که می خواهند مسلمین را زیر سلطه خود بیاورند و مخازن آنها را به غصب ببرند و اموال آنها را به چپاول ببرند از سال هائی طولانی دنبال نقشه هائی بودند که از نقشه های بزرگ آنها مسأله ملت گرائی است. اسلام آمده است تا تمام ملل دنیا را، عرب را، عجم را، ترک را، فارس را همه را با هم متحد کند، و یک امت بزرگ به نام امت اسلام در دنیا برقرار کند تا کسانی که می خواهند سلطه بر این دولت های اسلامی و مراکز اسلام پیدا بکنند، نتوانند به واسطه اجتماع بزرگی که مسلمین از هر طایفه هستند. نقشه قدرت های بزرگ و وابستگان آنها در کشورهای اسلامی این است که این قشرهای مسلم را که خدای تبارک و تعالی بین آنها اخوت ایجاد کرده است و مومنان را به نام اخوت یاد فرموده است از هم جدا کنند و به اسم ملت ترک، ملت کرد، ملت عرب، ملت فارس از هم جدا کنند بلکه با هم دشمن کنند و این درست بر خلاف مسیر اسلام است و مسیر قرآن کریم. تمام مسلمین با هم برادرند و برابرند و هیچ یک از آنها دیگری جدا نیستند و همه آنها زیر پرچم اسلام و زیر پرچم توحید باید باشند. اینهایی که با اسم ملیت و گروه گرائی و ملی گرائی بین مسلمین تفرقه می اندازند، اینها لشکرهای شیطان و کمک کارهای به قدرت های بزرگ و مخالفین با قرآن کریم هستند.

### حزب منفور بعث ثابت کرد که نوکر قدرت های بزرگ است

بحمدالله مشیت این حزب بعث عراق باز شد که این ادعاها که می کند که من برای عرب چه هستم و برای قدرت عرب و برای ملت عرب چه هستم، مشیت او باز شد که در خوزستان با عرب بیشتر مقابل شد کشتارهایی که به وسیله این حزب منفور و صدام کافر بر برادرهای عرب ما وارد شده است بیشتر از آن است که بر برادرهای عجم ما وارد شد. اگر این مرد فاسق و کافر در ادعای خودش راست می گفت نباید مراکز که مجتمع عرب است، زن و بچه، پیر و برنا را آنطور سرکوبی کند و اگر چنانچه با عجم دشمنی داشت، چرا عرب را بیشتر مورد هجمه قرار داد؟ این مشیت او را باز می کند که



نه ، مسأله عرب نیست ، مسأله نوکری ابر قدرت هاست . اینطور نیست که او بخواهد ملت عرب رانجات بدهد . از چی نجات بدهد؟ از اسلام نجات بدهد؟! ملت عرب سال های طولانی همانطوری که عجم ها و ایرانی (غیر عرب شان ) سال های طولانی در زیر قدرت شیطانی ابر قدرت ها به وسیله حکومت فاسد پهلوی در رنج و عذاب بودند و بعد از اینکه آنها به واسطه قیام ملت ما ، عرب و عجم و همه قشرها ، آنها به جهنم رفتند ، تمام ملت ما زیر سایه اسلام و در جمهوری اسلام بودند و در تحت جمهوری اسلام و پرچم لا اله الا الله کسی در رنج و عذاب نباید باشد و نبود . لکن منحرفینی که نوکرهای اجانب هستند ، با اسم های مختلف به این مملکت که مملکت اسلامی است و عرب و عجم و فارس و غیر فارسش در کنار هم برادروار زندگی می کنند ، نقشه های آنها این است که این برادرها را از هم جدا کنند و اختلاف ما بین اینها بیندازند و بعد همه دارائی های اینها را از بین ببرند و اسلام را زیر پا بگذارند . حزب بعث منفور عراق ثابت کرد که طرفدار عراق ، طرفدار عرب نیست بلکه طرفدار قدرت های بزرگ است و نوکر قدرت های بزرگ است و لهذا او در خود عراق هم ملت عراق را می کوبد و ملت عراق را سرکوب می کند و علمای بزرگ عرب را می کشد و در حبس می اندازند و همه مردم عراق که عرب هستند از دست او به تنگ آمده اند . و مسأله این نیست که او بخواهد برای عرب کاری بکند ، عرب و عجم هر دو زیر پرچم توحید و در پناه رسول خدا صلی الله علیه و آله می خواهند زندگی کنند و جمهوری اسلامی می خواهد مطلبی را که قرآن فرموده است ، مطلبی را که رسول خدا فرموده است در همه کشورها پیاده کند و ایران مقدمه اوست ، می خواهد که به همه کشورها بفهماند که اسلام بنایش بر برادری و برابری و وحدت و همه مسلمین ید واحده هستند ، بر دیگران .

### **در اسلام هیچ یک از قشرها بر دیگری تفوق ندارند مگر به تقوا**

ما می خواهیم به همه ملت ها بفهمانیم که اسلام یک دین وحدت است یک دین برادری است ، دین برابری است ، هیچ یک از قشرهای او بر دیگری تفوق ندارند مگر به تقوا ، مگر به پیروی از احکام اسلام حزب بعث عراق ثابت کرد که همانطوری که در رأس او عفلق غیر مسلمان است ثابت کرد که قضیه عرب مطرح نیست ، قضیه ملت عرب مطرح نیست قضیه ابرقدرت ها مطرح است ، مطرح این است که ما باید همه ملت هایمان در تحت سلطه قدرت های بزرگ باشد . و این یک خیال خامی است که صدام به سر خودش پخته بود که ایران را با یک هفته از بین خواهد برد . او در یک هفته نتوانست که خوزستان که یک تکه ای از ایران است به دست بیاورد و جز ننگ و نفرت در بین تمام مسلمین و تمام مستضعفان جهان چیزی برای خودش نیاورد و او الان به حال عصبی و دیوانگی هر طوری که شده است می خواهد یک پیروزی پیدا کند ولو نسبی .

### **ما امیدواریم که ملت های اسلامی بیا خیزند و دست های فاسد و خائن را قطع کنند**

برادرهای ما در همه جاها ، در خوزستان خصوصا در همه اطراف خوزستان ، سرتاسر جنوب ،

سرتاسر غرب و خوزستان بپا خاسته اند و در مقابل این شخصی که ادعا می کند که من مسلمم و مسلم نیست ، ادعا می کند که من برای عرب کار می کنم و دروغ می گوید ، در مقابلش ایستادند و مشت محکم را به دهانش زدند و انشأ الله به همین زودی به جهنم واصل خواهد شد . ما با غم های شما که برادران ما هستید ، چه در سوسنگرد ، چه در - سایر اهواز و چه در خوزستان ، همه اطراف خوزستان ، در جنوب ، در غرب ، با همه شما ، با همه کردستانی ها ، خوزستانی ها ، سوسنگردی ها و همین طور دشت آزادگان که آقایان از آنجا و از همه اطراف تشریف آوردید ما با شما همدرد هستیم در مصائبی که بر شما برادران ما وارد شده است و بر اسلام وارد شده است . این مصائب بر اسلام وارد شده است و شما هم فرزندان اسلامید ، هر چیزی که بر شما وارد بشود بر همه مسلمین وارد شده است و هر خیانتی که صدام بر خوزستان بکند بر همه ممالک اسلامی کرده است و ما امیدواریم که همه ملت های اسلام با بیداری و با توجه بپاخیزند و این دست های فاسدی که می خواهد همه ملت های اسلام را در تحت سلطه ابر قدرت ها قرار بدهد ، آنها را سر جای خودشان بنشانند . و من از خدای تبارک و تعالی پیروزی اسلام و مسلمین و سلامت و سعادت شما برادران خوزستانی و برادرانی که از جنوب و از غرب اینجا هستید از خدای تبارک و تعالی سلامت و سعادت شما را می خواهم و بدانید و یقین بدانید که این زحمت هائی که بر شما وارد شد و این قتل هائی که واقع شد بر برادرهای ما پیش خدا محفوظ است و جائی نمی رود و شما بحمدالله پیروز و روسفید هستید .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 227

## بیانات امام خمینی در جمع مسؤولان نهضت سواد آموزی سراسر کشور

### قلم ها اگر در دنیا برای خدا و برای خلق خدا به کار بیفتند مسلسل ها کنار می رود

بسم الله الرحمن الرحيم

از آقایان تشکر می کنم که در این هوا و محل ضیق ، مجتمع شدند تا بعض صحبت ها را بکنند و بکنیم . آقایان که حالا آمدند پیش من ، از اینکه در این یک سال آنطوری که باید مردم اقبال کنند و وسائل فراهم باشد برای نهضت سواد آموزی نشده است ولی امیدوارم که بعد بشود . البته هر کاری که انسان شروع می کند ابتدا شروع ، یک اموری پیش می آید که پیش بینی نشده است و یک احتیاجاتی است که در وقتی که مشغول به خدمت هستند احساس می شود و من امیدوارم که از این به بعد ، هم ملت ما و هم دولت اهتمام داشته باشند که این امر حیاتی انجام بگیرد . در این تابلویی که آقایان آوردند ، نوشته اند که اگر چه بشود قلم هایمان را به مسلسل تبدیل می کنیم . ما امیدواریم که بشر به رشدی برسد که مسلسل ها را به قلم تبدیل کند . آنقدری که قلم و بیان به خدمت بشر بوده است مسلسل ها نبوده اند . مسلسل ها غالبا در خدمت ابر قدرت ها بودند و برای تباهی بشر بوده اند و اسلام هم که امر فرموده است به اینکه جهاد بکنند و دفاع بکنند و البته محتاج به همه ابزار جنگی است ، اساس بر این است که دفاع از حق بکنند و حق را و علم را جانشین مسلسل بکنند . قلم و علم و بیان است که می تواند بشر را بسازد ، نه مسلسل و نه سایر قوای تخریب کننده . مسلسل ها هم و همه آلات حربی هم در سایه علم تحقق پیدا کردند منتها گاهی مسلسل ها و سایر ابزار به اصطلاح تمدن را اشخاصی ایجاد کرده اند که موجب تخریب بلاد و عباد شده است و گاهی اشخاصی ایجاد کرده اند که موجب تایید انسان و ساختن انسان و آرامش در بین انسان ها بوده است و در این خدمت بوده است . شما کوشش کنید که با بیان و قلم مسلسل ها را کنار بگذارید و میدان را به قلم ها و به علم ها و به دانش ها واگذار کنید . بشر تا در سایه مسلسل و توپ و تانک می خواهد ادامه حیات بدهد ، نمی تواند انسان باشد ، نمی تواند به مقاصد انسانی برسد آنوقتی مردم به مقاصد اسلامی و انسانی می رسند و به کمال دانش و علم می رسند که قلم ها بر مسلسل ها غلبه کند و دانش ها در بین بشر به آنجا برسد که مسلسل ها را کنار بگذارد و میدان ، میدان علم باشد . در قرآن کریم وقتی که ظاهرا اول آیه ای که بر پیغمبر اکرم وارد شده است ، هم قرائت را توصیه کرده است ، از آن استفاده می شود هم آن جهتی را که باید قرائت در خدمت او باشد و علم در خدمت او باشد ، هم آن را بیان فرموده است ، فرموده است :

(اقرأ باسم ربك) قرائت مطلقا، علم مطلقا، دانش مطلقا مطلوب نیست چه بسا دانشی که بر ضد انسانیت انسان و بر ضد کرامت انسان است، لکن دانشی که جهت داشته باشد، برای خدمت بشر باشد، به اسم رب باشد، توجه به ربوبیت الهی داشته باشد، توجه به اسم خدا داشته باشد، آن قرائت و آن علم و آن مسلسل همه شان در خدمت انسانند. عمده آن جهت و غایاتی است که در افعال انسان و در آلاتی که انسان درست می کند و در علم و دانش و سایر چیزهایی که افعال انسان است آن چیزی را که جهت می دهد آن غایات است، آن چیزهایی است که برای آن چیزها قلم ها وجود پیدا کرده است، مسلسل ها وجود پیدا کرده است، علم و دانش وجود پیدا کرده است اگر غایات و مقاصد و آن چیزهایی که برای او اینها وجود پیدا کرده است الهی باشد، هم قلم و هم مسلسل و هم علم و دانش و هم هر عملی ارزش پیدا می کنند، ارزش الهی. ارزش قلم به غایتی است که برای او قلم زده می شود. ارزش مسلسل هم به غایتی است که برای او مسلسل کشیده می شود. اگر این ارزش غائی نباشد و اگر آن مقصد، مقصد انسانی و الهی نباشد، نه مسلسل آلتی است که به درد بخورد و نه قلم، و خطر قلم بیشتر از مسلسل است و خطر بیان بیشتر از توپ و تانک است و خطر علم بیشتر از همه اینهاست لکن اگر چنانچه به خدمت خلق باشد و به دستور انسان باشد و در خدمت انسان باشد و در خدمت خدای تبارک و تعالی باشد تمام اینها ارزش پیدا می کنند، مسلسل هم همچون قلم می شود، قلم هم همچون مسلسل. باید بشر به فکر این باشد که آن چیزهایی که مقصد است و برای تربیت انسان است، برای آموزش انسان است، برای تعلیم انسان است، جهت به آن بدهد. اگر چنانچه دانشگاه ها جهت به آن داده نشود، همان دانشگاه هائی می شود که در بین بشر هست و از همان دانشگاه ها قوای منخره بیرون می آید و اگر جهت به آن داده بشود، دانشگاه ها کاری می کنند که مسلسل ها نمی تواند بکند، خدمتی می توانند به بشر بکنند که هیچ کس دیگر نمی تواند اینقدر خدمت بکند. عمده آن جهتی است که طرف آن جهت رفته می شود و قرآن این را فرموده است (اقرأ باسم ربك الذی خلق) قرائت کن، نه قرائت مطلق. پیاموز، نه آموزش مطلق. علم تحصیل کن، نه علم مطلق و تحصیل مطلق؛ علم جهت دار، آموزش جهت دار. جهت، اسم رب است، توجه به خداست، برای خدا برای خلق خدا. قلم ها اگر در دنیا برای خدا و برای خلق خدا به کار بیفتند مسلسل ها کنار می رود و اگر برای خدا و برای خلق خدا نباشد مسلسل ساز می شود. ابزار کوبنده انسان با دست قلم دارها و با دست علمائی که در همه دانشگاه ها هستند، با دست آنها وجود پیدا کرده است و همه ترقیات بشر هم با دست علما و بیان و قلم علما وجود پیدا کرده است. کوشش کنید که در این آموزشی که به مردم می دهید جهت دار باشد. در کلاس هائی که جوان ها یا سالخوردگان برای آموزش می آیند، همانطوری که سواد را به آنها یاد می دهید و همانطوری که نوشتن و خواندن را بر آنها یاد می دهید جهت هم به آنها بدهید که برای خدا بخوانند و برای خدا بنویسند. برای خدمت به خلق و برای خدمت به خدا و برای خدمت به اسلام.

## توجه کنید که آموزش و پرورش وقتی نافع است که به اسم رب باشد

باید آموزش و پرورش مردم توأم باشد. پرورش، پرورش انسانی، پرورشی که به درد انسان برسد، آموزشی که برای انسان باشد، جهت دار باشد، اسم رب در آن باشد، توجه به خدا باشد. باید تمام کلاس هائی که در سرتاسر کشور انشأ اللّٰه وجود پیدا می کند و شما آقایان و کسان دیگری که در خدمت یک همچو امر بزرگی هستید و متکفل یک همچو عبادت بزرگی هستید توجه داشته باشید که آموزگاران را جهت به آنها بدهید، توجه به خدا بدهید، علمشان برای خدا باشد، برای اطاعت خدا. خدای تبارک و تعالی علم را یکی از عبادات بزرگ قرار داده است اگر چنانچه جهت داشته باشد، جهت هم همان است که اقرأ باسم ربک. در هیچ ملتی مثل ملت اسلام از علم توصیف نکرده است، قرآن کریم در جاهای زیاد از علم و از عالم و توجه به علم توصیف فرموده است و در کم جایی از آهن صحبت کرده است، آنجا هم که از آهن صحبت می کند منافع ناس در نظر گرفته شده است انزلنا الحديد فیه باس شدید باس شدید دارد و منافع برای ناس. اگر منافع برای ناس نداشته باشد و در خدمت ابرقدرت هائی که می بینید داشته باشد آهن هیچ ارزش ندارد و اگر آهن در خدمت نفع مردم باشد، منافع مردم باشد، ارزشش بسیار زیاد است. همانطوری که قلم ارزش دارد، آهن هم ارزش دارد و همه چیز ارزش دارد. ارزش همه چیز به آن چیزی است که برای او انسان می کند. نماز هم که انسان می خواند ارزشش به آن نیتی است که به آن نیت وارد نماز می شود ای چه بسا نمازگزارانی که نمازشان در جهنم وارد می شود وقتی است که ارائه بخواهند بدهند به مردم و چه بسا نمازگزارانی که نمازشان در جهنم وارد می شود وقتی است که ارائه بدهند به مردم و چه بسا برای خدا عمل می کنند، پاسدارانی که برای خدا خدمت می کنند، ارزش آنها از نماز هم بیشتر است، ارزش مسلسل آنها از قلم هم در آنوقت بیشتر خواهد شد. توجه کنید که آموزش بدهید و در ضمن آموزش تربیت کنید. باسم ربک اختصاص این اسم که رب است برای اینکه توجه به تربیت را بدهد به مردم که باید قرائت کنید و به اسم رب برای تربیت بشر قرائت کنید، قلم به دست بگیرید برای تربیت بشر، آنقدری که بشر از قلم های صحیح نفع برده است از چیزی دیگر نبرده است و آنقدر که ضرر کشیده است، از چیزهای دیگر ضرر نبرده است. قلم ها و بیان ها با مغزهای مردم رابطه دارند. اگر قلم ها و بیان ها و علم ها و تعلیم ها و آموزش ها برای خدا باشد، مغزها را الهی تربیت می کنند و اگر چنانچه بر خلاف این باشد، مغزها، مغزهای غرورمند، مغزهای طاغوتی از آن پیدا می شود. من از همه ملت ایران می خواهم که در این امر بزرگ و این امر حیاتی کمک کنند، در روستاها که آقایان می روند، اقبال کنند کسانی که سواد ندارند، وارد بشوند برای سوادآموزی طلب العلم فریضه خدای تبارک و تعالی به وسیله نبی اکرم فرموده است. بنابراین حدیث که طلب علم فریضه است و در بعضی از روایات فریضه علی کل مسلم و مسلمه برای همه زن ها و مردها فریضه است. با علم است که انسان می تواند تأمین سعادت دنیا و آخرت را بکند، با آموزش است که انسان می تواند تربیت کند جوان ها را به طوری که مصالح دنیا و آخرت خودشان را خودشان حفظ کنند. اگر کشور ما علم را بیاموزد، ادب را بیاموزد، جهت یابی علم و عمل را بیاموزد،

هیچ قدرتی نمی تواند بر او حکومت کند . تمام گرفتاری هائی که ما در این طول مدت تاریخ داشتیم بهره برداری از جهالت مردم بوده است . جهالت مردم را آلت دست قرار دادند و برخلاف مصالح خودشان تجهیز کردند . اگر علم داشتند ، علم جهت دار داشتند ، ممکن نبود که مخربین بتوانند آنها را به یک جهتی که برخلاف آن مسیری است که مسیر خود ملت است تجهیز کنند . علم و سواد است با آن جهتی که باید به او توجه کرد که می تواند ملت را از همه گرفتاری ها نجات بدهد و نمی توانند کسانی که خواهند این نهضت را ، این نهضت اسلامی را می خواهند به خلل برسانند و توانند ببینند که اسلام در این مملکت پیاده دارد می شود . این علم است که می تواند جلوی این فسادها را بگیرد . اگر ملت ما علم را ، آن علم جهت دار را یاد بگیرند ، تربیت بشوند ، در مقابل علم ، در پهلوی علم هم تربیت باشد تربیت دینی ، تربیت الهی ، تربیت انسانی و هم علم ، اگر این دو حربه در دست شما باشد ، کسی نمی تواند به شما تعدی کند ، کسی نمی تواند استبداد را برگرداند و اگر این علم نباشد مردم را توجیه کنند به جایی که باز هم آن مسائل سابق برگردد و آن استبداد سابق و آن وابستگی های سابق . شما سوادآموزان در تمام کشور بدانید که یک خدمتی دارید به این انسان می کنید که بالاترین خدمت هاست و روستائیان و سایر قشرهای بی سواد بدانند که این خدمت ، خدمتی است که باید آنها به جان و دل قبول کنند و اینطور که گمان کنند ما نمی توانیم ، اینطور نیست ، هر انسانی می تواند سوادآموزی کند و می تواند انسان بشود . علم از مهد تا لحد ، از بچگی تا نزدیک مردن . دنیا باید با علم و با علم جهت دار اداره بشود . پیرمرد و پیرزن هم می توانند آموزش ببینند ، می توانند تحصیل کنند مایوس از خودشان نباشند . جوان ها ، پیرها ، بچه ها ، روستائی ها ، شهری ها همه باید کمک کنند و این امر مهمی که تمدن شما ، اسلام شما ، انسانیت شما و همه چیز شما تابع اوست و بسته به اوست ، تربیت کنید اینها را و همه چیز بسته به اوست همه باید کمک کنند و همه با هم انشاء الله سال دیگر اگر من باشم ، ببینم که سوادآموزی به طور چشمگیری پیش رفته است و اگر نباشم خود شما ببینید . خداوند انشاء الله به همه شما توفیق بدهد و به همه ملت ما توفیق بدهد که هم علم را یاد بگیرند و هم جهت علم را و هم مسلسل را برای آرامش دنیا به دست بگیرند و هم تربیت نظامی را .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن های اسلامی و کسبه مشهد

### امروز حفظ وحدت و آرامش مهم ترین وظیفه برای پیشبرد انقلاب است

بسم الله الرحمن الرحيم

شما مهمان های عزیزی هستید که از محل تجلی نور، از محل توجه ملائکه الله، از آستان قدس رضوی آمدید و خوش آمدید. خداوند شماها را حفظ کند و اسلام را به جدیت های شما و همه ملت به پیش برد. و من امیدوارم که با دعای شما در آستان قدس رضوی موفق بشوم به پای بوس آن حضرت برسم.

آنچه که من باید در محضر شما دوستان، عزیزان عرض کنم این است که قدرت های بزرگ توجه دارند به اینکه این ملت در سایه وحدت و اتفاق و توجه به خدای تبارک و تعالی پیروز شدند و منافع آنها را به خطر انداختند و آنها از پای نخواهند نشست و هر روز یک راهی درست می کنند برای اختلاف و برای اینکه وحدت ملت ما را به هم بزنند و ما باید چشم و گوش خودمان را باز کنیم و هوشیار باشیم که اختلافات را دامن نزنیم. ملت ما هر قشری که توجه دارند به اینکه این کشور را اختلاف خواهد آسیب پذیر کرد و هر گروهی که علاقه دارند به اسلام، علاقه دارند به کشور اسلامی، علاقه دارند به ملت اسلامی ایران، به ملت ایران باید کوشش کنند که خللی در این وحدت و اتفاق رخ ندهد. اگر خدای نخواستہ دشمن های ما موفق بشوند به اینکه در هر گوشه ای بین ملت ما اختلاف بیندازند، آنها به آرزوی خودشان می رسند.

امروز آنچه که برای ما از همه چیز لازمتر است آرامش است. ما امروز مبتلای به جنگ هستیم و مبتلای به این خرابکاری های داخلی هم هستیم و دشمن های ما شاید اهمیت به این اختلال های داخلی بیشتر بدهند تا هجوم نظامی، برای اینکه اختلافات داخلی ما را از باطن آسیب پذیر می کند و ما خودمان، خودمان را از بین می بریم. باید ما توجه به این معنا داشته باشیم که مبادا در بین ما اشخاص مغرضی نفوذ کنند و اختلاف بیندازند. اگر خدای نخواستہ این اشخاصی که مغرضند، اختلاف بخواهند بیندازند شماها که بیدارید و ملت ما که بیدارند آنها را نصیحت کنند، نگذارند که آنها به آمل خودشان برسند. ما خیلی احتیاج به آرامش داریم. من از همه شما دوستان و از همه ملت ایران می خواهم که حفظ کنند آرامش خودشان را. اگر فرضا هم کسانی باشند که برای بعضی کارها

بخواهند اختلاف بیندازند ، شماها با عقل و تدبیر حفظ کنید آرامش را ، نگذارید در یک همچو موقعی که ما احتیاج به آرامش داریم خدای نخواستہ اختلاف پیدا بشود . شما از مرکزی آمدید که آن مرکز ، مرکز حقیقت اسلام است و شما می دانید که حضرت رضا سلام الله علیه در آن ابتلائی که داشت و در آن مصیبت های معنوی که برایش وارد می شد ، بدون اینکه یک اختلافی ایجاد کند ، با آرامش راه خودش را به پیش می برد ، مقید بود به اینکه آرامش ملت را حفظ کند و شما می دانید که حضرت امیر سلام الله علیه ، ابوالائمہ ، اول شخص اسلام بعد از رسول الله صلی الله علیه و آله ، در طول مدت عمرشان در جهاد بودند و در آن مدتی که اختلافات بین دستجات بود ایشان آرامش را حفظ کردند برای اینکه اسلام محتاج به آرامش است . ما همه اختلافات خودمان را باید عقلا حل بکنند و نگذارند به سر و صدا و به اختلاف اندازی منتهی بشود . فرضا اگر یک کسی بخواهد یک عملی بکند که به واسطه او تحریک عواطف را بکند ، تکلیف ما این است که باید در مقابل آنها امروز آرامش را حفظ کنیم و سکوت کنیم . من از خدای تبارک و تعالی سعادت و سلامت همه شما را و همه ملت ایران را خواستارم . و هدایت آنهایی که در صدد هستند که اختلاف ایجاد کنند از خدای تبارک و تعالی مسئلت می کنم . من از شما برادران عزیز که زحمت کشیدید و آمدید در یک همچو فضای تنگی نشستید و ایستادید تشکر می کنم و سعادت و سلامت همه شما را از خدای تبارک و تعالی خواستار هستم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته



## بیانات امام خمینی در جمع اهالی خرم آباد و خانواده های شهدای دزفول

### عالم محضر خداست ، در محضر خدا معصیت نکنید

بسم الله الرحمن الرحيم

بعضی وقت انسان متحیر است که با این منظره هائی که مواجه است چه بگوید من الان در مقابلم عکس هائی از شهدا می بینم و در آن تابلو نوشته بود که خانواده های شهدای دزفول آمده اند و جمعی هم از عشایر محترم خرم آباد و از اهالی خرم آباد آمده اند و در آن کنار هم کودکان موسویه تهران آمده اند . و با دیدن این منظره ها چه باید بگوئیم ؟ انسان در این دنیا ، هر انسانی که باشد از انسان های بزرگ مثل انبیا و اولیا تا هر جا که برسد ، مورد امتحان است . امتحان ملازم با وجود انسان است و هیچ انسانی بدون امتحان نخواهد در این عالم زیست کند . گاهی امتحان به خوف ، به جوع به نقص در اموال و انفس ، به نقص در ثمرات و امثال اینهاست که الان در مراکزى که جنگزده است ، بسیاری از اینها تحقق دارد . و این یک امتحانی است که از شما آقایان که در دزفول و در اهواز و سوسنگرد و سایر محالی که مورد تعدی کفار شده است ، واقع شده اید ، این یک امتحانی است الهی برای آزمایش ما و شما . گاهی امنیت مورد آزمایش است ، انسان را گاهی به ناامنی و خوف امتحان می کنند و گاهی به امنیت و اطمینان ، گاهی به نقص در ثمرات و انفس ، جوان ها را از انسان گیرند ، برادرها را می گیرند و بچه ها و زن ها را به این راه امتحان می کنند و گاهی به زیاد کردن ثمرات ، زیاد کردن اموال ، توسعه دادن و امنیت اعطا کردن امتحان می کند . بشر در امتحان واقع است ، با ادعای اینکه من مؤمن هستم ، رها نمی شود ، پیغمبرهای بزرگ امتحان شدند . ابراهیم خلیل علیه السلام در آن قضیه حیرت انگیز امر به اینکه باید اولاد را ذبح کنی امتحان شد ، پیغمبرهای بزرگ ، اولیاً بزرگ امتحان شدند . حضرت سیدالشهدا سلام الله علیه امتحان شد ، اولاد و احفاد او هم امتحان شدند ، و همه ماها هم امتحان می شویم ، و همه بشر هم امتحان خواهند شد و امتحان به امنیت و دارائی و ثروت و ریاست و امثال ذلک بزرگتر است از امتحان در نقص اولاد و انفس ، چه بسا اشخاصی که ادعا می کنند که ما مؤمن هستیم ، لکن وقتی که امتحان می شوند معلوم شود که فقط ادعا بوده ، و چه اشخاصی که ادعا می کنند که ما طرفدار ضعفا هستیم لکن وقتی که امتحان می شوند از امتحان درست در نمی آیند و چه اشخاصی که ادعا می کنند که اگر ما صفحه جنگ پیش بیاید ، پیشقدمیم و در وقت عمل از امتحان درست در آیند . شما دزفولی ها و اهوازی ها و سوسنگردی ها امتحان دادید و خوب از امتحان بیرون آمدید .

این عکس هائی که الان در مقابل من هست و موجب تأثر و تأسف این سند امتحان شماسست و سند افتخار شما . خدای تبارک و تعالی فرماید: بشر الصابرين آنهايى که صبر می کنند ، به آنها بشارت بده . آنهايى که در مصیبت ها ، در نقص ثمرات ، در نقص انفس ، در نقص اولاد صابر هستند و می گویند که : اناللّٰه و انا الیه راجعون ما از خدا هستیم و به او بر می گردیم ، از او هستیم و به او رجوع می کنیم . جوان های ما از خدا هستند و در راه خدا فداکاری کردند و به خدا مراجعت می کنند . انسان اگر چنانچه هر چه دارد بفهمد که از خداست ، اگر زندگی دارد ، خدا به او داده است و اگر اولاد دارد ، خدا به او اعطا کرده است و اگر ثروت دارد ، خدا به او اعطا کرده است و همه چیز را خدای تبارک و تعالی اعطا فرموده است ، اگر دل انسان به این معنا ایمان بیاورد و اطمینان به این معنا داشته باشد ، چیزی که امانت الهی است ، به خدا برگردانده ، اولادها اماناتی هستند از خدا ، زن و فرزند امانت هایی هستند از خدا ، دارائی ها امانت هائی هستند از خدا و به او رد شده است ، و ما از خدا هستیم و به سوی او رجوع می کنیم . اگر امتحان را درست دادیم و همانطوری که اولیا و انبیا امتحان دادند ما هم به آنها اقتدا کردیم ، مورد آن بشارت هستیم که خدای تبارک و تعالی می فرماید و به آنها رحمت می فرستد ، مغفرت می فرستد و آنها را اصحاب هدایت می داند . این امتحان آسان تر است از آن امتحان هائی که به دولتمردان خدا دولتمردان را خدا امتحان می کند . چه بسا از این رؤسای جمهوری که در دنیا هستند ، مدعی احترام به حقوق بشر هستند ، قبل از رسیدن به مقام ریاست جمهور مدعی آزادیخواهی ، مدعی دوستی با بشر ، مدعی پاسداری رفاه بشر هستند ، لکن وقتی که می رسند به مسند و امتحان می کند خدای تبارک و تعالی آنها را ، نمی تواند از امتحان بیرون بیایند ، به جای طرفداری از حقوق بشر ، بشر را به تباهی می کشند ، به جای طرفداری از ضعفا ، ضعفا را به هلاکت می رسانند ، همانطوری که در آن طرف بشرالصابرين است به رحمت و مغفرت و حیات ابدی ، برای اینها هم بشارت و عذاب الیم است ، بشارت به ننگ است . باید امتحان بشویم . مجرد دعوی اینکه من خداخواه هستم من آزادیخواه هستم ، من حقوق بشر را مراعات می کنم ، من اگر به ریاست جمهوری ، به حکومت ، به نخست وزیری ، به رئیس مثلاً قبیله ، به ریاست عشایر برسیم با مردم رفتار خوب می کنم و مردم را به آزادی و رفاه دعوت کنم و خودم هم همین طور هستم ، مجرد دعوی پذیرفته نیست ، وقتی که داده شد آن منصب به آن شخص رسید به آن منصب ، آنوقت است که مطالعه در حال او باید کرد که آیا مثل کارتر هست یا مثل علی ابن ابیطالب ، با مستضعفین و مستمندان آن می کند که علی ابن ابیطالب سلام الله علیه کرد ، یا آن می کند که کارتر کرد ، یا آن می کند که استالین کرد . آنها هم همه مدعی هستند . استالین هم مدعی این بود که برای مردم می خواهد کار بکند و مردم را به طور آزاد ، مساوی نگه دارد ، لکن وقتی که به مقام ریاست رسید فوج مردم را فانی کرد و از بین برد ، کارتر هم همین ادعاها را می کند که ما برای بشر آزادی می خواهیم و رفاه می خواهیم و بشر دوست هستیم ، لکن وقتی که به مقامش رسیدند دیدیم که آنطور بودند ، کردند با بشر آنچه را کردند ، صدام هم ادعای این را می کند که من می خواهم که عرب را چه بکنم و با عرب چه بکنم ، لکن وقتی که امتحان پیش آمد ، اعراب را آنطور در خوزستان به کشتن داد

که مغول نکرده بود و اگر مهلت داده بشود به او، با عراق و ایران و هر جا دستش برسد آن کند که مغول با ایران کرد. ادعا نمی شود کرد که من ادعا کنم که من یک ملائی هستم و مردم دوست هستم، وقتی که رسیدی به منصب آنوقت بین چه هستی. آنوقت که امثال آقای نخست وزیر در حبس بود و زجر بود، ادعای این معنا را البته در دل داشت که این حکومت بده است و اگر من به ریاست برسم چه خواهم کرد، اگر در ذهنش بوده لکن الان در معرض امتحان است. الان همه این رؤسا، رئیس جمهور، نخست وزیر، رئیس مجلس، رؤسای دادگاه ها، رؤسای همه استان ها، حکومت ها فرماندارها، استاندارها، همه اینها در معرض امتحانند و این امتحان از امتحان در نقص اولاد و انفس بالاتر است. امتحان مردم به ریاست، به ریاست در هر مقام، به رسیدن به هر مقام، این امتحان سخت تر است از امتحان در نقص اولاد و انفس و مشکل تر است که انسان بتواند از این امتحان نجات پیدا بکند و درست امتحان بدهد در معرض اعمالی که می کند و در پیشگاه خدا آبرومند باشد. رؤسا هر جا هستند، در هر کشوری هستند، دولتمردان در هر کشوری که هستند و در هر جا که هستند باید بدانند که رسیدن به این مقام، امتحانی الهی بوده است و سخت امتحانی است. خودشان توجه کنند به اینکه قبل از رسیدن به این مقام و بعد از رسیدن به این مقام، چقدر در حالشان تفاوت حاصل شده است. قبل از رسیدن به این مقام به رؤسای جمهوری که سابق بودند، به نخست وزیرانی که سابق بودند، به وکلای مجلسی که سابق بودند، به استاندارهایی که سابق بودند، به دادگاه هائی که در سابق بودند، قبل از رسیدن خودشان به این مقامات به آنها اشکال داشتند و آنها را تقبیح می کردند، الان که خودشان رسیدند آیا همان نقشه را عمل می کنند که آیندگان آنها را تقبیح کنند؟ یا خیر، وقتی که به مقام رسیدند رفتاری می کنند که همانطوری که بعد از هراز و چهار صد سال نسبت به امیر المؤمنین مردم نظر می دهند؟ همان که بعد از اینکه مقام ریاست داشت، به حسب اصطلاح شما تمام ایران و عراق و مصر و جاهای دیگر در زیر سلطه او بود، رفتارش با مردم آنطور بود که هیچ کس نمی تواند آن رفتار را داشته باشد. در خطبه جمعه، گاهی که یک وقتی که در خطبه جمعه آمده بودند و منبر بودند، دامنه شان را حرکت می دادند برای اینکه پیراهن را شسته بودند و پیراهن عوضی نداشتند. بیدار بشویم ما، دولتمردان بیدار بشوند، استاندارها بیدار بشوند، دادگاه بیدار بشوند، ما دعوی شیعه گری را می کنیم، ادعا هست که ما شیعه و تابع هستیم، در مقام امتحان باز شیعه هستیم تبع هستیم آنطوری که او هست؟ به اندازه ای که وسعت وجودی ما هست تبعیت می کنیم؟ با دوستانمان، با رفقایمان، با همکیشانمان، با بشر آنطور رفتار می کنیم آن شخصی بود که وقتی یک خلخال را از پای یک ذمیه یا یهودی یا نصارا بوده است بیرون آورده بودند اشرار، قریب به این معنا فرموده است که اگر انسان بمیرد برای این ننگی که واقع شده و این چیزی که واقع شده است، خیلی بعید نیست. ما هم مدعی هستیم که شیعه هستیم. رؤسا و دولتمردان بیدار بشوند، مخاصمه را ترک کنند، این منظره ها را ببینند، این جوان هایی که خون خودشان را در راه اسلام داده اند، ببینند، این جوان هایی که شما را به این مقام رسانده اند، ببینند و دست از مخاصمات بردارند، آتش بس کنند. در محضر خداست، همه ما در محضر خدا هستیم و

همه ما خواهیم مرد و همه ما خواهیم حساب پس داد. بیدار بشوید ملت، بیدار بشوید دولت، همه بیدار باشید، همه تان در محضر خدا هستید، فردا همه باید حساب پس بدهید، از روی خون شهدای ما نگذرید بدون نظر، و برای مقام دعوا نکنید با هم. ما همه که به صدام اینطور نفرین می کنیم و ننگ نثارش می کنیم، مبادا خودمان آنطور باشیم. در حال خودمان مطالعه کنیم. وقتی که خلوت هست خودمان را آزمایش کنیم که ما اگر به مقام رسیدیم آیا همانطوری که صدام می کند، ما هم همانطور خواهیم کرد، یا شبیه به او؟ یا ما شبیه به خلیفه رسول الله عمل می کنیم حکومت کردن بر یک جامعه ای، بزرگترین آزمایشی است که خدای تبارک و تعالی از بشر می کند. حکومت کردن اگر حکومت اسمش باشد، به اصطلاح حکومت کردن بر یک همچو جامعه ای که خون خودش را در راه اسلام و در راه کشور اسلامی دارد می دهد و جوانان برومندش را دارد فدا می کند، از کارهای بسیار مشکل و از امتحانات بسیار مشکل است. ای رؤسا! شماها در معرض امتحان در آمده اید و اعمال شما دقیقا تحت نظر خدای تبارک و تعالی است، توجه بکنید به این ملتی که به اینطور همراهی به شما می کند. ای پاسداران! ای ارتشیان! ژاندارمری! و ای سایر قوای مسلح نظامی و انتظامی! و ای رؤسای هر جا که هستید، هر قبیله که هستید و ای استاندارهای همه سرتاسر کشور! در معرض امتحان هستید، مبادا با خون اینها برای خودتان بخواهید مقامی درست کنید، خدا نکند شماها بخواهید دیگران خون خودشان را بدهند و شما مقامتان بالاتر برود، خدا نکند که یک همچو حیوانی در باطن شما باشد و شما خیال کنید انسانید. بشر در معرض امتحان است. احسب الناس ان یتروا ان یقولوا آمنا و هم لایفتنون شما گمان کنید، مردم گمان می کنند که همین که گفتند من مؤمنم رهایشان می کنند امتحانشان کنند؟ همین که گفتید ما آزادیخواهیم رهایتان می کنند بر مسند می نشانند تا بفهمند که راست می گوئید یا نه و بفهمانند، به مجرد اینکه ادعا کردید که من برای این ملت و برای این کشور خدمتگزارم رها می شوید؟ امتحان خواهید شد و در امتحان هستید. از من طلبه تا تمام افراد این مملکت و تمام افراد بشر و تمام انبیا و اولیا همه در معرض امتحانند، به ادعا و گفتار رها نمی شوند. فرموده است که: سابقین را ما امتحان کردیم تا اینکه معلوم بشود که چه کسی مؤمن است و چه کسی منافق. همه گروه ها، همه مردمی که در این مملکت یا در رأس امور هستند، یا در بازار هستند، یا در کشاورزی هستند، یا در کارخانه ها هستند، یا در گروهک های مفسد هستند، همه بدانند که در محضر خدا هستند و در معرض امتحان. در گفتار بسیار آسان است که انسان ادعا کند که من چه هستم و چه هستم، لکن همان معنائی را که ادعای کند در همان امتحان می شود، همان شخصی که می گوید من بشر دوستم، در همان معنا امتحان می شود، همان شخصی که می گوید که من طرفدار حقوق بشر هستم در همان معنا امتحان شود، اگر در آن مقامی که رسید، با آنوقتی که قبل از آن مقام بود هر دو مساوی است و نقش او یک طور است و ریاست برای او سنگینی نمی کند، این شیعه علی ابن ابیطالب است و پیرو او، و از امتحان روسفید بیرون آمده من خجالت می کشم وقتی که شماها را می بینم که از خوزستان و خرم آباد و از جنوب و از غرب آمده اید و آنهمه رنج دیده اید و آنهمه جوان های شما شهید شده اند و آنطور خانه های شما خراب

شده اند و وقتی که بیائید در اینجا ببینید اوضاع طور دیگری است سرخون شما دعواست . قلم های در روزنامه ها ، دست هایی که این قلم ها به دست شان است ، آنهایی که در رادیو تلویزیون و در سایر جاها سخنرانی می کنند همه مورد امتحان خدا هستند . آنوقتی که قلم به دست می گیرید بدانید که در محضر خدا قلم دست گرفته اید ، آنوقتی که می خواهید تکلم کنید بدانید که زبان شما قلب شما ، چشم شما ، گوش شما در محضر خداست . عالم محضر خداست در محضر خدا معصیت خدا نکنید ، در محضر خدا با هم دعوا نکنید سر امور باطل و فانی ، برای خدا کار نکنید و برای خدا به پیش بروید . اگر ملت ما برای خدا و برای رضای پیغمبر اکرم به پیش برود ، تمام مقاصدش حاصل خواهد شد . خداوند ما و شما را از این امتحان بزرگ سرفراز و روسفید بیرون بیاورد . خداوند تمام افراد ملت ما را آبرومند کند . خداوند این نهضت را متصل به نهضت امام زمان سلام الله علیه بکند . خداوند دشمنان ما را هدایت کند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 238

## بیانات امام خمینی در جمع اعضای خانواده های شهدای نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی

### حضور شیرزنان در صحنه برای فداکاری و مجاهدت

بسم الله الرحمن الرحيم

من از شما بانوان محترم، بازماندگان شهدای نیروی هوایی و اقربای معلولین نیروی هوایی تشکر می کنم که با روی گشاده و با روحیه قوی با من مواجه هستید و به مخالفین نهضت با شجاعت، استقامت، نمایش می دهید که شما شیرزنان مثل متعلقین شما، شیرمردان، در راه اسلام و در راه کشور اسلامی برای فداکاری و برای مجاهدت حاضرید. در قرآن کریم یک آیه در دو سوره وارد شده است که در یک سوره یک ذیل کوچکی دارد، در یک سوره بدون آن ذیل است. در یک سوره وارد شده است فاستقم كما امرت امر به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرماید که استقامت داشته باش در آن اموری که مأموری. در یک سوره دیگری که سوره هود وارد شده است که فاستقم كما امرت و من تاب معک که هم به خود رسول اکرم امر می فرماید که: استقامت و پایدار باش در آن مأموریتی که داری و کسانی هم که ایمان به تو آوردند و برگشتند به خدا با تو، آنها هم استقامت کنند. در این دنیا کسانی که برای شرافت خودشان، برای شرافت اهل ملتشان، برای شرافت اسلام اموری را انجام می دهند، کارهایی را انجام می دهند اگر در دنبالش استقامت داشته باشند، آنها را حوادث نلرزاند، اینها به مقاصد می رسند، برای اینکه استقامت یک امر مهمی است و مشکلی. در سوره دومی که سوره هود است که دارای آن ذیل است که همه ما مأموریم به استقامت و در رأس، رسول اکرم است، ایشان در این سوره و در این آیه از ایشان وارد شده است که فرموده اند: شیبیتی سوره هود لمکان هذه الایه به حسب این روایت از ایشان نقل شده است که فرموده اند: سوره هود من را پیر کرد، برای این آیه. برای اینکه همه مأمورین را، همه ملت های اسلامی را، همه افراد مسلم را امر فرموده است به اینکه در مأموریتی که دارید استقامت کنید، پابرجا باشید، متزلزل نشوید، چه بسا افرادی که ابتدائاً در یک امری وارد می شوند لکن بعضی مشکلات وقتی پیش آمد نمی توانند خوددار باشند، توانند استقامت کنند و چه بسا اشخاصی که مستقیم هستند استقامت کنند، پایداری می کنند تا آخر تعلیمی که خدای تبارک و تعالی به مسلمین داده است، این است که باید در مأموریت خودتان استقامت داشته باشید، پایداری داشته باشید. بحمدالله امروز ملت ما عموماً و ارتش و قوای مسلح ما خصوصاً و نیروی هوایی بالاخص این امتحان را و این مأموریت الهی را عمل

کردند ، هم فداکاری کردند و هم استقامت . شما بانوان محترم که بازماندگان آنها هستید و برای شما آنها شرافت و عزت به یادگار گذاشتند ، خودتان هم می بینم در گفتارتان استقامت از آن ظاهر می شود .

### **ملت باید علاوه بر جهاد ، استقامت در جهاد داشته باشد**

ملتی که بخواهد شرافت خودش را حفظ کند ، اسلام را که مبدأ همه شرافت هاست بخواهد حفظ کند ، این ملت باید علاوه بر جهاد ، استقامت در جهاد داشته باشد . استقامت معنایش این است که اگر گرفتاری هائی پیدا شد در جهاد ، اگر در جنگ هایی که پیش می آید برای یک ملتی که می خواهد شرافتمند باشد ، خواهد اسلام را و نهضت اسلامی را به ثمر برساند ، از مشکلات هراس نداشته باشد ، در مشکلات سستی نکند ، این امر خداست . خدای تبارک و تعالی که دفاع را بر همه ملت و بر همه مسلمین واجب کرده است و ما هم الان در این امر واقع شده ایم که دفاع می کنیم از شرافت خودمان ، دفاع می کنیم از اسلام عزیز . همان که امر فرموده است که دفاع کنید ، به همه ملت ها امر فرموده است که پایدار باشید استقامت کنید . رسول اکرم در عین حالی که بالاترین موجود بود در استقامت و حضرت امیر سلام الله علیه در روایتی وارد شده است که ما در جنگ هر وقت که فشار بر ما می آمد به رسول خدا پناه می بردیم . در عین حال خدای تبارک و تعالی می فرماید که : فاستقم کما امرت امر می کند که پایدار باش ! نلرزاند تو را چیزی ، آنجایی که می رسد به اینکه تو و امت پایدار باشید . پیغمبر می فرماید که : من به واسطه این آیه پیر شدم برای اینکه استقامت مشکل است و من گرچه می توانم استقامت کنم و افرادی هم می توانند ، ولی همه ملت اطمینان نیست که بتواند مستقل باشد ، مستقم باشد . استقامت در امر از خود امر مشکلتر است . چه بسا پیروزی هائی که برای یک ملتی پیش می آید برای اینکه استقامت در آن امر که موجود شده است ندارند ، سستی می کنند آن پیروزی از دست شان می رود .

### **تلاش مفسدین شایعه ساز برای تضعیف روحیه ملت**

شما امروز هم و تمام ملت و هم قوای مسلحه که خداوند حفظشان کند و هم نیروی هوایی که از او بیشتر از دیگران تعریف شود به پیروزی های چشمگیر رسیده اند . ملت ما کاری کرده است که تمام دنیا را به تحیر و داشته است . ملت ما بزرگترین قدرت های عالم غلبه کرده است . دست بزرگترین قدرت های عالم را از مملکت خودش قطع کرده است . دست دشمنان بشریت را از کشور خودش قطع کرده است . الگو شده است از برای همه کشورهای مستضعفین . در عین حالی که این کار را کرده است ، مأموریم ما همه ، ملت ما ، ارتش ما و سایر قوای مسلح و همه مستضعفان ، مأموریم که در این امری که کردیم ، در این پیروزی که به دست آوردیم ما استقامت داشته باشیم ، پایداری داشته باشیم . جنگ ها کمبودی دارد ، جنگ ها شهادت دارد . جنگ ها خوف دارد برای بسیاری ، جنگ ها گرسنگی دارد ، جنگ ها گرانی دارد ، جنگ ها خرابی دارد و همه چیزهائی که لوازم جنگ است ، خصوصا جنگی

که در ایران پیش آمده است و خصوصاً نهضتی که ایران کرده است که موجب این شده است که قدرت های بزرگ در مقابل او دست به یک توطئه ها زده اند و می زنند که محاصره اقتصادی یکی از آنهاست جنگ این معانی را دارد و شما که می خواهید کشور خودتان را نجات بدهید ، شمائی که قیام کردید و قریب صد هزار کشته دادید و قریب بیشتر از صد هزار ، بیشتر از صد هزار معلول داشتید تا پیروز شدید و به اینجا رسیدید ، باید استقامت داشته باشید ، پایداری داشته باشید . این متاعی که گیر شما افتاده است در دنیا نظیر ندارد ، دیگران به این متاع نرسیدند استقلالی که شما پیدا کردید دیگران به آن نرسیدند . آزادی که شما پیدا کردید دیگران به آن نرسیدند . این آزادی ، حفظش و نگهداریش ، این استقلال حفظ و نگهداریش زحمت دارد . خداوند می فرماید استقامت کنید ، پایدار باشید . از اینکه بنزین کم است نباید بلرزید . ارتش ما دارند جان می دهند شما برای بنزین سست می شوید . جوان های ما ، پاسدارهای ما ، ارتش ما ، ژاندارمری ما ، بسیج ما ، همه اینها در سرحدات دارند فداکاری می کنند ، جانفشانی کردند و می کنند ، شهید دادند و مستقیمند ، و در محال خودشان باز استقامت دارند می کنند و هر روز پیشروی می کنند . ملت باید توجه کند به این مسائل . اشخاصی که تبلیغات سوء می کنند و از کمبود به گوش شما می خوانند این اشخاص ، اشخاصی هستند که می خواهند این پیروزی را از دست شما بگیرند ، می خواهند استقامت را از دست شما بگیرند . امر دائر است ، یا حرف مفسدین را بشنوید یا حرف خدای تبارک و تعالی که می فرماید فاستقم کما امرت و من تاب معک همه مأموریم ، همه مأمور هستیم که استقامت کنیم و پایدار باشیم . من از شما بانوان محترم و بازماندگان شهدا ، بازماندگان شهدای نیروی هوایی و همه بازماندگان شهدا در هر جا که هستید تشکر می کنم که چنین روحیه قوی ای دارید ، که باز در مقابل همه توطئه ها ایستادید و سخن می گوئید و مقاله می خوانید و مردم را دعوت به حیات می کنید و خداوند تبارک و تعالی به همه شماها و به همه ملت ما عزت عنایت کند ، العزت لله عزت مال خداست . من امیدوارم که اعطا کند به همه شما و به همه ملت ما و به همه مسلمین عزت را ، شرافت را ، مستقیم باشید . پایدار باشید که پیروز هستید . از گرانی ترسید ، از کمبود ترسید . شوروی با آن قدرت بزرگش که شصت و چند سال است نهضت کرده است به قول خودش ، شورش کرده است ، الان هم صف های بلند در آنجا برای اینطور مطالب هست . الان هم اشخاصی که از آنجا می آیند می گویند همین کمبودهایی که هست در آنجاها هم هست . الان هم محتاج به این است که گندم از آمریکا بخرد . در خود آمریکا ، شما خیال می کنید که آمریکا در رفاه دارد زندگی می کند . آنقدر در امریکا فشار هست و مستمندان هستند که شاید جاهای دیگر به آن اندازه شاید نباشد ، چرا باید گوش بدهد ملت ما به این مفسدینی که مأمورند از طرف قدرت های بزرگ ، برای شایعه درست کردن و برای تضعیف ؟ چرا باید گوش کند ملت ما به این شایعه سازان و این مفسدین که هر روز در بین مردم می روند و تضعیف می کنند روحیه آنها را؟ شما با آن روحیه بزرگ معجزه ایجاد کردید در دنیا . اعجاز کردید شما در دنیا . با استقامت خودتان حفظ کنید این اعجاز را . حفظ کنید این پیروزی بزرگ را و به کسانی که در مقابل شما می ایستند و گویند کاری انجام نشده است ، بفهمانید که ایران کاری که



کرده است در دنیا نظیر ندارد . در طول تاریخ نظیر ندارد که یک ملت سی و چند میلیونی به یک قدرت های بزرگ چند صد میلیونی با آنهمه ابزار غلبه کرده است و دست آنها را کوتاه کرده است . چه می خواهد دیگر بشود ، بالاتر از این امر چیست امروز روز استقامت است ، امروز روز پایداری است . برادران و خواهران باید پایدار باشند و استقامت کنند و این نهضت را انشأ اللّٰه به پیروزی نهایی برسانند و من از خدای تبارک و تعالی رحمت برای شهدای شما و سلامت برای معلولین شما و عافیت برای خود شما و بستگان شما و برای تمام ملت ایران خواستارم .

والسلام علیکم ورحمة اللّٰه وبرکاته

ص: 242

## بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان مرکز تربیت معلم تبریز و اعضای بسیج مستضعفین مشهد و تنکابن

### همه انسان ها در خسارت هستند مگر مومنینی که عمل صالح داشته باشند

بسم الله الرحمن الرحيم

آقایان که از راه دور آمده اند، از تبریز، از خراسان در این هوای سرد زحمت کشیده اید و این راه های طولانی را طی کردید و در این جای کوچک و حقیر مجتمع شدید با زحمت، از همه تشکر می کنم و از خدای تبارک و تعالی توفیق و سلامت همه شما را و همه ملت را خواستارم. برادران من! شما می دانید که امروز روزی است که ایران مواجه با مشکلات است، مشکلات خارجی، مشکلات داخلی و تا اینکه این مشکلات رفع بشود مقداری زمان لازم دارد و آن چیزی که لازم است بر همه ما، آن چیزی است که خدای تبارک و تعالی برای مؤمنین ذکر فرموده است که همه انسان ها در خسارت هستند مگر مومنینی که عمل صالح داشته باشند. و در تمام اعمال صالحه دو چیز را فرموده اند: یکی سفارش به صبر و یکی سفارش به حق. می فرماید: والعصر، ان الانسان لفي خسر الا الذين امنوا و عملوا الصالحات و تواصلوا بالحق و تواصلوا بالصبر همه انسان ها در خسارتند مگر مؤمنین، آنهایی که عمل صالح می کنند و سفارش به صبر و حق می کنند. امروز ما هم محتاجیم به اینکه هر کدام، دوستان خودمان را دعوت به حق بکنیم، دعوت به اسلام که در رأس حقوق است و حق مطلق است بکنیم و دعوت به آرامش در یک همچو موقعی که گرفتاری هست بکنیم و دعوت به جمهوری اسلامی بکنیم و دعوت به صبر. اگر انسان بخواهد حق را به دست بیاورد، اگر انسان بخواهد یک حکومت حقی در کشورش باشد و اگر بخواهد اسلام که حق مطلق است در کشور پیاده بشود باید صبر کند، آنطوری که اولیاً خدا سلام الله علیهم در همه مراحل، در همه مصیبت ها، در همه مشکلات صبر می کردند. آنقدر مشکل که برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پیش آمد در زمان تشریف فرمائی شان در مکه و بعد در مدینه آنقدر که برای ایشان از همه طرف مشکلات بود، محاصره اقتصادی بود و حمله نظامی، برای ما آنطور پیش نیامده است. آن چند سالی که رسول اکرم به واسطه فشارهایی که بر او وارد شد در مکه مجبور شد که در یک کوهی و در یک غاری پناه بگیرد و مشرکین و منافقین و سایر قشرهای فاسد او را در حصر اقتصادی گذاشتند که حتی برای ارزاق یومیه شان معطل بودند و با زحمت تهیه می کردند و بعد هم که از مکه هجرت فرمودند و به مدینه تشریف آوردند، آنطور هجوم های نظامی بر آنها شد و آنطور هجمه مشرکین و قدرت های آن زمان بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و

یاورانیشان شد برای ما تاکنون نشده است و ملت مادر عین حالی که در فشار اقتصادی از طرف آمریکا و بستگان او هست و همه ملت های غیر مسلم و همه دولت ها ، ملت ما و دولت ما را در فشار از همه اطراف گذاشتند ، معذک چون یک امری است که خود ملت قیام کرده است برای آن و ملت اولی از همه است برای حفظ آن ، این حصر اقتصادی و این هجمه های نظامی برای ملت ما آنطور ناگوار نیست و الحمدلله همه قشرهای ملت و همه انسان هائی که در ایران هستند ، همه ، زن و مرد ، بچه و بزرگ برای حفظ نهضت اسلامی خودشان کوشا هستند و همه خودشان را در حال جنگ می بینند و جوان های برومند ما از همه اطراف ایران داوطلب هستند برای جنگ با آن اشخاصی که گول خورده اند از طرف بعث کافر .

## امروز ملت ما کشور و دولت را از خودشان می دانند

برادران من ! شما می دانید که در صدر مشروطیت ، ایران چقدر ابتلائات داشت و آذربایجان چه همتی در این امر کرد و سردارهایی که از آذربایجان برخاستند چقدر زحمت متحمل شدند و چقدر رنج کشیدند و پیروز شدند . الان همه ملت ما مثل آذربایجان هستند . آنوقت آذربایجان بود و بعضی جاهای دیگر مثل گیلان و سایر جاها هم کم و بیش ، لکن به این وضعی که الان هست ، تاریخ سراغ ندارد الان تمام ملت از همه افراد کشور ، در تمام قشرهایی که هستند ، همه این نهضت را از خودشان می دانند و پیروزی این نهضت را پیروزی خودشان می دانند . مثل زمان سابق نیست که بین دولت و ملت جدائی بود ، بین ارتش و ملت جدائی بود و مردم آنها را از خود بیگانه دانستند . امروز بحمدالله همه ملت ما الا بعضی مفسدینی که تابع ابرقدرت ها هستند ، این کشور را از خودشان می دانند و دولت را از خودشان دانند و همه قوای مسلح را از خودشان می دانند و همه کسانی که در رأس کارها هستند از خودشان می دانند از این جهت آن فشارهایی که بر این مملکت وارد دارد می شود تحمل می کنند و باید صبر کرد ، سفارش به صبر کرد . برای احقاق حق صبر لازم است . اگر ما اسلام را می خواهیم و اگر قرآن کریم را می خواهیم که در این مملکت و انشاء الله در ممالک دیگر پیاده بشود و می خواهیم که یک حکومت اسلامی داشته باشیم ، باید همه توصیه به حق بکنیم و سفارش به حق بکنیم و در همه اطراف کشور ، آنهایی که در کمیته ها هستند ، آنهایی که در بسیج هستند ، آنهایی که در دادگاه ها هستند و سپاه پاسداران شهربانی و همه با هم سفارش به حق بکنند و اگر اعوجاجی خدای نخواستہ در یکی پیدا بشود یا نفوذی کرده باشد بعضی افراد منحرف و چپ نمای نوکر راست ، باید سفارش کنند و نگذارند بر خلاف حق کسی عمل کند . وقتی یک کشوری ادعا کند که جمهوری اسلامی است و می خواهد جمهوری اسلامی را متحقق کند ، این کشور باید همه افرادش امر به معروف و نهی از منکر باشند ، اعوجاج ها را خودشان رفع بکنند . اگر در یک کمیته ای خلاف واقع شود ، خود افراد کمیته و خود مردم آن اعوجاج را سفارش بکنند که رفع بشود . سفارش به حق و صبر ، و سفارش به صبر . در مشکلات صبر بکنند و سفارش به صبر بکنند و در همه قشرهای متصدی کار سفارش به حق بکنند .

نگذارند که بعضی افراد در هر ارگانی که هستند، در هر جایی که هستند، خود ملت نگذارند که بعضی افرادی که نفوذ کرده است در همه ارگان ها، اینها خلافی بکنند خلاف شرعی بکنند، خلاف عرفی بکنند و آنها را امر به معروف کنند و از منکرات نهی کنند تا به سفارش حق تعالی که فرموده است که همه مردم در خسرانند مگر مؤمنین که عمل صالح می کنند و سفارش به حق می کنند و سفارش به صبر. ما همه امروز وظیفه داریم، امر به معروف و نهی منکر بر همه مسلمین واجب است، جلوگیری از منکرات بر همه مسلمین واجب است، سفارش به حق که امر به معروف است و نهی از منکر است بر همه مسلمین واجب است. شما و ما مؤظفیم که هم در تمام اموری که مربوط به دستگاه های اجرایی است امر به معروف کنیم و اگر اشخاصی پیدا می شوند که خلاف می کنند معرفی کنیم به مقاماتی که برای جلوگیری مهیا هستند و مشکلات را هم تحمل کنیم. مشکلاتی که امروز برای ایران هست و برای مملکت جنگ زده هست، این مشکلات باید صبر بشود تا اینکه رفع بشود. شما که امروز کشور را از خودتان می دانید و دولت را از خودتان می دانید و رئیس جمهور را از خودتان می دانید و ارتش را از خودتان می دانید و همه مصالح کشور را مصلحت خودتان می دانید و هر فسادی که در کشور واقع بشود نقص برای خودتان دانید، مؤظف هستید و مؤظف هستیم که هر چیزی که برخلاف حق است سفارش کنیم که انجام نگیرد و حق در ایران انجام بگیرد و مشکلاتی که در اثر جنگ و در اثر انقلاب و در اثر مخالفت با ابر قدرت ها برای مملکت ما پیش آمده است، خودشان صبر کنند و دوستان خودشان را به صبر سفارش کنند و انشاء الله امیدوارم که این صبر شما هم مورد رحمت الهی واقع بشود و هم فرج برای کشور ما و برای ملت ما حاصل بشود.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

تاریخ: 15/10/59

## پاسخ امام خمینی به تلگرام رئیس جمهور در تبریک پیروزی سپاهیان اسلام

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای رئیس جمهور، ایده الله تعالی

ان تنصروا الله ینصرکم و ینتھب اقدامکم

خبر پیروزی چشمگیر قوای مسلح اسلام، با هماهنگی بین جمیع رزمندگان عزیز موجب تقدیر و تشکر گردید. سلام و تقدیر اینجانب را به فرماندهان محترم و سران عزیز و سربازان و پاسداران معظم اسلام ابلاغ نمائید. انتظار دارم که با پشتکار و هماهنگی و انسجام همه رزمندگان محبوب به زودی کشور اسلامی از لوٹ و جود کفار خذلهم الله پاکسازی شود. از خداوند تعالی سلامت و پیروزی همگان را خواستارم. امیدوارم خبر پیروزی نهائی را به خواست خداوند تعالی به زودی دریافت دارم. سلامت جنابعالی و رزمندگان عزیز و فرماندهان و افسران و درجه داران و پاسداران و بسیج و شبه نظامیان و تمامی نیروهای مسلح و نیروهای مردمی که ستون فقرات انقلاب اسلامی ما می باشند از خداوند تعالی خواستارم.

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 246

## بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت تحریریه مجله سروش

### مطبوعات باید در خدمت خواسته مردم، یعنی اسلام باشد

بسم الله الرحمن الرحيم

در انقلابی که از خود مردم بوده است و انگیزه اش را هم خود مردم تعیین کرده اند، باید همه گروه‌هایی که می‌خواهند در این انقلاب خدمت کنند، همان انگیزه را داشته باشند. انقلاب ایران به واسطه اینکه انگیزه اش اسلام بوده و از مردمی که علاقه‌ای به اسلام داشته‌اند، شروع شده است و با همه علاقه پیروز شده است، باید هر طایفه‌ای که می‌خواهند یک کاری بکنند، همان جهت را در نظر بگیرند و همان چیزهایی را که مبدأ پیروزی مسلمانان ایران شد، تعقیب کنند. مع الاسف در مطبوعات دیده می‌شود که آن انگیزه‌ای که مردم دارند و آن فکری که روی آن فکر غلبه کرده‌اند و آن طرزى که جامعه، به استثنای بعضی از افراد و یا بعضی از گروه‌ها، دنبال آن بوده و هستند نیست، من البته وقت ندارم که همه مطبوعات و همه آن چیزهایی که نوشته می‌شود از قبیل مجله‌ها، کتاب‌ها و روزنامه‌ها را بخوانم، لکن به طور اجمال نگاه می‌کنم.

مطبوعات باید به این ملت خدمت کند و باید همان راه را پیش بگیرند که ملت داشته و به واسطه همان پیروز شده است، ولی انسان می‌بیند که بعضی از مطبوعات اینطور نیستند. شما همه می‌دانید که اگر این وحدت و یکپارچگی ملت و آن علاقه‌ای که ملت به اسلام داشت، نبود، ما توانستیم که چنین پیروزی به دست بیاوریم برای اینکه ما در آنوقت نه در ارگان‌های نظامی دستمان بود و نه تعلیمات نظامی داشتیم و نه یک اسلحه قابل ذکر، بلکه هیچ نداشتیم، معذک آن چیزی که همه حساب‌ها را در هم کوید، توجه مردم در سراسر ایران، از بچه کوچک تا پیرمردها، به یک مطلب بود، آن اینکه باید رژیم سابق نباشد و جمهوری اسلامی باشد و آنوقت اختلاف هم در کار نبود، آنها که بعداً، اختلاف کردند آنوقت هم انگیزه اش را داشتند، ولی در مقابل آن، آن موجی که بود، جرأت نمی‌کردند چیزی بگویند. ممکن است که خیلی از آنها خواستند خودشان را در جمعیت داخل کنند که بعداً بهره‌بردارى نمایند چنانچه می‌بینید الان همین طور است. چه اشخاصی و چه گروه‌هایی که در این نهضت و در این کاری که مردم کردند، بسیارشان دخالت نداشتند، بلکه بعضی از گروه‌ها هیچ دخالت نداشتند، لکن خودشان را وارد کردند و دنبال این بودند که چه می‌شود آیا رژیم سابق غلبه می‌کند تا خودشان را داخل او بکنند؟ و یا رژیم بعدی غلبه می‌کند تا خودشان را در آن داخل نمایند؟ و معنی

فرصت طلبی هم همین است که اشخاصی کنار بنشینند و نگاه کنند ببینند چه می شود، هر چه شد آنوقت خودشان را در آن گروهی که پیروز شده است، جا بزنند. البته این گروه ها وقتی دیدند مسأله آنطور نیست که هر کسی بیاید و هر کاری دلش می خواهد، بکند و وقتی مواجه شدند با جمعیت هائی که توجه به اسلام داشتند، مشغول شیطنت شدند. بنابراین، مطبوعات باید خدمتی که به آنها محول شده است و برای کشور ما مطرح هست، آن را انجام دهد تا به اسلام و به کشور خودشان خدمت کرده باشند و باید آن خط را دنبال نمایند. مطبوعات باید مسائلی را که مضر به وحدت جامعه و مضر به آن انگیزه ای است که جامعه برای آن قیام کرده است و در حقیقت مضر برای اسلام است، از او احتراز کنند.

### انتخاب افراد در مطبوعات امر مهمی است

باید آنهایی که در رأس مطبوعات هستند توجه داشته باشند که مبادا در بین آنها اشخاصی خودشان را جا بزنند. شما می دانید که الان اینهایی که انحراف دارند مشغول فعالیت هستند و می خواهند خود را در هر چه جایی که پیدا بشود به یک صورتی داخل کنند. ممکن است یکی از آنها تسبیحی دست بگیرد و ریشی هم بگذارد و در حضور شما نماز هم بخواند، ولی شما باید فکر بکنید که این شخص سابقه اش چه بوده و چکاره است و فرض کنید وقتی در محله شما وارد می شود می خواهد چکار بکند. انتخاب افراد برای مطبوعات امر مهمی است خصوصاً برای رادیو تلویزیون چون اشخاص زیادی در رادیو تلویزیون و مطبوعات هستند که می خواهند وارد شوند، به طوری که اشخاصی که درست فکر می کنند متوجه نباشند و راه را منحرف کنند. الان شما ببینید در سرتاسر کشور یک مسائل انحرافی هست که این مسائل، این مسائل انحرافی نمی شود از آن اشخاصی باشد که مستقیمند. بنابراین معلوم می شود که اشخاصی منحرف مثلاً در کمیته ها، در دادگاه ها، در بسیج، در همه جا، در رادیو تلویزیون، در مطبوعات هستند. البته در بین اینها الان بسیار اشخاص سالمی هستند، اما چون ممکن است گاهی ساده فکر کنند و یک کسی را که درست نمی شناسند و از سوابق او درست اطلاع ندارند، چون ظاهرسازی می کند از او گول بخورند و او را در دادگاه و یا در کمیته و در مطبوعات که مهم است، وارد بکنند و یک وقت متوجه شوند که آن خطی را که خود ملت داشته است که هم وحدت و هم اسلام در آن بوده، نیست و یک وقت می بینیم که در مطبوعات آن شخص راهی می رود که به طرف چپ است و یا یک راهی را می رود که به طرف راست است و می بینیم آن راه مستقیمی که یک ملت دنبالش هستند، آن راه اسلام است، منحرف می شود. این از مسائل مهمی است که بخواهند خدمتی بکنند این از مسائل مهم کسانی است که بخواهند خدمتی بکنند، مجله ای بیرون بدهند یا روزنامه ای بنویسند. اولین مسأله آنها این است که افراد انتخاب کنند، اولین مسأله آنها انتخاب افراد است، چون افراد اگر چنانچه اشخاصی منحرف باشند، بدون اینکه شما توجه داشته باشید، یک وقت متوجه می شوید که انحراف پیدا شده است چون اشخاصند که می توانند انسان را به دامان امریکا و یا به دامان شوروی بکشانند. ملتی که برای اینکه از زیر این سلطه ها خارج شود آنقدر

مجاهده کرده است، آنقدر جوان داده است، آنقدر زحمت کشیده است، یک وقت می بینید راه مجله، راه مطبوعات، راه رادیو تلویزیون، نطق ها و همه آن چیزهائی که الان هست، به واسطه ورود اشخاصی که خلاف آن چیزی که مسیر ملت است، عمل می کنند، منحرف شده و شما بعدا متوجه آن می شوید. این از مسائل مهمی است که توجه به او لازم است و اغماض از آن جایز نیست.

### رسانه ها مربی یک جامعه هستند

من امیدوارم این مجله ای که شما دارید و حالا آمده اید به اینجا بامن صحبت می کنید، این توجه در رأس همه توجهات آن باشد نوشته هائی که می خواهید طرح بشود، چند نفری را که یقین دارید آدم هائی مستقیم هستند و در مسیر ملت و کشور هستند و وابستگی به هیچ جا ندارند، مطالعه و درست در آن دقت کنند و بعد از دقت در روزنامه یا مجله نوشته شود. اینطور نباشد که بنویسند و منتشر بشود، بعد بفهمند که این نوشته بر خلاف بوده است، و این مطلب یک امری است لازم. کتاب هم وقتی که نوشته می شود، قبل از اینکه انتشار پیدا کند، باید اشخاص کارشناس متوجه به شیطنت هائی که شیاطین می خواهند بکنند، باشند. فرض کنید کتابی اولش خیلی خوب است، اواسطش هم خیلی خوب است، ولی یک وقت می بینید که یک جایش طوری از کار در می آید که آنطور که ما تصور می کردیم، نیست. چیزهائی که منتشر می شود باید به آن درست توجه شود و افراد مطلع و مدبر و کسانی که از مکتب ها اطلاع دارند و مسیر آنها را می دانند به آن توجه کنند، کتاب ها را مطالعه کنند، مجله ها را قبل از انتشار درست مطالعه کنند مبادا یک وقتی یک جایش خلاف در آید و آنوقت برای شما دست بگیرند که مثلا این مجله انحرافی است. این مطلب هم به صلاح خود شماست و هم به صلاح ملت و از مسائل مهمی است که در درجه اول اهمیت واقع شده است. اشخاصی که اداره می کنند یک جائی را باید از اول ارزیابی شود که این اشخاص چکاره بوده اند، سوابقشان چیست و تحصیلاتشان در کجا بوده، چه رویه ای در تحصیلات داشته اند و بعد از انقلاب چه وضعیتی داشته اند، قبلا چه وضعیتی داشته اند، افکارشان قبلا چه بوده. اگر کسی افکارش منحرف بوده و حالا بیاید ادعا بکند که من برگشته ام، ما باید قبول کنیم، اما نباید او را مجله نویس کنیم، این دو، با هم فرق دارد. بسیاری از اشخاص هستند که می آیند و می گویند ما توبه کردیم، البته توبه آنها قبول است، لکن نمی شود آنها را سرکاری گذاشت که آن کار اهمیت دارد، برای اینکه ما نمی دانیم این شخص به حسب واقع توبه کرده است یا می خواهد با کلمه توبه ما را بازی دهد. ما قبول می کنیم که در جامعه مسلمین مثل سایر مسلمانان با او عمل کنیم، اما نباید رادیو تلویزیون را به دست او بدهیم و یا او را در رادیو تلویزیون راه دهیم و یا مجله ای که برای تربیت افراد و برای ترویج مسیر اسلامی ملت است، به دست او بدهیم و یا نوشته هایش را به دست او بسپاریم. ما نباید خوش باور باشیم، خیلی از اشخاص هستند که تمام حرف هایشان حرف های اسلام است، تمام حرف هایشان حرف های نهج البلاغه است، تمام حرف هایشان حرف های قرآن است، لکن مسیرشان این نیست. اشخاصی هستند که این راه را پیش گرفتند برای اینکه خودشان را در جامعه جا



بزنند و آن مقصدی را که دارند عمل کنند. باید قبول کنیم یک کسی که فرض کنید قبلا عاصی بوده، این آدم مسلمان است و به او ترتیب اثر اسلام هم بدهیم. مثلا فرض کنید یک دزدی آمده توبه کرده است، توبه دزد قبول است اما آیا شما می توانید سرمایه هایتان را دست او بدهید و به او بسپارید؟ خیر، چون این عقلائی نیست، ممکن است این دزد برای اینکه سرمایه دستش بیاید، توبه کرده است و ما مؤظفیم که در ظاهر قبول کنیم که دزد توبه کرده است و حتی اگر یک توبه ای هم که ظواهرش هم درست بوده، کرده باشد، می توانیم در نماز هم به او اقتدا کنیم، اما نمی توانیم چیزی که در او امانت و دیانت لازم است، به دست او بدهیم. از همه بدتر همین مجلات است، همین مطبوعات و رادیو تلویزیون است و همین چیزهایی است که برای تربیت جامعه لازم است. یک نفر آدم که قبلا فرض کنید انحراف داشته کمونیست بوده و حالا آمده است و می گوید حرف های آنها درست نبوده و من برگشته ام، می گوئیم بسیار خوب، شما برگشته اید، اما ما نمی توانیم این شخص را در رادیو تلویزیون راهش دهیم و بگوئیم مردم را تربیت کن، چون ممکن است کمونیست باشد لکن ما را بازی دهد، ما مکلفیم با این شخص در ظاهر، عمل مسلمانی بکنیم در صورتی که در عقیده کمونیست نشده باشد که آن مسأله دیگری است. شما نمی توانید در مجله ای که دارید افرادی را انتخاب کنید که در سابقه شان انحراف بوده است به حساب اینکه حالا دیگر خوب شده است و آدم مسلمانی است و به این حساب او را در روزنامه تان وارد کنید. اینکه او خیلی خوب است برای خودش، ما نمی گوئیم بد است اما نمی توانیم مطلبی را که در تربیت یک ملتی و در سرنوشت یک ملتی دخالت دارد، به دست او بدهیم. این از مسائل مهمی است که در همه جا باید رعایت شود. اینکه ما بگوئیم اشخاصی که می گویند ما خوب هستیم و باید وارد شویم و هر جایی که سرنوشت ملت است به دست او بدهیم، این ساده اندیشی است و توجه نداشتن به مسائل است. ممکن است یک نفر آدم خیلی خوب هم، خوب و متعهد باشد لکن اشتباه داشته باشد، اشتباه برای او چیزی نیست اما برای یک ملت ممکن است صدمه وارد شود. فرض کنید اگر یک اشتباهی در ارتشی واقع شود و یا رئیس ارتش اشتباه کند، فقط خودش معاقب آن نیست که اشتباه کرده است چون انسان همیشه اشتباه می کند اما ممکن است یک اشتباه یک ملت را به باد دهد. ممکن است در یک مجله اشتباهی باشد، لکن باید اشخاص دیگری هم ببینند این مجله را تا اگر اشتباه شده است، رفع کنند و آنوقت منتشر بشود. کار، کار مهمی است در مطبوعات در رادیو تلویزیون و در این وسائلی که تقریباً عموم مردم نگاه می کنند و یا می شنوند، نمی شود گفت ما حالا اشتباه کردیم و فردا اشتباه نمی کنیم. الان نوشته ای برای من که راجع به روزنامه ای که اشتباه کرده است آورده اند، من نمی گویم که عمدی بوده، ممکن هم هست که عمدی باشد، اما اشتباهی کرده است که این اشتباه برای مملکت مضر بوده است. در هر صورت به مسائل باید توجه شود، ما به این هیاهویی که در اطراف می شود و تضعیف می کنند نباید اعتنا کنیم.

## یکی از رسالت های مطبوعات سست کردن مبانی تحلیلی دشمن است

از مسائلی که در مطبوعات لازم است این است که مقداری از اوراق خودشان را صرف این کنند که جمهوری اسلامی چه کرده است. شما می بینید که الان آن اشخاصی که می خواهند به جمهوری اسلامی صدمه بزنند، راه افتاده اند که این رژیم هیچ کاری نکرده است و این همان رژیم شاهنشاهی است و فرقی با رژیم شاهنشاهی ندارد حتی بعضی از نویسندگان متعهد مسلمان که آدم های صحیح و با سوادی هستند شرح مفصلی نوشته اند راجع به اینکه جمهوری اسلامی حالا هم همان کارهای سابق را می کند، اینها نگاه نمی کنند ببینند حالا چه شده است. آقای وزیر آموزش و پرورش که چند روز پیش آمده بودند گفتند تعداد مدارس که در این دو سال ساخته شده است ثلث مدارس است که از اول تا حالا در ایران ساخته شده. آنهایی که غرض دارند اینها را نمی گویند مسائلی را که باید گفت، نمی گویند، آن چیزهایی را که عیب دارد، می گویند. حضرت مسیح سلام الله علیه آنطوری که نقل می کنند با اصحابش می رفت، الاغ مرده ای یا یک حیوان مرده ای افتاده بود و آنجا را متعفن کرده بود، آنها از تعفنش می گفتند، حضرت فرمود: چه دندان های سفیدی دارد. اینها تعلیم هست برای ما، نباید انسان یک جمهوری اسلامی که تا به حال اینقدر برکات داشته است، تمام مراکز فساد را بسته است، اینقدر برای مستضعفین کار کرده است، اینقدر مدارس و خانه برای مردم ساخته است را فراموش کنند و بیایند در فلان دادگاه که شخصی در آن دادگاه خطا کرده است این را بگیریم و هیاهو کنیم که این انحراف است. معلوم است این قلم از هر کس بوده است، قلم انحرافی است. ممکن هم هست که خودش ملتفت نباشد. شود در یک جامعه ای که دو سال از زندگیش می گذرد، یک جامعه ای که همه چیزش خراب و فاسد بوده و بیش از دو سالش نیست، این بچه دو ساله را بخواهید مثل یک انسان چهل ساله که همه کارهایش را انجام داده، درست کنید. ما نباید خودمان به جان جمهوری اسلامی بیفتیم برای اینکه فرض کنید اعوجاجی در فلان جا واقع شده است و یا چون یک شخصی را که خیلی آدم خوبی بوده و حالا او کاری بر نمی آید و کنارش گذاشته اند، حالا ما قلم به دست بگیریم کتاب بنویسیم، مجله بنویسیم و همه مفاصدی را که در یک یا دو گوشه مملکت واقع شده است، به رخ جمهوری اسلامی بکشید که جمهوری اسلامی اینطوری است فرض کنید اگر یک نفر وکیل در بین دوستان و پنجاه تا سیصد نفر وکیل یک کار خلافی کرد، ما نباید بگوئیم که همه این وکلا خرابند و مجلس شورای اسلامی مجلس خرابی است. اگر در این دادگاه هایی که در سرتاسر ایران است فرض کنید پنج نفر یا ده نفر خطا کردند، آیا ما باید بگوئیم آن خطاست یا باید بگوئیم دادگاه ها خطاست؟ اینها اشتباهاتی است که می کنند یا غرض ورزی هائی است که می کنند بعضی از اشخاصی که اشتباه کرده اند و بعضی از اشخاص غرض دارند. از وظایف رادیو تلویزیون و مجلات و سایر جاها این است که مسائلی که واقع شده است، بگویند. من در همان اوایل امر که آقای بازرگان نخست وزیر بودند به آقایان گفتم که شماها مسائلی که انجام می دهید، در رادیو تلویزیون اعلام کنید که این کارها را کرده ایم، نگذارید آنها بگویند که این کار را نکردند، فلان کار را نکردند و هیچ کاری نکردند. کار نکرده ها البته

زیاد است، اما یک مملکتی که لاقلاً بیش از پنجاه سال به انحراف شدید کشیده شده است و در این پنجاه سال تعمد داشته اند که منحرف کنند و ما را از همه طرف وابسته کنند، در این دو سال آنچه شده است، اعجاز است.

### وظیفه قلم ها سازندگی است نه غرض ورزی

توئی که حالا قلم به دست گرفته ای و برای همه می نویسی، از همه ارگان انتقاد می کنی، آزادی، ولی آیا شما در سه سال پیش از این می توانستی قلم را دست بگیری و یک کلمه راجع به یکی از این ارگان ها صحبت کنی قلمت را می شکستند و پدرت را در می آوردند. شما قدر آزادی را نمی دانید. الان آزادی پیش بعضی از اشخاص ملعبه شده است که هر چه دلشان می خواهد باید بنویسند و هر چه دلشان می خواهد باید بگویند. در هر صورت ما یک وظیفه اسلامی و انسانی داریم که آن چیزهایی که در این جمهوری اسلامی شده است بگوئیم و به مردم برسانیم، انتقاد هم اگر داریم، البته اگر کوتاهی شده باشد، باید نوشته شود. نمی گوئیم آن را ننویسید، آنها را هم بنویسید اما انتقاد غیر از غرض ورزی است. یک وقتی قلمی می خواهد مسأله ای را که کوچک است، بزرگ کند، چند مقابل کند، تیترا بزرگ بنویسد و هر چه دلش می خواهد بنویسد که می بینیم گاهی تیتراهای مناسب با خود مطلب نیست بلکه تیترا را از جای دیگر پیدا کردند و زیرش چیز دیگری نوشته اند که البته این غرض ورزی است و یک وقت یک قلمی را می بینیم که می خواهد جامعه را اصلاح کند هم خوبش را می گوید و هم آنچه ناقص است اما نه به طور انتقاد غرض آلود، نه به طور تضعیف، مسائل را دو جور ممکن است بگوید، یک وقت مسائلی را که یک استاد شریف برای بچه ها می گوید و این استاد شریف می خواهد بچه هائی را که انحراف دارند، آنها را از انحراف بیرون بیاورد، در اینجا با زبان ملایم نصیحت شان می کند و به آنها می فهماند، یک وقتی استادی داریم که می خواهد به اینها ضربه بزند، با ضربه می خواهد اینها را اذیت کند، دو فرض است، دو جور قلم است، دو جور گفتار است و دو جور نوشتن است. باید فکر این مطلب باشیم که اگر در کار شمای تنها و نه همه، انتقاد است، همه نویسندگان، همه گویندگان به طور ملایم و به طور دلسوزانه مسائل را مطرح بکنند، نه به طوری که بخواهند به جمهوری اسلامی ایران ضربه بزنند. اگر این جمهوری اسلامی به واسطه قلم اینها ضربه بخورد، پیش خدای تبارک و تعالی و پیش ملت و پیش همه ملت ها مسئولند.

یک چیزی که همه ملت ها از آن تعریف می کنند، ما خودمان نشسته ایم قلم به دست گرفته ایم و اگر یک عیب کوچکی در یک جا پیدا شد و فرض کنید که یک نفر در یک جا خطا کرد یا فرض کنید یک نفر هم عمداً مال کسی را مصادره کرد آنوقت بگوئیم که جمهوری اسلامی مثل رژیم شاهنشاهی است. آخر کجای این رژیم مثل رژیم شاهنشاهی است؟ در رژیم شاهنشاهی بازار اسلام اینطور بود خیابانتان اینطور بود؟ مراکز فحشا اینطور بود که دیدید، همه چیزمان اینطور بود که دیدید، نفتمان را می بردند، همه چیزمان را می بردند. در این رژیم همه اینها جلوی دست گرفته شد، از اینها هیچ نمی گویند و قلم ها در این

باره شکسته است اما فلان آدم در فلان جا فلان کار را کرده است ، فلان آدم را مثلا کشته است ، آیا این مربوط به جمهوری اسلامی است ؟ البته این به جمهوری اسلامی مربوط نیست ، باید یک نفر آدم که خطا کرده ، جلوییش را گرفت . اگر نصیحت کنند که یک چنین آدمی در فلان جا چنین کاری کرده و جلوییش را باید بگیرید ، البته باید جلوییش را بگیرند . این قلم ها تا وقتی در اختیار امریکا و شوروی باشد ، خودش هم نمی فهمد ، قضیه ، قضیه نصیحت نیست ، قضیه غرض و عقده ای است که دارند و می خواهند این عقده را صاف کنند . باید به این معانی توجه شود ، وظیفه من هم دعاگوئی است ، من به همه شما دعا می کنم ، خداوند همه شما را حفظ کند و موفق کند تا خدمت کنید به کشور خودتان ، مسلمان هستید به اسلامتان خدمت کنید ، ملت را دوست دارید به ملتتان خدمت کنید ، کشورتان را دوست دارید به کشورتان خدمت کنید . در نوشته هایتان به خدا توجه داشته باشید ، بدانید که این قلم که در دست شماست در محضر خداست و اگر هر کلمه ای نوشته شود ، بعد سؤال می شود که چرا این کلمه نوشته شده است . اگر به جای این کلمه بشود یک کلمه خوبتر نوشت ، از شما سؤال می کنند چرا این کلمه زشت را نوشته اید . انشأ اللّٰه خداوند همه ما را تأیید کند . موفق باشید .

## بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت دولت برادر رجائی (نخست وزیر)

**مقید باشید به اینکه کارهایتان را بگوئید به مردم، اگر نگوئید موجب تضعیف می شود**

بسم الله الرحمن الرحيم

من توفیق همه آقایان را از خدای تبارک و تعالی مسألت می کنم و امیدوارم که در ضمن هم موفق باشید که خدمت بکنید به این کشور و از این حالی که داریم بهترش کنید و بعضی مطالب که مهم است در نظرم، عرض می کنم.

گرفتاری امروز ما، همین اختلافاتی است که مشاهده می شود. شما هر چه کار می کنید اگر اختلافات را کوشش نکنید که رفع بشود کارهای شما را آن کسانی که بخواهند یک عیبی بگیرند به آن، عیب می گیرند. هیچ شکی نیست اینهایی که افتاده اند دور بازار و کوچه و این طرف و آن طرف و سمپاشی می کنند، آنها، این کارها را می کنند و اگر شما در همان سطح بالا، این اختلافات را کوشش کنید که با عقل و تدبیر، در رفعش بسیار کوشش کنید انشاء الله یک آرامش روانی پیدا بشود و کارها در آن آرامش زود انجام می گیرد، بهتر انجام می گیرد. این مسأله را که به من گفتید در یک همچو اطاق محدودی، بهتر این است که هر یک از آقایان که متکفل یک امری هستند، وقتی کاری انجام می دهند بروند در رادیو بگویند و از مردم بخواهند که هر کس اشکالی دارد که مثلاً ما بر خلاف می گوئیم، بیایند اطلاع بدهند، در روزنامه ها اطلاع بدهند، خودشان بیایند در محضر عمومی اطلاع بدهند که این حرفی که ما راجع به برق زدیم، راجع به امور دیگر زدیم اگر چنانچه مردم اعتقادشان این است که اینطور نیست و کاری انجام نداده است جمهوری اسلامی، بلکه عقب رفته است از زمان طاغوت، هر کس این ادعا را دارد، بیاید بگوید که ما در این مواردی که داریم، می گوئید که: عمل کردیم، بیایند بگویند که نخیر شما عمل نکردید. و اگر چنانچه نیامدند و نگفتند، معلوم شود که ما عمل کردیم و مردم گوش ندهند به حرف اینهایی که می گویند که دولت هیچ کاری نکرده و نمی تواند هیچ کاری بکند. من نمی گویم که بعد از اینکه این هم اعلام کردید، باز مسأله نیست اما کم می شود، در بین مردم کم می شود ولو آنهایی که می خواهند بگویند، می گویند اما مردم دیگر باورشان نمی آید. این سکوت شما از کارهایی که انجام می دهید البته بعضیش را می گویند اما همه اش را نمی گویند، شما هر کدام که در هر وزارتخانه ای هستید، وزیر هر وزارتخانه ای هستید مقید باشید به اینکه کارهایتان را بگوئید به مردم، آن

چیزی که نباید گفت، آن عبادات شخصی آدم است که نباید بگویند اما کارها و خدمات هائی را که شما کردید، اگر نگویند فساد دارد یعنی موجب تضعیف می شود، لکن اگر به ملت بگویند، بیاید هر کسی بگوید مسائل خودش را که ما این کارها را کردیم، در تلویزیون، در رادیو اعلام کند و بعد هم اعلام کند که هر کس مخالف با این کارهائی است که ما کاری را کردیم، می گوید ما صحیح نمی گوئیم، بیاید بگوید. هر دهی که ما برایش این کار را کردیم اگر نمی کردیم، اگر اینها ادعا دارند که نکردیم، بیایند بگویند و مقایسه ای هم بین این دو سال و این سال های طولانی که طاغوت بوده است این مقایسه را بکنید، بروز بدهید.

یک روز البته آقای با هنر راجع به مدارس گفتند که در ظرف این دو سال، نسبت به طول مدتی که آنها بودند یک ثلث، مثل اینکه ایشان گفتند که یک ثلث ما درست کردیم، در صورتی که در طول آن سال های طولانی این دو مقابل آنها زیاد بوده است. اینها یک مسائلی است که باید گفته بشود، مردم آشنا بشوند، مردم بفهمند که دولت دارد چه کارهائی برایشان انجام می دهد، آدم خدمت به یک جامعه ای بکند و بعد هم خود جامعه ندانند که خدمت چه شده است؟ البته آن دهات خودشان می فهمند، اما خوب سطح بالاها و خوب سطح شهرستان ها اینها خیلی نمی توانند بفهمند این معانی را، باید گفته بشود و هر کدامتان یک روز در هر چند وقت یک دفعه بیایند و ریز اعمال خودتان را بگویند که ما این کارها را کردیم.

و مهم در نظر من این اختلافاتی است که مشاهده می شود و ریشه خیلی زیادی هم ندارد، الی ریشه های نفسانی. باید یک قدری این مسائل را خودتان حل کنید. در هر وزارتخانه ای اگر مثلاً اشخاصی باشند که می خواهند یک کارهای چه ای بکنند، نگذارند کارها انجام بگیرد، با ملایمت، با تدبیر آنها را به وظایفشان آشنا بکنید. و اگر یک وقت دیدید که کسی است که نه، نخواهد گذاشت، خوب، تصفیه بکنید و اگر چنانچه کسانی که تصفیه شده اند اشتباه بوده است، آنها را برگردانید باز به محل خودشان تا خدمت بکنند. و من امیدوارم که انشاء الله همه نقائص رفع بشود و انشاء الله این جنگ هم به زودی تمام بشود و آنطوری که دیروز صبح هم حتی گفته شد، پیشرفت زیاد بوده است و من امیدوارم که دنبال بشود این وضع و آرام بشود مملکت، گر چه اینها گذارند به این زودی ما آرام بگیریم، ممکن است یک جای دیگر یک فساد بکنند، لکن شما و ما باید مصمم باشیم، ملت ما باید مصمم باشد به اینکه آن چیزی را که به دست آورده است از دست ندهد. ما الان آن چیزی که به دست آوردیم، ارزشش بیشتر از این مقداری است که ما از دست دادیم. با اینکه جوان هائی که ما از دست دادیم، ارزششان خیلی زیاد است، لکن برای ملتی که می خواهد مستقل و آزاد باشد، اینطور ضایعات هست و چون ملت ما همه با هم هستند، دولت را علیحده از خودشان نمی دانند و کشور را کشور خودشان می دانند و دولت را دولت خودشان می دانند از این جهت کم می شود که بتوانند آنها را که بخواهند آسیب بزنند، آسیب بزنند. اگر ملت را آشنا کنید، باز نگذارید که آشنا نباشند به کارهائی که کردید، آشنا کنید به مسائل، برایشان مطالب را بگویند، بروید توی خود مردم، با آنها مسائل را در میان

بگذارید که آن کسانی که مثلاً گروه هائی که می خواهند نشود این جمهوری اسلامی، تحقق پیدا نکند این جمهوری اسلامی، آنها دیگر حرف هایشان موثر واقع نشود.

### به مردم بفهمانید که خدمتگزارشان هستید

در هر صورت مثل این ملتی که الان ما داریم، کم نظیر است، بی نظیر است. باید گفت که در جائی الان گمان ندارم هیچ کدام از شما سراغ داشته باشید که یک ملتی با دولت خودش اینطور بشود، که کارها را مشترکاً انجام بدهند. سابق که طاغوت بود که هر چه می توانستند کارشکنی می کردند، هیچ همراهی تو کار نبود، برای اینکه مردم دیده بودند که دولت به فکر آنها نیست، شما باید آنطوری که به حسب واقع هم همین طور است به مردم حالی کنید که ما برای خدمت آمدیم، ادارات برای خدمت آمدند، مردم با دل راحت بیایند تو ادارات، من آن تلخی هائی که در زمان سابق بود، در زمان رضاخان بود، بعدش هم در زمان این، آنوقت آن تلخی ها را زمان رضاخان خود من چون جوان بودم توی این مسائل می رفتم گاهی، که اگر یک وقت ابتلاً به کلاتری پیدا می شد، آنوقت برای جاهایی هم که از اینجا می خواستند بروند فرض کنید به آذربایجان هم، باید بروند کلاتری و آنجا یک ورقه ای، چیزی بگیرند، مردم وقتی می خواستند به کلاتری بروند با یک ترس و رعب و وحشتی کانه می خواهند به حبس بروند. اینها عادت نباشد در ادارات که مردم وقتی می خواهند تو اداره بروند بترسند. این بیچاره دهاتی ها سابقاً اینطور بوده، حالا خیال می کنند باز هم اینطور است. حالا باید ادارات به روی مردم باز باشد و با آغوش باز مردم را بپذیرند، دردهائی که مردم دارند بگویند به آنها، بتوانند بگویند، آنها هم کوشش کنند در اینکه حل بشود مسائلمان که مردم احساس کنند که یک دولتی است که مال خودشان است و برای خودشان دارند خدمت می کنند هیچ اشکال ندارد که وقتی ملت فهمید که یک جمعی دارند خدمت می کنند و خودشان هم آن قبه و بارگاه هائی که زمان سابق بود ندارند، آنها هم مثل مردم عادی دارند زندگی می کنند، لکن شاید وضعیتشان خیلی هم کمتر باشد، مردم وقتی ببینند به حسب فطرتشان فطرت صحیح است، خوب به حسب فطرت، عاشق یک همچو دولتی خواهند شد. خصوصاً که بعد از یک همچو قضایایی که در زمان سابق بوده است این قضایای زمان سابق، خوب خیلی از اشخاص هست که یادشان هست آن مسائل را. حالا بعد از آن قضایائی که در زمان سابق بوده اگر دیدند یک دولتی آمده و عکس آن مسائل الان هست، همه خدمت است، همه اش این است که می خواهند روح مردم آرامش داشته باشد می خواهند مردم به چیزهائی که احتیاج دارند برسند در همه جهات هم در جهت فرهنگی، هم در جهت اقتصادی، از همه جهاتی که دارند. وقتی مردم احساس این مطلب را بکنند که یک دولتی است که از خودشان بوده است و همچو نبوده است که فلان الملک و فلان الدوله نمی دانم و فلان السلطنه باشند، اینطور نبوده. الان یک اشخاصی هستند مثل خودشان عادی، وقتی هم در تلویزیون می بینند که این وزیر گذاست، هم در پیش من هم گاهی بعضی بچه ها که هستند می گویند نگاه کنید با چه جور هیكلی می آید که این با وزارت چطور، اینها باز در ذهنشان این است که

وزیر باید یک یال و کوپالی داشته باشد، به عملشان کاری ندارند، به صورتشان که آنوقت با آن بساط می آمدند و مردم می دیدند اینها را، خیال می کنند حالا هم باید آنطور باشد، الان باید وضعیتش یک وضعی باشد غیر عادی. وقتی مردم آشنا شدند با این مسائل و دیدند - که خدمت های شما را، خود شما را در تلویزیون دیدند، خدمت شما را وقتی عرضه کردید در تلویزیون دیدند و در رادیو شنیدند، قهرا پشتیبانی شان زیاد می شود.

و الان هم بحمدالله ملت پشتیبان همه هستند، پشتیبان همه ارگان های دولتی هستند و هم راجع به دولت و هم راجع به ارتش و همه، مردم الان از خودشان اینها را می دانند. شما احتمال این را می دادید که اگر یک جنگی پیش بیاید، همه ایران دنبال این باشند که کمک بکنند؟ همچو چیزی در آنوقت نبود، اگر یک چیزی پیش می آمد از همه طرف، اگر نمی کردند یک کاری که دولت را از بین ببرند، همراهی دیگر نمی کردند. الان می بینید بچه، بزرگ، پیرزن، چه، می آورند چیزهایی که دارند، تمام آن چیزی که دارند می آورند می دهند این را برای جنگزده ها، این هم برای ارتش، این هم برای چه. اینها یک چیزهای نمونه ای است که آنهایی که چشم و دلشان باز است نه آنهایی که کوردل هستند، اینها باید ببینند، می گویند جمهوری اسلامی عین سابق. حالا شما یک همچو چیزی در تمام طول تاریخ، الان هم در تمام دنیا یک همچو چیزی را که مردم با روی گشاده خودشان برای لشکرشان، برای ملتشان، برای دولتشان همه شان دست به هم بدهند، عمل بکنند، جمهوری اسلامی بهتر از این چی؟

### **این یک تحول معجزه آسایی است که شده است و امیدوارم که محفوظ باشد**

خوب، البته مشکلات هست، همه جا مشکلات هست، باید ملاحظه بکنید که مشکلات مثلا کسانی که در دولت هائی که در سابق انقلاب کرده اند، آن مشکلات در ایران هست؟ آنطور مشکلاتی که بعد از، الان یک کسی که نوشته بود از شوروی، یک کسی به من گفت، او پسرش آنجا بوده است، گفت الان هم صف های طولانی آنجا هست، الان هم کمبود در آنجا هست، الان هم شوروی احتیاج به امریکا دارد در اینکه مثلا ارزاقش را به او بدهد، با آن بساطی که دارند، خوب یک همچو انقلابی که در ایران شده است، حالا هم می گوئیم دو سال تقریبا یک خرده کمتر یا بیشتر از آن گذشته است آیا جای دیگری همچون چیزی هست که شما بگوئید که اینجا با سابق مثل هم است؟ آیا اینقدر خدمتی که در این دو سال با همه گرفتاری هائی که هست، شده است و همه جا مشغول به تعمیر، مشغول به باز سازی، مشغول به خدمت هستند و همه ملت کمک می کنند آیا جای دیگر همچو چیزی سراغ دارند تا بیایند بگویند که اینجا با زمان شاه ...؟ خوب باید یعنی اینقدر انسان بی انصاف باشد که بگوید که حالا با زمان شاه فرق نکرده است. حالا آزادیش را ملاحظه می کنی، خوب، هر که هر نامربوطی می خواهد می گوید، آزاد هم هست، دارد می گوید هر که هر نامربوطی می خواهد، می گوید، آزاد هم هست، دارد می گوید، هر که هر نامربوطی می خواهد، تو خیابان فریاد می زد که می زد، آن آزادی غلط الان هستش. ولیکن خوب، کدام وقت در زمان شاه سابق شما یک کدامتان، یک قدم می توانستید خلاف بگوئید؟ همه دست به سینه ایستاده بودید یا نه، اگر خیلی هم مردم خوبی بودید،



کنج خانه هایتان بودید، کاری به کاری نداشتید، یا یک کلیاتی یک وقتی فرض کنید در یک روزنامه ای یا در نوشته ای می گفتید، حالا دارید شما یک وضع آزادی، یک وضع خوبی دارید رفتار می کنید بهتر از آزادی ما چه داریم؟ آنوقت همه چیزمان بسته به غیر بود، حالا بسته به غیر نیستیم ما. البته، همه عالم، یک احتیاجاتی دنیا به هم دارد، این وابستگی نیست، مثلا ما احتیاج داریم که گندم بخریم، پول می دهیم گندم می خریم مثل یک آدمی که به نانوائی احتیاج دارد، اینها اسمشان وابستگی نیست، وابستگی این بود که زمان شاه بود والا خوب، شوروی هم از امریکا احتیاجش را می خرد اما وابسته به امریکا نیست. امریکا هم احتیاج دارد به یک جایی که از آنجا یک چیز، از ژاپن مثلا چیز وارد بکند. مبادلات تجارتي اسمش وابستگی نیست، وابستگی آن بود که ما در زمان شاه داشتیم که همه چیزمان را باید آنها بیاند اداره بکنند، مستشار بیاید و لشکر ما را آنطور بکند که کردند و آنطور خرابکاری. این مبادلات و باب خرید و فروش که متقابل یک اشخاصی با هم خرید و فروش دارند این وابستگی اسمش نیست. الان ایران وابسته به هیچ جا نیست و این بهترین چیزی است که جمهوری اسلامی آورده است و آزادی هم هست.

بنابراین اینکه نق نق می زنند نه این است که واقعا آنها عقیده شان این است که خیر، دولت، دولت، یک دولت چیزی نیست یا فرض کنید که یک گرفتاری الان هست و ما پس، وابستگی هائی داریم و ما آزادی نداریم و این حرف ها، اینجور نیست، اینها کار شکنی است از اشخاصی که اشتباه می کنند، اگر مردم صحیحی باشند، این هم برای این است که شما حرف هایتان را نزدیک و مسائلی را که داشتید نگفتید و یا این است که یک اشخاص مغرضی هستند که آن اشخاص مغرض را با هیچ جور نمی شود درستش کرد، اینها اشخاصی هستند که می خواستند مثلا چه بشود، خیال می کردند که وقتی جمهوری اسلامی شد آنها هم باید بیایند، آن که اصلا نه به اسلامش اعتقاد دارد و نه به جمهوری اسلامی اعتقاد دارد، آن باید بیاید اداره مملکت را بکند، حالا دیده نمی شود اینطوری، آن نقش را می زند، نمی شود که ما بگوئیم که آن آدمی که سر تا ته بنایش بر این بوده است که بیاید یک مثلا وزارتی را بگیرد یا مثلا اصلا دولت را تشکیل بدهد، حالا دستش کنار است و خودش هم فراری هست، نمی شود بگوئیم بیا نق زنن، اونق خواهد زد.

بنابراین یک مقداریش تقصیر خود ماهاست و آن اینکه تمام کارهایی که کرده نمی گوئیم و اینکه این ارگان هائی که در همه اطراف مملکت هست نرسیدیم به اینکه اصلاحشان بکنیم، اشکالاتی در آنجا هست، هیچ اشکال ندارد که در دادگاه ها، در کمیته ها، در اینطور موارد در بین مثلا این پاسدارها با اینکه خیلی مردم خوبی هستند لکن ممکن است یک اشخاصی وارد شده باشد به اسم پاسداری و اینها و فساد بکند، یا در دادگاه ها وارد شده باشد یک کسی و فساد بکند. در صدر اسلام هم بعضی اشخاص وارد می شدند اشتباهی توی چیز اسلام و فسادکاری می کردند. اینها را باید البته رسیدگی بشود و باید همه اموری که تقایصی که هست و زیاد هم البته هست این تقایص باید با بررسی ها، با این رسیدن به اینطور موارد باید بررسی بشود و درست بشود که این تقایص هم که اشکال

دارند به آن، مثلاً به دادگاه‌ها گاهی، یا به زندان‌ها، یا به جاهای دیگر رسیدگی می‌خواهد که درست بشود که ببینیم چه جوری است و اصلاحش بکنیم و امیدوارم که اصلاح هم بشوند.

و این جمهوری اسلامی انشأ الله با آن معنای واقعی و محتوای حقیقی‌اش تحقق پیدا بکند و این تحولی که الان در ایران پیدا بشود اصلاً نظیر ندارد این تحول، که در ظرف مدت کوتاهی، یک ملتی که توی فسادها داشت زندگی می‌کرد یک‌دفعه متحول شدند به اینکه داوطلب شدند برای جنگ، داوطلب شدند برای شهادت و خوشحالی می‌کنند، گریه می‌کنند بعضی‌ها که ما را اجازه نمی‌دهند برویم، شما یک کاری بکنید اجازه بدهند، این یک تحول معجزه‌آسایی است که شده است و امیدوارم که این تحول محفوظ باشد و مادامی که محفوظ باشد آسیب نمی‌بیند اینجا. و فرض کنید که دخالت نظامی هم بکنند، هر کاری بکنند آسیب نمی‌بینند دست‌آخراش را می‌گیریم که خیر آسیب هم ببینند و ما هم همه مان را از بین خدای نخواستہ ببرند، لکن ما تکلیفمان را عمل کردیم.

### ما مسلمان هستیم، ما مسؤولیم پیش خدا

ما مسلمان هستیم، ما مسؤولیم پیش خدا، ما امروز که کشور دستمان افتاد و شما آقایان دارید اداره اش می‌کنید مسؤولید پیش خدا، اینطور خیال نکنید که ما حالا هر کاری بکنیم شده است نه، همه کارهای شما در محضر خدا و مسؤولید و از شما سؤال می‌شود، از الفاظتان سؤال می‌شود، از آن چیزهایی که عمل می‌کنید سؤال می‌شود، همه اش سؤال شدنی است.

و اگر چنانچه ما هم فرض بکنیم اینکه، فرضی است غیر صحیح اما فرض هم بکنیم که ما نابود بشویم اما، ما در راه یک حقیقتی نابود شدیم و نابودی نیست این، این بود است و این همچو است که اگر یک همچو چیزی در ایران فرض کنید واقع بشود، دنیا را به تزلزل و چیز می‌اندازد و زندگی برای دنیا حاصل می‌شود. بنابراین هیچ خوفی ما از این مسائل نداشتیم و هیچ وقت هم از جنگ و نمی‌دانم از این ارباب‌هایی که اینها می‌کنند ما نباید بترسیم. چرا بترسیم؟ برای اینکه ما تکلیف داریم عمل می‌کنیم و ما حقیق. وقتی که حق هستیم چرا باید بترسیم؟ همان کلمه‌ای که حضرت علی بن حسین به پدرشان عرض کردند بعد از اینکه فرمود که خیر کشته خواهید شد و چطور، فرمود که ما بحق نیستیم مگر؟ گفتند چرا ما بحقیق. گفت پس چرا بترسیم، دیگر ترسی نداریم ما. مسأله اینطوری است. انشأ الله امیدوارم همه موفق باشید و هم کارهای خودتان را زیر نظر خودتان بگیرید که کارهایتان در نظر خدا هست و اعمالتان ثبت می‌شود و هم اداره خودتان را که شما متکفل اداره آن هستید. اشخاص را، اشخاص صحیح در آنجا باشد، یک وقت اشخاص فاسد در آنجا نباشد که بخواهد فسادکاری بکند و اگر اشخاص غیر صحیح هستند، موعظه کنید، چه بکنید، اگر دیدید قابل اصلاح نیستند کنارشان بگذارید، اشخاص صحیح پیدا بکنید.

و امیدوارم که همه کارها اصلاح بشود و با موفقیت پیش برویم و این گرفتاری‌ها انشأ الله بکلی رفع بشود.

## بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اعضای انجمن های اسلامی دانشجویان خارج از کشور و سفرا و کارداران دولت جمهوری اسلامی

### اعمال شما در خارج باید طوری باشد که صادر کننده انقلاب باشد

بسم الله الرحمن الرحيم

من سلامت همه آقایانی که از خارج به کشور خودتان آمدید، چه اعضای سفارتخانه ها و سفرا و چه دانشجویان عزیز خارج کشور، از خدای تبارک و تعالی خواستارم. من گمان می کنم که تکلیف شما آقایان که در خارج هستید و در سفارتخانه های اسلامی ایران در بیرون از کشور هستید و همین طور جوانان عزیز ما که در خارج کشور هستید، مشکل تر است تکلیفتان از ما که در داخل هستیم. برای اینکه ملت ما وضع اسلام و جهات اسلامی را می دانند و اگر فرض کنید یک گروهی یا یک شخصی بر خلاف اسلام رفتار کند، آنها آن شخص را، آن گروه را محکوم می کنند، و اما شما در محیطهائی هستید که آن محیطها مثل غرب، مثل جاهائی که ملت ها اسلامی نیستند یا اگر اسلامی باشند توجه به مسائل، باز آنطور که باید پیدا نکردند، اگر چنانچه شما شخصا یا سفارتخانه هایتان وضعیتش یک وضعی باشد که با اسلام درست جور نیاید، در آنجا خواهند گفت که اسلام همین است. اگر بنا باشد که سفارتخانه های ما در خارج از کشور به همان وضع طاغوتی یا نزدیک به وضع طاغوتی باشند، معنایش این است که باز اسلام در سفارتخانه نرفته است. مع الاسف تا آنجا که به من در طول این مدت اطلاع دادند (که اخیرا درست نمی دانم) سفارتخانه های ما، سفارتخانه های اسلامی که باید باشد نیست، چه در مکان ها و چه در کیفیت مستخدمینی که آنجا هستند و خصوصا مستخدمین زن و چه در سایر جهاتی که هست، باز احساس درست نشده است که جمهوری اسلامی یعنی چه. بعضی از سفرائی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به دربار سلاطین بزرگ آنوقت فرستاده بودند اینها وقتی وارد شدند با شمشیر خودشان آن پارچه ای که حریر بود زدند کنار. این شکستن آن دماغ فرعون سلاطین آن زمان بود. مطلب به نظر ساده می آید لکن مسأله اینطور نیست. اینها که رفتند، یک اعراب ساده ای بودند، متعهد به اسلام بودند، از اول خواستند بفهمانند که وضع ما چی است و ما برخوردار از چه مکتبی هستیم و اینطور جلال و جمال و دستگاه به ما تاثیری نمی کند. بسیاری هستند که وقتی که یک شخصیت خیلی به نظر خودشان عالی را دیدند، دست و پایشان را گم می کردند و می کنند خصوصا در زمان قدرتهای بزرگ و در این نیم قرن که ما مبتلا بودیم، جلوی او هم همین طور. یک حکومت

وقتی که می آمد در یک محلی، این حکومت مثل یک شاه با مردم عمل می کرد، مردم را هیچ به حساب نمی آورد و من خودم شاهد این معنا بودم که یک حاکمی که برای گلپایگان آمده بود و خمین هم آنوقت جزء گلپایگان بود، این در حضور تجاری که آمده بودند برای آنجا ملاقاتش، آن بزرگتر فرد تاجر را گفت ببرید ببینید به چوب. من شاهد بودم که بچه بودم شاهد بودم که یک نفر مرد متدین محترمی که در بازار رئیس تجار بود، این شخص فاسد اینطور با او عمل کرد که در حضور جمع پایش را بستند به فلک و چوب زدند به او. این کارها را می کردند و همین طور گاهی این کار را می کردند که وقتی که یک محترمی می رفت، یک عالمی مثلاً می رفت ملاقات می کرد با آنها، در حضور آن عالم یک بیچاره دیگری را می آوردند به چوب می بستند برای اینکه بفهمانند تو باید اطاعت بکنی. و از آنوقت یک همچو وضعی بود و از این بدتر. این عملی که سفیر یا سفرای حضرت رسول انجام دادند، یک عمل ساده بزرگی بود. از اول، شخصیت آن فرعون را از اول شکستند. مرحوم مدرس هم این عادت را داشت توی حیاطش یک فرشی انداخته بود و آنجا می نشست، قلیان هم وقتی می خواست، پا می شد خودش شروع کرد درست کردن، در این خلال فرمانفرما وارد می شد فرمانفرمای آنوقت را شما شاید نمی دانید چه مسأله ای بود ایشان می گفت که، قلیان را دستش می داد می گفت که شما آتش را بریز تا من آتشش را درست کنم. فرمانفرما شکست می خورد، تحت تأثیر همچو واقع می شد که مدرس به او گفت و تو آب قلیان را بریز و ادارش می کرد که آب قلیان را بریزد و من خودم آتش را درست می کنم تا قلیان درست بشود. این برای این بود که برخورد با این مغزهای فاسد گاهی باید طوری باشد که از اول طمع نکنند به آن طرف، اگر چنانچه با تواضع و خضوع و آنطوری که آن وقتها متداول بود رفتار می کردند، او طمع می کرد که اگر چنانچه مطلبی دارد تحمیل کند، اما وقتی برخورد یک برخورد اینطوری بود، ساده و لکن کوبنده، دیگر نمی توانست به او تحمیل کند مطلبی را. شما در خارج که هستید برخورد دارید با سفرای آنجا، باوزرای خارج آنجا، با همه اینها برخورد دارید، اگر بنا باشد که شما وقتی که می خواهید در وزارت خارجه بروید خودتان را گم کنید، خیال کنید که حالا در یک محضر کذا، وزیر خارجه امریکا، وزیر خارجه شوروی، لکن باید شما توجه داشته باشید که شما سفیر مملکت اسلامی هستید که از همه این قدرت ها، قدرتش بالاتر است و از همه این شریف ها (اگر آنها شرافتی داشته باشند) شرافتش بالاتر است و شما باید حیثیت خودتان را از اول حفظ کنید و از مسائل مهمی که شماها مثل ماها مؤظف به آن هستید این است که با عمل خودتان در آنجا، سلوکتان با کارمندان با وضعیت اصل سفارتخانه و وضع سفارتخانه طوری باشد و طوری بکنید که با همین عمل به تدریج انقلاب شما صادر بشود به آن کشوری که در آن هستید. مسائل اخلاقی، یک مسائلی است که وقتی که یک کسی مقید به آن بود و دنبالش بود، این سرایت می کند، و مردم به حسب طبیعتشان، به حسب فطرتشان فطرت ها سالم است منتها تربیت ها ضایع می کند فطرت ها را.

شما باید با خیال کنید خودتان که در یک مملکتی وارد شدید و می خواهید این مملکت را مثل مملکت خودتان تربیت کنید و می خواهید اسلام را در آنجا هم صادر کنید. صدور اسلام به این است که اخلاق اسلامی، آداب اسلامی، اعمال اسلامی، آنجا طوری باشد که مردم توجه به آن بکنند. و از امور مهمه داشتن یک نشریه در هر سفارتخانه هست، نشریه، نه مثل نشریه های زمان طاغوت. نشریه، یک نشریه اخلاقی اسلامی و در آن درج بشود مسائلی که در ایران گذشته است. شما می بینید که الان در همه جای دنیا تقریباً به ضد جمهوری اسلامی تبلیغات می شود. تبلیغات همه جانبه، چه دستگاه های تبلیغات غرب با همه وابستگان و چه دستگاه تبلیغات شرق با همه وابستگانشان، این برای این است که اینها از جمهوری اسلامی وحشترده شده اند، علاوه بر اینکه منافعشان در خود ایران از دست رفته است و انشاء الله تا ابد از دست خواهد رفت علاوه بر این، خوف این را دارند که این مطلب سرایت کند و این نهضت و انقلاب سرایت کند به خارج و صادر بشود در مملکت های دیگری و آنها هم بعد از فهم این معنا که اسلام باید در آن محل باشد، اسلام وضعش چطور است، این را هم می ترسند که نبادا آنجا هم مثل ایران بشود و آن دستگاه های طاغوتی شان کم کم رو به زوال باشد و انشاء الله هست رو به زوال. شما باید، شما باید به هر سفارتخانه ای که دارید، به جای آن خرج های طاغوتی که در آنوقت می شد، آن مهمانی های طاغوتی که همه اش بر خلاف اخلاق اسلامی بود و آن خرج های دیگری که خود شما هم می دانید که در آنجاها می شد، آن مخارج را صرف تبلیغات بکنید و به دنیا بفهمانید که اسلام چطور است و مملکت ما چه وضعی دارد. در مقابل همه تبلیغاتی که می شود، از هر جور تبلیغی که می شود، جواب بدهید و آشنا کنید ممالک دیگر را کشورهای دیگر را به آن چیزی که در ایران هست و آنطوری که در ایران می گذرد. آشنا کنید مردم را به اسلام و به نهضت اسلامی و انقلاب اسلامی. خوف اینکه ما اگر ساده رفتار کنیم آنها با آن، سفارتخانه آنها با آن وضعی که دارد، ما در نظر آنها تحقیر می شویم، این خوف را خودتان راه ندهید، بلکه شما با عملتان تحقیر کنید آنطور بناها و بنیادهای ظلم و طاغوتی را. شما گمان نکنید که اگر چنانچه به طور ساده عمل بکنید و سفارتخانه شما یک امر، یک جای ساده ای باشد، یک مرکزی باشد که از آنجا علم و دانش و اخلاق صادر بشود، شما تحقیر خواهید شد. خیر، این حرف، حرف غریزه هاست که خیال می کنند که ما اگر مثل غرب نباشیم، ما تحقیر می شویم. ما الان بنا داریم که مثل غرب نباشیم و بنا داریم وابسته نباشیم و بنا داریم مستقل باشیم و آزاد باشیم و الان می بینید که آنهایی که، ملت هایی که تحت تأثیر تبلیغات امریکا و شوروی و سایر اذنان آنها واقع نشدند، همه آنها به نظر اعجاب و عظمت به شما نگاه می کنند.

عظمت انسان به لباس و کلاه و اتومبیل و - نمی دانم پارک و امثال ذلک نیست. انسان یک حقیقتی است که آن حقیقت اگر بروز بکند شرافتمند است، عظمت دارد. شما می بینید که بزرگترین افراد بشر انبیا بودند و ساده ترین از همه هم آنها بودند. در عین حالی که بزرگتر از همه بودند و همه آنها را به بزرگی می شناختند در عین حال ساده ترین افراد بودند در وضع زندگی شان تمام انبیا اینطور

بودند و تاریخ همه آنها را نشان می دهد که با وضع بسیار ساده ای عمل می کردند . در صدر اسلام آن امر بسیار روشن است که چه جور وضع داشتند ، حکومت ها چه وضعی داشتند و امرای ارتش چه وضعی داشتند و خود اشخاصی که در رأس بودند با مردم چه وضعی داشتند . در عین حالی که وضع شان آنطور بود که وقتی یک کسی از خارج می آمد در مسجد رسول الله و این افراد نشسته بودند ، شناخت که کدام یکی اینها رسول الله هستند ، سؤال می کرد که کدام یکی هستید؟ برای اینکه نه بالایی بود ، نه پائینی بود ، دور می نشستند . اگر حصیری هم بود یا بور یائی بود من نمی دانم لکن این فرش هایی که شما خیال کنید ، حتی این فرشی که شما زیرتان انداختید نبوده است . آنوقت دور هم نشستند ولیکن عظمت شان ، عظمتی بود که دنیا را تحت تأثیر قرار داد . عظمت انسان به روحیت روح انسان است . عظمت انسان به اخلاق و رفتار و کردار انسان است ، نه به اینکه اتومبیلش سیستم کذا باشد ، نه به اینکه گارد داشته باشد ، نه به اینکه خدمه داشته باشد . اینها عظمت انسان نیست ، اینها انسان را منحط می کند از آن مقامی که دارد .

### **انسان باید تزکیه و تربیت اسلامی را اول از خودش شروع کند**

شما آقایانی که در سفارتخانه ها هستید مؤظفید عقلا و شرعا به اینکه هر چه ساده تر ، سفارتخانه هاتان هر چه ساده تر باشد و کیفیت معاشرتتان با آن اشخاصی که کارمند هستند در آنجا و به اصطلاح شما زیر دست گفته می شوند ، برادرانه باشد و در عین حالی که آنها باید از شما بپذیرند مطالبی که می گوئید ، لکن برادرانه باید باشد و همین طور وضع مهمانی هایتان ، وضع گذران خودتان ، وضع کسانی که در آنجا کار می کنند آنها باید یک وضع متحول بشود به یک وضع اسلامی که هر کس می آید در آنجا اسلام را در آنجا عملاً ببیند . ما هر چه فریاد بزنیم که ما اسلامی هستیم و جمهوری اسلامی هستیم ، لکن وقتی ببینند ما را که در عمل غیر او هستیم ، از ما دیگر باور نمی کنند . وقتی می توانند باور کنند از ما که مائی که می گوئیم جمهوری اسلامی هستیم ، عملمان هم آنطور باشد ، عمل طاغوتی نباشد و قول ، قول اسلامی ، عمل اسلامی باشد و خود رفتار ، اسلامی باشد ، گفتار اسلامی باشد تا صادر بشود این جمهوری اسلامی در سایر کشورها . صدور با سرنیزه صدور نیست ، صدور با زور صدور نیست ، صدور آنوقتی است که اسلام ، حقایق اسلام ، اخلاق اسلامی ، اخلاق انسانی در اینجاها رشد پیدا بکند و شما مؤظف به این معنا هستید و باید این کار را انجام بدهید که هم در عمل و هم در نوشته هائی که در آنجا منتشر می کنید باید بکنید و مجله داشته باشید و آن مجله یک مجله ای باشد که هم در عکس هایی که در آن هست و هم در مسائلی که در آنجا طرح می شود همه اش موافق باشد با جمهوری اسلامی تا به واسطه تبلیغات اسلام نفوذ کند در آنجا ، و این را بدانید که اگر چنانچه شما تبلیغات بکنید و همین طور دانشجوهای عزیز ما در آنجا کوشش کنند در اینکه در هر جا که هستند و با هر طایفه ای که برخورد می کنند مسائل ایران را ، مسائل اسلامی ایران را در آنجا طرح بکنند و آن چیزهائی که در مجلات خارج ، در روزنامه های خارج در هر جا نوشته می شود ، آنها را یکی یکی برای

آنها تحلیل کنند و دروغ آن چیزها را بر آنها ثابت بکنند .

عمده مسأله این است که ما فهمیده باشیم در قلبمان که ما می خواهیم جمهوری مان اسلامی باشد . باید همانطوری که با زبان می گوئیم ، قلب ما معتقد شده باشد به اینکه ما می خواهیم اسلام باشد . ما می خواهیم اسلام باشد دیگر با تمام اعوجاجات باید مبارزه بکند انسان ، اول از خودش شروع کند ببیند خودش چه اعوجاجاتی دارد . هر انسان لامحاله در خودش نقص هایی می بیند ، کم است کسی که نقص نبیند در خودش و اگر کسی نقص در خودش نمی بیند ، این خودش یک نقصی است که دارد . انسان باید تربیت بشود ، باید به تزکیه تربیت بشود . و انسان از خودش باید شروع بکند ، از خانواده خودش باید شروع کند . و شما خودتان ، خانواده هایتان ، خودتان همه شروع کنید تا به خارج برسد . دانشجویان ما باید خودشان اول توجه بکنند که رفتار خودشان ، کردار خودشان ، گفتار خودشان همه اینها منطبق با موازین اسلامی و اخلاقی باشد تا اینکه اگر مردم را دعوت کردید به اسلام و باید هم دعوت بکنید ، حرف شما مخالف با عمل شما نباشد . خودتان یک وضعی نداشته باشید که وقتی بگوئید ، مسخره کنند که آقا خودش فلان است و ما را دعوت به چه می کند .

### **وظیفه شما در معرفی اسلام بیشتر از ماست که در داخلیم**

در هر صورت من از خدای تبارک و تعالی سلامت و سعادت همه شما را می خواهم و همه ملت ما مؤظفند به اینکه رفتارشان یک رفتاری باشد که با همین رفتار اسلام را نمایش بدهند به خارج و اگر چنانچه رفتاری باشد ولو در بعضی از جاهایی که بعضی از اشخاص نفوذ کردند در آنجا ، رفتار طوری باشد که این رفتار ، مخالف با موازین اسلامی باشد این اسباب این می شود که دست دشمن های ما یک بهانه بدهد و ما را و جمهوری ما را با تمام قوا بکوبند . هم جوانان خارجی ما و شما سفرا و کارمندانی که در سفارتخانه ها هستید ، همه شما ، همه انجمن اسلامی که در خارج هست و همه افراد این مسلم و همین طور ایرانی و غیر ایرانی که در خارج هست ، این معنا برای آنها بیشتر وظیفه است از ما که در داخل هستیم ، همه وظیفه داریم ولکن وظیفه شما سنگین تر است بیشتر است و باید با خواست خدا انشاء الله موفق بشوید که اسلام را در همه جا معرفی کنید و پس از معرفی نفوس سالم که اکثر مردم هستند ، پذیرش می کنند ، پذیرش که کردند کم عمل می کنند ، کم کم این انقلاب صدور پیدا می کند به خارج . خداوند همه شما را انشاء الله حفظ کند و همه شما و ما را موفق کند به اینکه دنبال این باشیم تا انشاء الله حفظ کند و همه شما و ما را موفق کند به اینکه دنبال این باشیم که اسلام را در همه جا تقویت کنیم و از مروجین اسلام باشیم و از جنود خدای تبارک و تعالی باشیم تا انشاء الله به سعادت و سلامت ، هم مملکت خودمان و هم سایر ممالکی که در اسلام هستند و همین طور مستضعفین جهان انشاء الله همه موفق و موید باشید .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## بیانات امام خمینی در جمع گروهی از دانشجویان مراکز تربیت معلم شهرستانهای اصفهان، شیراز، یزد و اراک

### عالم، مدرسه است و معلمین آن، انبیا و اولیا هستند

بسم الله الرحمن الرحيم

آقایانی که از بلاد مختلفه آمده اند و دانشجویان تربیت معلم هستند، لازم است که راجع به معلم و تربیت معلم، یک چند جمله عرض کنم. عالم، مدرسه است و معلمین این مدرسه، انبیا و اولیا هستند و مربیان و مربی این معلمین، خدای تبارک و تعالی است. خدای تبارک و تعالی تعلیم و تربیت کرده است انبیا را، و ارسال کرده آنها را برای تربیت و تعلیم کافه ناس. انبیا بزرگ اولوالعزم مبعوثند بر تمام بشر و سمت معلمی و مربی دارند نسبت به تمام بشر، و معلم آنها و مربی آنها حق تعالی است و آنها هم بعد از اینکه به تعلیمات الهی تعلم شدند و تربیت پیدا کردند مأمورند که بشر را تربیت کنند و تعلیم. راجع به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در قرآن کریم است که هوالذی بعث فی الامم رسولاً - مهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتابه و الحکمه انگیزه بعث را در این آیه شریفه ذکر می فرماید که: خدای تبارک و تعالی است که در بین امم و بی سوادها و کسانی که تربیت و تعلیم الهی نداشته اند، رسول فرستاده است تا اینکه آیات خدا را بر آنها قرائت کند و آنها را با قرائت آیات قرآن و تربیت هائی که خود او شده است در تعلیمات الهی، آنها را به مردم عرضه کند و تزکیه کند آنها را و تعلیم کند بر آنها کتاب و حکمت را. در این آیه نکات زیادی هست راجع به اهمیت تربیت معلم و اهمیت تعلیم و تعلم. با تعبیر هوالذی اوست که این کار را کرده است کانه یک مطلب با اهمیتی است که می فرماید: هوالذی بعث آن است که فرستاده است بین مردم، و همه عالم امی هستند، حتی آنهایی که به حسب ظاهر درس هایی خوانده اید و به حسب ظاهر صناعی را می دانند و مسائلی را اطلاع بر آن دارند لکن همه آنها نسبت به آن تربیتی که از جانب خدا به وسیله انبیا به آنها می شود همه امی هستند، همه در ضلال مبین هستند. تنها راه تربیت و تعلیم راهی است که از ناحیه وحی و مربی همه عالم رب العالمین، تنها راه آن راهی است که از ناحیه حق تعالی ارائه می شود و آن تهذیبی است که با تربیت الهی به وسیله انبیا، مردم آن تربیت را می شوند و آن علمی است که به وسیله انبیا بر بشر عرضه می شود و آن علمی است که انسان را به کمال مطلوب خودش می رساند همانی که در آیه دیگر می فرماید که: الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور و الذین کفروا اولیاهم الطاغوت یخرجونهم من النور الی الظلمات. دو گروهند مردم، یک گروه مؤمن هستند که تحت تربیت انبیا واقع شده اند،



به واسطه تربیت انبیا از همه ظلمت ها و از همه گرفتاری ها و از همه تاریکی ها خارج شدند آنها ، به واسطه تعلیمات انبیا وارد شدند نور ، در کمال مطلق ، این آیه میزان مؤمن را و معیار ایمان را بیان می فرماید و مدعیان ایمان را از مؤمنین جدا می فرماید . مؤمنین آنها هستند که به واسطه تربت حق تعالی و به واسطه تربیت انبیائی که مر با هستند به تربیت الهی ، از همه ظلمت ها ، از همه تقیصه ها ، از همه چیزی که انسان را از راه باز می دارد ، اینها را خارج می کنند از همه ظلمت ها به نور ، میزان مؤمن ، این میزان است هر کس از همه ظلمت ها به واسطه تعلیم انبیا خارج شده است و به نور مطلق رسیده است این مؤمن است ، مدعیان ایمان زیادند ، لکن مؤمنین اند کند . آنهایی که در مقابل مؤمنین هستند ، والذین کفروا آنهایی که کافر هستند آنها اولیائشان خدا نیست و طاغوت است و طاغوت ، کفار را از نور خارج می کند و به همه ظلمت ها واصل می کند . معیار مؤمن و غیر مؤمن به حسب این آیه شریفه این است ، مؤمن حقیقی آنطور تبعیت از انبیا کرده است و آنطور در تحت تربیت انبیا واقع شده است که از همه ظلمت ها و از همه نقص ها بیرون آمده است و به نور رسیده است و مربی او و ولی او هم خدای تبارک و تعالی است و مربیان به واسطه هم انبیا هستند یعنی اینها تربیت شده های خدا هستند و آمده اند که ماها را ، همه بشر را تربیت کنند و اگر چنانچه ما در تحت تربیت آنها واقع بشویم ، از آن علومی که آنها برای بشر آورده اند ما استفاده کنیم و از آن تعلیماتی که کرده اند ما بهره برداریم ، ما در صراط مستقیم واقع می شویم و هدایت به نور می شویم ، هدایت به خدای تبارک و تعالی می شویم که آن نور مطلق است .

### **تربیت و تزکیه مقدم بر تعلیم است**

مسأله تربیت بالاتر از تعلیم است ، در آن آیه شریفه هم تلاوت آیات قرآن را ، یعنی رساندن آن تعلیماتی که در راه تربیت و تعلیم است ، بعد از اینکه این را می فرماید ، بعد ویزکیهم را می فرماید ، از این ممکن است استفاده بشود که مسأله تزکیه و مسأله تزکیه نفس همیشه بیشتر از مسأله تعلیم کتاب و حکمت است ، مقدمه از برای این است که کتاب و حکمت در نفس انسان واقع بشود ، اگر تزکیه بشود انسان ، تربیت بشود به تربیت هائی که انبیا علیهم السلام برای بشر هدیه آوردند ، بعد از تزکیه کتاب و حکمت هم در او به معنای حقیقی خودش ، در نفس انسان نقش می بندد و انسان به کمال مطلوب می رسد و لهذا بعد از یک آیه دیگر می فرماید که مثل الذین حملوا التوریه ثم لم یحملوها کمثل الحمار یحمل اسفاراً می خواهد بفرماید که علم تنها فایده ندارد ، علمی که تربیت در او نباشد ، تزکیه در او نباشد این علم فایده ندارد ، همانطوری که اگر الاغ و حمال ، اگر چنانچه الاغ به بار او کتاب باشد ، هر کتابی باشد ، کتاب توحید باشد ، کتاب فقه باشد ، کتاب انسان شناسی باشد ، هر چه باشد ، در بار او باشد و به دوش او باشد چطور فایده ندارد و آن حمار از او استفاده نمی کند ، آنهایی هم که انبار علم در باطنشان هست و باطنشان تمام علوم را فرض کنید ، تمام صناعات را ، تمام تخصصات را داشته باشند ، لکن تربیت و تزکیه نشده باشند ، آنها هم آن علومشان برای آنها فایده ندارد بلکه بسیاری از اوقات مضر

است. بسیاری از اوقات هست که آن کسی که عالم است، آن کسی که همه چیز را می داند لکن تزکیه نشده است، تصفیه نشده است، تربیت الهی نشده است، آن علمش وسیله است از برای اینکه بشر را به تباهی بکشد، چه بسا عالمانی که برای بشر تباهی هدیه می آورند، آنها از جهال بدتر هستند و چه بسا متخصصانی که برای بشر هلاکت ایجاد می کنند، تباهی ایجاد می کنند، آنها از مردم عامی بدتر هستند، ضررشان بیشتر است، همان است که قرآن فرموده که: کمثل الحمار و از آن هم بالاتر اینکه موجب صدمه به دیگران می شود. شما که برای تربیت معلم قیام کردید و هر کس که برای تربیت معلم قیام کرده است باید بداند که اولاً شغل، شغل الهی است. خدای تبارک و تعالی مربی معلمین است که انبیاء باشند، اولاً شغل، شغل الهی است و ثانیاً تربیت و تزکیه مقدم بر تعلیم است. مدرسه های ما، دانشسراهای ما، دانشگاه های ما و همه مدارس علوم، چه علوم اسلامی یا غیر اسلامی باشد، اینها اگر چنانچه در آنها تربیت باشد، تزکیه باشد، آنها می توانند خدمت ها بکنند و برای بشر سعادت را به هدیه بیاورند و همه سعادت های بشر از علم و ایمان و تزکیه است ان الانسان لفی خسر انسان، اصلش این حیوانی که به اسم انسان خوانده می شود، در خسارت و زیان است مگر یک طایفه، آنهایی که ایمان آوردند به خدای تبارک و تعالی و آنچه که او فرموده است و اعمال صالحه بجا آوردند و آثارش هم این است که تواصوا بالحق توصیه به حق و توصیه به صبر می کنند و الا اگر چنانچه از این استثناهای الالذین امنوا خارج شد، لفی خسر است، در خسران است، در زیان است. کوشش کنید که تربیت بشوید و تزکیه بشوید قبل از اینکه تعلیم و تعلم باشد، کوشش کنید که همدوش با درس خواندن و تعلیم، تربیت باشد که او مقدم است به حسب رتبه بر تعلیم و بر تلاوت آیات و در و بر تعلیم کتاب و حکمت. تربیت معلم باید بکنید یعنی معلمینی تربیت بشوند که این معلمین با، علاوه بر اینکه آگاهی بر همه علومی که مورد احتیاج انسان است و مورد احتیاج بشر، چه در دنیا و چه در آخرت هست علاوه بر این و مقدم بر این تزکیه در کار باشد، تصفیه نفس در کار باشد والا تربیت های شما بدون تزکیه و بدون اینکه تصفیه نفس بشود، برای بشر اگر ضرر نیورد، نفع نخواهد آورد بلکه ضرر دارد. تمام این ضررهائی که بشر می بیند، تمام این خسران هایی که بشر در این سیاره می بیند، از دست همین عالم هائی هستند که تخصص را دارند، لکن تربیت را ندارند. ما اگر چنانچه تزکیه داشتیم و تربیت اسلامی شده بودیم و خدای تبارک و تعالی ولی ما بود ولی ما طاغوت نبود، این نقص هائی که در اطراف کشورمان و همین طور در اطراف جهان هست، این نقص نبود، این اختلافات نبود، همه اختلافاتی که پیدا می شود الا فقط یکی، که آن اختلاف ما بین حق و باطل است، تمام اختلافاتی که پیدا می شود برای این است که ما تربیت نشدیم و ما تزکیه نشدیم. بزرگترین دشمنی که ما داریم عبارت از خودمان است اعدی عدوک آن نفسی است که در بین جنبه خود شما هست، خود انسان دشمن بزرگ خود انسان است اگر چنانچه تربیت نشود، اگر چنانچه تزکیه نشود، انسان را همان خود انسان به تباهی می کشد و به ظلمت ها وارد می کند و آخرش ظلمت بزرگ است که آن جهنم است. ما اگر چنانچه خودمان را تربیت بکنیم، مشکلاتمان همه رفع می شود، همه مشکلات از این است که ما تربیت

نشده ایم، یک تربیت الهی و تحت بیرق اسلام در نیامدیم، به حسب واقع، همه این کشمکش هائی که شما ملاحظه می کنید، همه این کارشکنی هایی که برای ملت ما هست، همه اینها برای این است که تربیت نیست در کار، ترکیه نیست در کار فقط یا جهالت است و یا علمی که از جهالت برای انسان مضرت تر است میزان علم را خدای تبارک و تعالی به وسیله انبیا ذکر فرموده است و واقع مطلب همین است که العلم نور علم نوری است که خدا در قلوب مردم او را وادار می کند، اگر نورانیت آورد، برای انسان این علم است و اگر چنانچه حجاب شد برای انسان، آن علم نیست، آن حجاب است العلم هو الحجاب الاکبر.

شمایی که می خواهید تربیت بشوید، تربیت معلم یا تربیت بکنید، تربیت معلم، در رأس هر امری این است که با این تعلیم تربیت را مقدم بدارید. این جوان ها نفوسشان مستعد است از برای گرفتن هر چیزی که وارد بشود در نفوس، نفوس جوان ها یک آینه صیقلی است که باز از آن فطرت خودش جدا نشده است و این آینه همه چیز در آن نقش می شود ببندد. اگر چنانچه معلم، یک معلمی باشد که دعوت به نور بکند، دعوت به صلاح بکند، دعوت به اسلام بکند، دعوت به اخلاق صالحه بکند، دعوت به ارزش های انسانی بکند، آن ارزش هائی که عندالله ارزش است، اگر معلم این کار را بکند همانطوری که انبیا مردم را از ظلمات به نور می کشاند، این معلم هم این بچه ها را از ظلمات به نور وارد می کند و همین شغلی است که شغل انبیاست و اگر خدای نخواستہ معلمی یا معلم هائی بر خلاف مسیر حق باشند، تربیت نشده باشند تزکیه نشده باشند، بر خلاف صراط مستقیم الهی باشند، این آینه های صیقلی که نفوس جوان های ماست، در آن همان تعلیمات اعوجاجی که در این خود معلم هست نقش می بندد و او را رو به انحراف می برد یا به طرف شرق و یا به طرف غرب.

### **جمهوری ما وقتی اسلامی می شود که خدای تبارک و تعالی در این ملت حاکم باشد**

جمهوری اسلامی محتاج به تربیت و تزکیه است، تمام قشرهای ملت ما و همه ملت ها احتیاج به تربیت و تزکیه دارند، احتیاج به تعلیماتی که از ناحیه انبیا آمده است دارند، مجرد اینکه ما ادعا بکنیم که جمهوری ما اسلامی است این ادعا پذیرفته نیست. آنوقت جمهوری ما اسلامی می شود و به کمال خودش می رسد که خدای تبارک و تعالی در این ملت و در این کشور حاکم باشد یعنی از آن نقطه اولی تا آن آخر حکومت، حکومت الهی باشد، سردمداران همه الهی باشند، کسانی که در رأس حکومت هستند، کسانی که در رأس امور هستند، الهی باشند، از نفسانیت خارج شده باشند، خود را نبینند، شخصیت خود را نبینند چون نه خودی دارند و نه شخصیتی، هر چه هست از خداست. اگر انسان الهی بشود و ادراک بکند که این بندگان راه خدا، اینها بندگان خدا هستند و باید با آنها آن کرد که خدا راضی است، اگر ما بیدار بشویم و بفهمیم که ما از خدا هستیم و به او رجوع می کنیم انالله و انا الیه راجعون، اگر این دو کلمه را ما در زندگی بفهمیم که ما از او هستیم و همه از اوست و ما هیچ هستیم و هیچ نداریم و هر چه داریم از اوست و ما به سوی او برگشت می کنیم و از ما حساب می برند، ما را در

حساب واقع می کنند، این دو کلمه را اگر ما بفهمیم، با بندگان خدا آنطور که خدا راضی است و آنطور که امر خداست عمل می کنیم. در همه ارگان های دولتی، در همه بازارهای اسلامی، در همه کوچه و خیابان های ممالک اسلامی و در همه جا اگر این کلمه الهی وارد بشود، در کارخانه ها وارد بشود، در مزارع وارد بشود، در مدارس وارد بشود، در وزارتخانه ها وارد بشود، در مجالس شورا و شوراهای این دو کلمه اگر وارد شد و ایمان به او آمد و انسان ادراک کرد این را و ایمان به او آورد یعنی در قلبش واقع شد که ما و همه از خدا هستیم و به او رجوع می کنیم، همه موجودات از خداست و باید با عدل الهی با آنها رفتار کرد و همه ما برمی گردیم به خدای تبارک و تعالی و اگر با عدل الهی رفتار کردیم، خدای تبارک و تعالی به ما رحمت بزرگ را وارد می کند و اگر با عدل الهی رفتار نکردیم، آنجا خدا با ما با عدل رفتار می کند که هیچ کس نمی تواند از زیر آن بار بیرون برود.

### **آن علمی میزان و برای بشر سعادت است که تربیت در آن باشد**

آنها که گمان می کنند که مدارس باید علم در آن باشد و دیگر کاری به این مسائل نداریم، باید متخصصین باشند، ساده اندیشند آنها، ساده اندیشی است که انسان گمان کند که یک معلمی که انحراف دارد، معلمی که یا طرف شرق است و یا طرف غرب، یا تربیت شرقی دارد یا تربیت غربی، آن را ما معلم قرار بدهیم از برای این فرزندان که نفوسشان مثل آینه صیقلی است و هر چه در او وارد بشود می پذیرد، ساده اندیشی است که ما جوان های خودمان را به دست معلمی بدهیم که به طرف شرق می رود و بچه های ما را شرقی کند یا به طرف غرب رود و بچه های ما را غربی کند ساده اندیشی است که ما گمان کنیم که فقط تخصص میزان است و علم میزان است، علم الهی هم میزان نیست، علم توحید هم میزان نیست، علم فقه و فلسفه هم میزان نیست، هیچ علمی میزان نیست آن علمی میزان است و آن علمی برای بشر سعادت است که تربیت در او باشد که از مری القاشده باشد، از کسی که تربیت الهی شده است القا بشود به بشر، آن اگر چنانچه در همه مدارس ما، چه مدارس علوم اسلامی و چه مدارس علوم دیگر، اگر در همه آنها این معنا باشد و انحراف در کار نباشد و استقامت باشد، چندی نمی گذرد که همه جوان های ما که امید آتیه این مملکت هستند، همه اطلاع می شوند و همه نه شرقی و نه غربی بار می آیند و همه بر صراط مستقیم واقع می شوند. ساده اندیشی است که ما گمان بکنیم که کافی است برای ما اینکه یک اشخاصی باشند دارای علم، اشخاصی باشند که علم داشته باشند و تربیت، و لا اقل علم داشته باشند و انحراف نداشته باشند. فرضا که ما بخواهیم که علم را رواج بدهیم و با از علم علما استفاده کنیم. باید علمی باشد و لا اقل انحراف نباشد، کار نداشته باشد به شرق و غرب، اینطور نباشد که معلمین ما و مری های جوان های ما، تربیت مسکو شده باشند یا تربیت واشنگتن، ساده اندیشی است که ما گمان کنیم که باید همه اینها که تخصص دارند هر طوری می خواهند باشند، باید بیایند و ما از آنها استفاده کنیم. استفاده نمی توانیم بکنیم اگر مرض ظاهری ما را یک متخصص خوب بکند، امراض باطنی برای ما ایجاد می کند، از یک مرض کم به یک مرض بزرگ، از یک مرض

کوچک به یک مرض بزرگ ما را می کشاند .

باید توجه داشته باشیم ما به همه مسائل . همین حزب بعثی را که ملاحظه می کنید که الان مبداینهمه گرفتاری برای کشور ما و برای کشور مسلم عراق ایجاد کرده است و برای آنجا بیشتر از اینجا ایجاد کرده است ، اینها همین ها هستند که بسیاری شان متخصصند و بسیاری شان دانشگاه رفته بیرون آمده اند لکن تربیت نداشتند ، تزکیه نداشتند . اگر علم باشد و تزکیه نباشد ، هم آن رژیم سابق پیش می آید و هم این رژیم صدام . اگر ما تزکیه نکنیم خودمان را و اگر چنانچه همراه با علم تزکیه نباشد ، کشور ما هم کشیده می شود به همان طرف ها و ما هم صدام خواهیم شد . باید تربیت شما ، تربیت معلم ، یک تربیت اسلامی باشد ، یک تربیت انسانی باشد ، یک تربیت در صراط مستقیم باشد و الا تربیت مسکورا نمی توانیم بپذیریم و تربیت واشنگتن را هم نمی توانیم بپذیریم .

### اسلحه داشتن دلیل بر خیانت است و توطئه

اگر ما تربیت بشویم ، و بحمدالله ملت ما تحولی حاصل کرده است و مقدمه این است که تربیت آخر را هم بشود ، با همه اشخاصی که با ما هم حتی مخالف هستند به طور انسانیت عمل می کنیم ، چنانچه الان می بینید که ارتش ما و پاسدارهای ما ، با این اسرایی که آوردند ، به طور انسانیت عمل می کنند و باید بیشتر عمل کنند . من سفارش می کنم به تمام کسانی که این اسرا در اسارت آنها هستند ، به حسن سلوک و به رفتار انسانی ، و مهمانند اینها برای شما و البته الان در دست آنها اسلحه نیست و من اعلام می کنم که هر کس از افراد ملت ما اسلحه را کنار بگذارند بیاید در ملت ما وارد بشود مثل سایر افرادی که هستند آنها در پناه اسلام محفوظ هستند . ولی ما اینقدر ساده اندیش نیستیم که کسانی که اسلحه دارند و اتاق جنگ دارند آنها را هم وارد بکنیم در بین کشور خودمان و شغل به آنها بدهیم و یا معلمشان کنیم و یا در وزارتخانه ها ببریم . اسلحه داشتن دلیل بر خیانت است و توطئه . اسلام خیانتکار را تادیب می کند و کسانی که توطئه گرد از دنیا بیرون می کند . ما نه آنطور هستیم که اگر توبه کار بشوند و اسلحه را زمین بگذارند و بیایند ، آنها را نپذیریم . اگر چنانچه هر یک از جیش عراق که به روی ما اسلحه کشیده است اسلحه را کنار بگذارد و پناه بیاورد به مملکت اسلامی ما ، آنها را مثل مهمانان عزیز می پذیریم و هر کس از این جناح های داخلی که تا حالا شرارت کردند و مشغول شرارت دست بردارند و اسلحه را کنار بگذارند و در دامن ملت وارد بشوند آنها را می پذیریم و هر کس اسلحه در دست اوست مثل جیش صدام حسابش می کنیم . الان این اشخاصی که اسیر مملکت اسلامی هستند اینها اسلحه ندارند و اینها باید به طور انسانی ، به طور خوب با آنها رفتار بشود که می شود ، لکن در عراق آن دستگاه های تبلیغاتی عراق که هر روز دروغ می گوید ، راجع به این هم دروغپردازی می کند که نه ، اشخاصی که اسیر می شوند با آنها چه می کنند و چه می کنند ، در صورتی که این حرف دروغ است و مملکت ما این اسرا را به طور انسانی ، به طور اسلامی ، به طور خوب با آنها رفتار می کند و پذیرایی از آنها می کند و هر کس که می خواهد بیاید ، از دنیا بیایند ببینند که چه می کنند اینها ، البته تبلیغات سوء زیاد

است و ما باید احتراز کنیم از کارهایی که تبلیغات سوء در آن کارها بهانه پیدا می کند .

### **هر کس به من نسبت بدهد مطلبی را بر خلاف دستورات اسلامی ، دروغ گفته است**

ما در هر جا که هستیم ، پاسبان ها در هر جا که هستند ، پاسدارها در هر جا که هستند ، ارتشی ها در هر جا که هستند ، ژاندارمری در هر جا که هست و ارگان های دولتی هر جا که هستند موظفند که به مسائل اسلامی رجوع کنند و مسائل را اسلامی ختم کنند . ما می خواهیم یک مملکت اسلامی باشد و من اعلام می کنم که هر کس به من نسبت بدهد مطلبی را که بر خلاف دستورات اسلامی است . دروغ گفته است و هر کس که به من نسبت بدهد که من راضی هستم به اینکه یک وجب از زمین مردم غصب بشود ، بر خلاف موازین اسلامی اخذ بشود یا یک شاهی از مردم گرفته بشود و مصادره بشود و موازین اسلامی نداشته باشد یا یک محاکمه بشود بر خلاف موازین اسلامی ، یا یک تازیانه به کسی زده باشد بر خلاف مصالح اسلامی ، من از آنها بری هستم و خدای تبارک و تعالی هم بری است . من از خدای تبارک و تعالی سلامت و سعادت همه انسان ها را و سلامت و سعادت ملت خودمان و کشور خودمان را می خواهم و از خدای تبارک و تعالی می خواهم که شما موفق بشوید در تربیت معلم ، و معلم های تربیت شده صحیح را در کشور ما تربیت کنید که سعادت ملت ما حاصل بشود .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## بیانات امام خمینی در جمع گروهی از مسؤولین بنیاد شهید انقلاب اسلامی

### شهید نظر می کند به وجه الله

بسم الله الرحمن الرحيم

ارزش هر خدمتی مؤلف ارزش آن کسی است که برایش خدمت می کنیم. هر کس هر خدمتی در راه خدا برای خلق خدا بکند این ارزش دارد لکن ارزش ها مختلف هستند به ارزش آنهایی که برای آنها خدمت می کنیم. همه بنیادهایی که برای خدا در راه اسلام به کشور خودشان خدمت می کنند و همه اشخاصی که برای اعتلای کلمه اسلام خدمت می کنند همه آنها پیش خدای تبارک و تعالی ارزش دارد و مورد عنایت حق تعالی انشاء الله خواهند شد لکن ارزش بنیاد شهید، خدمت به شهید و خدمت به بازماندگان شهید و خدمت به آنهایی که در راه اسلام برای فداکاری حاضر شدند لکن معلول شدند و عضوی از اعضای خودشان را از دست دادند یا جراحاتی بر آنها وارد شده است ارزش این خدمت که برای شهدای اسلام و برای فداکاران اسلام انجام می گیرد شاید از سایر ارزش های بیشتر باشد درباره شهید آنقدر از اسلام و از اولیای اسلام روایات وارد شده است در فضل شهادت که انسان متحیر می شود. من بعضی از یک روایت را برای شما ترجمه می کنم تا بدانید که شما در خدمت چه اشخاصی هستید و بنیاد شما چه ارزشی دارد. در روایتی از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده است که برای شهید هفت خصلت است که اولی آن عبارت است از اینکه اول قطره ای که از خون او به زمین بریزد تمام گناهانی که کرده است آمرزیده می شود و مهم آن آخرین خصلتی است که می فرماید، می فرمایند که به حسب این روایت که شهید نظر می کند به وجه الله و این نظر به وجه الله راحت است برای هر نبی هر شهید. شاید نکته این باشد که حجاب هائی که بین ما و حق تعالی هست و وجه الله است و تجلیات حق تعالی هست، تمام این حجاب ها منتهی می شود به حجاب خود انسان. انسان خودش حجاب بزرگی است که همه حجاب هائی که هست، چه آن حجاب هائی که از ظلمت باشند و آن حجاب هائی که از نور باشند منتهی می شوند به اینکه حجابی که خود انسان است. ما خودمان حجاب هستیم بین خودمان و وجه الله و اگر چنانچه کسی فی سبیل الله و در راه خدا این حجاب را داد، این حجاب را شکست و آنچه که داشت که عبارت از حیات خودش بود تقدیم کرد، این مبدا همه حجاب ها را شکسته است، خود را شکسته است، خود بینی و شخصیت خودش را شکسته است و تقدیم کرده است و چون برای خدا جهاد کرده است و برای خدا دفاع کرده است از کشور خدا و از آئین الهی و

هر چه داشته است در طبق اخلاص گذاشته و تقدیم کرده است ، خود را داده است ، این حجاب شکسته می شود . شهدا ، شهدائی که برای خدای تبارک و تعالی و در سبیل خدای تبارک و تعالی و راه خدای تبارک و تعالی جان خودشان را تقدیم می کنند و آنچه که در دستشان است و بالاترین چیزی است که آنها دارند تقدیم خدای می کنند ، در عوض خدای تبارک و تعالی این حجاب که برداشته شد جلوه می کند برای آنها ، تجلی می کند برای آنها چنانچه برای انبیا هم چون همه چیز را در راه خدا می خواهند و آنها خودی را نمی بینند و خود را از خدا می بینند و برای خودشان شخصیتی قائل نیستند ، حیثیتی قائل نیستند در مقابل حق تعالی ، آنها هم حجاب را بر می دارند (فلما تجلی ربه للجبیل جعله دکا) تجلی می کند خدای تبارک و تعالی در کوه طور و یا در جبل انیت خود موسی و موسی (صعق) . آنها در حال حیات ، انبیا و اولیا نظیر انبیا و تالی تلو انبیا در زمان حیات شان آن چیزهایی که حجاب بوده است بین آنها و بین حق تعالی می شکنند و صعق برای آنها حاصل می شود و موت اختیاری برای آنها حاصل می شود ، خدای تبارک و تعالی بر آنها تجلی می کند و نگاه می کند به حسب آن نگاه عقلی ، باطنی و روحی و عرفانی و ادراک می کنند و مشاهده می کنند جلوه حق تعالی را و شهید هم حسب این روایتی که وارد شده است ، نظیر انبیا وقتی که شهید شد چون همه چیز را در راه خدا داده است خدای تبارک و تعالی جلوه می کند به او و آن هم بنظر الی جلوه خدا ، الی وجه الله این آخر چیزی است که برای انسان ، آخر کمالی است که برای انسان هست . در این روایتی که در کافی نقل شده است در این روایت انبیا را مقارن شهدا قرار داده است که در جلوه ای که حق تعالی می کند بر انبیا همان جلوه را هم بر شهدا می کند . شهید هم بنظر الی و جه الله و حجاب را شکسته است همانطوری که انبیا حجاب ها را شکسته بودند و آخر منزلی است که برای انسان ممکن است باشد ، مژده داده اند که برای شهدا این آخر منزلی که برای انبیا هم هست شهدا هم به حسب حدود وجودی خودشان این آخر منزل به این آخر منزل می رسند .

### **خدمت در بنیاد شهید در رأس خدمت هاست**

بنیاد شهید از همه بنیادها افضل است برای اینکه شهید از همه افراد افضل است . خدمت در بنیاد شهید در رأس خدمت ها هست ، همه خدمت می کنند و همه برای خدا و برای همه فضل است و برای همه ارزش هست در بارگاه الهی . همه خدمتگزارهایی که خدمت می کنند ، آنهایی که خدمت می کنند برای جنگزده ها آنها هم خدمتشان برای فداکاران است . این جنگزده ها که الان در ایران هستند و در خارج از وطنشان هستند اینها هم راجع به اینها هم هر کس خدمت بکند خدمت به فداکاران است لکن خدمت به شهید ارزشش بیشتر از همه خدمت هاست . معلولی که جان خودش را در دست گرفته و تقدیم کرده است لکن موفق نشده است به شهادت آن هم فداکاری خودش را کرده است . شما که خدمت به شهید می کنید و بنیاد شما که بنیاد شهید است قدر این بنیاد را بدانید و قدر این خدمت را بدانید . برای کم کسی اینطور مطلبی که برای شهید گفته شده است برای کم کسی هست ، آنها را قرین



انبیا قرار داده اند . خدمت شما به آنها خدمت به نبی اکرم است ، خدمت به انبیاست . بدانید که شما در راه شهید دارید خدمت می کنید و بنیاد شما بنیاد شهید است و شهید افضل است شهادت از همه چیزها و باز در روایتی است که هر خوبی بالاتر از او هم خوبی هست تا برسد به قتل در راه خدا ، شهادت در راه خدا ، بالاتر از او دیگر خوبی در کار نیست و معلوم نکته اش برای اینکه کسی که همه چیزش را برای خدا تقدیم کرده است و حیات که بالاترین سرمایه است برای او در این عالم تقدیم کرده است ، دیگر این بر و از این خوبی بالاتر نمی شود باشد . شما خدمت می کنید به انسان هایی و به کسانی که وابسته هستند به این شهدا و شهدا به آنها علاقه دارند و الان هم شهید هستند نسبت به آنها و خدمت شما ارزشمندترین خدمت هاست که تصور می شود و به حسب اینطور روایات من امیدوارم که همه ملت ما و همه افرادی که در سرتاسر کشور ما هستند خدمتگزار باشند به این کشور و خدمتگزار باشند به جمهوری اسلام به و خدمتگزاری آنها همان مجاهده در راه خداست و من امیدوارم که همه آنها با مجاهدین در راه خدا شریک و سهیم باشند برای اینکه آنها هم مجاهده می کنند ولو آن پیرزنی که در اقصی بلاد دارد یک خدمتی می کند برای این مجاهدین و بازماندگان شهدا . من امیدوارم که خداوند به همه آنها ثواب مجاهدین را عنایت بفرماید و عمده چیزی که هست این است که صادقانه خدمت کنید ، خدمت بکنید ، گمان نکنید که شما یک کاری که (برای آنجا) برای آنها انجام می دهید یک منتهی بر آنها دارید . منت آنها را بکشید ، منت آنها را بکشید خدمت بکنید ، احترام بکنید از آنها . اینها خانواده شهدا هستند و معلولین و خانواده های معلولین که ارزششان آنقدر است و ما باید خدمتگزار به آنها باشیم . هر عملی که انجام می دهیم ، هر خدمتی که به آنها انجام می دهیم عملی است که در پیشگاه خدا مقبول است و ما باید با کمال خرسندی منت آنها را بکشیم و خدمت به آنها بکنیم . مبادا یک وقتی یک کلمه درشتی گفته بشود به این بازماندگان شهدا یا به این معلولین و باز کسانی که عائله معلولین اند . توجه داشته باشید که عملی را که می کنید خالص برای خدا باشد و برای آن کسی که فداکار برای خدا بوده است و جانش را در راه خدا اهدا کرده است شما خدمت به او می کنید و این خدمت به خداست همانطوری که ما منت از خدای تبارک و تعالی می کشیم و عبادت او را که می کنیم منت اوست بر ما خدای تبارک و تعالی ما را منت بر ما گذاشته است و ما را هدایت کرده است و هر عملی که بکنیم منت بر او نداریم و او منت بر ما دارد این خدمت هم خدمت به خدای تبارک و تعالی و مجاهدین در راه او و شهدا در راه اوست و ما باید با سر و جان خدمت بکنیم و ابدا در نظرمان نیاید که ما یک کاری انجام دادیم ، آنها جان خودشان را دادند و شما قدرتی که دارید ، دارید خرج می کنید برای آنها و من امیدوارم که در راه خدا که شد ثواب مجاهدین را به شما عنایت بفرماید خدای تبارک و تعالی .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## بیانات امام خمینی در میان جمعی از خانواده های شهدای رودسر، کاشان، تبریز و اعضای واحد فرهنگی ستاد جهاد سازندگی تهران

### کوشش رضاخان در سرکوبی عشایر و روحانیون و منع مراسم و دستجات مذهبی

بسم الله الرحمن الرحيم

این عکس هائی که از شهدا، از جوان های نیرومند ملت ما، در دست شما مردان و زنان هست، غرور آفرین است و موجب تأثر و تأسف . من برای آنها رحمت و برای معلولین سلامت و برای شما و بازماندگان شهدا عافیت و سلامت و صبر از خدای تبارک و تعالی خواستارم . این مصیبت هائی که بر شما وارد شده است، بر همه ملت، بر همه ما وارد است . اینها فرزندان ملت هستند و برادران ما . یک مطلبی که باید عرض کنم و تنبه بدهم این است که این قدرت های بزرگ از زمانی که رضاخان آمد به ایران و رضاخان را فرستادند برای ایران تا این زمانی که نهضت شما ملت اسلامی تحقق پیدا کرد، حساب هایی کرده بودند پیش خودشان و آن حساب هایی روی موازین دنیا و مادیت بود و بعضی حساب ها را نکرده بودند . یعنی نمی توانستند بعضی از مطالب را توجه پیدا کنند و حساب رویش بکنند . در زمان رضاخان کوشش های زیادی برای راه باز کردن به این ملت ها و خصوصا ایران و راه باز کردن برای تحت سلطه قرار دادن ملت ما چپاولگری های بی حساب، راه های مختلفی را داشتند . یک راه این بود که عشائر این کشور را سرکوب کنند و آنها را از حال عشائری بیرون بیاورند و به اصطلاح خودشان تخته قاپو کنند . برای اینکه می دیدند که این عشائر برای ایران یک پشتوانه است، این عشائر مختلفی که در ایران هست، در همه جای ایران عشائر هستند، در خوزستان هست، در کردستان هست، در کرمانشاه هست، در فارس هست، در سیستان و بلوچستان و آذربایجان و همه جا از این عشائر زیاد هستند و اینها یک پشتوانه ای بودند از برای ایران و آنها کوشش داشتند به اینکه عشائر را سرکوب کنند و لهذا همه عشائر را تقریبا سرکوب کردند به وسیله رضاخان و حالا ما می فهمیم که عشائر چه نقشی دارند در ایران، در عین حالی که الان بعضی عشائر ایران وارد جنگ هستند، ولی این بعضی عشائر کارهای شجاعانه می کنند و عشائر دیگر از قبیل عشائر بختیاری، عشائر قشقایی فارس و عشائر امثال اینها، همه اینها به اسلام وفا دارند و داوطلبند از برای اینکه به جبهه ها بروند و امید است که احتیاج نباشد به اینکه همه عشائر ایران وارد جبهه ها بشوند و ما امروز می فهمیم که آنها به واسطه مطالعاتی که داشتند برای عشائر چه قدرتی قائل بودند، آنها ضربه ای از تنگستانی خورده بودند و در صدد این بودند که عشائر را بکلی از بین ببرند، این یک نقشه ای بود که

در آنوقت اینها کشیدند، چنانچه سرکوبی روحانیون نیز همانطور بود. آنها از روحانیون در طول تاریخ صدماتی دیده بودند و خصوصا انگلستان در باب قضیه قرار داد تنباکو صدمه دیده بود، از این جهت یکی از نقشه ها هم این بود که این قدرت را از ملت بگیرند و این را سرکوب کنند و ملت را از آنها و آنها را از ملت جدا کنند و مسائل دیگری که در زمان رضاخان بود از قبیل این منع کردن به دستجاتی که در همه ایران در ماه محرم و صفر این دستجات بیرون می آمدند، این هم قدرتی بود و آن را هم ممنوع کردند در آنوقت و امثال اینها که زیاد است، تا نوبت رسید به پسر خلف او که همانطور که او جنایتکار و خائن بود این از پدر در آن جهت جلو افتاد و او هم آن کرد که شما همه می دانید و تفصیله را لازم نیست عرض کنم، تا وقتی که انقلاب شد.

### **ابطال نقشه های عمال اجانب با مقاومت و هماهنگی قوای انتظامی و سپاه پاسداران در برابر حمله متجاوزین**

در وقتی که انقلاب شد، شما دیدید که آن سران ارتش که فاسد بودند یا فرار کردند یا گرفتار شدند، لکن اصل ارتش که به حسب طبیعتش وفادار به کشور و اسلام است بود، از آنوقت شروع کردند به اینکه ارتش طاغوتی است نباید باشد، دنبال این مطلب تا حالا هم صحبت هست. این ارتشی که نشان داد در همین جنگ هائی که شده است مرتبه وفاداری خودش را و قدرت خودش را، آنها برای اینکه دیدند ارتش توجه به ملت پیدا کرد و متصل به ملت شد او را هم یک خاری بر چشم خودشان حساب کردند، از این جهت آن عناصری که با آنها هم دست هستند و خدمتگزار به آنها هستند، در مطالبی که در طول این مدت بعد از انقلاب می گفتند همه اش راجع به این بود که این قوای انتظامیه ای که هست و این قوای نظامی که هست اینها همه طاغوتی هستند، نه ما باید ارتش داشته باشیم و نه ما باید ژاندارمری داشته باشیم و نه ما باید شهربانی داشته باشیم، همه اینها باید کنار گذاشته بشود از سر شروع کنیم. این هم معلوم شد که این نقشه هم برای چه بوده و امروز که نقش مهمی، بالاترین نقش را این ارتش و این ژاندارمری و این شهربانی دارند معلوم می شود که آنها از چه می ترسیدند و می خواستند چه بکنند می خواستند ما امروزی که مبتلا هستیم به جنگ بین قوای بعثی کافر، ما هیچ نداشته باشیم و آنها همه چیز، و از آنها هم بیشتر راجع به پاسدارها بود که پاسدارها هم تمام قدرت آنها صرف این می شد که پاسدار اصلا لازم نیست، کافی است همانی که بود و می خواستند که پاسدارها را از معرکه بیرون کنند و ما دیدیم که نقش این پاسدارها هم جنگ چه بود و الان بحمدالله پاسدار و پاسبان و ژاندارمری و ارتش و عشائر و سایر قوای مردمی و بسیج و همه اینها هماهنگ اند و قدرت باطل را در هم کوفته اند و خواهند کوبید. این نقشه ها بود که اینها کشیده بودند، امروز هم در صدد همین نقشه ها هستند و شما باید غافل نباشید از این چیزهائی که منتشر می کنند، شما باید توجه داشته باشید که هر گروهی که بیشتر مورد حمله بود و این اشخاص منحرف بیشتر به او حمله می کردند و می کنند، بدانید که این برای ملت مفیدتر است و برای اجانب مضرت، اگر دیدید پاسدارها را بیشتر می کوبند،

بدانند که آنها از پاسدار زیاد می ترسند ، اگر دیدید ارتش را سرکوب می خواهند بکنند و با ملت جدا کنند بدانید که از او هم می ترسند و همین طور و اگر دیدید که روحانیون را می خواهند از صحنه بیرون کنند و بدانید که آنها از روحانیون می ترسند و ترسیده اند سابق هم .

## ملت ما ، جریان تاریخ را عوض کرد

شما برادرهای ما که بازماندگان افتخار ایران هستید ، بازماندگان اشخاصی هستید که در تاریخ افتخار برای ایران اثبات کرد و ثبت کرد و شما معلولانی که افتخار برای ایران آفریدید ، مطمئن باشید که در دنیا و در آخرت اسم شما ثبت است . شما تاریخ را عوض کردید ، ملت ما تاریخ را تاریخ دیگر کرد ، جریان تاریخ را عوض کرد ، آنها هم حساب همه چیز را می کردند الا یک حساب و آن حساب معنویت . آنها از چشم های چپ نگاه می کردند به دنیا که چشم عمیاست ، از چشم نابینا نسبت به معنویات که چشم راست انسان است نظر می کردند ، هم چپی ها و هم راستی ها ، آنها با آن چشم کج بین خودشان حساب عشائر را کرده بودند ، حساب روحانیون را هم کرده بودند ، حساب ارتش را هم بعد کرده بودند ، حساب قوای نظامی و انتظامی را هم کرده بودند ، حساب پاسدارها را هم کرده بودند ، لکن یک حساب را نکرده بودند و آن حساب معنویت بود . آنها توجه به این نداشتند که ملت همه با هم علاقه به خدا دارند و علاقه به اسلام . آن علاقه ای که پیشقدم می شوند به واسطه آن علاقه برای فداکاری و برای شهادت . ما هر روز می بینیم اشخاصی که می آیند با من صحبت می کنند ، مصافحه می کنند ، بینیم که اشخاصی می آیند و گریه می کنند می گویند که برای ما - دعای - دعا بکن شهید بشویم . من دعا می کنم که پیروز باشند و ثواب شهید به آنها داده بشود . این حساب را نکرده بودند ، اینها تاریخ صدر اسلام را یا ندیده بودند یا غفلت از آن کرده اند . صدر اسلام اسلحه و مهمات غلبه نکرده برد تا امپراطوری به آن عرض و طول ، برای اینکه اسلحه نداشتند مسلمین هر چند تایشان یک شتر داشتند ، چند تایشان یک اسب ، شاید در همه لشکرشان چند تا اسب بود ، شمشیر کندی یا تیزی . آن طرف چه امپراطوری ایران و چه امپراطوری روم دارای همه چیز بودند تمام ساز و برگ های جنگی که در آنوقت در اختیار آنها بود مجهز به همه جهازهای جنگی بودند ، لکن فقط یک چیز را نداشتند و آن ایمان . چون ایمان نداشتند باید در بعضی از جنگ ها آنها را امر می کردند که ببندند به هم این ارتش خودشان را که فرار نکنند ، با زنجیر اینها را به هم می بستند از قراری که در تاریخ هست و می آوردند در جبهه جنگ . امروز هم برادرها شما بدانید این را که مخالفین ما همه چیز دارند الا ایمان و شما ایمان دارید که فوق همه چیز است و بحمدالله همه چیز هم دارید .

من امید این را دارم که همانطوری که در صدر اسلام ، قدرت ایمان آن امپراطوری های بزرگی که بر تقریباً همه دنیای آنوقت سلطه داشتند و همه قدرت ها دست آنها بود و ارتش اسلام با ایمان خودش و با اعتقاد به مبدأ و معاد غلبه کرد بر آنها ، شما هم در عین حالی که مقابل سلطه های بزرگ و قدرت های بزرگ همه ماها با حساب دنیائی ناچیز هستیم ، با حساب معنویت به همه مقدم بشوید انشأ

اللّٰه و همه قدرت ها را منع كنيد از دخالت در کشور خودتان و انشاء اللّٰه اين نظام فاسد بعضی را كه در حال احتضار است آن را هم به قبرستان بفرستيد . لكن توجه به اين معنا كه بايد اين ايمان را حفظ كنيد و آن وحديت كه به تبع ايمان برای شما حاصل شده است آن را هم حفظ كنيد . ما اگر شهيد داديم زياد ، معلول داديم زياد و خيلي از جوان ها را از دست داديم ، لكن ايمان را بحمد اللّٰه ملت ما زن و مردش ، بزرگ و كوچكش ايمان را از دست نداده است و مطمئن به اين است كه با ايمان خودش به همه قدرت هائی كه قصد تجاوز داشته باشند غلبه خواهد كرد . خداوند همه شما را پيروز كند و شهدای ما را به رحمت خودش و اصل كند و معلولين ما را شفای عاجل عنایت كند و به همه ملت ما اجر و مزد و وحدت كلمه عنایت فرمايد .

والسلام عليكم ورحمة اللّٰه وبركاته

ص: 278

## بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اصناف و بازاریان تهران و جوانان خوزستانی

### بازار باید مظهر تام اسلام و عدالت باشد

بسم الله الرحمن الرحيم

بازار در طول تاریخ، بازارهای تمام کشور و خصوصاً بازار تهران یک بازوی قوی ای از برای اسلام و از برای کشور بوده است و انشاء الله خواهد بود. اگر تمام شما یادتان نیست، بعضی از سالمندان یادشان است که رژیم سابق (شاید زمان رضاشاه بود) اینها در صدد بر آمدند که اصل بازار نباشد در ایران، از این مجتمع زیر سقف می ترسیدند، از مجتمعاتی که حصار داشت و زیر سقف بود و مجمع مومنین و متدینین و جوان های متعهد بود می ترسیدند، از مساجد که محل اجتماع همین بازاریان بود و از خود بازار که مجمع ملت بود خوف داشتند و همیشه بازار دنباله مقاصد اسلامی و برای پیشرفت اسلام و برای پیشرفت اقتصاد اسلامی یک بازوی ستر قدرتمندی بوده است و الان هم همین طور است. منتها سابق، دولت های رژیم سابق و خود رژیم سابق چون با مردم نبود و مردم هم با او نبودند، شاید جرات نکرد یک دفعه محمدرضا توی بازار بیاید اما اکنون اینطور نیست برای اینکه دولت و بازار، رئیس جمهور و بازاری اینها برادر هستند و از خود این مردم هستند، اینطور نیست که در آن رده های به اصطلاح خودشان بالا-باشند و به حسب واقع منحط باشند که مردم آنها را نپذیرند. در طول تاریخ هر مشکلی که پیدا می شد برای اسلام و برای علمای بزرگ اسلام کافی بود که نصف روز بازار برای یک همچو امری بسته بشود و مشکل حل بشود. یک پشتوانه عظیمی است بازار برای اسلام، و بازاری ها باید با کمال دقت این مسأله را حفظ کنند.

در همه قشرها اشخاصی که مخالف با مصالح عمومی مسلمین باشند و فعالیت هایشان بر این باشد که جیب های خودشان را پر کنند، هست. بازار هم افرادی هستند که در همچو وقتی که کشور ما مبتلای به جنگ است و پیرزن ها و پیرمردهای دهاتی هر چه دارند، دارند در راه این اسلام و جنگ می دهند، باز در بین بازار اشخاص منحرفی هستند که از خدا بی خبرند و در یک همچو موقعی کارشکنی ها می کنند برای دولت و کارشکنی ها می کنند برای این جنگی که الان ما داریم. مورد تأسف است این معنا که قشرهای میلیونی ملت در تمام دهات و قصبات و شهرها و بازارها برای این جنگ نگران هستند و پشتیبان این جنگ و این جنگزده ها و این ارتش و این پاسدارها هستند، لکن یک عده ای در مقابل این توده های عظیم در هر جایی از مملکت هستند و در بازار هم هستند که در مقابل

اسلام خودشان را قرار دادند، در مقابل کشور اسلامی خودشان را قرار دادند. کوشش کنید، آقایان بازاری کوشش کنند در اینکه مبادا اینها بازار را متهم کنند، مبادا اینها بازار را بدنام کنند. بازار ایران خوشنام است و همیشه پشتیبان کشور و ملت و اسلام بوده است و در هر مشکلی بازار در حل آن مشکل‌ها دخالت داشته است و جزء ملت بوده است و همان ملت است و همان مردم است که در بازارها مجتمع هستند و مشغول اقتصاد ملت هستند و مشغول کارهای صحیح هستند. توجه داشته باشید که یک گروه کوچکی که منافعشان از دست یافته یا خوف این را دارند که از دست برود، یعنی منافع نامشروعشان از دست شان رفته است، کاری نکنند که بازار را متهم کنند از قول بازار یک چیزی نگویند، اگر یک وقت از قول بازار یک مطلبی را منتشر کنند، بازاری‌ها اعتراض کنند و به آنها بگویند که شما اسماً خودتان را بنویسید در اعلامیه‌های خودتان. باید خیلی امروز ما توجه به این مسائل داشته باشیم. اجتماع بازار یک اجتماعی است که اگر در یک مسیر اسلامی حرکت بکند (و بحمدالله حرکت می‌کند) مملکت را از آسیب نگره می‌دارد. همین بازار است که پشتوانه ارتش است و همین بازار است که در این زمان پشتوانه کشور است و دولت است و اگر چنانچه تفرقه در بازار نباشد و بعضی از اشخاص که تفرقه افکن هست گذاشته بشود که فعالیت بکنند، خدای نخواستہ این ستون ستبر اسلام را یک وقت از بین می‌برند. باید توجه داشته باشید. شما می‌دانید که در مشکلاتی که سابق بود در از زمان میرزای شیرازی تا حالا مشکلات در بازارها حل می‌شد. اگر یک وقت یکی از علماً تهران به واسطه بدرفتاری دولت‌های زمان قاجار می‌خواست از تهران برود، بازار بست و همان بود که آنها توبه می‌کردند و آن عالم را با التماس نگره می‌داشتند. این بازار است که باید درست توجه بکنند و قشرهای مختلفی که دارد توجه بکنند و مساجد را آباد بکنند و مساجد را پر بکنند از جمعیت‌های خودشان. در ممالک اهل سنت آنکه من دیدم در حجاز وقتی که اذان ظهر گفته می‌شود بازارها بسته می‌شود یا باز است و شرطه آنها را حفظ می‌کند و می‌روند مسجدالحرام برای نماز یا مسجد النبی برای نماز.

بازار باید مظهر تام اسلام و عدالت باشد. بازار باید احتراز کند از چیزهایی که مخالف دستورات اسلام است و اقبال کند به آن چیزهایی که موافق دستورات اسلام است. از ربا بازار باید مظهر باشد. اگر در بین بازاری‌ها اشخاصی باشند که خدای نخواستہ ربا می‌خورند، خود بازاری‌ها آنها را نصیحت کنند. مبادا یک همچو مرضی توسعه پیدا بکند و مملکت ما را به نابودی بکشد. رباخوری، بازارها را از بین خواهد برد، مردم را خواهد تباہ کرد. مبادا خدای نخواستہ در بین بازار یک همچو معصیت بزرگی که در رأس معاصی، خدا قرار داده است و آن را بالاتر از زنا و در حکم مقاتله با خدا قرار داده است مبادا یک وقت در بازار یک همچو امری باشد و انصاف نیست که در بازار گرانفروشی باشد. در موقعی که مردم ایران، زن و بچه مردم ایران برای جنگزده دارند از منافع خودشان می‌گذرند و آن چیزی که دارند هدیه می‌کنند، مبادا در یک همچو موقعی در بازار اشخاصی پیدا بشوند که گرانفروشی کنند که موجب فلج مردم و ناراحتی مردم بشود. اگر خدای نخواستہ از

اعمال ما یک شکستی واقع بشود به اسلام، مسوولیت ما پیش خدای تبارک و تعالی بسیار بزرگ است.

### اشخاصی که در جنگ تشخیص نمی دهند، راجع به جنگ اظهار نظر نکنند

مبادا در بازار یک وقت راجع به ارتش ایران، راجع به دادگستری ایران، راجع به پاسدارها و پاسدارها و اینها مسائلی طرح بشود که اسباب تضعیف آنها شود و خصوصا ارتش و پاسدارها و ژاندارمری که الان مشغول به جنگ هستند و در ردیف اول جنگ واقع شدند و کشته می دهند و خون نثار می کنند مبادا یک وقت مسائلی طرح بشود در بازار یا جاهای دیگر که موجب تضعیف بشود. باید این نکته توجه به آن بشود که مردم عادی اطلاع از فنون جنگ ندارند، فنون جنگ را ارتش دارد آن هم رده اول ارتش، نه همه اگر یک روز پیشروی می شود، یک روز عقب روی می شود، نباید این را در مجلس یا در بازار یا در نطق ها طرح بکنند که چرا اینطور شد. شما مطلع نیستید از کیفیت جنگ، کیفیت جنگ یک روز جلو رفتن هست، یک روز عقب رفتن هست و اینها همه از مسائلی است که آنهایی که تشخیص می دهند، باید این امر را انجام بدهند. اشخاصی که تشخیص نمی دهند، نشینند توی خانه هایشان در بین مردم بیایند بگویند که چرا اینطور شد، چرا اینطور شد. اینها از مسائلی است که امروز لازم است احتراز از آن بشود. من به همه نصیحت می کنم که راجع به جنگ که الان ما مبتلا هستیم، نیایند اظهار نظر بکنند که (به نظر من اینطور است). نظر شما هر چه هست، اما اعلام نباید بکنید، نباید یک مطلبی را که موجب تشویش خاطر رؤسای ارتش است، موجب تشویش خاطر رئیس جمهور هست موجب تشویش خاطر دولت هست، یک حرف هائی زده بشود بدون اینکه مطلع باشید دارید چه می کنید. شما خیال می کنید که می خواهید خدمت بکنید و به حسب واقع خدمت نیست. توجه به این مسائل را باید کرد و هر کس رفت جبهه و برگشت نباید فریاد بکند که جبهه چه بود. شما و من تشخیص نمی دهیم که در جبهه باید چه بشود، جبهه را آنهایی که متخصص اند تشخیص می دهند که باید چه جور باشد و جبهه را چه جور نگهداری کنند و چطور موازین جنگ را اجرا بکنند. اگر خدای نخواست به واسطه حرف ما، به واسطه اقدامات ما در جبهه یک سستی پیدا بشود، یک دلسردی پیدا بشود در جبهه جنگ، مسوولش همه ما هستیم. بازار باید یکدل دنبال جبهه باشد و از پشت سر جبهه را تقویت بکند و مجلس باید پشت سر جبهه باشد و مجلس را تقویت بکند و ناطق ها، نویسندگان روزنامه نویس ها و همه مطبوعات، رادیو تلویزیون، همه اینها باید امروز دنبال این باشند که پیروزی حاصل بشود، نشینند هی اشکال بکنند و هی تضعیف بکنند قوای انتظامی ما را. و من به قوای انتظامی و نظامی که الان دارند در سرحدات جانفشانی می کنند همه طوایف شان، چه عشائر و چه مردم عادی غیر نظامی و چه خود نظامی ها و چه قوای دیگر مسلح مثل پاسدارها و پاسبان ها به همه اینها من نوید می دهم که ایران پشت سر شماست، مملکت ایران پشت سر شماست، شما اعتنا نکنید به بعض حرف هائی که گاهی گفته می شود، آنها هم ممکن است بعضی شان از روی غرض باشد ولی شاید غالبا



غرض نداشته باشند ، توجه ندارند به مسائل .

باید قوای ما در سرحدات که الان جانفشانی می کنند اتکال به خدا کنند و توجه داشته باشند که در تمام دنیا یک ارتشی که اینطور ملت با آنها مؤافق باشد ، نیست . الان ارتش عراق ملت عراق بکلی مخالف با ارتش عراق است و ملت ما بکلی مؤافق با ارتش ماست و پشتیبان ارتش ماست . بازارهای مسلمین همه پشتیبان شما هستند ، توده های مردم همه پشتیبان شما هستند . اگر یک عده ای باشند که از رژیم سابق مانده اند ، از تفاله های آن امر فاسد مانده است ، یا بعض اشخاصی باشند که سرسپرده به ابر قدرت ها هستند و اسباب یک اغتشاشی یا اسباب یک دلسردی می شود ، اینها ملت نیستند . آن که ملت است بازارهای مسلمین است ، آن که ملت است آن کارخانه ها و این صحراها و آنهایی که برای این ملت دارند کار می کنند ، اینها با شما موافقند . اگر یکی یک صحبتی کرد دلسرد نشوید و با کمال قدرت و اتکال به خدا به کارهای خودتان به آن ترتیبی که نقشه های خودتان اقتضا می کند به همان ترتیب توجه کنید و پیشروی کنید و من امیدوارم که به زودی همه مسائل ما حل بشود و همه بازارهای ما اسلامی بشود و هم ماها به تبع اسلام هدایت بشویم . خداوند تبارک و تعالی به شما سلامت و صحت و عافیت و توفیق خدمتگزاری به اسلام بدهد .

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاته

ص: 282

## بیانات امام خمینی در جمع کاکران و کارمندان چاپخانه هفده شهریور ،

### باید برای استقلال ، از خواب غفلتی که اجانب در ما بوجود آورده بیدار شویم

بسم الله الرحمن الرحيم

توجه به یک نکته و تذکر او لازم است ملتی که بخواهد سر پای خود بایستد و اداره کشور خودش را خودش بکند ، لازم است که اول بیدار بشود ، در سیر الی الله هم اهل معرفت گفته اند که یقظه ، بیداری اول منزل است . در طول تاریخ ، در این سده های آخر ، کوشش شده است که ملت های جهان سوم خواب باشند ، غافل باشند و توجهشان به شخصیت خودشان نباشند و شخصیت خودشان را اصلا وابسته به غیر بدانند . این قضیه از سال های بسیار طولانی بوده است و هی دائما رشد کرده است تا این اواخر به رشد تمام رسیده بود . من یک قصه شنیدم که مال شاید صد سال پیش از این باشد ، صد و بیشتر از صد سال از شیخ ما مرحوم آیت الله حائری رحمة الله نقل شد که من بچه بودم ، فرموده بودند من بچه بودم در یزد و تازه این لامپا را ، لامپاهائی که آنوقت ها بود آورده بودند و یک جلسه ای درست کرده بودند ، مردم جمع شده بودند آنجا و این لامپا را گذاشته بودند ، یک پله هائی درست کرده بودند و آن لامپا را گذاشته بودند آنجا ، آن بالا ، مردم تازه می دیدند او را ، چراغشان قبلا چراغ های غیر از آن ترتیب بوده و یک نفر فرنگی هم آنجا بود ، این هر چند دقیقه یا چند وقت یک دفعه از این پله هارفت بالا و آن ماشه لامپا را حرکت می داد این یک قدری نورش می رفت بالا ، مردم صلوات می فرستادند بعد می آمد پائین یک قدری می ماند و مردم مشغول تماشا بودند دوباره می رفت بالا آن را می کشید پائین ، مردم باز تظاهر می کردند . این از آنوقت ها مطرح بوده است که ما حتی نمی توانیم پیچ یک چراغ را بالا ببریم ، این باید فرنگی این کار را بکند ، باید از خارج فرنگی ها بیایند و دست شان را اینطور کنند تا این ماشه چراغ ، فتیله را بالا ببرد و بعد هم اینطور کنند تا پائین بیاورد . کم کم این در همه طبقات این انگیزه رشد کرد . من عکس مجسمه آتاتورک را در ترکیه آنوقت که تبعید بودم به آنجا ، دیدم که مجسمه او رو به غرب بود و دستش را بالا کرده بود و آنجا به من گفتند که این علامت این است که ما هر چه باید انجام بدهیم باید از غرب باشد . به اصطلاح ، آتاتورک یک مرد مثلا روشنی ، یک مرد کذائی بوده و در کشور ما هم بعضی از روشنفکرها به اصطلاح گفته بودند که ما باید از سر تا قدم اروپائی و انگلیسی باشیم تا بتوانیم ادامه حیات بدهیم . ما تا نفهمیم که خودمان هم یک شخصیتی داریم ، مسلمان ها هم یک گروهی هستند و شخصیتی دارند و می توانند خودشان هم کار انجام بدهند ، تا نخواهیم یک کاری را ،

نمی توانیم و تا بیدار نشویم ، نمی خواهیم . ما را در غفلت و در خواب نگه داشتند که ما هیچ یک از امور صنعتی را قادر بر تحقیقش نیستیم ، ملت ما فقط لولهنگ می تواند بسازد ، کار دیگر از او نمی آید . باور کرده بود این ملت بیچاره روی تبلیغاتی که قدرت های پیشرفته و بزرگ کرده بودند و تبلیغات داخلی که وابستگان به آن قدرت ها کرده بودند به اینکه ما باید همه چیزمان از خارج باشد و ما باورمان آمده بود یا بسیاری از ما ، که غرب یک نژاد برتر است ، همانطور که هیتلر این معنا را از قراری که شنیدم می گفته است که آلمان یک نژاد برتر است و بعضی از نویسندگان های ما نوشته بودند که آن عمده ای که در آلمان هست و بیلش را دستش گرفته و لب خیابان ایستاده که برود کار بکند ، آن آدم چشم آبی را عقیده بسیاری هست به اینکه برای اداره مملکت مثلاً" امثال ما از اشخاصی که در این مملکت هستند بهتر و بالاتر می تواند عمل بکند این طرز فکر ، ما را آنطور عقب نشانده بود که اعتقادمان این بود که اصلاً" از ما کاری ساخته نیست . ارتش ما اگر بخواهد ارتش بشود ، مستشار لازم دارد ، از آمریکا یا از اروپا باید مستشارانی بیابند تا ارتش ما را بتواند سروسامان بدهند . ما راجع به صنایع اصلاً" نباید صحبتش را بکنیم ، ما یک ملت لولهنگ ساز هستیم ، ما نسبت به صنایع اصلاً" نباید صحبت بکنیم ، این صنایع در دست به عهده اروپائی ها و آمریکائی هاست . ما تا بیدار نشویم از این خواب و تا توجه به این نکنیم که ما هم انسان هستیم ، ما هم شخصیت داریم ، ما هم ملت های بزرگ هستیم ، ما هم ، مسلمین هم یک میلیارد تقریباً" جمعیت با همه وسائل دارند تا این معنا را ما باورمان نیاید ، نمی رویم دنبال کار . یک جمعیتی اگر نشستند و دست شان را دراز کردند پیش یک جمعیت های دیگر که بده به ما ، تمام همشان این بود که هر چه خواهند از خارج بیابند و بدهند به شما و ذخائر شما را از اینجا ببرند در ازای آن چیزی که می دهند ، این ملت اگر یک میلیون سال هم زندگی بکند ، همان حال اول است ، تنبل بار می آید ، بی اراده بار می آید . این تبلیغات دامنه داری که کردند و حالا هم باز می کنند ، به گوش شما نباید برود ، شما باید بیدار بشوید از این خوابی که بیشتر از چندصد سال به ما تزریق کردند و ما را خواب کردند ، اول قدم این است که ما بیدار بشویم ، بفهمیم که ما هم از جنس بشر هستیم و ممالک دیگر و رژیم های دیگر و نژادهای دیگر برتر نیستند از ما ، منتها آنها با تبلیغاتشان ما را جوری کردند که همیشه دستمان طرف غرب یا طرف شرق دراز باشد و هر چه می خواهیم از آنجا برای ما بیاید . اگر ما بیدار بشویم که ما هم موجودی هستیم مثل سایر موجودات و ما هم انسانی هستیم مثل سایر انسان ها و نژاد ما هم نژادی هست مثل سایر نژادها ، اگر این معنا را ما توجه به آن بکنیم و بفهمیم که ما باید خودمان برای خودمان وسائل زندگی را فراهم کنیم ، خودمان برای خودمان کار بکنیم ، اگر دستمان را از شرق و غرب کوتاه کنیم و خودمان مشغول فعالیت بشویم ، یاد بگیریم لکن بعد از یاد گرفتن خودمان کار بکنیم ، نرویم سراغ اینکه بنشینیم تا حتی یک گلیمی هم که می خواهیم ، یک پتونی هم که می خواهیم از آنجا بیاورند ، یک تفنگی هم که می خواهیم از آنجا بیاورند . اگر ما به این معنا توجه کنیم و بیدار بشویم ، دنبال بیداری ، اراده پیش می آید که ما بخواهیم که خودمان وسائل زندگی اجتماعی خودمان را فراهم کنیم با کوشش خودمان ، باید کارهای خودمان را انجام بدهیم ، مدتی می گذرد و ما خودمان صنعتگر

خواهیم شد. آنهایی که این صنعت های بزرگ را درست کردند، آنها هم انسان هائی یک سر و دوگوشی هستند که مثل سایر انسان ها، منتها قبل از ما بیدار شدند و ما را خواب کردند، قبل از اینکه ما بیدار بشویم آنها بیدار شدند و هم خودشان را صرف این کردند که با ایادی خودشان مستقیماً" یا به غیر مستقیم ما را غافل کنند، ما را خواب کنند و به ما تزریق کنند به اینکه شما نمی توانید، حتی تزریق کنند که شما نمی توانید حکومت کنید، شما نمی توانید یک حکومت صحیح داشته باشید، شما نمی توانید یک نظام صحیح داشته باشید شما نمی توانید یک صنعتی داشته باشید. اگر ما از این خواب بیدار نشویم، هر چه فریاد هم بزنیم فایده ندارد، شعارها فایده ندارد، آن شعاری فایده دارد که از روی علم باشد و توجه البته در یک انقلابی و در یک نهضتی اولش شعارهاست که این نهضت را به پیش می برد و اگر این شعارها نباشد، انقلاب نمی تواند پیش ببرد، لکن بعد از اینکه انقلاب پیروز شد باید عمل کرد، باید توجه کرد به اینکه ما نباید همیشه دستمان دراز باشد، یک دستمان طرف غرب دراز باشد، یک دستمان طرف شرق دراز باشد، تا این دو دست ما طرف شرق و غرب دراز است، ما وابسته هستیم، ما که می خواهیم وابسته نباشیم باید اول بیدار بشویم به اینکه ما خودمان هم شخصیت داریم، ما می توانیم کار انجام بدهیم.

شما دیدید که قبل از اینکه این نهضت حاصل بشود و انقلاب، کم شخصی بود، کم کسی بود که احتمال این را حتی بدهد که می شود بر این قدرت های بزرگ غلبه کرد، آن هم یک ملتی که همه چیزش وابسته بوده و همه چیزش از آنجا آمده و چیزی ندارد، این یک مسأله ای بود که باور کسی نمی آمد لکن شما می دیدید که وقتی اراده کردید، ملت اراده کرد، دنبالش شد. وقتی ملت بیدار شد که نباید این ابر قدرت ها در اینجا حکومت کنند و نباید وابستگان آنها در اینجا حکومت کنند، با اینکه کمال قدرت را آنها آنوقت داشتند در عین حال همین سر و پا برهنه های بازار و کوچه و دانشگاه و جاهای دیگر قیام کردند و با وحدت کلمه و با بیداری، دشمن را از صحنه بیرون کردند. اگر ملت ما در این طول مدت این بیست، سی سال، از بیست سال به این طرف باز همان بودند که از پاسبان می ترسیدند، اگر یک وقتی می خواستند به کلانتری بروند خوفشان بود که بروند، از اسم شاه کذا می ترسیدند، اگر اینها همان ها بودند، نمی توانستند قیام کنند و این واقعه را، این واقعه اعجاز آمیز را بوجود بیاورند. اول بیدار شدند، با نطق ناطقین نویسندگان، بیدار شدند یعنی نویسندگان متعهد، بعد که بیدار شدند اراده کردند، خواستند، دنبال اراده و خواست قیام حاصل شد و دیدید که چیزی که ملت خواست متحقق می شود، ملت ما خواست که نظام جائر سلطنتی نباشد و به جای او یک نظام انسانی اسلامی باشد، این را خواست و این شد. البته نمی گویم که الان ما یک نظام اسلامی تمام عیار داریم، لکن این را می گویم که آن نظام جائر که همه چیز ما را به دیگران فروخت و از بین برد آن رفت از بین و دست آن ابر قدرت کوتاه شد از مملکت و ما الان در اول قدم هستیم و باید کوشش کنیم، همه ما کوشش کنیم، همه ملت کوشش کنند، هر کسی در هر جا که هست کوشش کند و کوشش اش این باشد که ما باید وابسته نباشیم. اگر دهقان های ما در صحراها و در هر جا که هستند این معنا را بفهمند که کوشش باید کرد تا وابسته

نبرد و هر کس وابسته است اسیر است و ممکن است که اسارتش زیاده‌تر بشود، اگر آنها در بیابان‌ها این معنا را احساس کنند، اراده می‌کنند که وابسته نباشند و اراده می‌کنند که ارزاق خود مملکت را خودشان تهیه کنند و اگر در کارخانه‌های ما این معنا را متنبه بشوند که ما باید وابسته نباشیم و ما باید خودمان برای خودمان کار انجام بدهیم، آنها کوشش می‌کنند که کارخانه‌ها را بهتر راه ببرند و اشخاصی که مغز تفکر صنعتی دارند این مغزها را به کار می‌اندازند و بعد از اینکه فهمیدند که باید برای خودمان کار بکنیم و باید صنعت را هم، چه صنعت بزرگ، چه صنعت کوچک را خودمان باید درست بکنیم، این مبدأ عمل می‌شود که بعد از آن بیداری و این اراده راه بیفتند و مشغول بشوند و تفکر کنند و مغزها را به کار بیندازند و کار خودشان را خودشان انجام بدهند.

### **امید را که جنود الله است در خود زنده و یاس را نابود کنید**

شما متوقع نباشید که همین امروز بتوانید طیاره درست کنید، میگ درست کنید، البته الان نمی‌شود اما مایوس نباشید از اینکه می‌توانیم درست کنیم، باید بیدار بشوید بروید دنبال اینکه آن صنایع پیشرفته را خودتان درست بکنید وقتی این فکر در یک ملتی پیدا شد و این اراده در یک ملتی پیدا شد، کوشش می‌کند و دنبال کوشش این مطلب حاصل می‌شود، یاس از جنود ابلیس است یعنی شیطان‌ها انسان را به یاس و می‌دارند همین ابلیس‌هایی که می‌بینید در طول تاریخ ملت ضعیف را مایوس کرده‌اند، همین‌هایی که به ملت‌های ضعیف تزریق کردند که ما هیچ نمی‌دانیم و هیچ نمی‌توانیم، همین‌هایی که به ملت‌های ضعیف به واسطه وابستگی‌شان به خارج گفتند که ما باید غربی باشیم، ما ارتشمان هم باید از غرب برایش یک کسی بیاید، کارخانه‌هایمان هم باید از غرب بیاید، راهش بیندازد، ما باید این جنود ابلیس را کنار بزنیم و امید که از جنود الله است در خودمان زنده بکنیم، به خودمان امیدوار باشیم، تکیه به اراده خودمان بکنیم، تبع اراده دیگران نباشیم لکن همه با هم مجتمعا این اراده را بکنیم تا کار انجام بگیرد. آنهایی که در ارتش هستند، در قوای مسلح هستند، با هم هماهنگ باشند و با هم بخواهند که ارتش‌شان قوی باشد و ارتش‌شان و قوای مسلحه‌شان را خودشان اداره کنند دنبال و می‌توانند و می‌بینید که توانستند و می‌توانند و آنهایی که کارخانه‌ها هستند و در کارگاه‌ها هستند و در امور صنعتی هستند خودشان بگویند ما خودمان می‌کنیم و می‌توانیم.

### **نویسندگان و گویندگان باید به جای اشکالتراشی به مردم امید و اطمینان بدهند**

امید در خودتان ایجاد کنید، نویسندگان‌های ما، گویندگان ما همه‌شان دنبال این باشند که به این ملت امید بدهند، مایوس نکنند ملت را، بگویند توانا هستیم، نگویند ناتوان هستیم، بگویند خودمان می‌توانیم و واقع هم همین‌طور است، می‌توانیم اراده باید بکنیم. نویسندگان‌های ما بهترین خدمتشان امروز این است که این ملتی که ایستاده در مقابل شرق و غرب و نمی‌خواهد تحت نظام شرق یا نظام غرب باشد، امید به آنها بدهند که می‌توانید تا آخر وابسته به شرق و غرب نباشید. اگر این نویسندگان،

این گوینده ها به جای اینکه به هم اشکال تراشی بکنند ، به جای اینکه به جان هم بریزند ، با هم امید در ملت ایجاد کنند ، اطمینان در ملت ایجاد کنند ، استقلال روحی در ملت ایجاد کنند ، اگر این خدمت را این رسانه های گروهی ، این مطبوعات ، این نویسندگان ، این گویندگان ، این اطمینان را در ملت ایجاد کنند ، ما تا آخر پیروز هستیم و حیف است که یک ملتی که ایستاده و خون جوانان خودش را داده و همه چیزش را فدای اسلام و استقلال کشورش کرده ، ماها که گوینده هستیم ، نویسنده هستیم ، آنهائی که در مطبوعات چیز می نویسند ، در رادیو و تلویزیون صحبت می کنند ، حیف است که اینها توجه به این معنا نداشته باشند که باید این ملت را امیدوار کرد و باید مطمئن کرد ملت را .

اطمینان داشته باشید که اگر بخواهید ، می شود و اگر بیدار بشوید ، می خواهید . شما بیدار بشوید و بفهمید این معنا را که نژاد ژرمن از نژاد آریا بالاتر نیست و غربی ها از ما بالاتر نیستند ، زودتر کار راه انداختند ، مشغول بشوید و کار را انجام بدهید . ژاپن همین معنا را مبتلا بود و بعد بیدار شد و اراده کرد و شد یک مملکت صنعتی که الان صنعت او مقابله می کند با آمریکا ، هندوستان بیدار شد یا اینکه از همین نژادهائی بود که غیر عربی بودند و غیر آلمانی و غیر ژرمنی بودند که آنها می گفتند اینها ابر هستند و اینها نمی توانند وقتی ملتشان خواست ، شد ، شما هم بخواهید ، می شود . خواستید که سلطنت جائر پهلوی نباشد و از بین رفت ، خواستید که قدرت های دیگر بر شما و بر ذخائر شما سلطه نداشته باشند ، همین طور شد و الان سلطه ندارند .

### **گروهگ ها می خواهند شخصیت هائی را که در رأس کارند ، از نظر مردم بیندازند**

بخواهید که خودتان اداره کنید مملکت خودتان را ، بخواهید که کمک کنید به دولت ، تضعیف نکنید دولت را ، تضعیف نکنید اشخاصی که خدمتگزار هستند ، تمام این اشخاصی که الان مشغول کار هستند اینها خدمت به شما و ملت ما شما می کنند ، در صدد نباشید که این گروه را عقب بزنند و آن گروه ، این گروه را ، همه در صدد این معنا باشید که با هم این کشور را اداره کنید و این مردم را بیدار کنید . من طرفدار تمام قشرهائی هستم که به این کشور خدمت دارند می کنند و متاثرم از اینکه اشخاصی که دارند به این مملکت خدمت می کنند ، دست هائی که می خواهد این کشور را باز به عقب بزند ، اینها را روبروی هم قرار داده است و هر کدام به دیگری اشکال می کنند ، به جای اشکال هر دو با هم عزمتان را جزم کنید که این ملت را به جلو ببرید ، این ملت را بیدار کنید ، ارتش را تقویت بکنید ، دادگاه ها را تقویت بکنید البته اصلاح هم باید بشود ، اشخاصی که در رأس دادگاه هستند تقویت کنید تا آنها بتوانند کارهای خودشان را انجام بدهند ، اشخاصی که در رأس ارتش و قوای مسلحه دیگر هستند تایید کنید تا آنها بتوانند ارتش را اداره کنند تا بتوانند قوای مسلحه کارهائی که بر آنها محول است به خوبی انجام بدهند ، مجلس را که در رأس همه امور است تقویت کنید و دنبال این باشید که یک مجلس قوی قانونگذاری داشته باشیم تا بتواند مملکت را به راه راست ببرند .

من با همه این گروه ها ، با هیچ یک از اینها قوم و خویشی ندارم ولی با همه این گروه ها

موافقم مادامی که در پست های خودشان رفتار خوب دارند . شما بدانید که در بین این ملت ما الان اشخاصی هستند ، گروهک هائی هستند که می خواهند یکی یکی اینهائی که مشغول خدمت به این مملکت هستند ، از نظر مردم بیندازند و آنها را از ملت جدا کنند . باید توجه داشته باشید که اینها که آمدند و مطلبی را گفتند مچشان را بگیرد که این آقائی که تو می گوئی فلان است ، دلیلت چه است ؟ ببینید چه خواهد گفت . آن کسی که مثلا در ارتش است ، فرمانده ارتش است اگر گفتند فلان کار را کرده مچش را بگیرد که دلیل شما بر این مطلب چه است ؟ آن که در رأس دادگاه هست اگر به او اشکال کردند مچشان را بگیرد بگوئید دلیلت بر این مطلب چه است ؟ آنوقت خواهید فهمید که دلیلی در کار نیست فقط این است که تبلیغات است که می خواهند شخصیت ها را بشکنند و می خواهند نتیجه از آن بگیرند و مع الاسف ملت ما توجه به این مسأله بسیاریشان کم دارند ، به این تبلیغات سوئی که نسبت به بعضی از این روحانیون که مشغول خدمت به این ملت هستند ، نسبت به اینها می کنند باور می کنند ، اشخاصی را که من بیش از بیست سال است می شناسم و می دانم چه اشخاصی هستند لکه دار می کنند . اینها از عیوبی است که در کشور ما هست ، اشخاصی که در ارتش الان دارند خدمت می کنند ، در ژاندامری خدمت می کنند ، در سپاه پاسداران دارند خدمت می کنند ، در بسیج دارند خدمت می کنند ، کمیته هائی که دارند خدمت می کنند ، همه اینها الان خدمتگزار هستند البته در هر قشری و جمعیتی پیدا می شوند بعض اشخاص غیر صالح ، نباید ما اگر در یک جمعیتی یک آدم غیر صالح پیدا شد ، تمام آن گروه ها را بکویم و نباید ما بدون دلیل و بدون شاهد یک مطلبی را قبول بکنیم . بعضی از فلاسفه می گویند که کسی که بی دلیل یک مطلبی را قبول بکند از فطرت انسانی خارج شده است و صحیح است این . انسان نمی تواند به حسب فطرتش یک مطلبی را که می شنود همین طوری خود بخود قبول کند . اشخاصی که می خواهند الان شخصیت هائی که در این مملکت مشغول خدمت و در رأس کار هستند از نظر مردم بیندازند ، اینها نظرشان به این است که این کشور را تهی کنند از شخصیات و از اشخاص مؤثر و آن کنند که سابق بود ملت ما باید هوشیار باشد و هیچ مطلبی را بی دلیل قبول نکند ، همین که یک کسی گفت فلان چه جور است باید بگویند به چه دلیل می گوئی دلیلش را از او بپرسند ، اگر بی دلیل یک مطلبی را قبول بکنند از فطرت انسانی خارجند . انسان باید هر مطلبی که می شنود دلیل برای آن اقامه بشود ، ما خدا را با دلیل قبول کردیم بی دلیل قبول نکردیم و ما انبیا را با دلیل قبول کردیم بی دلیل قبول نمی کنیم ، ما کسانی که خیانتکارند با شواهد آنها را خائن می دانیم ، کسانی که به این ملت اذیت کردند و این ملت را جور کردند شاهدش همان بود که می دیدید ، ولی یک نفر آدم ، هر کس می خواهد باشد ، یک زارع باشد ، یک کاسب باشد یک بازاری باشد ، یک اداری باشد ، اگر به ما گفتند این فلان است باید دلیل اقامه کند ، باید توجه داشت که مبادا خدای نخواستہ بخوانند حکومت اینجا را و مملکت ما را بگویند: نه عرضه حکومت کردن دارند و نه عرضه اینکه دادگستری را اصلاح کنند دارند و نه عرضه اینکه مجلس را اداره کنند دارند ، این مسائل مصیبت بار است و اشخاص توجه ندارند و غالبا هم آن اشخاصی که این حرف ها را می زنند غرضمندند یا گول خورده اند .

## اسلام پیش ما امانت است ، با قلم ها و قدم ها به آن خیانت نکنیم

برادرهای من ! خواهرهای من ! توجه بکنید که مسؤولیت داریم امروز ، مسؤولیت های بزرگ داریم ما ، اگر این نهضتی که تا اینجا رسیده و این انقلابی که تا اینجا رسیده است و یک جمهوری اسلامی در مملکت ما تحقق پیدا کرده است اگر این از دست ما برود همه ما مسؤولیم ، اگر قلم هائی که در روزنامه ها به ضد هم چیز می نویسند کمک کنند بر این از بین رفتن جمهوری ، همه مسؤولند ، ما مسؤولیم و ما اسلام امانت است پishمان ، احکام اسلام امانت است پishمان و نباید با سر قلم ها خیانت کنیم بر این امانت و نباید با زبان ها خیانت کنیم به این امانت و نباید با قلم ها و قدم ها به این امانت خیانت کنیم . اگر بخواهید کشورتان مستقل باشد ، اگر بخواهید کشورتان روی پای خودش بایستد و بخواهید آزاد باشید ، باید از اینطور مناقشات دست بردارید و همه نظر حسن بکنید و برادروار همه با هم کمک بکنید تا این کشور به مقصد خودش برسد .

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاته





## فهرست آیات و روایات

شماره صفحه	سوره آیه	
۴۵، ۲۵	حجرات ۱۰	إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ
۳۲	سبا ۴۶	قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُولُوا لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفِرَادَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا
۱۲۷، ۴۷	بنی اسرائیل ۸۱	جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا
۲۱۸، ۵۳	حمد ۷، ۶	إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ
۲۶۵، ۵۳	بقره ۲۵۷	أَفَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا لِكُلِّ قَوْمٍ نَبِيًّا مِمَّا كَانُوا فِيهَا أَفَلَا تُعْقِلُونَ
۷۱	روایت	حُبُّ النَّفْسِ رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ
۲۴۶، ۹۵	محمد ۷	إِنْ تَنصَرُوا لِلَّهِ يَنْصُرْكُمْ وَ يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ
۱۱۵	توبه ۳۶	وَ قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً
۱۲۳	آل عمران ۱۰۳	وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا



١٢٤	٩	حجرات	فَقَاتِلُوا آلَ لُحْيَانَ الَّذِينَ تَبِعُوا نَبِيَّ أُولَئِكَ أَدْرَأْنَا إِلَى أُولِي الْأَرْحَامِ مِمَّا كَفَرُوا فَعَقِلُوا فِي الْكُفْرِ وَعَلَى آلِ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ إِنَّا فَاعِلُونَ
١٣٠		روایت	إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ
٢٤٨ . ٢٣٥ . ١٣٢	١٥٦	بقره	إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ
١٣٣	٢٨	رعد	أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ
١٣٧		روایت	الْإِسْلَامُ يَجِبُ مَا قَبْلَ
١٥٥	٩٧	آل عمران	رَبِّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ
١٦٣	٩٦	آل عمران	إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا
١٦٤	٩٧	توبه	الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا وَأَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ
١٦٤	١٣	حجرات	إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىكُمْ
١٦٥	٤٦	انفال	وَلَا تَنَارَعُوا فِتْنَةً لَكُمْ وَتَذَعَبَ رِيحِكُمْ
٢٠٠			أَنْظُرْ إِلَى مَا قَالَ وَلَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ
٢٠١		روایت	كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ
٢٤٨ . ٢١١		روایت	الْعِلْمُ هُوَ الْحِجَابُ الْأَكْبَرُ
٢٣٠ . ٢٢٩	١	علق	إِذَا قَرَأْتَ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ
٢٣٠		روایت	طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ
٢٣٠	٢٥	حديد	وَ أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ
٢٣٧	٢	عنكبوت	أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ

٢٤٠. ٢٣٩	١٥	سورى	وَ اسْتَقِيمْ كَمَا أَمَرْتِ
٢٤١. ٢٣٩	١١٢	هود	فَاسْتَقِيمْ كَمَا أَمَرْتِ وَ مَنْ نَابَ مَعَكَ
٢٤٧. ٢٤٣	٣. ٢. ١	عصر	وَ الْقَصِيرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ
٢٤٥	٢	جمعه	هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ
٢٤٦	٥	جمعه	مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْجِنَانِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا
٢٧٣	١٤٣	اعراف	قَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا



## فهرست راهنما

اخلاق، ۲۰۰، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸  
 اخلاق اسلامی، ۳۵، ۲۶۳  
 ادارات دولتی، ۴۲، ۵۸، ۷۸، ۲۵۶  
 ادیان ← دین  
 ارتش، ۲، ۳۹، ۶۱، ۹۱، ۹۴، ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۲۲، ۱۶۰، ۱۶۹، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۷۶، ۲۸۱  
 ارتش بیست میلیونی ← بسیج  
 ارزش‌های الهی، ۱۳۲  
 استانداران، ۱۸۷، ۱۹۰  
 استعمار، ۱۵۰، ۱۵۳، ۱۶۶، ۱۷۸، ۱۸۴، ۲۸۳  
 استعمار فرهنگی ← فرهنگ استعماری  
 استقامت، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۳  
 استقلال، ۱۲۵، ۱۴۱، ۱۴۶، ۱۹۴، ۱۹۸  
 اسرای جنگ، ۱۱۱، ۱۱۲، ۲۷۰  
 اسرائیل، ۸۱  
 اسلام، ۸۲، ۱۰۸، ۱۳۸، ۱۵۲، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۲۰۱، ۲۱۳، ۲۱۹  
 اسلام‌شناسی، ۱۷۹  
 اسلحه، ۲۲۸، ۲۷۰  
 اشغال لانه جاسوسی آمریکا، ۸۴، ۱۴۲  
 افغانستان، ۹، ۸۱، ۱۲۵، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۶۷  
 اقلیت‌های مذهبی، ۲۷  
 امام جمارانی، مهدی (حجت‌الاسلام)، ۹  
 امام خمینی، ۳۸، ۵۵، ۹۶، ۱۳۴، ۱۶۱، ۱۸۸

## آ

آبادان، ۱۰۸، ۱۶۰  
 آناورک، کمال، ۲۸۳  
 آخوند درباری ← روحانی‌نما  
 آذربایجان، ۲۲، ۹۷  
 آزادی، ۱۷۰  
 آزمایش الهی، ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۳۷  
 آستانه حضرت معصومه، ۸۸  
 آشتیانی، محمد باقر (حجت‌الاسلام)، ۱۱۴  
 آشتیانی، محمود (آیت‌الله)، ۱۱۴  
 آمریکا، ۳، ۷۶، ۸۰، ۸۳، ۸۴، ۹۰، ۹۲، ۹۸، ۱۲۵، ۱۴۲، ۲۴۱، ۲۵۸

## الف

ابرقدرت‌ها، ۲۴، ۴۷، ۱۰۹، ۱۳۳، ۱۴۰، ۱۴۶  
 ۱۷۰  
 اتکال به خدا ← توکل  
 اجتماع، ۲۱۷  
 احمد شاه، ۱۸۷  
 احمدی (دکتر رضا خان)، ۲۱۰  
 اخبار، ۹۴، ۱۱۷  
 اختلاف مسؤولین، ۷۴، ۸۷، ۱۷۲، ۱۷۳، ۲۰۳، ۲۳۶، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۸۹

ایمان، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۷۸	۲۷۱، ۲۱۷، ۱۹۵
ب	امام رضا (ع)، ۲۳۳
بازار، ۴۲، ۱۷۰، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱	امام زمان (عج)، ۳
بانک، ۱۸۶	امام علی (ع)، ۲۳۶
باهنر، محمد جواد (حجت الاسلام)، ۱۹۴	امیرالیسم، ۸۳
برزنف، لئونید ۳۷	امتحان الهی ← آزمایش الهی
بسیج، ۸۲	امر به معروف و نهی از منکر، ۲۴۴، ۲۴۵
بعثت، ۲۶۵	اموال فراریان، ۱۸۶
بنیاد شهید، ۲۷۲، ۲۷۳	امیرالمؤمنین (ع) ← امام علی (ع)
بنیاد مستضعفان، ۸۹، ۱۸۶	انبیا، ۵۲، ۷۳، ۱۳۱، ۱۳۲، ۲۶۶
بنی صدر، ابوالحسن ۱۲، ۳۴، ۵۵، ۱۰۲	انتشارات، ۲۴۹
بهشت، ۶	انتقاد، ۷۴، ۷۸، ۱۷۳، ۲۵۲
پ	انزوی سیاسی ← محاصره سیاسی
پاسدار، ۱۹۵، ۲۷۶	انسان، ۵۲، ۱۳۰، ۱۳۳، ۲۱۷
پاکسازی، ۴۲	انقلاب اسلامی، ۱، ۲، ۳، ۳۲، ۳۳، ۸۲، ۱۴۴، ۱۸۱، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۷، ۲۷۶، ۲۸۵
پاکسازی ادارات، ۴۲، ۲۵۵	نیز نگاه کنید به:
پلیس، ۱۸۳، ۱۸۴	اهداف انقلاب
پیامبر اسلام ← حضرت محمد (ص)	تداوم انقلاب
پیامبران ← انبیا	ثمرات انقلاب
پیروزی، ۱۱۶، ۱۳۳	انقلاب فرهنگی، ۲۰۷، ۲۰۸
ت	انگجی، (حجت الاسلام)، ۲۱۴
تاریخ اسلام، ۱۰۰، ۱۴۵، ۲۷۷	انگجی، حسن (حجت الاسلام)، ۹۷
تبریک به رزمندگان، ۲۴۶	انگجی، محمد علی (حجت الاسلام)، ۲۱۴
تبلیغات، ۱۱۷، ۱۵۷، ۱۹۳، ۲۵۱، ۲۵۴، ۲۶۲	انگلستان، ۱۴۲، ۱۷۰، ۱۷۵، ۱۷۶، ۲۷۶
۲۶۳	انور سادات ← سادات، محمد انور
تبلیغات خارجی، ۲، ۸۲، ۱۱۲	اوقاف، ۱۹، ۲۰، ۸۸
تخصّص، ۲۱۰، ۲۶۷، ۲۶۹	اهداف انقلاب، ۲۹
تداوم انقلاب، ۲۸	اهل سنت، ۲۵، ۴۴، ۸۰، ۸۱، ۲۲۲، ۲۸۰
ترکیه، ۳۴	اهواز، ۱۰۸
	ایران، ۱۲۵



۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۲۸، ۱۳۵، ۱۳۸،

۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۵، ۲۴۰،

۲۷۸، ۲۸۱

جنگزدگان ← مهاجرین جنگ تحمیلی

جوانان، ۴۰

جهاد سازندگی، ۲۴، ۲۵، ۲۲۱

جهنم، ۶

### ج

چریک‌های فدائی خلق ← فدائیان خلق

چمران، مصطفی ۱۱۷

### ح

حادثه گچساران، ۳۷

حائری، عبدالکریم (آیت‌الله) ۲۸۳

حب نفس، ۷۱، ۷۴

حج، ۸۰، ۱۲۳، ۱۵۴، ۱۵۵

حزب بعث عراق، ۱۰۴، ۱۷۹

حضرت علی (ع) ← امام علی (ع)

حضرت محمد (ص) ۱۳۱، ۲۳۹، ۲۴۳

حق و باطل، ۴۷، ۲۴۴، ۲۵۹

حکومت اسلامی، ۷۷

حکیم، محسن (آیت‌الله) ۱۱۰

حوزه‌های علمیه، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۱

### خ

خالد بن ولید، ۱۰۰

خامنه‌ای، علی (حجت‌الاسلام) ۱۱۷

خانواده شهدا، ۲۱۳، ۲۱۵، ۲۴۱، ۲۷۴

خانه خدا، ۱۶۳

خرم‌آبادی، روح‌الله ۲۱۶، ۲۱۷

تزکیه ← اخلاق

تسخیر لانه جاسوسی آمریکا ← اشغال لانه

جاسوسی آمریکا

تسنن ← اهل سنت

نظارات، ۱۶۹

نظارات عاشورا (سال ۱۳۵۹) ۱۷۱، ۱۸۲

تعلیم و تربیت، ۵۲، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۲۹، ۲۳۰،

۲۳۱، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷

تفرقه، ۹، ۲۳، ۲۴، ۷۵، ۷۶، ۸۵، ۸۶، ۹۴،

۱۷۲، ۱۹۶، ۲۰۳، ۲۲۲

تکلیف شرعی، ۹۵

تلقین، ۱۹۹

تنگستان، ۲۷۵

توبه، ۲۴۹، ۲۵۰

توحید، ۲۰۰

توده مردم، ۱۹۱، ۱۹۲

توکل، ۳۸

تهذیب نفس ← اخلاق

تهرانی، عباس ۱۵۲

### ث

ثمرات انقلاب، ۲۵۷

### ج

جانبازان انقلاب اسلامی، ۲۰۵، ۲۲۳، ۲۲۴،

۲۷۳، ۲۷۷

جمهوری اسلامی، ۱۹۳، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۹،

۲۶۸، ۲۸۹

جنگ، ۵۳

جنگ تحمیلی، ۸۳، ۹۰، ۹۱، ۹۴، ۹۵، ۹۸،

۱۰۲، ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۶، ۱۱۷،

راهپیمائی ← تظاهرات	خرمشهر، ۱۰۸، ۸۲، ۹۱، ۲۲۲، ۲۱۱
ربا، ۲۸۰	خلع سلاح، ۲۲۸، ۲۷۰
رجائی، محمدعلی ۵۵، ۸۹	خمینی، روح‌الله موسوی ← امام خمینی
رزمندگان، ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۹۵، ۲۰۵، ۲۲۴	خودسازی، ۷۴، ۲۰۰، ۲۶۴، ۲۶۸
۲۴۶	خودکفائی، ۱۴۷، ۱۶۱، ۱۹۸، ۲۸۵، ۲۸۶
رژیم شاه مخلوع، ۱۳، ۱۴۰	خودمحوری، ۷۱، ۲۲۳
رسانه‌های گروهی، ۴۱، ۲۵۰، ۲۸۷	خوزستان، ۱۳۸، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷
رضاخان، ۳۴، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۱۵۱، ۱۸۷	د
۲۷۵، ۱۸۸	دادگاه‌های ارتش، ۶۱، ۹۴
رمضان ← ماه مبارک رمضان	دادگاه‌های انقلاب، ۲۲۱
روحانیت، ۵۶، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۷، ۱۷۰	دادگستری، ۱۳
۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۹۶، ۲۱۱	دانش ← علم
۲۱۶، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۷۶	دانشجویان، ۵۲
روحانیت و دانشگاه ← دانشگاه و روحانیت	دانشجویان خارج از کشور، ۲۶۰، ۲۶۳، ۲۶۴
روحانی‌نما، ۴، ۲۴، ۸۰، ۱۳۸، ۱۷۶	دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ۱۴۲، ۱۴۶
روزنامه ملا نصرالدین، ۷	۱۴۹
روستا، ۷۷	دانشگاه، ۱۵۷، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰
روسیه ← شوروی	۲۲۹
روشنفکران، ۸۳، ۱۷۱، ۱۹۶	دانشگاه و روحانیت، ۲۰۶، ۲۱۰، ۲۱۱
روضه‌خوانی، ۱۵۳، ۱۵۶	دزفول، ۱۳۸
ز	دعائی، محمود (حجت‌الاسلام) ۴۲
زراعت ← کشاورزی	دولت، ۱۴، ۱۵، ۵۵، ۱۸۳، ۱۸۷، ۱۸۸، ۲۰۲
زن، ۳۱، ۳۶، ۶۸، ۶۹، ۷۰	۲۵۴، ۲۵۶، ۲۸۷
ژ	دولتمردان ← مسؤولین مملکتی
ژاپن، ۱۶۲، ۲۸۷	ده ← روستا
ژاندارمری، ۵۷، ۵۹	دین، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۶۵
س	ر
سادات، محمد انور ۳، ۳۵، ۸۱	رادیو تلویزیون، ۲۴۹
	رادیوهای بیگانه، ۳۸

شهدا، ۱۱، ۱۲۲، ۲۱۳، ۲۷۲، ۲۷۳	سازشکاری، ۱۳۷
شهربانی، ۵۷، ۱۹۰	سازمان امنیت ← ساواک
شیخ فضل‌الله نوری ← نوری، شیخ فضل‌الله	سازمان ملل متحد، ۶۸
شیخ‌نشین‌های خلیج فارس، ۱۱۲	ساواک، ۱۴۰، ۱۷۶
شیرازی، محمدتقی (میرزا) ۱۷۶، ۱۷۵	سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۱، ۳۹، ۵۹، ۲۰۱
شیرازی، محمدحسن (میرزای بزرگ) ۱۷۵	سخنرانی‌ها، ۲۰۰، ۲۰۳، ۲۸۱، ۲۸۶
شیرازی، (آیت‌الله) ۸۷	سربازی، ۶۰
ص	سفارت آمریکا ← اشغال لانه جاسوسی آمریکا
صبر، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵	سفارتخانه‌ها، ۲۶۰، ۲۶۳
صدام حسین، ۳۵، ۸۱، ۹۰، ۹۲، ۱۰۱، ۱۰۲	سفرها، ۲۶۱
۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۹، ۱۲۴، ۱۲۷، ۱۲۸	سنی ← اهل سنت
۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۸، ۱۵۸، ۱۶۳، ۱۶۵، ۲۳۵	سوادآموزی، ۲۲۸، ۲۳۱
صدر، بنت‌الهدی ۱۱۰	سیاست، ۲۳، ۱۵۴، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸
صدر، محمدباقر (آیت‌الله) ۱۱۰	سیاست خارجی، ۱۴۷، ۲۶۲
صدر، موسی (حجت‌الاسلام) ۴۹	سیاهان آمریکا، ۱۶۷
صدر اسلام ← تاریخ اسلام	سینما رکس آبادان، ۳۶
صدور انقلاب، ۱، ۲، ۲۱، ۴۷، ۶۸، ۸۰، ۱۲۷	ش
۱۶۶، ۲۶۱، ۲۶۲	شاه مخلوع ← محمدرضا پهلوی
صلح، ۱۰۹، ۱۲۹، ۱۳۶	شایعات، ۹۴، ۲۸۸
صنعت، ۲۸۶	شایعه‌سازی ← شایعات
ض	شطی، حبیب ۱۲۸
ضدانقلاب، ۳۶، ۱۷۰، ۲۷۰	شعائر اسلامی، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۷۱
ط	شکایات، ۲۲۱
طاغوت، ۷۵	شورای عالی دفاع، ۱۱۷
طالقانی، محمود (حجت‌الاسلام) ۶۷	شورای عالی قضائی، ۱۷
	شوروی، ۳، ۹، ۳۷، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۸۱، ۱۸۲، ۲۵۷، ۲۴۱
	شهادت، ۱۰، ۶۵، ۲۷۳، ۲۷۴

فرهنگ، ۱۹۷	ع
فرهنگ استعماری، ۴۰، ۴۱، ۶۹، ۱۹۷، ۲۱۰	عاشورا، ۱۵۶، ۱۷۱، ۱۸۲
فساد، ۴۰	عراق، ۳۴، ۸۱، ۸۳، ۸۴، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۶
فطرت، ۲۶۱	۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۱۵
فلسفی، محمدتقی (حجت الاسلام) ۱۶۱	۱۱۶، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۵، ۱۲۸
فیض، محمد ۱۵۱	۱۳۶، ۱۳۹، ۱۴۹، ۱۶۸، ۱۷۵، ۱۸۱
فیضیه و دانشگاه — دانشگاه و روحانیت	۲۲۶، ۲۷۰
ق	عزاداری سیدالشهداء، ۱۵۶، ۱۷۱، ۱۸۲
قاضی، ۱۶، ۱۷	عشایر، ۲۷۵
قدرت طلبان، ۷۴، ۲۲۳	عفلق، میشل ۹۵، ۱۰۴
قرآن، ۱۹۹	عفو، ۲۷۰
قصاص، ۱۶	علم، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۶۶، ۲۶۷
قضاوت، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۲۲۱	۲۶۸، ۲۶۹
قلم، ۲۲۹، ۲۳۰	علی بن ابیطالب — امام علی (ع)
قم، ۵۱، ۵۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۷	علی بن موسی الرضا (ع) — امام رضا (ع)
قومیت، ۸۱، ۱۶۴	عمل صالح، ۲۰۲، ۲۴۳
قوه قضائیه — دادگستری	عید فطر، ۱
قیام، ۳۲، ۳۳، ۱۴۳، ۱۶۷	عید قربان، ۱۲۱
ک	عیسی بن مریم (ع) ۲۵۱
کارتر، جیمی ۱۳۵	غ
کارمندان دولت، ۱۵	غرب، ۱۸۴
کاشانی، ابوالقاسم (آیت الله) ۶۹، ۱۵۲، ۲۱۶، ۲۱۷	غربزدانی، ۲۶۲، ۲۸۴
کتاب، ۲۴۹	غربزدگی، ۴۳، ۸۳، ۲۸۳
کردستان، ۴۴، ۴۶، ۷۹	ف
کروبی، مهدی (حجت الاسلام) ۲۱۵	فتاوی امام، ۱۸۶
کشاورزی، ۱۶۱، ۱۶۲	فدائیان خاق، ۱۷۰
کشف حجاب، ۶۸، ۷۰، ۱۵۲	فراریان، ۱۸۶، ۱۹۳
کشورهای اسلامی، ۱، ۳، ۲۴، ۴۷، ۸۰، ۱۰۴	فرصت طلبان، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹

- ۱۴، ۱۳، ۵، ۲. مجلس شورای اسلامی، ۱۶۷، ۱۶۶، ۱۲۹، ۱۲۷، ۱۲۶، ۱۲۴، ۱۱۲
- مخاصره اقتصادی، ۲۴۴، ۱۴۷، ۱۴۵، ۱۲۵
- مخاصره سیاسی، ۱۴۷، ۱۴۶، ۱۲۵
- محرم ← ماه محرم
- محمد بن عبدالله (ص) ← حضرت محمد (ص)
- محمدرضا پهلوی، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۷، ۱۹۱
- مخترعین، ۱۹۸
- مدارس، ۲۵۱، ۱۹۴، ۹۰
- مدرس، حسن (آیت الله)، ۲۶۱، ۲۰۹
- مردم ← ملت
- مرعشی نجفی، شهاب الدین (آیت الله)، ۸۶، ۱۰۵
- مساجد ← مسجد
- مسائل قومی ← قومیت
- مستضعفین، ۱۶۷، ۷۷، ۷۲، ۲۱، ۱۴، ۱
- مسجد، ۱۷۷، ۱۷۶، ۱۵۵، ۱۲۴
- مسلمانان، ۱۶۶، ۱۶۴، ۱۲۶، ۸۳، ۴۸، ۴۵
- مسئولین مملکتی، ۷۵، ۷۳، ۷۲، ۷۱، ۸، ۱
- ۲۳۶، ۱۹۲، ۱۸۹، ۱۷۲، ۸۷، ۸۶، ۸۵، ۷۷
- ۲۶۸، ۲۵۹، ۲۵۴، ۲۵۰، ۲۴۹، ۲۳۷
- مسیح ← عیسی بن مریم (ع)
- مسیحیت، ۱۸۰
- مشروطیت، ۲۴۴، ۱۷۵
- مصادره اموال، ۲۷۱، ۲۲۱، ۱۹۳
- مصاحبه، ۱۱۶
- مطبوعات، ۲۴۷، ۱۷۲، ۹۴، ۷۵، ۴۱، ۴۰
- ۲۴۸، ۲۵۱، ۲۵۰، ۲۴۹، ۲۴۸
- معلم، ۲۶۹، ۲۶۸، ۲۶۷، ۵۴، ۵۲
- مفتی اعظم، ۳
- مقام، ۲۳۷، ۲۳۶، ۲۳۵، ۷۱
- کعبه ← خانه خدا
- کلانتری، ۱۹۰، ۱۸۵
- کمبودها، ۲۴۱
- کمک رسانی به جبهه های جنگ، ۱۹۲، ۱۳۴، ۲۸۱
- کمک مردم به جبهه ← کمک رسانی به جبهه های جنگ
- کمونیسم، ۲۰۸
- کنفرانس زن، ۶۸
- گ
- گرافروشی، ۲۸۰
- گروگانها، ۱۴۹، ۱۴۳، ۸۴
- گروگانگیری جاسوسان آمریکایی ← اشغال لانه جاسوسی آمریکا
- گروه گرای، ۲۸۷
- گروه های سیاسی، ۲۲۳، ۱۰۶، ۹۱
- گلبایگانی، محمدرضا (آیت الله)، ۲۰۴، ۸۵
- ل
- لانه جاسوسی آمریکا ← اشغال لانه جاسوسی آمریکا
- لبنان، ۵۰
- لیبی، ۴۹
- م
- مالک اشتر، ۱۹۰
- ماه مبارک رمضان، ۱۵۵
- ماه محرم، ۱۵۵، ۱۵۳
- منخص ← تخصص

نهضت سوادآموزی، ۲۲۸، ۲۳۱	ملت، ۹، ۲۲، ۲۹، ۳۸، ۴۳، ۷۲، ۸۳، ۱۰۱
نیت، ۱۳۰	۱۱۸، ۱۲۵، ۱۳۵، ۱۴۴، ۱۷۳، ۱۸۸
نیروهای انتظامی، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۱۸۳، ۱۸۴	۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۴، ۲۰۰
۲۷۶، ۲۸۲	۲۰۳، ۲۵۶
نیروهای مسلح ← نیروهای انتظامی	ملی‌گرائی، ۵۰، ۸۱، ۲۲۵
نیروی هوایی، ۲۴۰	مناطق جنگی، ۱۰۸، ۱۱۷
و	منافق، ۲۰۲
وابستگی، ۱۴۸، ۲۵۸	موازین اسلامی، ۲۷۱
وحدت، ۲۳، ۱۷۳، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۰۰، ۲۰۳	موسوی خمینی، روح‌الله ← امام خمینی
۲۳۲	مولانی، (حجت‌الاسلام) ۸۸
وحدت اسلامی، ۱، ۳، ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۴۵، ۵۰	مهاجرین جنگ تحمیلی، ۱۱۲، ۱۵۵، ۱۵۸
۱۰۴، ۱۲۶، ۱۶۴، ۲۲۵	۱۵۹، ۲۳۴، ۲۷۳
وزراء، ۱۴، ۵۵	میرزای شیرازی ← شیرازی، محمدحسن
وطن ← میهن	(میرزا)
وعاظ السلاطین ← روحانی‌نما	میهن، ۵۰، ۸۱، ۹۸
ه	ن
هفته شهریور، ۶۵	نجفی، شهاب‌الدین مرعشی (آیت‌الله) ←
هندوستان، ۱۶۲، ۲۸۷	مرعشی نجفی، شهاب‌الدین (آیت‌الله)
هوای نفس ← نفس	نظام‌زاده، محمدعلی (حجت‌الاسلام) ۲۰
هیأت‌های هفت‌نفره، ۲۲۰، ۲۲۱	نظام‌وظیفه ← سربازی
ی	نظم، ۱۵، ۱۷، ۲۶، ۳۹، ۵۹
یأس، ۲۸۶	نفس، ۷۱، ۷۴
یوم‌الله، ۶۵	نماز، ۲۸۰
	نمازجماعت، ۱۵۵
	نماز جمعه، ۱۲۴، ۱۵۵، ۲۲۲
	نماز عید، ۱۵۵
	نماینده امام، ۱۹، ۲۰
	نوری، شیخ فضل‌الله، ۱۷۵، ۲۱۱
	نهادهای انقلابی، ۲۶، ۲۲۰، ۲۵۸، ۲۸۸
	نهضت تنباکو، ۱۷۵

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

